# انجیل عیسی مسیح

عهد جدید

ترجمه کورپو

ترجمه استاندارد فارسی
در همخوانی کامل با متن اصلی یونانی

# عهدجدید

ترجمه کورپو

ترجمه استاندارد فارسی از زبان یونانی در همخوانی کامل با متن اصلی یونانی
چاپ اوّل، ۲۰۲۵ میلادی
انتشارات کورپو
حق چاپ محفوظ

شابک: ۹۷۸-۱-۹۱۹۲۴۰۲-۳-۷
ISBN: 978-1-9192402-3-7

# The New Testament

Persian Standard Version

In full correspondence with its original Greek
and
ESV
First Printing **2025**

Copyright ©
KÖRPÜ Company

All rights reserved.
KÖRPÜ Publications
www.korpu.org

KÖRPÜ
Building Bridges with the Word

# پیشگفتار

## تاریخ ترجمه کتاب مقدس در ایران

تا قبل از قرن ۱۳ میلادی هیچ ترجمهٔ کاملی از تورات و انجیل به به زبان فارسی در دسترس نمی‌باشد. چاپ نرسیده بود. در نیمه دوم قرن ۱۳ میلادی، مسیحیانی که پس از حمله مغول در شرق و شمال ایران متواری بودند، از یک دانشمند تبریزی که به آن نواحی سفر کرده بود، تقاضا کردند جهت استفادهٔ خود و فرزندانشان انجیل را به زبان فارسی ترجمه کند. هرچند نام این دانشمند تبریزی به وضوح مشخص نشده، ولی احتمال می‌رود که همان "عزالدین محمد ابن مظفر" باشد که بعدها در دستگاه حکومت ایلخانیان به شغل مهمی منصوب شد.

بدون شک عزالدین ترجمه خود را از متن سُریانی انجیل انجام داد. این ترجمه به یونانی "دیاتِسِرون" Diatessaron خوانده می‌شود و توسط یک سریانی بنام تاتیان (تاتیانوس) گردآوری شده است. متأسفانه از نسخه اصلی انجیل که توسط عزالدین ترجمه شده، هیچ اثری باقی نمانده است، اما از نسخی که طی سه قرن بعد از روی آن رونویسی گردیده، چهار نسخه در دست است که جالب‌ترین و معروف‌ترین آنها توسط فردی سُریانی به نام "اوراهم بار شمشه عبدالله" (ابراهیم ابن شماس عبدالله) تحریر گردیده است. این نسخه هم اکنون در کتابخانه معروف شهر فلورانس ایتالیا نگهداری می‌شود و در زمان سلطنت شاه طهماسب اول (۱۵۲۴-۱۵۷۷) توسط اسقف ارمنی شهر سلماس به پاپ هدیه شده است. صفحه عنوان کتاب با خطوط درشت سُریانی تزیین یافته و دارای سه نوع تاریخ هجری، یونانی، و میلادی می‌باشد.

پیشگفتار

اسفار خمسه موسی (۵ کتاب اول عهد عتیق) در سال ۱۵۴۶ میلادی توسط یک نفر کلیمی ایرانی به نام "یعقوب ابن یوسف طاووس" به فارسی ترجمه گردید و توسط شخصی به نام E. B. G. Soncino با حروف عبری در استانبول کنونی به چاپ رسید.

در این زمینه از جمله کتبی که در کتابخانه ملی پاریس موجود است "مزامیر داوود" می‌باشد که در سال ۱۶۰۱ میلادی توسط دانشمندی ایرانی به نام "شمس‌الدین خنجی" ترجمه شد و علاوه بر آن در سال ۱۶۰۴ میلادی کتاب‌های "امثال سلیمان" و "روت" توسط پسر "شیخ عبدالوهاب کوالیاری" در دارالسلطنه شهر "اگمره" از نسخ فارسی نقل شده‌اند.

در آخرین دهه قرن ۱۶ مردی ادیب و دانشمند به نام ریموندی Raimondi که مدیر چاپخانهٔ شرقی مدیچی‌های فلورانس بود، دو برادر ایتالیایی بنام ویچیتی Vicciettі را جهت خرید کتب خطی به ایران و هند اعزام کرد. این دو برادر، نخستین اروپائیانی هستند که ترجمه‌های کتاب مقدس را از هند و ایران خریداری نموده و با خود به ایتالیا بردند. از جزئیات بیشتر و عناوین کتابها اطلاعی در دست نیست.

شاه عباس صفوی، یکی از کشیشان اسپانیایی مقیم دربار به نام "خوآن تادئو دی سان الیزئو" خلیفهٔ فرقه کرملی‌های پابرهنه مقیم اصفهان را که "پدر جیووانی" خوانده می‌شد، مأمور کرد تا مزامیر داوود را به فارسی ترجمه کند. نامبرده این وظیفه خطیر را به انجام رسانید و در ماه ژوئن ۱۶۱۸ میلادی به عزم دیدار شاه که در آن دوران در قزوین اقامت داشت، به آن شهر رفت و علاوه بر مزامیر داوود، نسخه‌ای از عهد جدید را که نیز به زبان عربی چاپ شده بود، همراه برد تا ضمن ارائه ترجمه مزامیر، شاه را از صنعت چاپ و نشر کتاب‌مقدّس به زبان عربی آگاه سازد.

شاه به مزامیر داوود و به طور کلی به کتاب‌مقدّس مسیحیان احترام زیادی می‌گذاشت و هر بار که این کتاب را به دست می‌گرفت، آن را بوسیده و بر سر خود می‌نهاد. شاه دستور داد آنها را در میان اشیای مورد علاقه‌اش بگذارند و فرمان داد که هر کس که به این کتاب احترام نگذارد، کافر است. یک محقق اروپائی به نام لودویک دو دیو Ludovic De Dieu در سال ۱۶۳۹ میلادی دو فصل از کتاب پیدایش را به فارسی ترجمه و منتشر کرد. در اواسط قرن ۱۷ میلادی یک جوان فرانسوی به نام پییر دی وله Pier Di Valeh که مترجم زبان فارسی در دربار شاه فرانسه بود، در تهیه یک انجیل به چند زبان در پاریس شرکت کرد و انجیل را به زبان فارسی ترجمه و به چاپ رسانید .در سال ۱۶۵۷ میلادی شخصی به نام جاکوب فلشر Jacob Flesher نسخه‌ای را که ابراهام ویلاک Abraham Whelock به فارسی ترجمه کرده بود، در شهر لندن به چاپ رساند. ویلاک در ترجمه آن از تعدادی نسخ خطی موجود در کتابخانه‌های دانشگاه آکسفورد و کمبریج و به ویژه از یکی از نسخ که متعلق به قرن ۱۴ میلادی بود، بسیار سود جست. با وجود اینکه این

نسخه مملو از لغات عربی است، ولی مورد استناد و استفاده مترجمین بعدی از جمله "هنری مارتین" انگلیسی قرار گرفته است.

"شارون"سیاح و نماینده سیاسی فرانسه در دربار ایران از سال ۱۶۶۶ میلادی به بعد در اصفهان شروع به فراگیری زبان فارسی نمود و در همان موقع انجیلی را به فارسی برای وی رونویسی کردند که آن انجیل هم اکنون در کتابخانه "ریلاندز" منچستر حفظ می‌شود. لیکن معلوم نیست که اصل آن متعلق به چه دوره‌ای است و توسط چه کسی به فارسی ترجمه شده است.

در سال ۱۷۴۰ میلادی، نادرشاه افشار، پادشاه ایران دستور داد که ادیان، کتاب‌های دینی خود را ترجمه کنند؛ روحانیون یهودی ساکن ایران کتاب دینی خود یعنی تورات را، علمای اسلام قرآن را، کشیشهای کاتولیک اروپایی مقیم ایران، اناجیل متّی، مرقس، لوقا و یوحنا و خلیفه‌های ارمنی هم بقیه قسمت‌های عهد جدید از قبیل اعمال رسولان را به فارسی ترجمه کردند. این کار تحت نظارت یکی از منشی‌های دربار نادرشاه به نام "میرزا مهدی" و چند نفر از همکارانش در مدت شش ماه انجام گرفت. تصور می‌رود این ترجمه‌ها به علت علاقه نادرشاه و بنا به درخواست بعضی از علمای آن زمان انجام گردیده و توسط ماشین‌های کوچکی که به ایران وارد شده بود، به چاپ رسیده است.

مترجمین برای ارائه کار خود به شهر قزوین که در آن زمان محل سکونت شاه بود، رفتند و مورد پذیرایی و استقبال قرار گرفتند. نادرشاه مبلغ یک صد تومان به آنها هدیه داد تا آن را به انصاف بین خود تقسیم کنند. اصل ترجمه فارسی تورات موسی در کتابخانه ملی پاریس موجود است. این ترجمه با خطی بسیار زیبا و منقش تهیه شده بود. در این ترجمه یک سطر عبری و یک سطر بزرگ به رنگ قرمز به زبان فارسی نوشته شده است. این نسخه قبل از این که در کتابخانه ملی پاریس جای گیرد، روزگاری به یکی از شاهزادگان قاجار به نام "فرهاد میرزا" فرزند عباس میرزا، ولیعهد ایران، تعلق داشته است.

در رابطه با انجیل به زبان فارسی اقدامات دیگری نیز توسط دانشمندانی دیگر صورت گرفت از جمله می‌توان به یک کشیش کاتولیک به نام "پدر لئو پولدو سباستینی" که سالیان درازی در ایران اقامت داشت و زبان فارسی را خوب می‌دانست، اشاره کرد. پدر لئو اقدام به ترجمه کتاب‌مقدّس کرد که در سال ۱۸۱۳ میلادی در کلکته و در چاپخانه‌ای به نام Protestant Calcutta Bible Society در هزار نسخه به چاپ رسید. انجیل متی نیز توسط یک عرب مسیحی به نام میرزا "ناتائیل ثبات"و تحت سرپرستی هنری مارتین در چاپخانه Mission Press Baptist شهر سرامپور هند برای انجمن کتب‌مقدّسهٔ انگلیس در سال ۱۸۰۹ م. به چاپ رسید. ترجمه عهد جدید "هنری مارتین" بعد از بازبینی درسال ۱۸۱۶ م. توسط انجمن کتاب‌مقدّس انگلیس در هندوستان انتشار یافت. این ترجمه به دلیل کیفیت خوب پایه‌ای برای

دیگر ترجمه‌ها شد. این ترجمه در عین حال اولین ترجمه‌ای بود که برای مطالعه شخصی و مراسم مذهبی توسط روحانیون مسیحی و مردم عادی به صورت گسترده استفاده می‌شد. چاپ سوم آن نیز درسال ۱۸۲۷ م. در چاپخانه ناشر معروف لندن به نام ریچارد واتسون انتشار یافت.

چند سال بعد در سال ۱۸۴۷ م. در شهر ادینبورگ اسکاتلند به چاپ چهارم رسید و چاپ ششم آن در سال ۱۸۷۶ م. با حروف سُربی در چاپخانه مجهز گیلبرت ریونگتون لندن در ۵۳۲ صفحه منتشر گردید. تمام دانشمندان که پس از آن اقدام به ترجمهٔ فارسی انجیل کردند، از آن استفادهٔ شایانی بردند و برای بیش از نیم قرن مورد تأیید و استفادهٔ همگان بود. این کتاب توسط "انجمن کتاب‌مقدّس بریتانیا و دیگر ممالک" با حروف عبری برای جماعت کلیمیان فارسی زبان به سال ۱۸۴۷ م. چاپ و منتشر گردید.

عهد عتیق توسط توماس رابینسون، کشیش شهر بونا و استاد زبان عربی در دانشگاه کمبریج با همکاری یک کاتب فارسی‌زبان گمنام در فاصلهٔ سالهای ۱۸۲۷ - ۱۸۳۷ م. ترجمه و در ۳ جلد چاپ شد، ولی استقبال چندانی از آن نشد. در همان زمان دانشمندی انگلیسی بنام ویلیام گلن William Glen عضو سازمان میسیونری اسکاتلند با همکاری "میرزا محمد جعفر شیرازی" زمانی که در آستراخان بود، مزامیر را به فارسی ترجمه کرد که در سال ۱۸۳۵ م. در ادینبرگ چاپ شد . گلن همچنین امثال را در سال ۱۸۴۱ م. ترجمه و با هزینهٔ انجمن کتاب‌مقدّس بریتانیا و دیگر ممالک" چاپ کرد. در سال ۱۸۴۶ م. بود که کتاب‌مقدّس کامل شامل ترجمهٔ عهد عتیق گلن و ترجمه عهد جدید مارتین، منتشر شد.

در سال ۱۸۸۳ م. مزامیر توسط بابا نوریل به فارسی ترجمه و در وین، پایتخت اتریش، چاپ شد. البته با ورود رابرت بروس انگلیسی در سال ۱۸۶۹ م. جنب و جوش تازه‌ای برای ترجمهٔ انجیل به فارسی آغاز شد. بروس ابتدا انجیل مرقس را به طور کامل ترجمه کرد و بعد از ترجمه دیگر اناجیل، در سال ۱۸۸۱ م. آنها را با خود به انگلیس برد و بعد از اصلاحاتی که پروفسر پالمر بر آن داشت، در تیراژ ۶۰۰۰ نسخه به چاپ رسانید. به خاطر همین کار عظیم ترجمه، رابرت بروس، دکترای افتخاری الهیات را از Dublin Trinity College دریافت نمود.

البته عهد جدید آن به صورت مجزا در۱۸۸۲ م. چاپ گردید. رابرت بروس به کمک "قاراپت اوهانس" اهل جلفا و چند تن دیگر با صرف ۲۰ سال وقت این ترجمه را مورد بازنگری و اصلاح قرار داد. حاصل تلاش آنها به صورت کتاب‌مقدّس کامل در سال ۱۸۹۵م. در لایپزیگ به وسیله انجمن کتاب‌مقدّس انگلیس منتشر شد که تا کنون مورد استفاده قرار دارد و به ترجمه قدیمی معروف است.

این ترجمه بدون هیچ تغییر در کلمات و ساختار جملات و فقط با رعایت قواعد جدید رسم الخط فارسی، نقطه‌گذاری‌های مناسب، تعیین عنوان برای هر بخش که از یک یا چند پاراگراف تشکیل شده،

ارجاعاتی برای آیات مشابه توسط آرمان رشدی کار و با حروف‌چینی جدید در سال ۱۹۹۶ توسط سازمان ایلام چاپ گردید.

یک میسیونر آمریکایی به نام "ویلیام میلر" که سالیان دراز در تهران سکونت داشت، اقداماتی در جهت ترجمه کتاب‌مقدّس به عمل آورد. وی ابتدا اعمال رسولان را به فارسی ترجمه کرد و آن را در ۱۹۳۲م. در لایپزیگ آلمان به چاپ رسانید. سپس به اتفاق "دکتر علی نخستین" که بعدها نامش به "عدل نخستین" تغییر یافت، انجیل لوقا را به فارسی در آورد که آن هم در سال ۱۹۳۴م. در لایپزیک منتشر گردید.

اناجیل چهارگانه ترجمه بروس با خط جلیل قزاق که از خطاطان و خوشنویسان به نام بود، به طور جداگانه تحریر شد و در سال ۱۹۵۵م. "انجمن انتشار کتب‌مقدّسه در میان ملل" آن را منتشر نمود.

در نیمه دوم قرن بیستم میلادی دو ترجمه از عهد جدید به زبان فارسی انجام شد. این دو ترجمه نسبت به ترجمه قدیمی که تحت‌الفظی است، به مراتب آزادترند.

انجمن کتاب‌مقدّس ایران در سال ۱۹۷۶م. عهدجدید را تحت عنوان "مژده برای عصر جدید" به چاپ رسانید که به وسیله "شمس اسحاق" پزشکی از شهر کرمانشاه و"ادوین اچ یگر Edvin.H.Jeager یک معلم آمریکایی ترجمه شده بود. کشیش مهدی عبهری، شبان کلیسای انجیلی تهران، و لوئیس جانسن از میسیون پرزبیتری آمریکا، ویرایش این ترجمه را به عهده داشتند. این ترجمه در واقع کار مشترکی بود که با مشارکت همهٔ کلیساهای مسیحی در ایران (کاتولیک، ارتدکس شرق آشوری و پروتستان) حمایت می‌گردید. چاپ دوم آن، دو سال بعد در سال ۱۹۷۸م. و بزودی چاپ سوم آن با عنوان «انجیل شریف» چاپ و پخش شد.

کار ترجمه عهد عتیق آن در خارج از ایران توسط "انجمن کتاب‌مقدّس ایران در غربت" ادامه یافت و در نهایت کتاب‌مقدّس کامل «مژده برای عصر جدید» که به کتاب‌مقدّس مژده معروف است، در سال ۲۰۰۷ چاپ و پخش گردید.

"انجیل عیسی مسیح-ترجمه تفسیری" عهد جدید به وسیله کشیش سارو خاچیکیان از کلیسای جماعت ربانی ایران همراه با مترجمینی چون مهدی دیباج، و دکتر فریدون موخوف و دیگران در اسفند ۱۳۵۷چاپ گردید. سپس همان انجیل در سال ۱۹۸۳ میلادی در تیراژی معادل ده هزار جلد در ایران تجدید چاپ شد. ترجمه کامل کتاب‌مقدّس تفسیری در سال ۱۹۹۵م. توسط انجمن بین‌المللی کتاب‌مقدّس چاپ گردید.

آخرین ترجمه از کتاب مقدس به نام "هزارهٔ نو" معروف است که قبلاً به نام پروژه میکائیلیان، کشیش شهید کلیسای پرزبیتری، معروف بود. این ترجمه به همت سازمان ایلام از سال‌های ۱۹۹۶ شروع شد و

تیم بزرگی از مترجمین به سرپرستی دکتر مهرداد فاتحی به این کار همت گماشتند. کتاب‌های ترجمه فوق به شکل تدریجی در طول سال‌ها به چاپ رسید و نهایت در سپتامبر سال ۲۰۱۴ به صورت کامل چاپ و پخش گردید.

در این میان، چند سال پیش یک ترجمهٔ مطالعه‌ای کتاب‌مقدّس(Study Bible) بر اساس ترجمه تفسیری صورت گرفت که در تیراژ پایین برای توزیع در داخل ایران چاپ شد، لیکن به دلیل مشکلات برای انتقال آن به داخل، کتاب فوق به شکل رایگان در میان کلیساهای ایرانی خارج از کشور پخش گردید. این نسخه بیشتر به صورت الکترونیکی در دنیای مجازی موجود است.

از سال‌های ۱۹۹۰ سازمان ترجمه کتاب‌مقدّس ویکلیف تلاش همه جانبه‌ای برای ترجمه کتاب‌مقدّس به زبان‌های قومی ایران آغاز کرد. اولین پروژه ترجمه در این زمینه، پروژه ترجمه کتاب‌مقدّس به زبان آذری بود. این ترجمه توسط تیمی قوی از مترجمین آذری زبان به سرپرستی دکتر فریدون موخوف انجام و در سال ۲۰۱۴ توسط سازمان ایلام به چاپ رسید. از آنجا که زبان‌های قومی در ایران بیشتر به شکل شفاهی باقی مانده است، متن صوتی تمامی کتاب‌مقدّس در داخل این کتاب موجود می‌باشد و مردم را در خواندن و شنیدن این کلام کمک می‌نماید. این کتاب‌مقدّس در سایت سازمان کورپو به شکل دیجیتال، هم صوتی و هم نوشتاری، بارگذاری شده است.

در سال ۲۰۱۷ دکتر فریدون موخوف که رهبری سازمان ترجمه کتاب مقدس کورپو را به عهده دارد، تحت پوشش Seed Company و Wycliffe Bible Translators UK ، پروژه‌های همه جانبه ترجمه در زبان‌های قومی ایران را آغاز نمود. در حال حاضر ترجمه کتاب مقدس در زبان‌های لُرِی شمالی، لُرِی جنوبی، لُرِی بروجردی، بختیاری، مازندرانی شرقی، مازندرانی غربی، گیلماز، گیلکی شرقی، گیلکی غربی، گیلکی فومنات، قشقایی، تالشی شمالی، تالشی مرکزی، تاتی، تاتی لرد، تاتی مهستان، دزفولی، بندری، لکی شمالی، لکی مرکزی، کردی جنوبی، کردی شکاکی، عربی اهوازی، اچَومی، سیستانی، بلوچی زاهدان، بلوچی چابهار، ترکمنی، سمنانی و سنگسری به قوت به پیش می‌روند و نسخه‌های صوتی و تصویری آن به موازات این ترجمه‌ها از طریق رسانه‌های ارتباط جمعی در اختیار هموطنان عزیز ما قرار می‌گیرند. سازمان کورپو در سال ۲۰۲۲ ترجمه قدیمی بازنگری شده را در اختیار هموطنان عزیزمان قرار داد و به موازات آن پروژه ترجمه کتابمقدس فارسی استاندارد را نیز آغار نمود که نزدیک‌ترین ترجمه به زبان‌های اصلی عبری و یونانی می‌باشد. این ترجمه در خود تمامی پاورقی‌ها، ارجاعات، توضیحات و مطالب دیگر روحانی ESV Study Bible را خواهد داشت. در حال حاضر ترجمه عهد جدید آن به اتمام رسیده و امید آن می‌رود که در سال ۲۰۲۵ آماده و چاپ شود.

# پیشگفتار

ترجمه‌ای که اکنون در دست دارید، ترجمه استاندارد فارسی است، که به شکل مستقیم از زبان اصلی یونانی ترجمه شده است. تیم مترجمین زبده کورپو همراه با گروه مشاوران ترجمه، نهایت تلاش خود را به کار گرفته‌اند تا این ترجمه به شکل دقیق، طبیعی و گویا به دست شما برسد. در این ترجمه علاوه بر پاورقی‌ها، یاداشت‌های مشاوران ترجمه هم به شکل پاورقی آمده است.

سازمان کورپو در حال ایجاد تارنمایی است که در آن، این ترجمه همراه با یادداشت‌های مشاوران، تفاسیر گوناگون و متن کتاب‌مقدس به زبان‌های مختلف در دسترس شما قرار خواهد گرفت. برای کسب اطلاعات بیشتر، لطفاً به نشانی **www.korpu.org** مراجعه فرمایید. دعای ما این است که این کلام حیات‌بخش، زندگی شما را نیز دگرگون سازد و در حیاتی تازه بین شما و خدا، رابطه‌ای دوطرفه و صمیمانه ایجاد نماید.

## فهرست کتاب‌های عهد جدید


انجیل متی ..... ۱۴
انجیل مرقس ..... ۶۸
انجیل لوقا ..... ۱۰۲
انجیل یوحنا ..... ۱۵۶
اعمال رسولان ..... ۱۹۶
رساله رومیان ..... ۲۴۶
رساله اوّل قرنتیان ..... ۲۶۸
رساله دوّم قرنتیان ..... ۲۸۸
رساله غلاطیان ..... ۳۰۱
رساله افسسیان ..... ۳۰۹
رساله فیلیپیان ..... ۳۱۶
رساله کولسیان ..... ۳۲۲
رساله اوّل تسالونکیان ..... ۳۲۷
رساله دوّم تسالونکیان ..... ۳۳۲
رساله اوّل تیموتائوس ..... ۳۳۵
رساله دوّم تیموتائوس ..... ۳۴۱
رساله تیتوس ..... ۳۴۶
رساله فیلیمون ..... ۳۴۹
رساله عبرانیان ..... ۳۵۱
رساله یعقوب ..... ۳۶۷
رساله اوّل پطرس ..... ۳۷۳
رساله دوّم پطرس ..... ۳۷۹
رساله اوّل یوحنا ..... ۳۸۳
رساله دوّم یوحنا ..... ۳۸۹
رساله سوّم یوحنا ..... ۳۹۱
رساله یهودا ..... ۳۹۳
مکاشفه یوحنا ..... ۳۹۵

# انجیل متّی

## نکاتی چند درباره انجیل متّی

انجیل‌های متّی، مَرقُس و لوقا، اناجیل همانند و یا همنظر خوانده می‌شوند، زیرا میان ساختار و مطالب آنها شباهت بسیار وجود دارد. انجیل چهارم، یعنی انجیل یوحنا، از نظر ساختار و محتوی با آن سه فرق می‌کند.

در نگارش انجیل متّی هدف بر اثبات این مطلب است که عیسای ناصری همان 'مسیح موعود' عهد عتیق می‌باشد که پادشاه موعود و نجات‌دهنده ملت اسرائیل به شمار می‌رود که ظهورش در کتب مقدّس یهودیان وعده داده شده بود. با توجه به این مطلب مخاطب نخستین این انجیل ملت یهود و یهودی زبان بوده است. از این رو نیز جای تعجب ندارد که در این انجیل بیش از دیگر اناجیل با پیشگویی‌های عهد عتیق مواجه شویم. متّی با آگاهی از اینکه خوانندگانش از آیین و رسوم یهودی به خوبی آگاهند، درباره آنها توضیحی ارائه نمی‌کند.

علاوه بر این، انجیل متّی انجیل شاگردسازی هم هست، چرا که در آن عیسی مسیح در مقام معلّمی بزرگ ظاهر می‌گردد و با اقتدار، شریعت را تفسیر و پادشاهی خدا را تشریح می‌کند. یکی از ویژگی‌های انجیل متّی آن است که بیشترِ تعالیم عیسی را با هم در چند بخش گرد آورده است. این بخشهای تعلیمی عبارتند از:

۱. موعظه بالای کوه (فصل‌های ۵-۱۰)
۲. دوازده شاگرد و مأموریت آنها (فصل ۱۰)
۳. مَثَل‌هایی درباره پادشاهی آسمان (فصل ۱۳)
۴. معنی شاگردی (فصل ۱۸)
۵. پایان عصر حاضر و آمدن پادشاهی آسمان (فصل‌های ۲۴ و ۲۵)

### تقسیم‌بندی کلّی

- تولد و کودکی عیسی (فصل‌های ۱ و ۲)
- آماده شدن عیسی برای رسالت خود (فصل‌های ۱:۳ تا ۱۱:۴)
- خدمات عیسی در جلیل (فصل‌های ۱۲:۴ تا ۱۲:۱۴)
- کناره‌گیری عیسی از جلیل (فصل‌های ۱۳:۱۴ تا ۲۱:۱۷)
- آخرین خدمات عیسی در جلیل (فصل‌های۲۲:۱۷ تا ۳۵:۱۸)
- خدمات عیسی در یهودیه و نواحی شرق رود اُردن (فصل‌های ۱۹ و ۲۰)
- هفته آخر زندگی زمینی عیسی و رنجهای او (فصل‌های ۲۱ تا ۲۷)
- رستاخیز عیسی مسیح (فصل ۲۸)

## تبارنامه عیسی مسیح

**لوقا ۳: ۲۳–۳۸**

۱ کتاب تبارنامه عیسی مسیح، پسر داوود، پسر ابراهیم.
۲ ابراهیم پدر اسحاق بود، اسحاق پدر
یعقوب و یعقوب پدر یهودا و
برادرانش.
۳ و یهودا پدر فِرِص و زِراح از تامار، و
فِرِص پدر حِصرون، و حِصرون
پدر رام.
۴ و رام پدر عَمیناداب، و عَمیناداب
پدر نَحشون، و نَحشون
پدر سَلمون.
۵ و سَلمون پدر بوعَز از راحاب، و بوعَز
پدر عوبید از روت، و عوبید
پدر یِسی،
۶ و یِسی پدر داوود پادشاه.
و داوود پدر سلیمان بود از زن اوریا،
۷ و سلیمان پدر رِحُبعام، و رِحُبعام پدر
اَبیا، و اَبیا پدر آساف.
۸ و آساف پدر یِهوشافاط، و یِهوشافاط
پدر یورام، و یورام پدر عوزیا.
۹ و عوزیا پدر یوتام، و یوتام پدر آحاز، و
آحاز پدر حِزِقیا.
۱۰ و حِزِقیا پدر مَنَسه، و مَنَسه پدر
آموس، و آموس پدر یوشیا،
۱۱ و یوشیا پدر یِکُنیا و برادرانش، در
زمان تبعید به بابِل.
۱۲ بعد از تبعید به بابِل:
یِکُنیا پدر شِئَلتیئیل بود،
و شِئَلتیئیل پدر زِروبابِل،
۱۳ و زِروبابِل پدر اَبیهود، و اَبیهود پدر
اِلیاقیم، و الیاقیم پدر عازور.
۱۴ و عازور پدر صادوق، و صادوق پدر
آخیم، و آخیم پدر اِلیود.
۱۵ و اِلیود پدر اِلیعازار، و اِلیعازار پدر
مَتان، و مَتان پدر یعقوب.
۱۶ و یعقوب پدر یوسف شوهر مریم،
که از او عیسی به دنیا آمد که
ملقب به مسیح است.
۱۷ پس تمامی نسل‌ها از ابراهیم تا داوود
چهارده نسل بودند، و از داوود تا زمان تبعید
به بابِل چهارده نسل، و از تبعید به بابِل تا
مسیح چهارده نسل.

## تولد عیسی مسیح

**لوقا ۲: ۱–۷**

۱۸ حال، تولد عیسی مسیح به این طریق
صورت گرفت. وقتی که مادرش مریم به
یوسف نامزد بود، قبل از اینکه آنها به هم
درآیند، معلوم شد که مریم از روح‌القدس
باردار است. ۱۹ شوهر او یوسف، از آنجا
که مردی صالح بود و نمی‌خواست که مریم
را رسوا سازد، بر آن شد که او را بی‌سر و
صدا طلاق دهد. ۲۰ اما همانطور که در این

---

**۳.۱** در یونانی، آرام، همچنین آیه ٤ **۶.۱** منظور زن سابق اوریاست. مترجمین می‌توانند از واژه سابق استفاده کنند که اغتشاش ذهنی ایجاد نشود. **۷.۱** احتمالا آساف واژه متناوب املایی آسا می‌باشد **۱۰.۱** آموس احتمالا واژه متناوب املایی آمون می‌باشد، در برخی از نسخ قدیمی، آمون خوانده می‌شود، ۲ بار در این آیه **۱۲.۱** یونانی سالاتیئل، ۲ بار در این آیه **۱۸.۱** یعنی از نظر قانون متعهد به ازدواج بودند **۱۸.۱** یعنی همخواب شوند.

چیزها تفکر می‌کرد، اینک، یک فرشته خداوند در خواب به او ظاهر شده، گفت: «یوسف پسر داوود، از اینکه مریم را برای خود به زنی بگیری، نترس. زیرا آنچه که در او قرار گرفته، از روح‌القدس است. ۲۱ او پسری به دنیا خواهد آورد، و تو نام او را عیسی خواهی گذاشت، چونکه او قوم خود را از گناهانشان نجات خواهد داد.» ۲۲ تمامی این چیزها واقع شد تا آنچه که خداوند به زبان نبی گفته بود، به انجام رسد:

۲۳ «اینک، باکره حامله خواهد شد،
و پسری خواهد زایید،
و نام او را عِمانوئیل خواهند خواند»
یعنی خدا با ما.

۲۴ وقتی یوسف از خواب بیدار شد، همانطور که فرشته خداوند به او امر کرده بود به جا آورد؛ زن خود را گرفت، ۲۵ اما با او هم‌خواب نشد تا زمانی که پسری به دنیا آورد. و او نامش را عیسی گذاشت.

### دیدار مغان

۲ پس از آنکه عیسی در بِیت‌لِحِم یهودیه در روزهای هیرودیس پادشاه به دنیا آمد، اینک، مغانی از مشرق‌زمین به اورشلیم آمده، ۲ می‌گفتند: «کجاست آن مولود که پادشاه یهود است؟ زیرا ستاره او را زمانی که برآمد دیده‌ایم و برای پرستش او آمده‌ایم.» ۳ وقتی هیرودیس پادشاه این را شنید، مضطرب شد و تمامی اورشلیم با او. ۴ و همه سران کاهنان و معلمین تورات قوم را جمع کرده، از آنها پرسید که مسیح کجا باید متولّد شود. ۵ آنها به او گفتند: «در بِیت‌لِحِم یهودیه، زیرا از طریق نبی چنین نوشته شده است:

۶ "و تو، ای بِیت‌لِحِم،
در سرزمین یهودا،
در میان فرمانروایان یهودا
به هیچ وجه کوچک نیستی؛
زیرا از تو فرمانروایی ظهور خواهد کرد
که قوم من اسرائیل را
شبانی خواهد نمود."»

۷ آنگاه هیرودیس مخفیانه مغان را فراخواند و از آنان زمان ظهور ستاره را جویا شد. ۸ و آنان را به بِیت‌لِحِم فرستاده، گفت: «بروید و درباره آن کودک به دقت جستجو کنید و وقتی او را یافتید، مرا خبر دهید، تا من نیز بیایم و او را پرستش کنم.» ۹ آنها پس از شنیدن سخنان پادشاه، به راه خود رفتند. و اینک، ستاره‌ای که آن را در زمان برآمدنش دیده بودند، پیشاپیش ایشان می‌رفت تا اینکه بر فراز مکانی که آن کودک در آنجا بود، رسید و ایستاد. ۱۰ وقتی ایشان آن ستاره را دیدند، با خوشحالی عظیم، بسیار شادی نمودند. ۱۱ و به خانه وارد شده، کودک و مادرش مریم را دیدند، و به روی

---

**۲.۰.۱** در دیگر ترجمه‌های فارسی "فرشته خداوند" آمده است که با فرشته خداوند عهد عتیق ممکن است اشتباه گرفته شود. در متن اصلی "یک فرشته خداوند" آمده است که حتی می‌توان به صورت "یکی از فرشتگان خداوند" ترجمه کرد. **۲۲.۱** اشعیا ۷: ۱۴ **۱.۲** به احتمال زیاد همان مغان هستند که در دربار ایران مقام روحانیت را به عهده داشتند و از تحصیلات ستاره شناسی برخوردار بودند. مترجمین اگر در به کارگیری واژه "مغ" مشکل دارند، می‌توانند از واژه "ستاره شناس" استفاده کنند. **۲.۲** یا، در شرق، همچنین آیه ۹ **۴.۲** منظور "مسیح موعود" است. در ترجمه‌های زبانهای شفاهی "مسیح موعود" ترجمه شود که شنونده همان مطلبی را که مخاطب اصلی کلام می‌فهمید، درک کند. **۵.۲** میکاه ۵: ۲

**۱.۲** میکاه ۵: ۲

افتادند و کودک را پرستش کردند. سپس، صندوقچه‌های خود را گشوده، هدایای طلا و کُندُر و مُر به وی تقدیم نمودند. [۱۲] و چون در خواب به ایشان هشدار داده شده بود که به نزد هیرودیس برنگردند، از راهی دیگر به سوی سرزمین خود روان شدند.

### فرار به مصر

[۱۳] و وقتی ایشان روان شده بودند، اینک، یک فرشته خداوند به یوسف در خواب ظاهر شد و گفت: «برخیز، کودک و مادرش را بردار و به مصر فرار کن، و در آنجا بمان تا تو را خبر دهم، زیرا هیرودیس به زودی به جستجوی کودک خواهد افتاد تا او را هلاک کند.» [۱۴] یوسف برخاست و کودک و مادرش را شبانه برداشت و به مصر روان شد [۱۵] و تا مرگ هیرودیس در آنجا ماند. این از آن سبب بود تا آنچه خداوند به زبان نبی گفته بود، به انجام رسد: «از مصر پسرم را فراخواندم.»

### هیرودیس کودکان را می‌کُشد

[۱۶] آنگاه هیرودیس وقتی دید که توسط مغان فریب داده شده است، غضبناک گردید و فرستاد تا تمام پسران دو ساله و کوچکتر را در بِیت‌لِحِم و تمامی آن منطقه به قتل رسانند. [۱۷] پس آنچه به زبان ارمیای نبی گفته شده بود، به انجام رسید که:

[۱۸] «صدایی از رامه شنیده شد،
گریه و ماتم عظیم،
راحیل برای فرزندان خود گریه می‌کند؛
و نمی‌پذیرد که تسلی یابد،
زیرا که دیگر نیستند.»

### بازگشت به ناصره

[۱۹] اما وقتی هیرودیس وفات یافت، اینک، یک فرشته خداوند در خواب به یوسف در مصر ظاهر شده، [۲۰] گفت: «برخیز، کودک و مادرش را بردار و به سرزمین اسرائیل برو، زیرا آنانی که قصد جان کودک را داشتند، مرده‌اند.» [۲۱] و او برخاست و کودک و مادرش را برداشت و به سرزمین اسرائیل رفت. [۲۲] اما وقتی شنید که آرکلائوس به جای پدرش هیرودیس بر یهودیه حکمرانی می‌کند، ترسید به آنجا برود، و چون در خواب به او هشدار داده شده بود، به سوی نواحی جلیل روان شد. [۲۳] و رفت و در شهری به نام ناصره ساکن گشت، تا آنچه که به وسیله انبیا گفته شده بود، به انجام رسد، که او ناصری خوانده خواهد شد.

### یحیای تعمیددهنده راه را آماده می‌سازد

**مَتّی ۳:۱–۱۲ ؛ مَرقُس ۱:۳–۸؛ لوقا ۲:۳–۱۷**

۳ در آن روزها یحیای تعمیددهنده آمده، در بیابان یهودیه موعظه می‌کرد: [۲] «توبه کنید، زیرا پادشاهی آسمان نزدیک است.» [۳] این همان کسی است که اِشعیای نبی درباره‌اش گفته است:

«صدای آن که در بیابان فریاد برمی‌آورد:

**۱۱.۲** مُر ماده‌ای تلخ که از شیره درخت مُر به دست می‌آید. **۱۵.۲** هوشع ۱۱: ۱ **۱۸.۲** ارمیا ۳۱: ۱۵
**۲۳.۲** در هیچ یک از کتب انبیا این عبارت وجود ندارد. به احتمال زیاد، عبارت "او ناصری خوانده خواهد شد" یک خلاصه‌سازی الهیاتی از چندین نبوت است و نه یک نقل قول مستقیم. زیرا متی نبی را به شکل جمع به کار می‌گیرد، یعنی "انبیا". متی به طور زیرکانه: به شباهت بین «ناصرت» و «نتصر» (شاخه‌ی داوود) اشاره دارد، و در عین حال با استفاده از نام این شهر کوچک و حقیر، تحقیر و رد شدن مسیح را برجسته می‌سازد، و در ضمن مجموعه‌ای از مضامین انبیای عهد عتیق را در یک جمله جمع می‌کند.

"راه خداوند را آماده کنید!
طریقهای او را راست سازید!"»
٤ یحیا از پشم شتر لباس به تن داشت و
کمربندی چرمی بر کمر می‌بست، و خوراکش
ملخها و عسل صحرایی بود. ٥ در آن وقت،
اورشلیم و سراسر یهودیه و تمامی نواحی اطراف
اردن، نزد او می‌رفتند ٦ و به گناهان خود
اعتراف کرده، در رود اردن از او تعمید
می‌گرفتند.
٧ امّا زمانی که او بسیاری از فَریسیان و
صدوقیان را دید که به محل تعمیدِ او می‌آیند،
به آنان گفت: «ای افعی‌زادگان! چه کسی
به شما هشدار داد تا از غضبی که می‌آید،
بگریزید؟ ٨ ثمر شایسته توبه آورید. ٩ و با این
گفته خود را مجاب نکنید که "ابراهیم پدر
ماست." زیرا به شما می‌گویم خدا قادر است
برای ابراهیم از این سنگها فرزندان به وجود
آورد. ١٠ حتی هم‌اکنون تیشه بر ریشه درختان
نهاده شده است. از این رو هر درخت که میوه
خوب نیاورد، بریده و در آتش انداخته خواهد
شد.
١١ من شما را با آب برای توبه تعمید می‌دهم؛
امّا آن که پس از من می‌آید، از من قویتر است
که لایق نیستم کفشهایش را حمل کنم. او
شما را با روح‌القدس و آتش تعمید خواهد داد.
١٢ چنگکِ او در دستش است و خرمنگاه خود
را پاک خواهد کرد. و گندم خویش را در انبار
ذخیره خواهد نمود، لیکن کاه را با آتشی که
خاموشی نمی‌پذیرد، خواهد سوزانید.»

## تعمید عیسی

**مَرقُس ۱:۹–۱۱؛ لوقا ۳:۲۱ و ۲۲؛ یوحنا ۱:۳۱–۳٤**

١٣ آنگاه عیسی از جلیل به اردن آمد تا از
یحیا تعمید گیرد. ١٤ یحیا مانع او شده، گفت:
«من باید از تو تعمید بگیرم، و تو نزد من
می‌آیی؟» ١٥ اما عیسی او را پاسخ داد: «بگذار
اکنون چنین بشود، زیرا برای ما زیبنده، آن
است که آنچه را که درست است به تمامی به
انجام رسانیم.» آنگاه یحیا رضایت داد. ١٦ و
زمانی که عیسی تعمید گرفت، بی‌درنگ از آب
برآمد و اینک آسمان‌ها بر او گشوده شد و
روح خدا را دید که همچون کبوتری نازل شده،
می‌آید تا بر او قرار گیرد. ١٧ و آنگاه صدایی از
آسمان در رسید که «این است پسر محبوب
من که از او بسیار خشنودم.»

## امتحان شدن عیسی

**مَرقُس ۱:۱۲ و ۱۳؛ لوقا ٤:۱–۱۳**

٤ آنگاه روح، عیسی را به بیابان هدایت کرد
تا ابلیس او را به امتحان کشد. ٢ و پس از
چهل روز و چهل شب در روزه، عیسی گرسنه
بود. ٣ و امتحان کننده آمد و به او گفت:
«اگر پسر خدایی، به این سنگها فرمان بده

**۳.۳** اشعیا ٤٠: ٣ **۷.۳** یکی از فرقه‌های مذهبی یهود. مترجمین می‌توانند در هر فصل حداقل یکبار "فرقه مذهبی فریسی" ترجمه کنند تا شنوندگان آنها از هویت این افراد آگاه باشند. **۷.۳** یکی دیگر از فرقه‌های مذهبی یهود. مترجمین می‌توانند در هر فصل حداقل یکبار "فرقه مذهبی صدوقی" ترجمه کنند تا شنوندگان آنها از هویت این افراد آگاه باشند. **۱۳.۳** منظور "رود اردن" است. مترجمین را لازم است که واژه رود را در کنار آن بگذارند تا شنوندگانشان مطلب را متوجه شوند. **۱۷.۳** در متن اصلی، پسر من، محبوب من **۱.٤** منظور روح خداست. مترجمین بهتر است هر جا که کلمه روح به تنهایی می‌آید، از واژه "روح خدا" استفاده کنند تا سبب ایجاد اغتشاش ذهنی نگردد.

تا قرص‌های نان شوند.» ٤ اما او پاسخ داد:
«نوشته شده است:
"انسان تنها به نان زندگی نمی‌کند،
بلکه به هر کلمه‌ای که
از دهان خدا بیرون می‌آید."»
٥ سپس ابلیس او را به شهر مقدّس برد و بر
کنگره معبد قرار داد ٦ و به او گفت: «اگر پسر
خدا هستی، خود را به زیر انداز، زیرا نوشته
شده است:
"او فرشتگان خود را درباره تو
فرمان خواهد داد"
و
"آنها تو را بر دستهایشان خواهند گرفت،
مبادا پایت را به سنگی بزنی."»
٧ عیسی به او گفت: «این نیز نوشته شده که:
"خداوند خدای خود را امتحان مکن."»
٨ بار دیگر، ابلیس او را بر فراز کوهی بسیار
بلند برد و همه ممالک جهان و جلالشان را
به او نشان داد ٩ و به او گفت: «این همه را
به تو خواهم بخشید اگر بیفتی و مرا پرستش
کنی.» ١٠ آنگاه عیسی به او گفت: «دور شو،
ای شیطان! زیرا نوشته شده است:
"خداوند خدای خود را بپرست
و تنها او را عبادت کن."»
١١ آنگاه ابلیس او را واگذاشت، و اینک،
فرشتگان آمدند و او را خدمت می‌کردند.

## عیسی خدمت خود را شروع می‌کند

**مَتّی ٤:١٢-١٧ ؛ مَرقُس ١:١٤ و ١٥؛
لوقا ٤:١٤ و ١٥؛ یوحنا ٤:٤٣-٤٥**

١٢ وقتی عیسی شنید که یحیا دستگیر شده
است، به جلیل برگشت. ١٣ و ناصره را ترک
کرده، به کَفَرناحوم که در کنار دریا و در نواحی
زِبولون و نَفتالی واقع بود رفت و در آنجا ساکن
شد. ١٤ تا کلام اِشعیای نبی به انجام رسد:
١٥ «دیار زِبولون و نَفتالی،
راه دریا، فراسوی اردن،
جلیلِ ملتها؛
١٦ مردمی که در تاریکی به سر می‌بردند،
نوری عظیم دیده‌اند،
و بر آنان که در دیار سایه مرگ
ساکن بودند،
نوری درخشیده است.»
١٧ از آن زمان عیسی به موعظه شروع کرده،
می‌گفت: «توبه کنید، زیرا پادشاهی آسمان
نزدیک است.»

## عیسی نخستین شاگردان را می‌خواند

**مَتّی ٤:١٨-٢٢ ؛ مَرقُس ١:١٦-٢٠؛ لوقا
٥:٢-١١؛ یوحنا ١:٣٥-٤٢**

١٨ در حینی که عیسی در کنار دریای جلیل
راه می‌رفت، دو برادر را دید به نامهای شَمعون
(ملقّب به پطرس)، و برادرش آندریاس، که
به دریا تور می‌انداختند، زیرا که صیّاد بودند.
١٩ و به ایشان گفت: «به دنبال من آیید و

---

**٤.٤** تثنیه ٨: ٣ **٦.٤** مزمور ٩١: ١١ و ١٢ **٧.٤** تثنیه ٦: ١٦ **١٠.٤** تثنیه ٦: ١٣ **١٣.٤** منظور دریاچه جلیل است. در آن زمان به دریای مدیترانه، دریای بزرگ و به دریاچه جلیل، دریای کوچک می‌گفتند. و نیز بقیه کتاب **١٦.٤** اشعیا ٩: ١ - ٢

من شما را صیاد انسان‌ها خواهم ساخت.»
٢٠ آنان بی‌درنگ تورهای خود را رها کردند
و به دنبال او رفتند. ٢١ و از آنجا رفته، دو
برادر دیگر، یعقوب پسر زِبِدی و برادرش یوحنا
را دید که در قایق با پدرشان زِبِدی تورهای
خود را تعمیر می‌کردند، و آنان را فرا خواند.
٢٢ ایشان بی‌درنگ قایق و پدر خود را ترک
کردند و به دنبال او روان شدند.

## عیسی جماعات بزرگی را خدمت می‌کند

**مَرقُس ١:٣٥–٣٩؛ لوقا ٤:٤٢–٤٤**

٢٣ عیسی در سراسر جلیل رفته، در
کنیسه‌های ایشان تعلیم می‌داد و خبر خوش
پادشاهی را اعلان می‌کرد و هر مرض و درد
مردم را شفا می‌داد. ٢٤ به این ترتیب شهرت او
در سراسر سوریه پیچید و آنها، همه بیماران
را نزد او آوردند، آنهایی را که به انواع امراض
و دردها دچار بودند، و نیز دیوزدگان و
غشّیان و مفلوجان را. و او همه آنان را شفا
داد. ٢٥ جماعاتی بزرگ از جلیل و دِکاپولیس و
از اورشلیم و یهودیه، و از آن سوی اردن به
دنبال او روان شدند.

## موعظهٔ سر کوه

**لوقا ٦:٢٠–٢٣**

٥ عیسی چون آن جماعات را دید، از کوه
بالا رفت و وقتی نشست، شاگردانش نزد
او آمدند.

## خوشا به حال‌ها

٢ و او دهان خود را گشود و ایشان را تعلیم
داده، گفت:
٣ «خوشا به حال فقیرانِ در روح،
زیرا پادشاهی آسمان
از آنِ ایشان است.
٤ خوشا به حال ماتمیان،
زیرا آنان تسلی خواهند یافت.
٥ خوشا به حال حلیمان،
زیرا آنان زمین را به ارث خواهند برد.
٦ خوشا به حال آنانی که
گرسنه و تشنه صالح بودن‌اند،
زیرا آنان سیر خواهند شد.
٧ خوشا به حال رحم کنندگان،
زیرا بر آنان رحم خواهد شد.
٨ خوشا به حال پاک‌دلان،
زیرا آنان خدا را خواهند دید.
٩ خوشا به حال صلح‌کنندگان،
زیرا آنان پسران خدا
خوانده خواهند شد.
١٠ خوشا به حال آنانی که
به خاطر صالح بودن آزار می‌بینند،
زیرا پادشاهی آسمان از آنِ
ایشان است.
١١ خوشا به حال شما، وقتی که مردم شما
را به خاطر من فحش دهند و آزار رسانند
و هر گونه سخن بد به دروغ به ضدّ شما
گویند. ١٢ خوش باشید و شادی کنید، زیرا
پاداشتان در آسمان عظیم است. چرا که به

---

**١٩.٤** در متن یونانی کلمه صیاد anthropoi شامل هم مرد و هم زن می‌باشد **٢٣.٤** اگر واژه کنیسه برای مخاطبین شما ناآشناست، می‌توانید آن را با واژه "عبادتگاه یهود" ترجمه کنید. گرچه کنیسه بیش از یک محل عبادت کارآیی داشت. **٢٥.٤** "دِکاپولیس" یعنی "دَه شهر". ده شهر یونانی در جبهه شرق امپراطوری روم. منطقه شرق و جنوب شرق دریاچه جلیل. **٢٥.٤** منظور "رود اردن"

همین‌طور پیامبرانی را که پیش از شما بودند، آزار رسانیدند.

## نور و نمک

۱۳ شما نمک زمین هستید. امّا اگر نمک مزه‌اش را از دست دهد، چگونه دوباره نمکین شود؟ دیگر به هیچ درد نمی‌خورد جز آنکه بیرون انداخته شود و زیر پاهای مردم پایمال گردد.
۱۴ شما نور جهان هستید. شهری را که بر کوهی بنا شده، نمی‌توان پنهان کرد. ۱۵ مردم نیز چراغ را روشن نمی‌کنند و آن را زیر سبد نمی‌گذارند، بلکه بر چراغدان؛ و چراغ به همه آنها که در خانه هستند، نور می‌تاباند.
۱۶ به همین طریق، بگذارید نور شما در مقابل دیگران بتابد تا کارهای خوب شما را ببینند و پدر شما را که در آسمان است، جلال دهند.

## مسیح آمد تا شریعت را به انجام خود رساند

۱۷ فکر نکنید که آمده‌ام تا تورات یا پیامبران را باطل کنم؛ نیامده‌ام تا آنها را باطل کنم، بلکه تا آنها را به انجام برسانم. ۱۸ چونکه حقیقتا، به شما می‌گویم، تا آسمان و زمین از بین نرود، هیچ حرف و هیچ نقطه از تورات از بین نخواهد رفت تا زمانی که همه به انجام رسند. ۱۹ پس هر که یکی از کوچکترینِ این احکام را بشکند و به دیگران نیز چنین تعلیم دهد، در پادشاهی آسمان کوچکترین خوانده خواهد شد. امّا هر که به آنها عمل کند و آنها را تعلیم دهد، در پادشاهیِ آسمان بزرگ خوانده خواهد شد. ۲۰ زیرا، به شما می‌گویم، تا صالح بودن شما از صالح بودن معلمین تورات و فریسیان فراتر نباشد، به پادشاهی آسمان هرگز وارد نخواهید شد.

## خشم

**لوقا ۱۲: ۵۸ و ۵۹**

۲۱ شنیده‌اید که به پیشینیان گفته شده است: "قتل نکن، و هر که قتل کند، سزاوار محاکمه خواهد بود." ۲۲ امّا من به شما می‌گویم، هر که نسبت به برادر خود خشمگین باشد، سزاوار محاکمه است؛ و هر که به برادر خود توهین کند، در حضور شورا سزاوار محاکمه خواهد بود؛ و هر که گوید: "تو ای احمق!" سزاوار آتش جهنم خواهد بود.
۲۳ پس اگر هدیه‌ات را به قربانگاه می‌آوری و آنجا به یادت می‌آید که برادرت چیزی به ضدّ تو دارد، ۲۴ هدیه‌ات را در آنجا در پیش قربانگاه واگذار و برو. اول با برادر خود آشتی نما و پس از آن بیا و هدیه‌ات را تقدیم کن.
۲۵ با شاکی خود زمانی که هنوز در راه محکمه هستی، آشتی کن، مبادا شاکی‌ات تو را به قاضی سپارد و قاضی تو را تحویل نگهبان دهد و به زندان اُفتی. ۲۶ حقیقتا، به تو می‌گویم که

---

**۱۵.۵** مترجمین در ترجمه "چراغ" دقت کنند که چه تصویری از چراغ در ذهن مخاطبین نقش می‌بندد. در فرهنگ ما "گردسوز" و یا "چراغ فتیله‌ای" واژه‌های مناسبی هستند. **۱۷.۵** منظور نوشته‌های پیامبران است. به یاد داشته باشید که تقسیم بندی عهد عتیق یهودیان با آنچه که اکنون در دست داریم، فرق دارد. در زمان عیسی عهد عتیق یهودیان شامل تورات، نوشته‌های انبیا و کتب حکمتی بود. **۲۱.۵** خروج ۲۰: ۱۳ **۲۲.۵** در برخی ترجمه ها درج شده که هر که به برادر خود بی سبب خشمگین باشد. **۲۲.۵** در یونانی راقا بکار برده شده که واژه‌ای برای ناسزاگویی و توهین است. **۲۲.۵** در متن یونانی "گِهِنا" میباشد. همچنین در آیات ۲۹ و ۳۰ همین واژه به کار برده شده.

تا قِران آخر را نپردازی، از زندان هرگز بیرون نخواهی آمد.

### شهوت

۲۷ شنیده‌اید که گفته شده است "زنا نکن."
۲۸ امّا من به شما می‌گویم، هر کس به زنی
از روی شهوت نگاه کند، همان لحظه در دل
خود با او زنا کرده است. ۲۹ اگر چشم راستت
تو را به گناه می‌اندازد، آن را بِکَن و دورش انداز.
زیرا بهتر است که عضوی از اعضایت نابود
شود تا آن که تمام بدنت به جهنم انداخته
شود. ۳۰ و اگر دست راستت تو را به گناه
می‌اندازد، آن را بِبُر و دورش انداز. زیرا بهتر
است که عضوی از اعضایت را از دست دهی،
تا آن که تمام بدنت به جهنم رود.

### طلاق

۳۱ همچنین گفته شده که "هر کس زن
خود را طلاق دهد، طلاق‌نامه‌ای به او بدهد."
۳۲ امّا من به شما می‌گویم، هر کس زن خود
را جز به‌علت بی‌عفتی طلاق دهد، باعث زنا
کردن او می‌گردد، و هرکس که با زنی طلاق
گرفته ازدواج کند، زنا می‌نماید.

### قسم

۳۳ باز شنیده‌اید که به پیشینیان گفته شده
است "به دروغ قسم نخور، بلکه آنچه را که
قسم خورده‌ای، به خداوند ادا کن." ۳۴ امّا من
به شما می‌گویم، هرگز قسم نخورید، نه به
آسمان، زیرا که تخت خداست، ۳۵ نه به زمین،
زیرا که کُرسی زیر پای اوست، نه به اورشلیم،
زیرا که شهر آن پادشاه بزرگ است. ۳۶ و به سر
خود نیز قسم نخور، زیرا نمی‌توانی حتی مویی
را سفید یا سیاه کنی. ۳۷ بگذار آنچه می‌گویی
صرفا "بله" و یا "نه" باشد؛ بیشتر از این از
شریر می‌آید.

### انتقام

۳۸ شنیده‌اید که گفته شده است: "چشمی
به عوض چشمی و دندانی به عوض دندانی."
۳۹ امّا من به شما می‌گویم، با شریر مقاومت
نکنید. بلکه اگر کسی به گونه راست تو سیلی
زند، آن دیگری را هم به سوی او بگردان. ۴۰ و
اگر کسی بخواهد از تو شکایت کند و ردایت
را بگیرد، بگذار قبایت را نیز صاحب شود.
۴۱ و اگر کسی مجبورت کند که یک میل با
او بروی، دو میل همراهش برو. ۴۲ به آنکه از
تو به التماس چیزی می‌طلبد، بده. و از کسی
که از تو قرض می‌خواهد، روی برنگردان.

### دشمنانتان را دوست بدارید

**لوقا ۶: ۲۷-۳۶**

۴۳ شنیده‌اید که گفته شده است:
"همسایه‌ات را دوست بدار و از دشمنت
نفرت نما." ۴۴ امّا من به شما می‌گویم،
دشمنان خود را دوست بدارید و برای آنانی
که به شما آزار می‌رسانند، دعای خیر کنید،

---

**۲۶.۵** در متن یونانی kodrantes که سکه مسی رومی است و معادل ۱/۶۴ یک دینار بود که دستمزد روزانه معمول یک کارگر محسوب می‌شد. **۲۷.۵** خروج ۲۰: ۱۴ **۳۱.۵** تثنیه ۲۴: ۱ **۳۲.۵** منظور، هر نوع اعمال غیر اخلاق و جنسی **۳۳.۵** لاویان ۱۹: ۱۲ و اعداد ۳۰: ۲ و تثنیه ۲۳: ۲۱ **۳۸.۵** خروج ۲۱: ۲۴ - لاویان ۲۴: ۲۰ - تثنیه ۱۹: ۲۱ **۴۰.۵** در متن یونانی chiton است که لباس بلندی بود و در زیر ردا، چون زیرجامه می‌پوشیدند. **۴۱.۵** هر میل معادل ۱۴۷۸ متر است **۴۱.۵** بر اساس قوانین امپراطوری روم، هر سرباز رومی می‌توانست از هر فرد غیر رومی بخواهد که اسباب او را به اندازه یک میل برایش حمل کند. **۴۳.۵** لاویان ۱۹: ۱۸

۴۵ تا پدر خود را که در آسمان است، پسران
باشید. زیرا او آفتاب خود را بر بدان و نیکان
می‌تاباند، و باران را بر عادلان و ظالمان
می‌باراند. ۴۶ زیرا اگر آنانی را دوست بدارید که
شما را دوست دارند، چه اجری دارید؟ مگر
خراجگیران هم، چنین نمی‌کنند؟ ۴۷ و اگر تنها
برادران خود را سلام گویید، چه کاری بیشتر
از دیگران می‌کنید؟ مگر حتی بت‌پرستان هم،
چنین نمی‌کنند؟ ۴۸ از این رو شما باید کامل
باشید، چنانکه پدر آسمانی شما کامل است.

## کمک به نیازمندان

۶ بپایید که صالح بودن خود را نزد مردم به
جا نیاورید تا از جانب آنها دیده شوید، و
گرنه نزد پدر خود که در آسمان است، پاداشی
نخواهید داشت.
۲ پس هنگامی که به نیازمندی صدقه
می‌دهی، شیپور ننواز، چنانکه ریاکاران در
کنیسه‌ها و کوچه‌ها می‌کنند، تا از جانب
دیگران تحسین شوند. حقیقتا به شما می‌گویم،
آنان پاداش خود را یافته‌اند. ۳ اما تو وقتی به
فقیری صدقه می‌دهی، نگذار که دست چپت
از آنچه دست راستت می‌کند، آگاه شود، ۴ تا
صدقه تو در نهان باشد؛ و پدر تو که نهان را
می‌بیند، تو را پاداش خواهد داد.

## دعای خداوند

### لوقا ۱۱: ۲–۴

۵ و وقتی دعا می‌کنی، مانند ریاکاران نباش.
زیرا آنها دوست دارند در کنیسه‌ها و سر
کوچه‌ها بایستند و دعا کنند، تا از جانب
دیگران دیده شوند. حقیقتا به شما می‌گویم،
ایشان پاداش خود را یافته‌اند. ۶ امّا وقتی تو
دعا می‌کنی، به اتاق خود برو و در را ببند و نزد
پدر خود که در نهان است، دعا کن. و پدر تو
که نهان را می‌بیند، تو را پاداش خواهد داد.
۷ وقتی دعا می‌کنید، عبارات توخالی تکرار
نکنید، آن‌طور که بت‌پرستان می‌کنند. زیرا آنها
گمان می‌برند که به خاطر زیادی کلماتشان،
دعایشان شنیده خواهد شد. ۸ مانند ایشان
نباشید، زیرا پدر شما نیازهای شما را پیش از
آنکه از او درخواست کنید، می‌داند.
۹ پس این طور دعا کنید:
ای پدر ما که در آسمانی،
نام تو مقدّس باد.
۱۰ پادشاهی تو بیاید،
اراده تو، چنانکه در آسمان است،
بر زمین نیز انجام شود.
۱۱ نان روزانه ما را امروز به ما بده.
۱۲ و قرض‌های ما را ببخش،
چنانکه ما نیز
قرض‌داران خود را می‌بخشیم.
۱۳ و ما را در امتحان نیاور،
بلکه ما را از شریر رهایی ده.
۱۴ زیرا اگر خطاهای دیگران را ببخشید، پدر
آسمانی شما نیز شما را خواهد بخشید. ۱۵ امّا
اگر خطاهای دیگران را نبخشید، پدر شما نیز
خطاهای شما را نخواهد بخشید.

---

**۴۷.۵** در ترجمه این واژه یونانی "اِتنیکوی" باید دقت کنید. معنای عمومی آن "اقوام" است، لیکن در متن انجیل مواقعی در اشاره به "اقوام غیر یهودی" است که از نظر یهودیان، بت‌پرست هم به شمار می‌آیند. پس واژه مناسب را متن به شما پیشنهاد خواهد داد. **۹.۶** یا بگذار نامت مقدس نگهداشته شود و یا باشد که نامت، با اکرام و حرمت استعمال شود **۱۰.۶** یا باشد که پادشاهی تو بیاید، باشد که اراده تو انجام شود

## روزه

١٦ و وقتی روزه می‌گیرید، مانند ریاکاران خود
را ترشرو نشان ندهید، زیرا آنان صورت خود
را تغییر می‌دهند تا روزه‌دار بودنشان از جانب
دیگران دیده شود. حقیقتا به شما می‌گویم،
آنها پاداش خود را یافته‌اند. ١٧ امّا وقتی تو
روزه می‌گیری، به سر خود روغن بزن و صورت
خود را بشوی، ١٨ تا روزه‌دار بودن تو از جانب
دیگران دیده نشود، بلکه از جانب پدر تو که
در نهان است. و پدرِ تو که نهان را می‌بیند، تو
را پاداش خواهد داد.

## گنجها در آسمان بیاندوزید

### لوقا ١١:٣٤-٣٦

١٩ برای خود بر زمین گنج‌ها نیندوزید، جایی
که بید و زنگ نابودشان می‌کنند، و جایی که
دزدان نَقْب می‌زنند و می‌ربایند. ٢٠ لیکن برای
خود گنج‌ها در آسمان بیندوزید، جایی که نه
بید می‌زند و نه زنگ نابودش می‌کند، و جایی که
دزدان نَقْب نمی‌زنند و نمی‌ربایند. ٢١ زیرا هر جا
گنج توست، دل تو نیز آنجا خواهد بود.
٢٢ چشم، چراغ بدن است. پس، اگر
چشمت سالم باشد، تمام بدنت پُر از نور
خواهد بود. ٢٣ امّا اگر چشم تو بد باشد، تمام
بدنت پُر از تاریکی خواهد بود. پس اگر نوری
که در توست، تاریکی است، چه تاریکی عظیمی
است!

٢٤ هیچ‌کس نمی‌تواند دو ارباب را خدمت
کند، زیرا یا از یکی نفرت خواهد داشت و
دیگری را دوست، یا یکی را سرسپرده خواهد بود
و دیگری را خوار خواهد شمرد. شما نمی‌توانید
هم خدا را خدمت کنید و هم پول را.

## نگران نباشید

### لوقا ١٢:٢٢-٣١

٢٥ از این رو به شما می‌گویم، نگران زندگی
خود نباشید، که چه بخورید، یا چه بنوشید،
و نه برای بدن خود که چه بپوشید. آیا زندگی
از خوراک، و بدن از پوشاک مهمتر نیست؟
٢٦ پرندگان هوا را ببینید: آنها نه می‌کارند و نه
دِروُ می‌کنند و نه در انبارها ذخیره می‌نمایند، اما
با این حال پدر آسمانی شما آنها را می‌خوراند.
آیا شما از آنها با ارزش‌تر نیستید؟ ٢٧ و کیست
از شما که بتواند با نگرانی ساعتی به عمر خود
بیافزاید؟
٢٨ و چرا برای لباس نگرانید؟ به سوسن‌های
صحرا نگاه کنید، که چگونه رشد می‌کنند: نه
زحمت می‌کشند و نه می‌ریسند، ٢٩ با این حال
به شما می‌گویم حتی سلیمان در تمامی جلالش
مثل یکی از اینها آراسته نشد. ٣٠ پس اگر خدا
علف صحرا را که امروز هست و فردا در تنور
انداخته می‌شود، چنین می‌پوشاند، آیا شما را به
مراتب بهتر نخواهد پوشانید، ای کم ایمانان؟
٣١ پس نگران نباشید، و نگویید، "چه
بخوریم؟ یا چه بنوشیم؟ و یا چه بپوشیم؟"

---

**١٩.٦** یا کِرم، همچنین در آیه ٢٠ **٢٤.٦** در اصل یونانی "مامونا" آمده است که منظور از آن ثروت دنیوی است که سمبل آن هم پول است. **٢٧.٦** یا ذراعی به قامت خود. در متن یونانی cubit استفاده شده که معادل ١٨ اینچ یا ٤٥ سانتیمتر می‌باشد **٢٩.٦** در فرهنگ ما سلیمان به عنوان پیغمبر شناخته می‌شود که معمولا شکوه و جلالی بر آن نیست. لیکن در تاریخ یهود سلیمان با شکوه‌ترین پادشاه اسرائیل به شما می‌رود و در زمان پادشاهی او، اسرائیل از شوکتی بی‌نظیر برخوردار بوده است. از این رو می‌توانید واژه "پادشاه" را به سلیمان اضافه کنید تا مخاطبین شما همانند مخاطبین اصلی مطلب را درک کنند.

[٣٢] زیرا بت‌پرستان در پی همه این چیزها هستند، و پدر آسمانی شما می‌داند که شما به همه اینها احتیاج دارید. [٣٣] اما اول در پی پادشاهی خدا باشید و اینکه از جانب او صالح شمرده شوید. و همه این چیزها به شما افزون خواهد شد. [٣٤] پس نگران فردا نباشید، زیرا فردا نگرانی خود را خواهد داشت. مشکلات امروز برای امروز کافی است.

### داوری دیگران

**لوقا ٦:٤١ و ٤٢**

٧ [١] قضاوت نکنید تا بر شما قضاوت نشود. [٢] زیرا هر طور که بر دیگران قضاوت کنید، بر شما نیز قضاوت خواهد شد، و با آن پیمانه‌ای که اندازه می‌گیرید، برای شما نیز اندازه گرفته خواهد شد. [٣] چرا پَرِ کاه را در چشم برادرت می‌بینی، امّا کُنده‌چوبی را که در چشم خود داری، نمی‌بینی؟ [٤] یا چگونه می‌توانی به برادرت بگویی: "بگذار پَرِ کاه را از چشمت بیرون کنم،" زمانی که در چشم خود تو کُنده‌چوبی هست؟ [٥] ای ریاکار، اول کُنده‌چوب را از چشم خود بیرون کن و آنگاه بهتر خواهی دید تا پَرِ کاه را از چشم برادرت بیرون کنی.

[٦] آنچه مقدّس است، به سگان ندهید، و مرواریدهای خود را جلوی خوکان نیندازید، مبادا آنها را پایمال کنند و برگشته به شما هجوم آورند.

### بخواهید، و به شما داده خواهد شد

**لوقا ١١:٩–١٣**

[٧] بخواهید، و به شما داده خواهد شد؛ بجویید، و خواهید یافت؛ بکوبید، و به رویتان باز خواهد شد. [٨] زیرا هر که بخواهد، دریافت می‌کند، و هر که بجوید، می‌یابد، و هر که بکوبد، به رویش باز می‌شود. [٩] یا کدام‌یک از شما، اگر پسرش از او نان بخواهد، سنگی به او خواهد داد؟ [١٠] یا اگر ماهی بخواهد، ماری به او خواهد داد؟ [١١] پس اگر شما که شریر هستید، می‌دانید که چگونه به فرزندان خود هدایای خوب بدهید، چقدر بیشتر پدر شما که در آسمان است، به آنان که از او بخواهند، چیزهای خوب خواهد داد!

### قانون طلایی

[١٢] پس آنچه می‌خواهید که دیگران به شما کنند، شما نیز با آنان چنین کنید، زیرا این است تورات و پیامبران.

[١٣] از درِ تنگ وارد شوید. زیرا آن در که به هلاکت رهنمون می‌شود، گشاد است و آن راه، آسان. و آنانی که واردش می‌شوند، بسیارند. [١٤] امّا تنگ است آن در و سخت است آن راه که به حیات رهنمون می‌شود، و آنانی که آن را پیدا می‌کنند، کم‌اند.

### درخت و میوه‌اش

**لوقا ٦:٤٣–٤٥**

[١٥] از پیامبران دروغین برحذر باشید، که در لباس گوسفند نزد شما می‌آیند، لیکن در باطن گرگان درّنده‌اند. [١٦] آنها را از میوه‌هایشان خواهید شناخت. آیا انگور را از بوته خار، یا انجیر را از خس می‌چینند؟ [١٧] همچنین، هر درخت سالم میوه خوب بار می‌آورد، امّا درخت آفت‌زده میوه بد. [١٨] درخت سالم نمی‌تواند میوه بد بار آورد، و نه درخت آفت‌زده می‌تواند میوه خوب بار دهد. [١٩] هر درخت که میوه خوب بار نیاورد، بریده و در آتش انداخته

می‌شود. ۲۰ پس شما آنان را از میوه‌هایشان خواهید شناخت.

### شما را هرگز نشناخته‌ام

۲۱ نه هر که مرا "خداوند، خداوند" گوید به پادشاهی آسمان داخل می‌شود، بلکه آن کس که اراده پدر مرا که در آسمان است، انجام دهد. ۲۲ در آن روز بسیاری مرا خواهند گفت: "خداوندا، خداوندا، مگر به نام تو نبوّت نکردیم و به نام تو دیوها اخراج ننمودیم و در نام تو معجزات بسیار انجام ندادیم؟" ۲۳ و آنگاه من به آنها خواهم گفت: "هرگز شما را نشناخته‌ام؛ از من دور شوید، ای بدکاران."

### خانه خود را بر سنگ بنا کن

**لوقا ٦: ٤٧–٤٩**

۲۴ پس هر که این سخنان مرا بشنود و به آنها عمل کند، مانند مرد دانایی است که خانه خود را بر سنگ بنا کرد. ۲۵ و باران بارید، و سیل‌ها آمد، و بادها وزید و بر آن خانه کوبید، اما آن خانه فرو نریخت، زیرا بنیادش بر سنگ بود. ۲۶ و هر که این سخنان مرا بشنود و به آنها عمل نکند، مانند مرد نادانی است که خانه خود را بر شن بنا کرد. ۲۷ و باران بارید، و سیل‌ها آمد، و بادها وزید و بر آن خانه کوبید، و آن خانه فرو ریخت، و خرابی‌اش عظیم بود.»

### اقتدار عیسی

۲۸ وقتی عیسی این سخنان را به پایان رسانید، جماعات از تعلیم او در حیرت بودند، ۲۹ زیرا همچون فردی صاحب اقتدار به آنان تعلیم می‌داد، نه همچون معلمین تورات ایشان.

### عیسی مردی جذامی را شفا می‌دهد

**مَرقُس ۱:۴۰–۴۴؛ لوقا ۵:۱۲–۱۴**

۸ وقتی عیسی از کوه پایین آمد، جماعات بزرگ به دنبال او روان شدند. ۲ و اینک، یک جذامی نزد او آمد و در برابرش زانو زده، گفت: «ای آقا، اگر بخواهی، می‌توانی مرا پاک سازی.» ۳ عیسی دست خود را دراز کرد و او را لمس نموده، گفت: «می‌خواهم؛ پاک شو.» و جذام بی‌درنگ از او پاک شد. ۴ عیسی به او گفت: «دقت کن که به کسی چیزی نگویی، اما برو، خود را به کاهن نشان بده و هدیه‌ای را که موسی امر کرده است، تقدیم کن تا برایشان گواهی باشد.»

### ایمان یک افسر رومی

**لوقا ۷:۱–۱۰**

۵ وقتی که عیسی وارد کفرناحوم شده بود، یک افسر رومی نزد او آمد و به او التماس کرده، ۶ گفت: «ای آقا، خدمتکارم مفلوج در خانه خوابیده، سخت درد می‌کشد.» ۷ عیسی به او گفت: «خواهم آمد و شفایش خواهم داد.» ۸ اما آن افسر رومی پاسخ داد: «ای آقا، لایق آن نیستم که تو زیر سقف من آیی، لیکن فقط سخنی بگو، و خدمتکارم شفا خواهد یافت. ۹ زیرا من نیز مردی زیر فرمان هستم، با سربازانی زیر فرمان من. به یکی می‌گویم "برو،" و می‌رود، و به دیگری می‌گویم "بیا،" و می‌آید، و به خدمتکار خود، "این را بکن،" و

**۲.۸** جذام نوعی مرض پوستی است و منظور از پاک سازی، شفای جذام و پاک شدن اثرات آن از پوست است. اگر برای مخاطبین شما نامانوس است، می‌توانید به جای آن از شفا استفاده کنید. **۵.۸** معمولا فرمانده صد سرباز. به همین دلیل در ترجمه فارسی کلاسیک از واژه نظامی دوران قاجار که "یوزباشی" باشد، استفاده شده بود.

می‌کند.» [۱۰] وقتی عیسی این را شنید، تعجب کرد و به کسانی که به دنبال او آمده بودند، گفت: «حقیقتا به شما می‌گویم، چنین ایمانی در هیچ کس در اسرائیل نیافته‌ام. [۱۱] به شما می‌گویم، بسیاری از شرق و غرب خواهند آمد و در پادشاهی آسمان با ابراهیم، اسحاق، و یعقوب بر سفره خواهند نشست، [۱۲] در حینی که پسران پادشاهی به تاریکیِ بیرون انداخته خواهند شد. در آن جا گریه و سایش دندان خواهد بود.» [۱۳] و عیسی به آن افسر گفت: «برو؛ مطابق ایمانت به تو داده شود.» و خدمتکارش همان لحظه شفا یافت.

## عیسی بسیاری را شفا می‌دهد

**مَرقُس ۱:۲۹-۳٤؛ لوقا ٤:۳۸-٤۱**

[۱٤] و وقتی عیسی به خانه پطرس وارد شد، مادرزن او را دید که مریض بر بستر خوابیده، تب کرده است. [۱۵] عیسی دست او را لمس کرد و تبش قطع شد، پس برخاست و به خدمت او مشغول گشت.

[۱٦] همان شب بسیاری از دیوزدگان را به نزد او آوردند، و او به سخنی ارواح را از آنان بیرون کرد و همه بیماران را شفا داد. [۱۷] این برای به انجام رسیدن سخنی بود که به زبان اِشعیای نبی گفته شده بود:

«او بیماری‌های ما را گرفت
و مرض‌های ما را حمل کرد.»

## بهای پیروی از عیسی

**متّی ۸:۱۹-۲۲ ؛ لوقا ۹:۵۷-٦۰**

[۱۸] وقتی عیسی جمعی را دور خود دید، دستور داد که به کناره دیگر روند. [۱۹] آنگاه کاتبی نزد او آمد و به او گفت: «ای استاد، هر جا بروی، تو را پیروی خواهم کرد.» [۲۰] عیسی به او گفت: «روباهان سوراخ‌ها دارند، و مرغان هوا آشیانه‌ها، امّا پسر انسان جایی برای سر نهادن ندارد.» [۲۱] شاگردی دیگر به او گفت: «ای آقا، اول اجازه بده که بروم و پدر خود را دفن کنم.» [۲۲] عیسی به او گفت: «مرا پیروی کن، و بگذار مردگان، مردگان خود را دفن کنند.»

## عیسی طوفانی را آرام می‌کند

**مَرقُس ٤:۳٦-٤۱؛ لوقا ۸:۲۲-۲۵**

[۲۳] وقتی سوار قایق شد، شاگردانش به دنبال او راه افتادند. [۲٤] و اینک، طوفانی بزرگ در دریا برخاست، به حدی که نزدیک بود امواج، قایق را غرق کند؛ امّا او در خواب بود. [۲۵] پس شاگردان آمدند و بیدارش کرده، گفتند: «ای آقا، ما را نجات بده؛ هلاک می‌شویم.» [۲٦] عیسی به آنان گفت: «چرا ترسان هستید، ای کم ایمانان؟» آنگاه برخاست و بادها و دریا را تشر زد، و آرامی بزرگی حکمفرما شد. [۲۷] و آن مردان تعجب کرده، می‌گفتند: «این چگونه مردی است که حتی بادها و دریا از او اطاعت می‌کنند!»

---

**۱۰.۸** در برخی از ترجمه ها " حتی نه در اسرائیل" استفاده شده **۱۷.۸** اشعیا ۵۳: ٤ **۲۱.۸** منظور آن شخص از این سخن این بود که مطابق فرمان شریعت برود و از پدر خود نگهداری کند و بعد از مرگ پدر و دفن او بیاید و از عیسی پیروی کند.

## عیسی دو مرد دیوزده را شفا می‌دهد

مَرقُس ۵:۱–۱۷؛ لوقا ۸:۲۶–۳۷

۲۸ و وقتی که عیسی به کناره دیگر، به
سرزمین جَدَریان آمد، دو مرد دیوزده که از
قبرستان بیرون آمده بودند، به او برخوردند
و به حدی وحشی بودند که هیچ‌کس
نمی‌توانست از آن راه عبور کند. ۲۹ و ناگاه،
فریاد زدند: «با ما چه کار داری، ای پسر
خدا؟ آیا به اینجا آمده‌ای تا پیش از وقت،
ما را عذاب دهی؟» ۳۰ کمی دورتر از آنها
گله‌ای بزرگ از خوکها به خوردن مشغول
بود. ۳۱ دیوها به او التماس کرده، گفتند: «اگر
ما را بیرون می‌کنی، ما را در گله خوکها
بفرست.» ۳۲ عیسی به آنها گفت: «بروید.»
پس آنها خارج شدند و به درون خوکها رفتند،
و ناگاه، تمام گله از سرازیریِ تپه به درون
دریا هجوم بردند و در آب غرق شدند.
۳۳ گله‌بانان گریختند و به شهر رفته، تمامی
وقایع، بخصوص آنچه را که برای آن دیوزده‌ها
اتفاق افتاده بود، نقل کردند. ۳۴ و تمام شهر
برای ملاقات عیسی بیرون آمدند، و وقتی او را
دیدند، به او التماس کردند که منطقه ایشان
را ترک کند.

## عیسی مفلوجی را شفا می‌دهد

مرقس ۲: ۳–۱۲؛ لوقا ۵: ۱۸–۲۶

۹ پس عیسی سوار قایق شده، به آن سوی
دریا به شهر خود آمد.
۲ و اینک، چند نفر مفلوجی بر بستر
خوابیده، نزد او آوردند. و چون عیسی ایمان
ایشان را دید، به مفلوج گفت: «پسرم، دل
قوی دار، گناهانت آمرزیده شد.» ۳ و اینک،
بعضی از معلمین تورات با خود گفتند: «این
مرد کفر می‌گوید.» ۴ اما عیسی که افکارشان
را می‌دانست، گفت: «چرا در دلهایتان فکر بد
می‌کنید؟ ۵ زیرا کدامیک آسانتر است، گفتن
اینکه: "گناهانت آمرزیده شد،" یا گفتن اینکه:
"برخیز و راه برو"؟ ۶ اما تا بدانید که پسر
انسان بر زمین اقتدار آمرزش گناهان را دارد»
- پس به مفلوج گفت: «برخیز، بستر خود را
بردار و به خانه برو.» ۷ و او برخاست و به
خانه رفت. ۸ وقتی آن جماعات این را دیدند،
ترسیدند و خدا را که چنین اقتداری را به
آدمیان بخشیده است، جلال دادند.

## دعوت عیسی از متّی

متّی ۹:۹–۱۳ ؛ مَرقُس ۲:۱۴–۱۷؛ لوقا ۵:۲۷–۳۲

۹ در حینی که عیسی از آنجا می‌گذشت،
مردی را دید به نام متّی که در دکّه وصول خراج
نشسته بود، و به او گفت: «به دنبال من بیا.»
و او برخاست و به دنبال او روان شد.
۱۰ و زمانی که عیسی در خانه به سفره
نشسته بود، بسیاری از خراجگیران و
گناهکاران آمدند و با عیسی و شاگردانش بر
سر سفره نشستند. ۱۱ وقتی فَریسیان این را
دیدند، به شاگردان او گفتند: «چرا استادتان
با خراجگیران و گناهکاران غذا می‌خورد؟»
۱۲ اما وقتی عیسی آن را شنید، گفت: «آنانی
که تندرست‌اند به پزشک نیاز ندارند، بلکه
آنانی که بیمارند. ۱۳ بروید و بفهمید که این
چه معنی دارد: "من مشتاق رحمت هستم، نه
قربانی." زیرا من نیامده‌ام تا صالحان را دعوت
کنم، بلکه گناهکاران را.»

**۱۳.۹** هوشع ۶:۶

## سؤالی درباره روزه

**مَرقُس ۲:۱۸-۲۸؛ لوقا ۵:۳۳-۳۹**

۱۴ آنگاه شاگردان یحیا نزد او آمده، گفتند:
«چرا ما و فَریسیان روزه می‌گیریم، امّا شاگردان
تو روزه نمی‌گیرند؟» ۱۵ عیسی به آنان گفت:
«آیا میهمانان عروسی می‌توانند تا زمانی‌که
داماد با ایشان است، ماتم گیرند؟ آن
روزها خواهد آمد که داماد از ایشان گرفته
می‌شود، و آن وقت آنها روزه خواهند گرفت.
۱۶ هیچ‌کس تکّه پارچه آب نرفته را به لباس
کهنه وصله نمی‌زند، زیرا آن وصله از لباس پاره
می‌شود و پارگی بدتر می‌گردد. ۱۷ و نه شراب
تازه را در مَشکهای کهنه می‌ریزند. و گرنه،
مَشکها می‌ترکند و شراب می‌ریزد و مَشکها از
بین می‌روند. اما شراب تازه را در مَشکهای تازه
می‌ریزند تا هر دو محفوظ بمانند.»

## زنده شدن یک دختر و شفای یک زن

**مَرقُس ۵:۲۲-۴۳؛ لوقا ۸:۴۱-۵۶**

۱۸ زمانی که عیسی این سخنان را به آنان
می‌گفت، اینک رئیسی آمد و در مقابل او
زانو زده، گفت: «دخترم همین الآن مُرد، اما
بیا و دست خود را بر او بگذار، و او زنده
خواهد شد.» ۱۹ پس عیسی برخاست و به
همراه شاگردانش به دنبال او رفت. ۲۰ و اینک،
زنی که دوازده سال از خونریزی رنج می‌برد،
از پشت سر به وی نزدیک شد و لبه ردای
او را لمس کرد، ۲۱ زیرا با خود گفت: «اگر
فقط ردایش را لمس کنم، شفا خواهم یافت.»
۲۲ عیسی برگشت و او را دیده، گفت: «ای
دختر؛ دل قوی دار، ایمانت تو را شفا داده
است.» و آن زن فورا شفا یافت. ۲۳ و وقتی
عیسی به خانه آن رئیس آمد و نِی‌نوازان و
جماعتی را که زار می‌زدند دید، ۲۴ گفت: «دور
شوید، زیرا دختر نمرده، بلکه خوابیده است.»
و آنان بر او خندیدند. ۲۵ اما چون جماعت
بیرون شدند، او داخل شد و دست دختر را
گرفت و دختر برخاست. ۲۶ و این خبر در
سراسر آن ناحیه پیچید.

## عیسی دو مرد نابینا را شفا می‌دهد

۲۷ و در حینی که عیسی از آن جا
می‌گذشت، دو مرد نابینا به دنبالش روان شده،
فریاد می‌زدند: «ای پسر داوود، بر ما رحم
کن.» ۲۸ وقتی به خانه وارد شد، آن نابینایان
نزدش آمدند، و عیسی به آنان گفت: «آیا
ایمان دارید که می‌توانم این کار را انجام دهم؟»
آنها به او گفتند: «بله، ای آقا.» ۲۹ پس او
چشمانشان را لمس کرده، گفت: «مطابق
ایمانتان برایتان انجام شود.» ۳۰ و چشمان
ایشان باز شد. و عیسی به آنان به تأکید اخطار
داد: «دقّت کنید که کسی از این موضوع آگاه
نشود.» ۳۱ امّا آنها بیرون رفتند و شهرت او را
در تمامی آن ناحیه پخش کردند.

## عیسی مرد لالی را شفا می‌دهد

۳۲ در حالی که ایشان دور می‌شدند، مرد
دیوزده‌ای را که لال بود، نزد او آوردند. ۳۳ و
وقتی دیو بیرون شد، آن مردِ لال سخن گفت و
جماعات شگفت زده، می‌گفتند: «هرگز چنین
چیزی در اسرائیل دیده نشده است.» ۳۴ امّا
فَریسیان گفتند: «او دیوها را به کمک رئیس
دیوها بیرون می‌کند.»

**۱۸.۹** با توجه به مرقس ۵: ۲۲، باید رئیس کنیسه باشد. **۲۲.۹** در متن یونانی منظور "از آن ساعت به بعد"

### محصول فراوان است و کارگران کم

۳۵ عیسی در همه شهرها و روستاها گشته، در کنیسه‌های آنها تعلیم می‌داد و خبر خوش پادشاهی را اعلان می‌کرد و هر بیماری و ناخوشی را شفا می‌داد. ۳۶ چون جماعات را دید، دلش بر آنها سوخت، زیرا آنان مانند گوسفندانی بی شبان، مستاصل و بیچاره بودند. ۳۷ پس به شاگردان خود گفت: «محصول فراوان است، امّا کارگران کم؛ ۳۸ پس از صاحب محصول استدعا کنید که برای برداشت محصول خود کارگران بفرستد.»

### دوازده رسول

**مرقس ۳:۱۳–۱۹؛ لوقا ۶:۱۲–۱۶**

۱۰ عیسی دوازده شاگردش را نزد خود خواند و به آنان بر ارواح ناپاک اقتدار بخشید، تا آنان را بیرون کنند، و هر مرض و هر درد را شفا دهند. ۲ اینانند نامهای آن دوازده رسول: نخست، شَمعون، ملّقب به پطرس، و برادرش آندریاس؛ یعقوب پسر زِبِدی و برادرش یوحنا؛ ۳ فیلیپس و بَرتولْما؛ توما و مَتّای خراج‌گیر؛ یعقوب پسر حَلْفای و تَدّای؛ ۴ شَمعون قانوی و یهودای اِسخَریوطی، که به او خیانت کرد.

### عیسی دوازده رسول را می‌فرستد

۵ این دوازده نفر را عیسی فرستاده، دستور داد: «نزد غیریهودیان نروید و به شهرهای سامِریان وارد نشوید، ۶ بلکه به نزد گوسفندانِ گمشده خاندان اسرائیل بروید. ۷ و چون می‌روید، اعلان کرده، بگویید: "پادشاهی آسمان نزدیک است." ۸ بیماران را شفا دهید، مردگان را زنده کنید، جذامیان را پاک سازید، دیوها را بیرون کنید. رایگان یافته‌اید؛ رایگان بدهید. ۹ هیچ طلا یا نقره یا مس در کمربندهایتان با خود نبرید، ۱۰ برای سفرتان، کوله‌بار یا پیراهن اضافه یا کفش یا چوبدستی برندارید، زیرا کارگر مستحق خوراکش است. ۱۱ و به هر شهر یا روستایی که وارد می‌شوید، به دنبال کسی که در آنجا لایق است، بگردید و تا زمان ترک محل، در آنجا بمانید. ۱۲ چون به خانه‌ای وارد می‌شوید، سلامش بگویید. ۱۳ و اگر آن خانه لایق باشد، بگذارید سلام شما بر آن قرار گیرد، اما اگر لایق نباشد، بگذارید که سلامتان به شما برگردد. ۱۴ و اگر کسی شما را نپذیرد و یا به سخنانتان گوش ندهد، به هنگام ترک آن خانه یا شهر، خاک پای‌های خود را بتکانید. ۱۵ حقیقتا به شما می‌گویم، در روز داوری، تحمل مجازات برای سُدوم و عمورَه آسانتر خواهد بود تا برای آن شهر.

### زحمات خواهند آمد

۱۶ اینک، شما را مانند گوسفندان به میان گرگان می‌فرستم، پس مانند ماران دانا باشید و مانند کبوتران معصوم. ۱۷ از مردم برحذر باشید، زیرا آنان شما را به دادگاهها خواهند سپرد و شما را در کنیسه‌هایشان شلاّق خواهند زد، ۱۸ و به خاطر من شما را به حضور والیان و پادشاهان خواهند برد، تا در برابر آنان و غیر یهودیان شهادت دهید.

---

**۴.۱۰** "قانویان" یکی از احزاب سیاسی وطن پرست در یهودیه بودند. از این رو می‌توان آن را "شمعون وطن‌پرست" هم ترجمه کرد. **۸.۱۰** منظور نوعی بیماری پوستی **۱۴.۱۰** این عملی بود که در آن زمان انجام می‌دادند تا نزدیک بودن جزای الهی را به آنها گوشزد کنند. **۱۵.۱۰** دو شهر مملو از گناه که توسط خدا مورد داوری قرار گرفت. اگر این دو اسم برای مخاطبین شما ناآشناست، آنها را "شهرهای سُدوم و عموره" ترجمه کنید.

[۱۹] وقتی شما را تسلیم کنند، نگران نباشید که
چگونه باید صحبت کنید و یا چه بگویید،
زیرا آنچه که باید بگویید در آن ساعت به
شما داده خواهد شد. [۲۰] زیرا این شما نیستید
که می‌گویید، بلکه روحِ پدر شماست که از
طریق شما سخن می‌گوید. [۲۱] برادر، برادر را به
مرگ تسلیم خواهد کرد، و پدر فرزندش را،
و فرزندان به ضدّ والدین برخواهند خاست
و آنها را به مرگ تسلیم خواهند کرد. [۲۲] و
به خاطر نام من، همه از شما نفرت خواهند
نمود. امّا آن کس که تا به آخر تحمّل کند،
نجات خواهد یافت. [۲۳] هرگاه شما را در شهری
آزار رسانند، به شهری دیگر فرار کنید، زیرا
حقیقتا به شما می‌گویم قبل از آنکه بتوانید
به همه شهرهای اسرائیل بروید، پسر انسان
خواهد آمد.
[۲۴] شاگرد از استاد خود بالاتر نیست، و
نه خدمتکار از ارباب خود بالاتر. [۲۵] برای
شاگرد کافی است که مانند استاد خود شود، و
خدمتکار مانند ارباب خود. اگر ارباب خانه را
بِعلزِبول خوانده‌اند، چقدر بیشتر اهل خانه‌اش
را بد خواهند گفت.

### نترسید

[۲۶] پس از آنان نترسید، زیرا چیزی پوشیده
نیست که آشکار نشود، و هیچ چیزِ پنهان
نیست که معلوم نگردد. [۲۷] آنچه به شما در
تاریکی می‌گویم، در روشنایی بگویید، و آنچه در
گوشتان نجوا می‌شود، بر بام‌ها اعلان کنید.
[۲۸] از کسانی که جسم را می‌کشند امّا قادر به
کشتن جان نیستند، نترسید. بلکه از او بترسید
که می‌تواند هم جان و هم جسم شما را در
جهنم هلاک کند. [۲۹] آیا دو گنجشک به پولی
ناچیز فروخته نمی‌شود؟ و نه یکی از آنها بدون
اجازه پدر شما به زمین می‌افتد. [۳۰] اما حتی
مویهای سرتان تماما شمرده شده‌اند. [۳۱] پس
نترسید، شما با ارزش‌تر از گنجشکانِ بسیار
هستید.
[۳۲] پس هر کس که مرا نزد مردم اقرار کند،
من نیز او را در حضور پدر من که در آسمان
است، اقرار خواهم کرد، [۳۳] امّا هر کس که مرا
نزد مردم انکار کند، من نیز او را در حضور پدر
من که در آسمان است، انکار خواهم کرد.

### نه صلح، بلکه شمشیر

[۳۴] گمان نکنید که آمده‌ام تا صلح به زمین
بیاورم. من نیامده‌ام تا صلح بیاورم، بلکه تا
شمشیر. [۳۵] زیرا آمده‌ام تا
مرد را بر علیه پدرش،
و دختر را بر علیه مادرش،
و عروس را بر علیه مادرشوهرش بگذارم.
[۳۶] و دشمنان شخص، اهل خانه‌اش
خواهند بود.
[۳۷] کسی که پدر یا مادر را بیشتر از من
دوست بدارد، لایق من نیست، و کسی که پسر
یا دختر را بیشتر از من دوست بدارد، لایق من
نیست. [۳۸] و کسی که صلیب خود را برندارد
و به دنبال من بیاید، لایق من نیست. [۳۹] کسی
که زندگی خود را حفظ کند، آن را از دست
خواهد داد و کسی که زندگی خود را به خاطر
من از دست دهد، آن را خواهد یافت.

---

**۲۵.۱۰** نام دیگری برای شیطان در مقام رئیس دیوها **۲۹.۱۰** در متن یونانی، واژه "آسَریون" به کار برده شده که کوچکترین واحد پولی رایج آن زمان بود. **۳۶.۱۰** میکاه ۷: ۶

**پاداش‌ها**

۴۰ کسی که شما را می‌پذیرد، مرا می‌پذیرد و
کسی که مرا می‌پذیرد، فرستنده مرا می‌پذیرد.
۴۱ کسی که پیامبری را به دلیل اینکه او پیامبر
است می‌پذیرد، پاداش یک پیامبر را خواهد
یافت، و کسی که شخصی صالح را به دلیل
اینکه او صالح است می‌پذیرد، پاداش یک
صالح را خواهد یافت. ۴۲ و کسی که به یکی
از این کوچکان، به دلیل اینکه او یک شاگرد
است، حتی یک لیوان آب سرد بدهد، حقیقتا
به شما می‌گویم، پاداش خود را به هیچ عنوان
از دست نخواهد داد.»

## پیام آوران از جانب یحیای تعمیددهنده

**لوقا ۷:۱۸–۳۵**

۱۱ وقتی عیسی دستورات خود را به
دوازده شاگرد به پایان رسانید، از
آنجا رفت تا در شهرهایشان تعلیم دهد و
موعظه کند.
۲ وقتی یحیا در زندان درباره کارهای مسیح
شنید، توسط شاگردانش پیغام فرستاد، ۳ و
به او گفت: «آیا تو همانی که قرار است
بیاید، یا منتظر کسی دیگر باشیم؟» ۴ عیسی
به آنان جواب داد: «بروید و هرچه را که
می‌بینید و می‌شنوید به یحیا بگویید: ۵ نابینایان
بینا می‌شوند، لنگان راه می‌روند، جذامیان پاک
می‌گردند، و کران می‌شنوند، و مردگان زنده
می‌گردند، و به فقیران خبر خوش موعظه
می‌شود. ۶ و خوشا به حال کسی که به خاطر
من نلغزد.»
۷ و چون آنان دور شدند، عیسی با جماعات
درباره یحیا شروع به صحبت کرد: «برای دیدن
چه چیزی به بیابان رفتید؟ نی‌ای که از باد
در تکان است؟ ۸ پس برای دیدن چه بیرون
رفتید؟ مردی که لباس لطیف به تن دارد؟
اینک، آنانی که لباس لطیف به تن می‌کنند
در خانه‌های پادشاهان هستند. ۹ پس برای
دیدن چه بیرون رفتید؟ یک پیامبر؟ بله، به
شما می‌گویم، بالاتر از یک پیامبر. ۱۰ این همان
کسی است که درباره‌اش نوشته شده:
"اینک، من پیام‌آور خود را پیش روی تو
می‌فرستم،
کسی را که راه تو را مقابلت آماده
خواهد ساخت."
۱۱ حقیقتا به شما می‌گویم، در بین اولادِ
زنان، کسی بزرگتر از یحیای تعمیددهنده
ظهور نکرده است. با اینحال کوچکترین
کس در پادشاهی آسمان از او بزرگتر است.
۱۲ از روزهای یحیای تعمیددهنده تا به حال
پادشاهی آسمان مورد خشونت واقع شده
است و زورمندان آن را به زور می‌گیرند. ۱۳ زیرا
همه پیامبران و تورات تا یحیا نبوّت کردند.
۱۴ و اگر بخواهید بپذیرید، او همان ایلیا است
که می‌بایست بیاید. ۱۵ هر که گوش دارد،
بشنود.
۱۶ اما این نسل را به چه چیز تشبیه کنم؟
مانند کودکانی هستند که در بازارها می‌نشینند
و همبازی‌های خود را صدا می‌زنند:
۱۷ "برایتان نِی نواختیم، و نرقصیدید؛
نوحه خواندیم، و سوگواری نکردید."
۱۸ زیرا یحیا آمد که نه می‌خورَد و نه می‌نوشد،
و می‌گویند: "دیو دارد." ۱۹ پسر انسان آمد که
می‌خورَد و می‌نوشد، و می‌گویند: "او را ببینید!
شکم پرست و میخواره، دوست خراج‌گیران

**۱۱.۱** به احتمال زیاد منظور شهرهای منطقه جلیل است. **۱۰.۱۱** ملاکی ۳: ۱

و گناهکاران!" با اینحال حکمت به وسیله اعمالش توجیه می‌شود.»

## وای بر شهرهایی که توبه نمی‌کنند

**لوقا ۱۰:۱۳–۱۵**

۲۰ آنگاه او شروع به سرزنش شهرهایی کرد که بیشترین معجزاتش در آنها انجام شده بود، زیرا که توبه نکردند. ۲۱ «وای بر تو، ای خورَزین! وای بر تو، ای بِیت‌صِیدا! زیرا اگر معجزاتی که در شما انجام شد در صور و صیدون انجام می‌شد، آنها مدتها پیش در پلاس و خاکستر توبه کرده بودند. ۲۲ امّا من به شما می‌گویم، در روز داوری تحمّل مجازات برای صور و صیدون آسانتر خواهد بود تا برای شما. ۲۳ و تو، ای کَفَرناحوم، آیا تا به آسمان سرافراز خواهی شد؟ تو به هاویه سرنگون خواهی شد. زیرا اگر معجزاتی که در تو انجام شد در سُدوم انجام می‌شد، تا به امروز بر جا می‌ماند. ۲۴ امّا به شما می‌گویم که در روز داوری، مجازات برای سرزمین سُدوم به مراتب قابل تحمّل خواهد بود، تا برای تو.»

## بیایید نزد من، و من شما را آرامی خواهم داد

**لوقا ۱۰:۲۱ و ۲۲**

۲۵ در آن وقت، عیسی اعلان کرد: «ای پدر، مالک آسمان و زمین، تو را شکر می‌کنم که این چیزها را از حکیمان و فهیمان پنهان داشتی و آنها را به بچه‌های کوچک آشکار کردی؛ ۲۶ بله، ای پدر، زیرا این اراده پُرلطف تو بود. ۲۷ همه چیز توسط پدرم به من سپرده شده است و هیچ‌کس پسر را نمی‌شناسد جز پدر و هیچ‌کس پدر را نمی‌شناسد جز پسر و هرکس که پسر بخواهد او را برایش آشکار سازد.

۲۸ بیایید نزد من، ای تمامی زحمتکشان و گرانباران، و من شما را آرامی خواهم داد. ۲۹ یوغ مرا بر خود گیرید، و از من تعلیم یابید، زیرا که حلیم و افتاده‌دل هستم، و در جانهای خود آرامی خواهید یافت. ۳۰ زیرا که یوغ من آسان است و بار من سبک.»

## عیسی صاحب روز سبّت

**مَرقُس ۲:۲۳–۲۸ ؛ لوقا ۶:۱–۵**

۱۲ در آن زمان، عیسی در روز سبّت از میان مزارع گندم می‌گذشت. شاگردان او گرسنه بودند، و شروع به چیدن خوشه‌های گندم و خوردن آنها کردند. ۲ امّا وقتی فَریسیان این را دیدند، به او گفتند: «نگاه کن، شاگردانت کاری را می‌کنند که انجام آن در روز سبّت جایز نیست.» ۳ عیسی به آنان گفت: «آیا نخوانده‌اید که داوود چه کرد، وقتی که خود و همراهانش گرسنه بودند؟ ۴ چگونه به خانه خدا وارد شد و نان حضور را خورد، که خوردنش برای او و همراهانش جایز نبود، بلکه فقط برای کاهنان؟ ۵ یا آیا در تورات نخوانده‌اید که چگونه در روز سبّت، کاهنان در معبد، به سبّت بی‌حرمتی می‌کنند و بی‌گناه هستند؟ ۶ به شما می‌گویم چیزی بزرگتر از معبد در اینجاست. ۷ و اگر معنی این را درک می‌کردید که "اشتیاق به رحمت دارم و نه قربانی"، دیگر بی‌گناهان را محکوم نمی‌کردید. ۸ زیرا پسر انسان صاحب سبّت است.»

---

**۲۱.۱۱** پلاس لباسی است زیر و خشن که معمولا از الیاف (همان جنس گونی) درست می‌شد و در زمان سوگواری به تن می‌کردند. اگر در فرهنگ مخاطبین شما ناآشناست، می‌توانید به جای آن از "لباس عزا" استفاده کنید.
**۷.۱۲** هوشع ۶:۶

## مردی با دست خشکیده

**مَرقُس ۳:۱-٦ ؛ لوقا ٦:٦-۱۱**

۹ عیسی از آنجا رفت و به کنیسه ایشان
وارد شد. ۱۰ و مردی در آنجا بود که دستش
خشکیده بود. و آنها از او پرسیدند: «آیا شفا
دادن در روز سبّت جایز است؟» تا بلکه
تهمتی بر او بزنند. ۱۱ عیسی به ایشان گفت:
«کدامیک از شماست که گوسفندی دارد، و
اگر آن گوسفند در روز سبّت به چاهی افتد،
آن را نمی‌گیرد و بیرونش نمی‌آورد؟ ۱۲ پس
چقدر انسان باارزش‌تر از گوسفند است!
بنابراین نیکویی کردن در روز سبّت جایز
است.» ۱۳ آنگاه به آن مرد گفت: «دستت را
دراز کن.» و او دستش را دراز کرد و مانند
دست دیگرش سالم شد. ۱٤ امّا فَریسیان بیرون
رفتند و به ضدّ او توطئه چیدند که چطور او
را بکشند.

## خادم برگزیده خدا

۱۵ عیسی، آگاه از این امر، از آنجا روان شد.
و بسیاری به دنبال او رفتند، و او همه ایشان
را شفا داد ۱٦ و ایشان را دستور داد که او را
شهرت ندهند. ۱۷ این برای انجام آن سخنی
بود که اِشعیای نبی گفته بود:

۱۸ «اینک، خادم من که او را برگزیده‌ام،
محبوب من که جانم از او بسیار
خشنود است.
روح خود را بر او خواهم گذاشت،
و او انصاف را به ملتّها اعلان
خواهد کرد.
۱۹ او نزاع نخواهد کرد و فریاد
نخواهد زد،
کسی صدایش را در کوچه‌ها
نخواهد شنید؛
۲۰ او نِیِ خُرد شده را نخواهد شکست،
و فتیله نیم‌سوز را خاموش
نخواهد کرد،
تا عدالت را به پیروزی رساند؛
۲۱ و در نام او ملتّها امید خواهند
داشت.»

## کفر به ضدّ روح القدس

**مَرقُس ۳:۲۳-۲۷ ؛ لوقا ۱۱:۱۷-۲۲**

۲۲ آنگاه مردی دیوزده را که کور و لال بود
نزدش آوردند، و عیسی او را شفا داد، طوری
که حرف زد و دید. ۲۳ و همه مردم در حیرت
شدند و گفتند: «آیا این شخص می‌تواند پسر
داوود باشد؟» ۲٤ امّا وقتی فَریسیان این را
شنیدند، گفتند: «این شخص دیوها را فقط به
توسط بِعِلزِبول، رئیس دیوها بیرون می‌کند.»
۲۵ عیسی که افکار آنان را می‌دانست، به ایشان
گفت: «هر مملکت که به ضدّ خود تقسیم
شود ویران خواهد شد، و نه هر شهر یا
خانه‌ای که به ضدّ خود تقسیم شود، پابرجا
خواهد ماند. ۲٦ و اگر شیطان، شیطان را
بیرون کند، او به ضدّ خود تقسیم شده است.
پس چگونه حکومتش پابرجا خواهد ماند؟
۲۷ و اگر من توسط بِعِلزِبول، دیوها را بیرون
می‌کنم، پسران شما توسط چه کسی آنها را
بیرون می‌کنند؟ پس آنها داوران شما خواهند
بود. ۲۸ امّا اگر من به وسیله روح خداست که

**۱۷.۱۲** اشعیا ٤۲: ۱ - ٤ **۲۱.۱۲** اشعیا ٤۲: ۱-٤ **۲۳.۱۲** منظور مسیح موعود است. **۲۷.۱۲** منظور از پسران شما، "شاگردان شما" است.

دیوها را بیرون می‌کنم، پس پادشاهی خدا بر شما آمده است. ۲۹ یا چگونه کسی می‌تواند به خانه مردی قوی وارد شود و اموالش را غارت کند، مگر این که اوّل آن مرد قوی را ببندد؟ آنگاه به راستی می‌تواند خانه او را غارت کند. ۳۰ هر کس با من نیست، به ضدّ من است، و هر کس با من جمع نمی‌کند، پراکنده می‌سازد. ۳۱ بنابراین به شما می‌گویم، هر گناه و کفرِ مردم بخشیده می‌شود، امّا کفر به روح‌القدس بخشیده نخواهد شد. ۳۲ و هرکس سخنی به ضدّ پسر انسان گوید، بخشیده خواهد شد، امّا هر کس که به ضدّ روح‌القدس سخن گوید، بخشیده نخواهد شد، چه در این عصر و چه در عصر آینده.

### درخت از میوه‌اش شناخته می‌شود

۳۳ یا درخت را خوب کنید و میوه‌اش را خوب، یا درخت را بد کنید و میوه‌اش را بد، زیرا درخت از میوه‌اش شناخته می‌شود. ۳۴ شما، ای افعی‌زادگان! چگونه می‌توانید خوب سخن گویید، حال آنکه شریر هستید؟ زیرا زبان از پُری دل سخن می‌گوید. ۳۵ شخص خوب، از خزانه خوب خود، خوبی را بیرون می‌آوَرَد، و شخص بد، از خزانه بد خود، بدی را بیرون می‌آورد. ۳۶ به‌شما می‌گویم، در روز داوری، مردم برای هر حرف بیهوده که گویند، حساب پس خواهند داد. ۳۷ زیرا از کلمات خود تبرئه خواهید شد، و از کلمات خود محکوم خواهید گردید.»

### نشانه یونس

**لوقا ۱۱:۲۹-۳۲**

۳۸ آنگاه بعضی از معلمین تورات و فَریسیان به او جواب داده، گفتند: «استاد، می‌خواهیم از تو نشانه‌ای ببینیم.» ۳۹ اما عیسی به ایشان جواب داد: «نسل شریر و زناکار نشانه‌ای می‌خواهد، امّا هیچ نشانه به ایشان داده نخواهد شد، مگر نشانه یونس نبی. ۴۰ زیرا همان‌طور که یونس سه روز و سه شب در شکم آن ماهیِ بزرگ بود، پسر انسان نیز سه روز و سه شب در دل زمین خواهد بود. ۴۱ مردم نینوا در داوری با این نسل برخواهند خاست و محکومشان خواهند کرد، زیرا آنها به موعظه یونس توبه کردند، و اینک چیزی بزرگتر از یونس در اینجاست. ۴۲ ملکه جنوب در داوری با این نسل برخواهد خاست و محکومشان خواهد کرد، زیرا او از آن سوی زمین آمد تا حکمت سلیمان را بشنود، و اینک، چیزی بزرگتر از سلیمان در اینجاست.

### بازگشت روح پلید

۴۳ وقتی روح پلید از کسی بیرون رفته است، برای استراحت در جایهای بی‌آب می‌گردد، امّا جایی پیدا نمی‌کند. ۴۴ پس می‌گوید: "به خانه‌ام که از آن بیرون آمدم، برمی‌گردم." و چون برمی‌گردد، خانه را خالی، جارو شده و مرتب می‌یابد. ۴۵ سپس می‌رود و هفت روح پلیدتر از خود را با خود می‌آورد، و آنها داخل می‌شوند و در آنجا ساکن می‌گردند و عاقبت آن شخص بدتر از اوّلش می‌شود. با این نسل شریر نیز چنین خواهد بود.»

### مادر و برادران عیسی

**مَرقُس ۳:۳۱-۳۵؛ لوقا ۸:۱۹-۲۱**

۴۶ در حالی که عیسی هنوز با مردم سخن می‌گفت، اینک، مادر و برادرانش بیرون ایستاده، می‌خواستند با او صحبت کنند. ۴۷ پس کسی به او خبر داد که: «مادر و

برادرانت بیرون ایستاده‌اند و می‌خواهند با تو صحبت کنند.» ۴۸ اما او به آن مرد که خبرش کرده بود، جواب داد: «کیست مادر من؟ کیست برادرانم؟» ۴۹ و دستش را به سوی شاگردانش دراز کرده، گفت: «اینانند مادر و برادران من! ۵۰ زیرا هر کس که اراده پدر مرا که در آسمان است انجام دهد، برادر و خواهر و مادر من است.»

## مَثَل برزگر

مَرقُس ۴:۱–۱۲ ؛ لوقا ۸:۴–۱۰

۱۳ همان روز، عیسی از خانه بیرون رفت و در کنار دریا نشست. ۲ و جماعات بزرگ دور او جمع شدند، پس او سوار قایقی شد و نشست. و تمام جمعیت در ساحل ایستادند. ۳ و او چیزهای بسیاری با مَثَلها به آنها گفته، فرمود: «برزگری برای پاشیدن تخم بیرون رفت. ۴ و همانطور که تخم می‌پاشید، برخی از تخم‌ها در راه افتادند، و پرندگان آمدند و آنها را خوردند. ۵ برخی دیگر از تخم‌ها بر زمین سنگلاخ افتادند، جایی که خاک زیادی نداشت، و زود سبز شدند، چون که خاک کم‌عمق بود. ۶ امّا وقتی آفتاب تابید، سوختند. و چون ریشه نداشتند، خشکیدند. ۷ مقداری از تخمها در میان خارها افتادند، و خارها رشد نمودند و آنها را خفه کردند. ۸ تخم‌های دیگر بر زمین خوب افتادند و دانه تولید کردند، برخی صد برابر، برخی شصت، و برخی سی. ۹ هر که گوش دارد، بشنود.»

## منظور از مثل‌ها

مرقس ۴: ۱۰–۲۵؛ لوقا ۸: ۹–۱۸

۱۰ آنگاه شاگردان نزد او آمدند و به او گفتند: «چرا با آنها با مَثَلها حرف می‌زنی؟» ۱۱ عیسی به ایشان جواب داد: «به شما عطا شده است که اسرار پادشاهی آسمان را بدانید، امّا به آنها عطا نشده است. ۱۲ زیرا به کسی که دارد، بیشتر داده خواهد شد، و او به فراوانی خواهد داشت، اما از کسی که ندارد، حتی آنچه هم که دارد، از او گرفته خواهد شد. ۱۳ از این جهت با آنها به مَثَلها حرف می‌زنم، زیرا

نگاه می‌کنند، و نمی‌بینند،
گوش می‌کنند، و نمی‌شنوند و نه
می‌فهمند.

۱۴ حقیقتا در مورد آنها نبوّت اِشعیا به انجام می‌رسد که می‌گوید:

"به راستی هم که خواهید شنید، امّا
هرگز نخواهید فهمید،
به راستی هم که خواهید دید، امّا
هرگز درک نخواهید کرد.
۱۵ زیرا دل این قوم سخت شده است،
و با گوشهایشان به‌ندرت می‌شنوند،
و چشمانشان را بسته‌اند،
مبادا با چشمانشان ببینند،
و با گوشهایشان بشنوند
و با دلهایشان بفهمند
و برگردند و من شفایشان دهم."

۱۶ امّا خوشا به حال چشمان شما، زیرا که می‌بینند و گوشهای شما، زیرا که می‌شنوند. ۱۷ زیرا حقیقتا به شما می‌گویم، بسیاری از انبیا

**۱۵.۱۳** اشعیا ۶: ۹ و ۱۰

و صالحان در حسرت آن بودند که آنچه را شما می‌بینید، ببینند و ندیدند، و آنچه را که شما می‌شنوید، بشنوند، و نشنیدند.

## تشریح مثل برزگر

۱۸ پس معنی مَثَل برزگر را بشنوید: ۱۹ وقتی کسی کلام پادشاهی را می‌شنود و آن را نمی‌فهمد، آن شَریر می‌آید و آنچه را که در دل او کاشته شد، از او می‌قاپد. این همان تخمی است که در راه کاشته شد. ۲۰ امّا تخمی که بر زمین سنگلاخ افتاد، این است آن کس که کلام را می‌شنود و فورا آن را با شادی می‌پذیرد، ۲۱ با اینحال ریشه در خود ندارد، برای مدتی کم، دوام می‌آوَرد، و وقتی به دلیل کلام، عذاب یا آزاری پیش می‌آید، در دم می‌افتد. ۲۲ امّا آنچه در میان خارها کاشته شد، آن کسی است که کلام را می‌شنود، امّا امورات دنیا و فریبندگی مال و منال آن کلام را خفه می‌کند و بی‌ثمرش می‌گرداند. ۲۳ و اما در مورد آنچه که در زمین خوب کاشته شد، این است آن کس که کلام را می‌شنود و آن را می‌فهمد. او حقیقتا بارور شده، در بعضی صد، در دیگری شصت، و در دیگری سی برابر میوه می‌آورد.»

## مَثَل علفهای هرز

۲۴ عیسی مَثَل دیگری برایشان آورده، گفت: «پادشاهی آسمان را می‌توان به مردی تشبیه کرد که تخم خوب در مزرعه خود کاشت. ۲۵ امّا وقتی که خادمانش در خواب بودند، دشمن او آمد و علفِ هرز در میان گندم کاشت و دور شد. ۲۶ پس وقتی گیاهان سبز شدند و دانه آوردند، آن موقع علفهای هرز نیز ظاهر شدند. ۲۷ خادمان صاحبخانه آمدند و به او گفتند: "آقا، مگر تخم خوب در مزرعه‌ات نکاشتی؟ پس چطور علف هرز دارد؟" ۲۸ او به آنان گفت: "دشمن این کار را کرده است." پس خادمان به او گفتند: "پس آیا می‌خواهی برویم و آنها را جمع کنیم؟" ۲۹ اما او گفت: "نه، مبادا در جمع کردن علفهای هرز، گندم را با آنها از ریشه برگنید. ۳۰ بگذارید هر دو تا برداشت محصول با هم رشد کنند، و زمان برداشت به دروگران خواهم گفت: 'اول علفهای هرز را جمع کنید و آنها را در دسته‌ها بندید تا سوزانیده شوند، لیکن گندم را در انبارم جمع کنید.'"»

## دانه خردل و خمیرمایه

**مَتّی ۱۳:۳۱- ۳۳ – مَرقُس ٤:۳۰-۳۲ – لوقا ۱۳:۱۸-۲۰**

۳۱ عیسی مثلی دیگر برایشان زده، گفت: «پادشاهی آسمان مانند دانه خردلی است که مردی آن را گرفت و در مزرعه‌اش کاشت. ۳۲ آن دانه از همه دانه‌ها کوچکتر است، امّا وقتی رشد می‌کند، بزرگتر از همه گیاهان باغ است و درختی می‌شود که پرندگان هوا می‌آیند و در شاخه‌هایش آشیانه می‌سازند.»

۳۳ او مثلی دیگر برایشان گفت: «پادشاهی آسمان مانند خمیرمایه‌ای است که زنی برداشت و در سه پیمانه آرد آن را پنهان کرد، تا همه وَر آمد.»

## نبوّت و مثل‌ها

۳٤ عیسی همه این چیزها را برای آن جماعات به مَثَل‌ها گفت؛ به راستی هم که

**۱۹.۱۳** منظور شیطان است. همچنین در آیه ۳۸ **۳۳.۱۳** یا، سه کیل. در متن یونانی، "سه ساتا" که جمعا معادل ۲۲ لیتر بود

بدون مَثَل چیزی به آنها نگفت. ۳۵ این اتفاق افتاد تا کلامی که به زبان نبی گفته شده بود، به انجام رسد:

«دهان خود را به مَثَلها باز خواهم کرد؛
آنچه را که از بنیاد جهان مخفی مانده است، به زبان خواهم آورد.»

## تشریح مَثَل علفهای هرز

۳۶ آنگاه عیسی آن جماعات را ترک کرد و به داخل خانه رفت. و شاگردانش نزد او آمده، گفتند: «مَثَل علفهای هرزِ مزرعه را برای ما شرح بده.» ۳۷ او جواب داد: «کسی که تخم خوب می‌کارد، پسر انسان است. ۳۸ مزرعه این جهان است، و تخم خوب، پسران پادشاهی هستند. علفهای هرز پسران آن شَریرند، ۳۹ و دشمنی که آنها را کاشت، ابلیس است. درو محصول، آخر زمان است، و دروگران، فرشتگانند. ۴۰ همان‌طور که علفهای هرز جمع و به آتش سوزانیده می‌شوند، در آخر زمان نیز چنین خواهد بود. ۴۱ پسر انسان فرشتگان خود را خواهد فرستاد، و آنها هرچه را که گناه و قانون شکنی را سبب می‌شود، از پادشاهی‌اش جمع خواهند کرد ۴۲ و آنها را در کوره آتشین خواهند انداخت. در جایی که گریه و سایش دندان خواهد بود. ۴۳ آنگاه صالحان مانند آفتاب در پادشاهی پدرشان خواهند درخشید. هر که گوش دارد، بشنود.

## مَثَل گنج پنهان

۴۴ پادشاهی آسمان مانند گنجی است که در مزرعه‌ای پنهان شده، که مردی آن را پیدا کرد و روی آن را پوشانید. سپس از خوشحالی می‌رود و هرچه را که دارد می‌فروشد و آن مزرعه را می‌خرد.

## مثل مروارید گرانبها

۴۵ باز، پادشاهی آسمان مانند تاجری است که در جستجوی مرواریدهای اعلاست. ۴۶ وقتی مرواریدی بسیار باارزش یافت، رفت و آنچه را داشت فروخت و آن مروارید را خرید.

## مَثَل تور ماهیگیری

۴۷ باز، پادشاهی آسمان مانند توری است که به دریا انداخته شد و همه نوع ماهی را جمع کرد. ۴۸ وقتی پُر شد، مردان آن را به ساحل کشیدند و نشستند و خوبها را در ظروف جمع کردند، لیکن بدها را دور انداختند. ۴۹ در آخر زمان نیز چنین خواهد بود. فرشتگان خواهند آمد و شریران را از صالحان جدا خواهند کرد ۵۰ و آنها را در کوره آتشین خواهند انداخت. جایی که گریه و سایش دندان خواهد بود.

## گنجهای تازه و کهنه

۵۱ آیا همه این چیزها را فهمیده‌اید؟» به او جواب دادند: «بله.» ۵۲ و او به آنها گفت: «بنابراین هر کاتب که برای پادشاهی آسمان تربیت شده است، همانند ارباب خانه‌ای است که از خزانه خود چیزهای نو و کهنه بیرون می‌آورد.»

## مردم ناصره عیسی را رد کردند

مَرقُس ۶:۱-۶

۵۳ وقتی عیسی این مَثَلها را به پایان رسانید، از آنجا دور شد، ۵۴ و به شهر خود آمده، آنان را در کنیسه‌شان تعلیم داد، به حدی

**۳۵.۱۳** مزمور ۷۸: ۲

که شگفت زده شدند و گفتند: «این مرد از کجا این حکمت و این معجزات را کسب کرده است؟ ۵۵ مگر این پسر آن نجّار نیست؟ مگر اسم مادرش مریم نیست؟ مگر برادرانش یعقوب و یوسف و شَمعون و یهودا نیستند؟ ۵۶ مگر همه خواهرانش نزد ما نیستند؟ پس این مرد از کجا همه این چیزها را کسب کرده است؟» ۵۷ و از او رنجیدند. امّا عیسی به آنان گفت: «نبی هیچ جا بی‌حرمت نیست، مگر در شهر خود و در خانه خویش.» ۵۸ و او در آنجا به سبب بی‌ایمانی ایشان، معجزات زیادی نکرد.

## مرگ یحیای تعمیددهنده

**مَرقُس ٦:١٤-٢٩**

۱٤ در آن زمان شهرت عیسی به گوش هیرودیسِ تترارخ رسید، ۲ و او به خادمان خود گفت: «این یحیای تعمیددهنده است. او از مردگان زنده شده است؛ به همین سبب است که این قدرتهای معجزه‌وار از او دیده می‌شود.»

۳ زیرا هیرودیس یحیا را به‌خاطر هیرودیا، زنِ برادرش فیلیپُس، دستگیر کرده و بسته، به زندان انداخته بود، ٤ زیرا یحیا به او می‌گفت: «برای تو جایز نیست که این زن را تصاحب کنی.» ۵ و هرچند می‌خواست که او را بکشد، امّا از مردم می‌ترسید،، زیرا آنها او را یک پیامبر می‌دانستند.

٦ اما وقتی روز تولد هیرودیس فرا رسید، دختر هیرودیا در جمع رقصید و هیرودیس را پسند آمد. ۷ به حدی که به سوگند قول داد هر چه بخواهد به او بدهد. ۸ دختر به تحریک مادرش گفت: «سرِ یحیای تعمیددهنده را همین جا در یک سینی به من بده.» ۹ پادشاه متاسف شد، امّا به دلیل سوگندش و به خاطر میهمانانش دستور داد که داده شود. ۱۰ او فرستاد و سر یحیا را در زندان از تن جدا کرد، ۱۱ و سرش را در یک سینی آوردند و به دختر دادند، و او آن را نزد مادرش آورد. ۱۲ و شاگردان یحیا آمدند و بدن او را برداشتند و آن را دفن کردند، و رفتند و به عیسی خبر دادند.

## عیسی پنج هزار نفر را غذا می‌دهد

**مَرقُس ٦:٣٢-٤٤؛ لوقا ۹:۱۰-۱۷؛ یوحنا ٦:۱-۱۳**

۱۳ وقتی عیسی این را شنید، به تنهایی با قایقی از آنجا دور شده، به مکانی خلوت رفت. امّا جماعات وقتی این را شنیدند، از شهرها با پای پیاده به دنبال او روان شدند. ۱٤ وقتی به ساحل رفت جماعت بزرگی را دید و دلش به حال آنها سوخت و بیمارانشان را شفا داد.

۱۵ به هنگام غروب، شاگردان نزد او آمدند و گفتند: «اینجا جایی دورافتاده است، و روز به پایان رسیده؛ جماعات را مرخص کن تا به دهات بروند و برای خود خوراک بخرند.» ۱٦ اما عیسی گفت: «نیازی نیست بروند؛ شما ایشان را خوراک دهید.» ۱۷ شاگردان به او گفتند: «در اینجا فقط پنج نان و دو ماهی داریم.» ۱۸ عیسی به ایشان گفت: «آنها را اینجا به نزد من بیاورید.» ۱۹ آن وقت او به جماعات دستور داد تا بر چمن بنشینند، و پنج نان و دو ماهی را گرفته، به آسمان نگاه کرد و برکت داد. سپس نانها را پاره کرد و آنها را به شاگردان داد، و شاگردان آنها را

**۱.۱٤** هیرودیس آنتیپاس یکی از پسران هیرودیس کبیر. "تترارخ" یعنی "حاکم یک چهارم." بعد از مرگ هیرودیس کبیر، منطقه تحت پادشاهی او بین فرزندانش تقسیم شد و هر کدام از آنها عنوان "تترارخ" را بر خود داشت. این هیرودیس فقط حاکم منطقه جلیل بود. برای واژه تترارخ می‌توان از کلمه "حاکم" نیز استفاده کرد.

به جماعات دادند. ۲۰ و همه خوردند و سیر شدند. و دوازده سبد از خرده‌های باقی‌مانده، پُر کرده، برداشتند. ۲۱ و تعداد کسانی که خوردند، به‌جز زنان و کودکان، پنج هزار مرد بودند.

### عیسی روی آب راه می‌رود

مَرقُس ۶:۴۵–۵۱ ؛ یوحنا ۶:۱۵–۲۱

۲۲ عیسی شاگردان را فورا واداشت که قبل از او به قایق سوار شوند و به آن طرف دریا بروند، در حالی که خود جماعات را مرخص کرد. ۲۳ و بعد از مرخص کردن آن جماعات، به تنهایی از کوه بالا رفت تا دعا کند. وقتی شب رسید، او در آنجا تنها بود، ۲۴ اما قایق تا آن وقت از ساحل بسیار دور رفته، گرفتار امواج شده بود، زیرا بادِ مخالف می‌وزید. ۲۵ در پاس چهارمِ شب، عیسی قدم زنان بر روی آب به نزد آنان آمد. ۲۶ اما وقتی شاگردان، او را در حال راه رفتن روی آب دیدند، وحشت کردند، و گفتند: «شبح است!» و از ترس فریاد زدند. ۲۷ امّا عیسی بی‌درنگ آنها را خطاب کرده، گفت: «دل قوی دارید. من هستم. نترسید.»

۲۸ پطرس به او جواب داد: «ای آقا، اگر تویی، مرا فرمان ده تا روی آب نزد تو بیایم.» ۲۹ او گفت: «بیا.» پس پطرس از قایق بیرون آمد و روی آب به راه افتاد و نزد عیسی آمد. ۳۰ امّا وقتی باد را دید، ترسان شد و در حالی که در آب فرو می‌رفت، فریاد زد: «ای آقا، نجاتم ده.» ۳۱ عیسی فورا دست خود را دراز کرد و او را گرفته، به او گفت: «ای کم ایمان، چرا شک کردی؟» ۳۲ و وقتی به قایق سوار شدند، باد قطع شد. ۳۳ و کسانی که در قایق بودند او را پرستیده، گفتند: «به راستی تو پسر خدا هستی.»

### عیسی در جِنیسارِت بیماران را شفا می‌دهد

مَرقُس ۶:۵۳–۵۶

۳۴ وقتی به آن طرف رسیدند، به زمین جِنیسارِت آمدند. ۳۵ و وقتی مردم آنجا او را شناختند، به تمامی آن منطقه خبر فرستادند و همه بیماران را نزدش آوردند. ۳۶ و به او التماس کردند اجازه دهد تا فقط لبه ردایش را لمس کنند. و هر کس که لمس کرد، شفا یافت.

### سنّت‌ها و احکام

مَرقُس ۷:۱–۲۳

۱۵ آنگاه فَریسیان و معلمین تورات از اورشلیم نزد عیسی آمدند و گفتند: ۲ «چرا شاگردان تو سنّت مشایخ را می‌شکنند؟ زیرا وقتی غذا می‌خورند دست‌های خود را نمی‌شویند؟» ۳ او به ایشان جواب داد: «شما چرا به خاطر سنّت‌تان، حکم خدا را می‌شکنید؟ ۴ زیرا خدا حکم کرده است: "پدر و مادر خود را احترام کن،" و "هر کس که پدر یا مادر خود را ناسزا گوید، حتما باید بمیرد." ۵ امّا شما می‌گویید اگر کسی به پدر یا مادرش بگوید: "آنچه که از من به شما می‌رسد، به خدا وقف شده است"، ۶ دیگر او را نیازی به احترام پدرش نیست. پس به خاطر سنّت‌تان، شما کلام خدا را باطل کرده‌اید. ۷ شما، ای ریاکاران!

---

**۱۴.۲۴** در متن یونانی از مقیاس ستادیا استفاده شده که معادل ۶۰۷ پا، یا اینکه معادل ۱۸۵ متر بود. **۱۴.۲۵** بین ساعات سه تا شش صبح **۱۵.۴** خروج ۲۰: ۱۲ و تثنیه ۵: ۱۶ **۱۵.۴** خروج ۲۱: ۱۷ و لاویان ۲۰: ۹
**۱۵.۶** در برخی از ترجمه‌ها، شریعت خدا

اِشعیا درباره شما به خوبی نبوّت کرد، زمانی که گفت:

۸ "این قوم با لبهای خود مرا
احترام می‌کنند،
امّا دلشان از من دور است؛
۹ آنان بیهوده مرا عبادت می‌کنند،
و تعالیم‌شان احکام انسانی است."»

## چه چیز شخص را نجس می‌سازد

۱۰ عیسی مردم را نزد خود خواند و به آنها گفت: «گوش کنید و بفهمید؛ ۱۱ نه آنچه که به دهان وارد می‌شود انسان را نجس می‌سازد، بلکه آنچه که از دهان بیرون می‌آید، این است که انسان را نجس می‌سازد.» ۱۲ آنگاه شاگردان آمدند و به او گفتند: «آیا می‌دانی که فَریسیان وقتی این سخنان را شنیدند، رنجیدند؟» ۱۳ عیسی جواب داد: «هر نهالی که پدر آسمانی من نکاشته باشد، ریشه‌کن خواهد شد. ۱۴ آنها را واگذارید؛ آنها راهنمایانِ کور هستند. و اگر کوری، کوری دیگر را هدایت کند، هر دو در چاه خواهند افتاد.» ۱۵ اما پطرس به او گفت: «این مَثَل را برای ما شرح بده.» ۱۶ عیسی گفت: «آیا شما نیز هنوز درک نمی‌کنید؟ ۱۷ آیا نمی‌دانید که هر چه به دهان وارد می‌شود، به معده می‌رود و بعد دفع می‌شود؟ ۱۸ امّا آنچه از دهان بیرون می‌آید، از دل سرچشمه می‌گیرد، و این است که شخص را نجس می‌سازد. ۱۹ زیرا از دل است که افکار پلید، قتل، زنا، بی‌عفتی، دزدی، شهادتِ دروغ و تهمت بیرون می‌آید. ۲۰ اینها هستند آنچه که شخص را نجس می‌سازند، اما غذا خوردن با دستهای نشسته کسی را نجس نمی‌کند.»

## ایمان زن کنعانی

### مَرقُس ۷:۲۴-۳۰

۲۱ عیسی از آنجا دور شد و به نواحی صور و صیدون رفت. ۲۲ اینک، زنی کنعانی از آن منطقه، نزدش آمد و فریاد زنان گفت: «ای آقا، پسر داوود، بر من رحم کن؛ دخترم به شدّت دیوزده است.» ۲۳ امّا او هیچ جوابش نداد. و شاگردانش آمدند و از او خواهش کرده، گفتند: «او را مرخص کن، زیرا فریادزنان به دنبال ما می‌آید.» ۲۴ عیسی جواب داد: «من فقط برای گوسفندان گم‌گشته خاندان اسرائیل فرستاده شده‌ام.» ۲۵ امّا آن زن آمد و در برابر او زانو زده، گفت: «ای آقا، کمکم کن.» ۲۶ عیسی جواب داد: «نان فرزندان را گرفتن و آن را جلو سگان انداختن درست نیست.» ۲۷ زن گفت: «بله، آقا، با اینحال حتی سگان نیز از خرده‌هایی که از سفره صاحبانشان می‌ریزد، می‌خورند.» ۲۸ آنگاه عیسی به او گفت: «ای زن، ایمان تو عظیم است! آنچه که می‌خواهی، برآورده شود.» و دخترش در همان لحظه شفا یافت.

## عیسی بسیاری را شفا می‌دهد

### مرقس ۷: ۳۱-۳۷

۲۹ عیسی از آنجا رفت و در کنار دریای جلیل قدم زده و از کوه بالا رفت و آنجا نشست. ۳۰ و جماعات بزرگ نزد او آمدند، با خود لنگان، کوران، مفلوجان، و لالان، و بسیاری دیگر را آورده، آنها را در جلوی پای وی گذاشتند، و او ایشان را شفا داد. ۳۱ وقتی آن جماعت دیدند که لالان گویا، مفلوجان

**۷.۱۵** اشعیا ۲۹: ۱۳ **۹.۱۵** اشعیا ۲۹: ۱۳ **۲۲.۱۵** منظور مسیح موعود است.

سالم، لنگان روان، و کوران بینا می‌شوند، در تعجب شدند. و خدای اسرائیل را جلال دادند.

## عیسی چهار هزار نفر را غذا می‌دهد

مرقس ۸: ۱–۹

۳۲ سپس عیسی شاگردانش را نزد خود خواند و گفت: «دلم بر این جماعت می‌سوزد، زیرا الآن سه روز است که با من بوده‌اند و هیچ چیز برای خوردن ندارند. و نمی‌خواهم ایشان را گرسنه مرخص کنم، مبادا در راه ضعف کنند.» ۳۳ شاگردان به او گفتند: «از کجا در چنین جای دورافتاده نان کافی فراهم کنیم تا چنین جماعت بزرگی را بخورانیم؟» ۳۴ عیسی به آنان گفت: «چند نان دارید؟» گفتند: «هفت نان و چند ماهی کوچک.» ۳۵ پس به جماعت دستور داد تا بر زمین بنشینند، ۳۶ او آن هفت نان و چند ماهی را گرفت، و پس از شکرگزاری، آنها را پاره کرد و به شاگردان داد، و شاگردان آن را به جماعات دادند. ۳۷ و همه خوردند و سیر شدند. و هفت سبد پُر از خرده‌های باقی‌مانده برداشتند. ۳۸ تعداد کسانی که خوردند، به جز زنان و کودکان، چهار هزار مرد بودند. ۳۹ پس از آنکه جماعات را مرخص کرد، عیسی سوار قایق شد و به منطقه مَجَدان رفت.

## فریسیان و صدوقیان نشانه‌ها می‌طلبند

متّی ۱۶:۱–۱۲؛ مَرقُس ۸:۱۱–۲۱

۱۶ فَریسیان و صَدوقیان آمدند، و برای امتحان کردنش از او خواستند تا نشانه‌ای از آسمان به آنان نشان دهد. ۲ عیسی به آنان جواب داد: «وقتی غروب است، می‌گویید: "هوا صاف خواهد بود، زیرا آسمان سرخ است." ۳ و در صبح: "امروز هوا طوفانی خواهد بود، زیرا آسمان سرخ و گرفته است." شما می‌دانید چگونه ظاهر آسمان را تعبیر کنید، امّا نمی‌توانید نشانه‌های زمان‌ها را تعبیر کنید. ۴ نسلی شریر و زناکار نشانه‌ای می‌طلبد، امّا هیچ نشانه‌ای به آنها داده نخواهد شد مگر نشانه یونس.» پس آنها را ترک کرد و روان شد.

## خمیرمایه فَریسیان و صَدوقیان

متّی ۱۶:۵–۱۲؛ مَرقُس ۸:۱۳–۲۱

۵ وقتی شاگردان به آن طرف رسیدند، فراموش کرده بودند که نان بیاورند. ۶ عیسی به آنان گفت: «مواظب باشید و از خمیرمایه فَریسیان و صَدوقیان دوری کنید.» ۷ آنان در بین خود بحث کرده، می‌گفتند: «با خود نان نیاورده‌ایم.» ۸ اما عیسی که آگاه از این بود، گفت: «ای کم‌ایمانان، چرا در بین خود از اینکه نان نیاوردید، بحث می‌کنید؟ ۹ آیا هنوز درک نمی‌کنید؟ آیا به یاد نمی‌آورید آن پنج نان را برای پنج هزار نفر، و چند سبد جمع کردید؟ ۱۰ یا آن هفت نان را برای چهار هزار نفر و چند سبد جمع کردید؟ ۱۱ چگونه است که درک نمی‌کنید که درباره نان نگفتم؟ از خمیرمایه فَریسیان و صَدوقیان دوری کنید.» ۱۲ آنگاه فهمیدند که به آنان گفت که نه از خمیرمایه نان، بلکه از تعلیم فَریسیان و صَدوقیان دوری کنند.

### پطرس اعتراف می‌کند که عیسی، مسیح است

۱۳ و وقتی عیسی به نواحی قیصریه فیلیپی
آمد، از شاگردان خود پرسید: «به گفته
مردم، پسر انسان کیست؟» ۱۴ و آنان گفتند:
«بعضی می‌گویند یحیای تعمیددهنده، دیگران
می‌گویند ایلیا، و بعضی دیگر می‌گویند اِرمیا یا
یکی از پیامبران.» ۱۵ او به آنها گفت: «اما به
نظر شما من کِه هستم؟» ۱۶ شَمعون پطرس
جواب داد: «تویی مسیح، پسر خدای زنده.»
۱۷ و عیسی به او گفت: «خوشا به حال تو،
ای شَمعون، پسر یونا! زیرا جسم و خون این
را بر تو آشکار نکرده است، بلکه پدر من
که در آسمان است. ۱۸ و من به تو می‌گویم،
تویی پطرس، و بر این صخره، کلیسای خود
را بنا می‌کنم، و دروازه‌های جهنم بر آن چیره
نخواهد شد. ۱۹ کلیدهای پادشاهی آسمان را
به تو خواهم داد، و آنچه بر زمین ببندی در
آسمان بسته خواهد شد، و آنچه بر زمین باز
کنی، در آسمان باز خواهد شد.» ۲۰ آنگاه او
شاگردان را به شدت قدغن کرد به هیچ‌کس
نگویند که او مسیح است.

### پیشگویی عیسی درباره مرگ و زنده شدنش

**متّی ۱۶:۲۱–۲۸؛ مَرقُس ۸:۳۱–۹:۱؛ لوقا ۹:۲۲–۲۷**

۲۱ از آن زمان عیسی به شاگردان خود شروع
کرد به فهماندن این که او باید به اورشلیم برود
و از مشایخ و سران کاهنان و معلمین تورات،
آزار بسیار بیند و کشته شود، و در روز سوّم
زنده گردد. ۲۲ پطرس او را به کنار کشید و
شروع به سرزنش کرده، گفت: «دور از تو،
ای آقا! چنین چیزی هرگز بر تو واقع نخواهد
شد.» ۲۳ اما عیسی برگشته، به پطرس گفت:
«از سر راهم کنار برو، ای شیطان! تو مانعِ من
هستی. زیرا افکارت را بر امور خدا نگذاشته‌ای،
بلکه بر امور انسان.»

### صلیب خود را بردار و عیسی را پیروی کن

۲۴ آنگاه عیسی به شاگردانش گفت: «اگر
کسی بخواهد مرا پیروی کند، باید خود را انکار
کند و صلیب خود را بردارد و به دنبال من
بیاید. ۲۵ زیرا هر کس بخواهد زندگی خود را
نجات دهد، آن را از دست خواهد داد. امّا
هر کس زندگی خود را به خاطر من از دست
دهد، آن را خواهد یافت. ۲۶ زیرا انسان را چه
فایده است اگر تمام دنیا را ببرد، امّا جان خود
را ببازد؟ یا انسان در عوضِ جان خود چه
می‌تواند بدهد؟
۲۷ زیرا پسر انسان با فرشتگانش در جلال
پدر خود خواهد آمد، و آنگاه هرکس را مطابق
آنچه که انجام داده است، عوض خواهد
داد. ۲۸ حقیقتا، به شما می‌گویم، بعضی اینجا
ایستاده‌اند که تا پسر انسان را نبینند که
در پادشاهیِ خود می‌آید، مرگ را نخواهند
چشید.»

### تبدیل ظاهر

**متّی ۱۷:۱–۸؛ لوقا ۹:۲۸–۳۶**

۱۷ بعد از شش روز، عیسی، پطرس و
یعقوب و برادرش یوحنا را برداشت
و آنان را بر بالای کوهی بلند برد که در
آنجا تنها باشند. ۲ و در حضور آنها، ظاهر او
تغییر کرد، و صورتش مانند آفتاب درخشید

**۱۸.۱۶** "پطرس" یعنی "سنگ". اسم مذکر در یونانی. اسامی در یونانی مذکر و مونث دارند و اسم مونث پطرس، پطرا می‌باشد. **۱۸.۱۶** یا دروازه های هاویه

و لباسش مثل نور، سفید شد. ۳ و اینک، در
آنجا موسی و ایلیا بر آنان ظاهر شده، با
او گفتگو می‌کردند. ٤ پطرس به عیسی گفت:
«ای آقا، خوب است که ما اینجا هستیم. اگر
بخواهی در اینجا سه سایبان بسازم، یکی برای
تو و یکی برای موسی و یکی برای ایلیا.» ٥ او
هنوز سخن می‌گفت که ناگاه ابری درخشان بر
آنان سایه افکند، و صدایی از ابر گفت: «این
است پسر محبوب من، که از او خشنودم؛
به او گوش دهید.» ٦ وقتی شاگردان این را
شنیدند، به روی خود افتادند و ترسیدند.
۷ امّا عیسی آمد و ایشان را لمس کرده، گفت:
«برخیزید و نترسید.» ۸ و وقتی سر خود را بالا
آوردند، کسی را به جز عیسی ندیدند.
۹ و وقتی که از کوه پایین می‌آمدند، عیسی به
آنان دستور داد: «این رویا را به کسی نگویید،
تا زمانی‌که پسر انسان از مردگان برخیزد.»
۱۰ شاگردان از او پرسیدند: «پس چرا معلمین
تورات می‌گویند که باید اوّل ایلیا بیاید؟»
۱۱ عیسی جواب داد: «البته ایلیا می‌آید و همه
چیز را از سر نو برقرار خواهد کرد. ۱۲ امّا به
شما می‌گویم که ایلیا هم اکنون آمده است و
آنها او را نشناختند، بلکه هرآنچه خواستند
به او کردند. به همین طور نیز پسر انسان
یقینا به دست آنان آزار خواهد دید.» ۱۳ آنگاه
شاگردان دانستند که به آنها درباره یحیای
تعمیددهنده می‌گوید.

### عیسی پسری دیوزده را شفا می‌دهد

**متّی ۱۷:۱٤–۱۹؛ مَرقُس ۹:۱٤–۲۸؛ لوقا ۹:۳۷–٤۲**

۱٤ و وقتی نزد جماعت آمدند، مردی به نزد
او آمد و در مقابل او زانو زده، گفت: ۱٥ «ای
آقا، بر پسر من رحم کن، چونکه صرع دارد و
سخت رنج می‌کشد. زیرا اغلب در آتش و آب
می‌افتد. ۱٦ و او را نزد شاگردانت آوردم و آنها
نتوانستند او را شفا دهند.» ۱۷ عیسی جواب
داد: «ای نسل بی ایمان و منحرف، تا به کِی
با شما باشم؟ تا به کِی شما را تحمل کنم؟ او
را نزد من بیاورید.» ۱۸ و عیسی دیو را توبیخ
کرد، و دیو از پسر بیرون آمد و پسر در آن
لحظه شفا یافت. ۱۹ آنگاه شاگردان نزد عیسی
آمدند و در خلوت از او پرسیدند : «چرا ما
نتوانستیم آن را بیرون کنیم؟» ۲۰ عیسی به
آنها گفت: «به دلیل کم ایمانی‌تان. زیرا حقیقتا
به شما می‌گویم، اگر ایمانی به قدر دانه خردل
داشته باشید، به این کوه خواهید گفت: "از
اینجا منتقل شو به آنجا،" و منتقل خواهد
شد، و هیچ چیز برای شما غیرممکن نخواهد
بود. ۲۱ امّا این جنس جز به روزه و دعا بیرون
نمی‌رود.»

### عیسی دوباره مرگ و قیام را پیشگویی می‌کند

**متّی ۱۷:۲۲ و ۲۳؛ مَرقُس ۹:۳۰–۳۲؛ لوقا ۹:٤٤ و ٤٥**

۲۲ هنگامی که در جلیل جمع بودند، عیسی
به آنان گفت: «پسر انسان به زودی به دست
مردم تسلیم کرده خواهد شد، ۲۳ و آنها او
را خواهند کُشت، و او در روز سوّم خواهد
برخاست.» و آنها بسیار محزون شدند.

### مالیات معبد

۲٤ وقتی آنان به کَفَرناحوم آمدند، آنهایی
که مالیات دو درهمی را جمع می‌کردند نزد
پطرس رفتند و گفتند: «آیا استادتان مالیات
را نمی‌دهد؟» ۲٥ پطرس گفت: «می‌دهد.» و

**۲٤.۱۷** درهم واحد پول یونانی است.

وقتی که به خانه آمد، اول عیسی با او حرف زده، گفت: «شَمعون، تو چه فکر می‌کنی؟ پادشاهان زمین از چه کسانی عوارض و خراج می‌گیرند؟ از فرزندان خود یا از دیگران؟» ۲۶ و وقتی او گفت: «از دیگران،» عیسی به او گفت: «پس فرزندان آزادند. ۲۷ در هرحال، برای اینکه ایشان را نرنجانیم، به دریا برو و قلّابی بینداز و اولین ماهی را که بیرون آمد، بگیر و وقتی دهانش را باز کنی یک شِکِل خواهی یافت. آن را بردار و برای من و خودت به ایشان بده.»

## چه کسی بزرگترین است؟

**متّی ۱:۱۸–۵؛ مَرقُس ۳۳:۹–۳۷؛ لوقا ۴۶:۹–۴۸**

۱۸ در آن هنگام، شاگردان نزد عیسی آمده، گفتند: «چه کسی در پادشاهی آسمان بزرگترین است؟» ۲ عیسی کودکی را به نزد خود خوانده، او را در میان ایشان قرار داد ۳ و گفت: «حقیقتا، به شما می‌گویم، تا عوض نشوید و مانند کودکان نگردید، هرگز به پادشاهی آسمان وارد نخواهید شد. ۴ هر کس که خود را مانند این کودک فروتن سازد، در پادشاهی آسمان بزرگترین خواهد بود. ۵ هر کس که چنین کودکی را به نام من بپذیرد، مرا می‌پذیرد. ۶ امّا هر کس باعث شود که یکی از این کوچکان که به من ایمان دارد، به گناه افتد، او را بهتر می‌بود که یک سنگ آسیاب بزرگ به گردنش ببندند و در قعر دریا غرقش کنند.

## وسوسه‌ها برای گناه

**مرقس ۹: ۴۳–۵۰**

۷ وای بر این دنیا برای وسوسه‌های گناه! زیرا آمدن وسوسه‌ها اجتناب ناپذیر است، امّا وای به حال کسی که وسوسه از طریق او آید! ۸ و اگر دستت یا پایت باعث گناهت می‌شود، آن را قطع کن و دور انداز. تو را بهتر است که فلج یا لنگ وارد حیات شوی تا آنکه با دو دست یا دو پا در آتش ابدی انداخته شوی. ۹ و اگر چشمت باعث می‌شود گناه کنی، آن را بِکَن و دور انداز. تو را بهتر است که با یک چشم وارد حیات شوی تا آنکه با دو چشم در آتش جهنم انداخته شوی.

## مَثَل گوسفندِ گمشده

**متّی ۱۲:۱۸–۱۴؛ لوقا ۴:۱۵–۷**

۱۰ مراقب باشید که یکی از این کوچکان را تحقیر نکنید. زیرا به شما می‌گویم که فرشتگان ایشان در آسمان همیشه روی پدر مرا که در آسمان است، می‌بینند. ۱۱ زیرا پسر انسان آمده است تا گمشده را نجات بخشد. ۱۲ چه فکر می‌کنید؟ اگر مردی صد گوسفند داشته باشد و یکی از آنها گم شود، آیا او آن نود و نُه را در کوهستان رها نمی‌کند و به جستجوی آن یک که گم شده، نمی‌رود؟ ۱۳ و اگر آنرا پیدا کرد، به راستی به شما می‌گویم، به آن یکی بیشتر شادی می‌کند تا به آن نود و نه که هرگز گم نشدند. ۱۴ پس، اراده پدر من که در آسمان است، این نیست که یکی از این کوچکان هلاک شود.

**۲۷.۱۷** یک سکه چهار درهمی **۶.۱۸** یا باعث لغزش... شود

## اگر برادرت به تو گناه کرد

۱۵ اگر برادرت نسبت به تو گناه کرد، برو و
در خلوت بین خود و او گناهش را بگو. اگر
به تو گوش کند، برادرت را به دست آوردی.
۱٦ امّا اگر گوش نکند، یک یا دو نفر دیگر را با
خود ببر، تا هر اتهامی با گواهیِ دو یا سه شاهد
ثابت شود. ۱۷ اگر نخواست به آنان گوش
دهد، به کلیسا بگو. و اگر حتی کلیسا را گوش
نگرفت، بگذار برایت مانند آَجنبی یا خَراج‌گیر
باشد. ۱۸ حقیقتا به شما می‌گویم: هرچه بر
زمین ببندید، در آسمان بسته خواهد شد و
هرچه بر زمین باز کنید، در آسمان باز خواهد
شد. ۱۹ باز به شما می‌گویم که هر گاه دو نفر
از شما بر زمین درباره هر آنچه که بخواهند
با هم موافق باشند، از جانب پدر من که در
آسمان است، برای ایشان انجام خواهد شد.
۲۰ زیرا جایی که دو یا سه نفر به نام من جمع
شوند، من آنجا در میان ایشان حاضرم.»

## مَثَل خادم بی‌گذشت

۲۱ آنگاه پطرس آمد و به او گفت: «آقا، تا
چند بار اگر برادرم به من گناه کرد، باید او
را ببخشم؟ آیا تا هفت بار؟» ۲۲ عیسی به او
گفت: «به تو نمی‌گویم هفت بار، بلکه هفتاد
بار-هفت بار!
۲۳ بنابراین، پادشاهی آسمان را می‌شود به
پادشاهی تشبیه کرد که می‌خواست با خادمان
خود تسویه حساب کند. ۲٤ پس چون شروع
به تسویه حساب کرد، یکی را نزد او آوردند که
ده هزار قنطار به او بدهکار بود. ۲۵ و چون او
نمی‌توانست پرداخت کند، اربابش دستور داد
او را با زن و فرزندان و تمامی آنچه که داشت
بفروشند، و بدهی پرداخت شود. ۲٦ پس آن
خادم به زانو افتاده، التماس‌کنان به او گفت:
"به من مهلت بده، و من همه را به تو پرداخت
خواهم کرد." ۲۷ اربابش از روی دلسوزی او
را آزاد کرد و قرضش را بخشید. ۲۸ امّا وقتی
همان خادم بیرون رفت، یکی از همقطاران
خادم خود را یافت که صد دینار به او بدهکار
بود و او را گرفته، گلویش را فشرده، گفت:
"قرضت را پرداخت کن." ۲۹ پس همقطار
خادمش به زانو افتاد و التماس‌کنان گفت:
"مرا مهلت بده، و به تو پرداخت خواهم
کرد." ۳۰ او نپذیرفت و رفت و او را به زندان
انداخت تا قرض را بپردازد. ۳۱ وقتی همقطاران
خادمش این واقعه را دیدند، بسیار ناراحت
شدند و رفتند و تمام آنچه را که روی داده
بود، به اربابشان خبر دادند. ۳۲ آنگاه اربابش
او را احضار کرد و به او گفت: "ای خادم
شریر! من تمام قرضت را چون التماس کردی،
به تو بخشیدم. ۳۳ و آیا تو نیز نمی‌بایست بر
همقطار خادم خود رحم می‌کردی، همان‌طور
که من به تو رحم کردم؟" ۳٤ و اربابش در
خشم او را به زندانبانان تحویل داد، تا همه
قرض خود را پرداخت کند. ۳۵ پس پدر آسمانی
من نیز با شما چنین خواهد کرد، اگر شما برادر
خود را از دل نبخشید.»

---

**۱۷.۱۸** در این مقطع هنوز کلیسا به فرم امروزی خود وجود نداشت و منظور از واژه یونانی آن، معنای عمومی این کلمه است که "جمع مومنین" باشد. برای ترجمه این واژه می‌توانید از عبارت "جمع مومنین" استفاده کنید.
**۲٤.۱۸** قنطار بزرگترین مقیاس ارزی یونانی بود که معادل ۲۰ سال مزد یک کارگر می‌شد. **۳٤.۱۸** در متن یونانی این واژه شکنجه‌گر نیز معنی می‌دهد.

## تعلیم درباره طلاق

**متّی ۱۹:۱-۹؛ مَرقُس ۱۰:۱-۱۲**

۱۹ هنگامی که عیسی این سخنان را به پایان رساند، از جلیل دور شد و به ناحیه یهودیه در آن طرف اردن آمد. ۲ جماعات بزرگ به دنبال او روان شدند، و او ایشان را در آنجا شفا داد.

۳ و فَریسیان نزدش آمدند و از روی امتحان از او پرسیدند: «آیا جایز است که مرد زن خود را به هر علت طلاق دهد؟» ۴ عیسی جواب داد: «مگر نخوانده‌اید که او که آنها را آفرید، از ابتدا ایشان را مرد و زن آفرید ۵ و گفت: "از این رو مرد پدر و مادر خود را ترک می‌کند و به زن خویش می‌پیوندد و آن دو یک تن خواهند شد"؟ ۶ پس آنها دیگر دو نیستند بلکه یک تن می‌باشند. بنابراین آنچه را خدا پیوست، انسان جدا نسازد.» ۷ آنها به او گفتند: «پس چرا موسی حکم کرد که مرد طلاقنامه‌ای به زن بدهد و او را رها کند؟» ۸ عیسی به آنها گفت: «به دلیل سختدلی‌تان موسی اجازه داد که زنان خود را طلاق دهید، امّا از ابتدا این طور نبود. ۹ و من به شما می‌گویم: هر کس زن خود را به علتی غیر از زنا طلاق دهد و با زنی دیگر ازدواج کند، زنا می‌کند.»

۱۰ شاگردان به او گفتند: «اگر وضعیت یک مرد با زنش این است، پس ازدواج نکردن بهتر است.» ۱۱ اما عیسی به ایشان گفت: «هرکسی نمی‌تواند این گفته را بپذیرد، مگر کسانی که به ایشان عطا شده است. ۱۲ زیرا خواجه‌هایی هستند که اینطور متولد شده‌اند و خواجه‌هایی هستند که به دست انسان‌ها خواجه شده‌اند و خواجه‌هایی هستند که خود را به‌خاطر پادشاهی آسمان خواجه کرده‌اند. هر کس بتواند این را بپذیرد، بگذارید بپذیرد.»

## بگذارید بچه‌ها نزد من بیایند

**متّی ۱۹:۱۳-۱۵؛ مَرقُس ۱۰:۱۳-۱۶؛ لوقا ۱۸:۱۵-۱۷**

۱۳ آنگاه کودکان را نزد او آوردند تا دستش را بر آنان بگذارد و دعای خیر کند. شاگردان مردم را توبیخ کردند، ۱۴ اما عیسی گفت: «بگذارید کودکان نزد من بیایند و مانع ایشان نشوید، زیرا پادشاهی آسمان متعلق به چنین کسان است.» ۱۵ و بر آنان دست گزارد و از آنجا رفت.

## جوان ثروتمند

**متّی ۱۹:۱۶-۲۹؛ مَرقُس ۱۰:۱۷-۳۰؛ لوقا ۱۸:۱۸-۳۰**

۱۶ و اینک، مردی نزد او آمده، گفت: «استاد، چه کار نیکی باید انجام دهم تا حیات جاودان داشته باشم؟» ۱۷ عیسی به او گفت: «چرا از من درباره این که چه چیز نیکو است، سؤال می‌کنی؟ فقط یکی است که نیکوست. اگر می‌خواهی به حیات داخل شوی، احکام را نگاه دار.» ۱۸ آن مرد به او گفت: «کدام یک را؟» و عیسی گفت: «قتل نکن، زنا نکن، دزدی نکن، شهادت دروغ نده، ۱۹ پدر و مادر خود را احترام کن، و همسایه‌ات را مانند خود دوست داشته باش.» ۲۰ آن جوان به او گفت: «همه اینها را نگه داشته‌ام. چه چیز هنوز کم دارم؟» ۲۱ عیسی به او گفت: «اگر می‌خواهی کامل باشی، برو، آنچه داری بفروش و به فقیران بده و در آسمان گنج خواهی داشت؛

---

**۱.۱۹** منظور "رود اردن" است. **۷.۱۹** تثنیه ۲۴: ۱-۴

و بیا، مرا پیروی کن.» ۲۲ وقتی آن جوان این
را شنید غمگین از آنجا رفت، زیرا دارایی بسیار
داشت.
۲۳ و عیسی به شاگردان خود گفت:
«حقیقتا، به شما می‌گویم، شخص ثروتمند
به پادشاهی آسمان به دشواری وارد می‌شود.
۲۴ باز به شما می‌گویم که گذشتن شتر از
سوراخ یک سوزن آسانتر است از داخل شدن
شخص ثروتمند به پادشاهی خدا.» ۲۵ وقتی
شاگردان این را شنیدند، بسیار متحیر شده،
گفتند: «پس چه کسی می‌تواند نجات پیدا
کند؟» ۲۶ اما عیسی به ایشان نگاه کرد و
گفت: «این برای انسان محال است، امّا برای
خدا همه چیز ممکن است.»
۲۷ آنگاه پطرس در جواب گفت: «ببین،
ما همه چیز را ترک کرده‌ایم و تو را پیروی
نموده‌ایم. پس چه چیزی نصیب ما خواهد
شد؟» ۲۸ عیسی به ایشان گفت: «حقیقتا به
شما می‌گویم، در دنیای تازه، وقتی که پسر
انسان بر تخت پرشکوه خود بنشیند، شما
نیز که مرا پیروی کرده‌اید، بر دوازده تخت
خواهید نشست و دوازده قبیله اسرائیل را
داوری خواهید کرد. ۲۹ و هر که به‌خاطر
نام من خانه‌ها یا برادران یا خواهران یا پدر
یا مادر یا فرزندان یا املاک خود را ترک
کرده باشد، صد برابر دریافت خواهد کرد و
حیات جاودان را به ارث خواهد برد. ۳۰ امّا
بسیاری که اوّلین هستند، آخرین خواهند شد،
و آخرین‌ها اوّلین.

### کارگرانِ در تاکستان

۲۰ «زیرا پادشاهی آسمان همانند ارباب
یک خانه است که صبح زود بیرون
رفت تا کارگران برای تاکستان خود بگیرد. ۲ بعد
از اینکه با کارگران برای روزی یک دینار توافق
کرد، آنها را به تاکستان خود فرستاد. ۳ و
نزدیک ساعت سوّم بیرون رفت و عده‌ای را
در بازار بیکار ایستاده دید. ۴ و به آنان گفت:
"شما هم به تاکستان بروید، و آنچه حق
شماست، به شما خواهم داد." ۵ پس رفتند.
باز نزدیک ساعت ششم و ساعت نهم بیرون
رفته، همان کار را کرد. ۶ و حدود ساعت
یازدهم بیرون رفته چند نفر دیگر را ایستاده
دید. و به آنان گفت: "چرا تمام روز در
اینجا بیکار ایستاده‌اید؟" ۷ به او گفتند: "چون
هیچ‌کس ما را به کار نگرفته است." او به آنان
گفت: "شما هم به تاکستان بروید." ۸ و وقتی
غروب رسید، صاحب تاکستان به سرکارگرِ
خود گفت: "کارگران را بخوان و از آخرین
شروع کرده تا به اوّلین، مزدشان را بده." ۹ پس
کارگرانی که در حدود ساعت یازدهم به سرِ
کار آمده بودند، هر کدام یک دینار گرفتند.
۱۰ و وقتی نوبت به کسانی رسید که اول از
همه آمده بودند، آنها فکر کردند که بیشتر از
دیگران خواهند گرفت، امّا هر یک از آنان نیز
یک دینار دریافت کرد. ۱۱ و در هنگام دریافت
آن، به ارباب خانه غرغر کرده، ۱۲ گفتند:
"این آخرین فقط یک ساعت کار کردند و تو
آنها را با ما که تمام روز و در حرارت سوزان
زحمت کشیدیم، برابر ساختی." ۱۳ اما او به

---

**۲۸.۱۹** در متن یونانی، تجدید حیات **۲۹.۱۹** در برخی از ترجمه‌ها، چندین برابر **۲.۲۰** واحد پول. سکه‌ای که معادل یک روز یک کارگر بود. **۳.۲۰** ساعت نُه صبح **۵.۲۰** ساعت دوازده ظهر **۵.۲۰** ساعت سه بعد از ظهر **۶.۲۰** ساعت پنج بعد از ظهر

آنها جواب داد: "ای دوست، من که در حق
تو کاری غلط نمی‌کنم. مگر با من برای یک
دینار توافق نکردی؟ ۱۴ حق خود را بگیر و
برو. می‌خواهم به این آخری به اندازه تو بدهم.
۱۵ آیا اجازه ندارم با آنچه که مال من است،
هرچه که بخواهم بکنم؟ یا مگر چشم دیدن
سخاوت مرا نداری؟" ۱۶ پس آخرین اوّل، و
اوّلین آخر خواهند شد.»

## عیسی سومین بار درباره مرگ خود پیشگویی می‌کند

**متّی ۲۰:۱۷-۱۹؛ مَرقُس ۱۰:۳۲-۳۴؛ لوقا ۱۸:۳۱-۳۳**

۱۷ و چون عیسی به اورشلیم می‌رفت، او آن
دوازده شاگرد را به کناری کشید و در راه به
ایشان گفت: ۱۸ «ببینید، به اورشلیم می‌رویم.
و پسر انسان به دست سران کاهنان و معلمین
تورات داده خواهد شد و آنها او را به مرگ
محکوم خواهند کرد ۱۹ و او را تحویل غیر
یهودیان خواهند داد تا استهزا شود و شلاّق
خورَد و مصلوب گردد و در روز سوّم خواهد
برخاست.»

## درخواست یک مادر

۲۰ آنگاه مادرِ پسران زِبِدی با پسرانش نزد
وی آمد و در برابر او زانو زد و از او چیزی
درخواست کرد. ۲۱ عیسی به آن زن گفت:
«چه می‌خواهی؟» او گفت: «بفرما که این دو
پسر من در پادشاهی تو، یکی بر دست راستت
و دیگری بر دست چپ تو بنشیند.» ۲۲ عیسی
جواب داد: «نمی‌دانید چه می‌خواهید. آیا
می‌توانید از پیاله‌ای که من خواهم نوشید،
بنوشید؟» آنها به او گفتند: «می‌توانیم.»
۲۳ او به آنان گفت: «از پیاله من خواهید
نوشید، امّا نشستن بر دست راست و چپ
من از آنِ من نیست که بدهم، لیکن برای
آنهایی است که توسط پدرم برایشان آماده
شده است.»
۲۴ و وقتی آن ده شاگرد این را شنیدند، بر آن
دو برادر خشمگین شدند. ۲۵ اما عیسی ایشان
را نزد خود خواند و گفت: «شما می‌دانید
که دیگر قومها بر ایشان آقایی می‌کنند و
بزرگانشان بر ایشان فرمان می‌رانند. ۲۶ در میان
شما اینطور نباشد. اما هر کس که می‌خواهد
در بین شما بزرگ باشد، باید خادم شما شود.
۲۷ و هر کس که می‌خواهد در بین شما اوّل
باشد، باید غلامتان باشد، ۲۸ همانطور که
پسر انسان نیامد که خدمت شود بلکه تا
خدمت کند و جان خود را به عوض بهای
آزادی در راه بسیاری بدهد.»

## عیسی دو مرد کور را شفا می‌دهد

**متّی ۲۰:۲۹-۳۴؛ مَرقُس ۱۰:۴۶-۵۲؛ لوقا ۱۸:۳۵-۴۳**

۲۹ وقتی از اَریحا بیرون می‌رفتند، جماعت
زیادی به دنبال او روان شدند. ۳۰ و اینک،
دو مرد کور کنار جاده نشسته بودند، و چون
شنیدند که عیسی از آنجا می‌گذرد، فریاد زدند:
«ای آقا، ای پسر داوود، بر ما رحم کن!»
۳۱ جماعت توبیخشان کرده، به آنها گفتند
که ساکت شوند، امّا آنان بیشتر فریاد کرده،
می‌گفتند: «ای آقا، ای پسر داوود، بر ما
رحم کن!» ۳۲ عیسی ایستاده، آنها را خواند
و گفت: «چه می‌خواهید برایتان بکنم؟»
۳۳ آنها به او گفتند: «ای آقا، می‌خواهیم
که چشمانمان باز شود.» ۳۴ عیسی از روی
دلسوزی چشمان آنها را لمس کرد و در آن

لحظه بینایی خود را بازیافتند و به دنبال او روان شدند.

### ورود پیروزمندانه

**متّی ۲۱:۱-۹؛ مَرقُس ۱۱:۱-۱۰؛ لوقا ۱۹:۲۹-۳۸**

۲۱ وقتی به اورشلیم نزدیک شدند و به بِیت‌فاجی، به کوه زیتون رسیدند، آنگاه عیسی دو شاگرد را فرستاده، ۲ به آنان گفت: «به دهکده‌ای که پیش روی شماست، بروید. به‌محض ورود، الاغی را با کرّه‌اش بسته خواهید یافت. آنها را باز کنید و نزد من بیاورید. ۳ اگر کسی به شما چیزی گفت، بگویید: "خداوند آنها را احتیاج دارد،" و او فورا آنها را خواهد فرستاد.» ۴ این امر واقع شد تا آنچه نبی گفته بود انجام شود که گفت:

۵ «به دختر صَهیون بگویید:
"اینک پادشاهت نزد تو می‌آید،
فروتن، و سوار بر الاغ،
بر کُرّه‌ای جوان، کرّه حیوانی بارکش."»

۶ شاگردان رفتند و طبق فرمان عیسی عمل کردند. ۷ آنان الاغ و کُرّه‌اش را آوردند و رداهای خود را بر آنها گذاشتند و او بر آنها نشست. ۸ بسیاری از جمعیت رداهای خود را بر جاده پهن کردند و دیگران شاخه‌ها از درختان بریدند و آنها را بر جاده گستردند. ۹ و جماعات که در جلوی او می‌رفتند و آنانی که از عقب او می‌آمدند، فریادکنان می‌گفتند:

«هوشیعانا بر پسر داوود!
مبارک است او که
به نام خداوند می‌آید!
هوشیعانا در عرش برین!»

۱۰ و وقتی وارد اورشلیم شد، تمامی شهر به هیجان آمده بود. گفتند: «این کیست؟» ۱۱ و آن جماعات گفتند: «این است عیسای پیامبر، از ناصره جلیل.»

### عیسی معبد را پاکسازی می‌کند

۱۲ و عیسی وارد معبد شد و کسانی را که در معبد خرید و فروش می‌کردند، بیرون راند و میزهای صرّافان و بساط کبوترفروشان را واژگون ساخت. ۱۳ و به آنان گفت: «نوشته شده که "خانه من، خانه دعا خوانده خواهد شد" امّا شما آن را لانه دزدان ساخته‌اید.»

۱۴ و کوران و لنگان در معبد به نزدش آمدند، و او ایشان را شفا داد. ۱۵ امّا وقتی سران کاهنان و معلمین تورات اعمال خارق‌العاده را که انجام داد، دیدند و کودکان را که در معبد فریاد می‌زدند: «هوشیعانا بر پسر داوود!» خشمگین شدند، ۱۶ و به او گفتند: «آیا می‌شنوی اینها چه می‌گویند؟»

عیسی به آنان گفت: «بله؛ مگر نخوانده‌اید که:

"از دهان کودکان و شیرخوارگان
ستایش را مهیا ساختی"؟»

۱۷ و ایشان را ترک کرده، از شهر به طرف بِیت‌عَنیا بیرون رفت و در آنجا مسکن کرد.

### عیسی درخت انجیر را لعنت می‌کند

۱۸ در صبح، وقتی به شهر برمی‌گشت، گرسنه شد. ۱۹ و در کنار راه درخت انجیری دید و به طرف آن رفت، امّا جز برگ چیزی بر آن نیافت. و به درخت گفت: «از تو دیگر

---

**۴.۲۱** زکریا ۹: ۹، اشعیا ٦۲: ۱۱ **۵.۲۱** منظور شهر اورشلیم است. **۹.۲۱** عبارتی عبری به معنای "اکنون ما را نجات بده" مترجمین اگر بخواهند این را ترجمه کنند، می‌توانند به این شکل به کار برند: "ما را نجات ده، ای پسر داوود، نجات در عرش برین. **۱۳.۲۱** اشعیا ٥٦: ۷ **۱٦.۲۱** مزمور ۸: ۲ **۱۷.۲۱** دهکده‌ای نزدیک اورشلیم

هیچ میوه‌ای بار نیاید!» و در همان لحظه درخت انجیر خشک شد. ۲۰ وقتی شاگردان آن را دیدند، تعجب کرده، گفتند: «چگونه درخت انجیر در یک آن خشک شد؟» ۲۱ و عیسی به آنان گفت: «حقیقتا به شما می‌گویم، اگر ایمان داشته باشید و شک نکنید، نه تنها می‌توانید آنچه را که به درخت انجیر واقع شد انجام دهید، بلکه حتی اگر به این کوه بگویید: "از جا کنده شو و به دریا بیفت" واقع خواهد شد. ۲۲ و هرچه در دعا بخواهید، اگر ایمان داشته باشید، دریافت خواهید کرد.»

## چالشِ اقتدار عیسی

**متّی ۲۱:۲۳–۲۷؛ مَرقُس ۱۱:۲۷–۳۳؛ لوقا ۲۰:۱–۸**

۲۳ و وقتی وارد معبد شده، تعلیم می‌داد، سران کاهنان و مشایخ قوم نزد او آمدند و گفتند: «به چه حقی این کارها را می‌کنی؟ چه کسی این اقتدار را به تو داده است؟» ۲۴ عیسی به آنان جواب داد: «من نیز از شما سؤالی می‌کنم، و اگر جواب بدهید، آنگاه من نیز به شما می‌گویم به چه اقتداری این کارها را می‌کنم. ۲۵ تعمید یحیا از کجا بود؟ از آسمان یا از انسان؟» آنها بین خود بحث کرده، گفتند: «اگر بگوییم "از آسمان" به ما خواهد گفت: "پس چرا به او ایمان نیاوردید؟" ۲۶ و اگر بگوییم "از انسان"، از جماعت می‌ترسیم، زیرا همه یحیا را پیامبر می‌دانند.» ۲۷ پس به عیسی جواب دادند: «نمی‌دانیم.» و او به آنان گفت: «من نیز به شما نمی‌گویم به چه اقتداری این کارها را می‌کنم.

## مَثَل دو پسر

۲۸ چه فکر می‌کنید؟ مردی دو پسر داشت. و او نزد اولین رفت و گفت: "پسر، امروز به تاکستان برو و در آنجا کار کن." ۲۹ و او جواب داد: "نمی‌روم،" امّا بعد فکرش را عوض کرد و رفت. ۳۰ و او نزد پسر دیگر رفت و همان را به او گفت. و او جواب داد: "آقا، می‌روم" امّا نرفت. ۳۱ کدام‌یک از آن دو خواسته پدرش را به جا آورد؟» گفتند: «اوّلی.» عیسی به آنها گفت: «حقیقتا به شما می‌گویم، خراج‌گیران و فاحشه‌ها قبل از شما وارد پادشاهی خدا می‌شوند. ۳۲ زیرا یحیا در راه صالحیت نزد شما آمد امّا به او ایمان نیاوردید، ولی خَراج‌گیران و فاحشه‌ها به او ایمان آوردند. و حتی شما وقتی این را دیدید، فکر خود را عوض نکردید و به او ایمان نیاوردید.

## مَثَل باغبانان

۳۳ مَثَلی دیگر بشنوید. ارباب خانه‌ای بود که تاکستانی غَرْس کرد و دور آن دیواری کشید و چَرخُشتی در آن کَند و برجی ساخت و آنرا به چند باغبان اجاره داد و خود به مملکتی دیگر رفت. ۳۴ وقتی فصل میوه نزدیک شد، خادمان خود را نزد باغبانان فرستاد تا سهم میوه او را بگیرند. ۳۵ باغبانان خادمانش را گرفتند و یکی را زدند، دیگری را کشتند و دیگری را سنگسار کردند. ۳۶ او دوباره خادمان دیگری، بیشتر از اول فرستاد، و با آنها نیز همان کار را کردند. ۳۷ عاقبت پسر خود را نزد آنان فرستاده، گفت: "پسرم را احترام خواهند

---

**۲۵.۲۱** منظور "از جانب خدا" است. مترجمین اگر بخواهند می‌توانند همین عبارت را استفاده کنند تا مخاطبین همان مفهومی را که مخاطبین اصلی می‌فهمید، درک کنند. **۳۲.۲۱** اگر معنی سنگین است، مترجمین می‌توانند از این گزینه هم استفاده کنند: "یحیا نزد شما برای نشان دادن آن راه آمد که نزد خدا درست است، ولی ..." **۳۳.۲۱** حوضی برای فشردن انگور به جهت شراب سازی

کرد." ۳۸ امّا وقتی باغبانان پسر را دیدند، با
خود گفتند: "وارث، این است. بیایید او را
بکشیم و میراثش را صاحب شویم." ۳۹ و او
را گرفتند و از تاکستان بیرون انداختند و او را
کشتند. ۴۰ پس، وقتی صاحب تاکستان بیاید با
آن باغبانان چه خواهد کرد؟» ۴۱ به او گفتند:
«او آن شریران را بی‌رحمانه هلاک خواهد کرد
و تاکستان را به باغبانان دیگر اجاره خواهد
داد تا میوه‌ها را در فصلش به او بدهند.»
۴۲ عیسی به آنان گفت: «آیا هرگز در کتب
مقدّس نخوانده‌اید که:

"سنگی که معماران رد کردند
سنگ زاویه شده است؛
این است آنچه خداوند می‌کند،
و به چشم ما عجیب می‌باشد"؟

۴۳ بنابراین به شما می‌گویم: پادشاهی خدا از
شما گرفته خواهد شد و به قومی داده خواهد
شد که میوه‌اش را به بار آورند. ۴۴ و آن کس
که بر این سنگ بیافتد، خُرد خواهد شد، و
هرگاه آن سنگ بر کسی افتد، او را لِه خواهد
کرد.»
۴۵ وقتی سران کاهنان و فَریسیان مَثَلهای او
را شنیدند، فهمیدند که درباره ایشان می‌گوید.
۴۶ و گرچه در پی فرصت بودند که او را
دستگیر کنند، از جماعات ترسیدند زیرا آنها
او را یک پیامبر می‌دانستند.

### مَثَل جشن عروسی

۲۲ و عیسی باز به مَثَلها با ایشان
صحبت کرده، گفت: ۲ «پادشاهی
آسمان را می‌توان به پادشاهی تشبیه کرد
که برای پسرش جشن عروسی گرفت. ۳ و
خادمانش را فرستاد تا دعوت شدگان را به
جشن عروسی بخوانند، امّا آنها نخواستند
بیایند. ۴ باز خادمانی دیگر فرستاده، گفت:
"دعوت شدگان را بگویید: 'اینک، سفره‌ام را
آماده کرده‌ام، گاوان و گوساله‌های پرواری‌ام را
سر بریده‌ام و همه چیز آماده است. به جشن
عروسی بیایید.'" ۵ امّا آنها اعتنایی نکردند و به
راه خود رفتند، یکی به مزرعه‌اش و دیگری به
تجارت خود. ۶ حتی بعضی خادمانش را گرفته،
با آنان بدرفتاری کردند و کشتند. ۷ پادشاه
خشمگین شد و سپاهیان خود را فرستاد و
قاتلان را کشت و شهرشان را سوزانید. ۸ سپس
به خادمانش گفت: "جشن عروسی آماده
است، امّا دعوت شدگان لیاقتش را نداشتند.
۹ پس به راههای اصلی بروید و هر که را
یافتید به جشن عروسی دعوت کنید." ۱۰ و
آن خادمان به سر راهها رفتند و هر که را که
یافتند، جمع کردند، چه بد و چه خوب. پس
تالار عروسی از میهمانان پر شد.
۱۱ امّا وقتی پادشاه برای دیدن میهمانان وارد
شد، آنجا مردی را دید که لباس عروسی به
تن نداشت. ۱۲ و به او گفت: "ای دوست،
چگونه بدون لباس عروسی به اینجا آمدی؟"
و آن مرد خاموش ماند. ۱۳ آنگاه پادشاه به
خادمین گفت: "دست و پایش را ببندید
و او را به تاریکیِ بیرون بیندازید. جایی که
گریه و سایش دندان خواهد بود." ۱۴ زیرا
دعوت‌شدگان بسیارند امّا برگزیدگان کم.»

---

**۴۲.۲۱** "سنگ اصلی" و یا مهمترین سنگ بنا. در این مورد دو تشریح ممکن وجود دارد: اولی، سنگی که ستونهای چهار گوشه اصلی بر آن قرار می‌گرفت. دومی، آخرین سنگی که روی ستون اصلی گذاشته می‌شد و همان سنگ، ستون را به سنگهای دیوارهای مجاور قفل می‌کرد. **۲.۲۲** در فرهنگ زمان، انجام مراسم عروسی، شامل ۲ مرحله بود: ۱- دعوت ۲- وقتی همه چیز آماده شد.

## پرداخت خَراج به قیصر

### متّی ۲۲:۱۵-۲۲؛ مَرقُس ۱۲:۱۳-۱۷؛ لوقا ۲۰:۲۰-۲۶

۱۵ آنگاه فَریسیان بیرون رفتند و توطئه
چیدند که چطور او را در سخنانش گرفتار
کنند. ۱۶ و شاگردان خود را به همراه هیرودیان
نزد او فرستاده گفتند: «استاد، می‌دانیم که
صادق هستی و راه خدا را به راستی تعلیم
می‌دهی و عقاید دیگران برایت مهم نیست، زیرا
به ظاهر افراد نگاه نمی‌کنی. ۱۷ پس به ما بگو
رأی تو چیست، آیا پرداخت خَراج به قیصر
جایز است یا نه؟» ۱۸ اما عیسی که از نیت
بد آنها آگاه بود، گفت: «ای ریاکاران، چرا
مرا امتحان می‌کنید؟ ۱۹ سکّه خراج را به من
نشان دهید.» و آنها دیناری برایش آوردند.
۲۰ و عیسی به آنها گفت: «این، نقش و نام
چه کسی است؟» ۲۱ جواب دادند: «قیصر.»
پس به آنها گفت: «بنابراین مال قیصر را به
قیصر بدهید، و مال خدا را به خدا.» ۲۲ آنها
وقتی این را شنیدند، متعجب شدند. و او را
واگذاشتند و رفتند.

## سؤال صدوقیان درباره زنده شدن مردگان

۲۳ همان روز صَدوقیان به نزدش آمدند،
کسانی که می‌گویند برای مردگان زنده شدنی
در کار نیست، و از او سؤالی کرده، ۲۴ گفتند:
«استاد، موسی گفت: "اگر مردی بی‌اولاد
بمیرد، برادرش باید آن بیوه را به زنی بگیرد و
برای برادرش نسلی باقی بگذارد." ۲۵ حال، در
میان ما هفت برادر بودند. اولی زنی گرفت
و مُرد، و چون فرزندی نداشت، زنش را
برای برادر خود واگذاشت. ۲۶ همچنین دوّمی
و سوّمی، تا هفتمی. ۲۷ بعد از همه آنها، آن زن
فوت کرد. ۲۸ پس در روز زنده شدن مردگان،
آن زن همسر کدامیک از آن هفت خواهد
بود، زیرا همه او را به زنی داشتند؟»
۲۹ اما عیسی به آنان جواب داد: «شما
اشتباه می‌کنید، زیرا نه کتب مقدّس را می‌دانید
و نه قدرت خدا را. ۳۰ زیرا زمانی که مردگان
زنده می‌شوند، نه ازدواج می‌کنند و نه به ازدواج
داده می‌شوند، بلکه مثل فرشتگان در آسمان
خواهند بود. ۳۱ و امّا درباره زنده شدن مردگان،
آیا نخوانده‌اید که خدا به شما چه گفته است:
۳۲ "من هستم خدای ابراهیم و خدای اسحاق،
و خدای یعقوب"؟ او خدای مردگان نیست،
بلکه خدای زندگان.» ۳۳ و وقتی جمعیت این
را شنیدند، از تعلیم او متحیّر شدند.

## بزرگترین حکم

### مَرقُس ۱۲:۲۸-۳۱

۳۴ امّا وقتی فَریسیان شنیدند که او دهان
صَدوقیان را بسته است، باهم جمع شدند.
۳۵ و یکی از آنها که فقیه بود، سؤالی از او
پرسید تا او را امتحان کند: ۳۶ «ای استاد،
آن حکم بزرگ در شریعت کدام است؟» ۳۷ و
عیسی جواب داد: «خداوندْ خدای خود را
با تمامی دل و با تمامی جان و با تمامی فکر
خود دوست داشته باش. ۳۸ این است آن حکم
بزرگ و اول. ۳۹ و دوّمین نیز مانند آن است:
همسایه‌ات را مثل خود دوست داشته باش.
۴۰ تمام شریعت و انبیا بر این دو حکم قرار
دارد.»

---

**۱۶.۲۲** گروهی که طرفدار هیرودیس پادشاه بودند. **۱۷.۲۲** امپراطور روم

### مسیح پسر کیست؟

**متّی ۲۲:٤۱–٤٦؛ مَرقُس ۱۲:۳۵–۳۷؛ لوقا ۲۰:٤۱–٤٤**

٤۱ حال وقتی فَریسیان با هم جمع بودند،
عیسی از آنها سؤالی پرسیده، گفت: ٤۲ «درباره
مسیح چه فکر می‌کنید؟ او پسر کیست؟»
آنها به او گفتند: «پسر داوود.» ٤۳ عیسی به
آنها گفت: «پس چگونه داوود در روح او را
خداوند خوانده، می‌گوید:
٤٤ "خداوند به خداوند من گفت:
به دست راست من بنشین،
تا دشمنانت را زیر پایت بگذارم"؟
٤۵ اگر داوود او را خداوند می‌خوانَد، پس
چگونه او، پسرش می‌باشد؟» ٤٦ و هیچ‌کس
قادر نبود در جواب سخنی به او بگوید، و از
آن روز به بعد کسی جرأت نکرد دیگر از او
سوآلی بپرسد.

### هفت وای بر معلمین تورات و فریسیان

**متّی ۲۳:۱–۷؛ مَرقُس ۱۲:۳۸ و ۳۹؛ لوقا ۲۰:٤۵ و ٤٦**

۲۳ آنگاه عیسی به آن جماعات
و شاگردان خود چنین گفت:
۲ «معلمین تورات و فَریسیان بر جایگاه موسی
نشسته‌اند. ۳ پس آنچه را به شما می‌گویند،
انجام دهید و حفظ کنید، امّا همانند آنان
عمل نکنید. زیرا موعظه می‌کنند، ولی عمل
نمی‌کنند. ٤ بارهای سنگین و طاقت‌فرسا را
می‌بندند و بر دوش مردم می‌گذارند، امّا خود
حاضر نیستند حتی با انگشتشان تکانشان
بدهند. ۵ آنها همه کارهای خود را از این
جهت می‌کنند که مردم آنها را ببینند. زیرا
پیشانی‌بندها و بازوبندهای خود را عریض و
دامن ردای خود را دراز می‌سازند، ٦ و بالا
نشستن در ضیافتها و نشستن در بهترین جا را
در کنیسه‌ها دوست دارند ۷ و سلام گفتن در
بازارها و "استاد" خطاب شدن توسط دیگران
را. ۸ امّا شما "استاد" خوانده نشوید، زیرا یک
استاد دارید و همه شما برادران هستید. ۹ و
هیچ‌کس را بر زمین "پدر" خود نخوانید، زیرا
یک پدر دارید که در آسمان است. ۱۰ و نه
"معلم" خوانده شوید زیرا یک معلم دارید که
مسیح است. ۱۱ بزرگترین کس در بین شما
خادم شما باشد. ۱۲ هر کس خود را سرافراز
کند، پست خواهد شد و هر کس خود را
فروتن سازد، سرافراز خواهد گردید.
۱۳ لیکن وای بر شما، ای معلمین تورات
و فَریسیان، ای ریاکاران! زیرا شما پادشاهی
آسمان را به روی مردم می‌بندید. چونکه نه
خود وارد می‌شوید، و نه می‌گذارید کسانی که
می‌خواهند، وارد شوند.
۱٤ وای بر شما، ای معلمین تورات و
فریسیان، ای ریاکاران! زیرا خانه‌های بیوه‌زنان را
غارت می‌کنید، و از روی تظاهر دعای خود را
طول می‌دهید. بنابراین محکومیت‌تان شدیدتر
خواهد بود.
۱۵ وای بر شما، ای معلمین تورات و
فَریسیان، ای ریاکاران! زیرا دریا و خشکی را
می‌گردید تا یک نفر را به فرقه خود بیاورید و
وقتی مرید شد، او را دو برابر بدتر از خود،
فرزند جهنم می‌سازید.
۱٦ وای بر شما، ای راهنمایان کور، که
می‌گویید: "اگر کسی به معبد قسم خورَد،
چیزی نیست، امّا اگر کسی به طلای معبد

**۴۲.۲۲** منظور "مسیح موعود" است **۴۳.۲۲** مزمور ۱۱۰: ۱ **۵.۲۳** جعبه‌های چرمی کوچک که در آن آیات کلام خدا را می‌گذاشتند و بر پیشانی و یا بازوی خود می‌بستند.

قسم خورَد، باید قسم خود را ادا کند."
۱۷ ای نادانان کور! زیرا کدام برتر است، طلا
یا معبدی که طلا را مقدس می‌سازد؟ ۱۸ و
می‌گویید: "اگر کسی به مذبح قسم خورَد،
چیزی نیست، امّا اگر کسی به هدیه‌ای که
بر مذبح است قسم خورَد، باید قسم خود را
ادا کند." ۱۹ ای کوران! زیرا کدام برتر است،
هدیه یا مذبحی که هدیه را مقدس می‌سازد؟
۲۰ پس هر کس که به مذبح قسم می‌خورد، به
آن و هرآنچه بر آن است، قسم می‌خورد. ۲۱ و
هر که به معبد قسم می‌خورد، به آن و به کسی
که در آن ساکن است، قسم می‌خورد. ۲۲ و هر
که به آسمان قسم می‌خورد، به تخت خدا و به
کسی که بر آن نشسته است، قسم می‌خورد.
۲۳ وای بر شما، ای معلمین تورات و
فَریسیان، ای ریاکاران! زیرا شما ده‌یک نعناع
و شِوید و زیره را می‌دهید، و از احکام بزرگتر
شریعت که عدالت و رحمت و ایمان است،
غفلت می‌کنید. اینها را باید به جا می‌آوردید،
بدون اینکه از دیگر احکام غفلت کنید. ۲۴ ای
راهنمایان کور، پشه را صافی می‌کنید، امّا شتر
را می‌بلعید!
۲۵ وای بر شما، ای معلمین تورات و
فَریسیان، ای ریاکاران! زیرا بیرون پیاله و
بشقاب را پاک می‌کنید، امّا درون آنها پر از
طمع و ناپرهیزی است. ۲۶ ای فَریسی کور، اول
درون پیاله و بشقاب را پاک کن که بیرونش نیز
پاک خواهد شد.
۲۷ وای بر شما، ای معلمین تورات و
فَریسیان، ای ریاکاران! زیرا شما مثل قبرهای
سفید شده هستید که از بیرون زیبا به نظر
می‌رسند، امّا از درون پُر از استخوانهای مردگان
و همه نجاسات هستند! ۲۸ پس شما هم از
بیرون صالح به نظر می‌رسید، ولی از درون پر
از ریا و شرارت هستید.
۲۹ وای بر شما، ای معلمین تورات و
فَریسیان، ای ریاکاران! زیرا شما مقبره‌های
پیامبران را می‌سازید و آرامگاه صالحان را
تزیین می‌کنید. ۳۰ می‌گویید: "اگر در زمان
پدران خود بودیم، در ریختن خون پیامبران با
آنان شریک نمی‌شدیم." ۳۱ پس شما بر ضد
خودتان شهادت می‌دهید که فرزندان قاتلان
پیامبران هستید. ۳۲ پس پیمانه پدرانتان را پُر
کنید. ۳۳ ای ماران، ای افعی‌زادگان، چگونه از
مجازات جهنم فرار خواهید کرد؟ ۳۴ بنابراین
من انبیا و حکیمان و معلمین تورات را نزد
شما می‌فرستم، که شما بعضی را خواهید
کشت و مصلوب خواهید کرد، و بعضی را
در کنیسه‌های خود تازیانه خواهید زد و شهر
به شهر تعقیبشان خواهید کرد. ۳۵ تا همه
خون صالحان که بر زمین ریخته شده، بر شما
باشد، از خون هابیلِ صالح گرفته تا خون
زکریا پسر بَرَخیا، که او را مابین معبد و مذبح
کشتید. ۳۶ حقیقتا، به شما می‌گویم، همه اینها
بر این نسل خواهد آمد.

---

**۲۳.۲۳** اگر برای مخاطبین شما روشن نباشد، می‌توانید "حکم ده‌یک شریعت" بنویسید **۳۵.۲۳** پسر یهویاداع کاهن **۳۵.۲۳** تقسیم بندی عهد عتیق عبری با آن تقسیم بندی که ما اکنون در کتاب مقدس خود داریم، فرق دارد. در عهد عتیق عبری اول تورات قرار دارد و بعد کتابهای انبیا که در بطن کتابهای تاریخی آمده است. از این رو اولین کشته که هابیل باشد، در پیدایش ٤: ٨ و آخرین کشته، یعنی زکریا در ٢ تواریخ ٢٤: ٢٢ آمده است؛ از این سخن عیسی منظور یعنی تمامی کسانی است که در عهد عتیق کشته شده‌اند.

### ماتم بر اورشلیم

۳۷ ای اورشلیم، اورشلیم، ای شهری که
انبیا را می‌کشد و آنهایی را که برایش فرستاده
می‌شوند، سنگسار می‌کند. چقدر خواستم
فرزندانت را مثل مرغی که جوجه‌هایش را
زیر بالهایش جمع می‌کند، جمع کنم، امّا تو
نخواستی! ۳۸ اینک خانه تو برایت متروک
گذاشته شده است. ۳۹ زیرا به شما می‌گویم،
که دیگر مرا نخواهید دید، تا زمانی که بگویید:
"مبارک است آن که به نام خداوند می‌آید."»

### پیشگویی عیسی درباره ویرانی معبد

**متّی ۲٤:۱–۵۱؛ مَرقُس ۱۳:۱–۳۷؛ لوقا ۲۱:۵–۳۶**

۲٤ وقتی عیسی معبد را ترک کرد و دور
می‌شد، شاگردانش آمدند که بناهای
معبد را به او نشان دهند. ۲ اما عیسی به آنان
جواب داد: «همه این چیزها را می‌بینید، مگر
نه؟ حقیقتا به شما می‌گویم، سنگی بر سنگ
دیگر باقی نخواهد ماند که به زیر انداخته
نشود.»

### علائم زمانهای آخر

۳ چون وی بر کوه زیتون نشست، شاگردان
در خلوت نزد او آمده، گفتند: «به ما بگو
این وقایع چه زمانی خواهد شد و نشانه
آمدن تو و زمان آخر چیست؟» ٤ و عیسی
به آنها جواب داد: «بپایید که کسی گمراهتان
نکند. ٥ زیرا بسیاری به نام من آمده، خواهند
گفت: "من مسیح هستم" و بسیاری را گمراه
خواهند کرد. ٦ و شما جنگها و اخبار جنگها
را خواهید شنید. اما نگران نشوید، زیرا این
وقایع باید اتفاق بیافتد، لیکن هنوز آخر
نرسیده است. ۷ زیرا قومی بر علیه قومی دیگر
و حکومتی بر علیه حکومتی دیگر برخواهد
خاست، و قحطی‌ها و زلزله‌ها در جایهای
گوناگون خواهد بود. ۸ اما همه اینها ابتدای
دردهای زایمان است.
۹ آنگاه شما را به عذابها خواهند سپرد و شما
را خواهند کشت و به‌خاطر نام من مورد نفرت
همه قومها خواهید شد. ۱۰ و در آن زمان
بسیاری دور خواهند شد و به یکدیگر خیانت
خواهند کرد و از یکدیگر متنفر خواهند شد.
۱۱ و پیامبران دروغینِ زیادی برخواهند خاست
و بسیاری را گمراه خواهند کرد. ۱۲ و به دلیل
شرارت زیاد، محبتِ بسیاری سرد خواهد شد.
۱۳ امّا آن کس که تا به آخر تحمّل کند،
نجات خواهد یافت. ۱٤ و این مژده پادشاهی
در سراسر جهان برای شهادت قومها اعلان
خواهد شد، سپس آخر خواهد رسید.

### مکروه ویرانی

۱٥ پس وقتی آن مکروه ویرانی را که توسط
دانیال نبی گفته شده است، در مکان مقدس
بر پا ایستاده، ببینید (خواننده بفهمد) ۱٦ آنگاه
آنهایی که در یهودیه هستند، به کوهها فرار
کنند. ۱۷ هر کس که بر بام خانه است، برای
برداشتن چیزی از خانه، پایین نرود، ۱۸ و هر
کس که در مزرعه است، برای برداشتن قبای
خود به خانه برنگردد. ۱۹ و وای بر زنان حامله
و مادران شیرده در آن روزها! ۲۰ دعا کنید که
فرار شما در زمستان یا در روز سبّت نباشد.

---

**٥.٢٤** منظور "مسیح موعود" است. **٦.٢٤** اگر معنی گنگ است، می‌توانید از واژه "آخر زمان" استفاده کنید.
**۱۰.٢٤** یا لغزش خواهند خورد **۱٤.٢٤** "آخر زمان" **۱٥.٢٤** می‌تواند "ویرانگر کراهت‌بار" **۱٥.٢٤** دانیال ۹: ۲۷، ۱۱: ۳۱

۲۱ زیرا آن وقت، مصیبت عظیمی خواهد بود،
که مانندش از ابتدای عالم تا به حال نه
بوده است و نه هرگز خواهد بود. ۲۲ و اگر
آن روزها کوتاه نمی‌شد، هیچ بشری نجات
نمی‌یافت. لیکن به سبب برگزیدگان، آن روزها
کوتاه خواهد شد.
۲۳ پس اگر کسی به شما می‌گوید: "ببینید،
مسیح اینجاست!" یا "او آنجاست!" باور
نکنید. ۲٤ زیرا مسیحان کاذب و پیامبران
دروغین برخواهند خاست و آیات و علامات
عظیم انجام خواهند داد تا اگر ممکن باشد،
حتی برگزیدگان را گمراه کنند. ۲۵ ببینید،
پیشاپیش به شما گفتم. ۲٦ بنابراین، اگر به شما
بگویند: "ببینید، او در بیابان است،" بیرون
نروید. اگر بگویند: "ببینید، او درون خانه
است،" آن را باور نکنید. ۲۷ زیرا همچنان که
صاعقه از شرق می‌آید و تا به غرب می‌درخشد،
آمدن پسر انسان نیز چنین خواهد بود. ۲۸ هر
جا لاشه‌ای باشد، کرکسان در آنجا جمع
می‌گردند.

### آمدن پسر انسان

۲۹ بلافاصله، پس از مصیبتِ آن روزها
خورشید تاریک خواهد شد،
و ماه نور خود را نخواهد داد
و ستارگان از آسمان خواهند افتاد
و نیروهای آسمانها خواهند لرزید.
۳۰ آنگاه علامت پسر انسان در آسمان ظاهر
خواهد شد و سپس همه قبائل زمین ماتم
خواهند گرفت و پسر انسان را خواهند دید
که بر ابرهای آسمان با قدرت و جلال عظیم
می‌آید. ۳۱ و او فرشتگان خود را با صدای بلند
شیپور خواهد فرستاد، و آنها برگزیدگان او را
از چهار باد از یک سو تا به سوی دیگر آسمان
جمع خواهند کرد.

### درسی از درخت انجیر

۳۲ از درخت انجیر درسش را یاد بگیرید: به
محض اینکه شاخه‌اش نرم می‌شود و برگهایش
را می‌آورد، می‌دانید که تابستان نزدیک است.
۳۳ همچنین نیز، شما هرگاه همه این چیزها
را ببینید، می‌دانید که او نزدیک، بلکه بر در
است. ۳٤ حقیقتا به شما می‌گویم، تا همه این
چیزها اتفاق نیافتد، این نسل از میان نخواهد
رفت. ۳۵ آسمان و زمین از بین خواهد رفت،
امّا سخنان من هرگز از بین نخواهد رفت.

### کسی از آن روز و ساعت خبر ندارد

**متّی ۲٤:۳۷-۳۹؛ لوقا ۱۷:۲٦ و ۲۷**

۳٦ اما درباره آن روز و ساعت هیچ‌کس
نمی‌داند، نه حتی فرشتگان آسمان، و نه پسر،
بلکه فقط پدر. ۳۷ زیرا همانطور که در روزگارِ
نوح بود، آمدن پسر انسان نیز همچنان خواهد
بود. ۳۸ زیرا در آن روزها قبل از سیل، آنها
می‌خوردند و می‌آشامیدند، زن می‌گرفتند و
شوهر می‌کردند، تا روزی که نوح به کشتی
داخل شد، ۳۹ و آنها غافل بودند تا اینکه سیل
آمد و همه آنان را با خود برد. آمدن پسر
انسان نیز اینطور خواهد بود. ٤۰ آنگاه دو مرد
که در مزرعه می‌باشند؛ یکی برداشته و دیگری
واگذاشته خواهد شد. ٤۱ دو زن که با هم

---

**۳۱.۲٤** منظور "چهار گوشه زمین" است.

در آسیاب سنگی آرد می‌کنند، یکی برداشته و دیگری واگذاشته خواهد شد. ۴۲ پس بیدار بمانید، زیرا نمی‌دانید خداوند شما چه روزی خواهد آمد. ۴۳ اما این را بدانید که اگر ارباب خانه می‌دانست دزد در چه ساعتی از شب می‌آید، او بیدار می‌ماند و نمی‌گذاشت که به خانه‌اش دستبرد زنند. ۴۴ پس شما نیز آماده باشید، زیرا پسر انسان در ساعتی که انتظارش را ندارید، خواهد آمد.

۴۵ پس آن خادم وفادار و حکیم کیست که اربابش او را بر خانواده خود گماشته باشد، تا خوراک آنان را به‌موقع بدهد؟ ۴۶ خوشا به حال آن خادم که وقتی اربابش برگردد، او را این چنین مشغول کار ببیند. ۴۷ حقیقتا به شما می‌گویم که او را بر همه دارایی خود خواهد گماشت. ۴۸ امّا اگر آن خادم شریر به خود بگوید: "اربابم تأخیر کرده است" ۴۹ و شروع به زدن همکاران خود کند و با میگساران مشغول خوردن و نوشیدن شود، ۵۰ ارباب آن خادم در روزی که انتظارش را ندارد و در ساعتی که نمی‌داند، خواهد آمد ۵۱ و تکه‌تکه‌اش کرده، او را با ریاکاران خواهد گذاشت. در آن جایی که گریه و سایش دندان خواهد بود.

### مَثَل ده باکره

۲۵ «آن زمان پادشاهی آسمان همانند ده باکره خواهد بود که چراغهای خود را برداشتند و به پیشواز داماد بیرون رفتند. ۲ پنج نفر از آنان نادان و پنج نفر دیگر دانا بودند. ۳ وقتی نادانان چراغهای خود را برداشتند، با خود روغن برنداشتند. ۴ ولی دانایان ظروف روغن را با چراغهای خود برداشتند. ۵ چون داماد تاخیر کرد، همه آنان را خواب گرفت و خوابیدند. ۶ اما در نیمه شب صدای بلندی شنیده شد که می‌گفت: "داماد می‌آید! به پیشوازش بروید!" ۷ آنگاه همه باکره‌ها برخاستند و چراغهای خود را آماده کردند. ۸ و نادانان به دانایان گفتند: "کمی از روغنتان به ما بدهید، زیرا چراغهایمان خاموش می‌شوند." ۹ امّا دانایان جواب داده گفتند: "از آنجا که برای ما و شما کافی نخواهد بود، به نزد فروشندگان بروید و برای خود بخرید." ۱۰ و هنگامی که آنان برای خرید می‌رفتند، داماد آمد و آنانی‌که آماده بودند با او به جشن عروسی وارد شدند و در بسته شد. ۱۱ پس از آن باکره‌های دیگر نیز آمده، گفتند: "ای آقا، ای آقا، در را برایمان باز کن." ۱۲ امّا او جواب داد: "حقیقتا به شما می‌گویم، که شما را نمی‌شناسم." ۱۳ پس مراقب باشید، چون نه آن روز را می‌دانید و نه آن ساعت را.

### مَثَل قنطارها

**مَتّی ۲۵:۱۴–۳۰ — مشابه لوقا ۱۹:۱۲–۲۷**

۱۴ زیرا آن، همانند مردی عازم سفر خواهد بود که خادمان خود را خواند و اموال خویش را به آنان سپرد. ۱۵ به هر یک مطابق توانایی‌اش، به یکی پنج قنطار، به دیگری دو و به یکی دیگر یک قنطار داد. آنگاه عازم سفر شد.

---

**۴۱.۲۴** آسیاب سنگی دستی و خانگی. این آسیاب شامل دو سنگ گرد بود که بر روی هم می‌نشست و سنگ زیرین دارای سوراخی در وسط بود که از آن دانه‌های گندم جهت آسیاب ریخته می‌شد و دو دسته در مقابل یکدیگر روی آن سوار بود که معمولا دو نفر روبروی یکدیگر نشسته چرخ زیرین را می‌چرخانیدند و دانه‌های گندم مابین دو سنگ قرار گرفته، سابیده و آرد می‌شد. **۱.۲۵** و یا "گردسوزها" **۱۴.۲۵** منظور "پادشاهی آسمان" **۱۵.۲۵** هر 'قنطار' قریب به ۶۰۰۰ دینار می‌شد. هر دینار مزد یک روز یک کارگر ساده بود؛ همچنین در بقیه فصل.

۱۶ آنکه پنج قنطار گرفته بود، فورا با آن به
تجارت پرداخت و پنج قنطار دیگر سود کرد.
۱۷ همچنین نیز، آن که دو قنطار داشت، دو
قنطار دیگر به دست آورد. ۱۸ امّا آن که یک
قنطار دریافت کرده بود، رفت و زمین را کَند
و پول اربابش را پنهان کرد.
۱۹ بعد از مدتی طولانی ارباب آن خادمان
برگشت و با ایشان تسویه حساب کرد. ۲۰ و
آنکه پنج قنطار دریافت کرده بود جلو آمده،
پنج قنطار زیادتر با خود آورده، گفت: "ای
آقا، پنج قنطار به من سپردی، این هم پنج
قنطارِ بیشتر که سود کرده‌ام." ۲۱ اربابش به
او گفت: "آفرین، ای خادم خوب و وفادار.
بر کار کوچک وفادار بودی، تو را بر کارهای
بسیار خواهم گذاشت. در شادی ارباب خود
شریک شو." ۲۲ و آنکه دو قنطار داشت نیز
جلو آمده، گفت: "ای آقا، به من دو قنطار
سپردی، این هم دو قنطارِ بیشتر که سود
کرده‌ام." ۲۳ اربابش به او گفت: "آفرین، ای
خادم خوب و وفادار! بر کار کوچک وفادار
بودی، تو را بر کارهای بسیار خواهم گذاشت.
در شادی ارباب خود شریک شو." ۲۴ همچنین
آنکه یک قنطار گرفته بود، جلو آمده، گفت:
"ای آقا، از آنجا که می‌دانستم مردی سختگیر
هستی، از جایی که نکاشته‌ای، درو می‌کنی و
از جایی که نپاشیده‌ای، جمع می‌کنی، ۲۵ پس
ترسیدم و رفته قنطار تو را در زمین پنهان
کردم. بفرما، این هم مالت." ۲۶ اما اربابش او
را جواب داد: "ای خادم شریر و تن‌پرور! تو که
می‌دانستی از جایی که نکاشته‌ام، درو می‌کنم و
از جایی که نپاشیده‌ام، جمع می‌کنم، ۲۷ پس تو
باید پول مرا نزد صرّافان به سرمایه می‌گذاشتی
تا وقت آمدنم با سود آن را دریافت می‌کردم.
۲۸ پس آن قنطار را از او بگیرید و به آن که
ده قنطار دارد، بدهید. ۲۹ زیرا به هر که دارد،
بیشتر داده خواهد شد و او به فراوانی خواهد
داشت. امّا آن که ندارد، حتی هر آنچه که
دارد، از او گرفته خواهد شد. ۳۰ و این خادم
بی‌ارزش را در تاریکیِ بیرون بیاندازید، در آنجا
گریه و سایش دندان خواهد بود."

## داوری نهایی

۳۱ وقتی پسر انسان در جلال خود با تمام
فرشتگان بیاید، آنگاه بر تخت پرجلال خود
خواهد نشست. ۳۲ و همه قومها در نزد او
جمع خواهند شد و او همانند شبانی که
گوسفندان را از بزها جدا می‌کند، مردم را از
یکدیگر جدا خواهد کرد. ۳۳ و او گوسفندان
را در سمت راست خود، لیکن بزها را در
سمت چپ قرار خواهد داد. ۳۴ آنگاه پادشاه
به آنانی‌که در سمت راستش هستند، خواهد
گفت: "بیایید، ای شما که از پدرم برکت
یافته‌اید، آن پادشاهی را که از بنیاد عالم
برایتان آماده شده، به میراث بیابید. ۳۵ زیرا
گرسنه بودم مرا خوراک دادید، تشنه بودم
مرا آب نوشانیدید، غریب بودم مرا پذیرفتید،
۳۶ عریان بودم مرا پوشانیدید، مریض بودم
عیادتم کردید، در زندان بودم به دیدنم
آمدید." ۳۷ آنگاه صالحان به او جواب داده
خواهند گفت: "ای خداوند، کِی تو را گرسنه
دیدیم و تو را خوراک دادیم، یا تشنه و تو را
آب دادیم؟ ۳۸ و کِی تو را غریب دیدیم و تو
را پذیرفتیم، یا عریان و تو را پوشانیدیم؟ ۳۹ و
کِی تو را مریض یا در زندان دیدیم و به دیدارت
آمدیم؟" ۴۰ و پادشاه در جواب خواهد گفت:
"حقیقتا به شما می‌گویم، آنچه به یکی از
کوچکترینِ برادرانم کردید، به من کردید."
۴۱ پس او به کسانِ سمت چپ خواهد گفت:

"از من دور شوید، ای ملعونان، به آتش ابدی روید که برای ابلیس و فرشتگانش آماده شده است. ۴۲ زیرا گرسنه بودم، خوراکم ندادید. تشنه بودم، آبم ندادید. ۴۳ غریب بودم، مرا نپذیرفتید. عریان بودم، مرا نپوشانیدید. مریض و در زندان بودم، به دیدنم نیامدید." ۴۴ آنگاه آنان نیز جواب داده، خواهند گفت: "ای خداوند، کی تو را گرسنه یا تشنه یا غریب یا عریان یا مریض یا در زندان دیدیم و خدمتت نکردیم؟" ۴۵ آنگاه او جوابشان داده، خواهد گفت: "حقیقتا به شما می‌گویم، آنچه را که به یکی از این کوچکترین‌ها نکردید، به من نکردید." ۴۶ و اینها به مجازات ابدی خواهند رفت، لیکن صالحان به حیات ابدی.»

## توطئه قتل عیسی

**مَتّی ۲۶:۲–۵؛ مَرقُس ۱۴:۱ و ۲؛ لوقا ۲۲:۱ و ۲**

۲۶ وقتی عیسی همه این سخنان را به پایان رسانید، به شاگردان خود گفت: ۲ «می‌دانید که بعد از دو روز، عید پِسَخ می‌آید و پسر انسان تسلیم کرده خواهد شد که مصلوب شود.»

۳ آنگاه سران کاهنان و مشایخ قوم در کاخ کاهن اعظم که قیافا نام داشت، جمع شدند ۴ و با یکدیگر تبانی کردند تا به حیله عیسی را دستگیر کنند و به قتل رسانند. ۵ اما گفتند: «نه در ایام عید، مبادا شورشی در میان مردم برپا شود.»

## تدهین عیسی در بِیت‌عَنیا

**مَتّی ۲۶:۶–۱۳؛ مَرقُس ۱۴:۳–۹ مَتّی ۲۶:۶–۱۳؛ مشابه لوقا ۷:۳۷ و ۳۸؛ یوحنا ۱۲:۱–۸**

۶ اینک، وقتی عیسی در بِیت‌عَنْیا در خانه شَمعون جذامی بود، ۷ زنی با ظرفی مرمرین از عطر بسیار گرانبها نزد او آمد و عطر را بر سر او که به غذا نشسته بود، ریخت. ۸ و وقتی شاگردان این را دیدند، خشمگین شده، گفتند: «چرا این اِسراف؟ ۹ زیرا ممکن بود که این را به مبلغی گران فروخت و به فقرا داد.» ۱۰ لیکن عیسی آگاه از این، به آنان گفت: «چرا این زن را اذیت می‌کنید؟ چونکه او کاری نیکو به من کرده است. ۱۱ زیرا شما فقیران را همیشه با خود دارید، امّا مرا همیشه نخواهید داشت. ۱۲ با ریختن این عطر بر بدنم، او مرا برای تدفین آماده کرده است. ۱۳ حقیقتا به شما می‌گویم، در تمامی جهان هر جا که این انجیل موعظه شود، آنچه این زن کرده، به یاد او گفته خواهد شد.»

## خیانت یهودا

**مَتّی ۲۶:۱۴–۱۶؛ مَرقُس ۱۴:۱۰ و ۱۱؛ لوقا ۲۲:۳–۶**

۱۴ آنگاه یکی از آن دوازده که نامش یهودای اِسخَریوطی بود، نزد سران کاهنان رفت ۱۵ و گفت: «به من چه خواهید داد اگر او را به شما تسلیم کنم؟» و آنان سی پاره نقره به وی پرداخت کردند. ۱۶ و از آن زمان به بعد یهودا در پی فرصت بود تا به او خیانت کند.

## پِسَخ با شاگردان

**مَتّی ۲۶:۱۷–۱۹؛ مَرقُس ۱۴:۱۲–۱۶؛ لوقا ۲۲:۷–۱۳ مَتّی ۲۶:۲۰–۲۴؛ مَرقُس ۱۴:۱۷–۲۱ مَتّی ۲۶:۲۶–۲۹؛ مَرقُس ۱۴:۲۲–۲۵؛ لوقا ۲۲:۱۷–۲۰؛ اوّل قرنتیان ۱۱:۲۳–۲۵**

۱۷ اینک، در اولین روز عید نان فَطیر، شاگردان نزد عیسی آمده، گفتند: «کجا می‌خواهی که شام پِسَخ را برایت آماده کنیم؟» ۱۸ او گفت: «به شهر، نزد فلان کس بروید و به او بگویید: "استاد می‌گوید: وقت من نزدیک

است. پِسَخ را در خانه تو با شاگردانم به جا خواهم آورد."» [۱۹] و شاگردان همان‌طور که عیسی به آنان گفته بود، کردند و پسخ را آماده نمودند.

[۲۰] وقتی غروب شد، او با آن دوازده به غذا نشست. [۲۱] در حین غذا خوردن، عیسی گفت: «حقیقتا به شما می‌گویم، یکی از شما به من خیانت خواهد کرد.» [۲۲] و آنان بسیار غمگین شدند و یکی پس از دیگری به او گفتند: «ای آقا، آیا او، من هستم؟» [۲۳] عیسی جواب داد: «آن کس که دستش را با من در کاسه فرو می‌برد، به من خیانت خواهد کرد. [۲۴] پسر انسان آنطور که درباره‌اش نوشته شده است، می‌رود، امّا وای بر آن کس که پسر انسان توسط او تسلیم می‌گردد. برایش بهتر می‌بود که متولد نمی‌شد.» [۲۵] یهودا که به او خیانت کرد، جواب داد: «استاد آیا او، من هستم؟» عیسی به او گفت: «تو خود گفته‌ای.»

## رسم شام خداوند

[۲۶] وقتی غذا می‌خوردند، عیسی نان را گرفت و پس از برکت دادن نان، آن را پاره کرد و به شاگردان داد و گفت: «بگیرید، بخورید؛ این است بدن من.» [۲۷] و پیاله‌ای را برداشت و پس از شکرگزاری آن را به ایشان داده، گفت: «همه شما از این بنوشید. [۲۸] زیرا این است خون من برای عهد که برای آمرزش گناهان بسیاری ریخته می‌شود. [۲۹] به شما می‌گویم که از این میوه مُو دیگر نخواهم نوشید تا روزی که آن را با شما در پادشاهی پدرم، تازه بنوشم.»

## عیسی انکار پطرس را پیشگویی می‌کند

**مَتّی ۲۶:۳۱-۳۵؛ مَرقُس ۱۴:۲۷-۳۱؛ لوقا ۲۲:۳۱-۳۴**

[۳۰] و پس از آنکه سرودی خواندند، به طرف کوه زیتون رفتند. [۳۱] آنگاه عیسی به آنان گفت: «امشب همه شما به سبب من خواهید لغزید. زیرا نوشته شده که:

"شبان را خواهم زد
و گوسفندان گله پراکنده خواهند شد."

[۳۲] امّا بعد از برخاستنم، قبل از شما به جلیل خواهم رفت.» [۳۳] پطرس به او جواب داد: «اگر همه به سبب تو بلغزند، من هرگز نخواهم لغزید.» [۳۴] عیسی به او گفت: «حقیقتا به تو می‌گویم که همین امشب، قبل از آنکه خروس بانگ زند، تو مرا سه بار انکار خواهی کرد.» [۳۵] پطرس به او گفت: «حتی اگر مردنم با تو لازم شود، تو را انکار نخواهم کرد.» و همه شاگردان هم چنین گفتند.

## دعای عیسی در جِتسیمانی

**مَتّی ۲۶:۳۶-۴۶؛ مَرقُس ۱۴:۳۲-۴۲؛ لوقا ۲۲:۴۰-۴۶**

[۳۶] آنگاه عیسی با آنان به مکانی به نام جِتْسیمانی رفت و به شاگردان خود گفت: «اینجا بنشینید تا من به آنجا رفته، دعا کنم.» [۳۷] و پطرس و دو پسر زِبِدی را به همراه خود برداشته، غمگین و مضطرب شد. [۳۸] آنگاه به آنان گفت: «جانم تا به حدّ مرگ اندوهگین است، در اینجا بمانید و با من بیدار باشید.» [۳۹] و کمی جلو رفته به روی افتاد و دعا کرده،

**۲۰.۲۶** در برخی از ترجمه‌ها کلمه شاگرد را اضافه کرده‌اند **۲۸.۲۶** در برخی ترجمه‌ها کلمه "جدید" را اضافه کرده‌اند **۳۱.۲۶** زکریا ۱۳: ۷

گفت: «ای پدر من، اگر ممکن باشد بگذار
این پیاله از من بگذرد، با اینحال نه به خواست
من، بلکه به اراده تو.» ۴۰ و نزد شاگردان آمد
و آنان را خوابیده یافت. و به پطرس گفت:
«آیا نتوانستید ساعتی با من بیدار بمانید؟
۴۱ بیدار باشید و دعا کنید تا در وسوسه
نیفتید. روح حقیقتا مشتاق است، امّا جسم
ناتوان.» ۴۲ بار دوّم رفت و دعا کرد: «ای پدر
من، اگر ممکن نیست این جام، نیاشامیده از
من بگذرد، پس اراده تو انجام شود.» ۴۳ و باز
آمده ایشان را خوابیده یافت، زیرا چشمانشان
سنگین شده بود. ۴۴ پس بار دیگر ایشان را
واگذاشت و دور شد و برای سوّمین بار همان
کلمات را دعا کرد. ۴۵ سپس نزد شاگردان آمد
و به آنان گفت: «خواب و استراحت خود را
برای بعد بگذارید. اینک ساعت نزدیک شده
است و پسر انسان به دست گناهکاران تسلیم
می‌شود. ۴۶ برخیزید، برویم. اینک تسلیم کننده
من نزدیک است.»

## خیانت و دستگیری عیسی

**مَتّی ۲۶:۴۷-۵۶؛ مَرقُس ۱۴:۴۳-۵۰؛ لوقا ۲۲:۴۷-۵۳**

۴۷ هنوز سخن می‌گفت که یهودا، یکی از
آن دوازده، همراه با جمعی بزرگ با شمشیرها
و چماقها، از طرف سران کاهنان و مشایخ
قوم آمدند. ۴۸ اینک آن خائن به همراهان
خود علامتی داده و گفته بود: «آن کس
را که ببوسم، همان است؛ او را بگیرید.»
۴۹ و فورا به عیسی نزدیک شد و گفت:
«سلام، استاد!» و او را بوسید. ۵۰ عیسی
به او گفت: «ای دوست، بکن آنچه را که
برای انجامش آمدی.» آنگاه آنان آمدند و
دست بر عیسی انداختند و دستگیرش کردند.
۵۱ و اینک، یکی از آنانی‌که با عیسی بود،
دست خود را به شمشیرش برد و ضربه‌ای
به خادم کاهن اعظم زد و گوشش را برید.
۵۲ آنگاه عیسی به او گفت: «شمشیرت را
غلاف کن. زیرا هر که شمشیر برکشد، به
شمشیر هلاک شود. ۵۳ گمان می‌کنی نمی‌توانم
از پدرم درخواست کنم و او برایم در یک آن
بیش از دوازده لشکر فرشته بفرستد؟ ۵۴ پس
چگونه پیشگویی‌های کتب مقدّس تحقق یابد
که همچنین می‌بایست بشود؟» ۵۵ آنگاه عیسی
به آن جماعات گفت: «آیا به ضد من مانند
یک راهزن با شمشیر و چماق آمده‌اید تا
دستگیرم کنید؟ هر روز پشت هم در معبد
نشسته، تعلیم دادم و مرا نگرفتید. ۵۶ امّا این
همه اتفاق افتاد که نوشته‌های پیامبران تحقق
یابد.» آنگاه همه شاگردان او را واگذارده، فرار
کردند.

## عیسی در حضور قیافا و شورا

**مَتّی ۲۶:۵۷-۶۸؛ مَرقُس ۱۴:۵۳-۶۵؛ یوحنا ۱۸:۱۲ و ۱۳ و ۱۹-۲۴**

۵۷ آنگاه آنانی‌که عیسی را گرفته بودند، او را
نزد قیافا کاهن اعظم جایی‌که معلمین تورات
و مشایخ قوم جمع شده بودند، بردند. ۵۸ و
پطرس او را از دور تا به حیاط خانه کاهن
اعظم دنبال کرد و داخل شده با نگهبانان
نشست تا عاقبت کار را ببیند. ۵۹ اینک سران
کاهنان و تمامی اعضای شورا به دنبال آن
بودند که بر علیه عیسی شهادت دروغ پیدا
کنند، تا او را به مرگ تسلیم نمایند. ۶۰ گرچه

**۴۵.۲۶** یا آیا هنوز خوابید و استراحت می‌کنید؟ **۵۹.۲۶** به یونانی، سنهدرین

شاهدان دروغین بسیاری پیش آمدند، امّا چیزی عایدشان نشد. سرانجام دو نفر پیش آمدند [۶۱] و گفتند: «این مرد گفت: "من می‌توانم معبد خدا را ویران کنم و آن را در سه روز از سر نو بنا نمایم."» [۶۲] و کاهن اعظم برخاست و گفت: «جوابی نداری؟ این مردان برعلیه تو چه شهادت می‌دهند؟» [۶۳] امّا عیسی ساکت ماند. و کاهن اعظم به او گفت: «تو را به خدای زنده سوگند می‌دهم، به ما بگو اگر تو مسیح هستی، پسر خدا.» [۶۴] عیسی به او گفت: «تو چنین گفته‌ای. لیکن به شما می‌گویم که بعد از این پسر انسان را خواهید دید که به دست راست قدرت نشسته است و بر ابرهای آسمان می‌آید.» [۶۵] آنگاه کاهن اعظم ردایش را چاک زد و گفت: «کفر گفته است. دیگر چه نیازی به شاهد داریم؟ کفر او را اکنون شنیدید. [۶۶] حکم شما چیست؟» جواب دادند: «سزایش مرگ است.» [۶۷] آنگاه بر صورتش تف انداختند و او را زدند. بعضی نیز به او سیلی زده، [۶۸] می‌گفتند: «ای مسیح برایمان نبوّت کن، آنکه تو را زد، که بود؟»

### انکار پطرس

**مَتّی ۲۶:۶۹–۷۵؛ مَرقُس ۱۴:۶۶–۷۲؛ لوقا ۲۲:۵۵–۶۲؛ یوحنا ۱۸:۱۶–۱۸ و ۲۵–۲۷**

[۶۹] اینک پطرس بیرون در حیاط خانه نشسته بود. و کنیزی نزد او آمد و گفت: «تو هم با عیسای جلیلی بودی.» [۷۰] امّا او در حضور همه انکار کرده، گفت: «نمی‌دانم چه می‌گویی.» [۷۱] و وقتی به سوی ورودی خانه بیرون رفت، کنیزی دیگر او را دید و به حاضرین گفت: «این مرد با عیسای ناصری بود.» [۷۲] و باز پطرس انکار کرده قسم خورد: «من این مرد را نمی‌شناسم.» [۷۳] کمی بعد، حاضرینِ در آنجا پیش آمدند و به پطرس گفتند: «یقینا تو هم یکی از آنها هستی، زیرا لهجه‌ات تو را لو می‌دهد.» [۷۴] آنگاه پطرس شروع به لعنت کردن خود کرد و قسم خورده، گفت: «این مرد را نمی‌شناسم.» همان لحظه خروس بانگ زد. [۷۵] و پطرس سخنان عیسی را به یاد آورد که گفته بود: «قبل از آنکه خروس بانگ زند، تو مرا سه بار انکار خواهی کرد.» و بیرون رفت و به تلخی گریست.

### تحویل عیسی به پیلاتس

۲۷ هنگامی که صبح شد، همه سران کاهنان و مشایخ قوم به ضدّ عیسی مشورت کردند که عیسی را بکشند. [۲] و او را بستند و بردند و به پیلاتُسِ والی تحویل دادند.

### یهودا خود را به دار می‌کشد

[۳] پس وقتی یهودا، تسلیم‌کننده او، دید که عیسی محکوم شده است، پشیمان شد و سی پاره نقره را به سران کاهنان و مشایخ پس داده، [۴] گفت: «گناه کرده‌ام که خون بی‌گناهی را تسلیم نموده‌ام.» آنان گفتند: «به ما چه؟ تو خود دانی.» [۵] و او، پاره‌های نقره را در معبد انداخته، بیرون رفت و خود را به دار آویخت. [۶] امّا سران کاهنان پاره‌های نقره را برداشته، گفتند: «شرعا جایز نیست که این‌ها را در خزانه معبد بیاندازیم، زیرا که خونبهاست.» [۷] پس مشورت کردند و با آن پول مزرعه کوزه‌گر را خریدند تا قبرستانی برای غریبان باشد. [۸] پس آن مزرعه تا به امروز "مزرعه خون" خوانده شده است. [۹] آنگاه پیشگویی

اِرمیای نبی تحقّق یافت که گفت: «آنان سی پاره نقره را برداشتند، بهایی را که برخی از بنی‌اسرائیل برایش معین کردند. ۱۰ و آنها را برای مزرعه کوزه‌گر دادند، چنانکه خداوند مرا هدایت کرد.»

## عیسی در حضور پیلاتُس

**مَتّی ۲۷:۱۱-۲۶؛ مَرقُس ۱۵:۲-۱۵؛ لوقا ۲۳:۲ و ۳ و ۱۸-۲۵؛ یوحنا ۱۸:۲۹-۱۹:۱۶**

۱۱ عیسی در حضور والی ایستاد و والی از او پرسید: «آیا تو پادشاه یهودیان هستی؟» عیسی گفت: «تو چنین گفته‌ای.» ۱۲ امّا هنگامی که توسط سران کاهنان و مشایخ متهم شد، هیچ جوابی نداد. ۱۳ آنگاه پیلاتُس به او گفت: «آیا نمی‌شنوی چه چیزهای زیادی به ضدّ تو شهادت می‌دهند؟» ۱٤ امّا عیسی، هیچ جوابی به او نداد، نه حتی به یک تهمت، تاحدّی که والی بسیار متعجب شد.

## جماعت باراباس را انتخاب می‌کنند

۱۵ اینک در عید، رسمِ والی بود که هر زندانی را که مردم می‌خواستند، برایشان آزاد کند. ۱٦ و در آن وقت زندانیِ مشهوری به نام باراباس داشتند. ۱۷ پس وقتی که آنها جمع شدند، پیلاتُس به آنان گفت: «چه کسی را می‌خواهید برایتان آزاد کنم، باراباس، یا عیسی را که مسیح می‌خوانند؟» ۱۸ زیرا دانست که به دلیل حسادت وی را به او تسلیم کرده‌اند. ۱۹ علاوه بر آن، هنگامی که او بر مسند داوری نشسته بود، همسرش پیغامی به او فرستاد که: «با آن مرد صالح کاری نداشته باش، زیرا امروز در خواب درباره او رنج بسیار بردم.» ۲۰ سران کاهنان و مشایخ، جماعت را متقاعد کردند که آزادی باراباس را بطلبند و عیسی را هلاک کنند. ۲۱ والی باز به آنان گفت: «کدام یک از این دو را می‌خواهید برایتان آزاد کنم؟» آنان گفتند: «باراباس.» ۲۲ پیلاتس به آنان گفت: «پس با عیسی که مسیح‌اش می‌خوانند، چه کنم؟» همه گفتند: «مصلوب شود!» ۲۳ و او گفت: «چرا؟ چه بدی کرده است؟» امّا آنها هر چه بیشتر فریاد زدند: «مصلوب شود!»

## پیلاتس عیسی را برای مصلوب شدن تحویل می‌دهد

۲٤ پس چون پیلاتُس دید که هیچ فایده ندارد بلکه در عوض، آشوب ایجاد می‌شود، آب را گرفت و دستهای خود را در برابر جماعت شسته، گفت: «من از خون این مرد بَری هستم. شما خود دانید.» ۲۵ و همه مردم جواب دادند: «خون او بر ما و بر فرزندان‌مان باد!» ۲٦ پس او باراباس را برایشان آزاد کرد و عیسی را شلاّق زده، او را تحویل داد تا مصلوب شود.

## استهزای عیسی

**مَتّی ۲۷:۲۷-۳۱؛ مَرقُس ۱۵:۱٦-۲۰**

۲۷ آنگاه سربازانِ والی عیسی را به مقر فرماندهیِ والی بردند و همه گروه سربازان را نزد او جمع کردند. ۲۸ و آنان لباسهای عیسی را درآوردند و ردایی ارغوانی به او پوشانیدند ۲۹ و تاجی از خار بافته، آنرا بر سرش گذاشتند و به دست راستش چوبدستی از نی دادند و در برابرش زانو زدند و تمسخرش کرده، می‌گفتند: «سلام، ای پادشاه یهودیان!» ۳۰ و تف بر او

**۹.۲۷** ارمیا ۱۸: ۱ - ٤، ۱۹: ۲ و ۱۲ **۲٤.۲۷** در برخی از ترجمه‌ها، خون این مرد صالح **۲٦.۲۷** مجازات قضایی رومیان، شامل ضربه‌های شدیدِ شلاّقِ چند لایه بود که تکه‌های استخوان و فلز در آن جاسازی می‌شد.

انداختند و نِی را از دستش گرفتند و بر سرش زدند. ۳۱ و بعد از مسخره کردنش، آن ردا را از او درآوردند و لباسش را بر او پوشاندند و او را بردند تا مصلوب شود.

## مصلوب شدن

**مَتّی ۲۷:۳۳-۴۴؛ مَرقُس ۱۵:۲۲-۳۲؛ لوقا ۲۳:۳۳-۴۳؛ یوحنا ۱۹:۱۷-۲۴**

۳۲ هنگامی که بیرون می‌رفتند، مردی قیرَوانی یافتند به نام شَمعون. آنها این مرد را واداشتند که صلیب او را حمل کند. ۳۳ و وقتی به مکانی به نام جُلجُتا، که به معنیِ مکان جمجمه است، آمدند، ۳۴ به عیسی شراب مخلوط به زرداب دادند. اما وقتی او، آن را چشید، نخواست که بنوشد. ۳۵ و وقتی او را مصلوب کردند، لباسهایش را با قرعه بین خود تقسیم نمودند. ۳۶ آنگاه نشستند و در آنجا نگهبانی او را کردند. ۳۷ و جرم او را نوشتند و بر بالای سرش نصب نمودند که: «این است عیسی، پادشاه یهودیان.»

۳۸ آنگاه دو دزد نیز با وی مصلوب شدند، یکی بر سمت راست و دیگری بر سمت چپ او. ۳۹ و آنهایی که از آنجا رد می‌شدند، سرهای خود را تکان داده، استهزا کنان ۴۰ می‌گفتند: «ای تو که معبد را ویران می‌کردی و در سه روز آن را از سر نو بنا می‌کردی، خود را نجات ده! اگر پسر خدا هستی، از صلیب پایین بیا!» ۴۱ همچنین سران کاهنان با معلمین تورات و مشایخ مسخره‌اش کرده، می‌گفتند: ۴۲ «دیگران را نجات داد؛ خود را نمی‌تواند نجات دهد! او پادشاه اسرائیل است؛ بگذارید اکنون از صلیب پایین آید و ما به او ایمان خواهیم آورد. ۴۳ او به خدا توکل دارد. پس اگر خدا دوستش دارد، آزادش کند. زیرا گفت که: "پسر خدا هستم."» ۴۴ و آن دزدان نیز که با وی مصلوب شده بودند، به این گونه او را ناسزا می‌گفتند.

## مرگ عیسی

**مَتّی ۲۷:۴۵-۵۶؛ مَرقُس ۱۵:۳۳-۴۱؛ لوقا ۲۳:۴۴-۴۹**

۴۵ حال از ساعت ششم تا ساعت نهم بر تمامی زمین تاریکی شد. ۴۶ و نزدیک ساعت نهم، عیسی با صدای بلند فریاد زد: «ایلی، ایلی، لِمّا سَبَقْتَنی؟» یعنی «ای خدای من، ای خدای من، چرا مرا ترک کرده‌ای؟» ۴۷ و برخی از کسانی که آنجا ایستاده بودند، چون این را شنیدند، گفتند: «این مرد ایلیا را می‌خوانَد.» ۴۸ و یکی از آنان فورا دوید و اسفنجی برداشت و آن را از شراب تُرش پر کرد و بر سر نِی گذاشت و به او داد تا بنوشد. ۴۹ امّا بقیه گفتند: «صبر کن، بگذار ببینیم آیا ایلیا می‌آید که نجاتش دهد؟» ۵۰ و عیسی بار دیگر به صدایی بلند فریاد زد و روح خود را تسلیم نمود. ۵۱ و اینک، پرده معبد از بالا تا پایین دو پاره شد. و زمین لرزید و سنگها شکافته شد. ۵۲ قبرها نیز باز شدند. و بدنهای بسیاری از مقدسین که خفته بودند، برخاستند. ۵۳ و از قبرها بیرون آمدند و پس از زنده شدن او به شهر مقدّس رفتند و بر بسیاری ظاهر شدند. ۵۴ وقتی فرمانده و همراهان او که نگهبانی عیسی را می‌کردند، زمین‌لرزه و آن وقایع را دیدند، از حیرت پر شدند و گفتند: «به راستی که این پسر خدا بود.»

**۴۵.۲۷** ساعت ۱۲ ظهر **۴۵.۲۷** ساعت ۳ بعدازظهر **۴۶.۲۷** مزمور ۱:۲۲.

[۵۵] در آنجا زنان بسیاری نیز بودند که او
را از دور نظاره می‌کردند. آنانی‌که از جلیل
عیسی را پیروی کرده، خدمتش می‌کردند. [۵٦] در
میان آنان مریم مَجدَلیّه و مریم مادر یعقوب
و یوسف، و مادر پسران زِبِدی بودند.

## تدفین عیسی

**مَتّی ۲۷:۵۷–٦۱؛ مَرقُس ۱۵:۴۲–۴۷؛**
**لوقا ۲۳:۵۰–۵٦؛ یوحنا ۱۹:۳۸–۴۲**

[۵۷] وقت غروب، مردی ثروتمند از اهالی
رامَه، به نام یوسف، که او هم شاگرد عیسی
بود، آمد. [۵۸] او نزد پیلاتُس رفت و جسد
عیسی را خواست. پس پیلاتُس دستور داد
که به وی داده شود. [۵۹] و یوسف جسد را
برداشت و آن را در کتانی پاک پیچید [٦۰] و
در مقبره تازه خود که در صخره تراشیده شده
بود، قرار داد. و سنگی بزرگ به ورودی مقبره
غلتانید و رفت. [٦۱] مریمِ مَجدَلیه و آن مریم
دیگر در آنجا مقابل مقبره نشسته بودند.

## نگهبانان مقبره

[٦۲] روز بعد، یعنی بعد از روز تهیه سران
کاهنان و فَریسیان به نزد پیلاتُس آمدند و
گفتند: [٦۳] «ای آقا، به یاد داریم که آن شیّاد
وقتی زنده بود گفت: "بعد از سه روز برخواهم
خاست." [٦۴] پس فرمان بده که مقبره را تا روز
سوّم نگهبانی کنند، مبادا شاگردانش رفته، او
را بدزدند و به مردم بگویند که او از مردگان
برخاسته است، و فریب آخر از اوّل بدتر
خواهد بود.» [٦۵] پیلاتُس به آنان گفت: «شما
سربازان محافظ دارید. بروید و آن را هرطور
که می‌توانید، محافظت کنید.» [٦٦] پس رفتند
و سنگ مقبره را مُهر و موم کردند و محافظ
در آنجا گماشتند.

## رستاخیز عیسی

**مَتّی ۲۸:۱–۸؛ مَرقُس ۱٦:۱–۸؛ لوقا ۲۴:۱–۱۰**

۲۸ حال، بعد از سبّت، در سپیده‌دم
روز اول هفته، مریمِ مَجدَلیّه و آن
مریم دیگر به دیدن مقبره رفتند. [۲] و اینک
زمین‌لرزه‌ای بزرگ رخ داد، زیرا یک فرشته
خداوند از آسمان نازل شد و آمد و سنگ
را غلتانید و بر آن نشست. [۳] صورت او
همچون برق و لباسش چون برف سفید
بود. [۴] و نگهبانان از ترس او به لرزه افتادند
و مثل مردگان شدند. [۵] اما فرشته به زنان
گفت: «نترسید، زیرا می‌دانم عیسی را که
مصلوب شد، می‌جویید. [٦] او اینجا نیست،
زیرا همان‌طور که گفته بود، برخاسته است.
بیایید، جایی را که خوابیده بود، ببینید.
[۷] سپس سریع رفته، به شاگردانش بگویید که
او از مردگان برخاسته است و اینک پیش از
شما به جلیل می‌رود، در آنجا او را خواهید
دید. ببینید، من به شما خبر داده‌ام.» [۸] پس
آنان با ترس و شادی عظیم، بی‌درنگ از
مقبره روان شدند و دوان دوان رفتند تا به
شاگردانش اطلاع دهند. [۹] و ناگاه، عیسی با
ایشان روبه‌رو شد و گفت: «سلام بر شما»
و آنان پیش آمدند و بر پایهایش افتادند و
او را پرستش کردند. [۱۰] سپس عیسی به ایشان
گفت: «نترسید! بروید و به برادرانم بگویید که
به جلیل بروند و در آنجا مرا خواهند دید.»

---

**٦۲.۲۷** روز قبل از سبّت **٦.۲۸** در برخی ترجمه‌ها، کلمه خداوند را اضافه کرده‌اند

### گزارش نگهبانان

۱۱ هنگامی که ایشان می‌رفتند، اینک، برخی از
نگهبانان به شهر رفتند و همه وقایع را به سران
کاهنان اطلاع دادند. ۱۲ و وقتی آنان با مشایخ
جمع شدند و مشورت کردند، به سربازان پول
هنگفتی دادند ۱۳ و گفتند: «به مردم بگویید:
"شاگردانش شبانه آمدند و هنگامی که خواب
بودیم، او را دزدیدند." ۱٤ و اگر این خبر به
گوش والی برسد، ما او را راضی خواهیم کرد
و نخواهیم گذاشت که در مشکلی بیفتید.»
۱۵ پس آنان پول را گرفتند و طبق آنچه به آنها
گفته شده بود، عمل کردند. و این داستان تا
به امروز در میان یهودیان شایع است.

### مأموریت بزرگ

۱٦ آنگاه آن یازده شاگرد به جلیل به کوهی
که عیسی به ایشان گفته بود، رفتند. ۱۷ و
وقتی او را دیدند، او را پرستش کردند، لیکن
برخی شک نمودند ۱۸ و عیسی آمد و به آنان
گفت: «تمامی قدرت در آسمان و بر زمین
به من داده شده است. ۱۹ پس بروید و همه
ملتها را شاگرد سازید، و ایشان را به نام پدر
و پسر و روح‌القدس تعمید دهید ۲۰ و به آنان
تعلیم دهید که تمامی آنچه را که به شما حکم
کرده‌ام، به جا آورند. و اینک، من همیشه تا
پایان زمان با شما هستم.»

# انجیل مَرقُس

## نکاتی چند درباره انجیل مَرقُس

انجیل مَرقُس نسبت به اناجیل دیگر از مطالب کمتری برخوردار است. در این انجیل ما بیشتر با آنچه که عیسی کرد، روبرو هستیم تا با آنچه که عیسی گفت و تعلیم داد. علت این امر در هدف و مخاطبینی است که مَرقُس در نگارش این انجیل در نظر دارد. مَرقُس با بیان کارها و معجزات عیسی به دنبال اثبات این مطلب است که عیسی به راستی پسر خداست (۱:۱؛ ۶۱:۱۴؛ ۳۹:۱۵). گرچه تمام مطالب این انجیل به‌جز یک مورد، در انجیل متّی و یا لوقا نیز آمده است، امّا در این انجیل همه این موارد با جزئیات بیشتر شرح داده شده‌اند. به همین دلیل نیز بسیاری از صاحب‌نظران انجیل مَرقُس را اولین انجیل نگاشته شده می‌دانند و بر این باورند که متّی و لوقا به هنگام نگارش اناجیل خود، انجیل مَرقُس را پیش رو داشته‌اند.

آنطور که از مطالب این انجیل به ویژه آیه اوّل آن برمی‌آید، مَرقُس انجیل خود را برای مسیحیان غیریهودی نگاشته است؛ از این رو نیز مجبور می‌شود که آداب و رسوم یهودیان را توضیح دهد و پس از به کار بردن کلمات آرامی، آنها را به یونانی نیز ترجمه نماید.

در انجیل مرقس، سرعت انجام کارها بیش از اناجیل دیگر است. انگار که نویسنده سعی دارد کارهای قهرمان نوشته خود را پشت سر هم در مقابل دید خواننده قرار دهد. مَرقُس دست به تفسیر وقایع نمی‌زند و آن را به خود خواننده کتاب وا می‌گذارد. در این انجیل از تولّد و کودکی عیسی مطلبی نمی‌بینیم و وقایع با ظهور یحیای تعمیددهنده آغاز می‌شود.

### تقسیم‌بندی کلّی

- آماده شدن عیسی برای رسالت خود (فصل۱:۱-۱۳)
- خدمات عیسی در جلیل (فصل‌های۱:۱۴ تا ۶:۲۹)
- کناره‌گیری عیسی از جلیل (فصل‌های۶:۳۰ تا ۹:۳۲)
- آخرین خدمات عیسی در جلیل (فصل۹:۳۳-۵۰)
- خدمات عیسی در یهودیه و نواحی شرق رود اُردن (فصل۱۰)
- هفته آخر زندگی زمینی عیسی و رنجهای او (فصل‌های ۱۱تا ۱۵)
- رستاخیز عیسی مسیح (فصل ۱۶)

---

**۲.۱** در برخی از ترجمه‌ها "در کتب انبیا" ذکر شده.

## یحیی، هموار کننده راه مسیح

**مَرقُس ۱:۲-۸؛ مَتّی ۳:۱-۱۱؛ لوقا ۳:۲-۱۶**

### یحیای تعمید دهنده راه را آماده می‌کند

۱ آغاز انجیل عیسی مسیح، پسر خدا
۲ همان‌طور که در کتاب اِشعیای نبی
نوشته شده است که:
«اینک پیام‌آور خود را پیش روی تو
می‌فرستم،
که راه تو را آماده خواهد کرد؛»
۳ «صدای کسی که در بیابان
فریاد می‌زند:
"راه خداوند را آماده کنید،
طریقهای او را راست سازید."»
۴ یحیا در بیابان ظهور کرده، تعمید می‌داد و به
تعمیدِ توبه برای بخشش گناهان اعلان می‌کرد.
۵ و تمامی سرزمین یهودیه و همه اورشلیم، نزد
او می‌رفتند و به گناهان خود اعتراف کرده،
در رود اردن از او تعمید می‌گرفتند. ۶ و یحیا
لباس از پشم شتر می‌پوشید و کمربند چرمی بر
کمر می‌بست، و ملخ و عسل وحشی می‌خورد.
۷ او موعظه کرده، می‌گفت: «پس از من، کسی
تواناتر از من می‌آید که من لایق آن نیستم خم
شده، بند کفشهایش را باز کنم. ۸ من شما را به
آب تعمید داده‌ام، امّا او شما را به روح‌القدس
تعمید خواهد داد.»

## تعمید عیسی

**مَرقُس ۱:۹-۱۱؛ مَتّی ۳:۱۳-۱۷؛ لوقا ۳:۲۱ و ۲۲**

۹ در آن روزها، عیسی از ناصره جلیل آمد
و در اردن از یحیا تعمید گرفت. ۱۰ و وقتی از
آب بیرون آمد، در آن لحظه دید که آسمان‌ها
شکافته شده و روح همچون کبوتری بر او
فرود می‌آید. ۱۱ و صدایی از آسمان آمد: «تو
پسر محبوب من هستی، که از تو بسیار
خشنودم.»

## امتحان عیسی

**مَرقُس ۱:۱۲ و ۱۳؛ مَتّی ۴:۱-۱۱؛ لوقا ۴:۱-۱۳**

۱۲ روح بی‌درنگ عیسی را به بیابان برد. ۱۳ و
او چهل روز در بیابان بوده، شیطان او را
وسوسه می‌کرد. عیسی با حیوانات وحشی به
سر می‌برد و فرشتگان خدمتش می‌کردند.

## عیسی خدمت خود را شروع می‌کند

۱۴ حال، بعد از آنکه یحیا دستگیر شده بود،
عیسی به جلیل آمده، خبر خوشِ خدا را اعلان
می‌کرد ۱۵ و می‌گفت: «زمان به سرانجام خود
رسیده و پادشاهی خدا نزدیک است، توبه کنید
و خبر خوش را باور نمایید.»

## نخستین شاگردان عیسی

**مَرقُس ۱:۱۶-۲۰؛ مَتّی ۴:۱۸-۲۲؛ لوقا ۵:۲-۱۱؛ یوحنا ۱:۳۵-۴۲**

۱۶ چون از کناره دریاچه جلیل می‌گذشت،
شَمعون و برادرش آندریاس را دید که تور

---

**۹.۱** منظور رود اردن است. **۱۰.۱** منظور روح خداست. برای پرهیز از اغتشاش ذهنی، می‌توان در اینجا از "روح خدا" استفاده کرد. و نیز در آیه ۱۲. **۱۱.۱** یا، پسر من، محبوب من **۱۵.۱** یا، پادشاهی خدا نزدیک آمده است.
**۲.۱** مَلاکی ۳:۱. **۳.۱** اِشعیا ۴۰:۳.

به دریا می‌انداختند، زیرا آنها ماهیگیر بودند.
۱۷ عیسی به آنان گفت: «مرا پیروی کنید و من
شما را صیّاد مردم خواهم ساخت.» ۱۸ آنها
در همان لحظه تورهای خود را رها کردند
و به دنبال او روان شدند. ۱۹ و کمی دورتر
رفته، یعقوب پسر زِبِدی و برادرش یوحنا را
دید که در قایق‌شان تورها را تعمیر می‌کردند.
۲۰ بی‌درنگ ایشان را خواند و آنها پدر خود
زِبِدی را با کارگران در قایق رها کردند و به
دنبال او روان شدند.

## عیسی مردی را که روحی ناپاک داشت، شفا می‌دهد

**مَرقُس ۱:۲۱-۲۸؛ لوقا ۴:۳۱-۳۷**

۲۱ و آنها به کَفَرناحوم رفتند و عیسی در
روز سبّت بی‌درنگ به کنیسه وارد شد و به
تعلیم پرداخت. ۲۲ و آنان از تعلیم او در حیرت
افتادند، زیرا آنان را با اقتدار تعلیم می‌داد و
نه مانند معلمین تورات. ۲۳ همان زمان در
کنیسه آنها مردی بود که روحی ناپاک داشت و
فریاد زد: ۲۴ «ای عیسای ناصری، با ما چه کار
داری؟ آمده‌ای که ما را هلاک کنی؟ می‌دانم
کیستی-ای قدّوس خدا.» ۲۵ لیکن عیسی او
را توبیخ کرده، گفت: «ساکت باش و از او
بیرون بیا!» ۲۶ و روح پلید آن مرد را سخت
لرزاند و به صدای بلند فریاد زده، از او بیرون
آمد. ۲۷ و همه شگفت‌زده شدند به حدّی‌که
از یکدیگر پرسیده، می‌گفتند: «این چیست؟
تعلیمی جدید و با اقتدار! او حتی ارواح ناپاک
را فرمان می‌دهد و آنها از او اطاعت می‌کنند.»
۲۸ و به سرعت شهرت او همه جا در سراسر
ناحیه جلیل پیچید.

## عیسی بسیاری را شفا می‌دهد

**مَرقُس ۱:۲۹-۳۱؛ مَتّی ۸:۱۴ و ۱۵؛ لوقا ۴:۳۸ و ۳۹**
**مَرقُس ۱:۳۲-۳۴؛ مَتّی ۸:۱۶ و ۱۷؛ لوقا ۴:۴۰ و ۴۱**

۲۹ او بی‌درنگ کنیسه را ترک گفت و به
همراه یعقوب و یوحنا به خانه شمعون و
آندریاس وارد شد. ۳۰ اینک مادرزن شمعون
تب داشته، در بستر خوابیده بود و آنها فورا
عیسی را از حال او خبر دادند. ۳۱ از این رو
عیسی آمد و دستش را گرفت و او را برخیزانید
و تب او قطع شد و مشغول خدمت آنان
گردید.
۳۲ در آن شب پس از غروب آفتاب، همه
بیماران و دیوزدگان را نزد او آوردند. ۳۳ و تمام
شهر بر درِ آن خانه جمع شدند! ۳۴ و او
بسیاری را که به انواع بیماریها گرفتار بودند،
شفا داد و دیوهای بسیاری را بیرون کرد. امّا
اجازه نداد که دیوها سخنی گویند، زیرا او را
می‌شناختند.

## موعظه عیسی در جلیل

**مَرقُس ۱:۳۵-۳۸؛ لوقا ۴:۴۲ و ۴۳**

۳۵ صبحِ زود که هوا هنوز تاریک بود، عیسی
برخاست و خانه را ترک کرد و به محلی خلوت
رفت و آنجا به دعا پرداخت. ۳۶ شَمعون و
همراهانش به جستجوی او پرداختند. ۳۷ و
او را یافتند و به او گفتند: «همه به دنبال
تو می‌گردند.» ۳۸ عیسی به ایشان گفت: «به
شهرهای دیگر برویم تا در آنجا نیز موعظه
کنم، زیرا به همین سبب آمده‌ام.» ۳۹ و او
به سراسر جلیل رفته، در کنیسه‌های ایشان
موعظه می‌کرد و دیوها را بیرون می‌نمود.

## شفای مرد جذامی

**مَرقُس ۱:۴۰–۴۴؛ مَتّی ۸:۲–۴؛ لوقا ۵:۱۲–۱۴**

۴۰ و یک جذامی نزد او آمده، التماس کرد و
زانو زده، به او گفت: «اگر بخواهی، می‌توانی
مرا پاک سازی.» ۴۱ دل عیسی بسوخت و
دست خود را دراز کرد و او را لمس نمود و
گفت: «می‌خواهم، پاک شو.» ۴۲ و فورا جذام
اورا ترک کرد و او پاک شد. ۴۳ عیسی او را
تأکید بسیار کرد و فورا مرخص نموده، گفت
: ۴۴ «آگاه باش که چیزی به کسی نگویی، بلکه
برو و خود را به کاهن نشان بده و آنچه را که
موسی حکم کرده، برای طهارت خود تقدیم کن
تا برای آنها گواه باشد.» ۴۵ امّا او بیرون رفت
و آزادانه درباره آن امر سخن گفت و خبر را
پخش کرد. از این جهت دیگر عیسی نتوانست
آزادانه به شهری وارد شود، بلکه به جاهای
خلوت بیرون می‌رفت و مردم از هر طرف به
نزد او می‌آمدند.

## عیسی افلیجی را شفا می‌دهد

**مَرقُس ۲:۳–۱۲؛ مَتّی ۹:۲–۸؛ لوقا ۵:۱۸–۲۶**

۲ پس از چند روز، وقتی عیسی به
کَفَرناحوم برگشت، خبر پیچید که او
در خانه است. ۲ پس بسیاری در آنجا جمع
شدند، طوری‌که حتی در جلوی در هم جایی
نبود. و او کلام را برای آنها موعظه می‌کرد.
۳ و عده‌ای آمده، مفلوجی را که چهار نفر
حملش می‌کردند به نزدش آوردند. ۴ و چون به
سبب جمعیت نتوانستند نزدیک آیند، سقف
بالای سر او را برداشتند و شکافی باز کرده،
تشکی را که مفلوج بر آن خوابیده بود، به پایین
فرستادند. ۵ وقتی عیسی ایمان آنها را دید، به
مفلوج گفت: «ای فرزند، گناهانت آمرزیده
شد.» ۶ حال، برخی از معلمین تورات که در
آنجا نشسته بودند، در دل می‌پرسیدند: ۷ «چرا
این مرد چنین حرف می‌زند؟ او کفر می‌گوید!
چه کسی به غیر از خدا می‌تواند گناهان را
بیامرزد؟» ۸ عیسی که در آن لحظه در روح
خود فهمید که با خود چه فکر می‌کنند، به
ایشان گفت: «چرا در دلهای خود چنین سؤال
می‌کنید؟ ۹ کدام آسانتر است، به افلیج گفتن:
"گناهانت آمرزیده شده" یا اینکه "برخیز،
تشک خود را بردار و راه برو"؟ ۱۰ لیکن تا
بدانید که پسر انسان بر زمین اقتدار آمرزش
گناهان را دارد» - به افلیج گفت: ۱۱ «به تو
می‌گویم، برخیز، تشک خود را بردار و به خانه
برو!» ۱۲ آنگاه او برخاست و فورا تشک خود
را برداشت و در برابر همه آنان از آنجا بیرون
رفت. به حدی که همه در تعجب شدند و خدا
را تمجید کرده، می‌گفتند: «هرگز چنین چیزی
ندیده‌ایم.»

## دعوت عیسی از لاوی

**مَرقُس ۲:۱۴–۱۷ – مَتّی ۹:۹–۱۳؛ لوقا ۵:۲۷–۳۲**

۱۳ عیسی بار دیگر به کناره دریا رفت و همه
جمعیت نزدش می‌آمدند و او آنان را تعلیم
می‌داد. ۱۴ و چون گذر کرد، لاوی پسر حَلْفای
را دید که در دکه خراج‌گیری نشسته است و به
او گفت: «به دنبال من بیا.» و لاوی برخاست
و به دنبال او روان شد.
۱۵ وقتی عیسی در خانه لاوی بر سفره
نشسته بود، بسیاری از خراج‌گیران و
گناهکاران با عیسی و شاگردانش به سفره
نشسته بودند، زیرا بسیاری از آنها او را

**۴۰.۱** جزام، واژه‌ای برای انواع بیماریهای پوستی بود. رجوع شود به کتاب لاویان ۱۳

پیروی می‌کردند. ۱۶ پس چون علمای فریسی
عیسی را دیدند که با گناهکاران و خراج‌گیران
غذا می‌خورد، به شاگردان او گفتند: «چرا
با خراج‌گیران و گناهکاران غذا می‌خورد؟»
۱۷ وقتی عیسی آن را شنید، به آنان گفت:
«آنانی‌که سالم‌اند به پزشک نیاز ندارند، بلکه
بیماران. من نیامده‌ام که صالحان را دعوت
کنم، بلکه تا گناهکاران را.»

### سؤالی درباره روزه

**مَرقُس ۲:۱۸–۲۲ – مَتّی ۹:۱۴–۱۷؛ لوقا ۵:۳۳–۳۸**

۱۸ شاگردان یحیا و فَریسیان روزه می‌داشتند.
و مردم آمدند و به او گفتند: «چرا شاگردان
یحیا و شاگردان فَریسیان روزه می‌گیرند، امّا
شاگردان تو روزه نمی‌گیرند؟» ۱۹ عیسی به آنان
گفت: «آیا میهمانان عروسی زمانی که داماد با
ایشان است، می‌توانند روزه بگیرند؟ تا زمانی‌که
داماد را با خود دارند، نمی‌توانند روزه بگیرند.
۲۰ روزهایی خواهد آمد که داماد از آنان گرفته
می‌شود، آنگاه در آن روز روزه خواهند گرفت.
۲۱ هیچ‌کس تکه‌ای از پارچه آب نرفته را بر
لباس کهنه نمی‌دوزد. اگر چنین کند، وصله
تازه از کهنه پاره می‌شود و پارگی بدتر می‌گردد.
۲۲ و هیچ‌کس شراب تازه را در مَشکهای کهنه
نمی‌ریزد. اگر چنین کند، آن شراب مَشکها
را می‌ترکاند، و شراب و مَشکها هر دو تلف
می‌شوند. لیکن شراب تازه را در مَشکهای تازه
باید ریخت.»

### عیسی صاحب روز سبّت

**مَرقُس ۲:۲۳–۲۸؛ مَتّی ۱۲:۱–۸؛ لوقا ۶:۱–۵**

۲۳ یک روز سبّت عیسی از میان مزارع
گندم می‌گذشت و در حین راه، شاگردانش
شروع به چیدن خوشه‌های گندم کردند.
۲۴ آنگاه فَریسیان به او گفتند: «ببین، چرا
آنها کاری را می‌کنند که در روز سبّت جایز
نیست؟» ۲۵ عیسی به آنان گفت: «مگر هرگز
نخوانده‌اید که داوود چه کرد وقتی که خود
و همراهانش محتاج و گرسنه بودند؟ ۲۶ که
چطور به خانه خدا در زمان اَبیّاتار کاهن
اعظم، وارد شد و نان حضور را خورد و به
همراهانش نیز داد که خوردنش بر هیچ کس
به جز کاهنان جایز نبود؟» ۲۷ و به آنان گفت:
«سبّت برای انسان ساخته شد، نه انسان برای
سبّت. ۲۸ بنابراین، پسر انسان حتی صاحب
روز سبّت است.»

### مردی با دستی خشک شده

**مَرقُس ۳:۱–۶ – مَتّی ۱۲:۹–۱۴؛ لوقا ۶:۶–۱۱**

۳ عیسی بار دیگر به کنیسه وارد شد و
مردی در آنجا بود که یک دستش خشک
شده بود. ۲ و آنان عیسی را زیر نظر گرفته
بودند تا ببینند که آیا او را در روز سبّت شفا
می‌دهد تا بتوانند بر او اتهام زنند. ۳ عیسی به
آن مرد دست‌خشکیده گفت: «اینجا بیا.» ۴ و
به آنان گفت: «در روز سبّت نیکویی کردن
جایز است یا بدی کردن؟ جان را نجات دادن
یا کشتن؟» امّا آنان ساکت ماندند. ۵ پس او با
خشم به اطراف نظر انداخته، از سنگدلی‌شان

**۱۶.۲** در برخی از ترجمه‌ها، "و می‌نوشد" اضافه شده است.

غمگین شد و به آن مرد گفت: «دستت را دراز کن.» او دراز کرد و دستش سالم شد.
۶ فَریسیان بیرون رفتند و در آن لحظه با هیرودیان به ضدّ او مشورت کردند که چگونه او را هلاک سازند.

## جماعتی بزرگ از پی عیسی می‌روند

**مَرقُس ۳:۷-۱۲ — مَتّی ۱۲:۱۵ و ۱۶؛ لوقا ۶:۱۷-۱۹**

۷ عیسی با شاگردانش به کناره دریا رفت و جماعتی بزرگ از جلیل و یهودیّه ۸ و اورشلیم و اَدومیه و آن طرف اردن و نواحی صور و صیدون، به دنبال او روان شدند. وقتی آن جماعت بزرگ خبر تمامی کارهایی را که می‌کرد، شنیدند، نزد عیسی آمدند. ۹ و او به شاگردانش گفت که به سبب جماعت، قایقی برایش آماده کنند مبادا مردم بر او ازدحام کنند. ۱۰ از آنجا که بسیاری را شفا داده بود، همه بیماران که به دورش بودند، فشار می‌آوردند تا او را لمس کنند. ۱۱ و هروقت ارواح ناپاک او را می‌دیدند، به حضورش به زمین می‌افتادند و فریاد می‌زدند: «تو پسر خدا هستی.» ۱۲ و او ایشان را اکیدا دستور می‌داد که شهرتش ندهند.

## دوازده رسول

**مَرقُس ۳:۱۶-۱۹؛ مَتّی ۱۰:۲-۴؛**
**لوقا ۶:۱۴-۱۶؛ اعمال ۱:۱۳**

۱۳ عیسی به بالای کوهی رفت و آنانی را که خواست، به سوی خویش خواند و آنان به نزدش آمدند. ۱۴ و او دوازده نفر را تعیین کرد (که آنان را رسول نیز خواند) تا همراه او باشند و تا آنها را برای موعظه بفرستد، ۱۵ و اقتدار داشته باشند که دیوها را بیرون کنند.
۱۶ او آن دوازده تن را تعیین کرد: شَمعون (که او را پطرس نامید)؛ ۱۷ یعقوب پسر زِبِدی و یوحنا برادر یعقوب (که آنها را 'بوآنِرجِس'، یعنی پسران رعد نامید)؛ ۱۸ آندریاس و فیلیپُس و بَرتولُما و مَتّی و توما و یعقوب پسر حَلْفای و تَدّای و شَمعون غیور ۱۹ و یهودا اِسخَریوطی که به او خیانت کرد. ۲۰ آنگاه به خانه رفت و باز جماعت جمع شدند، طوری‌که حتی نتوانستند غذا بخورند. ۲۱ وقتی خویشانش آن را شنیدند، رفتند تا او را بگیرند. زیرا می‌گفتند: «عقل خود را از دست داده است.»

## کفر به روح القدس

۲۲ معلمین تورات که از اورشلیم آمده بودند، می‌گفتند: «بِعِلزِبول در اوست. و دیوها را توسط رئیس دیوها بیرون می‌کند.» ۲۳ عیسی آنها را به نزد خود خواند و در مَثَلها به ایشان گفت: «چگونه شیطان می‌تواند شیطان را بیرون کند؟ ۲۴ اگر مملکتی به ضدّ خود تقسیم شود، آن مملکت نمی‌تواند دوام بیاورد. ۲۵ و اگر خانه‌ای به ضدّ خود تقسیم شود، آن خانه قادر نخواهد بود که دوام آورد. ۲۶ و اگر شیطان به ضدّ خود قیام کند و تقسیم شود، نمی‌تواند دوام بیاورد، بلکه به پایان می‌رسد.
۲۷ لیکن هیچ‌کس نمی‌تواند به خانه مردی قوی وارد شود و اموالش را غارت کند، مگر اینکه اول آن مرد قوی را ببندد. آنگاه می‌تواند خانه او را غارت کند.
۲۸ حقیقتا به شما می‌گویم که همه گناهان فرزندان انسان و هر کفری که بگویند آمرزیده خواهد شد؛ ۲۹ امّا هر کس به روح‌القدس کفر گوید، هرگز آمرزیده نخواهد شد، بلکه مقصر

**۶.۳** طرفداران هیرودیس **۸.۳** منظور رود اردن است. **۲۲.۳** رئیس دیوها

به گناهی ابدی است.» ۳۰ زیرا آنان می‌گفتند: «روحی ناپاک دارد.»

### مادر و برادران عیسی

**مَرقُس ۳:۳۱–۳۵؛ مَتّی ۱۲:٤٦–۵۰؛ لوقا ۸:۱۹–۲۱**

۳۱ و مادر و برادرانش آمدند و بیرون ایستاده، کسی را نزدش فرستادند تا او را بخواند. ۳۲ و جماعتی گردش نشسته بودند و آنها به او گفتند: «مادر و برادرانت بیرون ایستاده، تو را می‌جویند.» ۳۳ عیسی به آنان جواب داد: «کیست مادر من؟ کیست برادرانم؟» ۳٤ و به آنانی که گردش نشسته بودند، نظر کرده، گفت: «اینانند مادر و برادران من! ۳۵ زیرا هر کس اراده خدا را انجام دهد، اوست برادر و خواهر و مادر من.»

### مَثَل کشاورز

**مَرقُس ٤:۱–۱۲؛ مَتّی ۱۳:۱–۱۵؛ لوقا ۸:٤–۱۰**
**مَرقُس ٤:۱۳–۲۰؛ مَتّی ۱۳:۱۸–۲۳؛ لوقا ۸:۱۱–۱۵**

٤ عیسی باز در کنار دریا شروع به تعلیم کرد. و جماعتی بسیار بزرگ گردش جمع شدند به طوری‌که به قایقی سوار شد و در آن بر دریا نشست، و همه جماعت در ساحل بر خشکی بودند. ۲ و او آنان را با مَثَلها چیزهایی بسیار تعلیم داد و در تعلیمش به آنان گفت: ۳ «گوش کنید! ببینید، کشاورزی برای کاشتن بیرون رفت. ٤ و در حین کاشتن، بعضی تخم‌ها در راه افتادند و پرندگان آمدند و آنها را خوردند. ۵ تخم‌های دیگر بر زمین سنگلاخ افتاد، جایی‌که خاک زیادی نداشت، و زود سبز شد زیرا خاک کم‌عمق بود. ٦ و وقتی آفتاب برآمد، سوخته شد و چون ریشه‌ای نداشت، خشکید. ۷ و تخم‌های دیگر در میان خارها افتادند و خارها نمو کرده، آن را خفه کردند و دانه‌ای تولید نکرد. ۸ و تخم‌های دیگر بر خاک خوب افتادند و دانه تولید کرده، نمو کردند و زیاد شده، سی برابر و شصت برابر و صد برابر محصول دادند.» ۹ و او گفت: «هر که گوش شنوا دارد، بشنود.»

### مقصود مثلها

۱۰ و هنگامی که تنها بود، آنانی‌که گِردش بودند با آن دوازده درباره مَثَلها از او پرسیدند. ۱۱ عیسی به ایشان گفت: «راز پادشاهی خدا به شما داده شده است، امّا برای مردمِ بیرون، همه چیز در مَثَلها است؛ ۱۲ تا:

«"به راستی ببینند، امّا درک نکنند،
و به راستی بشنوند، امّا نفهمند،
مبادا بازگشت کنند و بخشیده شوند."»

۱۳ و به ایشان گفت: «این مَثَل را نمی‌فهمید؟ پس چگونه همه مَثَلها را خواهید فهمید؟ ۱٤ کشاورز کلام را می‌کارد. ۱۵ اینها هستند آنهایی که کنار راه می‌افتند، جایی‌که کلام کاشته می‌شود؛ وقتی که می‌شنوند، شیطان بی‌درنگ می‌آید و کلامی را که در آنها کاشته شده، می‌رباید. ۱٦ و اینها هستند آنها که بر سنگلاخ کاشته شده‌اند: کسانی که وقتی کلام را می‌شنوند، در همان لحظه آن را با شادی می‌پذیرند ۱۷ اما در خود ریشه‌ای ندارند، بلکه مدتی کوتاه دوام می‌آورند؛ و وقتی به سبب کلام، عذاب یا آزاری پیش آید، در دم می‌افتند. ۱۸ و دیگران، آنانی هستند که در میان خارها کاشته شده‌اند. کسانی‌که کلام را می‌شنوند، ۱۹ امّا نگرانی‌های دنیا و فریبندگی ثروت و هوسِ چیزهای دیگر در

**۱۲.٤** اشعیا ٦: ۹ و ۱۰ **۱۷.٤** یا لغزش می‌خورند.

آنها وارد می‌شوند و کلام را خفه می‌کنند و بی‌ثمر می‌گردانند. ٢٠ اما آنانی‌که، در خاک خوب کاشته شده‌اند، کسانی هستند که کلام را می‌شنوند و آنرا می‌پذیرند و سی برابر و شصت برابر و صد برابر ثمر می‌دهند.»

## چراغ زیر سبد

٢١ آنگاه به آنان گفت: «آیا چراغ را می‌آورند که زیر سبد یا زیر تخت بگذارند و نه بر چراغدان؟ ٢٢ زیرا چیزی پنهان نیست مگر که آشکار شود، و چیزی مخفی نیست مگر که به روشنایی آید. ٢٣ هر که گوش شنوا دارد، بشنود.» ٢٤ و به آنان گفت: « به آنچه که می‌شنوید، دقّت کنید. به هر پیمانه‌ای که وزن کنید، برای شما وزن خواهد شد و حتی بیشتر به شما افزوده خواهد شد. ٢٥ زیرا به آن‌کس که دارد، بیشتر به او داده خواهد شد و از آن‌کس که ندارد، حتی آنچه را که دارد، از او گرفته خواهد شد.»

## مَثَل رشد دانه

٢٦ و گفت: «پادشاهی خدا مانند مردی است که بر زمین تخم می‌پاشد. ٢٧ او شب و روز، می‌خوابد و بیدار می‌شود و دانه جوانه می‌زند و رشد می‌کند. و او نمی‌داند چگونه؟ ٢٨ زمین به خودی‌خود تولید می‌کند، اول ساقه، بعد خوشه، سپس دانه کامل در خوشه. ٢٩ لیکن چون دانه رسید، بی‌درنگ داس را برمی‌دارد، زیرا فصل برداشت رسیده است.»

## مَثَل دانه خردل

**مَرقُس ٤: ٣٠-٣٢؛ مَتّی ١٣: ٣١ و ٣٢؛ لوقا ١٣: ١٨ و ١٩**

٣٠ و گفت: «پادشاهی خدا را با چه چیز مقایسه کنیم، یا چه مَثَلی برایش به کار ببریم؟ ٣١ مانند دانه خردل است که وقتی بر زمین کاشته شد، از تمامی دانه‌های روی زمین کوچکتر می‌باشد، ٣٢ با اینحال، وقتی کاشته شد، می‌روید و از همه گیاهان باغ بزرگتر می‌گردد و شاخه‌های بزرگ می‌آورد، به طوری که پرندگان آسمان می‌توانند در سایه آن آشیانه بسازند.»

٣٣ عیسی با این‌گونه مَثَلهای بسیار، تا آنجایی‌که می‌توانستند بشنوند، کلام را برایشان بیان کرد. ٣٤ او بدون مَثَل چیزی به آنها نگفت؛ امّا در خلوت همه چیز را برای شاگردانش شرح داد.

## عیسی توفان را آرام می‌کند

**مَرقُس ٤: ٣٥-٤١؛ مَتّی ٨: ١٨ و ٢٣-٢٧؛ لوقا ٨: ٢٢-٢٥**

٣٥ آن روز وقتی غروب رسید، عیسی به آنان گفت: «به آن طرف دیگر برویم.» ٣٦ پس آنها جماعت را ترک کرده، او را در قایقی که بود، با خود بردند. و چند قایق دیگر نیز با او بودند. ٣٧ ناگاه تندباد شدیدی برخاست، و امواج به قایق می‌زد طوری‌که قایق از آب پر می‌شد. ٣٨ امّا او در عقب قایق، بر بالشی خوابیده بود. پس او را بیدار کردند و به او گفتند: «استاد، برایت مهم نیست که هلاک می‌شویم؟» ٣٩ و او بیدار شد و باد را توبیخ

**٣٥.٤** منظور آن طرف دریاچه جلیل است.

کرد و به دریا گفت: «ساکت شو! آرام باش!» آنگاه باد متوقف شد و آرامش کامل برقرار گردید. ٤٠ عیسی به آنان گفت: «چرا تا این حد ترسیدید؟ آیا هنوز ایمان ندارید؟» ٤١ و آنها از ترس پر شده، به یکدیگر گفتند: «این کیست که حتی باد و دریا هم از او اطاعت می‌کنند؟»

## عیسی یک دیوزده را شفا می‌دهد

**مَرقُس ۵:۱–۱۷ – مَتّی ۸:۲۸–۳٤؛ لوقا ۸:۲٦–۳۷**
**مَرقُس ۵:۱۸–۲۰ – لوقا ۸:۳۸ و ۳۹**

۵ آنها به آن طرف دریا، به سرزمین جِراسیان آمدند. ٢ و وقتی عیسی از قایق پیاده شد، در آن لحظه مردی با روحی ناپاک از قبرستان بیرون آمده، به او برخورد. ٣ او در میان قبرها زندگی می‌کرد و هیچ کس نمی‌توانست او را حتی به زنجیری ببندد. ٤ زیرا بارها او را با غُل‌ها و زنجیرها بسته بودند، امّا زنجیرها را از هم پاره کرده و غُل‌ها را شکسته بود. هیچ کس قدر ت نداشت بر او چیره شود. ٥ شب و روز در میان قبرها و بر کوه‌ها مرتب فریاد برمی‌آورد و خود را با سنگ‌ها زخمی می‌کرد. ٦ و وقتی عیسی را از دور دید، دوید و در برابرش بر زمین افتاد. ٧ و با صدایی بلند فریاد زده، گفت: «ای عیسی، پسر خدای متعال، تو را با من چه کار است؟ تو را به خدا قسم می‌دهم که عذابم ندهی.» ٨ زیرا عیسی به او گفته بود: «ای روح پلید، از این مرد بیرون بیا!» ٩ پس عیسی از او پرسید: «نامت چیست؟» جواب داد: «نامم لِژیون است؛ زیرا که ما بسیاریم.» ١٠ آنگاه به او التماس بسیار کرد که آنان را از آن سرزمین بیرون نکند. ١١ اینک، یک گله بزرگ خوک در تپه‌های آنجا غذا می‌خوردند، ١٢ و از او خواهش کرده، گفتند: «ما را به خوکها بفرست؛ بگذار به آنها داخل شویم.» ١٣ عیسی به آنها اجازه داد. و ارواح ناپاک بیرون آمدند و وارد خوکها شدند؛ و آن گلّه که تقریبا دو هزار بودند، به سراشیبی ساحل به دریا شتافتند و در آب غرق شدند.

١٤ گلّه‌بانان فرار کردند و این واقعه را در شهر و در آن ناحیه خبر دادند و مردم آمدند تا آنچه را که اتفاق افتاده بود، ببینند. ١٥ و چون نزد عیسی آمدند و آن مرد دیوزده را که گرفتار لِژیون بود، در آنجا نشسته و لباس پوشیده و عاقل دیدند، ترسیدند. ١٦ و آنانی‌که واقعه را دیده بودند، آنچه را که بر مرد دیوزده و خوکها اتفاق افتاده بود، برایشان تعریف کردند. ١٧ پس شروع به التماس کرده از عیسی خواستند که از سرزمین‌شان برود.

١٨ وقتی سوار قایق می‌شد، مردی که دیوزده بود، به او التماس کرد که همراهش برود. ١٩ لیکن عیسی اجازه‌اش نداد، بلکه به او گفت: «به خانه نزد دوستانت برو و به آنها بگو که خداوند چه‌ها برای تو کرده و چگونه بر تو رحم نموده است.» ٢٠ پس آن مرد رفت و شروع کرده، در دِکاپولیس هرآنچه را که عیسی برایش کرده بود، اعلان کرد و همه در حیرت افتادند.

---

**۱.۵** در برخی از ترجمه‌ها، جَدَریان آمده است. **۹.۵** واژه‌ای در لاتین که در زمان آگوستوس، امپراطور روم، معادل ٦ هزار سرباز می‌بود. **۲۰.۵** یعنی ده شهر

## عیسی یک زن و نیز دختر یایروس را شفا می‌دهد

**مَرقُس ۵:۲۲-۴۳؛ مَتّی ۹:۱۸-۲۶؛ لوقا ۸:۴۱-۵۶**

۲۱ و وقتی عیسی دوباره با قایق به آن طرف
دریا رفت، در کنار دریا، جماعتی بزرگ نزدش
جمع شدند. ۲۲ آنگاه یکی از رئیسان کنیسه به
نام یایروس آنجا آمد و با دیدن او به پایش
افتاد ۲۳ و التماس‌کنان به او گفت: «دختر
کوچکم در حال مرگ است. بیا و دست خود
را بر او بگذار تا شفا یابد و زنده ماند.» ۲۴ پس
عیسی با او رفت.

و جماعتی بزرگ به دنبالش راه افتادند و بر
او ازدحام کردند. ۲۵ و در آنجا زنی بود که
دوازده سال دچار خونریزی بود. ۲۶ و تحت
درمان پزشکانِ بسیار رنج دیده، همه دارایی
خود را صرف کرده بود، امّا بهبودی نیافته،
در عوض بدتر هم شده بود. ۲۷ او خبرِ عیسی
را شنیده بود، و در میان جماعت، پشت
سر او آمد و ردای او را لمس کرد. ۲۸ زیرا
گفته بود: «اگر حتی ردایش را لمس کنم،
شفا خواهم یافت.» ۲۹ و در همان لحظه
خون‌ریزی او قطع شد و در بدن خود احساس
کرد که از بیماری‌اش شفا یافته است. ۳۰ اما
عیسی که در خود دریافت که قدرتی از او
بیرون رفته است، بی‌درنگ در آن جمع برگشت
و گفت: «چه کسی لباسم را لمس کرد؟»
۳۱ شاگردانش به او گفتند: «می‌بینی که مردم
بر تو فشار می‌آورند و می‌گویی "چه کسی مرا
لمس کرد؟"» ۳۲ عیسی به اطراف نگاه کرد تا
ببیند چه کسی این کار را کرده است. ۳۳ اما آن
زن که دانست بر او چه اتفاق افتاده، ترسان
و لرزان آمد و به پای او افتاد و همه حقیقت
را به او گفت. ۳۴ پس عیسی به وی گفت:
«ای دختر، ایمانت تو را خوب کرده است.
به سلامت برو و از بیماری‌ات شفا یاب.»

۳۵ وقتی هنوز سخن می‌گفت، برخی از خانه
رئیس کنیسه آمده، گفتند: «دخترت مرده
است. دیگر چرا استاد را زحمت بدهی؟»
۳۶ اما عیسی چون سخن آنان را شنید، به
رئیس کنیسه گفت: «نترس، فقط ایمان داشته
باش.» ۳۷ و هیچ کس را اجازه نداد که
همراهش برود، جز پطرس و یعقوب و یوحنا
برادر یعقوب. ۳۸ آنها به خانه رئیس کنیسه
آمدند، و عیسی همهمه مردم را دید که به
صدای بلند گریه و شیون می‌کنند. ۳۹ و وقتی
داخل شد، به آنها گفت: «چرا همهمه راه
انداخته‌اید و گریه می‌کنید؟ دختر نمرده، بلکه
خوابیده است.» ۴۰ و آنها به او خندیدند. اما
او همه آنها را بیرون کرد و پدر و مادر دختر
و آنانی را که همراهش بودند، با خود برداشت
و به جایی که دختر بود، رفتند. ۴۱ پس دست
دختر را گرفته، به او گفت: «تالیتا، کومی»
یعنی: «دختر کوچک، به تو می‌گویم برخیز.»
۴۲ و دختر فورا برخاست و شروع به راه رفتن
کرد (زیرا دوازده ساله بود)، و آنها در دم مملو
از شگفتی شدند. ۴۳ پس به آنان اکیدا دستور
داد که کسی از این امر مطلع نشود، و گفت
که چیزی به آن دختر بدهند تا بخورد.

## عیسی در ناصره رد می‌شود

**مَرقُس ۶:۱-۶ – مَتّی ۱۳:۵۴-۵۸**

۶ عیسی از آنجا رفت و به شهر خود آمد
و شاگردانش به دنبال او روان شدند.
۲ و در روز سبّت در کنیسه شروع به تعلیم
کرد، و بسیاری که او را شنیدند، شگفت زده،
گفتند: «این مرد این چیزها را از کجا کسب
کرده است؟ این چه حکمتی است که به او

داده شده؟ چنین معجزات چگونه به دست او انجام می‌شود؟ ۳ آیا این آن نجّار نیست، پسرِ مریم و برادرِ یعقوب و یوشا و یهودا و شَمعون؟ و آیا خواهرانش اینجا در بین ما نیستند؟» و از او رنجیدند. ٤ پس عیسی به ایشان گفت: «نبی بی‌حرمت نیست جز در شهر خود و در میان خویشان و خانواده خود.» ٥ و او نتوانست در آنجا معجزه‌ای انجام دهد، جز اینکه دست خود را بر چند بیمار گذاشت و شفایشان داد. ٦ و از بی‌ایمانی آنها در تعجب شد. و به دهات اطراف رفته، تعلیم می‌داد.

## عیس دوازده رسول را می‌فرستد

**مَرقُس ٦:٧-١١ — مَتّی ١٠:١ و ٩-١٤؛ لوقا ٩:١ و ٣-٥**

٧ عیسی آن دوازده را نزد خود خواند و شروع کرد به فرستادن آنها دو به دو، و به ایشان بر ارواح ناپاک اقتدار بخشید. ٨ و به آنان دستور داد که برای سفرشان، چیزی جز یک چوبدستی برندارند، نه نان، نه کوله‌بار، و نه پول در کمربندهای خود. ٩ بلکه کفش به پا کنند و دو پیراهن نپوشند. ١٠ و به آنان گفت: «هروقت به خانه‌ای وارد شدید، تا ترک آن محل در آنجا بمانید. ١١ و اگر جایی شما را نپذیرند و به شما گوش ندهند، وقتی آنجا را ترک می‌کنید، خاک پاهایتان را بتکانید، تا بر علیه آنها شهادت باشد.» ١٢ پس آنها رفتند و به مردم اعلان کردند که باید توبه کنند. ١٣ و بسیاری از دیوها را بیرون کردند و بیماران بسیاری را با روغن مسح کردند و شفایشان دادند.

## مرگ یحیای تعمیددهنده

**مَرقُس ٦:١٤-٢٩؛ مَتّی ١٤:١-١٢**
**مَرقُس ٦:١٤-١٦ — لوقا ٩:٧-٩**

١٤ هیرودیس پادشاه این را شنید، زیرا نام عیسی معروف شده بود. بعضی گفتند: «یحیای تعمیددهنده از مردگان برخاسته است، به همین دلیل این قدرتهای معجزه‌وار از او دیده می‌شود.» ١٥ اما دیگران گفتند: «او ایلیا است.» و بعضی دیگر گفتند: «او پیامبری است مثل پیامبران قدیم.» ١٦ امّا وقتی هیرودیس این را شنید، گفت: «آن یحیا که من سرش را از تن جدا کردم، از مردگان برخاسته است.»

١٧ زیرا هیرودیس بود که فرستاد و یحیا را دستگیر کرد و او را در زندان بست به سبب هیرودیا زن برادرش فیلیپُس که او را به زنی گرفته بود. ١٨ چون یحیا به هیرودیس گفته بود: «برای تو جایز نیست که زن برادرت را داشته باشی.» ١٩ پس هیرودیا از او کینه به دل داشت و می‌خواست که او را بکشد، امّا نمی‌توانست، ٢٠ زیرا هیرودیس از یحیا می‌ترسید، چون او را مردی صالح و مقدّس می‌دانست و از او محافظت می‌کرد. وقتی او را می‌شنید، شدیدا به هم می‌ریخت، با اینحال به خوشی به او گوش می‌داد.

٢١ اما فرصتی فراهم شد زمانی که هیرودیس در روز تولدش ضیافتی برای بزرگان و فرماندهان نظامی خود و مردان نامی جلیل ترتیب داد. ٢٢ و وقتی دختر هیرودیا به مجلس وارد شد و رقصید، هیرودیس و میهمانانش را خشنود ساخت. پس پادشاه به دختر گفت: «هرچه دوست داری، بخواه و آن را به تو

**١٨.٦** علت آن بود که هنوز برادر هیرودیس در قید حیات بود و او زن عقدی برادر خود را به زنی گرفته بود.

خواهم داد.» ٢٣ و او به دختر سوگند خورده، گفت: «هر چه از من بخواهی، به تو خواهم داد، حتی نصف مملکتم را.» ٢٤ آنگاه دختر بیرون رفت و به مادر خود گفت: «چه چیزی بخواهم؟» و او گفت: «سَرِ یحیای تعمیددهنده را.» ٢٥ پس دختر بی‌درنگ با عجله نزد پادشاه وارد شده، گفت: «از تو می‌خواهم که در حال سر یحیای تعمیددهنده را در یک سینی به من بدهی.» ٢٦ پادشاه بسیار متاسف شد، امّا به سبب سوگندی که خورده بود و میهمانانش نخواست قولش را بشکند. ٢٧ پس پادشاه در آن لحظه جلادی را با فرامین فرستاد تا سر یحیا را بیاورد. او رفت و سرش را در زندان از تن جدا کرد ٢٨ و سرش را در یک سینی آورد و به دختر داد و دختر آن را به مادرش داد. ٢٩ وقتی شاگردان یحیا این را شنیدند، آمدند و جسد او را برداشتند و در قبر نهادند.

### عیس پنج هزار نفر را خوراک می‌دهد

**مَرقُس ٦:٣٢-٤٤ — مَتّی ١٤:١٣-٢١؛**
**لوقا ٩:١٠-١٧؛ یوحنا ٦:٥-١٣**
**مَرقُس ٦:٣٢-٤٤ — مشابه مَرقُس ٨:٢-٩**

٣٠ رسولان نزد عیسی بازگشتند و او را از هرچه که کرده و تعلیم داده بودند، مطلع ساختند. ٣١ عیسی به آنان گفت: «به تنهایی به جایی دورافتاده بیایید و کمی استراحت کنید.» زیرا بسیاری آمد و رفت می‌کردند که حتی آنها فرصت غذا خوردن نداشتند. ٣٢ پس فقط خودشان در قایقی به محلی دورافتاده رفتند. ٣٣ اما بسیاری آنان را دیدند که می‌روند و ایشان را شناختند و از تمام شهرها به طرف آن محل پیاده دویدند و جلوتر از آنان به محل رسیدند. ٣٤ وقتی عیسی به ساحل رفت، جماعتی بزرگ دید و دلش بر حال آنان سوخت، زیرا مثل گوسفندانی بی‌شبان بودند. پس شروع کرده چیزهای بسیار به آنان تعلیم داد. ٣٥ و چون دیر می‌شد، شاگردانش به نزد او آمدند و گفتند: «اینجا محلی است دورافتاده، و الان دیروقت است. ٣٦ آنها را بفرست تا به روستاها و دهات اطراف بروند و برای خود غذا بخرند.» ٣٧ اما به آنها جواب داد: «شما به ایشان غذا بدهید.» و آنها به او گفتند: «آیا برویم و دویست دینار نان بخریم و به آنها بدهیم تا بخورند؟» ٣٨ به آنان گفت: «چند نان دارید؟ بروید و ببینید.» و چون پی بردند، گفتند: «پنج نان و دو ماهی.» ٣٩ آنگاه عیسی به همه دستور داد تا دسته دسته بر سبزه‌ها بنشینند. ٤٠ پس آنها به دسته‌های صد، و پنجاه نفری بر زمین نشستند. ٤١ و عیسی آن پنج نان و دو ماهی را گرفته، به آسمان نگاه کرد و دعا نموده، برکت داد و نانها را پاره کرد و به شاگردان خود داد تا پیش مردم بگذارند. و دو ماهی را بین همه آنها تقسیم کرد. ٤٢ و همه خوردند و سیر شدند. ٤٣ و از خرده‌های نان و ماهی، دوازده سبدِ پُر برداشتند. ٤٤ و تعداد کسانی که نان را خوردند، پنج هزار مرد بودند.

### عیسی روی آب راه می‌رود

**مَرقُس ٦:٤٥-٥١ — مَتّی ١٤:٢٢-٣٢؛ یوحنا ٦:١٥-٢١ مَرقُس ٦:٥٣-٥٦ — مَتّی ١٤:٣٤-٣٦**

٤٥ عیسی بی‌درنگ شاگردان خود را واداشت که قبل از او به قایق سوار شده، به بیت‌صیدا در آنطرف بروند تا خود، مردم را مرخص کند.

**٣٧.٦** هر دینار معادل دستمزد معمول یک روز یک کارگر بود **٤٥.٦** در آن طرف دریاچه جلیل

۴۶ و بعد از آن‌که آنان را ترک کرد، به بالای
کوه رفت تا دعا کند.
۴۷ و چون شب شد، قایق بر دریا بود و خود
او بر خشکی تنها بود. ۴۸ و دید که شاگردان به
زحمت به جلو می‌رانند، زیرا باد مخالفِ ایشان
می‌وزید. پس نزدیک چهارمین پاسِ شب عیسی
بر روی آب به سوی آنان راه رفت و خواست
از کنارشان بگذرد. ۴۹ اما وقتی او را دیدند که
بر روی آب راه می‌رود، گمان کردند شبحی
است و فریاد زدند، ۵۰ زیرا همه او را دیدند
و ترسیده بودند. امّا عیسی بی‌درنگ با ایشان
صحبت کرد و گفت: «دل قوی دارید، من
هستم. نترسید.» ۵۱ و نزد ایشان وارد قایق شد
و باد آرام گرفت. ایشان کاملا مات و مبهوت
شده بودند، ۵۲ زیرا واقعه نان‌ها را نفهمیده
بودند، بلکه دلهای ایشان سخت شده بود.

### عیسی بیماران را در جِنیسارِت شفا می‌دهد

۵۳ وقتی به آن‌طرف گذشتند، به جِنیسارِت
فرود آمدند و در ساحل لنگر انداختند. ۵۴ و
وقتی از قایق پیاده شدند، مردم بلافاصله او
را شناختند ۵۵ و از سراسر آن ناحیه دویدند
و بیماران را بر تختها گذاشته، به هر جا
که شنیدند او آنجاست، بردند. ۵۶ و به هر
جا که در دهات، شهرها، یا روستاها می‌آمد،
بیماران را در بازارها می‌گذاشتند و به او التماس
می‌کردند که لااقل لبه ردایش را لمس کنند. و
هر که لمس می‌کرد، شفا می‌یافت.

### سنّت‌ها و احکام

**مَرقُس ۱:۷–۲۳؛ مَتّی ۱:۱۵–۲۰**

۷ اینک وقتی فَریسیان با برخی از معلمین
تورات که از اورشلیم آمده بودند، نزدش
جمع شده، ۲ دیدند بعضی از شاگردان او با
دستهای نجس، یعنی نشُسته، غذا می‌خورند.
۳ زیرا فَریسیان و همه یهودیان، به پیروی از
سنّت مشایخ، تا دستهای خود را به‌دقت
نشویند، خوراک نمی‌خورند، ۴ و چون از
بازار می‌آیند، تا شست‌وشوی نکنند، غذا
نمی‌خورند. و بسیاری از سنن دیگر را مراعات
می‌کنند از جمله شستن پیاله‌ها و دیگ‌ها و
ظروف مسی و نیمکت‌های غذاخوری. ۵ پس
فَریسیان و معلمین تورات از او پرسیدند: «چرا
شاگردان تو طبق سنّت مشایخ رفتار نمی‌کنند،
بلکه با دستهای نجس غذا می‌خورند؟» ۶ و
او به آنان گفت: «اِشعیا درباره شما ریاکاران
خوب نبوت کرد، چنانکه نوشته شده است:

"این مردم با لبهای خود مرا احترام
می‌کنند،
امّا دلشان از من دور است.
۷ آنان بیهوده مرا عبادت می‌کنند،
و احکام انسانی را به عنوان احکام الهی
تعلیم می‌دهند."

۸ شما احکام خدا را ترک می‌کنید و سنّت‌های
انسانی را نگاه می‌دارید.»
۹ و به آنان گفت: «برای رد کردن احکام
الهی و برقراری سنت خودتان طریقی خوب
دارید! ۱۰ زیرا موسی گفت: "پدر و مادر خود
را احترام کن،" و "هر که پدر یا مادر خود را

**۴۸.۶** بین ساعات ۳ تا ۶ صبح **۳.۷** مطابق رسم طهارت یهود **۷.۷** اشعیا ۲۹: ۱۳ **۱۰.۷** خروج ۲۰: ۱۲

ناسزا گوید، حتما باید کشته شود." ۱۱ امّا شما می‌گویید اگر کسی به پدر یا مادرش گوید: "هر آنچه که ممکن بود از من دریافت کنید، قربان است (یعنی به خدا داده شده)." ۱۲ دیگر به او اجازه نمی‌دهید که کاری برای پدر یا مادرش بکند، ۱۳ بدین گونه کلام خدا را با سنّت خود که به دیگران نیز منتقل کرده‌اید، باطل می‌کنید. و از این‌گونه کارها بسیار انجام می‌دهید.»

### انسان را چه چیز نجس می‌سازد

۱۴ عیسی باردیگر مردم را نزد خود خواند و به آنان گفت: «همه شما مرا بشنوید و بفهمید: ۱۵ هیچ چیز خارج از انسان نیست که با داخل شدن به او، بتواند او را نجس سازد، بلکه چیزهایی‌که از درون انسان بیرون می‌آیند، او را نجس می‌سازند. ۱۶ هر که گوش شنوا دارد، بشنود.»

۱۷ و وقتی مردم را ترک کرد و به خانه وارد شد، شاگردانش از او درباره آن مَثَل پرسیدند. ۱۸ به آنان گفت: «آیا شما نیز نمی‌فهمید؟ آیا نمی‌دانید که هرچه از بیرون وارد انسان می‌شود، نمی‌تواند او را نجس سازد، ۱۹ زیرا که به دلش وارد نمی‌شود، بلکه به معده‌اش و سپس دفع می‌شود.» (بدین گونه، همه خوراکها را پاک اعلان کرد.) ۲۰ و گفت: «آنچه از درونِ انسان بیرون می‌آید، آن است که او را نجس می‌سازد. ۲۱ زیرا از درون، از دل انسان بیرون می‌آید، افکار پلید، بی‌عفتی، دزدی، قتل، زنا، ۲۲ طمع، شرارت، فریب، هرزگی، حسادت، تهمت، غرور، حماقت. ۲۳ همه این چیزهای بد از درون بیرون می‌آیند و آنها انسان را نجس می‌سازند.»

### ایمان زن فینیقی

**مَرقُس ۷:۲۴-۳۰ — مَتّی ۱۵:۲۱-۲۸**

۲۴ پس از آنجا برخاست و به نواحی صور و صِیدون رفت. و به خانه‌ای وارد شد، امّا نخواست که کسی باخبر گردد. با این وجود نتوانست پنهان بماند. ۲۵ اما زنی که دختر کوچکش روح پلید داشت، درباره او شنید و بی‌درنگ آمد و به پاهای او افتاد. ۲۶ اینک، آن زن که غیر یهودی بود و متولد در فینیقیه سوریه، به او التماس کرد که دیو را از دخترش بیرون کند. ۲۷ عیسی به زن گفت: «بگذار اول فرزندان سیر شوند، زیرا نان فرزندان را گرفتن و پیش سگان انداختن درست نیست.» ۲۸ اما زن به او جواب داد: «بله، ای آقا! با اینحال، حتی سگان نیز، در پای سفره از خرده‌های نان فرزندان می‌خورند.» ۲۹ عیسی به زن گفت: «به سبب این جمله، به راهت برو، آن دیو دخترت را ترک کرده است.» ۳۰ پس زن به خانه رفت و دخترش را یافت که در بستر خوابیده و دیو از او رفته است.

### شفای مردی ناشنوا را شفا می‌دهد

**مَرقُس ۷:۳۱-۳۷ — مَتّی ۱۵:۲۹-۳۱**

۳۱ آنگاه عیسی از ناحیه صور برگشت و از راه صیدون به دریای جلیل در ناحیه دِکاپولیس رفت. ۳۲ و مردی را نزد او آوردند که ناشنوا بود و لکنت زبان داشت. و به او التماس کردند که دستش را بر او بگذارد. ۳۳ پس او آن مرد

**۱۰.۷** خروج ۲۱: ۱۷ **۲۴.۷** در برخی از ترجمه‌ها، و صیدون ذکر نشده **۳۱.۷** منطقه‌ای که در شرق و جنوب دریای جلیل قرار داشت و نام خود را از اتحاد ده شهر که در آن منطقه قرار داشتند، گرفته بود. در عهد جدید سه بار این نام ذکر شده است.

را از میان جمعیت به کناری در خلوت برد، انگشتان خود را در گوشهای او گذاشت و بعد از انداختن آب دهان، زبان او را لمس کرد. ۳۴ و به آسمان نگاه کرده، آه کشید و به او گفت: «اِفّاتا!» یعنی «باز شو!» ۳۵ و گوشهای او باز شد و زبانش آزاد گردید و به‌راحتی سخن گفت. ۳۶ پس عیسی آنها را قدغن کرد که به کسی چیزی نگویند. ولی هر چه بیشتر قدغن‌شان کرد، با غیرت بیشتر آن را اعلان کردند. ۳۷ و بی‌اندازه در حیرت شده، می‌گفتند: «او همه چیز را نیکو انجام داده است. او حتی ناشنوایان را شنوا و لالان را گویا می‌سازد.»

## عیسی چهار هزار نفر را خوراک می‌دهد

**مَرقُس ۸:۱–۹ – مَتّی ۱۵:۳۲–۳۹**
**مَرقُس ۸:۱–۹ – مشابه مَرقُس ۶:۳۲–۴۴**
**مَرقُس ۸:۱۱–۲۱ – مَتّی ۱۶:۱–۱۲**

۸ در آن روزها، وقتی باز جماعت بزرگی جمع شدند و چیزی برای خوردن نداشتند، عیسی شاگردانش را به نزد خود خواند و به ایشان گفت: ۲ «دلم به‌حال این جماعت می‌سوزد، زیرا اینک سه روز است که با من هستند و چیزی برای خوردن ندارند. ۳ و اگر آنها را گرسنه به خانه‌های‌شان بفرستم، در راه ضعف خواهند کرد، و بعضی از ایشان از راه دور آمده‌اند.» ۴ شاگردانش به او جواب دادند: «چگونه کسی بتواند در این جای دور افتاده این مردم را با نان غذا دهد؟» ۵ از ایشان پرسید: «چند نان دارید؟» گفتند: «هفت.» ۶ پس او به جماعت اشاره کرد تا بر زمین بنشینند. و هفت نان را گرفت و پس از شکرگزاری، پاره کرد و به شاگردان خود داد تا پیش مردم بگذارند؛ و آنان نیز چنین کردند. ۷ همچنین چند ماهی کوچک داشتند. پس ماهیان را برکت داده، گفت تا آنها را نیز پیش مردم بگذارند. ۸ و آنان خوردند و سیر شدند. و هفت سبد پُر از خرده‌های باقی‌مانده برداشتند. ۹ و در آنجا حدود چهار هزار نفر بودند. عیسی آنها را مرخص کرد ۱۰ و بی‌درنگ با شاگردانش سوار قایق شد و به ناحیه دَلمانوتا رفت.

## فریسیان نشانه‌ای می‌طلبند

۱۱ فَریسیان آمدند و با او شروع به بحث کرده، از او نشانه‌ای آسمانی خواستند تا امتحانش کنند. ۱۲ عیسی عمیقا در روح خود آهی کشید و گفت: «چرا این نسل نشانه‌ای می‌جویند؟ حقیقتا به شما می‌گویم هیچ نشانه‌ای به این نسل داده نخواهد شد.» ۱۳ پس آنان را ترک کرده، باز سوار قایق شد و به آن سوی دیگر رفت.

## خمیرمایه فریسیان و هیرودیس

**مَرقُس ۸:۱۴–۲۱؛ مَتّی ۱۶:۵–۱۲**

۱۴ اینک، آنها فراموش کرده بودند که نان بردارند و با خود در قایق فقط یک نان داشتند. ۱۵ و عیسی به آنان هشدار داده، گفت: «مراقب باشید، از خمیرمایه فَریسیان و خمیرمایه هیرودیس پرهیز کنید.» ۱۶ پس ایشان از اینکه هیچ نان نداشتند، با یکدیگر شروع به بحث کردند. ۱۷ اما عیسی آگاه از این امر، به آنها گفت: «چرا درباره اینکه نان ندارید، با هم بحث می‌کنید؟ آیا هنوز

**۱۰.۸** در برخی از ترجمه‌ها، مجدّان یا مجدل **۱۵.۸** در برخی از ترجمه‌ها، هیرودیان

نمی‌فهمید یا درک نمی‌کنید؟ آیا دل‌تان سخت شده است؟ ۱۸ آیا چشم دارید و نمی‌بینید و گوش دارید و نمی‌شنوید؟ و آیا به خاطر نمی‌آورید؟ ۱۹ وقتی پنج نان را برای پنج هزار نفر پاره کردم، چند سبد پر از تکه‌های خرد شده برداشتید؟» به او گفتند: «دوازده.» ۲۰ «و هفت نان را برای چهار هزار نفر، چند سبد پر از تکه‌های خرد شده برداشتید؟» و به او گفتند: «هفت.» ۲۱ پس به آنان گفت: «آیا هنوز نمی‌فهمید؟»

## عیسی در بیت‌صیدا مردی نابینا را شفا می‌دهد

۲۲ چون به بِیت‌صِیدا آمدند، عده‌ای مردی نابینا را نزدش آوردند و به وی التماس کردند که او را لمس کند. ۲۳ پس او دست مرد نابینا را گرفت و او را از دهکده بیرون برد. و وقتی آب دهان بر چشمان او انداخت و دستهای خود را بر او گذاشت، از او پرسید: «چیزی می‌بینی؟» ۲۴ او به بالا نگاه کرد و گفت: «مردم را می‌بینم، اما مانند درختانی به نظر می‌رسند که راه می‌روند.» ۲۵ سپس عیسی بار دیگر دست‌های خود را بر چشمان او گذاشت و او چشمانش را گشود و بینایی‌اش برگشت و همه چیز را به‌خوبی دید. ۲۶ و او را به خانه‌اش فرستاده، گفت: «حتی به ده داخل نشو.»

## پطرس اعتراف می‌کند که عیسی، مسیح است

**مَرقُس ۸:۲۷-۲۹ — مَتّی ۱۶:۱۳-۱۶؛ لوقا ۹:۱۸-۲۰**

۲۷ عیسی با شاگردان خود به دهات قیصریه فیلیپی رفت. و در راه از شاگردانش پرسید: «مردم می‌گویند که من که هستم؟» ۲۸ آنها به او گفتند: «یحیای تعمیددهنده، و بعضی می‌گویند ایلیا، و دیگران، یکی از پیامبران.» ۲۹ عیسی از آنان پرسید: «اما به نظر شما من که هستم؟» پطرس به او جواب داد: «تو مسیح هستی.» ۳۰ پس اکیدا به ایشان دستور داد که درباره او به کسی چیزی نگویند.

## پیشگویی عیسی دربارهٔ مرگ و رستاخیز خود

**مَرقُس ۸:۳۱-۹:۱؛ مَتّی ۱۶:۲۱-۲۸؛ لوقا ۹:۲۲-۲۷**

۳۱ آنگاه شروع به تعلیم آنان کرد که پسر انسان باید زحمات بسیار ببیند و از طرف مشایخ و سران کاهنان و معلمین تورات طرد شده، کشته شود و پس از سه روز برخیزد. ۳۲ و این را به وضوح گفت. آنگاه پطرس او را به کناری کشید و شروع به سرزنشش کرد. ۳۳ امّا عیسی برگشت و به شاگردان خود نگاه کرده پطرس را توبیخ نمود و گفت: «دور شو از من، ای شیطان! زیرا فکر خود را بر امور الهی نگذاشته‌ای، بلکه بر امور انسانی.»

۳۴ پس جماعت و شاگردانش را نزد خود خوانده، به آنان گفت: «اگر کسی بخواهد به دنبال من آید، باید خود را انکار کند و صلیب خود را بردارد و مرا پیروی نماید. ۳۵ زیرا هر کس که جان خود را نجات دهد، آن را از دست خواهد داد؛ امّا هر کس که جان خود را به‌خاطر من و به‌خاطر انجیل از دست بدهد، آن را نجات خواهد داد. ۳۶ زیرا انسان را چه سود که تمام دنیا را به دست آورد، امّا جان خود را ببازد؟ ۳۷ انسان برای به دست آوردن جان خود در عوض چه می‌تواند بدهد؟ ۳۸ زیرا

**۲۹.۸** منظور مسیح موعود که یهودیان منتظر ظهور او هستند. در اینجا "عنوان" استفاده شده، نه به منظور "اسم خاص" **۳۵.۸** به معنی مژده یا خبر خوش

هر کس که در این نسل زناکار و گناهکار، از من و از کلام من شرمنده باشد، پسر انسان نیز هنگامی که در جلال پدر خود همراه با فرشتگان مقدّس می‌آید، از او شرمنده خواهد شد.»

۹ و به ایشان گفت: «حقیقتا به شما می‌گویم، بعضی در اینجا ایستاده‌اند که تا پادشاهی خدا را که با قوّت می‌آید، نبینند، مرگ را نخواهند چشید.»

## تبدیل چهره عیسی

**مَرقُس ۹:۲-۸؛ لوقا ۹:۲۸-۳٦**
**مَرقُس ۹:۲-۱۳؛ مَتّی ۱۷:۱-۱۳**

[۲] و شش روز بعد، عیسی پطرس و یعقوب و یوحنا را با خود برداشت و آنها را بر فراز کوهی بلند برد و در حضور ایشان، چهره او تغییر کرد. [۳] لباسش درخشان و بسیار سفید شد، که کسی بر زمین نمی‌توانست این‌گونه سفیدش کند. [٤] و آنجا، ایلیا و موسی به آنها ظاهر شدند و آنان با عیسی گفتگو می‌کردند. [٥] پس پطرس به عیسی گفت: «ای استاد، خوب است که ما اینجا هستیم. بگذار سه سایبان بسازیم، یکی برای تو، یکی برای موسی و یکی برای ایلیا.» [٦] زیرا ندانست چه بگوید، چونکه ترسیده بودند. [۷] و ابری بر آنان سایه انداخت و صدایی از ابر آمد که: «این است پسر محبوب من؛ به او گوش دهید.» [۸] و ناگهان، به اطراف نگاه کرده، دیگر هیچ‌کس را با خود ندیدند جز عیسی فقط.

[۹] و وقتی از کوه پایین می‌آمدند، عیسی به ایشان دستور داد آنچه را دیده بودند به کسی نگویند تا زمانی که پسر انسان از مردگان برخیزد. [۱۰] پس آنان این مطلب را بین خود نگاه داشته، می‌پرسیدند که "برخاستن از مردگان" به چه معناست. [۱۱] پس از او پرسیدند: «چرا معلمین تورات می‌گویند که اوّل باید ایلیا بیاید؟» [۱۲] عیسی به آنان گفت: «البته که ایلیا اوّل می‌آید تا همه چیز را از سر نو احیا کند. و چگونه است که در مورد پسر انسان نوشته شده که باید زحمت بسیار بیند و تحقیر شود؟ [۱۳] امّا من به شما می‌گویم که ایلیا آمده است، و هرچه که خواستند نسبت به او کردند، همانطور که درباره‌اش نوشته شده است.»

## عیسی پسری با روح پلید را شفا می‌دهد

**مَرقُس ۹:۱٤-۲۸ و ۳۰-۳۲ — مَتّی ۱۷:۱٤-۱۹ و ۲۲ و ۲۳؛ لوقا ۹:۳۷-٤٥**

[۱٤] و وقتی نزد شاگردان آمدند، جماعتی بزرگ گِردشان دیدند و معلمین تورات را که با ایشان مباحثه می‌کنند. [۱٥] و بی‌درنگ همه جماعت، به محض دیدنش بسیار در حیرت شدند و به سوی او دویدند و او را سلام کردند. [۱٦] از آنان پرسید: «درباره چه چیز با آنها بحث می‌کنید؟» [۱۷] و کسی از جماعت به او جواب داد: «ای استاد، پسرم را نزدت آوردم. زیرا روحی دارد که او را لال می‌کند. [۱۸] و هروقت که او را می‌گیرد، به زمینش می‌اندازد، و کف می‌کند و دندانهایش را به هم می‌ساید و خشک می‌شود. پس از شاگردانت خواستم که آن روح را بیرون کنند، امّا آنها نتوانستند.» [۱۹] عیسی به آنها جواب داد: «ای نسل بی‌ایمان، تا به کی با شما باشم و تا به کی تحملتان کنم؟ او را نزد من بیاورید.»

**۹.۳** در متن یونانی، هیچ رختشوری

۲۰ پس آن پسر را نزدش آوردند. و روح چون
او را دید، فورا پسر را به تشنج انداخت و
او به زمین افتاد و در حالی که دهنش کف
می‌کرد، غلطید. ۲۱ عیسی از پدر او پرسید:
«چند وقت است که به این وضع دچار شده
است؟» او گفت: «از کودکی. ۲۲ و اغلب او
را در آب و آتش می‌اندازد تا هلاکش کند.
لیکن اگر می‌توانی بر ما رحم کن و کمک‌مان
کن.» ۲۳ و عیسی به او گفت: «اگر می‌توانی!
برای کسی که ایمان دارد، همه چیز ممکن
است.» ۲۴ پدر آن کودک بی‌درنگ فریاد زد
و گفت: «ایمان دارم؛ بی‌ایمانی مرا مدد کن!»
۲۵ و چون عیسی دید که جماعتی باهم دویده،
می‌آیند، روح پلید را توبیخ کرد و به او گفت:
«ای روح کر و لال، به تو دستور می‌دهم
از او بیرون بیایی و دیگر هرگز به او داخل
نشوی.» ۲۶ روح پس از فریادی بلند، به شدّت
او را تکان داده از وی بیرون آمد، و پسر
مانند جنازه شد، طوری‌که بسیاری گفتند:
«مرده است.» ۲۷ امّا عیسی دستش را گرفت
و او را برخیزانید و او بر پا ایستاد. ۲۸ وقتی
عیسی وارد خانه شد، شاگردانش در خلوت از
او پرسیدند: «چرا ما نتوانستیم آن را بیرون
کنیم؟» ۲۹ عیسی به آنان گفت: «این جنس
جز به دعا بیرون نمی‌آید.»

## عیسی بار دیگر مرگ و رستاخیزش را پیشگویی می‌کند

**متّی ۱۷: ۲۲-۲۳، لوقا ۹: ۴۴-۴۵**

۳۰ آنها از آنجا رفتند و از میان جلیل
گذشتند. و او نخواست کسی بداند، ۳۱ زیرا
شاگردان خود را تعلیم داده، به ایشان می‌گفت
که: «پسر انسان به دست مردم تسلیم خواهد
شد و آنها او را خواهند کشت. و وقتی کشته
شد، پس از سه روز برخواهد خاست.» ۳۲ ولی
آنها این گفته را درک نکردند و می‌ترسیدند از
او سؤال کنند.

## بزرگترین چه کسی است؟

**مَرقُس ۹:۳۳-۳۷ – مَتّی ۱۸:۱-۵؛ لوقا ۹:۴۶-۴۸**

۳۳ و آنها به کَفَرناحوم آمدند. و وقتی در
خانه بود، از ایشان پرسید: «در راه درباره چه
بحث می‌کردید؟» ۳۴ اما آنان ساکت ماندند،
زیرا در راه با یکدیگر درباره اینکه چه کسی
بزرگترین است، بحث می‌کردند. ۳۵ پس او
نشست و آن دوازده نفر را خواند و به آنان
گفت: «اگر کسی می‌خواهد اوّل باشد، باید
آخر همه و خادم همه باشد.» ۳۶ آنگاه کودکی
را گرفت و در میان ایشان قرار داد و در
آغوشش کشیده، به آنها گفت: ۳۷ «هر کس
چنین کودکی را به اسم من بپذیرد، مرا پذیرفته
است، و هر که مرا بپذیرد، نه مرا، بلکه
فرستنده مرا پذیرفته است.»

## هر که به ضدّ ما نیست، با ماست

**مَرقُس ۹:۳۸-۴۰؛ لوقا ۹:۴۹ و ۵۰**

۳۸ یوحنا به او گفت: «ای استاد، کسی را
دیدیم که به نام تو دیوها را بیرون می‌کرد، و
چون پیروی ما نمی‌کرد، سعی کردیم او را مانع
شویم.» ۳۹ اما عیسی گفت: «مانعش نشوید،
زیرا هیچ‌کس نمی‌تواند به نام من معجزه کند
و بعد از آن از من بد بگوید. ۴۰ زیرا هر که به
ضدّ ما نیست، با ماست. ۴۱ حقیقتا به شما
می‌گویم، هر که لیوانی آب به نام من به شما

**۲۹.۹** در برخی از ترجمه‌ها، واژه "روزه" را نیز اضافه کرده‌اند.

بدهد که بنوشید از آن رو که به مسیح تعلق دارید، به هیچ وجه پاداش خود را از دست نمی‌دهد.

### وسوسه به گناه کردن

**مَرقُس ۹:۴۲–۵۰؛ مَتّی ۱۸:۷–۹**

۴۲ هر که باعث شود یکی از این کوچکان که
به من ایمان دارند گناه کند، برای او بهتر می‌بود
که سنگ آسیابی بزرگ به گردنش آویخته و
به دریا انداخته می‌شد. ۴۳ اگر دستت باعث
گناهت می‌شود، آن را قطع کن. برای تو بهتر
است که چلاق داخل حیات شوی تا آنکه با
دو دست به جهنم بروی، در آتشی خاموشی
ناپذیر. ۴۴ جایی که کرم آنها نمی‌میرد و آتش
خاموشی نمی‌پذیرد. ۴۵ اگر پایت باعث گناهت
می‌شود، آن را قطع کن. برای تو بهتر است
که لنگ داخل حیات شوی تا آنکه با دو پا
به جهنم انداخته شوی. ۴۶ جایی که کِرم آنها
نمی‌میرد و آتش خاموشی نمی‌پذیرد. ۴۷ و اگر
چشمت باعث گناهت می‌شود، آن را در آور.
برای تو بهتر است که با یک چشم به پادشاهی
خدا وارد شوی، تا آنکه با دو چشم به جهنم
انداخته شوی، ۴۸ جایی که
"کِرم آنها نمی‌میرد
و آتش خاموشی نمی‌پذیرد."
۴۹ زیرا هر کس با آتش نمکین خواهد شد.
۵۰ نمک نیکوست، امّا اگر نمک مزه نمکی خود
را از دست دهد، چگونه دوباره آن را نمکین
خواهی ساخت؟ در خود نمک داشته باشید و
با یکدیگر در صلح.»

### تعلیم درباره طلاق

**مَرقُس ۱۰:۱–۱۲ – مَتّی ۱۹:۱–۱۹**

۱۰ و آنجا را ترک کرد و به نواحی یهودیه
و آن سوی اردن رفت و باز جماعاتی
نزد او جمع شدند. و باز بنا به عادت خود،
به آنها تعلیم داد. ۲ و فَریسیان آمدند و از
روی امتحان پرسیدند: «آیا برای یک مرد جایز
است که زن خود را طلاق دهد؟» ۳ عیسی
به آنان جواب داد: «موسی چه دستوری
به شما داد؟» ۴ گفتند: «موسی اجازه داد
که مرد طلاقنامه‌ای بنویسد و زن را رها
کند.» ۵ عیسی به آنها گفت: «او به سبب
سختدلی‌تان این حکم را به شما نوشت. ۶ امّا از
ابتدای خلقت، خدا "ایشان را مرد و زن آفرید.
۷ "بنابراین مرد پدر و مادر خود را ترک کرده، و
به زن خود خواهد پیوست، ۸ و آن دو یک‌تن
خواهند شد." بنابراین آنها دیگر دو نیستند،
بلکه یک‌تن. ۹ پس آنچه را خدا به هم پیوست،
انسان جدا نکند.»
۱۰ شاگردان در خانه بار دیگر درباره این
مطلب از او سؤال کردند. ۱۱ عیسی به آنان
گفت: «هر که زن خود را طلاق دهد و با زن
دیگری ازدواج کند، برعلیه وی مرتکب زنا شده
است. ۱۲ و اگر زنی از شوهر خود طلاق گیرد
و با مردی دیگر ازدواج کند، مرتکب زنا شده
است.»

### بگذارید کودکان نزد من آیند

**مَرقُس ۱۰:۱۳–۱۶؛ مَتّی ۱۹:۱۳–۱۵؛ لوقا ۱۸:۱۵–۱۷**

۱۳ و کودکان را نزد او می‌آوردند تا بر آنها
دست گذارد و شاگردان آنها را توبیخ کردند.

**۴۲.۹** در متن یونانی، باعث لغزش شود **۴۸.۹** اشعیا ٦٦: ۲۴ **۱.۱۰** منظور "رود اردن" **٦.۱۰** پیدایش ۱: ۲۷

۱۴ اما وقتی عیسی این را دید، خشمگین شد
و به آنان گفت: «بگذارید کودکان نزد من
آیند؛ آنان را باز مدارید، زیرا پادشاهی خدا
متعلق به چنین‌کسانی است. ۱۵ حقیقتا به شما
می‌گویم، هر که پادشاهی خدا را مانند کودکی
نپذیرد، به آن داخل نخواهد شد.» ۱۶ پس آنها
را در آغوش کشید و دست بر آنان گذاشته،
برکت‌شان داد.

## جوان ثروتمند

**مَرقُس ۱۰:۱۷-۳۱؛ مَتّی ۱۹:۱۶-۳۰؛ لوقا ۱۸:۱۸-۳۰**

۱۷ و چون عازم به سفر خود بود، مردی
دوید و در برابرش زانو زد و از او پرسید:
«ای استادِ نیکو، چه باید بکنم تا وارث حیات
جاودان شوم؟» ۱۸ عیسی به او گفت: «چرا
مرا نیکو می‌خوانی؟ هیچ‌کس نیکو نیست جز
خدا فقط. ۱۹ احکام را می‌دانی: "قتل نکن، زنا
نکن، دزدی نکن، شهادت دروغ نده، شیّادی
نکن، پدر و مادر خود را احترام کن."» ۲۰ و
آن مرد به او گفت: «ای استاد، همه اینها
را از جوانی‌ام نگاه داشته‌ام.» ۲۱ عیسی به او
نگریسته، محبتش کرد و به او گفت: «تو یک
چیز کم داری؛ برو هرچه داری بفروش و به
فقرا بده، که در آسمان گنج خواهی داشت؛
و بیا، مرا پیروی کن.» ۲۲ او از این گفته
مایوس شده، غمگین روان شد، زیرا دارایی
بسیار داشت.

۲۳ آنگاه عیسی به اطراف نگاهی کرد و به
شاگردان خود گفت: «برای ثروتمندان چه
دشوار است به پادشاهی خدا وارد شوند!»
۲۴ و شاگردان از سخنان او در تعجب شدند.
امّا عیسی بار دیگر به آنها گفت: «ای
فرزندان، چه دشوار است وارد پادشاهی خدا
شدن! ۲۵ آسانتر است که شتری از سوراخ
سوزن بگذرد تا یک شخص ثروتمند به
پادشاهی خدا وارد شود.» ۲۶ آنها بسیار متحیّر
شدند و به او گفتند: «پس چه کسی می‌تواند
نجات یابد؟» ۲۷ عیسی به آنان نگاه کرد و
گفت: «برای انسان غیرممکن است، امّا نه
برای خدا. زیرا همه چیز برای خدا ممکن
است.»

۲۸ پطرس با او شروع به صحبت کرد که:
«ببین، ما همه چیز را ترک کرده‌ایم و از پی تو
آمده‌ایم.» ۲۹ عیسی گفت: «حقیقتا به شما
می‌گویم، کسی نیست که خانه یا برادران یا
خواهران یا مادر یا پدر یا فرزندان یا املاک
خود را به‌خاطر من و به‌خاطر انجیل ترک
کرده باشد، ۳۰ که صد برابر خانه‌ها و برادران
و خواهران و مادران و فرزندان و املاک با
زحمات در این زمان به دست نیاورد و در زمان
آینده حیات جاودان را دریافت نکند. ۳۱ امّا
بسیاری که اوّلین هستند آخرین خواهند شد،
و آخرین اوّلین.»

## عیسی مرگ و رستاخیز خود را برای سومین بار پیشگویی می‌کند

**مَرقُس ۱۰:۳۲-۳۴ — مَتّی ۲۰:۱۷-۱۹؛ لوقا ۱۸:۳۱-۳۳**

۳۲ آنان به سوی اورشلیم در راه بودند و
عیسی در جلوی ایشان راه می‌رفت. و آنها در
شگفت بودند و آنانی‌که در پشت سر می‌رفتند،

**۱۹.۱۰** خروج ۲۰: ۱۲-۱۶ و تثنیه ۵: ۱۶-۲۰ **۲۴.۱۰** در برخی از ترجمه‌ها، "برای کسانی که به دارایی خود توکل دارند" را اضافه کرده‌اند.

ترسیده بودند. عیسی بار دیگر آن دوازده را به کناری کشیده، با آنها شروع به گفتن کرد که قرار است چه بر او واقع شود. ۳۳ گفت: «ببینید، به اورشلیم می‌رویم، و پسر انسان را به سران کاهنان و معلمین تورات تسلیم خواهند کرد، و آنان او را به مرگ محکوم خواهند نمود و او را به دست بیگانگان خواهند سپرد. ۳۴ و آنها او را استهزا خواهندکرد و آبِ دهان بر او خواهند انداخت و تازیانه خواهند زد و خواهند کشت. و پس از سه روز، او برخواهد خاست.»

## درخواست یعقوب و یوحنا

**مَرقُس ۱۰:۳۵-۴۵ — مَتّی ۲۰:۲۰-۲۸**

۳۵ یعقوب و یوحنا پسران زِبِدی نزد او آمدند و به او گفتند: «استاد، می‌خواهیم آنچه از تو می‌طلبیم، برایمان انجام دهی.» ۳۶ عیسی به ایشان گفت: «چه می‌خواهید برایتان بکنم؟» ۳۷ به او گفتند: «عطا کن که در جلال تو، یکی به دست راست تو و دیگری بر چپ تو بنشینیم.» ۳۸ عیسی به آنها گفت: «شما نمی‌دانید چه می‌خواهید. آیا می‌توانید از پیاله‌ای که من می‌نوشم، بنوشید و تعمیدی را که من می‌گیرم، بگیرید؟» ۳۹ آنها به وی گفتند: «می‌توانیم.» و عیسی به آنان گفت: «از پیاله‌ای که من می‌نوشم، خواهید نوشید و تعمیدی را که من می‌گیرم، خواهید گرفت. ۴۰ امّا نشستن بر دست راست و چپ من، از آنِ من نیست که عطا کنم، بلکه از آنِ کسانی‌است که برایشان آماده شده است.»

۴۱ چون آن ده نفر این را شنیدند، بر یعقوب و یوحنا خشم گرفتند. ۴۲ پس عیسی آنان را نزد خود خواند و گفت: «می‌دانید که آنانی‌که حاکمان قومها محسوب می‌شوند، بر ایشان سلطه‌گری می‌کنند و بزرگانشان بر ایشان ریاست می‌نمایند. ۴۳ امّا در بین شما چنین نباشد. لیکن هر که می‌خواهد در میان شما بزرگ باشد، باید خادم شما باشد. ۴۴ و هر که می‌خواهد در میان شما اوّل باشد، باید غلام همه گردد. ۴۵ زیرا پسر انسان نیز نیامد که خدمت شود، بلکه تا خدمت کند و جان خود را به عنوان فدیه برای بسیاری بدهد.»

## عیسی بارتیمائوسِ کور را شفا می‌دهد

**مَرقُس ۱۰:۴۶-۵۲ — مَتّی ۲۰:۲۹-۳۴؛ لوقا ۱۸:۳۵-۴۳**

۴۶ آنگاه به اَریحا آمدند. و وقتی او با شاگردانش و جماعتی بزرگ اَریحا را ترک می‌کرد، بارتیمائوس، گدایی کور، پسر تیمائوس، در کنار راه نشسته بود. ۴۷ و چون شنید که عیسای ناصری است، فریاد زد و گفت: «ای عیسی، پسر داوود، بر من رحم کن!» ۴۸ بسیاری او را توبیخ کرده، گفتند که ساکت شود، امّا او بیشتر فریاد می‌زد: «ای پسر داوود، بر من رحم کن!» ۴۹ و عیسی ایستاد و گفت: «او را بخوانید.» و آن مرد کور را خوانده، به او گفتند: «دل قوی دار، برخیز، تو را می‌خواند.» ۵۰ پس او ردای خود را انداخته، بلند شد و نزد عیسی آمد. ۵۱ عیسی از او پرسید: «چه می‌خواهی برایت بکنم؟» مرد کور به او گفت: «ای استاد، می‌خواهم که بینایی‌ام را بازیابم.» ۵۲ آنگاه عیسی به او گفت: «به راهت برو، ایمانت تو را شفا داده است.» و در آن لحظه بینایی خود را بازیافت و از پی او در راه روان شد.

### ورود پیروزمندانه

**مَرقُس ۱:۱۱-۱۰؛ مَتّی ۱:۲۱-۹؛ لوقا ۲۹:۱۹-۳۸**
**مَرقُس ۷:۱۱-۱۰؛ یوحنا ۱۲:۱۲-۱۵**

۱۱ اینک، وقتی نزدیک به اورشلیم، به بِیت‌فاجی و بِیت‌عَنْیا، در ناحیه کوه زیتون رسیدند، عیسی دو نفر از شاگردان خود را فرستاد [۲] و به آنان گفت: «به دهکده‌ای که پیش روی شما است، بروید. به محض اینکه وارد شدید، کره الاغی را بسته خواهید یافت که تا کنون کسی بر آن سوار نشده است. آن را باز کنید و بیاورید. [۳] اگر کسی به شما گوید: "چرا اینکار را می‌کنید؟" بگویید: "خداوند به آن احتیاج دارد و بی‌درنگ آن را به اینجا باز خواهد فرستاد."» [٤] پس آنان رفتند و کره الاغی را یافتند که بیرون به در بسته شده بود، و آن را باز کردند. [٥] بعضی از آنانی که آنجا ایستاده بودند، به ایشان گفتند: «چه می‌کنید، چرا کره الاغ را باز می‌کنید؟» [٦] آنان آنچه را که عیسی گفته بود، به ایشان گفتند، پس ایشان را اجازه دادند که بروند. [۷] آنگاه کره الاغ را نزد عیسی آوردند و رداهای خود را بر آن انداختند و وی بر آن سوار شد. [۸] و بسیاری از مردم رداهای خود را بر سر راه پهن کردند و عده‌ای شاخه‌هایی را که از مزارع بریده بودند، بر راه گستردند. [۹] و آنانی که پیشاپیش می‌رفتند و آنانی‌که از عقب می‌آمدند، فریادکنان می‌گفتند:

«هوشیعانا!
مبارک است او که به نام خداوند
می‌آید!»
[۱۰] مبارک است رسیدن پادشاهی پدر
ما داوود!»
هوشیعانا در اعلی‌علیین!»

[۱۱] پس به اورشلیم وارد شد و به معبد رفت. در آنجا با دقّت به همه چیز نگاه کرد، لیکن چون دیروقت بود، همراه با آن دوازده به بِیت‌عَنیا رفت.

### عیسی درخت انجیر را لعنت می‌کند

**مَرقُس ۱۲:۱۱-۱٤ – مَتّی ۱۸:۲۱-۲۲**
**مَرقُس ۱۵:۱۱-۱۸ – مَتّی ۱۲:۱۲-۱٦؛**
**لوقا ٤٥:۱۹-٤۷؛ یوحنا ۱۳:۲-۱٦**

[۱۲] روز بعد، هنگامی‌که از بِیت‌عَنیا آمدند، عیسی گرسنه شد. [۱۳] و چون از دور درخت انجیری دید که برگ داشت؛ رفت تا ببیند که آیا چیزی بر آن می‌یابد. چون نزدیکش آمد، جز برگ چیزی بر آن نیافت، زیرا هنوز فصل انجیر نبود. [۱٤] پس به درخت گفت: «باشد که دیگر هیچ کس میوه‌ای از تو نخورَد!» و شاگردانش این را شنیدند.

### عیسی معبد را پاکسازی می‌کند

[۱۵] پس به اورشلیم آمدند. و عیسی وارد معبد شد و شروع کرد به بیرون راندن کسانی که در معبد داد و ستد می‌کردند، و میزهای صرّافان و بساط کبوترفروشان را واژگون نمود. [۱٦] و اجازه نمی‌داد کسی چیزی را از میان معبد حمل کند. [۱۷] و به آنها تعلیم می‌داد و به آنان می‌گفت: «مگر نوشته نشده که:

«"خانه من خانه دعا برای همه قومها
خوانده خواهد شد؟
امّا شما آن را "لانه دزدان" ساخته‌اید.»

[۱۸] سران کاهنان و معلمین تورات این را شنیدند، و به دنبال راهی شدند تا او را بکشند،

---

**۹.۱۱** به معنی: اکنون نجات ده. **۱۷.۱۱** اشعیا ٥٦: ۷ **۱۷.۱۱** ارمیا ۷: ۱۱

زیرا از او ترسیدند، چون همه جماعت از تعالیم او در شگفت بودند. [۱۹] و وقتی غروب شد، از شهر بیرون رفتند.

### درس عبرت از درخت انجیر خشک شده

**مَرقُس ۱۱:۲۰-۲٤ – مَتّی ۲۱:۱۹-۲۲**

[۲۰] صبحگاه، در راه، درخت انجیر را دیدند که از ریشه خشک شده بود. [۲۱] و پطرس به یادش آمد و به او گفت: «استاد، نگاه کن! درخت انجیر را که لعنت کردی، خشک شده است.» [۲۲] عیسی به آنان پاسخ داد: «به خدا ایمان داشته باشید. [۲۳] حقیقتا به شما می‌گویم، هرکس به این کوه بگوید، " کنده شده، به دریا افکنده شو،" و در دل خود شک نکند بلکه ایمان داشته باشد که آنچه می‌گوید اتفاق خواهد داد، برای او انجام خواهد شد. [۲٤] بنابراین به شما می‌گویم، هرچه در دعا درخواست کنید، ایمان داشته باشید که آن را یافته‌اید، و از آنِ شما خواهد بود.

[۲۵] و هروقت که به دعا می‌ایستید، اگر چیزی به ضدّ کسی دارید، او را ببخشید تا پدر شما نیز که در آسمان است، خطاهای شما را ببخشد. [۲٦] امّا اگر شما نبخشید، پدر شما نیز که در آسمان است، خطاهای شما را نخواهد بخشید.»

### اقتدارِ عیسی به چالش کشیده می‌شود

**مَرقُس ۱۱:۲۷-۳۳ – مَتّی ۲۱:۲۳-۲۷؛ لوقا ۲۰:۱-۸**

[۲۷] و بار دیگر به اورشلیم آمدند. هنگامی که در معبد راه می‌رفت، سران کاهنان و معلمین تورات و مشایخ نزدش آمدند [۲۸] و به او گفتند: «به چه اقتداری این چیزها را می‌کنی؟ یا چه کسی این اقتدار را به تو داده که آنها را انجام دهی؟» [۲۹] عیسی به آنان گفت: «من نیز از شما یک سؤال می‌پرسم؛ به من جواب بدهید، و من به شما خواهم گفت به چه اقتداری این چیزها را می‌کنم. [۳۰] آیا تعمید یحیا از آسمان بود یا از انسان؟ جوابم دهید.» [۳۱] و آنها با یکدیگر بحث کرده، گفتند: «اگر بگوییم، "از آسمان" خواهد گفت، "پس چرا به او ایمان نیاوردید؟" [۳۲] اما اگر بگوییم، "از انسان." - آنها از مردم می‌ترسیدند، زیرا همه یحیا را حقیقتا یک پیامبر می‌دانستند. [۳۳] پس به عیسی جواب دادند: «نمی‌دانیم.» و عیسی به آنان گفت: «من نیز به شما نمی‌گویم به چه اقتداری این چیزها را می‌کنم.»

### مَثَل باغبانان

**مَرقُس ۱۲:۱-۱۲؛ مَتّی ۲۱:۳۳-٤٦؛ لوقا ۲۰:۹-۱۹**

۱۲ و عیسی به مَثَل‌ها به ایشان آغاز به گفتن کرد: «مردی تاکستانی کاشت و گِرد آن حصاری کشید و گودالی برای چرخُشت در آن کَند و برجی ساخت، و آن را به باغبانان اجاره داد و خود به سرزمینی دیگر رفت. [۲] چون فصل برداشت رسید، غلامی نزد باغبانان فرستاد تا از آنان مقداری از میوه تاکستان بگیرد. [۳] آنها او را گرفته، زدند و دست‌خالی پس فرستادند. [٤] دوباره غلامی دیگر نزد آنها فرستاد. بر سرش ضربه کوبیدند و با وی به اهانت رفتار کردند. [۵] و دیگری را فرستاد، و او را کشتند. و به همین‌گونه با بسیاری دیگر؛ بعضی را زدند و بعضی را کشتند. [٦] او هنوز یک نفر دیگر داشت، پسر محبوبش. در آخر او را نزد ایشان فرستاده،

**۳۰.۱۱** منظور "از خدا"

گفت: "پسرم را احترام خواهند کرد." ۷ امّا آن باغبانان به یکدیگر گفتند: "این وارث است؛ بیایید او را بکشیم تا میراث از آنِ ما شود." ۸ پس او را گرفتند و کشتند و از تاکستان بیرون انداختند. ۹ اینک صاحب تاکستان چه خواهد کرد؟ او خواهد آمد و باغبانان را هلاک خواهد کرد و تاکستان را به دیگران خواهد سپرد. ۱۰ آیا در کتب مقدّس نخوانده‌اید که:

«"سنگی که معماران رد کردند،
سنگ زاویه شده است"؛
۱۱ این کار خداوند بود،
و به چشممان شگفت‌انگیز است؟»

۱۲ آنگاه در پی آن شدند که او را دستگیر کنند، امّا از مردم ترسیدند، زیرا فهمیدند که این مَثَل را برعلیه آنها گفته است. پس او را ترک کردند و رفتند.

## پرداخت خَراج به قیصر

مَرقُس ۱۲:۱۳-۱۷ — مَتّی ۲۲:۱۵-۲۲؛ لوقا ۲۰:۲۰-۲۶

۱۳ آنها برخی از فَریسیان و بعضی از هیرودیان را نزد عیسی فرستادند تا او را در سخنانش به دام بیاندازند. ۱۴ و آنها آمدند و به او گفتند: «ای استاد، می‌دانیم که صادق هستی و به نظر کسی اهمیت نمی‌دهی، زیرا به ظاهر مردم نظر نمی‌کنی، بلکه حقیقتا راه خدا را تعلیم می‌دهی. آیا پرداخت خراج به قیصر جایز است یا نه؟ آیا باید بپردازیم یا نه؟» ۱۵ لیکن عیسی آگاه از ریاکاری آنها گفت: «چرا مرا می‌آزمایید؟ دیناری برایم بیاورید تا آن را ببینم.» ۱۶ پس دیناری آوردند. به ایشان گفت: «نقش و نوشته‌اش از آنِ کیست؟» به او گفتند: «از آنِ قیصر.» ۱۷ عیسی به آنها گفت: «مال قیصر را به قیصر بدهید و مال خدا را به خدا.» و آنها از او در حیرت ماندند.

## سؤال صدوقیان درباره زنده شدن مردگان

مَرقُس ۱۲:۱۸-۲۷ — مَتّی ۲۲:۲۳-۳۳؛ لوقا ۲۰:۲۷-۳۸

۱۸ و صَدوقیان که می‌گویند برای مردگان زنده شدنی در کار نیست، نزد وی آمدند و از او سؤالی کرده، گفتند: ۱۹ «ای استاد، موسی برای ما نوشت که اگر برادر مردی بمیرد و همسرش فرزندی نداشته باشد، آن مرد باید آن بیوه را بگیرد تا نسلی برای برادر خود باقی گذارد. ۲۰ هفت برادر بودند؛ اولین زنی گرفت، و بی‌فرزند مرد. ۲۱ پس دوّمی او را گرفت، او نیز بی‌فرزند مرد. و سوّمی نیز چنین شد. ۲۲ و آن هفت برادر فرزندی به جا نگذاشتند. آخر از همه، آن زن نیز مرد. ۲۳ در روز قیامت که همه دوباره برمی‌خیزند، آن زن همسر کدام‌یک خواهد بود؟ زیرا هر هفت او را به زنی داشتند.»

۲۴ عیسی به ایشان گفت: «آیا همین خود دلیل گمراهی‌تان نیست، چونکه نه کتب مقدّس را می‌دانید و نه قدرت خدا؟ ۲۵ زیرا آنان هنگامی که از مردگان برخیزند، نه زن می‌گیرند و نه شوهر می‌کنند، بلکه مانند فرشتگان در آسمان هستند. ۲۶ امّا درباره برخاستن مردگان، مگر در کتاب موسی در مبحث بوته نخوانده‌اید، که خدا با او چگونه صحبت کرده، گفت: "من هستم خدای ابراهیم و خدای اسحاق و خدای یعقوب"؟ ۲۷ او خدای

---

**۱۰.۱۲** یا، سر سنگ زاویه **۲۶.۱۲** خروج ۳: ۶

مردگان نیست، بلکه خدای زندگان. شما کاملا گمراهید!»

## حکم بزرگ

**مَرقُس ۱۲:۲۸-۳۴ – مَتّی ۲۲:۳۴-۴۰**

۲۸ و یکی از معلمین تورات نزدیک آمده
ایشان را شنید که با یکدیگر بحث می‌کنند.
چون دید که عیسی جوابشان را نیکو داد،
از وی پرسید: «کدام حکم، از همه مهمتر
است؟» ۲۹ عیسی جواب داد: «مهمترین این
است: "بشنو ای اسرائیل، خداوند خدای ما،
خداوند واحد است. ۳۰ و خداوند خدای خود
را با تمامی دل و با تمامی جان و با تمامی فکر و با
تمامی قوّت خود دوست بدار." ۳۱ دوّمین این
است: "همسایه‌ات را همچون خود دوست
بدار." بزرگتر از اینها حکم دیگری نیست.»
۳۲ معلم تورات به او گفت: «درست می‌گویی،
ای استاد. به راستی گفتی که خدا یکی است
و جز او خدایی نیست. ۳۳ و او را با تمامی
دل و با تمامی فهم و با تمامی قوّت خود
دوست بدار و همسایه خود را همچون خود
محبت کن، مهمتر از همه هدایای سوختنی
و قربانیها است.» ۳۴ چون عیسی دید که
عاقلانه پاسخ داد، به او گفت: «از پادشاهی
خدا دور نیستی.» پس از آن، دیگر هیچ‌کس
جرأت نکرد سؤال بیشتری از او بپرسد.

## مسیح پسر کیست؟

**مَرقُس ۱۲:۳۵-۳۷؛ مَتّی ۲۲:۴۱-۴۶؛ لوقا ۲۰:۴۱-۴۴**

**مَرقُس ۱۲:۳۸-۴۰؛ مَتّی ۲۳:۱-۷؛ لوقا ۲۰؛ ۴۵-۴۷**

۳۵ هنگامی که عیسی در معبد تعلیم می‌داد،
گفت: «چگونه معلمین تورات می‌گویند
مسیح پسر داوود است؟ ۳۶ داوود، خود در
روح‌القدس اعلان کرد که:
"خداوند به خداوند من گفت:
«به دست راست من بنشین
تا دشمنانت را زیر پاهایت قرار دهم.»"
۳۷ داوود خود، او را خداوند می‌خوانَد، پس
چگونه او پسرش است؟» و آن جمعیت بزرگ
با شادمانی سخنانش را شنیدند.

## از معلمین تورات برحذر باشید

**متّی ۲۳: ۱-۱۲، لوقا ۲۰: ۴۵-۴۷**

۳۸ و او در تعلیم خود گفت: «از معلمین
تورات برحذر باشید که دوست دارند در
عباهای بلند بگردند و در بازارها از مردم سلام
گیرند. ۳۹ و در کنیسه‌ها و ضیافتها بر صدر
مجلس نشینند، ۴۰ اینها که خانه‌های بیوه‌زنان
را غارت می‌کنند و از روی تظاهر، دعاهای
بلند می‌نمایند. آنها محکومیت سخت‌تری
خواهند یافت.»

## هدیه بیوه‌زن فقیر

**مَرقُس ۱۲:۴۱-۴۴ – لوقا ۲۱:۱-۴**

۴۱ و روبروی صندوقِ معبد نشست و مردمی
را که پول در صندوق هدایا می‌انداختند،
نگریست. بسیاری از ثروتمندان مبالغ هنگفت
می‌انداختند. ۴۲ آنگاه بیوه‌زنی فقیر آمد و دو
سکّه مسی که معادل دو قِران باشد، در
صندوق انداخت. ۴۳ او شاگردانش را به نزد
خود خواند و به ایشان گفت: «حقیقتا به شما
می‌گویم این بیوه‌زن فقیر بیشتر از همه آنانی‌که
پول در صندوق هدایا انداختند، داده است.
۴۴ زیرا همه آنان از فراوانی خویش دادند، امّا
این زن در تنگدستی خود، هرآنچه داشت داد،
یعنی تمامی معاش خود را.»

## عیسی ویرانی معبد را پیشگویی می‌کند

**مَرقُس ۱۳:۱-۳۷؛ مَتّی ۲۴:۱-۵۱؛ لوقا ۲۱:۵-۳۶**

۱۳ هنگامی‌که از معبد بیرون آمد،
یکی از شاگردانش به او گفت:
«ببین، استاد، چه سنگها و چه بناهای
شگفت‌انگیزی!» ۲ عیسی به او گفت: « این
بناهای عظیم را می‌بینی؟ سنگی بر سنگ
دیگر باقی نخواهد ماند، بلکه به زیر انداخته
خواهد شد.»

## نشانه‌های زمان آخر

۳ و چون بر کوه زیتون روبروی معبد
نشست، پطرس و یعقوب و یوحنا و آندریاس
خصوصی از او پرسیدند: ۴ «به ما بگو این
امور کِی واقع خواهد شد و علامت نزدیک
شدن وقوع آنها چیست؟» ۵ آنگاه عیسی
شروع کرده به ایشان گفت: «مراقب باشید
کسی گمراهتان نکند. ۶ بسیاری به نام من
آمده، خواهند گفت، "من همانم" و بسیاری
را گمراه خواهند کرد. ۷ اما چون جنگها و
خبر جنگها را می‌شنوید، نگران نشوید. این
وقایع باید اتفاق افتند، ولی هنوز آخر نیست.
۸ زیرا ملّتی بر علیه ملّتی و حکومتی بر
علیه حکومتی برخواهند خاست. در جایهای
گوناگون زلزله‌ها خواهد شد و قحطی‌ها
خواهد آمد. امّا اینها ابتدای دردهای زایمان
است.

۹ و امّا شما مواظب خود باشید. زیرا شما
را به شوراها خواهند سپرد و در کنیسه‌ها
شما را خواهند زد و به‌خاطر من در حضور
والیان و پادشاهان خواهید ایستاد تا در برابر
آنان شهادت دهید. ۱۰ لیکن اوّل باید انجیل
به همه ملتها موعظه شود. ۱۱ پس هرگاه
شما را به محاکمه بیآورند و تسلیم‌تان کنند،
پیشاپیش نگران نباشید که چه بگویید، بلکه
هرآنچه در آن ساعت به شما داده می‌شود،
همان را بگویید، زیرا گوینده شما نیستید، بلکه
روح‌القدس است. ۱۲ برادر، برادر را تسلیم
مرگ خواهد کرد و پدر، فرزندش را و فرزندان
بر علیه والدین برخواهند خاست و آنان را به
مرگ خواهند سپرد. ۱۳ و همه به خاطر نام من
از شما نفرت خواهند داشت. امّا هر که تا به
آخر تحمّل کند، نجات خواهد یافت.

## مکروه ویرانی

۱۴ امّا چون آن "مکروهِ ویرانی" را در جایی‌که
نمی‌باید، بر پا ببینید (خواننده خود بفهمد)
آنگاه آنانی که در یهودیه هستند، به کوهها

**۴۲.۱۲** در متن یونانی، دو لپتا یا یک کدرانتس، سکّه‌های مسی رومی که ۱/۶۴ یک دینار بود و بسیار ناچیز
**۷.۱۳** منظور "آخرالزمان" **۱۴.۱۳** دانیال ۹: ۲۷ و ۱۱: ۳۱ و ۱۲: ۱۱

فرار کنند. ۱۵ و آن کس که بر بام خانه
است، برای برداشتن هیچ چیز پایین نیاید و
به خانه‌اش وارد نشود، ۱٦ و آن کس که در
مزرعه است، برای برداشتن ردای خود به خانه
باز نگردد. ۱۷ و وای بر زنان آبستن و مادران
شیرده در آن روزها! ۱۸ دعا کنید که این وقایع
در زمستان رخ ندهد. ۱۹ زیرا در آن روزها
چنان مصیبتی خواهد شد که مانند آن از
آغاز خلقتی که خدا آفریده است تا کنون
نبوده است و هرگز نخواهد شد. ۲۰ و اگر
خداوند آن روزها را کوتاه نمی‌کرد، هیچ بشری
نجات نمی‌یافت. امّا به‌خاطر برگزیدگان، که
خود انتخاب نمود، آن روزها را کوتاه کرده
است. ۲۱ پس اگر کسی به شما گوید: "ببین،
مسیح اینجاست"، یا "ببین، او آنجاست!"
باور نکنید. ۲۲ زیرا مسیح‌های کاذب و پیامبران
دروغین بر خواهند خاست و علامات و
معجزات انجام خواهند داد که اگر ممکن
می‌بود، برگزیدگان را نیز گمراه می‌کردند. ۲۳ پس
هوشیار باشید، همه چیزها را از قبل به شما
گفته‌ام.

### آمدن پسر انسان

۲٤ امّا در آن روزها، پس از آن مصیبت،
"خورشید تاریک خواهد شد،
و ماه دیگر نور خود را نخواهد داد.
۲۵ و ستارگان از آسمان فرو خواهند
ریخت،
و نیروهای آسمان به لرزه خواهند
افتاد."
۲٦ و آنگاه پسر انسان را خواهند دید که در
ابرها با قدرت و جلال عظیم می‌آید. ۲۷ و
در آنوقت او فرشتگان را خواهد فرستاد و
برگزیدگانش را از چهار گوشه، از کرانهای زمین
تا کرانهای آسمان، جمع خواهد کرد.

### درسی از درخت انجیر

۲۸ از درخت انجیر درسش را یاد بگیرید: به
محض اینکه شاخه‌هایش نرم می‌شود و برگ
می‌دهد، می‌دانید که تابستان نزدیک است.
۲۹ پس نیز، هرگاه ببینید که این چیزها رخ
می‌دهند، بدانید که او نزدیک، بلکه بر در
است. ۳۰ حقیقتا به شما می‌گویم تا این همه رخ
ندهد، این نسل زایل نخواهد شد. ۳۱ آسمان
و زمین زایل خواهند شد، امّا سخنان من هرگز
زایل نخواهند شد.

### هیچکس آن روز و ساعت را نمی‌داند

**متّی ۲۴: ۳۶-۵۱، لوقا ۲۱: ۳۴-۳۸**

۳۲ و امّا درباره آن روز یا آن ساعت به غیر از
پدر، هیچ کس اطلاع ندارد، نه حتی فرشتگان
در آسمان، و نه پسر. ۳۳ پس هوشیار و بیدار
باشید، زیرا نمی‌دانید آن زمان چه وقت خواهد
آمد. ۳٤ آن، همانند مردی است که عازم سفر
بوده، هنگام ترک خانه، هریک از خادمانش
را به کاری گماشته باشد، و به دربان دستور
می‌دهد که بیدار بماند. ۳۵ پس بیدار باشید،
زیرا نمی‌دانید صاحبخانه کی خواهد آمد، در
شب یا نیمه‌شب، و یا در وقت بانگ خروس
یا در صبح. ۳٦ مبادا که او ناگهان بیاید و شما
را در خواب ببیند. ۳۷ آنچه به شما می‌گویم،
به همه می‌گویم: بیدار باشید.»

**۲۵.۱۳** اشعیا ۱۳: ۱۰و ۳٤: ٤ **۳۵.۱۳** منظور، پاس سوم شب است، ساعات بین نیمه‌شب و ۳ صبح

## توطئه قتل عیسی

**مَرقُس ۱٤:۱-۱۱؛ مَتّی ۲٦:۲-۱٦**
**مَرقُس ۱٤:۱ و ۲؛ لوقا ۲۲:۱ و ۲**
**مَرقُس ۱٤:۳-۸ — مشابه ی‌وحنا ۱۲:۱-۸**

۱٤ اینک دو روز به عید پِسَخ و عید فَطیر مانده بود و سران کاهنان و معلمین تورات در جستجوی راهی بودند که او را مخفیانه دستگیر کنند و به قتل رسانند، ۲ از آنجا که گفتند: «نه در ایام عید، مبادا شورشی در میان مردم پدید آید.»

## عیسی در بِیت‌عَنیا تدهین می‌شود

**متّی ۲۶: ۶-۱۳، ی‌وحنا ۱۲: ۱-۱۱**

۳ و هنگامی که او در بِیت‌عَنیا در خانه شَمعون جذامی بر سفره نشسته بود، زنی با شیشه عطری بسیار گرانبها، از سنبل خالص، آمد و ظرف را شکست و عطر را بر سر او ریخت. ٤ بعضی از حاضرین با خشم به یکدیگر گفتند: «چرا این عطر این گونه تلف شد؟ ۵ زیرا می‌شد این عطر را به بیش از سیصد دینار فروخته، به فقرا داد.» و آن زن را سرزنش کردند. ٦ امّا عیسی گفت: «او را واگذارید. چرا آزارش می‌دهید؟ او برای من کار نیکویی کرده است. ۷ زیرا فقرا را همیشه با خود دارید و هرگاه بخواهید می‌توانید به آنان نیکویی کنید، امّا مرا همیشه نخواهید داشت. ۸ او آنچه در توان داشت، انجام داد. او بدن مرا پیشاپیش برای دفن شدن، تدهین کرده است. ۹ حقیقتا به شما می‌گویم، در تمام جهان، هر جا انجیل موعظه شود، آنچه که این زن کرده است به یاد او گفته خواهد شد.»

## خیانت یهودا به عیسی

**مَرقُس ۱٤:۱۰ و ۱۱؛ لوقا ۳:۲۲-٦**

۱۰ آنگاه یهودای اِسخَریوطی که یکی از آن دوازده بود، نزد سران کاهنان رفت تا او را به آنها تسلیم کند. ۱۱ آنها چون این را شنیدند، شاد شدند و به او پول وعده دادند. پس یهودا در پی فرصت بود تا او را تسلیم کند.

## پسخ با شاگردان

**مَرقُس ۱٤:۱۲-۲٦ — مَتّی ۲٦:۱۷-۳۰؛ لوقا ۲۲:۷-۲۳**
**مَرقُس ۱٤:۲۲-۲۵ — اوّل قرنتی‌ان ۱۱:۲۳-۲۵**

۱۲ و در اولین روز عید فَطیر که بره پِسَخ را قربانی می‌کردند، شاگردانش به او گفتند: «کجا می‌خواهی برویم و برایت تدارک ببینیم تا پِسَخ را بخوری؟» ۱۳ پس او دو نفر از شاگردان خود را فرستاد و به آنها گفت: «به شهر بروید، و مردی به شما برخواهد خورد که کوزه آبی را حمل می‌کند. به دنبال او بروید، ۱٤ و به هر جا که او وارد می‌شود، به صاحب آن خانه بگویید: "استاد می‌گوید، میهمانخانه من کجاست تا پِسَخ را با شاگردانم بخورم؟" ۱۵ و او بالاخانه بزرگ مفروش و آماده را به شما نشان خواهد داد. در آنجا برای ما تدارک ببینید.» ۱٦ پس شاگردان به شهر رفتند و همان‌طور که به ایشان گفته بود، یافتند و پِسَخ را تدارک دیدند.

۱۷ و وقتی شب شد، عیسی با آن دوازده آمد. ۱۸ و هنگامی که بر سفره نشسته بودند و غذا می‌خوردند، عیسی گفت: «حقیقتا به شما می‌گویم که یکی از شما که با من غذا می‌خورَد، مرا تسلیم خواهد کرد.» ۱۹ آنها غمگین شدند و یکی پس از دیگری از او پرسیدند: «آیا من

هستم؟» ۲۰ عیسی به آنان گفت: «یکی از دوازده است، همان که نان خود را با من در کاسه فرو می‌بَرَد. ۲۱ زیرا پسر انسان همان‌گونه که درباره او نوشته شده، خواهد رفت، امّا وای بر آن کس که پسر انسان توسط او تسلیم شود. برای او بهتر می‌بود که از مادر زاده نمی‌شد.»

## رسم شام خداوند

**متّی ۲۶: ۲۰-۲۹، لوقا ۲۲: ۱۴-۳۰، یوحنا ۱۳: ۲۱-۳۰**

۲۲ و چون غذا می‌خوردند، او نان را گرفت و پس از شکرگزاری، آن را پاره کرد و به ایشان داد و گفت: «بگیرید، این است بدن من.» ۲۳ سپس پیاله‌ای را گرفت و پس از شکرگزاری، به آنها داد و همه از آن نوشیدند. ۲٤ و به ایشان گفت: «این است خون عهد من که برای بسیاری ریخته می‌شود. ۲۵ حقیقتا به شما می‌گویم که از محصول مُو دیگر نخواهم نوشید تا روزی که آن را در پادشاهی خدا، تازه بنوشم.»

## عیسی انکار پطرس را پیشگویی می‌کند

**مَرقُس ۱٤:۲۷-۳۱؛ مَتّی ۲٦:۳۱-۳۵**

۲٦ و پس از خواندن سرودی، به سوی کوه زیتون رفتند. ۲۷ و عیسی به آنان گفت: «همه شما خواهید لغزید، زیرا نوشته شده است،

«"شبان را خواهم زد
و گوسفندان پراکنده خواهند شد."

۲۸ امّا پس از برخاستنم، پیش از شما به جلیل خواهم رفت.» ۲۹ پطرس به او گفت: «حتی اگر همه بلغزند، من نخواهم لغزید.» ۳۰ و عیسی به او گفت: «حقیقتا به تو می‌گویم که همین امشب، پیش از آنکه خروس دو بار بانگ زند، تو مرا سه مرتبه انکار خواهی کرد.» ۳۱ امّا او مصرّانه گفت: «اگر لازم باشد با تو بمیرم، تو را انکار نخواهم کرد.» و همه آنها نیز چنین گفتند.

## عیسی در جِتسیمانی دعا می‌کند

**مَرقُس ۱٤:۳۲-٤۲ – مَتّی ۲٦:۳٦-٤٦؛ لوقا ۲۲:٤۰-٤٦**

۳۲ آنگاه به مکانی به نام جِتسیمانی رفتند. عیسی به شاگردان خود گفت: «در اینجا بنشینید، تا من دعا کنم.» ۳۳ و پطرس و یعقوب و یوحنا را با خود برداشت و اضطراب و پریشانی شدید بر وجودش مستولی شد. ۳٤ و به ایشان گفت: «جانم از شدت اندوه، در شرف مرگ است، اینجا بمانید و بیدار باشید.» ۳۵ پس کمی جلوتر رفته، بر خاک افتاد و دعا کرد که اگر ممکن باشد، آن ساعت از او بگذرد. ۳٦ و گفت: «آبّا، ای پدر، همه چیز برای تو ممکن است. این پیاله را از من دور کن، با اینحال، نه به خواست من، بلکه به اراده تو.» ۳۷ و آمد و آنان را در خواب یافت. به پطرس گفت: «شَمعون، خوابیده‌ای؟ آیا نمی‌توانستی ساعتی بیدار بمانی؟ ۳۸ بیدار باشید و دعا کنید تا در امتحان نیفتید. روح البته راغب است، امّا جسم ناتوان.» ۳۹ و بار دیگر رفت و همان کلمات را دعا کرد. ٤۰ و بار دیگر بازگشت و ایشان را در خواب یافت، زیرا چشمانشان بسیار سنگین شده بود و نمی‌دانستند چه جوابی به او بدهند. ٤۱ و سوّمین بار آمد و به ایشان گفت: «آیا هنوز

**۲۷.۱٤** زکریا ۱۳: ۷

در خوابید و استراحت می‌کنید؟ بس است! ساعت رسیده است. پسر انسان به دست گناهکاران تسلیم کرده می‌شود. ٤۲ برخیزید، برویم. اینک تسلیم‌کننده من نزدیک است.»

## تسلیم و دستگیری عیسی

**مَرقُس ۱٤:٤۳–٥۰؛ مَتّی ۲٦:٤۷–٥٦؛ لوقا ۲۲:٤۷–٥۰؛ یوحنا ۱۸:۳–۱۱**

٤۳ و ناگاه، وقتی هنوز سخن می‌گفت، یهودا، یکی از آن دوازده، به همراه گروهی با شمشیرها و چماق‌ها، از طرف سران کاهنان و معلمین تورات و مشایخ آمدند. ٤٤ اینک تسلیم‌کننده او به آنان علامتی داده، گفته بود: «آن کس را که ببوسم، همان است. او را بگیرید و تحت مراقبت ببرید.» ٤٥ و وقتی یهودا رسید، بی‌درنگ به عیسی نزدیک شد و گفت: «ای استاد!» و او را بوسید. ٤٦ و آنها دست بر او انداختند و گرفتارش کردند. ٤۷ امّا یکی از حاضران شمشیرش را کشیده، ضربه‌ای به خدمتکار کاهن اعظم زد و گوش او را برید. ٤۸ عیسی به آنها گفت: «آیا برای دستگیریم با چماقها و شمشیرها چنان آمده‌اید که گویی راهزنی را دستگیر می‌کنید؟ ٤۹ هر روز نزد شما در معبد بودم و تعلیم می‌دادم و مرا نگرفتید. امّا بگذار که کتب مقدّس به انجام خود برسد.» ٥۰ و آنها همه او را ترک کردند و گریختند.

## مرد جوانی می‌گریزد

٥۱ و مرد جوانی که فقط پارچه‌ای از کتان به تن پیچیده بود، به دنبال او رفت. او را نیز گرفتند، ٥۲ امّا او پارچه کتانی را رها کرد و عریان گریخت.

## عیسی در حضور شورا

**مَرقُس ۱٤:٥۳–٦٥؛ مَتّی ۲٦:٥۷–٦۸؛ یوحنا ۱۸:۱۲ و ۱۳ و ۱۹–۲٤ مَرقُس ۱٤:٦۱–٦۳؛ لوقا ۲۲:٦۷–۷۱**

٥۳ آنها عیسی را نزد کاهن اعظم بردند. آنگاه همه سران کاهنان و مشایخ و معلمین تورات گرد هم جمع شدند. ٥٤ و پطرس از دور به دنبال عیسی رفت تا به حیاط خانه کاهن اعظم رسید. پس با نگهبانان نشست تا در کنار آتش خود را گرم کند. ٥٥ اینک سران کاهنان و تمامی شورا در پی شهادت علیه عیسی بودند تا او را بکشند، ولی هیچ نیافتند. ٥٦ گرچه بسیاری برعلیه او شهادت دروغ دادند، امّا شهادت ایشان با هم نمی‌خواند. ٥۷ و برخی برخاستند و شهادت دروغ علیه او داده، گفتند: ٥۸ «ما شنیدیم که می‌گفت: "این معبد را که به دست ساخته شده خراب خواهم کرد و در سه روز، معبدی دیگر خواهم ساخت که ساخته دست نباشد."» ٥۹ با این وجود، شهادتهای آنها با هم نمی‌خواند. ٦۰ کاهن اعظم در جمع ایستاد و از عیسی پرسید: «جوابی نداری بدهی؟ چه چیزیست که این مردان برعلیه تو شهادت می‌دهند؟» ٦۱ امّا او ساکت ماند و جوابی نداد. بار دیگر کاهن اعظم از او پرسید: «آیا تو مسیح، پسر خدای متبارک هستی؟» ٦۲ عیسی گفت: «هستم، و پسر انسان را خواهید دید که به دست راست قدرت نشسته است و با ابرهای آسمان می‌آید.» ٦۳ آنگاه کاهن اعظم لباس خود را چاک زد و گفت:

**٥٥.۱٤** به یونانی "سنهدرین" که سورای عالی یهودیان بود

«دیگر چه نیازی به شاهدان داریم؟ ۶۴ کفرش
را شنیده‌اید. تصمیم شما چیست؟» پس همه
او را محکوم کردند که سزایش مرگ است.
۶۵ آنگاه بعضی شروع کردند به آبِ دهان بر
او انداختن و صورتش را پوشانیدند و او را
زده، می‌گفتند: «نبوّت کن!» و نگهبانان او را
گرفتند و می‌زدند.

## پطرس عیسی را انکار می‌کند

**مَرقُس ۱۴:۶۶-۷۲ – مَتّی ۲۶:۶۹-۷۵؛**
**لوقا ۲۲:۵۶-۶۲؛ یوحنا ۱۸:۱۶-۱۸ و ۲۵-۲۷**

۶۶ و هنگامی که پطرس، پایین در حیاط بود،
یکی از کنیزان کاهن اعظم آمد ۶۷ و پطرس را
دید که خود را گرم می‌کرد. بر او نگریست
و گفت: «تو نیز با عیسای ناصری بودی.»
۶۸ امّا او انکار کرده، گفت: «آنچه را که
می‌گویی، نه می‌دانم و نه می‌فهمم.» سپس به
دهلیز خانه رفت و آنگاه خروس بانگ زد. ۶۹ و
بار دیگر آن کنیز او را دید و به کسانی که
آنجا ایستاده بودند، گفت: «این مرد یکی از
آنهاست.» ۷۰ امّا پطرس باز انکار کرد. کمی
بعد، کسانی که آنجا ایستاده بودند، بار دیگر
به پطرس گفتند: «مطمئنا تو یکی از آنهایی،
زیرا جلیلی هستی.» ۷۱ امّا او شروع به لعنت
خود کرد و قسم خورد که: «این مرد را که
می‌گویید، نمی‌شناسم.» ۷۲ و فورا، خروس بار
دوّم بانگ زد. آنگاه پطرس به یاد آورد که
عیسی چگونه به او گفته بود: «قبل از آنکه
خروس دو بار بانگ زند، تو مرا سه بار انکار
خواهی کرد». پس در هم شکست و بگریست.

## محاکمه در حضور پیلاتُس

**مَرقُس ۱۵:۲-۱۵؛ مَتّی ۲۷:۱۱-۲۶؛ لوقا ۲۳:۲ و ۳**
**و ۱۸-۲۵؛ یوحنا ۱۸:۲۹-۱۹:۱۶**

۱۵ به مجرد این‌که صبح شد، سران
کاهنان با مشایخ و معلمین تورات
و تمامی اعضای شورا به مشورت نشستند و
عیسی را در بند نهاده، بردند و به پیلاتُس
تحویل دادند. ۲ پیلاتُس از او پرسید: «آیا تو
پادشاه یهودیان هستی؟» و او پاسخ داد: «تو
اینطور گفته‌ای.» ۳ و سران کاهنان او را به
چیزهای بسیار متهم کردند. ۴ آنگاه پیلاتُس باز
از او پرسید: «آیا هیچ پاسخی نداری؟ ببین
چقدر بر تو اتهام می‌زنند.» ۵ امّا عیسی هیچ
پاسخی نداد، چنان‌که پیلاتُس در شگفت شد.

## حکم مصلوب شدن عیسی توسط پیلاتس

**متّی ۲۷: ۱۵-۲۶، لوقا ۲۳:**
**۱۳-۲۵، یوحنا۱۹: ۱۸-۱۶: ۳۹**

۶ پیلاتُس در ایّام عید عادت داشت که
یک زندانی را به خواست ایشان آزاد کند.
۷ و در بین شورشیان زندانی که در شورش
مرتکب قتل شده بودند، مردی بود به نام
باراباس. ۸ آنگاه جماعت نزد پیلاتُس آمدند
و از او خواستند که رسم معمول را برایشان
به جا آورد. ۹ و او به آنها پاسخ داده گفت:
«آیا می‌خواهید پادشاه یهودیان را برایتان آزاد
کنم؟» ۱۰ زیرا پی برده بود که سران کاهنان
عیسی را از روی حسادت به او تسلیم کرده‌اند.
۱۱ امّا سران کاهنان جماعت را برانگیختند تا
از پیلاتُس بخواهند که باراباس را برایشان
آزاد کند. ۱۲ پیلاتُس بار دیگر به آنان گفت:
«پس با مردی که شما او را پادشاه یهودیان

**۶۸.۱۴** یا، محوطه جلوی خانه

می‌خوانید، چه کنم؟» ۱۳ و بار دیگر فریاد برآوردند: «مصلوبش کن.» ۱۴ پیلاتُس به آنها گفت: «چرا؟ چه بدی کرده است؟» امّا آنها بلندتر فریاد زدند: «مصلوبش کن.» ۱۵ پس پیلاتُس که می‌خواست جماعت را راضی کند، باراباس را برایشان آزاد کرد و عیسی را تازیانه زده، او را تحویل داد تا مصلوب شود.

## عیسی استهزا می‌شود

**مَرقُس ۱۵:۱۶-۲۰ — مَتّی ۲۷:۲۷-۳۱**

۱۶ آنگاه سربازان، او را به داخل کاخ، یعنی مقر والی، بردند و همه گروه سربازان را فراخواندند. ۱۷ و ردایی ارغوانی به او پوشانیدند و تاجی از خار بافته، بر سرش نهادند. ۱۸ آنگاه شروع به تعظیم کرده، می‌گفتند: «درود بر پادشاه یهودیان!» ۱۹ و با چوب بر سرش می‌زدند و آبِ دهان بر او می‌انداختند و در برابرش زانو زده، ادای احترام می‌کردند. ۲۰ پس از آنکه استهزایش کردند، ردای ارغوانی را از او در آورده، لباس خودش را به او پوشانیدند و او را بیرون بردند تا مصلوبش کنند.

## مصلوب شدن عیسی

**مَرقُس ۱۵:۲۲-۳۲؛ مَتّی ۲۷:۳۳-۴۴؛**
**لوقا ۲۳:۳۳-۴۳؛ یوحنا ۱۹:۱۷-۲۴**

۲۱ و آنها رهگذری شَمعون نام از اهل قیرَوان را که پدر اسکندر و روفُس بود و از مزارع می‌آمد، مجبور کردند تا صلیب او را حمل کند. ۲۲ پس او را به مکانی به نام جُلجُتا، که به معنی مکان جمجمه است، بردند . ۲۳ و به او شرابِ مخلوط به مُر دادند، امّا آن را نگرفت. ۲۴ آنها او را مصلوبش کردند و لباس‌هایش را بین خود تقسیم نموده، قرعه انداختند که هر یک چه ببرد.

۲۵ و ساعت سوّم بود که او را مصلوب کردند. ۲۶ و بر تقصیرنامه او نوشته بود: «پادشاه یهودیان.» ۲۷ و با او دو راهزن را، یکی در سمت راست و دیگری در سمت چپ او مصلوب کردند. ۲۸ بدین‌گونه آن نوشته کتب مقدّس تحقق یافت که می‌گوید: «او از خطاکاران محسوب شد.» ۲۹ و رهگذران او را دشنام دادند و سرهای خود را تکان دادند و می‌گفتند: «ای تو که معبد را ویران می‌کنی و در سه روز از نو بنا می‌کنی، ۳۰ خود را نجات بده و از صلیب پایین بیا» ۳۱ و همچنین سران کاهنان و معلمین تورات با یکدیگر استهزایش کرده، می‌گفتند: «دیگران را نجات داد؛ خود را نمی‌تواند نجات بدهد! ۳۲ بگذار مسیح، پادشاه اسرائیل، اینک از صلیب پایین بیاید تا ببینیم و ایمان بیاوریم.» آنان‌که با او مصلوب شده بودند نیز به او اهانت کردند.

## مرگ عیسی

**مَرقُس ۱۵:۳۳-۴۱ — مَتّی**
**۲۷:۴۵-۵۶؛ لوقا ۲۳:۴۴-۴۹**

۳۳ و چون ساعت ششم رسید، تاریکی تمامی آن سرزمین را تا ساعت نهم فرا گرفت. ۳۴ و در ساعت نهم عیسی به صدای بلند فریاد برآورد: «ایلویی، ایلویی، لَمّا سَبَقْتَنی؟» یعنی «خدای

---

**۱۵.۱۵** جریمه قضایی رومی، که شامل زدن شدید با شلاق چند لایه که در آن تکه‌های استخوان و فلز کاشته شده بود. **۱۶.۱۵** در یونانی، battalion که یک دهم لژیون رومی است، معمولا حدود ۶۰۰ سرباز **۲۳.۱۵** باور زمان بر این بود که مخلوط شراب و مرّ، اثر آرام کننده دارد **۲۵.۱۵** یعنی، ساعت ۹ صبح **۲۸.۱۵** اشعیا ۵۳: ۱۲ **۳۳.۱۵** ساعت ۱۲ ظهر **۳۳.۱۵** ساعت ۳ بعداز ظهر

من، خدای من، چرا مرا ترک کردی؟» [۳۵] و عده ای از حاضران که این را شنیدند، گفتند: «اینک، ایلیا را می‌خواند.» [۳۶] پس کسی دوید و اسفنجی را از شراب ترشیده پر کرده، بر سر چوبی نهاد و به او داد تا بنوشد، و گفت: «صبر کنید، بگذار ببینیم که آیا ایلیا می‌آید تا او را پایین آورد؟» [۳۷] و عیسی فریادی بلند برآورد و نفس آخرش را کشید. [۳۸] و پرده معبد از بالا تا پایین دو پاره شد. [۳۹] فرمانده سربازان که مقابل او ایستاده بود، وقتی دید که او چگونه جان سپرد، گفت: «به راستی این مرد پسر خدا بود.»

[۴۰] در آنجا زنانی نیز بودند که از دور نظاره می‌کردند که در میان آنان مریم مَجدَلیّه بود، و مریم مادر یعقوب کوچک و یوشا، و سالومه. [۴۱] هنگامی که عیسی در جلیل بود، آنها او را پیروی و خدمت می‌کردند. و نیز بسیاری از زنان دیگر نیز که با او به اورشلیم آمده بودند، در آنجا حضور داشتند.

## عیسی دفن می‌شود

**مَرقُس ۱۵:۴۲–۴۷ — مَتّی ۲۷:۵۷–۶۱؛ لوقا ۲۳:۵۰–۵۶؛ یوحنا ۱۹:۳۸–۴۲**

[۴۲] وقتی غروب شد، از آنجا که روز تهیه، یعنی روز قبل از سبّت بود، [۴۳] یوسف از اهل رامه، عضوی محترم از شورا، که پادشاهی خدا را نیز انتظار می‌کشید، جرئت کرد و به نزد پیلاتُس رفت و جسد عیسی را طلبید. [۴۴] پیلاتُس از شنیدن اینکه او به این زودی مرده است، متعجب شد. آنگاه فرمانده سربازان را خوانده، پرسید که آیا او به این زودی فوت کرده است؟ [۴۵] و چون از فرمانده سربازان دریافت که فوت کرده است، جسد را به یوسف سپرد. [۴۶] و یوسف کفنی از کتان خرید و او را از صلیب پایین آورده، در آن کفنِ کتانی پیچید و در قبری که در صخره تراشیده شده بود، قرار داد. و سنگی جلوی دهانه قبر غلتانید. [۴۷] مریم مَجدَلیّه و مریم، مادر یوشا، دیدند که او کجا گذاشته شد.

## رستاخیز

**مَرقُس ۱۶:۱–۸ — مَتّی ۲۸:۱–۸؛ لوقا ۲۴:۱–۱۰**

۱۶ چون روز سبّت گذشته بود، مریم مَجدَلیّه و مریم مادر یعقوب و سالومه ادویه‌جات خریدند تا بروند و او را تدهین کنند. [۲] پس در اولین روز هفته، صبح بسیار زود، هنگامی که آفتاب طلوع کرده بود، بر سر قبر رفتند. [۳] و به یکدیگر می‌گفتند: «چه کسی سنگ را برای ما از جلوی قبر خواهد غلتانید؟» [۴] و چون نگریستند، دیدند آن سنگ که بسیار بزرگ بود از جلوی قبر به کناری غلتانیده شده است. [۵] وارد قبر شدند و جوانی را دیدند که بر سمت راست نشسته بود و ردایی سفید بر تن داشت. و آنان از دیدنش ترسان شدند. [۶] او به ایشان گفت: «نترسید. شما عیسای ناصری را می‌جویید که مصلوب شده است. او برخاسته است؛ او اینجا نیست. جایی را که او را نهاده بودند، نگاه کنید. [۷] لیکن بروید و به شاگردان او و به پطرس بگویید که او قبل از شما به جلیل می‌رود. در آنجا او را خواهید دید، چنانکه به شما گفته بود.» [۸] پس آنان بیرون رفتند و از قبر گریختند، زیرا لرزه و حیرت بر آنان مستولی شده بود، و به هیچ‌کس چیزی نگفتند، زیرا ترسیده بودند.

**۳۴.۱۵** مزمور ۲۲: ۱

## عیسی بر مریم مجدلیه ظاهر می‌شود

۹ و چون عیسی، صبحگاهِ اولین روزِ هفته
برخاست، ابتدا بر مریم مَجدَلیّه که از او هفت
دیو بیرون کرده بود، ظاهر شد. ۱۰ پس مریم
رفت و به یاران او که در ماتم و گریه بودند،
خبر داد. ۱۱ امّا وقتی آنها شنیدند که او زنده
شده و مریم او را دیده است، باور نکردند.

## عیسی به دو شاگرد ظاهر می‌شود

**لوقا ۲۴: ۱۳-۳۵**

۱۲ پس از آن، او به صورتی دیگر بر دو نفر
از آنان که به مزارع می‌رفتند، ظاهر شد. ۱۳ و
آنان رفتند و به دیگران خبر دادند، امّا آنها،
ایشان را باور نکردند.

## ماموریت بزرگ

**متّی ۲۸: ۱۶-۲۰**

۱۴ سپس او بر آن یازده نفر، در حالی که
به غذا نشسته بودند، ظاهر شد و آنان را
به سبب بی‌ایمانی و سختدلی‌شان توبیخ کرد،
زیرا کسانی را که او را پس از برخاستن دیده
بودند، باور نکرده بودند. ۱۵ و به ایشان گفت:
«به تمامی عالم بروید و انجیل را به همه
خلایق موعظه کنید. ۱۶ هر که ایمان آوَرَد و
تعمید یابد، نجات خواهد یافت. امّا هر که
ایمان نیاورد، محکوم خواهد شد. ۱۷ و این
نشانه‌ها همراه ایمانداران خواهد بود: به نام
من دیوها را بیرون خواهند کرد و به زبانهای
تازه سخن خواهند گفت ۱۸ و مارها را با
دستهایشان برخواهند گرفت، و هرگاه زهری
کُشنده بنوشند، آسیبی به آنها نخواهد رسید،
و دستها بر بیماران خواهند گذاشت و آنها
شفا خواهند یافت.»
۱۹ پس آنگاه عیسای خداوند بعد از آنکه
با ایشان سخن گفت، به آسمان بالا برده شد
و به دست راست خدا بنشست. ۲۰ و ایشان
بیرون رفتند و در همه جا موعظه می‌کردند. و
خداوند با ایشان کار می‌کرد و کلام خود را با
آیاتی که همراه ایشان بود، ثابت می‌نمود.

# انجیل لوقا

## نکاتی چند درباره انجیل لوقا

انجیل لوقا به شخصی به نام 'تِئوفیلوس' نوشته شده است که گویا یکی از مقامات بلندپایه قوه قضایی روم بوده است. محققان بر آن هستند که لوقا در وحله اوّل به دنبال آن بود که دفاعیه محکمی برای پولُس که در زندان به سر می‌برد، فراهم سازد و در این اثر دو جلدی خود به تِئوفیلوس و دیگر همکاران او نشان دهد که نهضتی که پولُس در آن فعالیت می‌نموده، به هیچ عنوان جنبه سیاسی نداشته است و از این رو لازم است که آزاد گردد.

لوقا نه تنها از نظر حرفه طبیب بود، بلکه به شیوه تاریخ‌نگاری هم آشنایی داشت. از این رو در این اثر دو جلدی خود، یعنی انجیل لوقا و اعمال رسولان با سبکی بسیار شیوا و غنی از کلمات متنوع به هنرمندی نه فقط دفاعیه، بلکه اثر تاریخی دقیق از زندگی عیسی را در مقابل چشم خواننده قرار می‌دهد.

انجیل لوقا در راستای مطالب خود به مطالبی توجه دارد که ویژه همین انجیل است، مطالبی چون غیریهودیان؛ زنان، که در آن زمان جایگاهی حقیر در جامعه داشتند؛ گناهکاران و مطرودین جامعه.

در این انجیل وقایع زندگی زمینی عیسی مسیح را به طور کامل از تولّد تا صعودش به آسمان روایت می‌شود. در این انجیل ما مطالب مهمی چون بهای شاگردی عیسی نیز روبرو می‌گردیم (فصل‌های ۹ تا ١٤)

### تقسیم‌بندی کلّی

- مقدمه (فصل ۱:۱-۴)
- تولد و کودکی یحیا و عیسی (فصل‌های۱:۵ تا ۲:۵۲)
- آماده شدن عیسی برای رسالت خود (فصل‌های ۳:۱ تا ۴:۱۳)
- خدمات عیسی در جلیل (فصل‌های ۴:۱۴ تا ۹:۹)
- کناره‌گیری عیسی به نواحی اطراف جلیل (فصل‌های ۹:۱۰-۵۰)
- سفر به سوی اورشلیم (فصل‌های ۹:۵۱ تا ۱۹:۲۷)
- هفته آخر زندگی زمینی عیسی و رنجهای او (فصل‌های ۱۹:۲۸ تا ۲۳:۵۶)
- رستاخیز و صعود عیسی مسیح (فصل ۲۴)

### تقدیم به تِئوفیلوس

**لوقا ۱:۱-٤ — مشابه اعمال ۱:۱**

۱ از آنجا که بسیاری دست به نوشتن
وقایعی زده‌اند که در بین ما به انجام خود
رسیده است، ۲ درست مانند آنانی‌که از ابتدا
شاهدان عینی و خادمان کلام بودند به ما
سپردند، ۳ من نیز مصلحت دیدم که همه چیز
را از آغاز به‌دقّت بررسی کرده، آنها را به ترتیب
برای شما، عالیجناب تِئوفیلوس، بنویسم، ٤ تا

از درستی آنچه تعلیم یافته‌اید، یقین داشته باشید.

## تولد یحیای تعمیددهنده پیشگویی می‌شود

۵ در زمان هیرودیس، پادشاه یهودیه، کاهنی
بود به نام زکریا، از کاهنان گروه اَبیّا. او
همسری از دختران هارون داشت که نامش
الیزابت بود. ۶ و هر دو در نظر خدا صالح
بوده، در همه احکام و فرایض خداوند بی‌عیب
رفتار می‌کردند. ۷ امّا آنان فرزندی نداشتند،
زیرا اِلیزابِت نازا بود و هر دو سالخورده بودند.
۸ حال، زمانی که نوبت خدمت گروه زکریا
رسید و او به عنوان کاهن در حضور خدا
کهانت می‌کرد، ۹ طبق رسم کهانت، به قرعه
برگزیده شد تا به معبد خداوند داخل شود و
بخور بسوزاند. ۱۰ و در زمان سوزاندن بخور،
تمامی مردم بیرون دعا می‌کردند. ۱۱ و در آنجا
یک فرشته خداوند، به طرف راست مذبح
بخور ایستاده، به او ظاهر شد. ۱۲ وقتی زکریا
او را دید، به هم ریخت و ترس بر او غالب شد.
۱۳ امّا فرشته به او گفت: «ای زکریا، نترس!
زیرا دعای تو شنیده شده است و همسرت
اِلیزابِت برای تو پسری به دنیا خواهد آورد
و تو او را یحیا خواهی نامید. ۱۴ و شادی و
خوشی نصیب تو خواهد شد، و بسیاری از
تولّد او شادمان خواهند گردید، ۱۵ زیرا او در
حضور خداوند بزرگ خواهد بود. او نباید
شراب یا مُسکِرات بنوشد، و از شکم مادرش
پر از روح‌القدس خواهد بود. ۱۶ و او بسیاری
از فرزندان اسرائیل را به سوی خداوند، خدای
ایشان برخواهد گردانید. ۱۷ و او در روح و
قدرت ایلیا، پیشاپیش خداوند خواهد رفت تا
دل پدران را به سوی فرزندان، و نامطیعان را به
سوی حکمت صالحان برگرداند، تا قومی آماده
برای خداوند فراهم سازد.» ۱۸ زکریا به فرشته
گفت: «این را چگونه بدانم؟ زیرا من مردی
پیرم و همسرم سالخورده است.» ۱۹ فرشته
به او جواب داد: «من جبرائیل هستم که در
حضور خدا می‌ایستم و فرستاده شده‌ام تا با تو
سخن گویم و این خبر خوش را به تو برسانم.
۲۰ پس اینک لال خواهی شد و قادر به سخن
گفتن نخواهی بود تا روزی‌که این چیزها واقع
شود، زیرا سخنان مرا که در زمان مقرر انجام
خواهد شد، باور نکردی.»
۲۱ و مردم منتظر زکریا می‌بودند و از تاخیر
او در معبد در حیرت شدند. ۲۲ و چون بیرون
آمد، قادر به سخن گفتن با آنان نبود، پس
دریافتند رؤیایی در معبد دیده است، زیرا به
آنان اشاره می‌کرد و توان سخن گفتن نداشت.
۲۳ و وقتی زمان خدمت او به پایان رسید، به
خانه خود رفت.
۲۴ بعد از آن روزها همسرش اِلیزابِت حامله
شد و به مدت پنج ماه خود را پنهان کرده،
گفت: ۲۵ «خداوند در روزهایی که نظر لطف
به من انداخت، برایم چنین کرده تا آنچه را که
نزد مردم مرا عار بود، بردارد.»

## تولد عیسی پیشگویی می‌شود

۲۶ در ماه ششم، جبرائیل فرشته از جانب
خدا به شهری در جلیل که ناصره نام داشت،
فرستاده شد، ۲۷ تا به نزد باکره‌ای که نامزد
مردی به نام یوسف و از خاندان داوود بود،
برود. و نام این دختر مریم بود. ۲۸ فرشته
نزد او رفت و گفت: «سلام بر تو، ای که

**۲۷.۱** یعنی از نظر قانونی در پیمان ازدواج بودند

مورد لطف هستی، خداوند با توست.» [۲۹] امّا مریم از سخنان وی مضطرب شد و با خود اندیشید که این چگونه سلامی است. [۳۰] فرشته او را گفت: «ای مریم، نترس، زیرا که مورد لطف خدا قرار گرفته‌ای. [۳۱] و اینک حامله شده، پسری خواهی زایید و نامش را عیسی خواهی نهاد. [۳۲] او بزرگ خواهد بود و پسر خدای متعال خوانده خواهد شد. و خداوندْ خدا تخت پدرش داوود را به او خواهد داد. [۳۳] و او تا ابد بر خاندان یعقوب سلطنت خواهد کرد و پادشاهی او را انتها نخواهد بود.» [۳٤] مریم به فرشته گفت: «این چگونه ممکن است، زیرا که باکره‌ام؟» [۳۵] فرشته به او پاسخ داد: «روح‌القدس بر تو خواهد آمد و قدرت خدای متعال بر تو سایه خواهد افکند، از این رو، آن نوزاد، مقدّس خوانده خواهد شد - پسر خدا. [۳٦] و حال از خویشان تو اِلیزابِت نیز در سن پیری به پسری حامله است، او که نازا خوانده شده، در ماه ششم حاملگی‌اش می‌باشد. [۳۷] زیرا نزد خدا هیچ امر محال نیست!» [۳۸] مریم گفت: «اینک، من کنیزِ خداوندم. مطابق آنچه گفتی، بر من واقع شود.» و فرشته از نزد او رفت.

### مریم به دیدار اِلیزابِت می‌رود

[۳۹] در آن روزها، مریم برخاست و به‌شتاب به شهری در کوهستان یهودیه رفت، [٤۰] و به خانه زَکریا وارد شد و اِلیزابِت را سلام کرد. [٤۱] وقتی اِلیزابِت سلام مریم را شنید، طفل در رَحِمش تکان خورد، و اِلیزابِت از روح‌القدس پر شد، [٤۲] و به صدای بلند گفت: «تو در میان زنان مبارک هستی، و مبارک است ثمرهٔ رَحِم تو! [٤۳] چرا بر من این عطا شده که مادرِ خداوندم نزد من بیآید؟ [٤٤] زیرا حال چون صدای سلام تو به گوشم رسید، طفل از شادی در رَحِم من تکان خورد. [٤۵] مبارک است آن که باور کند که آنچه از جانب خداوند به او گفته شده است، به انجام خواهد رسید.»

### سرود مریم

**لوقا ۱:٤٦-۵۳ — اوّل سموئیل ۲:۱-۱۰**

[٤٦] پس مریم گفت:
«جان من خداوند را تمجید می‌کند
[٤۷] و روح من در منجی‌ام خدا، به وجد می‌آید،
[٤۸] زیرا بر حقارت کنیز خود نظر افکنده است.
اینک از این پس، همه نسلها مرا مبارک خواهند خواند،
[٤۹] زیرا آن قادر که کارهای عظیم برایم کرده است،
نامش قدوس است.
[۵۰] و رحمتش، نسل اندر نسل،
شامل همه آنانی که از او می‌ترسند می‌باشد.
[۵۱] او به بازوی خود، قدرت را ظاهر کرده،
متکبران را در اندیشه‌های دلشان پراکنده ساخته است؛
[۵۲] او قدرتمندان را از تخت به زیر کشیده
و فروتنان را سرافراز کرده است؛
[۵۳] گرسنگان را به چیزهای نیکو سیر کرده،

**۲۸.۱** در برخی از ترجمه‌ها، جمله "تو در میان زنان مبارک هستی" را اضافه کرده‌اند. **۳۳.۱** یعنی، قوم اسرائیل
**۳٤.۱** در متن یونانی، زیرا با مردی نبوده‌ام.

امّا دولتمندان را تهی‌دست روان
کرده است.
۵۴ او خادم خود اسرائیل را
به یادگاری رحمت خویش
یاری کرده است،
۵۵ چنانکه به پدران ما گفته بود،
به ابراهیم و نسل او
تا به ابد.»
۵۶ و مریم حدود سه ماه نزد او ماند و سپس
به خانه بازگشت.

## تولد یحیا تعمید دهنده

۵۷ حال، زمان وضع حمل اِلیزابِت فرارسید
و پسری به دنیا آورد. ۵۸ و همسایگان و
خویشانش چون شنیدند که خداوند رحمت
عظیمی به او کرده است، با او شادی کردند.
۵۹ و در روز هشتم، برای ختنه نوزاد آمدند
و می‌خواستند نام پدرش زکریا را بر او بگذارند.
۶۰ امّا مادرش پاسخ داد: «نه! باید یحیا نامیده
شود.» ۶۱ آنان به او گفتند: «هیچ‌یک از
خویشان تو به این نام خوانده نشده است.»
۶۲ پس با اشاره از پدرش پرسیدند که او را
چه خواهی نامید؟ ۶۳ پس او لوحی خواست
و نوشت: «نام او یحیا است!» آنگاه همه در
حیرت افتادند. ۶۴ و در دم زبان زکریا باز شد
و دهان به ستایش خدا گشود. ۶۵ و ترس
بر همه همسایگانشان چیره شد و در سراسر
کوهستان یهودیه در این باره گفتگو می‌کردند.
۶۶ هر که ایشان را شنید، در دل خود تفکّر
کرده، گفت: «این کودک چه خواهد شد؟»
زیرا دست خداوند با او بود.

## نبوّت زکریا

۶۷ و پدرش زکریا، از روح‌القدس پر شد و
نبوّت کرده، گفت:
۶۸ «متبارک باد خداوند، خدای اسرائیل،
زیرا قوم خویش را تفقد نموده، و رهایی
داده است.
۶۹ و شاخ نجاتی در خاندان خادمش
داوود
برایمان برافراشته است.
۷۰ چنانکه از قدیم به زبان پیامبران
مقدّس خود گفته،
۷۱ که از دشمنان‌مان رهایی
و از همه کسانی که از ما نفرت دارند،
نجات بخشد،
۷۲ تا وعده رحمتی را که به پدرانمان داده
بود، نشان دهد
و عهد مقدّس خویش را به یاد آورَد؛
۷۳ سوگندی را که برای پدرمان ابراهیم
یاد کرد
۷۴ که ما را از دست دشمن رهایی بخشد
و یاری‌مان دهد که او را بدون ترس
عبادت کنیم،
۷۵ در حضورش،
با مقدس و صالح بودن در تمامی
ایّام عمرمان.
۷۶ و تو، ای فرزند، پیامبر خدای متعال
خوانده خواهی شد؛
زیرا پیشاپیش خداوند خواهی رفت تا
راههای او را آماده سازی،
۷۷ و به قوم خود معرفت نجات را
عطا کنی
در آمرزش گناهانشان،
۷۸ به سبب رحمت پُرلطف خدای ما،

که به آن طلوع آفتاب از عرش اعلی
از ما تفقد خواهد کرد
۷۹ تا کسانی را که در تاریکی و سایه مرگ
ساکنند، روشنایی بخشد،
و پای‌های ما را به راه سلامتی
هدایت فرماید.»
۸۰ و آن کودک رشد کرد و در روح قوی
شد و تا روز ظهور آشکارش برای اسرائیل، در
بیابان به سر می‌برد.

## تولد عیسی مسیح

۲ در آن روزها، فرمانی از آگوستوسِ قیصر
صادر شد که تمامی مردم دنیا سرشماری
شوند. ۲ این اولین سرشماری بود که در زمان
فرمانداری کورینیوس بر سوریه انجام گرفت.
۳ پس، همه مردم به شهر خود برای نام‌نویسی
رفتند. ۴ و یوسف نیز از جلیل، از شهر ناصره،
به یهودیه، به شهر داوود که به بِیت‌لِحِم
موسوم است، رفت، زیرا از خاندان و نسل
داوود بود. ۵ تا با نامزدش مریم که آبستن بود،
نام‌نویسی کنند. ۶ هنگامی که آنجا بودند، وقت
زایمان او فرا رسید ۷ و پسر نخست خود را به
دنیا آورد و او را در قنداق پیچید و در آخوری
خوابانید، زیرا در مهمانسرا جایی برایشان نبود.

## شبانان و فرشتگان

۸ و در آن نواحی، شبانانی در صحرا بودند
که در شب نگهبانی گله‌شان را می‌کردند. ۹ ناگاه
یک فرشته خداوند بر آنان ظاهر شد، و
جلال خداوند بر گردشان تابید و آنان بسیار
ترسیدند. ۱۰ فرشته به آنان گفت: «نترسید،
زیرا اینک به شما خبرِ خوشِ شادمانی عظیمی
می‌دهم که برای تمامی قوم است. ۱۱ زیرا امروز
برای شما در شهر داوود، نجات‌دهنده‌ای
به دنیا آمد که مسیحِ خداوند است. ۱۲ و
نشانه برای شما این است که نوزادی را
خواهید یافت، در قنداق پیچیده و در آخوری
خوابیده.» ۱۳ و ناگاه با آن فرشته، گروهی
عظیم از لشکر آسمانی حاضر شدند که خدا
را ستایش می‌کردند و می‌گفتند:
۱۴ «جلال بر خدا در عرش برین،
و بر زمین صلح در میان مردمی که
او از آنها خشنود است.»
۱۵ وقتی فرشتگان از نزد ایشان به آسمان
رفتند، شبانان به یکدیگر گفتند: «بیایید به
بِیت‌لِحِم برویم و آنچه را که روی داده و
خداوند ما را از آن آگاه کرده است، ببینیم.»
۱۶ پس به‌شتاب رفتند و مریم و یوسف و نوزاد
را که در آخوری خوابیده بود، یافتند. ۱۷ چون
این را دیدند، سخنی را که درباره نوزاد به ایشان
گفته شده بود، پخش کردند. ۱۸ و هر که
می‌شنید، از سخن شبانان در شگفت می‌شد.
۱۹ امّا مریم، این همه را به خاطر می‌سپرد و
در دل خود به آنها می‌اندیشید. ۲۰ شبانان
برگشتند و خدا را جلال می‌دادند و ستایش
می‌کردند، به سبب هر آنچه شنیده و دیده
بودند، درست همانطور که به ایشان گفته
شده بود. ۲۱ پس از پایان هشت روز، وقتی
ختنه شد، او را عیسی نامیدند، همان نامی که
فرشته پیش از قرار گرفتن او در رَحِم، او را نام
نهاده بود.

## عیسی در معبد تقدیم می‌شود

۲۲ وقتی ایام تطهیر ایشان مطابق شریعت
موسی رسید، عیسی را به اورشلیم بردند تا
به خداوند تقدیم کنند، ۲۳ طبق آنچه که در

**۱.۲** منظور مردمانی که در حیطه جغرافیایی امپراطوری روم زندگی می‌کردند.

شریعت خداوند نوشته شده که: «اولین فرزند پسر هر رَحِمی، برای خداوند مقدس خوانده شود.» ۲۴ و تا قربانی تقدیم کنند، مطابق آنچه که در شریعت خداوند گفته شده، یعنی «یک جفت قمری یا دو جوجه کبوتر.»

۲۵ اینک مردی در اورشلیم بود به نام شمعون، و این مرد صالح و سرسپرده بود و در انتظار تسلی اسرائیل. و روح‌القدس بر او قرار داشت. ۲۶ و روح القدس به او آشکار کرده بود که تا مسیحِ خداوند را نبیند، مرگ را نخواهد دید. ۲۷ پس او به هدایت روح به معبد آمد و وقتی والدین، آن نوزاد یعنی عیسی را آوردند تا آیین شریعت را برایش به جا آورند، ۲۸ شَمعون او را در آغوش گرفت و خدا را متبارک خواند و گفت:

۲۹ «ای خداوند،
اینک مطابق کلام خود
خادمت را به سلامت مرخص
می‌فرمایی.
۳۰ زیرا چشمان من
نجات تو را دیده است،
۳۱ که پیش روی همه ملتها
فراهم کرده‌ای،
۳۲ نوری برای آشکار کردن حقیقت
بر دیگر قومها
و جلالی برای قوم تو، اسرائیل.»

۳۳ پدر و مادر طفل از آنچه که درباره او گفته شد، در شگفت شدند. ۳۴ و شَمعون ایشان را برکت داد و به مریم، مادر او گفت: «اینک، این کودک مقرر شده است برای افتادن و برخاستن بسیاری، و نیز برای نشانه‌ای که با آن مخالفت خواهد شد. ۳۵ و شمشیری نیز در قلب تو فرو خواهد رفت تا افکار دلهای بسیاری آشکار گردد.»

۳۶ در آنجا نبیه‌ای بود، به نام حنّا، دختر فَنوئیل از قبیله آشیر که بسیار سالخورده بود. او از زمان دوشیزگی هفت سال با شوهرش زیسته بود، ۳۷ و سپس تا هشتاد و چهار سالگی بیوه مانده بود. او از معبد جدا نمی‌شد، بلکه شبانه‌روز با روزه و دعا به عبادت مشغول بود. ۳۸ او در همان ساعت پیش آمده، خدا را شکر کرد و با همه کسانی که منتظر رهایی اورشلیم بودند، درباره او سخن گفت.

## بازگشت به ناصره

۳۹ و چون ایشان همه آیین شریعت خداوند را انجام دادند، به جلیل، به شهر خود ناصره برگشتند. ۴۰ و آن کودک رشد کرد و قوی گشته، پر از حکمت شد و لطف خدا بر او می‌بود.

## عیسای نوجوان در معبد

۴۱ والدین او هر سال برای عید پِسَح به اورشلیم می‌رفتند. ۴۲ و چون دوازده ساله شد، ایشان به رسم عید به اورشلیم رفتند. ۴۳ و چون عید به پایان رسید، در راه بازگشت، عیسای نوجوان در اورشلیم ماند. والدینش از این امر آگاه نبودند، ۴۴ امّا با این تفکر که در کاروان است، به اندازه یک روز سفر کردند، لیکن بعد به جستجوی او در میان خویشاوندان و آشنایان خود برآمدند. ۴۵ و چون او را نیافتند، در جستجویش به اورشلیم

**۲۴.۲** خروج ۱۳: ۲ و ۱۲ **۲۵.۲** لاویان ۱۲: ۸ **۲۷.۲** منظور روح خدا یا روح‌القدس است. هر جا که روگ به تنهایی بیاید، مترجمین برای جلوگیری از هر اغتشاش ذهنی می‌توانند با واژه روح خدا ترجمه کنند. این آن چیزی است که خواننده اولیه می‌فهمید.

بازگشتند. ۴۶ پس از سه روز، او را در معبد
یافتند که در میان معلمان نشسته بود و
به سخنان ایشان گوش می‌داد و از آنها
سؤالات می‌کرد. ۴۷ و همه کسانی‌که سخنان
او را می‌شنیدند، از فهم و پاسخهای او در
شگفت می‌شدند. ۴۸ و چون والدینش او را
دیدند، شگفت‌زده شدند. آنگاه مادرش به او
گفت: «پسرم، چرا با ما چنین کردی؟ اینک
پدرت و من با پریشانی بسیار ترا جستجو
می‌کردیم.» ۴۹ او به آنان گفت: «چرا به دنبال
من می‌گشتید؟ مگر نمی‌دانستید که می‌بایست
در خانه پدرم باشم؟» ۵۰ ولی آنها آن سخن را
که به ایشان گفت، نفهمیدند. ۵۱ پس با ایشان
به راه افتاد و به ناصره آمد و مطیع ایشان
بود. امّا مادرش تمامی اینها را در دل خود نگه
داشت.
۵۲ و عیسی در حکمت و در قامت ترقی
می‌کرد، و نیز در لطفی که هم خدا به او داشت
و هم انسان.

### یحیا تعمید دهنده راه را آماده می‌کند

**لوقا ۲:۳–۱۰؛ مَتّی ۳:۱–۱۰؛ مَرقُس ۱:۳–۵**
**لوقا ۱۶:۳ و ۱۷؛ مَتّی ۱۱:۳ و ۱۲؛ مَرقُس ۷:۱ و ۸**

۳ در پانزدهمین سال فرمانروایی تیبریوس
قیصر، هنگامی که پُنتیوس پیلاتُس والی
یهودیه بود و هیرودیس حاکم جلیل، و
برادرش فیلیپُس حاکم ایتوریه و تراخونیتیس،
لیسانیوس حاکم آبیلینی، ۲ و در زمانی که حَنّا و
قیافا کاهنان اعظم بودند، کلام خدا در بیابان
بر یحیی، پسر زکریا، نازل شد. ۳ و یحیا به
تمامی نواحی اردن می‌رفت و به تعمید توبه برای
آمرزش گناهان موعظه می‌کرد. ۴ چنانکه در
کتاب سخنان اِشعیای نبی آمده است که:

«صدای آن کس که
در بیابان فریاد برمی‌آوَرَد؛
”راه خداوند را آماده کنید،
طریق‌های او را مستقیم سازید.
۵ هر درّه پُر
و هر کوه و تپه پست خواهد شد؛
و کجی، راست و جایهای ناهموار،
هموار خواهد گشت.
۶ و تمامی بشر نجات خدا را خواهند
دید.“»

۷ از این رو یحیا خطاب به جماعاتی که
برای تعمید گرفتن نزد او می‌آمدند، گفت: «ای
افعی‌زادگان، چه کسی به شما هشدار داد تا از
غضبی که در پیش است، بگریزید؟ ۸ ثمرات
شایسته توبه آورید و با خود نگویید که: ”پدر
ما ابراهیم است.“ زیرا به شما می‌گویم، خدا
قادر است از این سنگها برای ابراهیم فرزندان
پدید آورد. ۹ حتی هم‌اکنون تیشه بر ریشه
درختان نهاده شده است. پس هر درختی که
میوه خوب ندهد، بریده و در آتش افکنده
می‌شود.»
۱۰ آنگاه جماعات از او پرسیدند: «پس چه
کنیم؟» ۱۱ و او به آنان جواب داد: «هر که
دو جامه دارد، به آن که ندارد بدهد، و هر
که خوراک دارد نیز چنین کند.» ۱۲ خراج‌گیران
هم آمدند تا تعمید بگیرند و به او گفتند:
«ای استاد، ما چه کنیم؟» ۱۳ پس به ایشان
گفت: «بیش از اندازه مقرر خراج نگیرید.»
۱۴ سربازان نیز از او پرسیدند: «ما چه کنیم؟»
به آنان گفت: «به زور از کسی پول نگیرید و

**۴۸.۲** در متن یونانی، آنها **۳.۳** منظور "رود اردن" **۶.۳** اشعیا ۴۰: ۳-۵

بر هیچ کس افترا نزنید و به دستمزدهای خود قانع باشید.»
۱۵ همانطور که مردم مملو از انتظار بودند
و همه در دل خود درباره یحیا فکر می‌کردند
که آیا ممکن است او همان مسیح باشد،
۱۶ یحیا به همه آنان جواب داده، گفت: «من
شما را به آب تعمید می‌دهم، امّا او که تواناتر
از من است، می‌آید و من لایق آن نیستم
که بند کفشهایش را باز کنم. او شما را با
روح‌القدس و آتش تعمید خواهد داد. ۱۷ او
چنگگ خود را در دست دارد تا خرمنگاه
خویش را پاک کند و گندم را در انبار خویش
ذخیره نماید، امّا کاه را در آتشی خاموشی‌ناپذیر
خواهد سوزانید.»
۱۸ پس به اندرزهای بسیار دیگر به مردم
بشارت می‌داد. ۱۹ امّا هیرودیس حاکم که
درباره هیرودیا، همسر برادرش، و نیز شرارتهای
دیگری که کرده بود، از یحیا توبیخ شده بود،
۲۰ این را بر همه افزود که یحیا را بسته به
زندان انداخت.
۲۱ حال، وقتی تمامی مردم تعمید گرفته
بودند و عیسی نیز تعمید گرفته بود و دعا
می‌کرد، آسمان گشوده شد ۲۲ و روح‌القدس
به شکل جسمانی، همچون کبوتری بر او فرود
آمد، و صدایی از آسمان در رسید که «تو پسر
محبوب من هستی، که از تو خشنودم.»

## تبارنامه عیسی مسیح

**لوقا ۳:۲۱ و ۲۲؛ مَتّی ۳:۱۳–۱۷؛ مَرقُس ۱:۹–۱۱**
**لوقا ۳:۲۳–۳۸؛ مَتّی ۱:۱–۱۷**

۲۳ وقتی عیسی خدمتش را آغاز کرد، حدود
سی سال داشت. او به گمان مردم پسر یوسف
بود، و یوسف، پسر هِلی، ۲۴ پسر مَتّات،
پسر لاوی، پسر مِلکی، پسر یَنّا، پسر یوسف،
۲۵ پسر مَتّاتیا، پسر آموس، پسر ناحوم،
پسر حِسْلی، پسر نَجّی، ۲۶ پسر مَعَت، پسر
مَتّاتیا، پسر سِمِعین، پسر یُسِک، پسر یهودا،
۲۷ پسر یوحَنان، پسر ریسا، پسر زروبابِل، پسر
شِئَلتیئیل، پسر نیری، ۲۸ پسر مِلکی، پسر اَدّی،
پسر قوصام، پسر اِلمادام، پسر عیر، ۲۹ پسر
یوشَع، پسر اِلعازار، پسر یوریم، پسر مَتّات،
پسر لاوی، ۳۰ پسر شَمعون، پسر یهودا، پسر
یوسف، پسر یونام، پسر اِلیاقیم، ۳۱ پسر مِلیا،
پسر مِنّا، پسر مَتّاتا، پسر ناتان، پسر داوود،
۳۲ پسر یَسا، پسر عوبید، پسر بوعَز، پسر
سَلمون، پسر نَحشون، ۳۳ پسر عَمّیناداب، پسر
رام، پسر حِصرون، پسر فِرِص، پسر یهودا،
۳۴ پسر یعقوب، پسر اسحاق، پسر ابراهیم،
پسر تارَح، پسر ناحور، ۳۵ پسر سِروج، پسر
رِعو، پسر فِلِج، پسر عِبِر، پسر شِلَخ، ۳۶ پسر
قینان، پسر اَرفَکشاد، پسر سام، پسر نوح، پسر
لَمِک، ۳۷ پسر مَتوشالَح، پسر خَنوخ، پسر یارِد،
پسر مَهَلَلئیل، پسر قینان، ۳۸ پسر اَنوش، پسر
شِیث، پسر آدم، پسر خدا.

**۱۵.۳** منظور نجات دهنده موعود که قوم اسرائیل در انتظار ظهورش بودند. **۲۲.۳** در برخی از ترجمه‌ها، پسر محبوب من، امروز ترا تولید نمودم. **۲۷.۳** در متن یونانی، سالاتیئیل

## آزمایش عیسی

**لوقا ٤:١-١٣؛ مَتّی ٤:١-١١؛ مَرقُس ١:١٢ و ١٣**

٤ و عیسی پر از روح‌القدس، از اردن
بازگشت و روح، او را به بیابان برد. [٢] و
به مدّت چهل روز ابلیس او را وسوسه می‌کرد.
و او در آن روزها چیزی نخورد، و در پایان
آن مدت، گرسنه بود. [٣] ابلیس به او گفت:
«اگر تو پسر خدا هستی، به این سنگ بگو
نان شود.» [٤] عیسی به او پاسخ داد: «نوشته
شده است که "انسان فقط به نان زندگی
نمی‌کند."»
[٥] ابلیس او را به مکانی بلند برد و همه
حکومتهای جهان را در لحظه‌ای به او نشان
داد [٦] و به او گفت: «همه این اقتدار و تمامی
شکوه آنها را به تو خواهم داد، زیرا که به من
سپرده شده است و آن را به هر که بخواهم
می‌دهم. [٧] پس اگر تو مرا سجده کنی، همه از
آنِ تو خواهد شد.» [٨] عیسی به او جواب داد:
«نوشته شده است:
«"خداوند خدای خود را بپرست
و فقط او را عبادت کن."»
[٩] آنگاه ابلیس او را به اورشلیم برد و بر فراز
معبد قرار داد و به او گفت: «اگر تو پسر خدا
هستی، خود را از اینجا به زیر بینداز. [١٠] زیرا
نوشته شده است:
«"درباره تو به فرشتگان خود
فرمان خواهد داد
تا تو را محافظت کنند.
[١١] و
تو را بر دستهایشان خواهند گرفت
مبادا پایت را به سنگی بزنی."»
[١٢] عیسی به او پاسخ داد: «گفته شده
است: "خداوند، خدای خود را آزمایش
نکن."» [١٣] وقتی ابلیس همه این امتحانها را به
پایان رسانید، تا فرصتی دیگر از او جدا شد.

## عیسی خدمت خود را شروع می‌کند

[١٤] پس عیسی به قوّت روح به جلیل
بازگشت و خبر او در سراسر آن نواحی پیچید.
[١٥] او در کنیسه‌های ایشان تعلیم می‌داد، و
همه وی را می‌ستودند.

## عیسی در ناصره طرد می‌شود

[١٦] و به ناصره که در آن بزرگ شده بود،
آمد و طبق عادتش در روز سبّت، به کنیسه
رفت و برای قرائت برخاست. [١٧] آنگاه طومار
اِشعیای نبی را به او دادند. او طومار را گشود
و قسمتی را یافت که نوشته شده:
[١٨] «روح خداوند بر من است،
زیرا مرا مسح کرده
تا خبر خوش را به فقیران بشارت دهم
و مرا فرستاده تا آزادی را به اسیران
و بینایی را به نابینایان اعلان کنم،
و ستمدیدگان را آزاد نمایم،
[١٩] و سال لطف خداوند را
اعلان کنم.»
[٢٠] پس طومار را پیچید و به خادم سپرد
و بنشست. و چشمان همه در کنیسه به
او دوخته شده بود. [٢١] آنگاه به گفتن آغاز
کرد که: «امروز این نوشته، در گوشتان
به انجام خود رسید.» [٢٢] و همه از او به
نیکویی می‌گفتند و از سخنان فیض‌آمیزی که
از دهانش صادر می‌شد، در شگفت بودند

**١.٤** منظور رود اردن است **١.٤** منظور روح خداست **٤.٤** تثنیه ٨: ٣ **٨.٤** تثنیه ٦: ١٣ **١١.٤** مزمور ٩١: ١١ و ١٢ **١٢.٤** تثنیه ٦: ١٦ **١٤.٤** منظور روح خدا است. **١٩.٤** اشعیا ٦١: ١و٢

و می‌گفتند: «آیا این پسر یوسف نیست؟» ٢٣ عیسی به ایشان گفت: «بی‌گمان این مَثَل را بر من خواهید آورد که "ای طبیب خود را شفا بده. آنچه را که شنیده‌ایم که در کَفَرناحوم کرده‌ای، اینجا نیز در موطن خویش انجام بده."» ٢٤ و گفت: «حقیقتا به شما می‌گویم که هیچ پیامبر در زادگاه خود پذیرفته نیست. ٢٥ اما به یقین به شما می‌گویم که در زمان ایلیا، بیوه زنان بسیاری در اسرائیل بودند هنگامی که آسمان سه سال و نیم بسته شد و قحطیِ سخت در سراسر آن سرزمین پدید آمد. ٢٦ و ایلیا نزد هیچ‌یک فرستاده نشد، بلکه فقط نزد بیوه‌زنی در صَرِفَه در سرزمین صیدون. ٢٧ ودر زمان الیشع نبی، جذامیان بسیار در اسرائیل بودند، ولی هیچ‌یک پاک نشدند بلکه فقط نَعَمانِ سُریانی.» ٢٨ همه کسانی که در کنیسه بودند، وقتی این سخنان را شنیدند، از خشم پُر شدند ٢٩ و برخاستند و او را از شهر بیرون کردند و بر لبه کوهی که شهر بر آن بنا شده بود، بردند تا او را از صخره به پایین اندازند. ٣٠ امّا عیسی از میانشان گذشت و رفت.

## عیسی مردی دیوزده را شفا می‌دهد

**لوقا ٤:٣١–٣٧ — مَرقُس ١:٢١–٢٨**

٣١ و به کَفَرناحوم، شهری در جلیل، رفت و در روز سبّت ایشان را تعلیم می‌داد. ٣٢ و آنان از تعلیم او در شگفت شدند، زیرا کلامش مقتدر بود. ٣٣ و در کنیسه، مردی دیوزده بود که روح پلید داشت و به صدای بلند فریاد برآورد: ٣٤ «ها! ای عیسای ناصری، تو را با ما چه کار است؟ آیا آمده‌ای هلاک‌مان کنی؟ می‌دانم که کیستی؛ ای قدوس خدا.» ٣٥ اما عیسی او را قدغن کرده، گفت: «ساکت شو و از او بیرون بیا!» و دیو، بعد از آنکه او را در حضور همه بر زمین زد، از او بیرون آمد، بی‌آنکه آسیبی به او رسانده باشد. ٣٦ پس همه شگفت‌زده شدند و به یکدیگر گفتند: «این چه کلامی است؟ چونکه با اقتدار و قدرت به ارواح ناپاک فرمان می‌دهد و آنها بیرون می‌آیند!» ٣٧ پس خبر کارهای او در سراسر آن نواحی پیچید.

## عیسی بسیاری را شفا می‌دهد

**لوقا ٤:٣٨–٤١ — مَتّی ٨:١٤–١٧**
**لوقا ٤:٣٨–٤٣ — مَرقُس ١:٢٩–٣٨**

٣٨ عیسی برخاسته، کنیسه را ترک گفت و به خانه شَمعون وارد شد. حال، مادرزن شَمعون با تبی شدید مریض بود. پس برای او از وی التماس کردند. ٣٩ عیسی بر بالین او ایستاد و تب را فرمان داد، و تبش قطع شد. او بی‌درنگ برخاست و مشغول خدمت به آنها گردید.

٤٠ حال، چون غروب می‌شد، همه کسانی که بیمارانی مبتلا به انواع امراض داشتند، آنان را نزد وی آوردند، و او بر هریک از ایشان دست گذاشت و شفایشان داد. ٤١ دیوها نیز از بسیاری بیرون آمده، فریادزنان می‌گفتند: «تو پسر خدا هستی!» امّا او آنها را قدغن کرده، نمی‌گذاشت سخنی بگویند، زیرا می‌دانستند که او مسیح است.

## عیسی در کنیسه‌ها موعظه می‌کند

٤٢ و چون روز شد، عیسی آنجا را ترک کرد و به مکانی دورافتاده رفت. امّا مردم او را

می‌جُستند و چون به نزدش آمدند، نگذاشتند
که ترک‌شان کند. ٤٣ اما عیسی به آنان گفت:
«من باید پادشاهی خدا را در شهرهای دیگر
نیز بشارت دهم، زیرا که به همین منظور
فرستاده شده‌ام.» ٤٤ پس او در کنیسه‌های
یهودیه موعظه می‌کرد.

## عیسی نخستین شاگردان را دعوت می‌کند

لوقا ۵:۱–۱۱ — مَتّی ٤:۱۸–۲۲؛ مَرقُس
۱:۱۶–۲۰؛ یوحنا ۱:٤۰–٤۲

۵ یک بار که جماعتی بر عیسی ازدحام
می‌کردند تا کلام خدا را بشنوند، او در
کنار دریاچه جِنیسارِت ایستاده بود. ۲ و دو
قایق در کنار دریاچه دید که صیادان از آنها
بیرون آمده بودند و تورهایشان را می‌شستند.
۳ پس به یکی از آن قایق‌ها که متعلق به
شَمعون بود، سوار شده، از او خواست اندکی
از ساحل دور شود. سپس بر قایق نشست
و به تعلیم مردم پرداخت. ٤ و وقتی سخنانش
را به پایان رسانید، به شَمعون گفت: «به
جای عمیق بران، و تورهای خود را برای
صید بیندازید.» ۵ شَمعون جواب داد: «ای
استاد، همه شب را زحمت کشیدیم و چیزی
نگرفتیم. امّا به سخن تو، تورها را در آب
خواهم انداخت.» ٦ و وقتی چنین کردند، ماهی
زیادی گرفتند که نزدیک بود تورهایشان پاره
شود. ۷ پس به شرکای خود در قایق دیگر اشاره
کردند که بیایند و کمکشان کنند. آنان آمدند
و هر دو قایق را پر کردند طوری‌که نزدیک
بود غرق شوند. ۸ امّا چون شَمعون پطرس این
را دید، به پاهای عیسی افتاده، گفت: «ای
خداوند، از من دور شو، زیرا مردی گناهکارم.»
۹ زیرا او و همراهانش از واقعه صید ماهی
حیرت زده بودند. ۱۰ و نیز یعقوب و یوحنا،
پسران زِبِدی، که شریک شَمعون بودند. عیسی
به شَمعون گفت: «نترس، از این پس مردم
را صید خواهی کرد.» ۱۱ پس چون قایق‌های
خود را به ساحل رساندند، همه چیز را ترک
کردند و به دنبال او روان شدند.

## عیسی یک جذامی را شفا می‌دهد

لوقا ۵:۱۲–۱٤ — مَتّی ۸:۲–٤؛ مَرقُس ۱:٤۰–٤٤

۱۲ زمانی که عیسی در یکی از شهرها بود،
آنجا مردی آمد که پر از جذام بود. و او چون
عیسی را دید، به روی افتاد و التماس‌کنان
گفت: «ای آقا، اگر بخواهی می‌توانی مرا پاک
سازی.» ۱۳ آنگاه عیسی دست خود را دراز کرد
و او را لمس نموده، گفت: «می‌خواهم؛ پاک
شو.» و در دم، جذام از او رفت. ۱٤ پس به او
دستور داد: «به کسی چیزی نگو، بلکه برو و
خود را به کاهن نشان بده و برای طهارت خود
قربانی‌هایی را که موسی امر کرده است، تقدیم
کن تا برای آنان گواه باشد.» ۱۵ با این همه،
خبر کارهای او هر چه بیشتر پخش می‌شد، و
جماعات بزرگ جمع می‌شدند تا سخنانش را
بشنوند و از بیماری‌های خود شفا یابند. ۱٦ امّا
او به جاهای دورافتاده می‌رفت و دعا می‌کرد.

## عیسی افلیجی را شفا می‌دهد

لوقا ۵:۱۸–۲٦؛ مَتّی ۹:۲–۸؛ مَرقُس ۲:۳–۱۲

۱۷ در یکی از آن روزها هنگامی که تعلیم
می‌داد، فَریسیان و معلمین شریعت از همه
شهرهای جلیل و یهودیه و نیز از اورشلیم آمده
و نشسته بودند. و قدرت خداوند برای شفا

**٤٤.٤** در برخی ترجمه‌ها، جلیل آمده است. **۱.۵** نام دیگری برای دریاچه جلیل

دادن با او بود. ۱۸ اینک، چند مرد، مفلوجی
را بر تشکی آوردند و ایشان می‌خواستند او
را به درون خانه ببرند و در برابر عیسی
بگذارند. ۱۹ امّا چون به سبب ازدحام جماعت
راهی نیافتند، به پشت بام رفتند و او را از
میان سفالها با تُشَکش به پایین فرستاده،
در وسط، جلوی عیسی گذاشتند. ۲۰ پس او
چون ایمان ایشان را دید، گفت: «ای مرد،
گناهانت آمرزیده شد.» ۲۱ امّا معلمین تورات
و فریسیان تفکر کرده، می‌گفتند: «این کیست
که کفر می‌گوید؟ چه کسی غیر از خدا می‌تواند
گناهان را بیامرزد؟» ۲۲ وقتی عیسی افکار آنها
را درک کرد، به ایشان جواب داد: «چرا در دل
خود چنین می‌اندیشید؟ ۲۳ کدام آسانتر است،
گفتن اینکه: "گناهانت آمرزیده شد" یا گفتن
اینکه "برخیز و راه برو"؟ ۲۴ لیکن تا بدانید که
پسر انسان بر زمین اقتدار آمرزش گناهان را
دارد» - به مرد مفلوج گفت: «به تو می‌گویم،
برخیز، تشک خود را بردار و به خانه برو.»
۲۵ و بی‌درنگ، آن مرد مقابل ایشان برخاست و
آنچه را که بر آن خوابیده بود، برداشت و خدا
را حمدکنان به خانه رفت. ۲۶ و حیرت همه
را فرو گرفت و خدا را تمجید کردند و ترس
وجودشان را پُر کرده بود و می‌گفتند: «امروز
چیزهای عجیبی دیده‌ایم.»

## عیسی لاوی را می‌خواند

**لوقا ۵:۲۷-۳۲ — مَتّی ۹:۹-۱۳؛ مَرقُس ۲:۱۴-۱۷**

۲۷ پس از آن، بیرون رفته، خراج‌گیری را به
نام لاوی دید که در دکه خراج‌گیری نشسته
بود. او را گفت: «به دنبال من بیا.» ۲۸ و او
همه چیز را ترک کرده، برخاست و از پی عیسی
روان شد.
۲۹ و لاوی در خانه خود ضیافتی بزرگ
برای او ترتیب داد، و جمعی بزرگ از
خراج‌گیران و دیگران، با آنها بر سفره
نشستند. ۳۰ امّا فَریسیان و معلمین تورات
ایشان، به شاگردانش غرغر کرده، گفتند:
«چرا با خراج‌گیران و گناهکاران می‌خورید
و می‌نوشید؟» ۳۱ عیسی به آنان پاسخ داد:
«تندرستان نیاز به طبیب ندارند، بلکه آنها که
بیمارند. ۳۲ من نیامده‌ام تا صالحان را به توبه
بخوانم، بلکه گناهکاران را.»

## سؤال درباره روزه

**لوقا ۵:۳۳-۳۹ — مَتّی ۹:۱۴-۱۷؛ مَرقُس ۲:۱۸-۲۲**

۳۳ آنها به او گفتند: «شاگردان یحیا اغلب
روزه می‌گیرند و دعا می‌کنند، و شاگردان
فَریسیان نیز چنین می‌کنند، امّا شاگردان تو
می‌خورند و می‌نوشند.» ۳۴ عیسی به آنان
گفت: «آیا می‌توانید میهمانان عروسی را تا
زمانی که داماد با آنهاست، به روزه وادارید؟
۳۵ آن روزها خواهند رسید که داماد از
ایشان گرفته می‌شود. آنگاه در آن روزها روزه
خواهند گرفت.» ۳۶ و نیز مَثَلی برایشان آورد:
«هیچ‌کس تکه‌ای از جامه نو را نمی‌بُرَد و آن را
بر جامه‌ای کهنه وصله نمی‌زند. اگر چنین کند،
نو را پاره می‌کند و آن تکه از پارچه نو، وصله‌ای
ناجور بر جامه کهنه است. ۳۷ و هیچ‌کس
شراب نو را در مَشکهای کهنه نمی‌ریزد. اگر
چنین کند، شراب نو مَشکها را خواهد درید و
ریخته و مَشکها از بین خواهند رفت. ۳۸ بلکه
شراب نو را در مَشکهای نو باید ریخت. ۳۹ و
هیچ‌کس پس از نوشیدن شراب کهنه، خواهان
تازه نیست، زیرا می‌گوید: "کهنه بهتر است."»

## عیسی، صاحب سبّت است

**لوقا ٦:١-١١ — مَتّی ١٢:١-١٤؛ مَرقُس ٢:٢٣-٣:٦**

٦ در یک روز سبّت، وقتی از میان مزارع
گندم می‌گذشت، شاگردانش خوشه‌های
گندم را چیدند و به دست ساییده، و
خوردند. ٢ امّا بعضی از فَریسیان گفتند: «چرا
کاری می‌کنید که انجامش در سبّت جایز
نیست؟» ٣ عیسی به ایشان جواب داد: «مگر
نخوانده‌اید که داوود چه کرد، وقتی که خود و
همراهانش گرسنه بودند؟ ٤ که چطور به خانه
خدا وارد شد و نان حضور را گرفت و خورد و
به همراهانش نیز داد، که خوردن آن جز برای
کاهنان جایز نیست؟» ٥ آنگاه به آنان گفت:
«پسر انسان صاحب سبّت است.»

## مردی با دست خشک شده

٦ در سبّتی دیگر، به کنیسه وارد شد و
تعلیم می‌داد و مردی آنجا بود که دست
راستش خشک شده بود. ٧ و معلمین تورات و
فَریسیان، او را زیر نظر داشتند که ببینند آیا در
سبّت شفا می‌دهد، تا شاید دلیلی پیدا کنند که
به او اتهام بزنند. ٨ امّا عیسی که از افکار آنها
آگاه بود، به مرد دست خشکیده گفت: «بیا
و در اینجا بایست.» و او برخاست و در آنجا
ایستاد. ٩ آنگاه عیسی به آنان گفت: «از شما
می‌پرسم، آیا در سبّت نیکویی کردن جایز است
یا بدی کردن، نجات جان یا نابود کردن آن؟»
١٠ و پس از آنکه چشم بر همه ایشان گردانید،
به آن مرد گفت: «دستت را دراز کن.» و او
چنین کرد، و دستش سالم شد. ١١ امّا آنان از
خشم پرشدند و با یکدیگر به گفتگو نشستند
که با عیسی چه کنند.

## دوازده رسول

**لوقا ٦:١٣-١٦ — مَتّی ١٠:٢-٤؛
مَرقُس ٣:١٦-١٩؛ اعمال ١:١٣**

١٢ در آن روزها، او به کوه رفت تا دعا
کند و تمامی شب را در دعا به خدا ادامه
داد. ١٣ و چون روز شد، شاگردانش را خواند
و از میان آنان دوازده نفر را برگزیده، ایشان
را رسول خواند: ١٤ شَمعون که او را پطرس
نامید و برادرش آندریاس، و یعقوب و یوحنا،
و فیلیپُس، و بَرتولما، ١٥ و مَتّی، و توما، یعقوب
پسر حَلْفای، و شَمعون معروف به غیور، ١٦ و
یهودا پسر یعقوب، و یهودای اِسخَریوطی که
خائن شد.

## عیسی جمع بزرگی را خدمت می‌کند

**لوقا ٦:٢٠-٢٣ — مَتّی ٥:٣-١٢**

١٧ و همراه ایشان پایین آمد و در مکانی
هموار ایستاد. و جماعتی بزرگ از شاگردانش
و جمعی بزرگ از مردم از سراسر یهودیه،
اورشلیم، و از نواحی ساحلی صور و صیدون،
١٨ آمدند تا سخنان او را بشنوند و از
بیماری‌های خود شفا یابند. و کسانی که از
ارواح پلید در عذاب بودند، شفا یافتند. ١٩ و
همه جماعت می‌خواستند او را لمس کنند، زیرا
قوّتی از او صادر شد و همه را شفا بخشید.

## خوشا به حالها

٢٠ آنگاه او بر شاگردانش نظر افکند و
گفت:

«خوشا به حال شما که مسکین هستید،
زیرا پادشاهی خدا از آنِ شماست.

**٦.٦** یا خداوند

۲۱ خوشا به حال شما که اکنون
گرسنه‌اید،
زیرا سیر خواهید شد.
خوشا به حال شما که اکنون گریانید،
زیرا خواهید خندید.
۲۲ خوشا به حال شما وقتی‌که مردم به‌خاطر
پسر انسان، از شما نفرت کنند و شما را از
خود برانند و دشنام دهند و بدنامتان کنند.
۲۳ در آن روز، شادی و پایکوبی کنید، زیرا
پاداشتان در آسمان عظیم است. چرا که پدران
آنها نیز با پیامبران چنین کردند.

## عیسی "وای‌ها" را اعلان می‌کند

۲۴ امّا وای بر شما که دولتمندید،
زیرا تسلی خود را یافته‌اید.
۲۵ وای بر شما که اکنون سیرید،
زیرا گرسنه خواهید شد.
وای بر شما که اکنون خندانید،
زیرا ماتم و زاری خواهید کرد.
۲۶ وای بر شما وقتی‌که همه مردم از شما
تعریف کنند، زیرا پدران آنها نیز با پیامبران
دروغین چنین کردند.

## دشمنانتان را دوست بدارید

**لوقا ۲۹:٦ و ۳۰ — مَتّی ۳۹:۵-۴۲**

۲۷ امّا به شما که گوش می‌دهید، می‌گویم که
دشمنان خود را محبت نمایید و به آنانی که
از شما نفرت دارند، نیکی کنید. ۲۸ و به هر
که نفرینتان کند، برکت بدهید و برای آنها
که که آزارتان دهند، دعا کنید. ۲۹ بر او که
بر گونه تو سیلی زند، گونه دیگر را نیز به
طرف او بگردان. و از کسی که ردایت را از تو
بگیرد، پیراهنت را دریغ ندار. ۳۰ هر که چیزی
از تو بخواهد، به او بده، و از کسی که مال
تو را می‌گیرد، از او مطالبه نکن. ۳۱ با مردم
همان‌طور رفتار کنید که می‌خواهید با شما
رفتار کنند.
۳۲ اگر آنانی را دوست بدارید که شما را
دوست می‌دارند، برای شما چه نفعی دارد؟
زیرا حتی گناهکاران هم آنانی را که دوستشان
دارند، محبت می‌کنند. ۳۳ و اگر به کسانی
نیکویی کنید که به شما نیکویی می‌کنند،
برای شما چه نفعی دارد؟ زیرا حتی گناهکاران
نیز چنین می‌کنند. ۳۴ و اگر به کسانی قرض
دهید که توقع پس گرفتن از آنان دارید،
برای شما چه اعتباری است؟ حتی گناهکاران
نیز به گناهکاران قرض می‌دهند تا از ایشان
همان مبلغ را پس بگیرند. ۳۵ لیکن دشمنانتان
را دوست بدارید و به آنها خوبی کنید، و
بدون امید عوض، به ایشان قرض بدهید، و
پاداشتان عظیم خواهد بود، و فرزندان آن
متعال خواهید بود، زیرا او با ناسپاسان و
بدکاران مهربان است. ۳۶ رحیم باشید، چنانکه
پدر شما رحیم است.

## داوریِ دیگران

**لوقا ۳۷:٦-۴۲ — مَتّی ۱:۷-۵**

۳۷ قضاوت نکنید، و قضاوت نخواهید
شد.محکوم نکنید، و محکوم نخواهید شد.
ببخشید، و بخشیده خواهید شد. ۳۸ بدهید
تا به شما داده شود. پیمانه‌ای پُر، فشرده،
تکان داده و لبریز در دامنتان گذاشته خواهد
شد. زیرا به هر پیمانه‌ای که بسنجید، با همان
پیمانه برای شما سنجیده خواهد شد.»
۳۹ و مَثَلی نیز برایشان آورد: «آیا یک کور
می‌تواند کور دیگری را هدایت کند؟ آیا هر دو
در چاه نخواهند افتاد؟ ۴۰ یک شاگرد، بالاتر

از استاد خود نیست، امّا هر که تعلیم کافی دیده باشد، مانند استاد خود خواهد شد.
٤١ چرا پَرِ کاهی را در چشم برادرت می‌بینی، امّا کُنده چوبی را که در چشم تو است، نمی‌بینی؟ ٤٢ چگونه می‌توانی به برادرت بگویی: "ای برادر، بگذار پَرِ کاه را از چشمت بیرون بیاورم"، در حالی‌که آن کُنده چوب را در چشم خود نمی‌بینی؟ ای ریاکار، اول آن کُنده چوب را از چشم خود بیرون کن، آنگاه بهتر خواهی دید تا پَرِ کاه را از چشم برادرت بیرون کنی.

### درخت و میوه‌اش

**لوقا ٦:٤٣ و ٤٤ – مَتّی ١٦:٧ و ١٨ و ٢٠**

٤٣ زیرا هیچ درخت نیکو، میوه بد به‌بار نمی‌آوَرَد و هیچ درخت بد، میوه نیکو نمی‌دهد. ٤٤ زیرا هر درخت از میوه‌اش شناخته می‌شود. چون انجیر از بوته خار چیده نمی‌شود و نه انگور از بوته تمشک. ٤٥ شخص نیکو از خزانه نیکوی دل خود نیکویی برمی‌آورد، و شخص بد از خزانه بد دل خود، بدی. زیرا زبان از پری دل سخن می‌گوید.

### خانه خود را بر صخره بنا کن

**لوقا ٦:٤٧–٤٩؛ مَتّی ٧:٢٤–٢٧**

٤٦ چرا مرا 'خداوند، خداوند' می‌خوانید، امّا به آنچه می‌گویم، عمل نمی‌کنید؟ ٤٧ هر که نزد من می‌آید و سخنانم را می‌شنود و به آنها عمل می‌کند، به شما نشان می‌دهم به چه کس شبیه است. ٤٨ او مانند کسی است که خانه‌ای می‌ساخت. زمین را عمیق کَند و بنیادش را بر صخره نهاد. و وقتی سیل آمد و سیلاب بر آن خانه هجوم برد، نتوانست آن را بجنباند، زیرا محکم ساخته شده بود. ٤٩ امّا آن که می‌شنود، ولی به آنها عمل نمی‌کند، مانند کسی است که خانه‌ای بی بنیاد، بر زمین ساخت. وقتی سیلاب بر آن خانه هجوم بُرد، در دم فروریخت و خرابی خانه عظیم بود.»

### عیسی غلام افسر رومی را شفا می‌دهد

٧ وقتی عیسی تمامی گفتار خود را به مردم به پایان رسانید، به کَفَرناحوم وارد شد. ٢ اینک یک نظامی رومی غلامی بسیار عزیز داشت که بیمار و مشرف به مرگ بود. ٣ وقتی آن نظامی درباره عیسی شنید، مشایخ یهود را نزدش فرستاد تا از او بخواهند که بیاید و غلامش را شفا دهد. ٤ و وقتی آنها نزد عیسی آمدند، با التماس بسیار به او گفتند: «این مرد سزاوار است که این لطف را در حقش بکنی، ٥ زیرا قوم ما را دوست می‌دارد و کسی است که کنیسه‌مان را برایمان ساخته است.» ٦ پس عیسی با آنان رفت. وقتی نزدیک خانه رسید، آن نظامی دوستانش را فرستاده و گفت: «ای آقا، خود را زحمت نده، زیرا لایق نیستم زیر سقف من آیی. ٧ از این رو، حتی خود را لایق ندانستم نزد تو بیایم. لیکن سخنی بگو و بگذار که خدمتکارم شفا پیدا کند. ٨ زیرا من خود تحت فرمان هستم و سربازانی نیز تحت فرمان خود دارم: به یکی می‌گویم، "برو"، می‌رود؛ و به دیگری: "بیا"، می‌آید. به غلام خود می‌گویم: "این را بکن"، می‌کند.» ٩ وقتی عیسی این را شنید، از او در شگفت شد و به جماعتی که از دنبالش می‌آمدند روی کرده، گفت: «به شما می‌گویم، چنین ایمانی حتی در اسرائیل هم نیافته‌ام.» ١٠ و وقتی فرستادگان به خانه برگشتند، غلام را سلامت یافتند.

**٧.٣** در متن یونانی، سانتوریون که معادل فرماندهی ١٠٠ سرباز رومی،

## عیسی پسر بیوه‌زنی را زنده می‌کند

**لوقا ۷:۱۱-۱۶ — مشابه اوّل پادشاهان ۱۷:۱۷-۲۴؛ دوّم پادشاهان ۴:۳۲-۳۷؛ مَرقُس ۵:۲۱-۲۴ و ۳۵-۴۳؛ یوحنا ۱۱:۱-۴۴**

۱۱ چندی بعد، به شهری به نام نائین رفت
و شاگردانش و جماعتی بزرگ به همراه او
رفتند. ۱۲ چون به نزدیک دروازه شهر رسید،
دید مرده‌ای را می‌برند که یگانه پسر بیوه‌زنی
بود و جماعتی زیاد از شهر همراهش بودند.
۱۳ چون خداوند او را دید، دلش بر او بسوخت
و به او گفت: «گریه نکن.» ۱۴ آنگاه نزدیک
آمد و تابوت را لمس کرد و حمل کنندگان
آن در جا ایستادند. پس گفت: «ای جوان،
تو را می‌گویم، برخیز.» ۱۵ و آن مرده راست
بنشست و سخن گفتن آغاز کرد و عیسی او را
به مادرش سپرد. ۱۶ ترس بر همه آنان مستولی
شد و خدا را ستایش کنان می‌گفتند: «پیامبری
بزرگ در میان ما ظهور کرده است! و خدا
قوم خود را تفقد نموده است!» ۱۷ و این خبر
درباره او در تمام یهودیه و همه نواحی اطراف
منتشر شد.

## فرستادگان از جانب یحیی

**لوقا ۷:۱۸-۳۵ — مَتّی ۱۱:۲-۱۹**

۱۸ شاگردان یحیا او را از همه این وقایع آگاه
ساختند. پس یحیی، ۱۹ دو نفر از شاگردانش
را خوانده، آنان را نزد خداوند فرستاده، گفت:
«آیا تو همان هستی که می‌بایست بیاید، یا
منتظر دیگری باشیم؟» ۲۰ و وقتی آن مردان
نزد او آمده، گفتند: «یحیای تعمیددهنده
ما را نزد تو فرستاده، می‌گوید آیا تو همان
هستی که می‌بایست بیاید، یا منتظر دیگری
باشیم؟» ۲۱ در همان ساعت، عیسی بسیاری
را از بیماریها و دردها و ارواح پلید شفا داد
و نابینایان بسیار را بینایی بخشید. ۲۲ پس
در پاسخ به آنان گفت: «بروید و آنچه
دیده و شنیده‌اید به یحیا بگویید که کوران
بینا می‌شوند، لنگان راه می‌روند، جذامیان پاک
می‌گردند، ناشنوایان شنوا می‌شوند، مردگان
زنده می‌گردند و به فقیران خبرخوش موعظه
می‌شود. ۲۳ خوشا به حال کسی که به سبب
من نلغزد.»

۲۴ وقتی فرستادگان یحیا رفتند، عیسی درباره
یحیا به آن جماعات سخن آغاز کرد که:
«برای دیدن چه چیز به بیابان رفته بودید؟
نی‌ای که از باد در جنبش است؟ ۲۵ پس
برای دیدن چه چیزی بیرون رفتید؟ مردی که
جامه‌ای لطیف در بر دارد؟ اینک آنان که
جامه‌های فاخر می‌پوشند و در تجمّل زندگی
می‌کنند، در قصرهای پادشاهانند. ۲۶ پس برای
دیدن چه بیرون رفته بودید؟ یک پیامبر؟ بله،
به شما می‌گویم که کسی بالاتر از یک پیامبر.
۲۷ این همان است که درباره‌اش نوشته شده:

«"اینک من پیام‌آور خود را پیش روی
تو می‌فرستم
کسی‌که راه تو را پیش رویت آماده
خواهد کرد."

۲۸ به شما می‌گویم که از اولاد زنان کسی بزرگتر
از یحیا نیست. امّا آنکه در پادشاهی خدا
کوچکترین است، از او بزرگتر است.»

۲۹ (وقتی که تمام مردم این را شنیدند، حتی
خراج‌گیران، اعلان کردند که خدا عادل است،
زیرا به دست یحیا تعمید گرفته بودند. ۳۰ امّا

**۱۹.۷** منظور مسیح موعود است که قوم در انتظار ظهورش بودند. **۲۷.۷** ملاکی ۳: ۱

فَریسیان و علمای شریعت اراده خدا را برای خود رد کردند، زیرا از او تعمید نگرفته بودند.)
۳۱ «پس، مردم این نسل را به چه تشبیه کنم؟ به چه می‌مانند؟ ۳۲ به کودکانی می‌مانند که در بازار می‌نشینند و یکدیگر را صدا می‌زنند:
«"برای شما نی نواختیم، نرقصیدید؛
مرثیه خواندیم، گریه نکردید."
۳۳ زیرا یحیای تعمیددهنده آمده است که نه نان می‌خورَد و نه شراب می‌نوشد؛ می‌گویید، "دیو دارد." ۳۴ پسر انسان آمده است که می‌خورَد و می‌نوشد؛ و می‌گویید: " ببینیدش! شکمباره و میگسار، دوست خراج‌گیران و گناهکاران!" ۳۵ با اینحال حکمت از سوی همه فرزندانش توجیه می‌شود.»

## زنی گناهکار بخشیده می‌شود

**لوقا ۳۷:۷–۳۹ — مشابه مَتّی ۶:۲۶–۱۳؛ مَرقُس ۳:۱۴–۹؛ یوحنا ۱:۱۲–۸**
**لوقا ۴۱:۷ و ۴۲ — مشابه مَتّی ۲۳:۱۸–۳۴**

۳۶ یکی از فَریسیان او را به صرف غذا دعوت کرد، پس به خانه آن فَریسی رفت و بر سفره نشست. ۳۷ و اینک در آن شهر، زنی گناهکار بود، چون شنید او در خانه آن فَریسی به غذا نشسته است، شیشه‌ای پر از عطر آورد ۳۸ و پشت سر او نزد پایهایش گریان ایستاد. اشکهایش بر پاهای او ریخته آنها را خیس کرد و او با مویهای سر خود آنها را خشک نموده، پاهای او را بوسید و به روغن معطر تدهین کرد. ۳۹ وقتی آن فَریسیِ که او را دعوت کرده بود این را دید، با خود گفت: «اگر این مرد پیامبر بود، باید می‌دانست این زن که او را لمس می‌کند، کیست و چگونه زنی است، زیرا که یک گناهکار است.» ۴۰ عیسی در جواب به او گفت: «ای شَمعون، می‌خواهم چیزی به تو بگویم.» گفت: «بگو، ای استاد!»
۴۱ «نزول‌خواری از دو نفر طلب داشت: از یکی پانصد دینار و از دیگری پنجاه دینار. ۴۲ چون آنان نمی‌توانستند پرداخت کنند، بدهی هر دو را بخشید. حال کدام‌یک او را بیشتر دوست خواهد داشت؟» ۴۳ شَمعون پاسخ داد: «به گمانم آن که بدهی بیشتری از او بخشیده شد.» پس به او گفت: «درست تشخیص دادی.» ۴۴ آنگاه به سوی آن زن اشاره کرده، به شَمعون گفت: «این زن را می‌بینی؟ به خانه‌ات آمدم، و تو برای پاهایم آب نیاوردی، امّا این زن با اشکهایش پاهای مرا خیس کرد و با مویهایش آنها را خشک نمود! ۴۵ تو مرا نبوسیدی، امّا از وقتی که وارد شدم، از بوسیدن پاهایم باز نایستاده است. ۴۶ تو بر سرم روغن نمالیدی، امّا او پاهایم را به روغن معطر تدهین کرد. ۴۷ پس به تو می‌گویم، گناهانش، که خیلی هم هست، آمرزیده شد، زیرا بیشتر محبت کرد. امّا آن که کمتر آمرزیده شد، کمتر هم محبت می‌کند.»
۴۸ پس به آن زن گفت: «گناهانت آمرزیده شد.» ۴۹ آنگاه آنها که با او بر سر سفره بودند، با یکدیگر گفتند: «این کیست که گناهان را نیز می‌آمرزد؟» ۵۰ پس به آن زن گفت: «ایمانت تو را نجات داده است، به سلامت برو.»

**۳۵.۷** می‌توان چنین ترجمه کرد که معنا داشته باشد: "با این حال درستی حکمت از جانب همه آنها که آن را به کار می‌گیرند، معلوم می‌شود."

## زنان عیسی را همراهی می‌کنند

۸ پس از آن، عیسی به شهرها و دهات رفته، موعظه می‌کرد و به پادشاهی خدا بشارت می‌داد. و آن دوازده با او بودند، ۲ و نیز چند زن که از ارواح پلید و بیماری‌ها شفا یافته بودند: مریم معروف به مَجدَلیّه که از او هفت دیو اخراج شده بود، ۳ یونا همسر خوزا، مباشر هیرودیس، سوسن و بسیاری زنان دیگر که از دارایی خود برای آنان تدارک می‌دیدند.

## مثل برزگر

**لوقا ۸:٤–۱۵؛ مَتّی ۱۳:۲–۲۳؛ مَرقُس ٤:۱–۲۰**

٤ و چون جماعتی بزرگ جمع می‌شدند و مردم از هر شهری نزد او می‌آمدند، مَثَلی را گفت: ٥ «برزگری برای پاشیدن بذرِ خود بیرون رفت. و چون بذر می‌کاشت، بعضی در راه افتاد و پایمال شد و پرندگان آسمان آنها را خوردند. ٦ و قدری بر سنگلاخ افتاد، و چون رویید، خشک شد، زیرا که رطوبتی نداشت. ۷ و بعضی میان خارها افتاد و خارها با آن رشد کرده، آنها را خفه کرد. ۸ و قدری در زمین نیکو افتاد و رشد کرد و صد چندان بار آورد.» چون این را گفت، ندا در داد: «هر که گوش شنوا دارد، بشنود.»

۹ آنگاه شاگردانش معنی این مَثَل را از او پرسیدند. ۱۰ گفت: «به شما عطا شده است که اسرار پادشاهی خدا را بدانید، امّا برای دیگران در مَثَل‌ها تا:

”بنگرند، نبینند؛
و بشنوند و نفهمند.“

۱۱ اما مَثَل این است: بذر، کلام خداست. ۱۲ آنانی‌که در کنار راه هستند، کسانی می‌باشند که وقتی می‌شنوند، آنگاه ابلیس می‌آید و کلام را از دلهایشان می‌رباید، تا ایمان نیآورند و نجات نیابند. ۱۳ و آنانی‌که بر سنگلاخ می‌افتند کسانی هستند که چون کلام را می‌شنوند، آن را با شادی می‌پذیرند، امّا این‌ها ریشه‌ای ندارند. برای مدتی ایمان دارند و در زمان امتحان می‌افتند. ۱٤ و اما آنچه که در میان خارها افتاد، کسانی هستند که می‌شنوند، امّا چون به راه خود می‌روند توسط نگرانی‌ها، ثروت و لذات زندگی خفه می‌شوند و ثمرشان به‌کمال نمی‌رسد. ۱٥ امّا آنهایی‌که بر زمین نیکو می‌افتند، کسانی هستند که کلام را می‌شنوند، با دلی پاک و نیکو آن را نگاه می‌دارند و با صبر ثمر می‌آورند.

## چراغی زیر ظرف

۱٦ هیچ‌کس چراغ را برنمی‌افروزد تا ظرفی بر آن بنهد یا آن را زیر تخت بگذارد، بلکه آن را بر چراغدان می‌گذارند تا هر که داخل شود، روشنایی را ببیند. ۱۷ زیرا هیچ چیز پنهان نیست که ظاهر نشود و نه هیچ چیز مخفی که معلوم و آشکار نگردد. ۱۸ پس دقّت کنید چگونه می‌شنوید، زیرا به آن که دارد بیشتر داده خواهد شد و از آن که ندارد، همان هم که گمان می‌کند دارد، گرفته خواهد شد.»

## مادر و برادران عیسی

**لوقا ۸:۱۹–۲۱؛ مَتّی ۱۲:٤٦–٥۰؛ مَرقُس ۳:۳۱–۳٥**

۱۹ آنگاه مادر و برادرانش آمدند تا او را ببینند، امّا به سبب جماعت نتوانستند به او نزدیک شوند. ۲۰ به وی خبر دادند که: «مادر و برادرانت بیرون ایستاده‌اند و می‌خواهند تو را

**۸:۱۰** اِشعیا ۶:۹.

ببینند.» ۲۱ اما او، به آنان جواب داد: «مادر و برادران من کسانی هستند که کلام خدا را می‌شنوند و به آن عمل می‌کنند.»

## عیسی طوفان را آرام می‌کند

**لوقا ۸:۲۲-۲۵ — مَتّی ۸:۲۳-۲۷؛ مَرقُس ٤:۳٦-٤۱**
**لوقا ۸:۲۲-۲۵ — مشابه مَرقُس**
**٦:٤۷-۵۲؛ یوحنا ٦:۱٦-۲۱**

۲۲ روزی عیسی با شاگردان خود سوار قایقی شد و به آنان گفت: «به آن سوی دریاچه برویم.» پس به راه افتادند. ۲۳ و چون می‌رفتند، او به خواب رفت. ناگاه تندبادی بر دریاچه آمد، به حدّی‌که قایق از آب پر می‌شد و در خطر بودند. ۲٤ پس رفتند و او را بیدار کرده، گفتند: «ای استاد، ای استاد، هلاک می‌شویم!» پس بیدار شد و باد و امواج خروشان را توبیخ کرد تا فرونشست و آرامی برقرار شد. ۲۵ به ایشان گفت: «ایمانتان کجاست؟» و ایشان ترسان گشتند و با تعجب به یکدیگر می‌گفتند: «این دیگر کیست که حتی به باد و آب فرمان می‌دهد و آنها از او اطاعت می‌کنند؟»

## عیسی یک دیوزده را شفا می‌دهد

**لوقا ۸:۲٦-۳۷ — مَتّی ۸:۲۸-۳٤**
**لوقا ۸:۲٦-۳۹ — مَرقُس ۵:۱-۲۰**

۲٦ آنگاه به سرزمین جِراسیان که مقابل جلیل است، رسیدند. ۲۷ وقتی عیسی قدم بر خشکی گذاشت، در آنجا به مردی از شهر برخورد که دیوها داشت. چونکه مدت زیادی بود که لباس نپوشیده و در خانه‌ای زندگی نکرده بود، بلکه در میان قبرها به سر می‌برد. ۲۸ وقتی عیسی را دید، نعره زد و به پایش افتاد و با صدای بلند گفت: «ای عیسی، پسر خدای متعال، تو را با من چه کار است؟ از تو التماس می‌کنم مرا عذاب ندهی.» ۲۹ زیرا به روح پلید دستور داده بود که از آن مرد بیرون بیآید. زیرا آن روح بارها او را گرفته بود. با آنکه دست و پایش را به غل و زنجیر می‌بستند و از او نگهبانی می‌کردند، اما بندها را پاره می‌کرد و دیو او را به بیابان می‌راند. ۳۰ آنگاه عیسی از او پرسید: «نامت چیست؟» و او گفت: «لِژیون،» زیرا دیوهای بسیار داخل او شده بودند. ۳۱ و او را التماس‌کردند که به ایشان دستور ندهد که به دنیای مردگان بروند.

۳۲ اینک در آن نزدیکی، گله بزرگی از خوک بود که در تپه به غذا مشغول بود. آنها به او التماس کردند اجازه دهد به ایشان داخل شوند. پس به ایشان اجازه داد. ۳۳ آنگاه دیوها از آن مرد بیرون آمدند و به خوکها داخل شدند، و گلّه از سراشیبی تپه به دریاچه هجوم برده، غرق شدند.

۳٤ چون خوکبانان این را دیدند، فرار کردند و در شهر و آن حوالی، ماجرا را گفتند. ۳۵ آنگاه مردم بیرون آمدند تا آنچه را روی داده بود ببینند، و چون نزد عیسی رسیدند و آن مرد را که دیوها از او بیرون رفته بودند، دیدند که لباس به تن کرده و عاقل نزد پاهای عیسی نشسته، ترسیدند. ۳٦ و کسانی که این را دیده بودند، به ایشان گفتند که مرد دیوزده چگونه شفا یافته بود. ۳۷ پس همه مردم ناحیه جِراسیان از او خواستند از نزدشان برود، زیرا ترسی شدید بر آنان چیره شده بود. پس او سوار قایق شد و برگشت. ۳۸ لیکن مردی که

**۲٦.۸** در برخی از ترجمه‌ها، جَدَریان **۳۰.۸** واژه لاتینی از واحد ارتشی روم و معادل ۵ الی ٦ هزار سرباز

دیوها از او بیرون رفته بودند، خواهش کرد که با وی باشد، امّا عیسی او را روان کرده، گفت: ۳۹ «به خانه خود برگرد و آنچه را خدا برایت کرده است، اعلان کن.» پس او رفته و در سراسر شهر اعلان کرد که عیسی برای او چه کرده است.

## عیسی یک زن و نیز دختر یایروس را شفا می‌دهد

**لوقا ۸:۴۰–۵۶ — مَتّی ۹:۱۸–۲۶؛ مَرقُس ۵:۲۲–۴۳**

۴۰ حال وقتی عیسی مراجعت کرد، جماعت او را استقبال کردند، زیرا همه منتظر او بودند. ۴۱ و در آنجا، مردی یایروس نام که رئیس کنیسه بود، آمده، به پای عیسی افتاده، به او التماس کرد که به خانه‌اش بیاید، ۴۲ زیرا تنها دخترش که حدود دوازده سال داشت، در حال مرگ بود.

هنگامی که عیسی در راه بود، مردم از هر طرف بر او فشار می‌آوردند. ۴۳ و در آنجا زنی بود که دوازده سال دچار خونریزی بود و گرچه تمام دارایی خود را صرف طبیبان کرده بود، هیچ‌کس نتوانست او را شفا دهد. ۴۴ او از پشت سر وی آمد و لبه ردای او را لمس کرد و فورا خونریزی‌اش قطع شد. ۴۵ آنگاه عیسی گفت: «چه کسی مرا لمس کرد؟» وقتی همه انکار کردند، پطرس گفت: «ای استاد، جماعات تو را احاطه کرده‌اند و بر تو فشار می‌آورند!» ۴۶ امّا عیسی گفت: «کسی مرا لمس کرد، زیرا که دریافتم قوتی از من بیرون رفته است.» ۴۷ پس چون آن زن دید نمی‌تواند پنهان بماند، لرزان آمد و به پای او افتاده، در برابر همه مردم گفت که چرا او را لمس کرد و چگونه فورا شفا یافته است.

۴۸ پس به او گفت: «ای دختر، ایمانت تو را شفا داده است. به سلامت برو.»

۴۹ و هنوز سخن می‌گفت که کسی از خانه آن رئیس آمد و گفت: «دخترت مرد، استاد را بیش از این زحمت نده.» ۵۰ اما عیسی وقتی این را شنید، به او گفت: «نترس، فقط ایمان داشته باش، دخترت خوب خواهد شد.» ۵۱ و چون به خانه وارد شد، اجازه نداد کسی جز پطرس و یوحنا و یعقوب و پدر و مادر آن بچه با او داخل شود. ۵۲ و همه برای دختر گریه و ماتم می‌کردند. اما او گفت: «گریه نکنید، زیرا دختر نمرده، بلکه خوابیده است.» ۵۳ آنها به او خندیدند، زیرا می‌دانستند که دختر مرده است. ۵۴ امّا او دست دختر را گرفته، گفت: «ای بچه، برخیز.» ۵۵ پس روح او برگشت و در دَم برخاست. پس فرمود تا به او خوراک دهند. ۵۶ و والدین دختر در شگفت شدند، امّا او بدیشان امر فرمود که ماجرا را به کسی نگویند.

## عیسی دوازده رسول را می‌فرستد

**لوقا ۹:۳–۵ — مَتّی ۱۰:۹–۱۵؛ مَرقُس ۶:۸–۱۱**
**لوقا ۹:۷–۹ — مَتّی ۱۴:۱ و ۲؛ مَرقُس ۶:۱۴–۱۶**

۹ پس او آن دوازده را با هم خواند و به آنان بر همه دیوها و شفای بیماری‌ها قدرت و اقتدار بخشید. ۲ و ایشان را فرستاد تا پادشاهی خدا را اعلان کنند و بیماران را شفا دهند. ۳ و به ایشان گفت: «هیچ چیز برای سفرتان برندارید، نه عصا، نه کوله‌بار، نه نان، نه پول و نه دو لباس. ۴ به هر خانه‌ای که وارد می‌شوید، همانجا بمانید و از آنجا روان شوید. ۵ و هر جا که شما را نپذیرند، وقتی آن شهر را ترک می‌کنید، خاک پاهای خود را بتکانید تا شهادتی بر علیه آنها باشد.» ۶ آنها به راه افتادند و

در دهات می‌رفتند و در هر جا خبر خوش را موعظه می‌کردند و شفا می‌دادند.

### هیرودیس در مورد عیسی سردرگم است

۷ حال، هیرودیسِ تترارخ وقتی خبر همه این وقایع را شنید، در حیرت شد، زیرا برخی می‌گفتند که یحیا از مردگان برخاسته است. ۸ برخی دیگر می‌گفتند ایلیا ظهور کرده است، و بعضی می‌گفتند یکی از پیامبران قدیم زنده شده است. ۹ هیرودیس گفت: «سر یحیا را من بریدم. پس این کیست که این چیزها را درباره‌اش می‌شنوم؟» و می‌کوشید او را ببیند.

### خوراک دادن به پنج هزار نفر

**لوقا ۹:۱۰-۱۷ — مَتّی ۱۴:۱۳-۲۱؛ مَرقُس ۶:۳۲-۴۴؛ یوحنا ۶:۵-۱۳**

**لوقا ۹:۱۳-۱۷ — مشابه دوّم پادشاهان ۴:۴۲-۴۴**

۱۰ چون رسولان بازگشتند، هرآنچه کرده بودند به او خبر دادند. آنگاه ایشان را برداشت و به شهری به نام بِیت‌صِیدا برد تا در آنجا تنها باشند. ۱۱ امّا چون جماعات باخبر شدند، به دنبال او روان گشتند و او آنان را پذیرفت و با ایشان از پادشاهی خدا سخن گفت و کسانی را که نیاز به درمان داشتند، شفا بخشید.

۱۲ اینک چون روز به پایان می‌رسید، آن دوازده نزدش آمدند و به او گفتند: «جماعت را مرخص فرما تا به دهات و روستاهای اطراف بروند و جا و خوراک پیدا کنند، زیرا که اینجا در مکانی دورافتاده هستیم.» ۱۳ اما او به آنان گفت: «شما به ایشان غذا دهید.» گفتند: «ما جز پنج نان و دو ماهی چیزی نداریم، مگر اینکه برویم و برای همه این مردم غذا بخریم.» ۱۴ زیرا در آنجا حدود پنج هزار مرد بودند. پس به شاگردان خود گفت: «مردم را در گروههای پنجاه نفری بنشانید.» ۱۵ پس ایشان چنین کردند و همه را نشانیدند. ۱۶ آنگاه پنج نان و دو ماهی را گرفته، به آسمان نگریست و آنها را برکت داده، پاره کرد و به شاگردان داد تا پیش جماعت بگذارند. ۱۷ پس همه خوردند و سیر شدند. و دوازده سبد از پاره‌های باقی‌مانده برداشتند.

### پطرس اعتراف می‌کند که عیسی، مسیح است

**لوقا ۹:۱۸-۲۰ — مَتّی ۱۶:۱۳-۱۶؛ مَرقُس ۸:۲۷-۲۹**

**لوقا ۹:۲۲-۲۷ — مَتّی ۱۶:۲۱-۲۸؛ مَرقُس ۸:۳۱-۹:۱**

۱۸ وقتی که او به تنهایی دعا می‌کرد و شاگردانش با او بودند، عیسی از ایشان پرسید: «جماعات مرا که می‌دانند؟» ۱۹ و آنان جواب دادند: «یحیای تعمیددهنده و برخی ایلیا، و برخی دیگر تو را یکی از پیامبران قدیم می‌دانند که زنده شده است.» ۲۰ آنگاه به ایشان گفت: «امّا شما مرا که می‌دانید؟» پطرس پاسخ داد: «مسیحِ خدا.»

### عیسی مرگ خود را پیشگویی می‌کند

۲۱ پس ایشان را اکیدا قدغن کرد و دستور داد این را به کسی نگویند، ۲۲ و گفت: «پسر انسان می‌باید زحمت بسیار بیند و مشایخ و سران کاهنان و معلمین تورات او را ردّ کنند و کشته شود و در روز سوّم برخیزد.»

### صلیب خود را برداشته و عیسی را پیروی کن

۲۳ پس به همه گفت: «اگر کسی بخواهد مرا پیروی کند، بگذار خود را انکار کند و صلیب خود را هر روزه بردارد و از پی من آید. ۲۴ زیرا هر که بخواهد جان خود را نجات

دهد، آن را از دست خواهد داد، امّا هر که به خاطر من جانش را از دست بدهد، آن را نجات خواهد داد. ۲۵ زیرا انسان را چه سود که تمام دنیا را ببَرد، امّا جان خویش را ببازد یا آن را از دست بدهد. ۲۶ زیرا هر که از من و کلام من عار داشته باشد، پسر انسان نیز وقتی در جلال خود و جلال پدر و فرشتگان مقدّس بیآید، از او عار خواهد داشت. ۲۷ لیکن حقیقتا به شما می‌گویم، برخی اینجا ایستاده‌اند که تا پادشاهی خدا را نبینند، طعم مرگ را نخواهند چشید.»

## تبدیل چهره عیسی

**لوقا ۲۸:۹–۳۶؛ مَتّی ۱:۱۷–۸؛ مَرقُس ۲:۹–۸**

۲۸ حال، حدود هشت روز پس از این سخنان، عیسی، پطرس و یوحنا و یعقوب را با خود برداشت و بر فراز کوهی رفت تا دعا کند. ۲۹ و چون دعا می‌کرد، ظاهر چهره‌اش تغییر کرد و لباس او سفید و درخشان شد. ۳۰ و ناگاه دو مرد، موسی و ایلیا با او گفتگو می‌کردند. ۳۱ آنان در جلال ظاهر شده بودند و درباره رحلت او که می‌بایست به‌زودی در اورشلیم رخ دهد، سخن می‌گفتند. ۳۲ اینک، چشمان پطرس و همراهانش با خواب سنگین شده بود، امّا وقتی به طور کامل بیدار شدند، جلال او و آن دو مرد را که با او ایستاده بود، دیدند. ۳۳ و چون آن مردان از او جدا می‌شدند، پطرس به عیسی گفت: «ای استاد، بودن ما در اینجا نیکوست. بگذار سه سایبان بسازیم، یکی برای تو، یکی برای موسی و یکی هم برای ایلیا.» زیرا نمی‌دانست چه می‌گوید. ۳۴ هنوز این سخنان بر زبانش بود که ابری آمد و بر آنان سایه انداخت و چون به ابر داخل می‌شدند، ترسان گشتند. ۳۵ و صدایی از ابر آمده، گفت «این است پسر من، پسر برگزیده من؛ او را بشنوید!» ۳۶ و وقتی صدا قطع شد، عیسی را تنها دیدند. و ایشان ساکت ماندند و از آنچه دیده بودند، هیچ‌کس را آگاه نکردند.

## عیسی پسری با روح پلید را شفا می‌دهد

**لوقا ۳۷:۹–۴۲ و ۴۳–۴۵ — مَتّی ۱۴:۱۷–۱۸ و ۲۲ و ۲۳؛ مَرقُس ۱۴:۹–۲۷ و ۳۰–۳۲**

۳۷ روز بعد، چون از کوه پایین آمدند، جماعتی بزرگ او را ملاقات کردند. ۳۸ که ناگاه مردی از میان جماعت فریاد زد: «ای استاد، التماست می‌کنم، بر پسر من لطف کنی، زیرا تنها فرزند من است. ۳۹ اینک، روحی او را می‌گیرد و او در دَم نعره می‌زند و دچار تشنج می‌شود به حدی که دهانش کف می‌کند، و او را خرد می‌کند به‌دشواری رها می‌نماید. ۴۰ به شاگردانت التماس کردم که او را بیرون کنند، امّا نتوانستند.» ۴۱ عیسی پاسخ داد: «ای نسل بی‌ایمان و کج‌رو، تا به کِی با شما باشم و تحملتان کنم؟ پسرت را اینجا بیاور.» ۴۲ در همان هنگام که او می‌آمد، دیو او را بر زمین زد و به تشنج انداخت. امّا عیسی به آن روح پلید نهیب زد و پسر را شفا داد و به پدرش سپرد. ۴۳ و همه از بزرگی خدا در حیرت افتادند.

## عیسی مرگ خود را باز پیشگویی می‌کند

و وقتی که همه از کارهای وی در شگفت بودند، عیسی به شاگردان خود گفت: ۴۴ «این کلام را به گوشتان بسپارید: پسر انسان به دست مردم تسلیم خواهد شد.» ۴۵ امّا این کلام را نفهمیدند، و از آنان مخفی ماند تا

**۳۱.۹** در متن یونانی، واژه "خروج" برایش به کار برده شده است که یادآورد خروج قوم بنی‌اسرائیل از مصر می‌باشد.

آنرا درک نکنند و می‌ترسیدند در این باره از او سؤال کنند.

### بزرگترین کیست؟

**لوقا ۹:٤٦-٤۸ – مَتّی ۱۸:۱-٥**
**لوقا ۹:٤٦-٥۰ – مَرقُس ۹:۳۳-٤۰**

٤٦ و در میان ایشان بحثی درگرفت که
کدام‌یک از آنان بزرگترین است. ٤٧ اما عیسی
که از افکار ایشان آگاه بود، کودکی را گرفت
و در کنار خود قرار داد، ٤۸ و به آنان گفت:
«هر که این کودک را به نام من بپذیرد، مرا
پذیرفته است؛ و هر که مرا بپذیرد، فرستنده
مرا پذیرفته است. زیرا در میان همه شما آن
که کوچکتر باشد، همان بزرگ است.»

### کسی که به ضدّ ما نیست با ماست

٤۹ یوحنا جواب داد: «ای استاد، کسی را
دیدیم که به نام تو دیوها اخراج می‌کرد، و سعی
کردیم او را مانع شویم، زیرا پیروی ما نمی‌کند.»
٥۰ اما عیسی به او گفت: «او را مانع مشوید،
زیرا هر که بر ضد شما نیست، با شماست.»

### یک دهکده سامری عیسی را رد می‌کند

٥۱ چون روزهای صعود او نزدیک می‌شد،
با عزمی راسخ رو به اورشلیم نهاد. ٥۲ پس
پیشاپیش خود فرستادگانی اعزام داشت که
به یکی از دهکده‌های سامِریان رفتند تا برای
او تدارک ببینند. ٥۳ امّا مردم او را نپذیرفتند،
زیرا عازم اورشلیم بود. ٥٤ و چون شاگردان او،
یعقوب و یوحنا، این را دیدند، گفتند: «ای
خداوند، آیا می‌خواهی بگوییم آتش از آسمان
نازل شود و همه آنها را نابود کند؟» ٥٥ امّا
او روی گردانیده، توبیخشان کرد. ٥٦ پس به
دهکده‌ای دیگر رفتند.

### بهای پیروی از عیسی

**لوقا ۹:٥۷-٦۰ – مَتّی ۸:۱۹-۲۲**

٥۷ وقتی می‌رفتند، در حین راه، کسی به او
گفت: «هر جا بروی، تو را پیروی خواهم
کرد.» ٥۸ و عیسی به او گفت: «روباهان را
لانه‌هاست و پرندگان آسمان را آشیانه‌ها، امّا
پسر انسان را جای سر نهادن نیست.» ٥۹ به
دیگری گفت: «مرا پیروی کن.» امّا او گفت:
«ای خداوند، اوّل اجازه بده تا بروم و پدرم
را دفن کنم.» ٦۰ عیسی به او گفت: «بگذار
مردگان، مردگانِ خود را دفن کنند. امّا تو برو
و پادشاهی خدا را موعظه کن.» ٦۱ با اینحال
کسی دیگر گفت: «ای خداوند، تو را پیروی
خواهم کرد، امّا اوّل اجازه بده تا اهل خانه
خود را وداع گویم.» ٦۲ عیسی به او گفت:
«کسی که دست به شخم‌زنی ببرد و به عقب
بنگرد، مناسب پادشاهی خدا نیست.»

### عیسی هفتاد و دو نفر را اعزام می‌کند

**لوقا ۱۰:٤-۱۲ – لوقا ۹:۳-٥ لوقا ۱۰:۱۳-۱٥ و ۲۱ و ۲۲ – مَتّی ۱۱:۲۱-۲۳ و ۲٥-۲۷**
**لوقا ۱۰:۲۳ و ۲٤ – مَتّی ۱۳:۱٦ و ۱۷**

۱۰ پس از این، خداوند هفتاد و دو نفر
دیگر را تعیین نمود و آنها را دو به
دو پیشاپیش خود به هر شهر و مکانی که
خود قصد رفتن به آنجا را داشت، فرستاد. ۲ و
به ایشان گفت: «محصول فراوان است، امّا
کارگران کم. پس خالصانه به صاحب محصول

**۵۹.۹** منظور آن شخص این بود که برود و از پدر پیرش مطابق آنچه که در ده فرمان آمده بود، نگهداری کند و بعد از مرگ او بیاید و شاگردش شود. **۱.۱۰** در برخی ترجمه‌ها، هفتاد نفر

دعا کنید که کارگران به محصول خود بفرستد.
۳ بروید، اینک من شما را چون برّه‌ها در میان
گرگها می‌فرستم. ٤ کیسه پول یا کوله‌بار یا
کفش برندارید، و در راه کسی را سلام نگویید.
۵ به هر خانه‌ای که وارد می‌شوید، اول بگویید:
"صلح و سلامتی بر این خانه باد." ٦ اگر پسر
صلح و سلامتی در آنجا باشد، سلام شما بر
او قرار خواهد گرفت؛ و گرنه، به شما باز
خواهد گشت. ۷ و در همان خانه بمانید و
هر چه به شما دادند، بخورید و بیاشامید، زیرا
کارگر مستحق مزد خویش است. از خانه‌ای به
خانه دیگر نروید. ۸ چون وارد شهری شدید و
شما را پذیرفتند، هرچه پیش شما گذاشتند،
بخورید. ۹ بیماران آنجا را شفا دهید و به آنها
گویید: "پادشاهی خدا به شما نزدیک شده
است." ۱۰ امّا چون به شهری وارد شدید و
شما را نپذیرفتند، به کوچه‌های آن شهر بروید
و بگویید: ۱۱ "حتی خاک شهر شما را که بر
پاهای ما چسبیده، بر علیه شما می‌تکانیم. امّا
این را بدانید که پادشاهی خدا نزدیک شده
است." ۱۲ به شما می‌گویم که تحمّل در آن
روز برای سُدوم آسانتر خواهد بود تا برای آن
شهر.

### وای بر شهرهای ناتوبه کار

۱۳ وای بر تو، ای خورَزین! وای بر تو، ای
بِیت‌صِیدا! زیرا اگر معجزاتی که در شما انجام
شد، در صور و صیدون روی می‌داد، آنها
مدتها پیش در پلاس و خاکستر می‌نشستند
و توبه می‌کردند. ١٤ امّا در داوری، تحمل
مجازات برای صور و صیدون آسانتر خواهد
بود تا برای شما. ۱۵ و تو ای کَفَرناحوم، آیا تا
به آسمان سر خواهی افراشت؟ تو به هاویه
سرنگون خواهی شد.
۱٦ هر که شما را بشنود، مرا شنیده است؛ و
هر که شما را نپذیرد، مرا نپذیرفته است، و هر
که مرا نپذیرد، فرستنده مرا نپذیرفته است.»

### بازگشت هفتاد و دو نفر

۱۷ آن هفتاد و دو نفر با شادی بازگشته،
گفتند: «ای خداوند، حتی دیوها هم در نام
تو مطیع ما هستند.» ۱۸ آنگاه به ایشان گفت:
«شیطان را دیدم که چون برق از آسمان
می‌افتد. ۱۹ اینک شما را اقتدار داده‌ام که ماران
و عقربها و تمامی قدرت دشمن را پایمال کنید،
و هیچ چیز به شما آسیب نخواهد رسانید.
۲۰ با این حال، از این شادی نکنید که ارواح
از شما اطاعت می‌کنند، بلکه شادی کنید که
نامتان در آسمان نوشته شده است.»

### عیسی در اراده پدر شادی می‌کند

۲۱ در همان ساعت، او در روح‌القدس به
وجد آمد و گفت: «ای پدر، مالک آسمان و
زمین، تو را می‌ستایم که این امور را از دانایان
و خردمندان مخفی داشتی و بر کودکان آشکار
کرده‌ای. بله، ای پدر، زیرا اراده پر از لطف تو
چنین بود. ۲۲ پدرم همه چیز را به من سپرده
است و هیچ‌کس نمی‌داند پسر کیست جز
پدر، و هیچ‌کس نمی‌داند پدر کیست جز پسر،
و هر که پسر بخواهد او را بر ایشان آشکار
سازد.»
۲۳ آنگاه در خلوت، رو به شاگردان کرده،
گفت: «خوشا به حال چشمانی که آنچه
شما می‌بینید، می‌بینند. ۲٤ زیرا به شما می‌گویم

**٤.۱۰** منظور "احوالپرسی" کردن است و به این ترتیب تلف کردن وقت. **٦.۱۰** منظور کسی از اهل صلح و سلامتی **۱۵.۱۰** منظور "دنیای مردگان"

بسیاری از انبیا و پادشاهان آرزو داشتند آنچه شما می‌بینید، ببینند و ندیدند، و آنچه شما می‌شنوید، بشنوند و نشنیدند.»

### مَثَل سامری نیکو

**لوقا ۱۰:۲۵–۲۸؛ مَتّی ۲۲:۳۴–۴۰؛ مَرقُس ۱۲:۲۸–۳۱**

۲۵ ناگاه یکی از معلمین شریعت برخاست تا او را بیازماید، پس گفت: «ای استاد، چه کنم تا وارث حیات جاودان شوم؟» ۲۶ عیسی به او گفت: «در تورات چه نوشته است؟ تو آن‌را چگونه می‌خوانی؟» ۲۷ جواب داد: «"خداوند خدای خود را با تمامی دل و با تمامی جان و با تمامی قوّت و با تمامی فکر خود دوست داشته باش." و "همسایه‌ات را مثل خود."» ۲۸ پس به او گفت: «درست جواب دادی. این را به جای آور که حیات خواهی داشت.»

۲۹ امّا او برای توجیه خود، به عیسی گفت: «همسایه من کیست؟» ۳۰ عیسی پاسخ داد: «مردی از اورشلیم به اَریحا می‌رفت، و گرفتار راهزنان شد، آنها او را لخت کردند و زدند، و نیمه‌جان رهایش کرده، رفتند. ۳۱ از قضا کاهنی از همان راه می‌گذشت. امّا چون او را دید، از طرف دیگر رفت. ۳۲ همچنین یک لاوی نیز چون به آنجا آمد و او را دید از طرف دیگر جاده رفت. ۳۳ امّا یک سامِری که مسافر بود، به آنجا رسید و چون آن مرد را دید، دلش بر او سوخت. ۳۴ پس نزد او رفت و بر زخمهایش روغن و شراب ریخته، آنها را بست. آنگاه او را بر حیوان خود گذاشت و به کاروانسرایی برد و از او مراقبت کرد. ۳۵ و روز بعد، دو دینار درآورد و به صاحب کاروانسرا داده، گفت: "از او مراقبت کن و اگر بیش از این خرج کردی، زمانی که برگردم، به تو پس خواهم داد." ۳۶ به نظر تو کدام‌یک از این سه نفر، همسایه مردی بود که به دست راهزنان افتاد؟» ۳۷ او گفت: «آن که به او ترحم کرد.» پس عیسی به او گفت: «برو و تو نیز چنین کن.»

### مارتا و مریم

۳۸ حال چون به راه خود می‌رفتند، عیسی به دهکده‌ای وارد شد و زنی به نام مارتا او را به خانه خود پذیرفت. ۳۹ و او خواهری به نام مریم داشت که نزد پایهای خداوند نشست و به تعلیم او گوش می‌داد. ۴۰ امّا مارتا به علت زیادی خدمت دستپاچه شده بود. پس نزد وی آمد و گفت: «ای خداوند، آیا تو را باکی نیست که خواهرم مرا در پذیرایی تنها گذاشته است؟ پس به او بگو که مرا کمک کند.» ۴۱ امّا خداوند به او جواب داد: «ای مارتا، ای مارتا، تو برای چیزهای بسیار نگران و مضطرب هستی، ۴۲ لیکن یک چیز لازم است و مریم آن نصیب خوب را برگزیده، که از او گرفته نخواهد شد.»

### دعای خداوند

**لوقا ۱۱:۲–۴؛ مَتّی ۶:۹–۱۳**
**لوقا ۱۱:۹–۱۳؛ مَتّی ۷:۷–۱۱**

۱۱ حال، عیسی در مکانی دعا می‌کرد، و چون تمام کرد، یکی از شاگردانش به او گفت: «ای خداوند، دعا کردن را به ما بیاموز، چنان‌که یحیا به شاگردانش آموخت.» ۲ به ایشان گفت: «هرگاه دعا می‌کنید، بگویید:

**۲۷.۱۰** تثنیه ۶: ۵ **۲۷.۱۰** لاویان ۱۹: ۱۸

«”ای پدر،
نام تو مقدّس باد،
پادشاهی تو بیاید،
۳ نان روزانه ما را هر روز به ما بده.
۴ و گناهان ما را ببخش،
زیرا ما نیز قرضداران خود را می‌بخشیم.
و ما را در امتحان میاور.“»
۵ و به ایشان گفت: «کدام‌یک از شماست که دوستی داشته باشد و نیمه‌شب نزد وی برود و بگوید: ”ای دوست، سه قرص نان به من قرض بده، ۶ زیرا یکی از دوستانم از سفر رسیده است و چیزی ندارم تا پیش او بگذارم،“ ۷ و او از درون جواب دهد: ”زحمتم نده، اکنون در بسته است، و فرزندانم با من در بسترند. نمی‌توانم برخیزم و چیزی به تو بدهم؟“ ۸ به شما می‌گویم، هرچند به خاطر دوستی برنخیزد و به او چیزی ندهد، امّا به‌خاطر پافشاری او برخواهد خاست و هرآنچه نیاز دارد، به او خواهد داد.
۹ پس به شما می‌گویم، بخواهید که به شما داده خواهد شد؛ بجویید که خواهید یافت؛ بکوبید که آن، برایتان گشوده خواهد شد.
۱۰ زیرا هر که بخواهد، دریافت می‌کند، و هر که بجوید، به دست می‌آورد، و هر که بکوبد، برایش گشوده شود. ۱۱ کدام پدر در بین شما، اگر پسرش از او ماهی بخواهد، در عوض ماهی، ماری به او می‌دهد؟ ۱۲ یا اگر تخم‌مرغ بخواهد، عقربی به او می‌دهد؟ ۱۳ پس اگر شما که شریر هستید، می‌دانید که چگونه به فرزندان خود هدایای نیکو بدهید، چقدر بیشتر پدر آسمانی، روح‌القدس را به هر که از او بخواهد، عطا خواهد فرمود.»

## عیسی و بِعلِزِبول

**لوقا ۱۱:۱۴ و ۱۵ و ۱۷–۲۲ و ۲۴–۲۶ — مَتّی ۱۲:۲۲ و ۲۴–۲۹ و ۴۳–۴۵**
**لوقا ۱۱:۱۷–۲۲؛ مَرقُس ۳:۲۳–۲۷**

۱۴ عیسی دیوی لال را از کسی بیرون می‌کرد. چون دیو بیرون رفت، مرد لال سخن گفت و مردم در شگفت شدند. ۱۵ امّا برخی از آنان گفتند: «او دیوها را به یاری بِعلِزِبول، رئیس دیوها، بیرون می‌کند.» ۱۶ و دیگران از روی امتحان، از او نشانه‌ای آسمانی می‌طلبیدند.
۱۷ امّا او که از افکار آنها آگاه بود، به ایشان گفت: «هر حکومتی که بر ضد خود تقسیم شود، تلف خواهد شد، و خانه‌ای که منقسم است، فرو می‌ریزد. ۱۸ و اگر شیطان نیز بر ضد خود تقسیم شود، چگونه پادشاهی‌اش پابرجا می‌مانَد؟ زیرا می‌گویید من دیوها را به یاری بِعلِزِبول بیرون می‌کنم. ۱۹ پس اگر من به یاری بِعلِزِبول دیوها را بیرون می‌کنم، پسران شما به یاری که آنها را بیرون می‌کنند؟ پس ایشان، داوران شما خواهند بود. ۲۰ امّا اگر به انگشت خداست که من دیوها را بیرون می‌کنم، پس پادشاهی خدا بر شما آمده است. ۲۱ وقتی مردی نیرومند و مسلّح از خانه خود محافظت می‌کند، اموالش در امان خواهد بود. ۲۲ امّا چون کسی نیرومندتر از او به وی حمله کند و بر او چیره شود، سلاحش را که به آن توکل دارد، از او می‌گیرد و غنیمتش را تقسیم می‌کند.
۲۳ هر که با من نیست، بر ضد من است، و هر که با من جمع نکند، پراکنده سازد.

---

**۱۹.۱۱** منظور "شاگردان شما"

### مراجعت روح پلید

۲۴ وقتی روح پلید از کسی بیرون می‌آید، به
مکانهای بی‌آب برای استراحت می‌رود و چون
جایی نمی‌یابد، می‌گوید: "به خانه‌ای که از آن
آمدم، برخواهم گشت." ۲۵ و وقتی می‌آید و
خانه را رُفته و مرّتب می‌بیند، ۲۶ آنگاه می‌رود
و هفت روح بدتر از خود را می‌آورد، و داخل
شده در آنجا ساکن می‌شوند. و سرانجام آن
شخص، بدتر از اولش می‌شود.»

### برکت حقیقی

۲۷ هنگامی که عیسی این سخنان را می‌گفت،
زنی از میان جمعیت به صدای بلند به او
گفت: «خوشا به حال رحمی که تو را حمل
کرد و پستانهایی که به تو شیر داد.» ۲۸ امّا
عیسی گفت: «نه، بلکه، خوشا به حال آنان
که کلام خدا را می‌شنوند و آن را به جا
می‌آورند.»

### نشانه یونس

**لوقا ۱۱:۲۹-۳۲ – مَتّی ۱۲:۳۹-۴۲**

۲۹ وقتی جماعات افزوده می‌شدند، او به
سخن گفتن آغاز کرد که: «این نسل، نسلی
شریر است. نشانه‌ای می‌جوید، امّا نشانه‌ای
داده نخواهد شد، جز نشانه یونس. ۳۰ زیرا
همان‌گونه که یونس نشانه‌ای شد برای مردم
نینوا، پسر انسان نیز برای این نسل نشانه‌ای
خواهد بود. ۳۱ ملکه جنوب در داوری با
مردم این نسل برخواهد خاست و محکومشان
خواهد کرد، زیرا او از آن سوی زمین آمد
تا حکمت سلیمان را بشنود، و اینک چیزی
بزرگتر از سلیمان اینجاست. ۳۲ مردم نینوا
در داوری با این نسل برخواهند خاست و
محکومشان خواهند کرد، زیرا آنها به موعظه
یونس توبه کردند، و اینک چیزی بزرگتر از
یونس اینجاست.

### چراغ بدن

**لوقا ۱۱:۳۴ و ۳۵ – مَتّی ۶:۲۲ و ۲۳**

۳۳ هیچ‌کس چراغی را نمی‌افروزد تا آن را
پنهان کند یا زیر سبدی بنهد، بلکه بر چراغدان
تا هر که داخل شود، نور را ببیند. ۳۴ چشم
تو، چراغ بدن توست. وقتی چشمت سالم
است، تمام وجودت پر از نور است، امّا اگر
فاسد باشد، تمام وجودت پر از تاریکی است.
۳۵ پس مراقب باش مبادا نوری که در توست،
تاریکی باشد. ۳۶ پس اگر تمام وجودت پر از نور
باشد و هیچ قسمتی تاریک نباشد، تماما روشن
خواهد بود، مثل زمانی که چراغ با تابش خود
تو را روشنایی می‌دهد.»

### وای بر فریسیان و علمای شریعت

۳۷ هنگامی‌که عیسی سخن می‌گفت، یک
فَریسی او را به خانه خود به صرف غذا دعوت
کرد. پس او رفت و بنشست. ۳۸ امّا فَریسی
چون دید که او دستهایش را پیش از غذا
نشست، تعجب کرد. ۳۹ آنگاه خداوند به او
گفت: «اینک شما فَریسیان بیرونِ پیاله و
بشقاب را پاک می‌کنید، امّا از درون پر از طمع
و خباثت هستید. ۴۰ ای احمقان، آیا آن که
بیرون را آفرید، درون را نیز نیافرید؟ ۴۱ لیکن
از آنچه در درون است، صدقه دهید و حال،
همه چیز برایتان پاک می‌باشد.

۴۲ امّا، وای بر شما ای فَریسیان! زیرا شما
از نعناع و سُداب و هر گونه سبزی ده‌یک
می‌دهید، و از عدالت و محبت خدا غفلت
می‌کنید. اینها را می‌بایست به جا آورید و آنها را
نیز غفلت نکنید. ۴۳ وای بر شما ای فَریسیان!
زیرا بهترین جا در کنیسه‌ها و سلام گرفتن در
بازارها را دوست دارید. ۴۴ وای بر شما! زیرا
مانند قبرهایی هستید که مشخص نیست و
مردم ندانسته بر آنها راه می‌روند.»
۴۵ یکی از علمای شریعت پاسخ داد: «ای
استاد، تو با این سخنان به ما نیز اهانت
می‌کنی.» ۴۶ و او گفت: «وای بر شما نیز،
ای علمای شریعت، که بارهایی سنگین بر
دوش مردم می‌نهید، امّا خودتان به انگشتی
بار را لمس نمی‌کنید. ۴۷ وای بر شما! زیرا
برای انبیایی که پدرانتان آنها را کشتند، مقبره
می‌سازید. ۴۸ پس شما شاهدان هستید و کار
پدرانتان را تایید می‌کنید، زیرا آنها ایشان را
کشتند و شما مقبره‌های ایشان را می‌سازید.
۴۹ از این رو نیز حکمت خدا فرموده که "من
برای آنها پیامبران و رسولان خواهم فرستاد،
بعضی را خواهند کشت و آزار خواهند
رسانید." ۵۰ تا خون همه انبیایی که از بنیاد
عالم تا کنون ریخته شده است، بر این نسل
محسوب شود، ۵۱ از خون هابیل تا خون
زکریا که بین مذبح و معبد کشته شد. آری،
به شما می‌گویم که از این نسل بازخواست
خواهد شد. ۵۲ وای بر شما، ای علمای
شریعت! زیرا کلید معرفت را برداشته‌اید. خود
داخل نمی‌شوید و داخل‌شوندگان را نیز مانع
می‌گردید.»
۵۳ وقتی از آنجا بیرون رفت، معلمین تورات
و فَریسیان او را سخت تحت فشار گذاشتند
تا تحریکش کنند که در مورد چیزهای بسیار
سخن گوید ۵۴ و در کمین بودند تا در سخنی
او را به دام اندازند.

### از خمیرمایه فریسیان بر حذر باشید

**لوقا ۱۲:۲–۹؛ مَتّی ۱۰:۲۶–۳۳**

۱۲ در این هنگام، وقتی که هزاران نفر
از مردم باهم جمع شده بودند، به
طوری‌که پای روی پای یکدیگر می‌گذاشتند،
او نخست با شاگردان خود سخن آغاز کرد
و گفت: «از خمیرمایه فَریسیان که ریاکاری
است، بر حذر باشید. ۲ هیچ چیز پوشیده
نیست که آشکار نشود و یا مخفی که عیان
نگردد. ۳ پس آنچه در تاریکی گفته‌اید، در
روشنایی شنیده خواهد شد، و آنچه در خفا
نجوا کرده‌اید، بر پشت بامها اعلان خواهد
شد.

### نترسید

۴ ای دوستان من، به شما می‌گویم: از کسانی
که جسم را می‌کُشند و بیش از این نمی‌توانند

**۴۲.۱۱** گیاهی چند ساله و معطر که در طب سنتی ایرانی کاربردهای بسیار دارد. گیاهی است بوته‌ای با برگهای سبز مایل به آبی و گلهای کوچک زرد. این گیاه برای مشکلات گوارشی، سردرد، و ضد التهاب استفاده می‌شود. در خانه‌های ایرانی، در مراسمی بخصوص چون نوروز، دانه‌های خشک شده سُداب (اسپند یا اسفند) برای دفع چشم‌زخم سوزانده می‌شود. **۵۱.۱۱** تقسیم بندی کتب عهد عتیق در زمان عیسی با آنچه که اکنون در کتاب مقدس داریم، فرق داشت. در آن زمان عهد عتیق بر سه قسمت بود: تورات، انبیا، و نوشته‌های تاریخی بود. داستان هابیل در تورات و داستان زکریا در نوشته‌های تاریخی قرار داشت. این سخن عیسی در واقع تمامی عهد عتیق را شامل می‌شد.

کرد، نترسید. ۵ اما به شما هشدار می‌دهم از
چه کسی بترسید: از او بترسید که پس از
کشتن، این اقتدار را دارد که به جهنم اندازد.
بلی، به شما می‌گویم، از او بترسید. ۶ مگر
پنج گنجشک را به دو قران نمی‌فروشند؟ در
حالی‌که یکی از آنها نزد خدا فراموش نمی‌گردد.
۷ بلکه، حتی موهای سر شما همه شمرده
شده است. پس نترسید، زیرا از گنجشکها با
ارزشترید.

### اقرار مسیح در نزد مردم

۸ و به شما می‌گویم، هر که مرا نزد انسانها
اقرار کند، پسر انسان نیز او را در نزد فرشتگان
خدا اقرار خواهد کرد. ۹ امّا هر که مرا
نزد انسانها انکار کند، در نزد فرشتگان خدا
انکار کرده خواهد شد. ۱۰ و هر که کلمه‌ای
بر ضدّ پسر انسان بگوید، بخشیده خواهد
شد، امّا هر که به روح‌القدس کفر گوید،
بخشیده نخواهد شد. ۱۱ و وقتی شما را به
کنیسه‌ها و به حضور فرمانروایان و حاکمان
می‌آورند، نگران نباشید که چگونه از خود دفاع
کنید یا چه بگویید، ۱۲ زیرا در همان ساعت
روح‌القدس آنچه را که باید بگویید، به شما
یاد خواهد داد.»

### مَثَل ثروتمند نادان

۱۳ کسی از میان جمعیت به او گفت: «ای
استاد، به برادرم بگو ارث پدری را با من قسمت
کند.» ۱۴ اما عیسی به او گفت: «ای مرد،
چه کسی مرا بر شما داور، یا مقسّم قرار داده
است؟» ۱۵ آنگاه به ایشان گفت: «مواظب
باشید و از طمع بپرهیزید، زیرا زندگی شخص به
فزونی دارایی‌اش نیست.» ۱۶ و مَثَلی را برایشان
آورده، گفت: «مزرعه مردی ثروتمند محصول
فراوان تولید نمود. ۱۷ پس با خود اندیشید:
"چه کنم، زیرا جایی برای انباشتن محصول
خود ندارم؟" ۱۸ پس گفت: "این کار را خواهم
کرد: انبارهای خود را خراب خواهم کرد و
انبارهای بزرگتر خواهم ساخت، و همه گندم
و اموال خود را در آنها ذخیره خواهم نمود.
۱۹ آنگاه به جان خود خواهم گفت: ای جان،
برای سالیان بسیار اموال فراوان اندوخته‌ای؛
اینک آرام باش؛ بخور و بنوش و خوش باش."
۲۰ امّا خدا به او گفت: "ای نادان! امشب
جانت از تو گرفته خواهد شد، پس آنچه
اندوخته‌ای، از آنِ که خواهد شد؟" ۲۱ این
چنین است کسی که برای خویشتن ثروت
می‌اندوزد، امّا برای خدا ثروتمند نیست.»

### نگران نباشید

**لوقا ۱۲:۲۲-۳۱؛ مَتّی ۶:۲۵-۳۳**

۲۲ آنگاه به شاگردان خود گفت: «پس به
شما می‌گویم، نگران زندگی خود نباشید که چه
بخورید، و نه برای بدن خود که چه بپوشید.
۲۳ زیرا زندگی از خوراک و بدن از پوشاک مهمتر
است. ۲۴ کلاغان را بنگرید: نه می‌کارند و نه
می‌درونند، نه انبار دارند و نه کاهدان، و با
این همه خدا آنها را می‌خوراند. و شما به
مراتب باارزشتر از پرندگانید! ۲۵ و کدامیک از
شماست که بتواند با نگرانی، ساعتی بر طول
عمر خود بیفزاید». ۲۶ پس اگر از انجام چنین
کار کوچکی ناتوانید، از چه سبب نگران مابقی
هستید؟ ۲۷ سوسنها را بنگرید که چگونه نمو

**۶.۱۲** در متن یونانی، به دو آساریا. هر آساریا معادل یک سکه مسی رومی بود و ارزش پولی آن معادل ۱/۱۶ یک دینار بود. یک دینار معادل دستمزد روزانه یک کارگر بود. **۱۴.۱۲** منظور "مقسم ارث"

می‌کنند، نه زحمت می‌کشند و نه می‌ریسند. با اینحال، به شما می‌گویم که حتی سلیمان با همه جلالش چون یکی از آنها آراسته نشد. ۲۸ پس اگر خدا علف را که امروز در صحرا هست و فردا در تنور افکنده می‌شود، چنین می‌پوشانَد، چقدر بیشتر شما را، ای کم‌ایمانان! ۲۹ پس در پی این نباشید که چه بخورید یا چه بنوشید، و نگران نباشید. ۳۰ زیرا همه ملتهای دنیا در پی این چیزها هستند، و پدر شما می‌داند که به اینها احتیاج دارید. ۳۱ به جای آن، در پی پادشاهی او باشید، که همه اینها به شما داده خواهد شد.

۳۲ ای گله کوچک، ترسان نباشید، زیرا خشنودی پدر شما است که پادشاهی را به شما عطا کند. ۳۳ آنچه دارید بفروشید و به نیازمندان بدهید. برای خود کیسه‌هایی فراهم کنید که کهنه نمی‌شوند، و گنجی را در آسمان بیندوزید که از بین نمی‌رود، جایی که دزد نمی‌آید و بید از بین نمی‌برد. ۳۴ زیرا هر جا گنج شماست، دلتان نیز آنجا خواهد بود.

### باید آماده باشید

**لوقا ۱۲:۳۵ و ۳۶؛ مَتّی ۲۵:۱–۱۳؛ مَرقُس ۱۳:۳۳–۳۷**
**لوقا ۱۲:۳۹ و ۴۰ و ۴۲–۴۶؛ مَتّی ۲۴:۴۳–۵۱**

۳۵ کمرهای خود را بسته، و چراغ خود را افروخته نگاه دارید. ۳۶ و مانند کسانی باشید که منتظر آقایشان هستند که از جشن عروسی به خانه مراجعت کند، تا هروقت که بیآید و در را بکوبد، بی‌درنگ در را به رویش باز کنند. ۳۷ خوشا به حال خادمانی که چون آقایشان بازگردد، آنان را بیدار بیابد. حقیقتا به شما می‌گویم، کمر خود را برای خدمت خواهد بست و آنان را بر سفره خواهد نشانید و پیش آمده، ایشان را خدمت خواهد کرد. ۳۸ اگر او در پاس دوّم یا سوّم شب بیاید و ایشان را بیدار بیابد، خوشا به حال آن خادمان. ۳۹ لیکن این را بدانید که اگر صاحبخانه می‌دانست دزد در چه ساعتی می‌آید، خانه را ترک نمی‌کرد که به آن دستبرد بزنند. ۴۰ شما نیز آماده باشید، زیرا پسر انسان در ساعتی خواهد آمد که انتظار ندارید.»

۴۱ پطرس گفت: «ای خداوند، آیا این مَثَل را برای ما می‌گویی، یا برای همه؟» ۴۲ خداوند گفت: «پس آن مباشر امین و دانا کیست که اربابش او را بر اهل خانه‌اش گماشته باشد تا سهم خوراک آنان را به موقع بدهد؟ ۴۳ خوشا به حال آن غلام که چون اربابش بیاید، او را این چنین مشغول ببیند. ۴۴ حقیقتا به شما می‌گویم که او را بر همه اموال خود خواهد گماشت. ۴۵ امّا اگر آن غلام به خود بگوید که "اربابم در آمدن تأخیر کرده است،" و شروع به زدن غلامان و کنیزان، و خوردن و نوشیدن و میگساری کند، ۴۶ ارباب آن غلام در روزی که انتظار ندارد و در ساعتی که نمی‌داند، خواهد آمد و او را دو پاره خواهد کرد و با خیانتکاران قرار خواهد داد.

۴۷ لیکن آن غلامی که اراده اربابش را دانست، اما خود را آماده نکرد تا به خواسته او عمل نماید، تازیانه بسیار خواهد خورد. ۴۸ امّا آن که نمی‌دانست و کاری کرد که سزاوار تنبیه است، تازیانه کمتر خواهد خورد. هر که به او بیشتر داده شود، از او بیشتر نیز مطالبه

**۲۷.۱۲** خواننده اصلی می‌دانست که سلیمان پادشاه چه شوکت و حشمتی داشت. اگر مطلب ثقیل است، می‌توانید "سلیمان پادشاه" ترجمه کنید. **۳۵.۱۲** منظور؛ آماده عمل باشید **۳۹.۱۲** در برخی ترجمه‌ها، بیدار می‌ماند

خواهد شد؛ و به هر که بیشتر واگذار شود، از او بیشتر بازخواست خواهند کرد.

### صلح نه، بلکه جدایی

**لوقا ۱۲:۵۱–۵۳؛ مَتّی ۱۰:۳۴–۳۶**

۴۹ من آمدم تا بر زمین آتش بیافروزم، و
ای کاش که اکنون افروخته شده بود!
۵۰ من
تعمیدی دارم که باید به آن تعمید بگیرم، و
زحمت من چه بسیار است تا وقتی که انجام
شود. ۵۱ آیا گمان می‌برید آمده‌ام تا صلح بر
زمین عطا کنم؟ نه، به شما می‌گویم بلکه تا
جدایی را. ۵۲ زیرا از این پس، در یک خانه که
پنج نفر باشند؛ سه علیه دو و دو علیه سه
خواهند بود. ۵۳ در میان آنها جدایی خواهد
بود؛ پدر علیه پسر و پسر علیه پدر، مادر
علیه دختر و دختر علیه مادر، مادرشوهر علیه
عروس و عروس علیه مادرشوهر.»

### تعبیر زمانها

۵۴ و همچنین به جماعات گفت: «وقتی
می‌بینید که ابری در مغرب بالا می‌آید، بی‌درنگ
می‌گویید: "باران شدید در راه است،" و چنین
می‌شود. ۵۵ و وقتی می‌بینید که باد جنوبی
می‌وزد، می‌گویید: "هوا بسیار گرم خواهد
شد،" و چنین می‌شود. ۵۶ ای ریاکاران! شما
می‌دانید که چگونه ظاهر زمین و آسمان را
تعبیر کنید، پس چرا نمی‌دانید که چگونه زمان
حاضر را تعبیر کنید؟

### با شاکی‌ات مصالحه کن

۵۷ و چرا خود درباره آنچه درست است،
داوری نمی‌کنید؟ ۵۸ هنگامی که با شاکیِ خود
نزد حاکم می‌روی، بکوش تا در راه با او آشتی
کنی، مبادا تو را نزد قاضی بکشد و قاضی تو
را به مامور محکمه بسپارد، و مامور ترا به
زندان اندازد. ۵۹ به تو می‌گویم که تا قِران آخر
را نپردازی، از زندان بیرون نخواهی آمد.»

### توبه یا هلاکت

۱۳ در همان زمان، برخی از حاضران، به
او درباره جلیلیانی گفتند که پیلاتُس
خونشان را با قربانی‌هایشان در هم آمیخته
بود. ۲ و او به آنان جواب داد: «آیا گمان
می‌برید که این جلیلیان چون به این طریق
عذاب کشیدند، گناهکارتر از دیگرِ جلیلیان
بودند؟ ۳ نه، به شما می‌گویم؛ اگر توبه نکنید،
همه شما این‌چنین هلاک خواهید شد. ۴ یا
آن هجده نفر که برج در سیلوآم بر آنان
افتاد و آنان را کشت؛ گمان می‌برید که از
دیگر کسانی که در اورشلیم زندگی می‌کردند،
خطاکارتر بودند؟ ۵ نه، به شما می‌گویم؛ اگر
توبه نکنید، همه شما این‌چنین هلاک خواهید
شد.»

### مثل درخت انجیر بی‌ثمر

۶ و این مَثَل را آورد: «مردی درخت انجیری
در تاکستان خود کاشت و آمد که میوه بر آن
بجوید و چیزی نیافت. ۷ به باغبان خود گفت:
"حال سه سال است که برای طلب میوه از
این درخت انجیر می‌آیم، امّا چیزی نمی‌یابم. آن
را ببُر، چرا زمین را تلف کند." ۸ امّا او پاسخ داد:
"ای آقا، بگذار امسال هم بماند، تا من دورش
را بکَنَم و کود بریزم. ۹ پس اگر سال بعد میوه
آورد که هیچ؛ اگر نه، آنگاه آن را ببُر."»

**۵۹.۱۲** در متن یونانی، لپتون، سکّه برنزی یهود، معادل ۱/۱۲۸ یک دینار. یک دینار معادل دستمزد روزانه یک کارگر بود.

## زنی با روح علیل کننده

۱۰ و در روز سبّت، عیسی در یکی از
کنیسه‌ها تعلیم می‌داد. ۱۱ حال، در آنجا زنی
بود که روحی او را هجده سال علیل کرده بود.
او خمیده شده بود و به هیچ وجه نمی‌توانست
راست بایستد. ۱۲ چون عیسی او را دید، وی
را به جلو خواند و به او گفت: «ای زن، از
معلولیت خود آزاد شده‌ای!» ۱۳ آنگاه دست
خود را بر او نهاد و او بی‌درنگ راست شد
و خدا را جلال داد. ۱۴ امّا رئیس کنیسه از
اینکه عیسی در روز سبّت شفا داده بود،
خشمگین شده، به مردم گفت: «شش روز
است که در آنها باید کار کرده شود. در
آن روزها بیایید و شفا بیابید، نه در روز
سبّت.» ۱۵ آنگاه خداوند به او جواب داد: «ای
ریاکاران! آیا هریک از شما در روز سبّت گاو
یا الاغ خود را از طویله باز نمی‌کند و برای
آب دادن بیرون نمی‌برد؟ ۱۶ پس آیا نمی‌بایست
این زن را که دختر ابراهیم است و شیطان
او را هجده سال بسته بود، در روز سبّت
از این بند آزاد کرد؟» ۱۷ وقتی این را گفت،
همه مخالفانش خجل شدند، اما تمام مردم از
همه چیزهای شگفت‌آور که به وسیله او انجام
می‌شد، شادمان گردیدند.

## مَثَل دانه خردل و خمیرمایه

**لوقا ۱۸:۱۳ و ۱۹ – مَرقُس ٤:۳۰-۳۲**
**لوقا ۱۸:۱۳-۲۱ – مَتّی ۳۱:۱۳-۳۳**

۱۸ پس گفت: «پادشاهی خدا به چه چیز
می‌مانَد؟ و آن را به چه تشبیه کنم؟ ۱۹ مانند
دانه خردلی است که مردی آن را گرفت و
در باغ خود کاشت، و آن رویید و درختی
شد، و پرندگان آسمان در شاخه‌هایش آشیانه
ساختند.»
۲۰ و باز گفت: «پادشاهی خدا را به چه چیز
تشبیه کنم؟ ۲۱ مانند خمیرمایه‌ای است که
زنی گرفت و در سه پیمانه آرد مخلوط کرد
تا تمامی خمیر ور آمد.»

## درِ تنگ

۲۲ عیسی در سفر به سوی اورشلیم، بر
سر راه خود به شهرها و روستاها می‌رفت
و تعلیم می‌داد. ۲۳ و کسی به او گفت:
«ای خداوند، آیا آنانی‌که نجات یافته‌اند، کم
هستند؟» پس به ایشان گفت: ۲۴ «سخت
بکوشید تا از درِ تنگ داخل شوید، زیرا به
شما می‌گویم، بسیاری خواهند کوشید تا داخل
شوند، امّا نخواهند توانست. ۲۵ به محض
اینکه صاحبخانه برخاسته در را ببندد، و شما
بیرون ایستاده و در را کوبیده، خواهید گفت:
"ای خداوند، برای ما باز کن،" آنگاه او شما
را پاسخ خواهد داد: " نمی‌دانم شما از کجا
آمده‌اید." ۲۶ آنگاه شما خواهید گفت: "ما
در حضور تو خوردیم و آشامیدیم و تو در
کوچه‌های ما تعلیم دادی." ۲۷ امّا او خواهد
گفت: "به شما می‌گویم، نمی‌دانم از کجا
آمده‌اید. از من دور شوید، ای همه بدکاران!"
۲۸ در آنجا گریه و فشار دندان خواهد بود،
وقتی‌که ابراهیم و اسحاق و یعقوب و همه
انبیا را در پادشاهی خدا ببینید، امّا خود شما
بیرون انداخته شده باشید. ۲۹ و مردم از شرق
و غرب و شمال و جنوب خواهند آمد و
بر سفره پادشاهی خدا خواهند نشست. ۳۰ و
حال، برخی آخرین هستند که اوّل خواهند
شد، و برخی اوّلین، که آخر خواهند شد.»

## سوگواری بر اورشلیم

**لوقا ۱۳:۳٤ و ۳۵؛ مَتّی ۲۳:۳۷-۳۹**
**لوقا ۱۳:۳٤ و ۳۵ – مشابه لوقا ۱۹:٤۱**

۳۱ در همان ساعت، برخی از فَریسیان
آمدند و به او گفتند: «از اینجا دور شو، زیرا
هیرودیس می‌خواهد تو را بکشد.» ۳۲ او به
ایشان گفت: «بروید و به آن روباه بگویید:
"اینک، امروز و فردا دیوها را بیرون می‌کنم
و شفا می‌دهم، و در روز سوّم کار خود را
به پایان خواهم رساند. ۳۳ لیکن امروز و فردا
و پس‌فردا باید به راه خود بروم، زیرا ممکن
نیست نبی بیرون از اورشلیم کشته شود."
۳٤ ای اورشلیم، ای اورشلیم، ای شهری که
انبیا را می‌کشی و رسولان را که به نزدت
فرستاده می‌شوند، سنگسار می‌کنی! چند بار
خواستم همچون مرغی که جوجه‌هایش را زیر
بالهای خود جمع می‌کند، فرزندانت را جمع
کنم، امّا تو نخواستی! ۳۵ اینک، خانه شما
متروک است و به شما می‌گویم که دیگر مرا
نخواهید دید تا وقتی‌که بگویید: "مبارک است
آن که به نام خداوند می‌آید."»

## شفای مردی در سبّت

**لوقا ۱٤:۸-۱۰- مشابه امثال ۲۵:٦ و ۷**

۱٤ در یک روز سبّت هنگامی‌که او برای
صرف غذا به خانه یکی از رهبران
فَریسیان رفته بود، ایشان به‌دقّت او را زیر
نظر داشتند. ۲ و حال در آنجا مردی در مقابل
او بود که بدنش آب آورده بود. ۳ عیسی
به علمای شریعت و فَریسیان خطاب کرده،
گفت: «آیا شفا دادن در روز سبّت جایز
است، یا نه؟» ٤ اما ایشان ساکت ماندند.
پس آن مرد را گرفت و شفا داد و مرخص
کرد. ۵ و به آنان گفت: «کدامیک از شماست
که پسر یا گاوش در روز سبّت در چاهی
بیافتد و بی‌درنگ او را بیرون نیاوَرَد؟» ٦ و آنان
نمی‌توانستند پاسخی بدهند.

## مثل جشن عروسی

۷ و برای دعوت شدگان مثلی گفت، چون
دید که آنان چگونه صدر مجلس را برای خود
اختیار کردند، پس به آنان گفت: ۸ «وقتی
کسی تو را به جشن عروسی دعوت کند، در
صدر مجلس ننشین، مبادا کسی سرشناستر از
تو را دعوت کرده باشد. ۹ پس آن کسی‌که هر
دوی شما را دعوت کرده است، خواهد آمد و
به تو خواهد گفت: "جایت را به این شخص
بده." و تو با خجالت به پایین مجلس خواهی
نشست. ۱۰ لیکن هرگاه دعوت می‌شوی، برو
و در پایین‌ترین جا بنشین، تا وقتی میزبانت
بیآید، به تو بگوید: "ای دوست، جای بالاتری
بنشین." آنگاه تو در حضور همه کسانی که
با تو به سفره می‌نشینند، عزّت خواهی یافت.
۱۱ زیرا هر که خود را بزرگ سازد، خوار خواهد
شد، و هر که خود را فروتن سازد، سرافراز
خواهد گردید.»

## مثل ضیافت بزرگ

**لوقا ۱٤:۱٦-۲٤ – مشابه مَتّی ۲۲:۲-۱٤**

۱۲ پس به میزبانش نیز گفت: «چون شام یا
ضیافت می‌دهی، دوستان و برادران و خویشان
و همسایگان ثروتمند خویش را دعوت نکن؛
مبادا آنان نیز تو را دعوت کنند و تو را عوض
داده شود. ۱۳ امّا چون میهمانی می‌دهی، فقیران

**۵.۱٤** در برخی ترجمه‌ها، الاغ

و معلولان و لنگان و کوران را دعوت کن
۱۴ که مبارک خواهی بود؛ زیرا آنان نمی‌توانند
ترا عوض بدهند، و عوضِ خود را در زنده
شدن عادلان خواهی گرفت.» ۱۵ وقتی یکی از
میهمانان که با وی همسفره بود، این را شنید،
به او گفت: «خوشا به حال آن که در پادشاهی
خدا نان خورَد.» ۱۶ امّا عیسی به او گفت:
«شخصی ضیافتی بزرگ ترتیب داد و بسیاری
را دعوت کرد. ۱۷ پس در وقت شام، خادمش
را فرستاد تا دعوت شدگان را بگوید، "بیایید،
زیرا اکنون همه چیز حاضر است." ۱۸ امّا آنها
همه مثل هم به بهانه آوردن شروع کردند. اولی
به او گفت: "مزرعه‌ای خریده‌ام که باید بروم
آن را ببینم. لطفا مرا معذور کن." ۱۹ و دیگری
گفت: "پنج جفت گاو خریده‌ام و می‌روم تا
آنها را امتحان کنم. لطفا مرا معذور کن."
۲۰ و دیگری گفت: "تازه زن گرفته‌ام، و از این
رو نمی‌توانم بیایم." ۲۱ پس آن خادم آمد و
ارباب خود را از این امور آگاه ساخت. آنگاه
صاحب‌خانه خشمگین شد و به خادم خود
گفت: "هر چه زودتر به بازارها و کوچه‌های
شهر برو و فقیران و معلولان و کوران و لنگان
را بیاور." ۲۲ و خادم گفت: "ای آقا، فرمانت
را انجام دادم، امّا هنوز جا هست." ۲۳ پس آقا
به خادم گفت: "به جاده‌ها و گذرگاهها برو و
مردم را به‌اصرار بیاور تا خانه‌ام پر شود. ۲۴ زیرا
به شما می‌گویم که هیچ‌یک از این دعوت
شدگان شام مرا نخواهند چشید."»

### بهای شاگردی

۲۵ حال، جماعاتی بزرگ او را همراهی
می‌کردند، و او برگشت و به ایشان گفت:
۲۶ «اگر کسی نزد من آید و از پدر و مادر و زن
و فرزندان، برادران و خواهران خود و حتی جان
خود نفرت نکند، شاگرد من نمی‌تواند بود. ۲۷ و
هر که از پی من آید، بی‌آنکه صلیب خود را
بردارد، شاگرد من نمی‌تواند باشد.
۲۸ زیرا کدامیک از شماست که قصد بنای
برجی داشته باشد و نخست ننشیند و هزینه
آن را برآوُرد نکند که آیا توان تکمیل آن را دارد،
یا نه؟ ۲۹ وگرنه چون پی آن را گذاشته باشد
و نتواند آن را تمام کند، هر که ببیند،شروع
به استهزا کرده، ۳۰ گوید: "این شخص بنایی را
آغاز کرد، امّا نتوانست به اتمام برساند."
۳۱ یا کدام پادشاه است که به مقابله با
پادشاهی دیگر به جنگ می‌رود و نخست
نمی‌نشیند و حساب نمی‌کند که آیا با ده هزار
سرباز می‌تواند به مقابله کسی برود که با بیست
هزار سرباز بر علیه او می‌آید؟ ۳۲ و گرنه تا
دیگری هنوز دور است، نماینده‌ای خواهد
فرستاد تا شرایط صلح را جویا شود. ۳۳ پس
همچنین، هر یک از شما نیز تا از تمام آنچه که
دارد، چشم پوشی نکند، شاگرد من نمی‌تواند
باشد.

### نمکِ بیمزه بی‌ارزش است

۳۴ نمک نیکوست، امّا اگر نمک مزه‌اش را
از دست دهد، چگونه نمکین بودنش از سر
نو احیا شود؟ ۳۵ نه برای زمین مصرفی دارد و
نه برای کود. دور ریخته می‌شود. هر که گوش
شنوا دارد، بشنود.»

### مَثَلِ گوسفند گمشده

**لوقا ۱۵:۴–۷؛ مَتّی ۱۸:۱۲–۱۴**

۱۵ حال، خراج‌گیران و گناهکاران همگی
به نزدش می‌آمدند تا او را بشنوند. ۲ و
فَریسیان و معلمین تورات غرغرکنان می‌گفتند:

«این مرد گناهکاران را می‌پذیرد و با آنان غذا می‌خورد.»
۳ پس این مَثَل را برایشان گفت: ۴ «کیست از شما که صد گوسفند داشته باشد و چون یکی از آنها را گم کند، آن نود و نه را در صحرا نگذارد و در پی آن گمشده نرود تا آن را بیابد؟ ۵ و وقتی آن را یافت، شادی‌کنان بر دوش خود می‌گذارد. ۶ و چون به خانه می‌آید، دوستان و همسایگان خود را می‌خواند و به آنان می‌گوید: "با من شادی کنید، زیرا گوسفند گمشده خود را یافته‌ام." ۷ به همین منوال، به شما می‌گویم، در آسمان برای یک گناهکار که توبه می‌کند، بیشتر شادی خواهد بود تا برای نود و نه شخص صالح که نیاز به توبه ندارد.

## مَثَل سکه گمشده

۸ یا کدام زن است که ده سکه نقره داشته باشد، و اگر یکی را گم کند، چراغی نمی‌افروزد و خانه را جارو نمی‌کند، و به دقّت جستجو نمی‌نماید، تا آن را بیابد؟ ۹ و چون آن را یافته باشد، دوستان و همسایگان خود را خوانده، می‌گوید: "با من شادی کنید، زیرا سکه گمشده خود را یافته‌ام." ۱۰ به همین منوال، به شما می‌گویم، در حضور فرشتگان خدا پایکوبی است برای یک گناهکار که توبه می‌کند.»

## مَثَلِ پسر گمشده

۱۱ باز گفت: «مردی بود که دو پسر داشت. ۱۲ و پسر کوچکتر به پدر خود گفت: "ای پدر، آن سهم از دارایی را که به من می‌رسد، به من بده." پس او دارایی خود را بین آنها تقسیم کرد. ۱۳ هنوز روزهای زیادی نگذشته بود که پسر کوچکتر آنچه داشت، جمع کرد و به مملکتی دوردست سفر کرد و دارایی خود را در آنجا به عیاشی هدر داد. ۱۴ و وقتی همه را خرج کرده بود، قحطی شدید در آن مملکت رخ داد و او شروع به محتاج شدن کرد. ۱۵ پس رفت و خود را به نوکری یکی از اهالی آن دیار سپرد و او، وی را به مزرعه خویش فرستاد تا خوکها را غذا دهد. ۱۶ و او آرزو می‌کرد که شکم خود را با خوراک خوکها سیر کند و هیچ‌کس به او چیزی نمی‌داد. ۱۷ لیکن وقتی به خود آمد، گفت: "چقدر از کارگران پدرم نان بیش از کفایت دارند، امّا من اینجا از گرسنگی تلف می‌شوم. ۱۸ برخاسته، نزد پدر خود خواهم رفت و به او خواهم گفت: 'ای پدر، به آسمان و به تو گناه کرده‌ام. ۱۹ دیگر شایسته نیستم پسرت خوانده شوم. با من مثل یکی از کارگرانت رفتار کن.'"
۲۰ پس برخاست و به نزد پدر خود آمد. امّا هنوز دور بود که پدرش او را دید و دلش به رحم آمد و دوید و او را در آغوشش کشید و او را بوسید. ۲۱ آنگاه پسر گفت: "ای پدر، به آسمان و به تو گناه کرده‌ام. دیگر لایق آن نیستم که پسرت خوانده شوم." ۲۲ امّا پدر به خدمتکارانش گفت: "هر چه سریعتر بهترین ردا را بیاورید و به او بپوشانید و انگشتری بر دستش و کفش به پاهایش کنید. ۲۳ و گوساله پرواری را بیاورید و سر ببرید تا بخوریم و جشن بگیریم. ۲۴ زیرا این پسر من مرده بود، باز زنده شد؛ گم شده بود، یافت شد!" پس به جشن پرداختند.
۲۵ حال، پسر بزرگتر او در مزرعه بود. و چون آمد و به خانه نزدیک شد، صدای ساز

**۸.۱۵** در متن یونانی، ده دراخما که سکه‌ای یونانی بود. هر دراخما معادل یک دینار که برابر با دستمزد روزانه یک کارگر بود. **۱۸.۱۵** منظور خداست.

و رقص شنید. ۲۶ پس یکی از خدمتکاران را
خواند و پرسید: "منظور از اینها چیست؟"
۲۷ او به وی گفت: "برادرت آمده است و
پدرت گوساله پرواری سر بریده، زیرا که او را
به سلامت بازیافته است." ۲۸ ولی او خشمگین
شد و نخواست به خانه داخل شود. پس
پدرش بیرون آمد و به او التماس کرد. ۲۹ امّا او
در جواب پدرش گفت: "ببین، این همه سال
تو را خدمت کرده‌ام و هرگز از فرمانت سرپیچی
نکردم، با اینحال، تو هرگز بزغاله‌ای به من
ندادی تا با دوستانم جشن گیرم. ۳۰ لیکن چون
این پسرت آمد که اموال تو را با فاحشه‌ها برباد
داده، گوساله پرواری را برایش سر بریدی!"
۳۱ او به وی گفت: "پسر، تو همیشه با من
هستی، و هرچه دارم، مال توست. ۳۲ در شان
ما درست این بود که جشن بگیریم و شادی
کنیم، زیرا این برادر تو مرده بود، زنده شد؛ گم
شده بود، یافت شد."»

### مَثَل مباشر نادرست

۱۶ و نیز به شاگردان گفت: «مرد
ثروتمندی بود که مباشری داشت،
و شکایت به او رسید که این مرد اموال او
را تلف می‌کند. ۲ پس وی را خواند و گفت:
"این چیست که درباره تو می‌شنوم؟ حساب
مباشری‌ات را بده، چون که دیگر نمی‌توانی
مباشر باشی."
۳ پس مباشر با خود گفت: "چه کنم؟ چرا
که اربابم مباشری را از من می‌گیرد. قوّت
زمین‌کندن ندارم و از گدایی عار دارم. ٤ تصمیم
گرفته‌ام که چه بکنم تا وقتی از مباشری برکنار
شدم، مردم مرا در خانه‌های‌شان بپذیرند."
۵ پس، بدهکاران اربابش را یک به یک احضار
کرده، از اوّلی پرسید: "چقدر به اربابم
بدهکاری؟" ۶ گفت: "صد چلیک روغن." به
او گفت: "صورتحساب خود را بگیر، و زود
بنشین و بنویس پنجاه چلیک" ۷ سپس به
دیگری گفت: "تو چقدر بدهکاری؟" گفت:
"صد کیسه گندم." به او گفت "صورتحساب
خود را بگیر و بنویس هشتاد کیسه."
۸ ارباب، مباشر نادرست را برای زرنگی‌اش
تحسین کرد. زیرا فرزندان این دنیا در رابطه با
نسل خود، زرنگتر از فرزندان نور هستند. ۹ و
من به شما می‌گویم که از مال نادرست برای
خود دوستان پیدا کنید تا زمانی که از بین رود،
شما را در مسکن‌های جاودانی بپذیرند.
۱۰ آن که در امور کوچک امین باشد، در
امور بزرگ نیز امین خواهد بود، و آن که در
امور کوچک امین نباشد، در امور بزرگ نیز
امین نخواهد بود. ۱۱ پس اگر شما در مال
نادرست امین نبوده‌اید، چه کسی مال حقیقی
را به شما خواهد سپرد؟ ۱۲ و اگر در مال
دیگری امین نبودید، چه کسی مال خود شما
را به شما خواهد داد؟ ۱۳ هیچ غلام نمی‌تواند
دو ارباب را خدمت کند، زیرا یا از یکی نفرت
خواهد کرد و دیگری را دوست خواهد داشت،
یا سرسپرده یکی خواهد بود و دیگری را خوار
خواهد شمرد. نمی‌توانید هم خدا و هم پول را
خدمت کنید.»

### تورات و پادشاهی خدا

۱٤ فَریسیان که پولدوست بودند، همه این
چیزها را شنیدند و او را مسخره کردند. ۱۵ پس
به آنها گفت: «شما آنانی هستید که خود

**۶.۱۶** در متن یونانی، صد باتوس، حدود ۸۷۵ گالون یا ۳۲۰۰ لیتر **۷.۱۶** در متن یونانی، صد کوروس که معادل ۳۵۰۰۰ لیتر است **۸.۱۶** در متن یونانی، عصر

را نزد مردم صالح نشان می‌دهید، امّا خدا از دلهایتان آگاه است. زیرا آنچه نزد مردم والاست، نزد خدا مکروه است.
۱۶ تورات و انبیا تا به یحیا بود؛ از آن پس، مژده پادشاهی خدا موعظه می‌شود و هر کس راه خود را به آن به زور باز می‌کند. ۱۷ لیکن آسانتر است آسمان و زمین زایل شود تا اینکه نقطه‌ای از تورات فرو افتد.

### طلاق و ازدواج مجدد

۱۸ هر که زن خود را طلاق دهد و دیگری را نکاح کند، زنا کرده است، و هر که زنی مطلقه از شوهرش را نکاح کند، زنا می‌نماید.

### ثروتمند و ایلعازَر

۱۹ مردی ثروتمند بود که لباس ارغوانی و کتان لطیف می‌پوشید و هر روز به عیاشی پُرخرج مشغول بود. ۲۰ و بر درِ خانه‌اش فقیری به نام ایلعازر را می‌گذاشتند که بدنش زخم آلود بود. ۲۱ و او آرزو می‌داشت که با آنچه از سفره آن ثروتمند می‌ریخت، خود را سیر کند. علاوه بر این، حتی سگان می‌آمدند و زخمهایش را می‌لیسیدند. ۲۲ آن فقیر مُرد و فرشتگان او را به نزد ابراهیم بردند. آن مرد ثروتمند نیز مُرد و او را دفن کردند. ۲۳ پس چشمان خود در عالم اموات گشود و خود را در عذاب یافت و ابراهیم را از دور و ایلعازَر را در کنارش دید. ۲۴ پس با صدای بلند گفت: "ای پدر من ابراهیم، بر من رحم کن و ایلعازَر را بفرست تا نوک انگشت خود را در آب تَر کند و زبانم را خنک سازد، زیرا در این آتش عذاب می‌کشم."
۲۵ امّا ابراهیم گفت: "ای فرزند، به یاد آور که تو در زندگی خود، چیزهای نیکوی خود را یافتی، و حال آنکه ایلعازر چیزهای بد را؛ لیکن اکنون او اینجا در تسلّی است و تو در عذاب. ۲۶ و علاوه بر این، میان ما و شما شکاف عظیمی هست، تا آنانی‌که بخواهند از اینجا نزد تو آیند نتوانند، و هیچ کس از آنجا نتواند نزد ما آید." ۲۷ و او گفت: "پس، ای پدر، التماس می‌کنم او را به خانه پدرم بفرستی، ۲۸ زیرا که پنج برادر دارم تا آنها را هشدار دهد، مبادا آنان نیز به این مکان عذاب بیایند."
۲۹ لیکن ابراهیم گفت: "آنها موسی و انبیا را دارند، بگذار سخنان ایشان را گوش کنند."
۳۰ امّا او گفت: "نه، ای پدر ما ابراهیم، بلکه اگر کسی از مردگان نزد آنها برود، توبه خواهند کرد." ۳۱ ابراهیم به او گفت: "اگر موسی و انبیا را نشنوند، حتی اگر کسی از مردگان زنده شود، مجاب نخواهند شد."»

### وسوسه‌ها به گناه

۱۷ آنگاه به شاگردان خود گفت: «وسوسه‌های به گناه یقینا خواهند آمد، امّا وای بر کسی که آنها از طریق او بیایند. ۲ برای او بهتر می‌بود که سنگ آسیابی به گردنش آویخته می‌بود و به دریا انداخته می‌شد تا اینکه باعث گناه یکی از این کوچکان گردد. ۳ به خود دقّت کنید! اگر برادرت گناه کرد، او را توبیخ کن، و اگر توبه کرد، او را ببخش، ۴ و اگر هفت بار در روز به تو گناه کرده، هفت بار نزد تو برگشته، بگوید: "توبه می‌کنم،" باید او را ببخشی.»

**۱۹.۱۶** لباس از پارچه‌ای گران قیمت. اینگونه پارچه‌ها را با نوعی گیاه کمیاب ته دریا ارغوانی می‌کردند و از آن رو بسیار گران بود.

### ایمانمان را زیاد کن

۵ رسولان به خداوند گفتند: «ایمان‌مان را
زیاد کن!» ۶ و خداوند گفت: «اگر ایمان به
اندازه دانه خردل می‌داشتید، می‌توانستید به این
درخت توت بگویید: "از ریشه کنده شو و در
دریا کاشته شو" و از شما اطاعت می‌کرد.

### خدمتکاران ناقابل

۷ کیست از شما که چون خادمش از
صحرا، از شخم زدن یا چرانیدن گوسفندان
بیاید و او را بگوید: " فورا بیا و به سفره
بنشین"؟ ۸ به جای آن، مگر به او نخواهد
گفت: "برایم شام آماده کن و لباس مناسب
بپوش، و مرا خدمت کن تا بخورم و بیاشامم،
و بعد تو بخور و بیاشام"؟ ۹ مگر از آن خادم
به خاطر آن که فرمانش را انجام داده است،
تشکر می‌کند؟ ۱۰ پس شما نیز وقتی آنچه به
شما فرمان داده شده است، به جا آوردید،
بگویید: "خادمانی ناقابل هستیم؛ و تنها انجام
وظیفه کرده‌ایم."»

### عیسی ده جذامی را شفا می‌دهد

۱۱ او در راه به سوی اورشلیم، از میانه
سامره و جلیل می‌گذشت. ۱۲ و وقتی به دهی
وارد شد، ده جذامی به او برخوردند، که از
دور ایستادند، ۱۳ و به صدای بلند گفتند:
«ای عیسی، ای آقا، بر ما رحم کن.» ۱۴ وقتی
ایشان را دید، به آنان گفت: «بروید و خود
را به کاهن نشان دهید.» و چون می‌رفتند، از
جذام پاک شدند. ۱۵ آنگاه یکی از آنها چون
دید که شفا یافته است، برگشته، به صدای
بلند خدا را حمد می‌گفت، ۱۶ و به روی به
پای عیسی افتاده، از او تشکر می‌کرد. حال،
او سامری بود. ۱۷ آنگاه عیسی فرمود: «مگر
ده نفر پاک نشدند؟ پس آن نُه کجا هستند؟
۱۸ آیا به‌جز این غریبه، کسی دیگر برنگشت
تا خدا را سپاس گوید؟» ۱۹ و به او گفت:
«برخیز و به راه خود برو، ایمانت تو را شفا
داده است.»

### آمدن پادشاهی خدا

**لوقا ۱۷:۲۶ و ۲۷؛ متّی ۲۴:۳۷-۳۹**

۲۰ عیسی در پاسخ فَریسیان که پرسیده
بودند پادشاهی خدا کی خواهد آمد، به آنها
گفت: «پادشاهی خدا به طرق نمی‌آید که
بتوان آن را دید. ۲۱ و کسی نخواهد گفت:
"نگاه کن، اینجاست." یا "آنجاست"، زیرا
اینک پادشاهی خدا در میان شماست.»
۲۲ و به شاگردان گفت: «روزهایی می‌آیند
که آرزو خواهید کرد یکی از روزهای پسر
انسان را ببینید و نخواهید دید. ۲۳ و به
شما خواهند گفت: "ببین، در آنجاست،" یا
"ببین، در اینجاست!" در پی آنها نروید و
آنان را پیروی نکنید. ۲۴ زیرا چنانکه صاعقه
می‌درخشد و آسمان را از یک سو تا سویی دیگر
روشن می‌کند، پسر انسان نیز در روز خود
چنین خواهد بود. ۲۵ امّا نخست می‌باید رنج
بسیار کشد و از جانب این نسل طرد شود.
۲۶ درست آن چنانکه در روزهای نوح بود،
در روزهای پسر انسان نیز همچنین خواهد
بود. ۲۷ آنان می‌خوردند و می‌نوشیدند و زن
می‌گرفتند و شوهر می‌کردند تا آن روز که نوح
به کشتی داخل شد و سیل آمد و همه را هلاک
کرد. ۲۸ بر همین منوال ، درست آن چنان‌که

**۸.۱۷** یا کمر خود را بسته

در زمان لوط بود، که می‌خوردند و می‌نوشیدند
و خرید و فروش و زراعت و عمارت می‌کردند،
۲۹ تا آن روز که لوط از سُدوم بیرون رفت،
آتش و گوگرد از آسمان بارید و همه آنها را
هلاک کرد. ۳۰ و روز ظهور پسر انسان نیز
چنین خواهد بود. ۳۱ در آن روز، کسی که بر
بام خانه باشد و اثاثیه‌اش در درون خانه، برای
برداشتن آنها پایین نیاید، و بر همین منوال
کسی که در مزرعه باشد، نیز به خانه برنگردد.
۳۲ زن لوط را به یاد آورید. ۳۳ هر که بخواهد
جان خود را حفظ کند، آن را از دست خواهد
داد، و هر که جان خود را از دست بدهد،
آن را نگاه خواهد داشت. ۳٤ به شما می‌گویم،
در آن شب دو نفر در بستر خواهند بود.
یکی برگرفته و دیگری واگذاشته خواهد شد.
۳۵ دو زن خواهد بود که با هم آسیاب می‌کنند.
یکی برگرفته و دیگری واگذاشته خواهد شد.
۳٦ نیز از دو مرد که در مزرعه‌اند، یکی برگرفته
و دیگری واگذاشته خواهد شد.» ۳۷ پس به او
گفتند: «کجا، ای خداوند؟» به ایشان گفت:
«هر کجا لاشه باشد، کرکسها در آنجا گرد
می‌آیند.»

### مَثَل بیوه‌زن سمج

۱۸ و برای ایشان مَثَلی آورد که می‌باید
همیشه دعا کنند و مایوس نشوند.
۲ گفت: «در شهری یک قاضی بود که نه از
خدا می‌ترسید و نه حرمتی به کسی داشت.
۳ و در آن شهر بیوه‌زنی بود که پیوسته نزدش
می‌آمد و می‌گفت: "داد مرا از دشمنم بگیر."
٤ او تا مدّتی اعتنا نکرد، امّا بعد با خود گفت:
"هرچند از خدا نمی‌ترسم و حرمتی هم به
کسی ندارم ، ۵ با اینحال، چون این بیوه‌زن
مدام زحمتم می‌دهد، به داد او خواهم رسید،
تا با این دم به دم آمدنش، مرا به ستوه
نیاورد."» ٦ آنگاه خداوند گفت: «بشنوید که
این قاضی بی‌انصاف چه می‌گوید. ۷ مگر خدا
به داد برگزیدگان خود که روز و شب به
او فریاد برمی‌آورند، نخواهد رسید؟ مگر بر
ایشان تأخیر خواهد کرد؟ ۸ به شما می‌گویم که
به‌زودی به داد ایشان خواهد رسید. امّا هنگامی
که پسر انسان آید، آیا ایمان بر زمین خواهد
یافت؟»

### مَثَل فَریسی و خراج‌گیر

۹ و نیز این مَثَل را آورد در مورد برخی که
به خود اطمینان می‌داشتند که صالح بودند
و دیگران را حقیر می‌شمردند. ۱۰ «دو نفر
به معبد رفتند تا عبادت کنند، یکی فَریسی
و دیگری خراج‌گیر. ۱۱ فَریسی تنها ایستاده،
چنین دعا کرد: "خدایا، تو را شکر می‌کنم که
مثل دیگر مردمان کلاّش و بی‌انصاف و زناکار
نیستم، و نه مانند این خراج‌گیر. ۱۲ دو بار
در هفته روزه می‌گیرم و از هر چه به دست
می‌آورم، ده‌یک می‌دهم." ۱۳ امّا آن خراج‌گیر
دور ایستاده، حتی چشمان خود را به سوی

**۳۷.۱۷** معنی این آیه گنگ است، چرا که با متن بالایی خود انگار رابطه‌ای منطقی ندارد. به احتمال زیاد در جواب به "کجا" که شاگردان می‌پرسند، چنین منظور دارد: همان‌طور که کرکس‌ها به‌طور طبیعی بر لاشه‌ها جمع می‌شوند، داوری الهی نیز به‌طور غیرقابل اجتناب بر گناهکاران فرود خواهد آمد. جایی که فساد باشد، داوری نیز آنجاست. این تصویری از اجتناب‌ناپذیری داوری و نیز اشاره به فراگیر بودن آن است. منظور این نیست که او مکان خاصی را برای بازگشت خود مشخص کند، بلکه بر واقعیت وقوع آن تاکید دارد. لطفا متن را همانطور که هست ترجمه کنید و تفسیر را به واعظین بگذارید.

آسمان بلند نمی‌کرد، بلکه بر سینه خود زده، می‌گفت: "خدایا، بر منِ گناهکار رحم کن." ۱۴ به شما می‌گویم که این مرد درستکار شمرده شده به خانه رفت، برخلاف آن دیگری. زیرا هر که خود را برافرازد، خوار خواهد شد، و هر که خود را فروتن سازد، سرافراز خواهد گردید.»

## بگذارید کودکان نزد من بیایند

**لوقا ۱۸:۱۵-۱۷؛ متّی ۱۹:۱۳-۱۵؛ مَرقُس ۱۰:۱۳-۱۶**

۱۵ حال، آنها حتی کودکان را نزد او می‌آوردند تا بر آنها دست بگذارد. و وقتی شاگردان این را دیدند، ایشان را توبیخ کردند. ۱۶ امّا عیسی آنان را نزد خود خوانده، گفت: «بگذارید کودکان نزد من بیایند و ایشان را مانع نشوید، زیرا پادشاهی خدا به چنین کسان تعلق دارد. ۱۷ حقیقتا به شما می‌گویم، هر که پادشاهی خدا را همانند یک کودک نپذیرد، به آن راه نخواهد یافت.»

## رئیس ثروتمند

**لوقا ۱۸:۱۸-۳۰؛ متّی ۱۹:۱۶-۲۹؛ مَرقُس ۱۰:۱۷-۳۰**

۱۸ رئیسی از او پرسید: «ای استاد نیکو، چه باید بکنم تا وارث حیات جاودان شوم؟» ۱۹ و عیسی به او گفت: «چرا مرا نیکو می‌خوانی؟ هیچ‌کس نیکو نیست، جز خدا فقط. ۲۰ احکام را می‌دانی: زنا مکن، قتل مکن، دزدی مکن، شهادت دروغ مده، پدر و مادر خود را احترام کن.» ۲۱ وی گفت: «همه این ها را از نوجوانی نگاه داشته‌ام.» ۲۲ وقتی عیسی این را شنید، به او گفت: «هنوز یک چیز کم داری؛ آنچه داری بفروش و به فقرا بده، که در آسمان گنج خواهی داشت. آنگاه بیا و از من پیروی کن.» ۲۳ امّا او چون این‌ها را شنید، غمگین شد، زیرا بسیار ثروتمند بود. ۲۴ عیسی وقتی دید که غمگین شده است، گفت: «چه دشوار است راه یافتن ثروتمندان به پادشاهی خدا! ۲۵ زیرا گذشتن شتر از سوراخ سوزن آسانتر است از وارد شدن شخص ثروتمند به پادشاهی خدا.» ۲۶ آنانی که این را شنیدند، گفتند: «پس چه کسی می‌تواند نجات یابد؟» ۲۷ اما او گفت: «آنچه برای انسان غیرممکن است، برای خدا ممکن است.»

۲۸ و پطرس گفت: « ببین، ما خانه‌هایمان را ترک کرده، تو را پیروی کرده‌ایم.» ۲۹ پس به ایشان گفت: «حقیقتا به شما می‌گویم، کسی نیست که خانه یا زن یا برادران یا والدین یا فرزندان را به‌خاطر پادشاهی خدا ترک کند، ۳۰ که چند برابر بیشتر در این عالم و در عالم آینده حیات جاودان را نیابد.»

## سومین پیشگویی عیسی درباره مرگ خود

**لوقا ۱۸:۳۱-۳۳؛ متّی ۲۰:۱۷-۱۹؛ مَرقُس ۱۰:۳۲-۳۴**

۳۱ آنگاه آن دوازده را برداشته، به ایشان گفت: «اینک به اورشلیم می‌رویم و هرآنچه انبیا درباره پسر انسان نوشته‌اند، به انجام خواهد رسید. ۳۲ زیرا او به دست غیریهودیان تسلیم کرده خواهد شد و مورد استهزا و توهین قرار خواهد گرفت و آب دهان بر او انداخته خواهد شد. ۳۳ و بعد از تازیانه زدنش، او را خواهند کشت و در روز سوّم خواهد

برخاست.» ۳۴اما ایشان هیچ کدام از این
چیزها را نفهمیدند. این سخن از آنان مخفی
بود و درک نکردند که چه می‌گوید.

## عیسی گدایی کور را شفا می‌دهد

**لوقا ۱۸:۳۵–۴۳؛ مَتّی
۲۰:۲۹–۳۴؛ مَرقُس ۱۰:۴۶–۵۲**

۳۵ چون به نزدیک اَریحا رسید، مردی نابینا
بر کنار راه نشسته، گدایی می‌کرد. ۳۶ و چون
صدای جماعتی را که از آنجا می‌گذشت شنید،
پرسید: «چه خبر است؟» ۳۷به او گفتند:
«عیسای ناصری می‌گذرد.» ۳۸پس او فریاد
برآورد: «ای عیسی، پسر داوود، بر من رحم
کن!» ۳۹ و کسانی که در جلو بودند، توبیخش
کرده، گفتند که ساکت باشد. امّا او بیشتر
فریاد برآورد که: «ای پسر داوود، بر من رحم
کن!» ۴۰عیسی ایستاد و دستور داد که وی
را نزد او بیاورند. و چون نزدیک آمد، از او
پرسید: ۴۱ «چه می‌خواهی برایت بکنم؟» وی
گفت: «ای خداوند، تا بینایی‌ام را بازیابم.»
۴۲عیسی به او گفت: «بینایی‌ات را بازیاب؛
ایمانت تو را شفا داده است.» ۴۳ و بی‌درنگ
بینایی خود را بازیافت و خدا را حمدگویان، از
پی او رفت. و همه مردم وقتی این را دیدند،
خدا را ستایش کردند.

## عیس و زَکّا

۱۹ عیسی به اَریحا وارد شد و از میان
شهر می‌گذشت. ۲ و اینک، در آنجا
مردی بود به نام زَکّا. او رئیس خراج‌گیران بود
و ثروتمند. ۳ و می‌خواست ببیند که عیسی
کیست، امّا به سبب جماعت نمی‌توانست،
زیرا کوتاه قدّ بود. ۴ پس پیش دوید و از درخت
انجیری وحشی بالا رفت تا عیسی را ببیند، زیرا
او از آن راه می‌گذشت. ۵ و چون عیسی به آن
مکان رسید، به بالا نگاه کرد و به او گفت:
«ای زَکّا، بشتاب و پایین بیا، چون امروز باید
در خانه تو بمانم.» ۶ پس به عجله پایین آمد
و با شادی او را پذیرفت. ۷ و چون آنها این
را دیدند، همه غرغر کردند که: «به میهمانی
کسی رفته که شخصی گناهکار است.» ۸ و زَکّا
ایستاد و به خداوند گفت: «اینک ای خداوند،
نصف اموال خود را به فقرا می‌دهم و اگر چیزی
به ناحق از کسی گرفته باشم، چهار برابر به
او برمی‌گردانم.» ۹ عیسی به او گفت: «امروز
نجات به این خانه آمده است، چون این مرد
نیز پسر ابراهیم است. ۱۰ زیرا پسر انسان آمد
تا گمشده را بجوید و نجات بخشد.»

## مَثَل ده قنطار

**لوقا ۱۹:۱۲–۲۷؛ مشابه مَتّی ۲۵:۱۴–۳۰**

۱۱ و چون آنها این چیزها را شنیدند، وی
ادامه داده، مَثَلی آورد، زیرا نزدیک به اورشلیم
بود و ایشان گمان می‌کردند که پادشاهی خدا
در همان زمان ظهور می‌کند. ۱۲ پس گفت:
«نجیب‌زاده‌ای به سرزمینی دوردست رفت تا
برای خود مملکتی بگیرد و بعد برگردد. ۱۳ پس،
ده نفر از خادمان خود را خوانده، به هر یک
ده قنطار داد و گفت: "تجارت کنید تا بیایم."
۱۴امّا شهروندانش که از وی نفرت داشتند،
به دنبال او قاصدانی فرستاده، گفتند: "ما
نمی‌خواهیم این شخص بر ما حکومت کند."
۱۵ و او وقتی پادشاهی را گرفته، مراجعت کرد،
فرمان داد تا خادمانی را که به ایشان پول داده

**۱۹.۱۳** در متن یونانی، "مینا" آمده است. هر مینا معادل دستمزد سه ماه یک کارگر بود.

بود، احضار کنند تا بداند هر یک چقدر سود کرده است. ۱۶ اوّلی به نزدش آمد و گفت: "ای آقا، قنطار تو ده قنطار دیگر سود آورده است." ۱۷ پس به او گفت: "آفرین، ای خادم نیکو! چون در اندک امین بودی، بر ده شهر حاکم شو." ۱۸ و دوّمی آمد و گفت: "ای آقا، قنطار تو پنج قنطار سود آورده است." ۱۹ پس به او گفت: "بر پنج شهر حکمرانی کن." ۲۰ آنگاه دیگری آمده، گفت: "ای آقا، این هم قنطارت، که آن را در دستمالی نگاه داشتم. ۲۱ چون از تو می‌ترسیدم، زیرا مرد سختگیری هستی. آنچه نگذاشته‌ای، برمی‌گیری، و آنچه نکاشته‌ای، می‌دروی." ۲۲ به او گفت: "ای خادم شریر، مطابق سخنانت تو را محکوم خواهم کرد! تو می‌دانستی که مردی سختگیرم، آنچه نگذاشته‌ام، برمی‌گیرم و آنچه نکاشته‌ام، می‌دروم، ۲۳ پس چرا پول مرا به صرّافان ندادی تا چون برگردم، آن را با سود دریافت کنم؟" ۲۴ پس به حاضران گفت: "قنطار را از او بگیرید و به آن که ده قنطار دارد، بدهید." ۲۵ به او گفتند: "ای آقا، او ده قنطار دارد!" ۲۶ "زیرا به شما می‌گویم که به هر که دارد، بیشتر داده خواهد شد؛ امّا آن که ندارد، همان که دارد نیز از او گرفته خواهد شد. ۲۷ امّا آن دشمنانم که نمی‌خواستند من بر ایشان حکومت کنم، آنها را به اینجا بیاورید و در حضور من بکُشید."»

### ورود پیروزمندانه

**لوقا ۲۹:۱۹-۳۸؛ مَتّی ۱:۲۱-۹؛ مَرقُس ۱:۱۱-۱۰**
**لوقا ۳۵:۱۹-۳۸؛ یوحنا ۱۲:۱۲-۱۵**

۲۸ و چون این چیزها را گفت، پیش رفته به سوی اورشلیم روان شد.
۲۹ وقتی به نزدیکی بِیت‌فاجی و بِیت‌عَنیا بر کوهی به نام زیتون رسید، دو نفر از شاگردان خود را فرستاده، ۳۰ گفت: «به دهکده‌ای که پیش روی شماست، بروید و چون وارد شدید، کره الاغی را بسته خواهید یافت که تا به حال کسی بر آن سوار نشده است. آن را باز کنید و به اینجا بیاورید. ۳۱ اگر کسی از شما پرسید: "چرا آن را باز می‌کنید؟" این را بگویید: "خداوند آن را لازم دارد."» ۳۲ پس فرستادگان رفتند و آن را همانطور که گفته بود، یافتند. ۳۳ و چون کرّه را باز می‌کردند، صاحبانش به ایشان گفتند: «چرا کرّه را باز می‌کنید؟» ۳۴ ایشان گفتند: «خداوند آن را لازم دارد.» ۳۵ پس آن را نزد عیسی آوردند، و رداهای خود را بر آن کرّه انداختند و عیسی را بر آن سوار کردند. ۳۶ و همچنان که می‌رفت، آنان رداهای خود را بر سر راه پهن می‌کردند.
۳۷ چون به نزدیکی سرازیری کوه زیتون رسید، تمامی شاگردانش به شادمانی آغاز کردند و خدا را با صدای بلند به‌خاطر همه معجزاتی که از او دیده بودند، تسبیح خوانده، ۳۸ می‌گفتند:

«مبارک است پادشاهی که
به نام خداوند می‌آید!
صلح در آسمان باد

**۳۸.۱۹** مزمور ۱۱۸: ۲۶

و جلال در عرشِ برین!»
[۳۹] برخی از فَریسیان از میان جمعیت به وی
گفتند: «ای استاد، شاگردانت را توبیخ کن!»
[٤۰] در پاسخ گفت: «به شما می‌گویم، اگر اینان
ساکت شوند، خود سنگها به صدا در خواهند
آمد!»

## عیسی بر اورشلیم می‌گرید

[٤۱] و وقتی نزدیک شد و شهر را دید، بر آن
گریسته، [٤۲] گفت: «ایکاش تو، حتی تو نیز در
این روز آنچه را که باعث صلح و سلامتی‌ات
می‌شد، می‌دانستی. امّا اکنون از چشمانت پنهان
گشته است. [٤۳] زیرا روزهایی بر تو خواهد
آمد که دشمنانت گرداگرد تو سنگر خواهند
ساخت و محاصره‌ات کرده، تو را از هر طرف
احاطه خواهند نمود، [٤٤] و تو را و فرزندانت
را در اندرونت به خاک خواهند کشید. و در
تو سنگی بر سنگی نخواهند گذاشت، زیرا زمان
ملاقات خود را ندانستی.»

## عیسی معبد را پاکسازی می‌کند

**لوقا ۱۹:٤۵ و ٤٦؛ مَتّی ۲۱:۱۲–۱٦؛**
**مَرقُس ۱۱:۱۵–۱۸؛ یوحنا ۲:۱۳–۱٦**

[٤۵] آنگاه به معبد وارد شد و به بیرون راندن
فروشندگان آغاز نمود، [٤٦] و به آنان گفت:
«نوشته شده است که "خانه من خانه دعا
خواهد بود،" امّا شما آن را 'لانهٔ دزدان'
ساخته‌اید.»
[٤۷] و او هر روزه در معبد تعلیم می‌داد. سران
کاهنان و معلمین تورات و رؤسای قوم در پی
هلاک کردنش بودند، [٤۸] ولی راهی برای انجام
مقصود خود نمی‌یافتند، زیرا همه مردم شیفته
سخنان او بودند.

## سؤال درباره اقتدار عیسی

**لوقا ۲۰:۱–۸؛ مَتّی ۲۱:۲۳–۲۷؛ مَرقُس ۱۱:۲۷–۳۳**

۲۰ روزی وقتی عیسی در معبد مردم را
تعلیم و بشارت می‌داد، سران کاهنان
و معلمین تورات به همراه مشایخ آمدند [۲] و
به او گفتند: «به ما بگو، به چه اجازه‌ای
این چیزها را می‌کنی؟ یا چه کسی این اقتدار
را به تو داده است؟» [۳] به ایشان پاسخ داد:
«من نیز از شما سؤالی می‌پرسم. حال به من
بگویید، [٤] آیا تعمید یحیا از آسمان بود یا از
انسان؟» [۵] آنها با هم مشورت کرده، گفتند:
«اگر بگوییم از آسمان، خواهد گفت، "چرا
به او ایمان نیاوردید؟" [٦] و اگر بگوییم از
انسان، همه مردم سنگسارمان خواهند کرد،
زیرا معتقدند که یحیا پیامبر بود.» [۷] پس پاسخ
دادند: «نمی‌دانیم از کجا بود.» [۸] و عیسی به
ایشان گفت: «من نیز به شما نمی‌گویم با چه
اقتداری این چیزها را می‌کنم.»

## مَثَل باغبانان شریر

**لوقا ۲۰:۹–۱۹؛ مَتّی ۲۱:۳۳–٤٦؛ مَرقُس ۱۲:۱–۱۲**

[۹] آنگاه این مَثَل را برای مردم آورد: «مردی
تاکستانی کاشت و آن را به باغبانان اجاره داد
و برای مدتی طولانی به سرزمینی دیگر رفت.
[۱۰] وقتی موسم فرا رسید، غلامی نزد باغبانان
فرستاد تا مقداری از میوه تاکستان را به او
بدهند. امّا باغبانان او را زدند و دست خالی
برگردانیدند. [۱۱] غلامی دیگر فرستاد، امّا او
را نیز زدند و با وی بی‌حرمتی کرده، دست

**٤٦.۱۹** اشعیا ٥٦: ۷ **٤٦.۱۹** ارمیا ۷: ۱۱ **٤.۲۰** منظور "از خدا"

خالی روانش نمودند. ۱۲ با اینحال سوّمی را
هم فرستاد. او را نیز مجروح کرده، بیرون
انداختند.
۱۳ پس صاحب تاکستان گفت: "چه کنم؟
پسر محبوب خود را خواهم فرستاد؛ شاید او
را حرمت بدارند." ۱۴ امّا وقتی باغبانان او را
دیدند، با خود گفتند: "این وارث است. بیایید
او را بکشیم تا میراث از آنِ ما شود." ۱۵ و او
را از تاکستان بیرون افکندند و کشتند.
آنگاه صاحب تاکستان با آنها چه خواهد
کرد؟ ۱۶ او خواهد آمد و آن باغبانان را هلاک
کرده، تاکستان را به دیگران خواهد سپرد.»
چون این را شنیدند، گفتند: «یقینا نه!» ۱۷ امّا
او به آنان مستقیم نگاه کرده گفت: «پس
معنی آن نوشته چیست:

"سنگی را که معماران ردّ کردند
سنگ زاویه شده است"

۱۸ هر که بر آن سنگ افتد، خُرد خواهد شد،
اما هرگاه آن بر کسی افتد، او را لِه خواهد
کرد.»

## پرداخت خَراج به قیصر

**لوقا ۲۰:۲۰–۲۶؛ مَتّی
۲۲:۱۵–۲۲؛ مَرقُس ۱۲:۱۳–۱۷**

۱۹ معلمین تورات و سران کاهنان در همان
ساعت در پی آن شدند که او را گرفتار
سازند، چونکه دریافتند این مَثَل را به ضدّ آنان
می‌گوید، امّا از مردم ترسیدند.
۲۰ پس او را زیر نظر داشته، جاسوسانی
فرستادند که خود را صادق جلوه دادند تا
بتوانند او را در سخن گرفتار سازند و تسلیم
اقتدار و محکمه والی کنند. ۲۱ پس از او
پرسیدند: «ای استاد، می‌دانیم که تو به راستی
سخن می‌گویی و تعلیم می‌دهی، و جانبداری
نمی‌کنی، بلکه حقیقتا راه خدا را آموزش
می‌دهی. ۲۲ آیا پرداخت خَراج به قیصر بر ما
جایز است یا نه؟» ۲۳ امّا او به نیرنگ ایشان
پی برد و به ایشان گفت: ۲۴ «دیناری را به
من نشان دهید. صورت و نوشته‌اش از آنِ
کیست؟» گفتند: «از آنِ قیصر.» ۲۵ به آنها
گفت: «پس مال قیصر را به قیصر بدهید،
و مال خدا را به خدا.» ۲۶ پس نتوانستند در
حضور مردم او را با گفته‌هایش به دام اندازند،
لیکن در شگفت از پاسخ او ساکت ماندند.

## سؤال صدوقیان درباره زنده شدن مردگان

**لوقا ۲۷:۲۰–۴۰؛ مَتّی
۲۳:۲۲–۳۳؛ مَرقُس ۱۸:۱۲–۲۷**

۲۷ آنجا چند نفر از صَدوقیان که منکر
قیامت مردگان هستند، به نزدش آمدند، ۲۸ و
سؤالی از او کرده، گفتند: «ای استاد، موسی
برای ما نوشت که اگر برادر مردی بمیرد و از
خود زنی بی‌فرزند داشته باشد، آن مرد باید او
را به زنی بگیرد تا نسلی برای برادرش باقی گذارد.
۲۹ حال، هفت برادر بودند. اوّلین زنی گرفت
و بی‌فرزند مُرد. ۳۰ بعد دوّمین ۳۱ و سپس
سوّمین او را به زنی گرفت و به همین‌سان هر
هفت برادر بی‌آنکه از خود فرزندی بر جای
نهند، همه مُردند. ۳۲ بعد از همه، آن زن نیز
مُرد. ۳۳ پس در قیامت، آن زن همسر کدام
یک خواهد بود؟ زیرا هر هفت او را به زنی
داشتند.»

---

**۲۰.۱۷** سنگ سرِ زاویه که مهمترین سنگ بنا است **۲۰.۲۱** در متن یونانی، به ظاهر نگاه نمی‌کنی **۲۰.۲۸** در متن یونانی، برادرش

[۳٤] آنگاه عیسی به ایشان گفت: «فرزندانِ
این عصر زن می‌گیرند و شوهر می‌کنند.
[۳۵] امّا آنان که لایق محسوب می‌شوند که
به عصر آینده و قیامت از مردگان برسند،
نه زن خواهند گرفت و نه شوهر خواهند
کرد، [۳٦] زیرا دیگر نمی‌توانند بمیرند، چرا که
با فرشتگان برابرند و از آنجا که پسران
قیامت می‌باشند، پسران خدا هستند. [۳۷] امّا
اینکه مردگان زنده می‌شوند، حتی موسی نیز
در شرح ماجرای بوته نشان داد، آنجا که
خداوند را ، خدای ابراهیم و خدای اسحاق
و خدای یعقوب می‌خواند. [۳۸] حال، او خدای
مردگان نیست، بلکه خدای زندگان، زیرا نزد
او همه زنده هستند.» [۳۹] آنگاه بعضی از
معلمین تورات در پاسخ گفتند: «ای استاد،
نیکو گفتی.» [٤۰] و دیگر هیچ‌کس جرأت نکرد
پرسشی از او کند.

### مسیح پسر کیست؟

**لوقا ۲۰:٤۱–٤۷؛ مَتّی ۲۲:٤۱–٤٦؛ مَرقُس ۱۲:۳۵–٤۰**

[٤۱] لیکن به آنان گفت: «چگونه می‌گویند
مسیح پسر داوود است؟ [٤۲] چونکه داوود خود
در کتاب مزامیر می‌گوید:
«"خداوند به خداوند من گفت:
به دست راست من بنشین
[٤۳] تا زمانی که دشمنانت را
پای‌انداز تو سازم."
[٤٤] پس اگر داوود او را 'خداوند' می‌خواند،
چگونه او پسرش می‌باشد؟»

### از معلمین تورات برحذر باشید

[٤۵] و چون همه مردم می‌شنیدند، او به
شاگردان خود گفت: [٤٦] «از معلمین تورات
برحذر باشید که دوست دارند در رداهای
بلند راه روند، و دوست دارند که در بازارها
سلام گیرند و در کنیسه‌ها در بهترین جاها
و در ضیافتها در صدر مجلس بنشینند.
[٤۷] آنانی‌که خانه‌های بیوه‌زنان را می‌بلعند و
برای تظاهر، دعاهای طویل می‌کنند. ایشان
محکومیت شدیدتر خواهند یافت.»

### هدیه بیوه‌زن

**لوقا ۲۱:۱–٤؛ مَرقُس ۱۲:٤۱–٤٤**

۲۱ عیسی نگاه کرد و ثروتمندان را دید
که هدایای خود را در صندوق هدایا
می‌اندازند. [۲] و بیوه‌زنی فقیر را دید که دو قِران
در آن انداخت. [۳] و گفت: «حقیقتا به شما
می‌گویم، این بیوه‌زن فقیر از همه آنان بیشتر
داد. [٤] زیرا همه آنان از فزونی خویش دادند، امّا
این زن در تنگدستی خود، تمامی روزی خویش
را داد.»

### عیسی ویرانی معبد را پیشگویی می‌کند

**لوقا ۲۱:۵–۳٦؛ مَتّی ۲٤؛ مَرقُس ۱۳**
**لوقا ۲۱:۱۲–۱۷؛ مَتّی ۱۰:۱۷–۲۲**

[۵] و چون برخی درباره معبد سخن می‌گفتند
که چگونه با سنگهای زیبا و هدایا مزیّن شده
بود، وی گفت: [٦] «روزهایی خواهد آمد که از
این چیزهایی که می‌بینید، سنگی بر سنگی دیگر
نمی‌ماند بلکه همه فرو خواهند ریخت.»

---

**۳۷.۲۰** خروج ۳: ٦ **٤۳.۲۰** مزمور ۱۱۰: ۱ **۲.۲۱** در متن یونانی "لِپتا" - هر لپتون که سکّه مسی کم ارزشی بود معادل ۱/۱۲۸ یک دینار . هر دینار دستمزد روزانه یک کارگر بود.

۷ پس از او پرسیدند: «ای استاد، این وقایع
کِی خواهد شد و نشانه نزدیک شدن آنها
چیست؟» ۸ و او گفت: «مراقب باشید که
گمراه نشوید. زیرا بسیاری به نام من خواهند
آمد و خواهند گفت: "من، او هستم." و
"زمان رسیده است." به دنبال ایشان نروید.
۹ و چون خبر جنگها و آشوبها را می‌شنوید،
هراسان نشوید، زیرا می‌باید اوّل این چیزها واقع
شود، ولی انتها بلافاصله نخواهد بود.»

## عیسی جنگها و جفاها را پیشگویی می‌کند

۱۰ آنگاه به ایشان گفت: «ملتی به ضدّ ملتی
دیگر و مملکتی به ضدّ مملکت دیگر بلند
خواهد شد. ۱۱ زلزله‌های بزرگ خواهد آمد و
در جاهای گوناگون قحطی و طاعون، و وقایع
هولناک و نشانه‌های عظیم از آسمان ظاهر
خواهد شد.
۱۲ امّا پیش از این همه، شما را گرفته،
آزارتان خواهند رسانید و به کنیسه‌ها و زندانها
خواهند سپرد، و به‌خاطر نام من، شما را نزد
پادشاهان و والیان خواهند برد. ۱۳ و این‌گونه
فرصت خواهید یافت تا شهادت دهید. ۱۴ این
را خوب به خاطرتان بسپارید و از پیش تفکّر
نکنید چگونه جواب دهید. ۱۵ زیرا به شما
دهانی و حکمتی خواهم داد که هیچ یک از
دشمنانتان را یارای مقاومت یا مخالفت با آن
نباشد. ۱۶ شما را حتی والدین و برادران، و
خویشان و دوستان، تسلیم دشمن خواهند
کرد و بعضی از شما را خواهند کشت. ۱۷ و
همه به‌خاطر نام من از شما نفرت خواهند
داشت. ۱۸ لیکن مویی از سرتان از بین نخواهد
رفت. ۱۹ با تحمل، جانهای خود را خواهید
یافت.

## عیسی ویرانی اورشلیم را پیشگویی می‌کند

۲۰ لیکن چون ببینید اورشلیم توسط
لشکریان محاصره شده است، آنگاه بدانید
که ویرانی آن رسیده است. ۲۱ در آن وقت
آنان که در یهودیه باشند، به کوهها بگریزند
و آنان که در شهر باشند، بیرون روند، و
آنان که در صحرا باشند، به شهر نیایند.
۲۲ زیرا اینها، روزهای انتقام است تا آنچه
نوشته شده، تحقق یابد. ۲۳ وای بر زنان
آبستن و مادران شیرده در آن روزها! زیرا
عذابی عظیم بر روی زمین خواهد آمد و
غضب بر علیه این قوم خواهد رسید. ۲۴ به
دَم شمشیر خواهند افتاد و به میان همه
ملتها به اسیری برده خواهند شد و اورشلیم
زیر پای غیریهودیان لگدمال خواهد گشت تا
زمانهای غیریهودیان به انجام خود رسد.

## آمدن پسر انسان

۲۵ و نشانه‌هایی در آفتاب و ماه و ستارگان
خواهد بود و بر روی زمین عذابِ ملتها
در پریشانی، به سبب خروش دریا و امواج.
۲۶ مردم از ترس و نگرانی و از آنچه بر دنیا
می‌آید، ضعف خواهند کرد. زیرا قوّات آسمان
به لرزه خواهند افتاد. ۲۷ و آنگاه پسر انسان
را خواهند دید که در ابری با قدرت و جلال
عظیم می‌آید. ۲۸ و وقتی این چیزها آغاز شود،
راست شده، سرهای خود را بالا بگیرید، زیرا
رهایی شما نزدیک است.»

## درسِ از درخت انجیر

۲۹ و مَثَلی را به ایشان گفت: «درخت انجیر
و سایر درختان را ببینید. ۳۰ به محض اینکه
برگ می‌دهند، خود می‌بینید و می‌دانید که
تابستان نزدیک شده است. ۳۱ و نیز هرگاه

ببینید این چیزها رخ می‌دهند، می‌دانید که پادشاهی خدا نزدیک شده است. ۳۲ حقیقتا به شما می‌گویم، تا همه این امور واقع نشود، این نسل نخواهد گذشت. ۳۳ آسمان و زمین زایل خواهد شد، امّا سخنان من زایل نخواهند شد.

### مواظب خود باشید

۳۴ پس مواظب خود باشید، مبادا دل‌هایتان با عیاشی و مستی و نگرانی‌های این دنیا سنگین شود و آن روز ناگهان چون دامی بر شما آید. ۳۵ زیرا که بر همه ساکنانِ تمامی زمین خواهد آمد. ۳۶ پس در هروقت بیدار بوده، دعا کنید تا قوّت بیابید و از تمامی این چیزها که واقع خواهد شد، در امان بمانید و در حضور پسر انسان بایستید.»

۳۷ و او هر روز در معبد تعلیم می‌داد و هر شب از شهر بیرون می‌رفت و شب را بر کوه معروف به زیتون به سر می‌برد. ۳۸ و هر صبح، زود هنگام، همه مردم برای شنیدن سخنانش در معبد گرد می‌آمدند.

### توطئه قتل عیسی

**لوقا ۱:۲۲ و ۲؛ مَتّی ۲:۲۶–۵؛**
**مَرقُس ۱:۱۴ و ۲ و ۱۰ و ۱۱**

۲۲ حال عید فَطیر که به پِسَخ معروف است، نزدیک شد. ۲ سران کاهنان و معلمین تورات، از آنجا که از مردم بیم داشتند، در جستجوی راهی بودند که چگونه او را به قتل رسانند.

### خیانت یهودا

۳ آنگاه شیطان در یهودای معروف به اِسخَریوطی که یکی از آن دوازده بود، داخل شد. ۴ او رفت و با سران کاهنان و افسران مشورت کرد که چطور او را به ایشان تسلیم کند. ۵ ایشان شاد شدند و موافقت کردند مبلغی به او بدهند. ۶ او نیز قبول کرد و در پی فرصتی بود تا در غیاب مردم، او را به ایشان تسلیم کند.

### شام پسخ با شاگردان

**لوقا ۷:۲۲–۱۳؛ مَتّی ۱۷:۲۶–۱۹؛ مَرقُس ۱۲:۱۴–۱۶**
**لوقا ۱۷:۲۲–۲۰ – مَتّی ۲۶:۲۶–۲۹؛**
**مَرقُس ۲۲:۱۴–۲۵؛ اوّل قرنتی‌ان ۲۳:۱۱–۲۵**
**لوقا ۲۱:۲۲–۲۳؛ مَتّی ۲۱:۲۶–۲۴؛ مَرقُس**
**۱۸:۱۴–۲۱؛ یوحنا ۲۱:۱۳–۳۰ لوقا ۲۵:۲۲–۲۷ –**
**مَتّی ۲۵:۲۰–۲۸؛ مَرقُس ۴۲:۱۰–۴۵**
**لوقا ۳۳:۲۲ و ۳۴؛ مَتّی ۳۳:۲۶–۳۵؛**
**مَرقُس ۲۹:۱۴–۳۱؛ یوحنا ۳۷:۱۳ و ۳۸**

۷ پس روز عید فَطیر که می‌بایست بره پِسَخ قربانی شود، رسید. ۸ عیسی، پطرس و یوحنا را فرستاده، گفت: «بروید و پِسَخ را برایمان تدارک ببینید تا بخوریم.» ۹ به او گفتند: «کجا می‌خواهی تدارک ببینیم؟» ۱۰ به ایشان گفت: «حال، هنگامی که به شهر داخل شدید، مردی با کوزه‌ای آب به شما برمی‌خورد. به دنبال او به خانه‌ای که داخل می‌شود، بروید ۱۱ و به صاحبخانه بگویید: ”استاد تو را می‌گوید: ’میهمانخانه کجاست تا در آن پِسَخ را با شاگردانم بخورم؟‘“ ۱۲ و او بالاخانه بزرگ و مفروشی را به شما نشان خواهد داد؛ در آنجا تدارک ببینید.» ۱۳ پس رفته و آن را چنان‌که به ایشان گفته بود، یافتند و پِسَخ را تدارک دیدند.

### شام خداوند

۱۴ و وقتی ساعت رسید، وی با رسولان بر سفره نشست. ۱۵ آنگاه به ایشان گفت:

«اشتیاق بسیار داشتم پیش از رنج کشیدنم، این پسخ را با شما بخورم. ۱۶ زیرا به شما می‌گویم که دیگر از آن نخواهم خورد تا وقتی که در پادشاهی خدا تحقق یابد.» ۱۷ پس پیاله‌ای گرفت و شکر کرده، گفت: «این را بگیرید و بین خود تقسیم کنید. ۱۸ زیرا به شما می‌گویم که دیگر از محصول مُو نخواهم نوشید تا پادشاهی خدا بیاید.» ۱۹ و نان را گرفت و شکر کرد و پاره نمود و به آنها داده، گفت: «این است بدن من که برای شما داده می‌شود، این را به یاد من به جا آرید.» ۲۰ و همچنین پس از شام پیاله را گرفته، گفت: «این پیاله عهد جدید است در خون من که برای شما ریخته می‌شود. ۲۱ لیکن اینک دست کسی که مرا تسلیم می‌کند، با من در سفره است. ۲۲ زیرا پسر انسان آن‌چنان که مقرّر است، می‌رود، امّا وای بر آن کس که او را تسلیم کند.» ۲۳ آنگاه از یکدیگر پرسیدن آغاز کردند که کدام‌یک از آنان چنین خواهد کرد.

### چه کسی بزرگترین است؟

۲۴ و بحثی میانشان درگرفت که کدام یک از ایشان بزرگترین به حساب می‌آید. ۲۵ آنگاه به ایشان گفت: «پادشاهان دیگر اقوام بر ایشان آقایی می‌کنند، و صاحبان قدرت 'نیکوکار' خوانده می‌شوند. ۲۶ امّا شما چنین نباشید. بلکه بزرگترین در میان شما چون کوچکترین و رهبر چون خادم باشد. ۲۷ زیرا کدام یک بزرگتر است، آن که بر سفره می‌نشیند، یا آن که خدمت می‌کند؟ آیا نه آنکس که بر سفره می‌نشیند؟ امّا من در میان شما چون خادم هستم.

۲۸ شما کسانی هستید که در امتحاناتم با من ایستادید. ۲۹ من برای شما یک پادشاهی مقرر می‌کنم، چنانکه پدرم به من مقرّر کرد، ۳۰ تا در پادشاهی من بر سفره من بخورید و بیاشامید و بر تختها بنشینید و بر دوازده قبیله اسرائیل داوری کنید.

### عیسی، انکار پطرس را پیشگویی می‌کند

۳۱ ای شَمعون، ای شَمعون، اینک، شیطان خواست تو را بگیرد که چون گندم غَربالت کند، ۳۲ امّا من برای تو دعا کردم تا ایمانت تلف نشود. پس وقتی بازگشتی، برادرانت را استواری بده.» ۳۳ پطرس به او گفت: «ای خداوند، من آماده‌ام با تو به زندان بروم و بمیرم.» ۳۴ عیسی گفت: «ای پطرس، تو را می‌گویم، که امروز پیش از بانگ خروس، سه مرتبه انکار خواهی کرد که مرا می‌شناسی.»

### کتب مقدس باید در مسیح به انجام خود رسد

۳۵ آنگاه به ایشان گفت: «آیا زمانی که شما را بدون کیسه پول و توشه‌دان و کفش فرستادم، به چیزی محتاج شدید؟» گفتند: «هیچ چیز.» ۳۶ پس به آنها گفت: «امّا اکنون هر که کیسه پول و نیز توشه‌دان دارد، آن را بردارد و اگر شمشیر ندارد، جامه خود را فروخته، آن را بخرد. ۳۷ زیرا به شما می‌گویم که این نوشته باید در من تحقق یابد که: "او از خطاکاران محسوب شد." زیرا آنچه درباره من نوشته شده، انجام خود را دارد.» ۳۸ و آنها گفتند: «ای خداوند، اینک، دو شمشیر.» آنگاه به ایشان گفت: «کافی است!»

**۳۷.۲۲** اشعیا ۵۳: ۱۲

## عیسی در کوه زیتون دعا می‌کند

**لوقا ۲۲:۴۰-۴۶؛ مَتّی ۲۶:۳۶-۴۶؛ مَرقُس ۱۴:۳۲-۴۲**

۳۹ و او چنانکه عادتش بود بیرون آمده، به
کوه زیتون رفت و شاگردانش از پی او رفتند.
۴۰ و چون به آن مکان آمد، به ایشان گفت:
«دعا کنید تا در امتحان نیفتید.» ۴۱ سپس
به مسافت پرتاب یک سنگ از آنها کناره
گرفت و زانو زد و دعا کرده، ۴۲ گفت: «ای
پدر، اگر بخواهی، این پیاله را از من بردار؛ امّا
نه خواست من، بلکه اراده تو انجام شود.»
۴۳ آنگاه فرشته‌ای از آسمان بر او ظاهر شده،
او را تقویت می‌کرد. ۴۴ و در رنجی جانکاه
با جدیّتی بیشتر دعا کرد و عرقش همچون
قطرات خون بود که بر زمین می‌چکید. ۴۵ و
وقتی از دعا برخاست، نزد شاگردان آمد و آنها
را از شدّت غم در خواب یافت. ۴۶ به ایشان
گفت: «چرا خوابیده‌اید؟ برخیزید و دعا کنید
تا در امتحان نیفتید.»

## خیانت به عیسی و دستگیری وی

**لوقا ۲۲:۴۷-۵۳؛ مَتّی ۲۶:۴۷-۵۶؛ مَرقُس ۱۴:۴۳-۵۰؛ یوحنا ۱۸:۳-۱۱**

۴۷ هنوز سخن می‌گفت که ناگاه جماعتی
آمدند، و یکی از آن دوازده که یهودا نام
داشت، آنان را هدایت می‌کرد. او به عیسی
نزدیک شد تا وی را ببوسد، ۴۸ امّا عیسی به
او گفت: «ای یهودا، آیا پسر انسان را با یک
بوسه تسلیم می‌کنی؟» ۴۹ و چون پیروان او
دیدند چه خواهد شد، گفتند: «ای خداوند،
آیا با شمشیر بزنیم؟» ۵۰ و یکی از آنان غلام
کاهن اعظم را زد و گوش راستش را برید. ۵۱ امّا
عیسی گفت: «دیگر چنین مکنید.» و گوش
آن مرد را لمس کرد و شفا داد. ۵۲ آنگاه عیسی
به سران کاهنان و افسران معبد و مشایخی
که به ضدّش آمده بودند، گفت: «مگر برای
مقابله با یک دزد است که با شمشیر و چماق
آمده‌اید؟ ۵۳ وقتی هر روز در معبد با شما
بودم، بر من دست دراز نکردید، امّا این ساعتِ
شماست و قدرت تاریکی.»

## پطرس عیسی را انکار می‌کند

**لوقا ۲۲:۵۵-۶۲؛ مَتّی ۲۶:۶۹-۷۵؛ مَرقُس ۱۴:۶۶-۷۲؛ یوحنا ۱۸:۱۶-۱۸ و ۲۵-۲۷**

۵۴ پس او را گرفته بردند و به خانه کاهن
اعظم آوردند و پطرس دورادور از پی ایشان
می‌رفت. ۵۵ وقتی آنها در میان حیاط خانه،
آتشی روشن کرده و باهم نشسته بودند،
پطرس در میان آنان بنشست. ۵۶ آنگاه کنیزی
او را در روشنایی آتش دید و به او خیره شده،
گفت: «این مرد نیز با او بود.» ۵۷ امّا پطرس
انکار کرده، گفت: «ای زن، او را نمی‌شناسم.»
۵۸ و کمی بعد، کسی دیگر او را دید و گفت:
«تو نیز یکی از آنها هستی.» امّا پطرس گفت:
«ای مرد، من نیستم.» ۵۹ و حدود یک ساعت
بعد، کسی دیگر به تأکید گفت: «یقینا این
مرد نیز با او بود، زیرا او نیز جلیلی است.»
۶۰ اما پطرس گفت: «ای مرد، نمی‌دانم چه
می‌گویی.» و در حینی که او هنوز سخن
می‌گفت، بی‌درنگ خروس بانگ زد. ۶۱ آنگاه
خداوند روی گرداند و به پطرس نگاه کرد. و
پطرس سخن خداوند را به یاد آورد که به او
گفته بود: «امروز پیش از بانگ خروس، سه
مرتبه مرا انکار خواهی کرد.» ۶۲ آنگاه بیرون
رفته و به تلخی گریست.

### عیسی مسخره می‌گردد

**لوقا ۲۲:۶۳–۶۵؛ مَتّی ۲۶:۶۷ و ۶۸؛ مَرقُس ۱۴:۶۵؛ یوحنا ۱۸:۲۲ و ۲۳**

۶۳ اینک مردانی که عیسی را در بازداشت
داشتند، او را مسخره کرده، می‌زدند. ۶۴ آنها
چشمان او را هم بسته بودند و از وی پرسیده،
می‌گفتند: «نبوّت کن! بگو کیست که تو
را می‌زند؟» ۶۵ و کفرهای بسیارِ دیگر به او
می‌گفتند.

### محاکمه عیسی در حضور شورا

**لوقا ۲۲:۶۷–۷۱؛ مَتّی ۲۶:۶۳–۶۶؛ مَرقُس ۱۴:۶۱–۶۳؛ یوحنا ۱۸:۱۹–۲۱**

۶۶ وقتی روز رسید، شورای مشایخ قوم،
یعنی سران کاهنان و معلمین تورات، با یکدیگر
جمع آمدند. آنگاه او را به شورا آوردند،
۶۷ و گفتند: «اگر تو مسیح هستی، به ما
بگو.» لیکن به ایشان گفت: «اگر بگویم، باور
نخواهید کرد، ۶۸ و اگر از شما بپرسم، جواب
نخواهید داد. ۶۹ امّا از این پس، پسر انسان
به دست راست قدرت خدا خواهد نشست.»
۷۰ همه گفتند: «پس آیا تو پسر خدایی؟»
به ایشان گفت: «شما می‌گویید که هستم.»
۷۱ آنگاه گفتند: «دیگر چه نیازی به شهادتِ
بیشتر است؟ ما خود از زبانش شنیده‌ایم.»

### عیسی در مقابل پیلاتُس

**لوقا ۲۳:۲ و ۳؛ مَتّی ۲۷:۱۱–۱۴؛ مَرقُس ۱۵:۲–۵؛ یوحنا ۱۸:۲۹–۳۷**
**لوقا ۲۳:۱۸–۲۵؛ مَتّی ۲۷:۱۵–۲۶؛ مَرقُس ۱۵:۶–۱۵؛ یوحنا ۱۸:۳۹–۱۹:۱۶**

۲۳ آنگاه همه ایشان برخاستند و او را
نزد پیلاتُس آوردند ۲ و او را تهمت
زدن آغاز کرده، گفتند: «این مرد را یافته‌ایم
که قوم ما را گمراه می‌کند و ما را از پرداخت
خَراج به قیصر باز می‌دارد و می‌گوید که مسیح
و پادشاه است.» ۳ پس پیلاتُس از او پرسید:
«آیا تو پادشاه یهودیان هستی؟» در پاسخ
گفت: «تو چنین گفته‌ای.» ۴ آنگاه پیلاتُس
به سران کاهنان و جماعات گفت: «در این
مرد هیچ تقصیر نمی‌یابم.» ۵ امّا آنها به‌اصرار
می‌گفتند: «او مردم را می‌شوراند، و در سراسر
یهودیه، از جلیل گرفته، حتی تا به این مکان
تعلیم می‌دهد.»

### عیسی در مقابل هیرودیس

۶ چون پیلاتُس این را شنید، پرسید که آیا
این مرد یک جلیلی است. ۷ و وقتی دریافت
که او به حوزه قضاییِ هیرودیس تعلق دارد،
او را نزد هیرودیس فرستاد، که در آن هنگام
خود در اورشلیم بود. ۸ وقتی هیرودیس عیسی
را دید، بسیار شاد شد، زیرا مدتهای مدید
اشتیاق دیدن او را داشت، زیرا درباره او
شنیده بود و امید داشت معجزه‌ای از او
بیند. ۹ پس سؤالات بسیار از او کرد، امّا
وی پاسخی نداد. ۱۰ سران کاهنان و معلمین
تورات در آنجا ایستاده، سخت بر او اتهام
می‌زدند. ۱۱ هیرودیس همراه با سربازانش با او
به بی‌حرمتی رفتار کرد و مسخره‌اش نمود.
سپس او را به لباسی فاخر آراسته، به پیلاتُس
پس فرستاد. ۱۲ و در آن روز، هیرودیس و
پیلاتُس با هم دوست شدند، زیرا پیش از این
در دشمنی با هم بودند.
۱۳ آنگاه پیلاتُس سران کاهنان و بزرگان قوم
و مردم را خواند ۱۴ و به آنها گفت: «شما
این مرد را به اتهام کسی که مردم را گمراه
می‌کند، نزد من آوردید. و پس از آزمودنش در

حضور شما، اینک این مرد را در اتهاماتی که به او زدید، مقصر نیافتم. ۱۵ و هیرودیس هم همینطور، زیرا که او را نزد ما پس فرستاده است. ببینید، هیچ چیز که مستحق مرگ باشد، توسط او انجام نگرفته است. ۱۶ پس او را تنبیه نموده، آزاد خواهم کرد.» ۱۷ در هر عید، پیلاتُس می‌بایست یک زندانی را برایشان آزاد می‌کرد.

## پیلاتُس عیسی را تحویل می‌دهد تا مصلوب گردد

۱۸ امّا آنها باهم فریاد برآوردند: «این مرد را هلاک کن و باراباس را برای ما آزاد کن.» ۱۹ و او مردی بود که به سبب شورشی که در شهر واقع شده بود، و به سبب قتل، به زندان انداخته شده بود. ۲۰ پیلاتُس که می‌خواست عیسی را آزاد کند، بار دیگر با آنان سخن گفت. ۲۱ امّا ایشان همچنان فریاد برمی‌آوردند: «مصلوب کن! مصلوبش کن!» ۲۲ و سوّمین بار به آنها گفت: «چرا؟ چه بدی کرده است؟ در او تقصیری سزاوار مرگ نیافته‌ام. پس او را تنبیه کرده، آزادش می‌کنم.» ۲۳ امّا آنان با فریاد بلند به‌اصرار خواستند که او باید مصلوب شود. پس صداهای ایشان غالب آمد. ۲۴ به این ترتیب پیلاتُس تصمیم گرفت که خواست ایشان داده شود. ۲۵ او مردی را که به سبب شورش و قتل در زندان بود و جمعیت خواستار آزادی‌اش بودند، رها کرد و لیکن عیسی را به خواسته ایشان سپرد.

## مصلوب شدن

**لوقا ۲۳:۳۳-۴۳؛ مَتّی ۲۷:۳۳-۴۴؛**
**مَرقُس ۱۵:۲۲-۳۲؛ یوحنا ۱۹:۱۷-۲۴**

۲۶ و چون او را می‌بردند، مردی به نام شَمعون از قیرَوان را که از صحرا به شهر می‌آمد، گرفتند و صلیب را بر او نهادند تا آن را پشت سر عیسی حمل کند. ۲۷ و گروهی بسیار از مردم، و زنانی که برای او ماتم می‌گرفتند و گریه می‌کردند، از پی او روان شدند. ۲۸ امّا عیسی به آنها روی گردانیده، گفت: «ای دختران اورشلیم، برای من گریه نکنید، لیکن برای خود و فرزندانتان گریه کنید. ۲۹ زیرا اینک روزهایی خواهند آمد که خواهند گفت: "خوشا به حال نازایان و رَحِمهایی که هرگز نزاییدند و سینه‌هایی که هرگز شیر ندادند!" ۳۰ در آن هنگام، به کوهها خواهند گفت: "بر ما بیافتید،" و به تپه‌ها که: "ما را بپوشانید." ۳۱ زیرا اگر به چوب تَر چنین کنند، به چوب خشک چه خواهد شد؟»

۳۲ دو نفر دیگر را نیز که جنایتکار بودند، می‌بردند تا با او بکشند. ۳۳ و چون به مکانی که جمجمه نام داشت رسیدند، در آنجا او را با آن دو جنایتکار، یکی را در سمت راست او و دیگری را در سمت چپ او مصلوب کردند. ۳۴ عیسی گفت: «ای پدر، اینها را ببخش، زیرا نمی‌دانند چه می‌کنند.» آنگاه قرعه انداختند تا لباسهای او را تقسیم کنند. ۳۵ و مردم به تماشا ایستاده بودند لیکن بزرگان تمسخرکنان می‌گفتند: «دیگران را نجات داد؛ اگر او مسیح و آن برگزیده خداست، پس خود را نجات دهد.» ۳۶ سربازان نیز او را مسخره

**۳۰.۲۳** هوشع ۱۰: ۸

کردند و نزدیک شده، شراب ترشیده به او عرضه می‌کردند [۳۷] و می‌گفتند: «اگر تو پادشاه یهودیان هستی، خود را نجات ده!» [۳۸] و نیز نوشته‌ای بالای سر او نصب شده بود که 'این است پادشاه یهودیان'.

[۳۹] یکی از آن دو جنایتکارِ مصلوب، کفر گویان به او می‌گفت: «مگر تو مسیح نیستی؟ خود و ما را نجات بده!» [٤۰] امّا آن دیگری او را سرزنش کرده، گفت: «از خدا نمی‌ترسی؟ چون تو نیز زیر همان حکمی. [٤۱] ما به حق، زیرا سزای اعمال‌مان را یافته‌ایم؛ امّا این مرد هیچ گناهی نکرده است.» [٤۲] سپس گفت: «ای عیسی، وقتی به پادشاهی خود می‌آیی، مرا به یاد آور.» [٤۳] عیسی به او گفت: «حقیقتا به تو می‌گویم، امروز با من در بهشت خواهی بود.»

## مرگ عیسی

**لوقا ۲۳:٤٤–٤۹؛ مَتّی ۲۷:٤۵–۵٦؛ مَرقُس ۱۵:۳۳–٤۱**

[٤٤] حدود ساعت ششم بود که تاریکی تمامی آن سرزمین را تا ساعت نهم فرا گرفت، [٤۵] آنگاه خورشید تاریک گشت و پرده معبد دو پاره شد. [٤٦] و عیسی به صدای بلند فریاد برآورده، گفت: «ای پدر، روح خود را به دستان تو می‌سپارم.» این را گفت و نفس آخر خود را کشید. [٤۷] حال وقتی فرمانده سربازان این واقعه را دید، خدا را تمجید کنان گفت: «به راستی که این مرد بی‌گناه بود.» [٤۸] و همه جماعات که به تماشا جمع شده بودند، چون آنچه رخ داد دیدند، در حالی که بر سینه خود می‌زدند، به خانه برگشتند. [٤۹] و همه آشنایان او و زنانی که از جلیل پیروی‌اش می‌کردند، دور ایستاده، این وقایع را تماشا می‌کردند.

## عیسی دفن می‌شود

**لوقا ۲۳:۵۰–۵٦؛ مَتّی ۲۷:۵۷–٦۱؛ مَرقُس ۱۵:٤۲–٤۷؛ یوحنا ۱۹:۳۸–٤۲**

[۵۰] در آنجا مردی بود به نام یوسف از شهر یهودی رامه. او عضو شورا و مردی نیک و صالح بود، [۵۱] که با تصمیم و رأی آنان موافق نبود و انتظار پادشاهی خدا را می‌کشید. [۵۲] این مرد نزد پیلاتُس رفت و جسد عیسی را طلب کرد. [۵۳] پس آن را پایین آورد و در کفنی کتانی پیچید و در قبری تراشیده در سنگ نهاد که کسی هنوز در آن گذاشته نشده بود. [۵٤] و آن روز، 'روز تهیه' بود و سبّت نزدیک می‌شد. [۵۵] زنانی که از جلیل با او آمده بودند، به دنبال وی رفتند و قبر و چگونگی قرار گرفتن جسد او را دیدند. [۵٦] آنگاه مراجعت کردند و ادویه‌جات و عطریات را آماده کردند و در روز سبّت طبق شریعت، آرام گرفتند.

## رستاخیز

**لوقا ۲٤:۱–۱۰؛ مَتّی ۲۸:۱–۸؛ مَرقُس ۱۶:۱–۸؛ یوحنا ۲۰:۱–۸**

۲٤ لیکن در سپیده‌دم روز اوّل هفته، آنان ادویه‌جاتی را که آماده کرده بودند، با خود برداشتند و به سر قبر رفتند. [۲] و دیدند که سنگ از قبر به کناری غلتانیده شده است. [۳] لیکن وقتی داخل شدند، بدن خداوند عیسی را نیافتند. [٤] در حینی که از این امر در حیرت بودند، اینک، دو مرد با لباس‌هایی

**۳۸.۲۳** در برخی از ترجمه‌ها، اضافه کرده‌اند: به خط یونانی و رومی و عبرانی **٤٤.۲۳** ساعت ۱۲ ظهر
**٤٤.۲۳** ساعت سه بعد از ظهر

درخشان در کنار ایشان ایستادند. ۵ و چون
آنان ترسان شدند و سرهای خود را به زیر
افکندند، آن مردان به ایشان گفتند: «چرا زنده
را در میان مردگان می‌جویید؟ ۶ او اینجا نیست،
بلکه برخاسته است. به یاد آورید هنگامی که
در جلیل بود، چگونه به شما گفت؛ ۷ که پسر
انسان می‌بایست به دست گناهکاران تسلیم
گردد و مصلوب شود و در روز سوّم برخیزد.»
۸ و آنها سخنان او را به یاد آوردند. ۹ و در
بازگشت از سر قبر، همه این چیزها را به آن
یازده و دیگران اطلاع دادند. ۱۰ و مریم مَجدَلیّه
و یوآنّا و مریم مادر یعقوب و به همراه زنان
دیگر، کسانی بودند که رسولان را از این چیزها
مطلع ساختند. ۱۱ امّا این سخنان به نظرشان
داستانی بی‌معنی آمد و ایشان را باور نکردند.
۱۲ امّا پطرس برخاست و به سوی قبر دوید و
خم شده، نگریست، کفن را تنها گذاشته دید؛
و متعجب از ماجرا به خانه رفت.

## در راه عِمائوس

**لوقا ۱۳:۲٤-۳۵؛ مَرقُس ۱۲:۱۶ و ۱۳**

۱۳ در همان روز، دو نفر از آنان به
دهکده‌ای به نام عِمائوس، واقع در دو فرسنگی
اورشلیم می‌رفتند. ۱٤ و با یکدیگر درباره همه
این چیزها که رخ داده بود، گفتگو می‌کردند.
۱۵ و در حالی که در بحث و گفتگو بودند،
خود عیسی نزدیک شد و با ایشان همراه شد.
۱۶ امّا چشمانشان در اینکه او را بشناسند،
بسته نگاه داشته شد. ۱۷ و به ایشان گفت:
«این صحبت چیست که در راه، با هم به
آن مشغولید؟» آنها با چهره‌هایی اندوهگین،
خاموش ایستادند. ۱۸ آنگاه یکی از ایشان که
کِلئوپاس نام داشت، او را جواب داد: «آیا تو
تنها غریب در اورشلیم هستی که نمی‌دانی چه
وقایعی در این روزها در آنجا اتفاق افتاده؟»
۱۹ به ایشان گفت: «چه چیزهایی؟» به او
گفتند: «درباره عیسای ناصری، که مردی بود
نبی و پرقدرت در اعمال و کلام در نزد خدا
و نزد همه مردم. ۲۰ و چگونه سران کاهنان
و بزرگان ما او را تحویلش دادند که به مرگ
محکوم شود و مصلوبش کردند. ۲۱ امّا ما
امید داشتیم او همان کسی بود که می‌بایست
اسرائیل را رهایی بخشد. بله، علاوه بر این،
اکنون سه روز از این وقایع گذشته است. ۲۲ از
این گذشته، برخی از زنان ما، ما را به حیرت
انداختند. آنان صبح زود به سر قبر رفتند،
۲۳ و وقتی بدن او را نیافتند، مراجعت کرده،
گفتند که حتی فرشتگان را در رؤیایی دیده‌اند
که گفتند او زنده است. ۲٤ برخی از همراهان
ما به سر قبر رفتند و آن را همان‌گونه که زنان
گفته بودند، یافتند، امّا او را ندیدند.» ۲۵ آنگاه
به ایشان گفت: «ای نادانها و سست دلان در
باورِ تمامی گفته‌های انبیا! ۲۶ مگر نمی‌بایست
که مسیح این رنجها را ببیند و به جلال خود
داخل شود؟» ۲۷ پس از موسی و همه انبیا
آغاز کرده، آنچه را که در تمامی کتب مقدّس
درباره او گفته شده بود، برایشان توضیح داد.
۲۸ پس به دهکده‌ای که عازم آن بودند
نزدیک شدند. وی وانمود کرد که می‌خواهد
دورتر برود. ۲۹ لیکن آنها سخت اصرار کرده،
گفتند: «با ما بمان، زیرا چیزی به غروب نمانده
و روز به آخر رسیده است.» پس داخل شد
تا با ایشان بماند. ۳۰ چون با آنان بر سفره
نشسته بود، نان را گرفت و برکت داد و پاره

**۱۳.۲٤** در متن یونانی، شصت استادیا که تقریبا ۱۱ کیلومتر می‌باشد.

کرد و به ایشان داد. ۳۱ ناگاه چشمانشان باز
شد و او را شناختند و او از نظرشان غیب شد.
۳۲ آنها به یکدیگر گفتند: «آیا دل در درون
ما نمی‌سوخت هنگامی که در راه با ما سخن
می‌گفت و کتب مقدّس را برایمان باز می‌کرد؟»
۳۳ آنها همان ساعت برخاسته به اورشلیم
برگشتند. و آن یازده را همراه با کسانی که با
آنها در آنجا جمع بودند، یافتند. ۳٤ می‌گفتند:
«خداوند به راستی قیام کرده است، و به
شَمعون ظاهر شده است!» ۳۵ پس، آن دو نیز
آنچه را که در راه رخ داده بود و چگونه وی را
هنگام پاره کردن نان شناخته‌اند، بازگو کردند.

## عیسی خود را بر شاگردان ظاهر می‌کند

**لوقا ۲٤:۳٦-٤۳؛ یوحنا ۲۰:۱۹-۲۳**

۳٦ و در این باره گفتگو می‌کردند که ناگاه
عیسی خود در میان ایشان ایستاد و به ایشان
گفت: «سلام بر شما باد!» ۳۷ اما ایشان لرزان
و ترسان، گمان کردند روح دیده‌اند. ۳۸ پس
به آنان گفت: «چرا مضطربید؟ و چرا شک
در دل‌تان پدید آمده؟ ۳۹ دستها و پایهایم را
ببینید. من خود هستم. به من دست بزنید
و ببینید. زیرا روح گوشت و استخوان ندارد،
امّا چنانکه می‌بینید، من دارم.» ٤۰ و وقتی این
را گفت، دستها و پاهای خود را به ایشان
نشان داد. ٤۱ و در حینی که آنها از شادی
و حیرت نمی‌توانستند باور کنند، به ایشان
گفت: «اینجا چیزی برای خوردن دارید؟»
٤۲ پس تکه‌ای ماهی بریان به او دادند. ٤۳ و او
آن را گرفت و پیش روی ایشان خورد.
٤٤ آنگاه به ایشان گفت: «این است سخنان
من که وقتی با شما بودم گفتم، اینکه هرآنچه
در تورات موسی و کتب انبیا و مزامیر درباره
من نوشته شده است، باید به انجام رسد.»
٤۵ پس، ذهن ایشان را روشن ساخت تا بتوانند
کتب مقدّس را درک کنند. ٤٦ و به ایشان
گفت: «بر همین منوال نوشته شده است که
مسیح باید رنج بکشد و در روز سوّم از مردگان
برخیزد، ٤۷ و می‌بایست در نام او به همه ملتها
به توبه و آمرزش گناهان موعظه شود و شروع
آن از اورشلیم خواهد بود. ٤۸ و شما شاهدان
این چیزها هستید. ٤۹ و اینک، من موعود پدر
خود را بر شما می‌فرستم. لیکن در شهر بمانید
تا با قدرت از اعلی پوشانیده شوید.»

## صعود

**لوقا ۲٤:۵۰-۵۳؛ مَرقُس ۱٦:۱۹ و ۲۰**

۵۰ پس ایشان را بیرون از شهر تا بِیت‌عَنیا
برد و دستهای خود را بلند کرده، برکتشان
داد. ۵۱ و در حین برکت دادنشان، از آنان جدا
گشت و به آسمان بالا برده شد. ۵۲ و ایشان او
را پرستش کردند و با شادی عظیم به اورشلیم
بازگشتند. ۵۳ و پیوسته در معبد می‌ماندند و
خدا را متبارک می‌خواندند.

# انجیل یوحنا

## نکاتی چند درباره انجیل یوحنا

انجیل یوحنا با آن سه انجیل دیگر از نظر ساختار و محتوا فرق دارد و در خود مطالبی را ارائه می‌دهد که بسیاری از آنها را در اناجیل دیگر نمی‌بینیم. علت این امر در هدفی است که نویسنده انجیل از نگارش آن دارد. مردم اغلب ایراد می‌گیرند که چرا اناجیل ما با هم در بیان مطالب مشترک با هم یکی نیست. نباید هم باشند، چرا که نویسنده هر کدام از آنها در راستای هدف خود وقایع و تعالیم عیسی را از زندگی او انتخاب می‌نماید. از این رو هم مطالعه همه آنها تصویر کاملتری از زندگی عیسی را عرضه می‌دارد. هدفی که یوحنا در این انجیل دارد، در انتهای کتاب بیان می‌گردد: «امّا اینها نوشته شد تا ایمان آورید که عیسی همان 'مسیح'، پسر خداست، و تا با این ایمان، در نام او حیات داشته باشید» (۳۱:۲۰).

در زمان نگارش این انجیل که در سالهای ۹۰ تا ۱۰۰ میلادی صورت گرفته است، برخی از تعالیم و عقاید غلط که بیشتر بر فلسفه استوار بود، الوهیت عیسی را به نوعی مخدوش می‌نمود، از این رو یوحنا در نگارش این انجیل، الوهیت عیسی را به شکلی روشن و واضح در مقابل دید انسان قرار می‌دهد و با تأکید بر آن عیسی را 'کلمه خدا' اعلان می‌نماید. در این انجیل یوحنا از ماهیت خدای واحد حقیقی بیشتر پرده برمی‌دارد و سه شخص متمایز و در عین حال متّحد خدا را در مقابل چشم ما می‌گذارد. پتکی که یوحنا بر دین و فلسفه زمان می‌کوبد همانی است که در فصل اوّل می‌آید: 'و کلمه جسم گردید و میان ما ساکن شد، پر از فیض و راستی و جلال او را دیدیم، پرجلال شایسته پسر یگانه پدر.' (آیه ۱۴)

یوحنا در متن اصلی یونانی برای معجزات عیسی واژه جالبی را به کار می‌گیرد که بیشتر از آنکه خارق‌العاده بودن واقعه و یا معجزه را در مقابل چشم بگذارد، همچون علامت و نشانه اشاره به مطلبی دیگر دارد. معجزات عیسی نشانه‌هایی هستند از اینکه او به‌حق مسیحِ موعود و پسر خداست. یوحنا فقط به بیان نشانه اشاره نمی‌کند، بلکه آنچه را هم که آن نشانه به آن اشاره دارد، تشریح می‌نماید.

### تقسیم‌بندی کلّی

- مقدمه (فصل۱:۱-۱۸)
- آماده شدن عیسی برای رسالت خود (فصل۱:۱۹-۵۱)
- خدمات عمومی عیسی (فصل‌های ۲ تا ۱۱)
- هفتهٔ آخر زندگی زمینی عیسی و رنجهای او (فصل‌های ۱۲ تا ۱۹)
- رستاخیز عیسی مسیح (فصل۲۰:۱-۲۹)
- هدف از نگارش انجیل (فصل ۲۰:۳۰-۳۱)
- ظهور عیسای زنده بر شاگردان در کنار دریاچهٔ جلیل (فصل ۲۱

## کلمه جسم شد

۱ در آن ابتدا کلمه بود و کلمه با خدا بود و
کلمه خدا بود. ۲ او در آن ابتدا با خدا بود.
۳ همه چیز از طریق او به وجود آمد و بدون
او هیچ چیز از آنچه که به وجود آمده بود،
به وجود نیامد. ٤ در او حیات بود و آن حیات
نور انسانها بود. ٥ آن نور در تاریکی می‌درخشد
و تاریکی بر آن چیره نشده است.
٦ مردی بود فرستاده شده از جانب خدا، که
نامش یحیا بود. ۷ او در مقام یک شاهد آمد
که درباره آن نور شهادت دهد تا همه به وسیله
او ایمان آورند. ۸ خود او آن نور نبود، بلکه آمد
تا درباره آن نور شهادت دهد.
۹ آن نور حقیقی که هر کس را روشنی
می‌بخشد، به جهان می‌آمد. ۱۰ او در جهان بود
و جهان از طریق او به وجود آمد، با این حال
جهان او را نشناخت. ۱۱ او به میان مردم خود
آمد، اما مردمش او را نپذیرفتند. ۱۲ لیکن به
همه کسانی که او را پذیرفتند، یعنی به نام او
ایمان آوردند، این حق را داد که فرزندان خدا
گردند، ۱۳ که نه از خون زاده شده بودند، نه
از خواسته جسم، نه از اراده انسان، بلکه از
خدا. ۱٤ و آن کلمه جسم گردید و در میان ما
ساکن شد، و ما جلال او را دیده‌ایم؛ جلالی در
خور پسر یگانه از آن پدر، مملو از فیض و
حقیقت. ۱٥ یحیا درباره او شهادت داد و ندا
کرد: «این بود آنکه درباره‌اش می‌گفتم، "او که
بعد از من می‌آید، از من برتر است، زیرا که
پیش از من بوده است."» ۱٦ و از پری او همه
ما گرفتیم، فیض روی فیض. ۱۷ زیرا شریعت
از طریق موسی عطا شد؛ فیض و حقیقت از
طریق عیسی مسیح آمد. ۱۸ هیچ کس خدا را
هرگز ندیده است؛ آن خدای یگانه که در کنار
پدر است، او را شناسانیده.

## شهادت یحیا تعمید دهنده

۱۹ و این است شهادت یحیی، زمانی که
یهودیان، کاهنان و لاویان را از اورشلیم
فرستادند تا از او سوآل کنند: «تو که
هستی؟» ۲۰ او اقرار کرد و انکار ننمود، بلکه
اقرار کرد: «من مسیح نیستم.» ۲۱ آنها از او
پرسیدند: «پس چه؟ آیا ایلیا هستی؟» گفت:
«نیستم.» «آیا آن پیامبری؟» و او جواب داد:
«نه.» ۲۲ پس به او گفتند: «تو که هستی؟
ما برای آنها که ما را فرستاده‌اند، نیاز به
جواب داریم. درباره خود چه می‌گویی؟» ۲۳ او
گفت: «من آن صدای ندا کننده در بیابانم؛
"راه خداوند را راست سازید." همانطور که
اشعیای نبی گفت.»
۲٤ آنها از جانب فریسیان فرستاده شده
بودند. ۲٥ از او پرسیدند: «اگر نه مسیح
هستی، نه ایلیا، نه آن پیامبر، پس چرا تعمید
می‌دهی؟» ۲٦ یحیا به آنها جواب داد: «من با
آب تعمید می‌دهم، ولی در میان شما کسی
ایستاده که شما او را نمی‌شناسید، ۲۷ همان که
پس از من می‌آید و من لایق آن نیستم که بند
کفشش را باز کنم.» ۲۸ این چیزها در بیت‌عنیا
در آن سوی اردن رخ داد، جایی که یحیا تعمید
می‌داد.

---

**۱.۱** در یونانی واژه "لوگوس" استفاده شده که شامل مفاهیمی چون خرد و عقل نیز می‌باشد **۱٤.۱** در متن یونانی، در میان ما خیمه زد **۱۸.۱** در متن یونانی، در آغوش پدر **۲۰.۱** منظور، پادشاه و نجات دهنده موعود که قوم منتظر ظهورش بودند **۲۱.۱** با استناد به تثنیه ۱۸: ۱٥ و ۱۸ که نبی موعود باشد **۲۳.۱** اشعیا ٤۰: ۳ **۲۸.۱** منظور "رود اردن"

### اینک، بره خدا

۲۹ روز بعد او عیسی را دید که به جانبش
می‌آید، و گفت: «اینک، بره خدا، کسی که
گناه جهان را برمی‌دارد! ۳۰ این است آن کسی
که درباره او گفتم: "بعد از من کسی می‌آید
که از من برتر است، زیرا که پیش از من بوده
است." ۳۱ من خود او را نمی‌شناختم. ولی به
این مقصود آمده با آب تعمید می‌دادم که او بر
اسرائیل ظاهر شود.» ۳۲ و یحیا شهادت داد:
«روح را دیدم که از آسمان همانند کبوتری
فرود آمد و بر او قرار گرفت. ۳۳ خود من او را
نمی‌شناختم، امّا همان کسی که مرا فرستاد تا
با آب تعمید دهم، مرا گفت: "هر آن کس که
دیدی روح بر او فرود می‌آید و قرار می‌گیرد،
همان کسی است که با روح‌القدس تعمید
می‌دهد. ۳۴ و من دیده و شهادت داده‌ام که این
است پسر خدا.»

### عیسی شاگردان نخست را دعوت می‌کند

**متّی ۴:۱۸-۲۲؛ مَرقُس ۱:۱۶-۲۰؛ لوقا ۵:۲-۱۱**

۳۵ روز بعد باز یحیا با دو نفر ازشاگردان
خود ایستاده بود، ۳۶ و بر عیسی که از آنجا
می‌گذشت، نگاه کرد و گفت: «اینک، بره
خدا!» ۳۷ آن دو شاگرد این سخن او را شنیدند
و از پی عیسی به راه افتادند. ۳۸ عیسی برگشت
و آنها را دید که از پی او می‌آیند و به آنها گفت:
«به دنبال چه هستید؟» و آنها به او گفتند:
«رابّی (یعنی معلم) کجا اقامت داری؟» ۳۹ به
آنها گفت: «بیایید و خواهید دید» پس آنها
آمدند و دیدند که کجا اقامت دارد و آن روز
را با او ماندند، زیرا که نزدیک به ساعت دهم
بود. ۴۰ یکی از آن دو که سخن یحیا را شنید
و از پی عیسی رفت، آندریاس برادر شمعون
پطرس بود. ۴۱ او نخست برادر خود شمعون
را یافت و به او گفت: «ما مسیح (به معنی
"مسح شده") را یافته‌ایم» ۴۲ آندریاس او را به
نزد عیسی آورد. عیسی به او نگاه کرد و گفت:
«تو شمعون پسر یونا هستی. تو کیفا خوانده
خواهی شد» (که پطرس معنی دارد).

### عیسی فیلیپس و نتنائیل را دعوت می‌کند

۴۳ روز بعد عیسی تصمیم گرفت که به
جلیل برود. او فیلیپُس را یافت و به او گفت:
«از پی من بیا.» ۴۴ و فیلیپُس اهل بیت‌صیدا
بود، شهر آندریاس و پطرس. ۴۵ فیلیپُس
نَتَنائیل را یافت و به او گفت: «ما آن کسی
را که موسی در تورات و همینطور انبیا
درباره‌اش نوشتند، یافته‌ایم. عیسی از ناصره،
پسر یوسف.» ۴۶ نَتَنائیل به او گفت: «مگر
می‌شود که چیزی خوب از ناصره بیرون آید؟»
فیلیپُس به او گفت: «بیا و ببین.» ۴۷ عیسی
نَتَنائیل را دید که به جانب او می‌آید و درباره‌اش
گفت: «این است یک اسرائیلی حقیقی که
در او هیچ فریب نیست!» ۴۸ نَتَنائیل به او
گفت: «مرا چگونه می‌شناسی؟» عیسی به
او جواب داد: «قبل از اینکه فیلیپُس تو
را بخواند، هنگامی که زیر آن درخت انجیر
بودی، تو را دیدم.» ۴۹ نَتَنائیل در جواب به او
گفت: «رابّی، تو پسر خدا هستی! تو پادشاه
اسرائیلی!» ۵۰ عیسی در جواب به او گفت:
«از آنجا که به تو گفتم که "تو را در زیر آن
درخت انجیر دیدم" ایمان می‌آوری؟ تو بزرگتر
از اینها را خواهی دید.» ۵۱ و به او گفت:

**۳۹.۱** حدود ساعت چهار بعد از ظهر **۴۱.۱** در اینجا منظور مسیح موعود است. **۴۲.۱** یعنی صخره

«حقیقتا، حقیقتا، به تو می‌گویم، آسمان را گشاده خواهی دید و فرشتگان خدا را که بر پسر انسان صعود و نزول می‌کنند.»

### عروسی در قانا

۲ در روز سوم در قانای جلیل عروسی بود و مادر عیسی در آنجا حضور داشت. ۲ عیسی نیز به همراه شاگردانش به آن عروسی دعوت شده بود. ۳ وقتی که شراب تمام شد، مادر عیسی به او گفت: «شراب ندارند.» ۴ عیسی به او گفت: «ای زن، این امر به من چه ربطی دارد؟ ساعت من هنوز فرا نرسیده است.» ۵ مادرش به خدمتکاران گفت: «هر چه به شما گوید، بکنید.»

۶ در آنجا شش خمره سنگی بود برای آداب تطهیر یهودیان، هر کدام به گنجایش هشتاد یا صدوبیست لیتر. ۷ عیسی به خدمتکاران گفت: «آن خمره‌ها را با آب پر کنید.» آنها خمره‌ها را لبالب پر کردند. ۸ به آنها گفت: «حال مقداری از آن بکشید و به رئیس مجلس ببرید.» پس آنها بردند. ۹ زمانی که رئیس مجلس آبی را که اکنون شراب شده بود، چشید و نمی‌دانست که از کجا آمد (گرچه خدمتکارانی که آب را کشیده بودند، می‌دانستند)، رئیس مجلس داماد را فراخواند ۱۰ و به او گفت: «هر کس اول با شراب خوب پذیرایی می‌کند و زمانی که مردم مست شدند، با شراب بی‌کیفیت. امّا تو شراب خوب را تا حالا نگاه داشته‌ای.» ۱۱ این نخستین نشانه از نشانه‌های او بود که عیسی در قانای جلیل به انجام رسانید و جلال خود را متجلی ساخت. و شاگردانش به او ایمان آوردند.

۱۲ پس از این او با مادر و برادران و شاگردان خود به کَفَرناحوم رفت و چند روزی در آنجا ماندند.

### عیسی معبد را تمیز می‌کند

**یوحنا ۲:۱۴–۱۶؛ مَتّی ۲۱:۱۲ و ۱۳؛ مَرقُس ۱۱:۱۵–۱۷؛ لوقا ۱۹:۴۵ و ۴۶**

۱۳ عید پِسَح یهودیان نزدیک بود، و عیسی به اورشلیم رفت. ۱۴ در معبد آنهایی را یافت که به فروش گاوان و گوسفندان و کبوتران مشغول بودند، و صرّافان نیز به کسب نشسته بودند. ۱۵ پس تازیانه‌ای از طنابها درست کرد و همه آنها را با گوسفندان و گاوان از معبد بیرون راند. و سکّه‌های صرّافان را بر زمین ریخت و میزهایشان را واژگون نمود. ۱۶ و به آنها که کبوتر می‌فروختند، گفت: «این چیزها را از اینجا دور کنید. خانه پدر مرا خانه داد و ستد مسازید.» ۱۷ شاگردانش به یاد آوردند که نوشته شده است: «غیرت خانه تو مرا خواهد سوزانید.»

۱۸ پس یهودیان به او گفتند: «برای انجام این چیزها به ما چه نشانه‌ای می‌نمایانی؟» ۱۹ عیسی در جواب به آنها گفت: «این معبد را خراب کنید و من در سه روز آن را باز

---

**۵۱.۱** در متن یونانی "آمین، آمین". این واژه آمین در زمانی به کار برده می‌شد که گوینده می‌خواست به سخنی که بعد از آن می‌گفت، تاکید بگذارد. و نیز در بقیه کتاب **۱.۲** منظور "شهر قانا در استان جلیل" **۴.۲** در اینجا مریم در مقام یک انسان در حضور عیسی خداوند قرار دارد و به این توقع که در مقام خداوند معجزه‌ای صورت دهد. خطاب عیسی به او صرفا نشان دهنده نوع رابطه‌ای است که در این گفتگو موجود است: در یک طرف انسان قرار دارد (زن) و در طرف دیگر مسیح (خداوند). **۶.۲** در متن یونانی، واژه مِتریتِس بکار برده شده که معادل تقریبا ۱۰ گالون یا ۳۵ لیتر می‌باشد **۱۷.۲** مزمور ۶۹: ۹

برپا خواهم کرد.» ۲۰ آنگاه یهودیان گفتند: «چهل و شش سال طول کشیده تا این معبد بنا شود، و تو آن را در سه روز برپا خواهی کرد؟» ۲۱ ولی او درباره معبد بدن خود صحبت می‌کرد. ۲۲ از این رو زمانی که از مردگان برخاست، شاگردانش این گفته او را به یاد آوردند و کتب مقدس و سخنی را که عیسی گفته بود، باور کردند.

### عیسی آنچه را که در درون انسان است، می‌داند

۲۳ حال، وقتی که او در عید پِسَح در اورشلیم بود، بسیاری با دیدن نشانه‌هایی که از او به عمل می‌آمد، به نام او ایمان آوردند. ۲۴ ولی عیسی به آنها اعتماد نکرد، زیرا همه را می‌شناخت ۲۵ و نیازی نداشت که کسی درباره انسان شهادت دهد، زیرا خود می‌دانست که در درون انسان چه هست.

### تو باید از سر نو تولد یابی

۳ مردی بود از فریسیان که نامش نیقودیموس بود، یکی از بزرگان یهود. ۲ این مرد در شب نزد عیسی آمد و به او گفت: «رابّی، ما می‌دانیم که تو معلمی هستی که از جانب خدا آمده است. زیرا هیچ کس نمی‌تواند این نشانه‌ها را به عمل آورد، مگر آنکه خدا با او باشد.» ۳ عیسی به او جواب داد: «حقیقتا، حقیقتا، به تو می‌گویم، تا کسی از سر نو تولد نیابد، نمی‌تواند پادشاهی خدا را ببیند.» ۴ نیقودیموس به او گفت: «چگونه مردی که پیر است، می‌تواند تولد یابد؟ آیا می‌تواند بار دیگر به رحم مادرش برگردد و تولد یابد؟» ۵ عیسی جواب داد: «حقیقتا، حقیقتا، به تو می‌گویم، تا کسی از آب و روح تولد نیابد، نمی‌تواند به پادشاهی خدا داخل شود. ۶ آنچه از جسم تولد می‌یابد، جسم است، و آنچه از روح تولد می‌یابد، روح است. ۷ حیرت نکن از اینکه به تو گفتم "تو باید از سر نو تولد یابی." ۸ باد هر جا که بخواهد می‌وزد، و تو صدای آن را می‌شنوی، ولی نمی‌دانی از کجا می‌آید و به کجا می‌رود. با کسی هم که از روح تولد می‌یابد، چنین است.»

۹ نیقودیموس به او گفت: «این چیزها چگونه می‌تواند باشد؟ ۱۰ عیسی در جواب به او گفت: «تو معلم اسرائیل هستی و هنوز این چیزها را درک نمی‌کنی؟ ۱۱ حقیقتا، حقیقتا، به تو می‌گویم، ما از آنچه که می‌دانیم، صحبت می‌کنیم و بر آنچه که دیده‌ایم، شهادت می‌دهیم، ولی شما شهادت ما را قبول نمی‌کنید. ۱۲ اگر از چیزهای زمینی با شما صحبت کردم و باور نمی‌کنید، چگونه می‌توانید باور کنید اگر از چیزهای آسمانی صحبت کنم؟ ۱۳ کسی به آسمان صعود نکرده، مگر آن کس که از آسمان فرود آمده است، پسر انسان. ۱۴ و همانطور که موسی مار را در بیابان برافراشت، پسر انسان نیز باید برافراشته شود، ۱۵ تا هر کس که به او ایمان آورد، حیات جاودان داشته باشد.

---

**۲.۳** "رابی" به معلمین یهود گفته می‌شد. "استاد" **۳.۳** یا، از بالا. در متن یونانی، هم از سر نو و هم از بالا معنی می‌دهد. **۸.۳** این واژه در زبان یونانی هم باد وهم روح معنی می‌دهد. در اینجا عیسی به زیبایی با این کلمه بازی می‌کند تا مطلب را به مخاطب بفهماند. **۱۳.۳** عنوان "پسر انسان" در عهد عتیق برای معلمین یهود عنوانی بسیار آشنا بود و به پیشگویی دانیال نبی که در۷: ۱۳ - ۱۴ آمده است، اشاره داشت. **۱۴.۳** اعداد ۲۱: ٤ - ۹

### زیرا خدا جهان را آنقدر دوست داشت

۱٦ زیرا خدا جهان را آنقدر دوست داشت
که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او
ایمان آوَرَد، هلاک نگردد، بلکه حیات جاودان
داشته باشد. ۱۷ زیرا خدا پسر خود را به جهان
نفرستاد تا جهان را محکوم کند، بلکه به این
مقصود که جهان از طریق او نجات یابد.
۱۸ هر که به او ایمان آورد، محکوم نمی‌شود.
ولی هر که ایمان نمی‌آورد، همین الآن هم
محکوم است، زیرا به نام پسر یگانه خدا ایمان
نیاورده است. ۱۹ و حکم این است: نور به
جهان آمده است، و مردم تاریکی را بیشتر
از نور دوست داشتند، زیرا که اعمالشان بد
بود. ۲۰ چرا که هر کس که چیزهای بد انجام
می‌دهد، از نور نفرت می‌کند و به نور نزدیک
نمی‌شود، مبادا اعمالش آشکار شوند. ۲۱ اما
کسی که به حقیقت عمل می‌کند، به نور می‌آید
تا به وضوح دیده شود که اعمالش در خدا به
انجام رسیده است.»

### یحیای تعمید دهنده مسیح را جلال می‌دهد

۲۲ پس از این، عیسی و شاگردانش به نواحی
روستایی یهودیه رفتند، و او در آنجا با آنها
ماند و تعمید می‌داد. ۲۳ یحیا نیز در عینون،
نزدیک سالیم تعمید می‌داد، زیرا در آنجا آب
به فراوانی بود و مردم می‌آمدند و تعمید
می‌گرفتند. ۲٤ زیرا یحیا هنوز به زندان نیافتاده
بود.
۲۵ حال، در مورد تطهیر بین برخی از
شاگردان یحیا و یک یهودی بحثی درگرفت.
۲٦ و آنها نزد یحیا آمده و به او گفتند: «رابّی،
آن که با تو در آن سوی اردن بود و تو
درباره‌اش شهادت دادی - اینک تعمید می‌دهد
و همه به نزد او می‌روند.» ۲۷ یحیا جواب داد:
«هیچ کس نمی‌تواند چیزی به دست آورد،
مگر اینکه از آسمان به او داده شود. ۲۸ شما
خود شاهدید که گفتم "من مسیح نیستم،
لیکن پیشاپیش او فرستاده شده‌ام." ۲۹ داماد
است که عروس متعلق به اوست. دوست
داماد که کنار او می‌ایستد و به او گوش فرا
می‌دهد، از صدای داماد بسیار شادی می‌کند.
پس این شادی من اکنون به کمال رسیده است.
۳۰ او باید عزّت یابد و من باید کوچک شوم.»
۳۱ او که از بالا می‌آید، از همه برتر است.
آن که از زمین است، به زمین تعلق دارد و به
طریقی زمینی صحبت می‌کند. او که از آسمان
می‌آید، از همه برتر است. ۳۲ او بر آنچه که
دیده و شنیده است، شهادت می‌دهد، با این
حال کسی شهادت او را قبول نمی‌کند. ۳۳ هر
کس که شهادت او را قبول می‌کند، مُهر خود
را بر این می‌زند که خدا راست است. ۳٤ زیرا
کسی که خدا او را فرستاده، کلام خدا را جاری
می‌سازد، زیرا که او روح را بی‌حد و حصر عطا
می‌نماید. ۳۵ پدر پسر را دوست دارد و همه چیز
را به دست او سپرده است. ۳٦ کسی که به پسر
ایمان دارد، حیات جاودان را دارد؛ کسی که از
پسر اطاعت نمی‌کند، حیات را نخواهد دید،
بلکه خشم خدا بر او می‌ماند.

### عیسی و زن سامری

٤ زمانی که عیسی دریافت که فریسیان
شنیده‌اند او بیشتر از یحیا شاگرد می‌سازد
و تعمید می‌دهد، ۲ گرچه خود عیسی تعمید
نداد، بلکه فقط شاگردانش، ۳ یهودیه را ترک
کرد و بار دیگر رهسپار جلیل شد. ٤ و مجبور

**۲٦.۳** منظور رود اردن

بود که از سامره عبور کند. ٥ پس به شهری
از سامره آمد که سوخار نام داشت، نزدیک
زمینی که یعقوب به پسر خود یوسف داده بود.
٦ چاه یعقوب در آنجا بود؛ از این رو عیسی
خسته از این سفر خود، کنار چاه نشسته بود.
و حدود ساعت ششم بود.
٧ یک زن سامری برای کشیدن آب آمد.
عیسی به او گفت: «جرعه‌ای آب به من بده.»
٨ زیرا که شاگردان برای خرید غذا به شهر
رفته بودند. ٩ زن سامری به او گفت: «چگونه
است که تو، یک یهودی، از من، یک زن
سامری، آب می‌خواهی؟» زیرا که یهودیان هیچ
مراوده با سامریان ندارند. ١٠ عیسی در جواب
به او گفت: «اگر هدیه خدا را می‌دانستی و
کسی را که به تو می‌گوید "جرعه‌ای آب به من
بده"، تو از او تقاضا می‌کردی و او به تو آب
زنده عطا می‌کرد.» ١١ زن به او گفت: «آقا،
چیزی نداری که با آن آب بکشی و چاه عمیق
است. آن آب زنده را از کجا می‌آوری؟ ١٢ مگر
تو از پدر ما یعقوب بزرگتری؟ او چاه را به ما
داد و خود از آن نوشید، همینطور پسران و
گله‌هایش.» ١٣ عیسی به او گفت: «هر کس
از این آب بنوشد، باز تشنه خواهد شد. ١٤ اما
هر کس از آن آبی که من به او خواهم داد،
بنوشد، هرگز باز تشنه نخواهد شد. آبی که
من به او خواهم داد، در او چشمه آبی خواهد
شد که تا به حیات جاودان جوشان است.»
١٥ زن به او گفت: «آقا، این آب را به من بده تا
تشنه نگردم و یا مجبور باشم که برای کشیدن
آب به اینجا بیایم.»
١٦ عیسی به او گفت: «برو، شوهرت را
صدا کن، و به اینجا بیا.» ١٧ زن به او جواب
داد: «شوهری ندارم.» عیسی به او گفت:
«در اینکه می‌گویی "شوهری نداری"، راست
می‌گویی؛ ١٨ زیرا که پنج شوهر داشته‌ای، و
آن که هم اکنون داری، شوهر تو نیست. آنچه
گفتی، حقیقت دارد.» ١٩ زن به او گفت: «آقا،
می‌بینم که نبی هستی. ٢٠ پدران ما در این کوه
پرستش کردند، ولی شما می‌گویید که جایی که
مردم باید پرستش کنند، در اورشلیم است.»
٢١ عیسی به او گفت: «ای زن، باور کن، زمانی
می‌آید که نه در این کوه و نه در اورشلیم
پدر را پرستش خواهید کرد. ٢٢ شما آنچه را
که نمی‌شناسید، پرستش می‌کنید؛ ما آنچه را
که می‌شناسیم پرستش می‌کنیم. زیرا که نجات
از یهود است. ٢٣ اما ساعتی می‌آید، و اکنون
همینجاست، که پرستندگان حقیقی پدر را در
روح و در حقیقت پرستش خواهند کرد، زیرا
که پدر به دنبال پرستندگانی این چنین است.
٢٤ خدا روح است و آنها که او را می‌پرستند،
باید در روح و در حقیقت بپرستند.» ٢٥ زن
به او گفت: «می‌دانم که ماشیح می‌آید (او که
"مسیح" خوانده می‌شود). وقتی او آید، همه
چیزها را به ما خواهد گفت.» ٢٦ عیسی به او
گفت: «من که با تو صحبت می‌کنم، همانم.»
٢٧ درست در همان زمان شاگردانش
برگشتند. از اینکه او با یک زن صحبت
می‌کرد، به حیرت افتادند، ولی هیچ یک
نگفت: «به دنبال چه هستی؟» یا «چرا با
او صحبت می‌کنی؟» ٢٨ پس آن زن کوزه
آب خود را رها کرد و به شهر رفت و به
مردم گفت: ٢٩ «بیایید، مردی را ببینید که
هر آنچه که تا به حال کرده بودم، به من
گفت. آیا این شخص ممکن است مسیح

باشد؟» ٣٠ آنها از شهر بیرون رفتند و به نزد او می‌آمدند.
٣١ در این میان، شاگردان به او اصرار می‌کردند و می‌گفتند: «رابّی، غذا بخورید.» ٣٢ ولی او به آنها گفت: «من غذایی برای خوردن دارم که شما از آن خبر ندارید.» ٣٣ از این رو شاگردان به یکدیگر گفتند: «آیا کسی چیزی برایش آورده است تا بخورد؟» ٣٤ عیسی به آنها گفت: «غذای من این است که اراده آن کسی را که مرا فرستاده است، به جا آورم و کار او را به انجام رسانم. ٣٥ مگر نمی‌گویید: "هنوز چهار ماه مانده. پس از آن موسم درو است"؟ نگاه کنید، به شما می‌گویم، چشمان خود را بگشایید و ببینید که کشتزارها برای درو سفید شده‌اند. ٣٦ همین الآن هم کسی که درو می‌کند، مزد خود را می‌گیرد و برای حیات جاودان ثمر جمع می‌کند، تا کارنده و درو کننده با هم شادی کنند. ٣٧ زیرا در اینجا این گفته صادق است که "یکی می‌کارد و دیگری درو می‌کند.» ٣٨ من شما را فرستادم تا محصولی را درو کنید که برایش زحمت نکشیدید. زحمت را دیگران کشیدند و دسترنج آنان را شما برداشت می‌کنید.»
٣٩ به خاطر شهادت آن زن - «او هر آنچه که تا به حال کرده بودم، به من گفت» - سامریان زیادی از آن شهر به او ایمان آوردند. ٤٠ از این رو زمانی که سامریان به نزد او آمدند، از او خواستند که نزدشان بماند، و او دو روز در آنجا ماند. ٤١ و بسیاری دیگر به خاطر کلام او ایمان آوردند. ٤٢ آنها به آن زن گفتند: «دیگر به خاطر آنچه که تو گفته‌ای، ایمان نمی‌آوریم، زیرا ما خود شنیده‌ایم و می‌دانیم که این شخص به راستی نجات دهنده دنیاست.»
٤٣ پس از آن دو روز، وی آنجا را به خاطر رفتن به جلیل ترک گفت. ٤٤ زیرا خود عیسی شهادت داده بود که نبی در شهر خود حرمتی ندارد. ٤٥ از این رو وقتی که به جلیل آمد، جلیلیان او را به گرمی پذیرفتند، زیرا تمامی آنچه را که در عید در اورشلیم انجام داده بود، دیده بودند. چون آنها هم برای عید رفته بودند.

## عیسی پسر صاحب‌منصبی را شفا می‌دهد

٤٦ بدین ترتیب او باز به قانای جلیل آمد، همانجا که آب را شراب کرده بود. و در کفرناحوم صاحب‌منصبی بود که پسرش مریض بود. ٤٧ وقتی که این مرد شنید که عیسی از یهودیه به جلیل آمده، به نزد او رفت و از او خواست که بیاید و پسر او را شفا دهد، زیرا که در آستانه مرگ بود. ٤٨ عیسی به او گفت: «تا نشانه‌ها و عجایب نبینید، باور نخواهید کرد.» ٤٩ فرد صاحب‌منصب به او گفت: «ای آقا، قبل از اینکه فرزندم بمیرد، بیا.» ٥٠ عیسی به او گفت: «برو، فرزندت خواهد زیست.» آن مرد کلامی را که عیسی به او گفته بود، باور کرد و به راه خود رفت. ٥١ همانطور که می‌رفت خدمتکارانش به استقبال آمده، به او گفتند که پسرش در حال بهبودی است. ٥٢ از آنها ساعتی را که بهبودی پسرش شروع شده بود، پرسید. به او گفتند: «دیروز در ساعت هفتم تب از او رفت.» ٥٣ پدر می‌دانست که این ساعت همانی است که عیسی به او گفته بود: «پسرت خواهد زیست.» و خود و همه اهل خانه‌اش ایمان آوردند. ٥٤ حال، این دومین نشانه‌ای بود که

**٣٥.٤** یعنی برای درو آماده‌اند. **٥٢.٤** ساعت یک بعد از ظهر

عیسی زمانی که از یهودیه به جلیل آمد، به عمل آورد.

### شفا در کنار حوض در روز سبّت

۵ پس از این، یکی از اعیاد یهود بود و عیسی به اورشلیم رفت.
۲ در اورشلیم در کنار دروازه گوسفند حوضی است که به زبان آرامی به آن «بیت‌حِسدا» می‌گویند که پنج سکوی سرپوشیده دارد. ۳ در اینها علیلان زیادی می‌خوابند - کوران، شلان، و مفلوجان. ٤ زیرا معتقد بودند که هر چند وقت یکبار، فرشته‌ای از آسمان می‌آید و آب حوض را تکان می‌دهد و اولین کسی که داخل حوض شود، شفا می‌یابد. ۵ مردی در آنجا بود که به مدت سی‌وهشت سال زمینگیر بود. ٦ وقتی که عیسی او را در آنجا خوابیده دید و پی برد که برای مدت زمانی طولانی در آنجا بوده است، به او گفت: «آیا می‌خواهی شفا پیدا کنی؟» ۷ مرد مریض در جواب به او گفت: «ای آقا، کسی را ندارم که وقتی آب تکان می‌خورد، مرا درون حوض بگذارد. در حالی که من هنوز در حرکتم، شخصی دیگر قبل از من به حوض داخل می‌شود.» ۸ عیسی به او گفت: «بلند شو، بسترت را بردار و راه برو.» ۹ آن مرد در همان لحظه شفا یافت و بستر خود را برداشت و به راه افتاد.
حال آن روز سبّت بود ۱۰ از این رو یهودیان به مردی که شفا یافته بود، گفتند: «روز سبّت است و برای تو جایز نیست که بسترت را برداری.» ۱۱ ولی او به آنها جواب داد: «مردی که مرا شفا داد، آن مرد به من گفت "بسترت را بردار و راه برو."» ۱۲ آنها از او پرسیدند: «کیست آن مردی که به تو گفت "بسترت را بردار و راه برو"؟ ۱۳ حال، مردی که شفا یافته بود، نمی‌دانست که او کیست. زیرا عیسی در میان جمعیت زیادی که آنجا بود، ناپدید شده بود. ۱٤ چندی بعد عیسی او را در معبد یافت و به او گفت: «نگاه کن، خوب شده‌ای! دیگر گناه مکن که چیزی بدتر به سرت نیاید.» ۱۵ آن مرد رفت و به یهودیان گفت که کسی که او را شفا داد، عیسی بوده است. ۱٦ و به همین سبب بود که یهودیان عیسی را آزار می‌دادند، زیرا که این چیزها را در روز سبّت انجام می‌داد. ۱۷ لیکن عیسی به آنها جواب داد: «پدر من تا به اکنون کار می‌کند، و من نیز کار می‌کنم.»

### عیسی با خدا برابر است

۱۸ به همین دلیل نیز یهودیان بیش از پیش به دنبال آن بودند که او را بکشند، زیرا نه فقط سبّت را می‌شکست، بلکه حتی خدا را پدر خود خوانده، خود را با خدا برابر می‌کرد.

### اقتدار پسر

۱۹ پس عیسی به آنها گفت: «حقیقتا، حقیقتا، به شما می‌گویم، پسر نمی‌تواند به میل خود کاری انجام دهد، بلکه فقط آنچه را که می‌بیند پدر انجام می‌دهد. زیرا هر چه پدر می‌کند، پسر نیز می‌کند. ۲۰ زیرا پدر پسر را دوست می‌دارد و تمامی آنچه را که به عمل می‌آورد، به او نشان می‌دهد. و کارهای بزرگتر از اینها به او نشان خواهد داد تا شما به حیرت افتید. ۲۱ زیرا به همان گونه که پدر مردگان را برمی‌خیزاند و به آنها حیات می‌بخشد، پسر نیز به هر کس که بخواهد، حیات می‌بخشد. ۲۲ زیرا پدر هیچ کس را داوری نمی‌کند، بلکه همه داوری را به پسر سپرده است، ۲۳ تا همه

پسر را حرمت گذارند، درست به همان گونه که پدر را حرمت می‌دارند. کسی که پسر را حرمت نمی‌گذارد، به پدری که او را فرستاده است، حرمت نمی‌گذارد. ۲۴ حقیقتا، حقیقتا، به شما می‌گویم، هر که کلام مرا بشنود و به او که فرستنده من است، ایمان آورد، حیات جاودان دارد. او به داوری نمی‌آید، بلکه از مرگ گذشته به حیات وارد شده است.

۲۵ حقیقتا، حقیقتا، به شما می‌گویم، ساعتی می‌آید، و هم اکنون رسیده است، که مردگان صدای پسر خدا را خواهند شنید و آنها که می‌شنوند، زنده خواهند شد. ۲۶ زیرا همان گونه که پدر در خود حیات دارد، به پسر نیز عطا کرده است که در خود حیات داشته باشد. ۲۷ و به او اقتدار بخشیده که داوری کند، زیرا که او پسر انسان است. ۲۸ از این به حیرت نیافتید، زیرا ساعتی می‌آید که همه آنانکه در قبرند، صدای او را خواهند شنید ۲۹ و بیرون خواهند آمد، آنها که نیکی کرده‌اند به قیامت حیات، و آنها که بدی کرده‌اند، به قیامت داوری.

## شهادت به عیسی

۳۰ من از خود کاری نمی‌توانم بکنم. مطابق آنچه می‌شنوم، داوری می‌کنم و داوری من عادلانه است، زیرا به دنبال انجام خواسته خود نیستم، بلکه خواسته آن که مرا فرستاده است. ۳۱ اگر در مورد خود، فقط خودم شهادت دهم، شهادتم اعتباری ندارد. ۳۲ کسی دیگر هست که در مورد من شهادت می‌دهد و می‌دانم که شهادتی که در مورد من می‌دهد، معتبر است. ۳۳ شما به نزد یحیا فرستادید و او بر حقیقت شهادت داده است. ۳۴ نه اینکه من شهادت انسان را بپذیرم، لیکن این چیزها را می‌گویم که شما نجات یابید. ۳۵ او چراغی سوزان و فروزان بود و شما می‌خواستید که مدتی در نورش خوش باشید. ۳۶ اما شهادتی که دارم، از شهادت یحیا بزرگتر است. زیرا کارهایی که پدر جهت انجام به من سپرده است، همان کارهایی که می‌کنم، آنها در مورد من شهادت می‌دهند که پدر مرا فرستاده است. ۳۷ و همان پدر که مرا فرستاده، خود در مورد من شهادت داده است. صدای او را شما هرگز نشنیده‌اید، روی او را شما هرگز ندیده‌اید. ۳۸ و کلام او را به شکلی که در شما ساکن باشد، ندارید، زیرا به آن که او فرستاده، ایمان نمی‌آورید. ۳۹ کتب مقدس را جستجو می‌کنید، زیرا گمان می‌برید که در آنها حیات جاودان را دارید. و همانها هستند که در مورد من شهادت می‌دهند. ۴۰ با این حال نمی‌خواهید نزد من آیید تا حیات یابید. ۴۱ جلال از مردم نمی‌پذیرم. ۴۲ اما می‌دانم که در خود محبت خدا را ندارید. ۴۳ من در نام پدر خود آمده‌ام و شما مرا قبول نمی‌کنید. اگر کسی دیگر در نام خود بیاید، شما او را قبول خواهید کرد. ۴۴ چگونه می‌توانید ایمان آورید زمانی که جلال را از یکدیگر می‌پذیرید و به دنبال جلالی که از خدای یکتاست، نیستید؟ ۴۵ فکر نکنید که من شما را در حضور پدر متهم خواهم کرد. کسی هست که شما را متهم می‌کند؛ موسی! همان که امید خود را بر او بسته‌اید. ۴۶ زیرا اگر به موسی ایمان داشتید، به من هم ایمان می‌آوردید؛ زیرا که او در مورد من نوشت. ۴۷ ولی اگر نوشته‌های او را باور نمی‌کنید، سخنان مرا چگونه باور خواهید کرد؟»

## عیسی پنج هزار نفر را خوراک می‌دهد

**متی ١٤: ١٣-٢١؛ مرقس ٦: ٣٢-٤٤؛ لوقا ٩: ١٠-١٧**

٦ پس از این عیسی به آن سوی دریای
جلیل که همان دریای تیبریه باشد، رفت.
[٢] و جمعیت بزرگی به دنبال او می‌رفتند، زیرا
نشانه‌هایی را که با شفای مریضان به انجام
می‌رسانید، دیدند. [٣] عیسی از کوه بالا رفت و
با شاگردان خود در آنجا نشست. [٤] حال، عید
پِسَخ یهودیان، نزدیک بود. [٥] زمانی که عیسی
نگاه کرد و جمعیت بزرگی را که به جانب او
می‌آمدند، دید، به فیلیپُس گفت: «از کجا نان
بخریم که این مردم بخورند؟» [٦] این را برای
امتحان او گفت، زیرا خود می‌دانست که چه
خواهد کرد. [٧] فیلیپُس جواب داد: «دویست
دینار نان هم کافی نخواهد بود که هر کدام
از آنها اندکی بخورند.» [٨] یکی از شاگردانش،
آندریاس برادر شمعون پطرس به او گفت:
[٩] «پسرکی در اینجا هست که پنج قرص نان
جو و دو ماهی دارد، ولی برای این همه آدم،
اینها چه می‌شوند؟» [١٠] عیسی گفت: «مردم
را بنشانید.» حال، در آنجا سبزه بسیار بود.
پس ایشان که نزدیک به پنج هزار مرد بودند،
نشستند. [١١] آنگاه عیسی قرص نانها را برداشت
و پس از شکرگزاری آنها را در میان افرادی
که نشسته بودند، تقسیم کرد. و ماهی‌ها را
نیز به هر قدر که خواستند. [١٢] زمانی که آنها
به حد سیری خورده بودند، به شاگردانش
گفت: «خرده‌ریزهای باقیمانده را جمع کنید
که چیزی هدر نرود.» [١٣] پس آنها را جمع
کردند و از خرده‌ریزهای پنج قرص نان جو
که جماعت خورده بودند، دوازده سبد پر
شد. [١٤] وقتی که مردم نشانه‌ای را که به انجام
رسانیده بود، دیدند، گفتند: «این به راستی
همان پیامبر است که باید به جهان آید!»
[١٥] عیسی چون فهمید که قصد دارند او را
بگیرند و به زور پادشاهش کنند، بار دیگر دور
شده به تنهایی به کوه رفت.

## عیسی روی آب راه می‌رود

**مَتّی ١٤:٢٢-٣٣؛ مَرقُس ٦:٤٧-٥١**

[١٦] وقتی شب فرارسید، شاگردانش به جانب
دریا پایین رفتند. [١٧] به قایقی سوار شدند و
به آن سوی دریا، به کَفَرناحوم روان گشتند.
هوا تاریک بود و عیسی هنوز به نزد آنها
نیامده بود. [١٨] دریا به سبب باد شدیدی که
می‌وزید، متلاطم شد. [١٩] زمانی که به اندازه
سه و یا چهار میل پارو زده بودند، عیسی
را دیدند که روی دریا راه می‌رود و به قایق
نزدیک می‌شود. و ترسان گشتند. [٢٠] اما او به
آنها گفت: «من هستم، نترسید.» [٢١] آنگاه با
خوشحالی خواستند که او را به قایق سوار
کنند و همان لحظه قایق به زمینی که عازمش
بودند، رسید.

## من نان حیات هستم

[٢٢] روز بعد جماعتی که در آن سوی دریا
مانده بود، دیدند که در آنجا فقط یک قایق
باقی است و اینکه عیسی با شاگردانش به
قایق سوار نشده، بلکه شاگردان به تنهایی رفته
بوده‌اند. [٢٣] قایق‌های دیگر از تیبریه به نزدیک
جایی آمدند که بعد از شکرگزاری خداوند، نان
خورده بودند. [٢٤] وقتی جماعت دید که عیسی
آنجا نیست، شاگردانش هم نیستند، خود به

---

**٧.٦** هر دینار معادل دستمزد رایج یک کارگر بود **١٤.٦** تثنیه ١٨: ١٥ - ١٩ **١٩.٦** در متن یونانی، واژه استادیا بکار برده شده. هر استادیون حدود ١٨٥ متر است.

قایق‌ها سوار شدند و در جستجوی عیسی به
کَفَرناحوم رفتند.
[٢٥] زمانی که او را در آن سوی دریا یافتند،
به او گفتند: «رابّی، کِی به اینجا آمدی؟»
[٢٦] عیسی جواب داد: «حقیقتا، حقیقتا، به
شما می‌گویم، شما مرا می‌جویید، نه به خاطر
نشانه‌هایی که دیدید، بلکه به خاطر آن قرص
نانها که خوردید و سیر شدید. [٢٧] برای غذایی
که از بین می‌رود، زحمت نکشید، بلکه برای
غذایی که تا حیات جاودان دوام می‌آورد، غذایی
که پسر انسان به شما خواهد داد. زیرا بر
اوست که خدای پدر مُهر خود را زده است.»
[٢٨] آنگاه به او گفتند: «چه باید بکنیم که
کارهای خدا را انجام داده باشیم؟» [٢٩] عیسی
به آنها جواب داد: «این است کار خدا، که
به آن که او فرستاده، ایمان آورید.» [٣٠] آنگاه
به او گفتند: «پس چه نشانه به عمل می‌آوری
که آن را ببینیم و به تو ایمان آوریم؟ چه
کاری به انجام می‌رسانی؟ [٣١] پدران ما در بیابان
مانّا خوردند، چنانکه نوشته شده است "او از
آسمان به آنها نان داد تا بخورند."» [٣٢] عیسی
به آنها گفت: «حقیقتا، حقیقتا، به شما
می‌گویم. موسی نبود که از آسمان به شما نان
داد، بلکه پدر من است که نان حقیقی را از
آسمان به شما می‌دهد. [٣٣] زیرا نان خدا اوست
که از آسمان فرود می‌آید و به جهان حیات
می‌بخشد.» [٣٤] آنها به او گفتند: «ای آقا، این
نان را همیشه به ما بده.»
[٣٥] عیسی به آنها گفت: «من هستم نان
حیات؛ هر که نزد من آید، گرسنه نخواهد شد
و هر که به من ایمان آورد، هرگز تشنه نخواهد
شد. [٣٦] ولی به شما گفتم که هر چند مرا
دیده‌اید، هنوز ایمان نمی‌آورید. [٣٧] همه آنها که
پدر به من می‌دهد، نزد من خواهند آمد، و هر
که نزد من آید، هرگز او را نخواهم راند. [٣٨] زیرا
که از آسمان فرود آمده‌ام، نه اینکه اراده خود
را انجام دهم، بلکه اراده او را که مرا فرستاده
است. [٣٩] و اراده او که مرا فرستاده، این است
که از همه آنچه که به من داده است، چیزی
گم نکنم، بلکه او را در آخرت برخیزانم. [٤٠] زیرا
اراده پدر من این است که هر که به پسر نگاه
کند و به او ایمان آورد، حیات جاودان داشته
باشد و من او را در آخرت برخواهم خیزانید.»
[٤١] پس یهودیان درباره او به غرغر پرداختند،
زیرا که گفت: «من هستم آن نان که از آسمان
فرود آمد.» [٤٢] گفتند: «مگر این عیسی پسر
یوسف نیست که ما پدر و مادر او را
می‌شناسیم؟ حال چگونه می‌گوید: «از آسمان
فرود آمده‌ام؟» [٤٣] عیسی به آنها جواب داد:
«در میان خود غرغر نکنید. [٤٤] هیچکس
نمی‌تواند نزد من آید مگر آنکه پدری که
مرا فرستاد، او را بِکشد. و من در آخرت او
را برخواهم خیزانید. [٤٥] در کتب انبیا نوشته
شده است: "همه آنها از خدا تعلیم خواهند
گرفت." هر که خدا را شنیده و از پدر یاد
گرفته است، نزد من می‌آید - [٤٦] نه اینکه
کسی پدر را دیده است، مگر آن کس که از
خداست؛ او پدر را دیده است. [٤٧] حقیقتا،
حقیقتا، به شما می‌گویم، هر که ایمان آورد،
حیات جاودان دارد. [٤٨] من هستم نان حیات.
[٤٩] پدران شما در بیابان مانّا را خوردند و مردند.
[٥٠] این است آن نان آسمانی که از آسمان
فرود می‌آید، تا شخص از آن بخورد و نمیرد.
[٥١] من آن نان زنده هستم که از آسمان فرود

**٣١.٦** خروج ١٦: ٤؛ نحمیا ٩: ١٥؛ مزمور ٧٨: ٢٤ و ٢٥ **٤٥.٦** اشعیا ٥٤: ١٣

آمد. اگر کسی از این نان بخورد، تا به ابد خواهد زیست. و نانی که من برای حیات جهان می‌دهم، بدن من است.»
۵۲ آنگاه یهودیان در میان خود به مجادله پرداخته، می‌گفتند: «این مرد چگونه می‌تواند بدن خود را به ما دهد که بخوریم؟» ۵۳ عیسی به آنها گفت: «حقیقتا، حقیقتا، به شما می‌گویم، تا از بدن پسر انسان نخورید و از خون او ننوشید، در خود حیات نخواهید داشت. ۵۴ هر که بدن مرا بخورد و خون مرا بنوشد، حیات جاودان دارد، و من در آخرت او را برخواهم خیزانید. ۵۵ زیرا بدن من خوراک حقیقی و خون من آشامیدنی حقیقی است. ۵۶ هر که از بدن من می‌خورد و از خون من می‌نوشد، در من ساکن می‌شود و من در او. ۵۷ همانگونه که پدر زنده مرا فرستاد و من به پدر زیست می‌کنم، پس هر که از من می‌خورد، او نیز به خاطر من خواهد زیست. ۵۸ این است آن نانی که از آسمان فرود آمد، نه مانند آنچه آن پدران خوردند و مردند. هر که از این نان بخورد، تا به ابد خواهد زیست.» ۵۹ عیسی این چیزها را در کنیسه گفت، زمانی که در کَفَرناحوم تعلیم می‌داد.

### سخنان حیات جاودان

۶۰ بسیاری از شاگردان زمانی که آن را شنیدند، گفتند: «این گفته سخت است؛ چه کسی می‌تواند به آن گوش فرا دهد؟» ۶۱ ولی عیسی که در خود می‌دانست که شاگردانش در مورد این غرغر می‌کنند، به آنها گفت: «آیا این سبب رنجش شما می‌شود؟ ۶۲ پس اگر پسر انسان را می‌دیدید که به جایی که قبلا بود صعود می‌کند، چه؟ ۶۳ روح است که حیات می‌بخشد؛ جسم را فایده‌ای نیست. سخنانی که به شما گفته‌ام، روح و حیاتند. ۶۴ ولی برخی از شما هستند که باور نمی‌کنند.» زیرا عیسی از همان اول آنهایی را که ایمان نداشتند، می‌دانست و اینکه چه کسی به او خیانت خواهد کرد. ۶۵ و گفت: «به خاطر همین است که گفتم هیچ کس نمی‌تواند نزد من آید، مگر آنکه از پدر به او عطا شده باشد.»
۶۶ بعد از این بسیاری از شاگردان او برگشته و دیگر او را همراهی نکردند. ۶۷ پس عیسی به آن دوازده گفت: «آیا شما هم می‌خواهید بروید؟» ۶۸ شمعون پطرس به او جواب داد: «ای آقا، نزد که برویم؟ سخنان حیات جاودان را تو داری ۶۹ و ما باور کرده‌ایم و دانسته‌ایم که تو آن قدّوس خدایی.» ۷۰ عیسی در جواب به ایشان گفت: «مگر شما دوازده نفر را من انتخاب نکردم؟ و با این حال یکی از شما ابلیسی است.» ۷۱ او در مورد یهودا پسر شمعونِ اِسخریوطی صحبت می‌کرد، زیرا او، یکی از آن دوازده، قصد داشت که به او خیانت کند.

### عیسی در عید خیمه‌ها

۷ پس از این عیسی به منطقه جلیل رفت. به منطقه یهودیه نمی‌رفت، زیرا که یهودیان در صدد قتل او بودند. ۲ اینک عید خیمه‌های یهودیان نزدیک بود. ۳ از این رو برادرانش به او گفتند: «اینجا را ترک کن و به یهودیه برو تا شاگردانت هم کارهایی را که می‌کنی، ببینند. ۴ زیرا هر که بخواهد شناخته شود، در نهان کار نمی‌کند. اگر این چیزها را به عمل می‌آوری، خود را به دنیا نشان بده.» ۵ زیرا

**۷.۲** یکی از سه عید بزرگ یهود که تقریبا ۶ ماه بعد از عید پِسَح جشن گرفته می‌شد.

حتی برادرانش به او ایمان نداشتند. ۶ عیسی
به آنها گفت: «وقت من هنوز نرسیده است،
ولی وقت برای شما همیشه مناسب است.
۷ دنیا نمی‌تواند از شما نفرت کند، ولی از من
نفرت دارد، زیرا در مورد آن شهادت می‌دهم
که کارهایش بد است. ۸ شما به عید بروید. من
به این عید نمی‌روم، زیرا زمان من هنوز کاملا
فرا نرسیده است.» ۹ بعد از گفتن این، او در
جلیل ماند.
۱۰ اما بعد از رفتن برادرانش به عید، او
نیز رفت، نه در مقابل دید، بلکه به تنهایی.
۱۱ یهودیان در عید به دنبال او می‌گشتند و
می‌گفتند: «او کجاست؟» ۱۲ و در مورد او در
میان مردم زمزمه زیادی بود. عده‌ای می‌گفتند:
«او مرد خوبی است.» بعضی دیگر: «نه، او
مردم را به گمراهی می‌کشد.» ۱۳ با اینحال، از
ترس یهودیان کسی در مورد او آشکارا سخن
نمی‌گفت.
۱۴ حدود اواسط عید عیسی به معبد رفت
و به تعلیم شروع کرد. ۱۵ از این رو یهودیان
به حیرت افتاده، می‌گفتند: «چگونه است که
این مرد که هرگز درس نخوانده، از چنین
دانشی برخوردار است؟» ۱۶ عیسی به آنها
جواب داد: «تعلیم من از خودم نیست، بلکه
از اوست که مرا فرستاد. ۱۷ اگر خواسته کسی
بر آن است که اراده خدا را انجام دهد، خواهد
دانست که آیا تعلیم من از خداست، یا اینکه
من از خود حرف می‌زنم. ۱۸ کسی که از خود
حرف می‌زند، به دنبال جلال شخص خود
است. اما کسی که خواهان جلال فرستنده
خود می‌باشد، حق است و در او هیچ کذب
وجود ندارد. ۱۹ مگر شریعت را موسی به شما
نداده است؟ با این حال هیچ یک از شما
شریعت را نگاه نمی‌دارد. چرا به دنبال کشتن
من هستید؟» ۲۰ جماعت جواب داد: «تو دیو
داری! چه کسی به دنبال کشتن توست؟»
۲۱ عیسی در جواب آنها گفت: «یک کار کردم
و شما همگی از آن در حیرت هستید. ۲۲ موسی
ختنه را به شما داد (نه آنکه از موسی است،
بلکه از پدران)، و شما در روز سبّت انسانی
را ختنه می‌کنید. ۲۳ اگر در روز سبّت انسانی
ختنه می‌شود تا شریعت موسی شکسته نشود،
آیا از من به این خاطر خشمگین هستید که
در روز سبّت تمامی بدن یک انسان را سلامتی
بخشیدم؟ ۲۴ به ظاهر داوری نکنید، بلکه به
درستی داوری کنید.»

## آیا این می‌تواند مسیح باشد؟

۲۵ پس برخی از اهالی اورشلیم گفتند: «آیا
این همان شخص نیست که در پی کشتنش
هستند؟ ۲۶ و او اینجاست، آشکارا صحبت
می‌کند و آنها چیزی به او نمی‌گویند! آیا
سبب می‌تواند این باشد که مقامات به راستی
می‌دانند که این شخص مسیح است؟ ۲۷ ولی
ما می‌دانیم که این مرد از کجا می‌آید. امّا
زمانی که مسیح ظهور کند، هیچ کس نخواهد
دانست که از کجاست.» ۲۸ آنگاه عیسی در
حین تعلیم در معبد اعلان کرد: «شما مرا
می‌شناسید و می‌دانید که از کجا می‌آیم. ولی
من از طرف خود نیامده‌ام. او که مرا فرستاده،
حق است، و شما او را نمی‌شناسید. ۲۹ من
او را می‌شناسم، زیرا از جانب او می‌آیم و او
مرا فرستاد.» ۳۰ پس به دنبال آن شدند که او
را دستگیر کنند، لیکن هیچ کس بر او دست
دراز نکرد، زیرا که ساعت او هنوز فرا نرسیده

**۲۶.۷** منظور مسیح موعود

بود. ۳۱ با این حال بسیاری از مردم به او ایمان آوردند. گفتند: «زمانی که مسیح ظهور کند، مگر نشانه‌هایی بیشتر از آنچه که این مرد انجام داده، به عمل خواهد آورد؟»

### مأموران ارسال می‌شوند تا عیسی را دستگیر کنند

۳۲ فریسیان شنیدند که مردم در مورد او این چیزها را پچ‌پچ می‌کنند و کاهنان ارشد و فریسیان برای دستگیری او مأموران فرستادند. ۳۳ آنگاه عیسی گفت: «برای مدتی اندک با شما خواهم بود و پس از آن به نزد او که مرا فرستاد، می‌روم. ۳۴ مرا جستجو خواهید کرد و پیدایم نخواهید نمود. جایی که من هستم، شما نمی‌توانید بیایید.» ۳۵ یهودیان به یکدیگر گفتند: «این مرد قصد دارد به کجا برود که ما پیدایش نخواهیم کرد؟ آیا می‌خواهد نزد پراکندگان در میان یونانیان برود و یونانیان را تعلیم دهد؟ ۳۶ از گفتن این حرف مقصودش چیست که "مرا جستجو خواهید کرد و پیدایم نخواهید نمود" و "جایی که هستم، شما نمی‌توانید بیایید"؟»

### نهرهای آب زنده

۳۷ در روز آخر عید، آن روز بزرگ، عیسی برخاست و به صدای بلند گفت: «اگر کسی تشنه است، نزد من بیاید و بنوشد. ۳۸ هر کس به من ایمان آورد، همانطور که کتب مقدس گفته است "از قلب او نهرهای آب زنده روان خواهد شد."» ۳۹ حال، این سخن را در مورد روح می‌گفت که آنهایی که به او ایمان می‌آوردند، قرار بود دریافت کنند. زیرا هنوز روح عطا نشده بود، چون عیسی هنوز جلال نیافته بود.

### اختلاف در میان مردم

۴۰ وقتی که آنها این سخنان را شنیدند، برخی از مردم گفتند: «این شخص به راستی همان پیامبر است.» ۴۱ برخی دیگر گفتند: «این شخص مسیح است.» ولی عده‌ای هم گفتند: «مگر مسیح قرار است از جلیل ظهور کند؟ ۴۲ مگر کتب مقدس نگفته که مسیح از نسل داوود می‌آید و قرار است از بیت‌لِحِم، از دهکده‌ای که داوود در آن زندگی می‌کرد، ظهور کند؟» ۴۳ پس درباره او در میان مردم اختلاف بود. ۴۴ برخی از آنان می‌خواستند او را دستگیر کنند، لیکن هیچ کس بر او دست دراز نکرد.

۴۵ آنگاه مأموران به نزد کاهنان ارشد و فریسیان آمدند. ایشان به آنها گفتند: «چرا او را نیاوردید؟» ۴۶ مأموران جواب دادند: «هیچ کس تا به حال مثل این مرد سخن نگفته!» ۴۷ فریسیان آنها را جواب دادند: «مگر شما هم فریب خورده‌اید؟ ۴۸ مگر کسی از مقامات و یا فریسیان به او ایمان آورده است؟ ۴۹ اما این جماعت که به شریعت واقف نیست، ملعون است.» ۵۰ نیقودیموس که قبلا نزد عیسی رفته بود، و یکی از آنان بود، به آنها گفت: ۵۱ «آیا شریعت ما کسی را محکوم می‌کند پیش از آنکه سخن او را بشنود و اعمالی را که انجام می‌دهد، دریابد؟» ۵۲ آنها جواب دادند: «مگر تو هم جلیلی هستی؟ تحقیق کن و ببین که هیچ پیامبر از جلیل ظهور نمی‌کند.»

۵۳ و هر یک از آنها به خانه خود رفت.

---

**۷.۴۰** مطابق تثنیه ۱۸: ۱۵ و ۱۸، پیامبر موعود که یهودیان منتظر ظهورش بودند.

## زنی که در زنا گرفته شد

۸ اما عیسی به کوه زیتون رفت. ۲ صبح
زود باز به معبد آمد. همه مردم نزد او
آمدند، و او نشست و آنها را تعلیم داد.
۳ معلمین تورات و فریسیان، زنی را که در حین
زنا گرفته شده بود، آوردند و او را در میان قرار
داده، ۴ به او گفتند: «استاد، این زن در حین
عمل زنا گرفته شده است. ۵ موسی در شریعت
به ما دستور داد که چنین زنان را سنگسار
کنیم. حال تو چه می‌گویی؟» ۶ آنها این را برای
امتحان او گفتند که موردی برای متهم کردن
او به دست آورند. عیسی خم شد و با انگشت
خود بر زمین نوشت. ۷ و همانطور که آنها به
پرسیدن از او ادامه دادند، ایستاد و به آنها
گفت: «بگذار سنگ اول را از میان شما کسی
به او بیاندازد که هیچ گناه نکرده است.» ۸ و
یکبار دیگر خم شد و بر زمین نوشت. ۹ اما
آنها زمانی که آن سخن را شنیدند، یک به یک
از بزرگترین شروع کرده آنجا را ترک گفتند. و
عیسی با آن زن که در مقابلش ایستاده بود،
تنها ماند. ۱۰ عیسی به پا خاست و به او گفت:
«ای زن، کجایند آنها؟ کسی تو را محکوم
نکرده است؟» ۱۱ زن گفت: «هیچ کس، آقا»
و عیسی گفت: «من هم تو را محکوم نمی‌کنم؛
برو و از این به بعد دیگر گناه نکن.»

## من هستم نور جهان

۱۲ عیسی باز با آنها صحبت کرده، گفت:
«من هستم نور جهان. هر که از من پیروی
کند، در تاریکی راه نخواهد رفت، بلکه نور
حیات را خواهد داشت.» ۱۳ پس فریسیان به
او گفتند: «تو خود درباره خودت شهادت
می‌دهی؛ شهادت تو معتبر نیست.» ۱۴ عیسی
پاسخ داد: «حتی اگر من در مورد خودم
شهادت دهم، شهادت من معتبر است، زیرا
می‌دانم که از کجا آمدم و به کجا می‌روم.
ولی شما نمی‌دانید که من از کجا می‌آیم و
به کجا می‌روم. ۱۵ شما براساس جسم داوری
می‌کنید، من کسی را داوری نمی‌کنم. ۱۶ با این
حال، حتی اگر داوری هم بکنم، داوری من
راست است. زیرا فقط من نیستم که داوری
می‌کند، بلکه من و پدر که مرا فرستاد. ۱۷ در
شریعت شما نوشته شده است که شهادت دو
شاهد معتبر است. ۱۸ من هستم که بر شخص
خود شهادت می‌دهم، و پدر که مرا فرستاد،
در مورد من شهادت می‌دهد.» ۱۹ پس به او
گفتند: «پدر تو کجاست؟» عیسی پاسخ داد:
«شما نه مرا می‌شناسید و نه پدر مرا. اگر مرا
می‌شناختید، پدر مرا هم می‌شناختید.» ۲۰ این
سخنان را در خزانه معبد، همانطور که در
معبد تعلیم می‌داد، گفت. ولی هیچ کس او را
دستگیر نکرد، زیرا ساعت او هنوز فرا نرسیده
بود.
۲۱ پس باز به آنها گفت: «من می‌روم و
شما مرا جستجو خواهید کرد و در گناه خود
خواهید مرد. جایی که می‌روم، شما نمی‌توانید
بیایید.» ۲۲ پس یهودیان گفتند: «مگر خود
را خواهد کشت، زیرا که می‌گوید "جایی که
می‌روم، شما نمی‌توانید بیایید"؟» ۲۳ عیسی به
آنها گفت: «شما از پایین هستید؛ من از بالا
هستم. شما از این جهان هستید، من از این
جهان نیستم. ۲۴ به شما گفتم که در گناهان
خود خواهید مرد، زیرا اگر ایمان نیاورید که
من همانم، در گناهان خود خواهید مرد.»
۲۵ آنگاه به او گفتند: «تو که هستی؟» عیسی
به آنها گفت: «همان که از آغاز به شما
گفته‌ام. ۲۶ در مورد شما چیزهای زیادی برای
گفتن و داوری کردن دارم، ولی او که مرا

فرستاد، حق است و من آنچه را که از او شنیده‌ام، به جهان اعلان می‌کنم.» ۲۷ آنها نفهمیدند که او در مورد پدر با آنها سخن می‌گفته. ۲۸ پس عیسی به آنها گفت: «زمانی که پسر انسان را برافراشتید، آنگاه خواهید فهمید که من، او هستم، و از خود چیزی نمی‌کنم، بلکه همان گونه که پدر مرا تعلیم داد، حرف می‌زنم. ۲۹ و او که مرا فرستاد، با من است. او مرا تنها نگذاشته، زیرا همیشه آنچه را که خوشآیند اوست، انجام می‌دهم.» ۳۰ در حالی که این چیزها را می‌گفت، بسیاری به او ایمان آوردند.

## حقیقت شما را آزاد خواهد کرد

۳۱ پس عیسی به یهودیانی که به او ایمان آورده بودند، گفت: «اگر در کلام من بمانید، به راستی که شاگردان من هستید. ۳۲ و حقیقت را خواهید شناخت و حقیقت شما را آزاد خواهد کرد.» ۳۳ آنها در جواب به او گفتند: «ما از نسل ابراهیم هستیم و هرگز غلام کسی نبوده‌ایم. پس چگونه است که می‌گویی "آزاد خواهید شد"؟»

۳۴ عیسی آنها را پاسخ داد: «حقیقتا، حقیقتا، به شما می‌گویم، هر کس که گناه می‌کند، غلام گناه است. ۳۵ غلام تا به ابد در خانه نمی‌ماند، پسر تا به ابد در خانه می‌ماند. ۳۶ پس اگر پسر شما را آزاد سازد، به راستی آزاد خواهید بود. ۳۷ می‌دانم که شما از نسل ابراهیم هستید. با این حال در پی کشتن من می‌باشید، زیرا که سخن من در شما جایی ندارد. ۳۸ من از آنچه که از پدر دیده‌ام، صحبت می‌کنم و شما آنچه را که از پدر خود شنیده‌اید، انجام می‌دهید.»

## شما از پدر خود ابلیس هستید

۳۹ آنها در جواب به او گفتند: «پدر ما ابراهیم است.» عیسی به آنها گفت: «اگر شما فرزندان ابراهیم بودید، آنچه را که ابراهیم انجام داد، می‌کردید. ۴۰ ولی اکنون شما در صدد قتل من هستید، قتل کسی که حقیقتی را که از پدر شنید، به شما گفته است. این آن چیزی نیست که ابراهیم انجام داد. ۴۱ شما آنچه را که پدرتان انجام داد، به عمل می‌آورید.» آنها به او گفتند: «ما حرامزاده نیستیم. یک پدر داریم - همانا خدا." ۴۲ عیسی به آنها گفت: «اگر خدا پدر شما بود، مرا دوست می‌داشتید، زیرا از جانب خدا آمدم و اینجا هستم. من از جانب خودم نیامدم، بلکه او مرا فرستاد. ۴۳ از چه است که آنچه را که می‌گویم، درک نمی‌کنید؟ علت این است که نمی‌توانید سخن مرا تحمل کنید. ۴۴ شما از پدر خود ابلیس هستید و خواسته‌تان این است که امیال پدر خود را به جا آورید. او از همان ابتدا قاتل بود و او را با حقیقت کاری نیست، زیرا که در او هیچ حقیقت نیست. زمانی که دروغ می‌گوید، بر اساس ذات خود صحبت می‌کند، زیرا او دروغگوست و پدر دروغگویان است. ۴۵ ولی از آنجا که من حقیقت را می‌گویم، مرا باور نمی‌کنید. ۴۶ کدامیک از شما مرا به گناهی محکوم می‌کند؟ اگر حقیقت را به شما می‌گویم، چرا مرا باور نمی‌کنید؟ ۴۷ کسی که از خداست، سخنان خدا را می‌شنود. علت اینکه شما آنها را نمی‌شنوید، در این است که شما از خدا نیستید.»

### قبل از ابراهیم، من هستم

۴۸ یهودیان به او پاسخ دادند: «مگر درست
نگفتیم در اینکه تو سامری هستی و دیو
داری؟» ۴۹ عیسی پاسخ داد: «دیوی در من
نیست، بلکه پدر خود را حرمت می‌گذارم و
شما به من بی‌حرمتی می‌کنید. ۵۰ با اینحال به
دنبال جلال شخصی خود نیستم؛ کسی هست
که در پی آن است و داور هم خود اوست.
۵۱ حقیقتا، حقیقتا، به شما می‌گویم، اگر کسی
کلام مرا نگاه دارد، روی مرگ را هرگز نخواهد
دید.» ۵۲ یهودیان به او گفتند: «حال یقین
داریم که تو دیو داری! ابراهیم مرد، انبیا هم
مردند، با این وجود تو می‌گویی "هرکس کلام
مرا نگاه دارد، هرگز مرگ را نخواهد چشید."
۵۳ آیا تو از پدر ما ابراهیم که مرد، بزرگتر
هستی؟ انبیا هم مردند. خود را چه کسی گمان
می‌کنی؟» ۵۴ عیسی پاسخ داد: «اگر من خود
را جلال دهم، جلال من هیچ است. پدر من
است که مرا جلال می‌دهد. که شما در مورد
او می‌گویید: "او خدای ماست." ۵۵ ولی شما
او را نشناخته‌اید. من او را می‌شناسم. اگر
می‌گفتم که او را نمی‌شناسم، من هم مثل شما
دروغگو می‌شدم. ولی من او را می‌شناسم و
کلام او را نگاه می‌دارم. ۵۶ پدر شما ابراهیم
شادی کرد از اینکه روز مرا خواهد دید. او
آن را دید و شادمان شد.» ۵۷ پس یهودیان
به او گفتند: «تو هنوز پنجاه سال نداری و
ابراهیم را دیده‌ای؟» ۵۸ عیسی به آنها گفت:
«حقیقتا، حقیقتا، به شما می‌گویم، پیش از
آنکه ابراهیم باشد، من هستم.» ۵۹ پس سنگ
برداشتند تا سنگسارش کنند، ولی عیسی خود
را پنهان کرد و از معبد بیرون رفت.

### عیسی کوری مادرزاد را شفا می‌دهد

۹ همانطور که می‌گذشت، مردی را دید که
مادرزاد کور بود. ۲ و شاگردانش از او
پرسیدند: «رابّی، چه کسی گناه کرد که این
مرد کور به دنیا آمد، این مرد یا والدینش؟
۳ عیسی جواب داد: «به خاطر این نبود که این
مرد و یا والدینش گناه کردند، بلکه تا کارهای
خدا در او نمایان شود. ۴ تا روز است باید
کارهای او را که مرا فرستاد، به انجام رسانیم؛
شب در راه است که در آن کسی نمی‌تواند
کار کند. ۵ من هستم نور جهان، تا زمانی که
در جهانم.» ۶ بعد از گفتن این چیزها، آب
دهان بر زمین انداخت و با آن گِل درست کرد.
سپس گِل را بر چشمان آن مرد مالید. ۷ و به
او گفت: «برو و در حوض سیلوآم (به معنی
"فرستاده") بشوی» آن مرد رفت و بشست و
بینا باز گشت.
۸ همسایگان و آنها که قبلا او را در حال
گدایی دیده بودند، می‌گفتند: «مگر این مرد
همان کسی نیست که می‌نشست و گدایی
می‌کرد؟» ۹ برخی گفتند: «همان است.»
عده‌ای دیگر گفتند: «نه، ولی به او شباهت
دارد.» او خود مدام می‌گفت: «من همان مرد
هستم.» ۱۰ از این رو به او گفتند: «پس
چشمانت چگونه باز شد؟» ۱۱ او جواب داد:
«مردی به نام عیسی گِل درست کرد و بر
چشمانم مالید و به من گفت "به حوض
سیلوآم برو و بشوی." پس رفتم و شستم و بینا
گشتم.» ۱۲ آنها به او گفتند: «او کجاست؟»
گفت: «نمی‌دانم.»
۱۳ آن مرد را که قبلا کور بود، نزد فریسیان
آوردند. ۱۴ آن روز که عیسی گِل ساخت و
چشمان او را باز کرد، سبّت بود. ۱۵ پس
فریسیان باز از آن مرد پرسیدند که بینایی

خود را چگونه یافته است. و آن مرد به آنها
گفت: «او بر چشمانم گِل مالید و من شستم
و می‌بینم.» ۱٦ برخی از فریسیان گفتند: «این
مرد از جانب خدا نیست، زیرا سبّت را نگاه
نمی‌دارد.» اما دیگران گفتند: «شخصی که
گناهکار است، چگونه می‌تواند چنین نشانه‌ها
به عمل آورد؟» ۱۷ پس بار دیگر به آن کور
گفتند: «تو درباره او چه می‌گویی، زیرا که
چشمان تو را او باز کرده است؟» گفت: «او
یک پیامبر است.»
۱۸ یهودیان باور نکردند که او کور بوده و
بینا شده است، تا اینکه والدین آن مرد را که
بینایی‌اش را یافته بود، فرا خواندند. ۱۹ و از آنها
پرسیدند: «آیا این است پسر شما که می‌گویید
کور به دنیا آمد؟ پس اکنون چگونه می‌بیند؟»
۲۰ والدینش جواب دادند: «می‌دانیم که این
پسر ماست و اینکه کور به دنیا آمد. ۲۱ اما نه
می‌دانیم که چگونه می‌بیند و نه می‌دانیم که چه
کسی چشمان او را باز کرد. از او بپرسید؛ بالغ
است. خود درباره خویش حرف خواهد زد.»
۲۲ والدینش این چیزها را از آن سبب گفتند
که از یهودیان می‌ترسیدند. زیرا یهودیان توافق
کرده بودند که هر کس را که اعتراف کند
عیسی، مسیح است، از کنیسه اخراج کنند.
۲۳ از این رو والدینش گفتند: «او بالغ است،
از او بپرسید.»
۲٤ پس برای بار دوم آن مرد را که کور
بود، فراخواندند و به او گفتند: «جلال را به
خدا بده. ما می‌دانیم که این مرد یک گناهکار
است.» ۲۵ او جواب داد: «نمی‌دانم که آیا
گناهکار است یا نه. یک چیز می‌دانم، اینکه
گرچه کور بودم، حال می‌بینم.» ۲٦ آنها به
او گفتند: «به تو چه کرد؟ چشمان تو را
چگونه باز کرد؟» ۲۷ به آنها جواب داد: «قبلا
به شما گفته‌ام، و شما گوش نمی‌دهید. چرا
می‌خواهید آن را دوباره بشنوید؟ آیا شما هم
می‌خواهید که شاگرد او شوید؟» ۲۸ آنها به
او دشنام داده، گفتند: «تو شاگرد او هستی.
امّا ما شاگردان موسی هستیم. ۲۹ ما می‌دانیم
که خدا با موسی صحبت کرده است، ولی در
مورد این مرد، ما نمی‌دانیم که از کجا می‌آید.»
۳۰ آن مرد در جواب گفت: «چه حیرت‌انگیز
که شما نمی‌دانید که او از کجا می‌آید، حال
آنکه او چشمان مرا باز کرد. ۳۱ می‌دانیم که
خدا به گناهکاران گوش نمی‌دهد، لیکن کسی
که پرستنده خداست و اراده او را به عمل
می‌آورد، خدا به او گوش می‌دهد. ۳۲ از آغاز
جهان تا به حال شنیده نشده که کسی چشمان
کوری مادرزاد را باز کرده باشد. ۳۳ اگر این مرد
از جانب خدا نبود، چیزی نمی‌توانست بکند.»
۳٤ به او جواب دادند: «تو که سراپا در گناه
زاده شدی، حال تو ما را تعلیم می‌دهی؟» و او
را بیرون انداختند.
۳۵ عیسی شنید که او را بیرون انداخته‌اند،
او را پیدا کرده، به او گفت: «آیا به پسر
انسان ایمان داری؟» ۳٦ جواب داد: «آقا، او
کیست که به او ایمان آورم؟» ۳۷ عیسی به او
گفت: «تو او را دیده‌ای، همان است که با
تو صحبت می‌کند.» ۳۸ او گفت: «آقا، ایمان
می‌آورم.» و او را پرستش کرد. ۳۹ عیسی گفت:
«من به این جهان برای داوری آمدم تا آنها
که نمی‌بینند، ببینند و آنها که می‌بینند، کور
گردند.» ٤۰ برخی از فریسیان که نزدیک او
بودند، این چیزها را شنیدند و به او گفتند:

**۲۲.۹** منظور "مسیح موعود"

«آیا ما هم کور هستیم؟» [۴۱] عیسی به آنها گفت: «اگر کور بودید، تقصیری نمی‌داشتید؛ اما حال که می‌گویید "می‌بینیم"، تقصیر بر شما باقی می‌ماند.»

## من هستم شبان نیکو

۱۰ «حقیقتا، حقیقتا، به شما می‌گویم، آن که از در به آغل گوسفندان داخل نمی‌شود، بلکه از راهی دیگر بالا رفته به داخل می‌رود، آن مرد دزد و راهزن است. [۲] ولی آن که از در وارد می‌شود، شبان گوسفندان است. [۳] دربان در را برایش باز می‌کند. گوسفندان به صدای او گوش می‌کنند و او گوسفندان خود را به نام صدا می‌کند و آنها را به بیرون هدایت می‌نماید. [۴] زمانی که همه گوسفندان متعلق به خود را بیرون آورد، پیشاپیش آنان می‌رود و گوسفندان به دنبال او می‌روند، زیرا صدای او را می‌شناسند. [۵] از یک غریب متابعت نخواهند کرد؛ بلکه از او خواهند گریخت، زیرا که صدای غریبان را نمی‌شناسند.» [۶] عیسی از این زبان تمثیل برایشان استفاده کرد، اما آنها آنچه را به ایشان می‌گفت، درک نکردند.

[۷] از این رو عیسی باز به آنها گفت: «حقیقتا، حقیقتا، به شما می‌گویم، من هستم در برای گوسفندان. [۸] تمامی آنها که پیش از من آمدند، دزدان و راهزنانند. ولی گوسفندان به آنها گوش نکردند. [۹] من هستم در. هر که از من داخل شود، نجات خواهد یافت و به درون و بیرون خواهد رفت و چراگاه خواهد یافت. [۱۰] دزد می‌آید که فقط بدزدد و بکشد و هلاک کند. من آمدم تا ایشان حیات داشته باشند و آن را به فراوانی داشته باشند. [۱۱] من هستم شبان نیکو. شبان نیکو جان خود را برای گوسفندان فدا می‌کند. [۱۲] کسی که به مزد گرفته شده است و شبان نیست و گوسفندان از آنِ او نیستند، آمدن گرگ را می‌بیند و گوسفندان را وامی‌گذارد و فرار می‌کند. و گرگ به آنها هجوم می‌آورد و آنها را پراکنده می‌سازد. [۱۳] او فرار می‌کند زیرا که به مزد گرفته شده است و گوسفندان برایش اهمیت ندارند. [۱۴] من هستم شبان نیکو. آنهایی را که از آنِ من هستند، می‌شناسم و آنهایی که از آنِ من هستند، مرا می‌شناسند، [۱۵] درست به آنگونه که پدر مرا می‌شناسد و من پدر را می‌شناسم، و من جان خود را برای گوسفندان فدا می‌کنم. [۱۶] من گوسفندان دیگری دارم که از این آغل نیستند. باید آنها را هم بیاورم و آنها به صدای من گوش خواهند داد. آنگاه یک گله خواهند شد، و یک شبان. [۱۷] زیرا پدر مرا از این سبب دوست می‌دارد، چونکه من جان خود را فدا می‌کنم تا آن را باز برخیزانم. [۱۸] هیچ کس آن را از من نمی‌گیرد، بلکه آن را به میل خود فدا می‌کنم. اختیار دارم که آن را فدا کنم و اختیار دارم که آن را باز برخیزانم. این حکم را از پدرم دریافت کرده‌ام.»

[۱۹] به خاطر این سخنان باز در میان یهودیان اختلاف افتاد. [۲۰] بسیاری از آنان گفتند: «او دیو دارد و عقل از دست داده. چرا به او گوش می‌کنید؟» [۲۱] دیگران گفتند: «اینها سخنان کسی نیست که دیو در او حلول کرده باشد. مگر دیو می‌تواند چشمان کور را باز کند؟»

## من و پدر یک هستیم

[۲۲] در آن زمان در اورشلیم عید وقف برگزار بود. زمستان بود، [۲۳] و عیسی در معبد، در

**۲۲.۱۰** در عبری: "حَنوکا"؛عیدی که به یادبود وقف معبد توسط یهودای مَکابی که در سال ۱۶۵ ق.م گرفته می‌شد.

ایوان سلیمان راه می‌رفت. ۲۴ پس یهودیان به
گرد او جمع شدند و به او گفتند: «تا به
کی ما را در شک نگاه خواهی داشت؟ اگر تو
مسیح هستی، آشکارا به ما بگو.» ۲۵ عیسی
به آنها جواب داد: «به شما گفتم و شما
باور نمی‌کنید. کارهایی که در نام پدرم انجام
می‌دهم، در مورد من شهادت می‌دهند. ۲۶ ولی
شما باور نمی‌کنید زیرا از گله من نیستید.
۲۷ گوسفندان من به صدای من گوش می‌کنند
و من آنها را می‌شناسم و آنها مرا متابعت
می‌کنند. ۲۸ من به آنها حیات جاودان می‌دهم
و آنها هرگز هلاک نخواهند شد و هیچ کس
آنها را از دست من نخواهد قاپید. ۲۹ پدر من،
که آنها را به من داده، از همه بزرگتر است و
هیچ کس قادر نیست که آنها را از دست پدر
بقاپد.» ۳۰ من و پدر یک هستیم.»
۳۱ باز یهودیان سنگ برداشتند تا او را
سنگسار کنند. ۳۲ عیسی در جواب به آنها
گفت: «من کارهای خوب زیادی از پدر به
شما نشان داده‌ام؛ به خاطر کدام یک از
آنها می‌خواهید سنگسارم کنید؟» ۳۳ یهودیان
جواب دادند: «به خاطر کار خوب نیست که
می‌خواهیم سنگسارت کنیم، بلکه به خاطر
کفرگویی، زیرا تو که انسان هستی، خود را خدا
می‌نمایی.» ۳۴ عیسی به آنها پاسخ داد: «مگر
در شریعت شما نوشته نشده "من گفتم، شما
خدایان هستید؟" ۳۵ اگر او آنها را که کلام
خدا برایشان آمد، خدا خواند - و کتب مقدس
نمی‌تواند شکسته شود - ۳۶ آیا در مورد کسی
که پدر او را تقدیس کرده و به جهان فرستاده،
می‌گویید "تو کفر می‌گویی"، زیرا که گفتم "من
پسر خدا هستم"؟ ۳۷ اگر من کارهای پدرم را
نمی‌کنم، آن موقع به من ایمان نیاورید. ۳۸ ولی
اگر آنها را به جا می‌آورم، حتی اگر به من ایمان
نمی‌آورید، به آن کارها ایمان آورید تا بدانید
و بفهمید که پدر در من است و من در پدر
هستم.» ۳۹ باز آنها در پی آن شدند که او را
دستگیر کنند، ولی او از دستهای آنان دررفت.
۴۰ او باز به آن سوی اردن، به محلی که یحیا
نخست در آنجا تعمید می‌داد، رفت و در آنجا
ماند. ۴۱ و بسیاری نزد او آمدند. و گفتند:
«یحیا هیچ نشانه‌ای به عمل نیاورد، ولی هر
آنچه که یحیا در مورد این مرد گفت، راست
بود.» ۴۲ و بسیاری در آنجا به او ایمان آوردند.

## مرگ ایلعازر

۱۱ حال، مردی به نام ایلعازر مریض
بود، از اهالی بیت‌عنیا که دهکده
مریم و خواهرش مارتا بود. ۲ همان مریم
که خداوند را با روغن تدهین کرد و پاهای
او را با گیسوی خود خشک نمود. برادرش
ایلعازر مریض بود. ۳ پس خواهران به دنبال
عیسی فرستاده، گفتند: «آقا، آنکه دوستش
می‌داری، مریض است.» ۴ اما عیسی وقتی که
آن را شنید، گفت: «این بیماری به مرگ ختم
نمی‌شود. آن برای جلال خداست تا پسر خدا
از طریق آن جلال یابد.»
۵ حال، عیسی مارتا و خواهرش و ایلعازر را
دوست داشت. ۶ پس وقتی که شنید ایلعازر
بیمار است، در جایی که بود، دو روز دیگر
ماند. ۷ سپس به شاگردان گفت: «بیایید باز
به یهودیه برویم.» ۸ شاگردان به او گفتند:
«رابّی، یهودیان هم اکنون به دنبال آن بودند

**۲۴.۱۰** منظور آنها "مسیح موعود" بود که یهودیان مطابق پیشگویی‌های عهد عتیق منتظر ظهورش بودند.
**۳۴.۱۰** مزمور ۸۲: ۶ **۴۰.۱۰** منظور "رود اردن"

که تو را سنگسار کنند، و تو باز به آنجا
می‌روی؟» ۹ عیسی جواب داد: «مگر در یک
روز دوازده ساعت نیست؟ اگر کسی در روز
راه رود، نمی‌لغزد، زیرا نور این جهان را می‌بیند.
۱۰ اما اگر کسی در شب راه رود، می‌لغزد، زیرا
که در او نور نیست.» ۱۱ بعد از گفتن این
چیزها، به آنها گفت: «دوست ما ایلعازر به
خواب رفته است، ولی می‌روم تا او را بیدار
کنم.» ۱۲ شاگردان به او گفتند: «آقا، اگر به
خواب رفته، بهبود خواهد یافت.» ۱۳ حال
آنکه عیسی از مرگ او صحبت کرده بود، اما
آنان فکر کردند که منظور او استراحت در
خواب است. ۱۴ آنگاه عیسی آشکارا به آنها
گفت: «ایلعازر مرده است، ۱۵ و به خاطر
شما خوشحالم از اینکه در آنجا نبودم، تا شما
ایمان آورید. ولی بیایید نزد او برویم.» ۱۶ پس
توما، موسوم به دوقلو، به هم‌شاگردان خود
گفت: «بیایید ما هم برویم که با او بمیریم.»

## من هستم قیامت و حیات

۱۷ حال، وقتی که عیسی آمد، دریافت که
چهار روز است که ایلعازر در قبر بوده.
۱۸ بیت‌عنیا نزدیک اورشلیم بود، به فاصله دو
میل، ۱۹ و بسیاری از یهودیان به نزد مارتا و
مریم آمده بودند تا آنها را در مرگ برادرشان
تسلی دهند. ۲۰ پس وقتی مارتا شنید که عیسی
می‌آید، به پیشوازش رفت، لیکن مریم در خانه
نشست و ماند. ۲۱ مارتا به عیسی گفت:
«آقا، اگر اینجا می‌بودی، برادرم نمی‌مرد. ۲۲ امّا
می‌دانم که هم اکنون نیز هر چه از خدا
بخواهی، خدا به تو خواهد داد.» ۲۳ عیسی
به او گفت: «برادرت باز برخواهد خاست.»
۲۴ مارتا به او گفت: «می‌دانم که در روز
قیامت او باز برخواهد خاست.» ۲۵ عیسی به
او گفت: «من هستم قیامت و حیات. هر
کس به من ایمان داشته باشد، اگرچه بمیرد،
باز خواهد زیست. ۲۶ و هر کس که زیست
می‌کند و به من ایمان دارد، هرگز نخواهد مرد.
آیا این را باور می‌کنی؟» ۲۷ مارتا به او گفت:
«بله، آقا؛ من باور دارم که تو مسیح هستی،
پسر خدا، همان که به این جهان می‌آید.»

## عیسی می‌گرید

۲۸ وقتی که این را گفت، رفت و خواهر
خود مریم را صدا کرده، دور از انظار به او
گفت: «استاد اینجاست و تو را صدا می‌کند.»
۲۹ وقتی مریم آن را شنید، به سرعت برخاست
و به نزد او رفت. ۳۰ حال، عیسی هنوز وارد
دهکده نشده بود، بلکه در همان جایی بود
که مارتا ملاقاتش کرده بود. ۳۱ یهودیانی که
با او در خانه بودند و او را تسلی می‌دادند،
دیدند که مریم به سرعت برخاست و بیرون
رفت، از پی او رفتند در این گمان که جهت
گریه به سر قبر می‌رود. ۳۲ وقتی که مریم به
جایی که عیسی بود، رسید و او را دید، به
پاهای او افتاد و به او گفت: «آقا، اگر اینجا
می‌بودی، برادرم نمی‌مرد.» ۳۳ زمانی که عیسی
گریه او را دید و یهودیانی که با او آمده
بودند نیز می‌گریستند، در روح مکدّر شد و
به شدت منقلب گردید. ۳۴ و گفت: «او را
کجا گذاشته‌اید؟» به او گفتند: «آقا، بیا
و ببین.» ۳۵ عیسی گریست. ۳۶ پس یهودیان
گفتند: «ببین چقدر او را دوست داشت.»
۳۷ ولی برخی از آنان گفتند: «آیا او که چشمان
کور را باز کرد، نمی‌توانست هم این مرد را از
مردن مانع شود؟»

**۱۸.۱۱** در متن یونانی، پانزده استادیا. هر استادیون معادل ۱۸۵ متر است.

### عیسی ایلعازر را زنده می‌کند

۳۸ عیسی باز به شدت مکدّر شد و به نزد
قبر آمد. قبر یک غار بود و بر دهانه‌اش سنگی
نهاده بودند. ۳۹ عیسی گفت: «سنگ را کنار
بکشید.» مارتا، خواهر مرد متوفی به او گفت:
«آقا، اکنون دیگر بویی ناخوشایند خواهد
داشت، زیرا که چهار روز است که مرده.»
۴۰ عیسی به او گفت: «مگر به تو نگفتم که
اگر باور می‌داشتی، جلال خدا را می‌دیدی؟»
۴۱ پس آنها سنگ را برداشتند. و عیسی به
بالا نگریست و گفت: «پدر، سپاسگذارم از
اینکه مرا شنیده‌ای. ۴۲ می‌دانستم که همیشه
مرا می‌شنوی، ولی این را به خاطر این مردمی که
اینجا ایستاده‌اند، گفتم تا باور کنند که تو مرا
فرستادی.» ۴۳ زمانی که این چیزها را گفت، با
صدایی بلند فریاد برآورد: «ایلعازر، بیرون بیا.»
۴۴ آن مرد که مرده بود، بیرون آمد؛ دستها و
پاهایش در کفن بسته، صورتش با پارچه‌ای
پیچیده. عیسی به آنها گفت: «او را باز کنید،
بگذارید برود.»

### توطئه برای قتل عیسی

۴۵ از این رو بسیاری از یهودیان که با مریم
آمده بودند و آنچه را که عیسی کرد، دیده
بودند، به او ایمان آوردند. ۴۶ ولی بعضی از
آنها به نزد فریسیان رفتند و آنچه را که عیسی
کرده بود، به آنها گفتند. ۴۷ پس کاهنان ارشد
و فریسیان "شورا" را جمع کرده و گفتند: «چه
باید بکنیم؟ زیرا این مرد نشانه‌های زیادی به
جا می‌آورد. ۴۸ اگر بگذاریم که همین گونه پیش
رود، همه به او ایمان خواهند آورد و رومیان
خواهند آمد و هم مکان ما را خواهند گرفت
و هم ملت ما را.» ۴۹ لیکن یکی از آنان ، قیافا
که آن سال کاهن اعظم بود، به آنها گفت:
«شما هیچ نمی‌دانید. ۵۰ و نیز نمی‌فهمید که
برایتان بهتر است که یک نفر در راه قوم بمیرد
تا اینکه همه قوم هلاک گردند.» ۵۱ او این را
از خود نگفت، بلکه در مقام کاهن اعظم آن
سال، نبوت کرد که عیسی به جای قوم خواهد
مرد. ۵۲ و نه فقط به جای قوم، بلکه برای گرد
آوردن و یکی کردن آن فرزندان خدا هم که در
خارج از آنجا پراکنده‌اند. ۵۳ پس، از آن روز به
بعد نقشه‌ها چیدند تا او را به قتل برسانند.
۵۴ از این رو عیسی دیگر در میان یهودیان
آشکارا رفت و آمد نکرد، بلکه از آنجا به شهری
به نام اِفرایم در ناحیه‌ای نزدیک به بیابان رفت
و با شاگردان در آنجا ماند.
۵۵ حال، عید پِسَح یهودیان نزدیک بود و
از نواحی مختلف، بسیاری قبل از پِسَح به
اورشلیم رفتند تا خود را تطهیر کنند. ۵۶ آنها به
دنبال عیسی می‌گشتند و همانطور که در معبد
ایستاده بودند، به یکدیگر می‌گفتند: «چه فکر
می‌کنید؟ اینکه اصلا به عید نخواهد آمد؟»
۵۷ امّا کاهنان ارشد و فریسیان دستور داده
بودند که هر کس بداند که عیسی کجاست،
باید به آنها اطلاع دهد تا او را دستگیر کنند.

### مریم عیسی را در بیت‌عنیا تدهین می‌کند

۱۲ از این رو شش روز پیش از عید
پِسَخ، عیسی به بیت‌عنیا به جایی که
ایلعازر بود، آمد؛ همان که عیسی او را از
مرگ زنده کرده بود. ۲ در آنجا برایش میهمانی
دادند. مارتا خدمت می‌کرد و ایلعازر از جمله
کسانی بود که با او به سفره نشسته بود.
۳ مریم نیم لیتر روغنی گرانبها که از سنبل

**۳.۱۲** واژه یونانی، لیترا که همان "پوند رومی" می‌باشد که معادل ۳۲۷ گرم است

خالص درست شده بود، برداشت و پاهای عیسی را تدهین کرد و با گیسوی خود آن را خشک نمود. خانه از بوی عطر پر شد. ٤ لیکن یهودای اِسخَریوطی، یکی از شاگردان (او که به زودی به او خیانت می‌کرد)، گفت: ٥ «چرا این روغن به سیصد دینار فروخته و به فقرا داده نشد؟» ٦ او این را از آن جهت نگفت که برای فقیران دلش می‌سوخت، بلکه از آن جهت که دزد بود؛ مسئولیت کیسه پول را به گردن داشت و از آنچه که در درون کیسه بود، برای خود برمی‌داشت. ٧ عیسی گفت: «او را به حال خود بگذارید تا آن را برای روز تدهین من نگاهدارد. ٨ زیرا که فقیران را همیشه با خود دارید، لیکن مرا همیشه با خود ندارید.»

## توطئه به جهت کشتن ایلعازر

٩ زمانی که گروه بزرگی از یهودیان فهمیدند که عیسی آنجاست، آمدند؛ نه فقط به خاطر او، بلکه به خاطر دیدن ایلعازر نیز که او را از مردگان زنده کرده بود. ١٠ پس کاهنان ارشد نقشه‌ها چیدند تا ایلعازر را هم بکشند. ١١ زیرا به خاطر او بسیاری از یهودیان رویگردان شده به عیسی ایمان می‌آوردند.

## ورود پیروزمندانه

**متّی ۲۱:٤-۹؛ مَرقُس ۱۱:۷-۱۰؛ لوقا ۱۹:۳۵-۳۸**

١٢ روز بعد آن جماعت بزرگ که به عید آمده بودند، شنیدند که عیسی به اورشلیم می‌آید. ١٣ پس شاخه‌های درختان نخل را گرفتند و به پیشواز او رفته، فریاد بر می‌آوردند: «هوسانّا مبارک است او که در نام خداوند می‌آید، حتی پادشاه اسرائیل!» ١٤ عیسی الاغی جوان یافت و بر آن نشست؛ درست به همان گونه که نوشته شده است:

١٥ "نترس، ای دختر صهیون؛
هان، پادشاه تو می‌آید،
سوار بر کره الاغی!»

١٦ شاگردانش این چیزها را نخست نفهمیدند، ولی وقتی که عیسی جلال یافت، به یاد آوردند که این چیزها درباره او نوشته شده و در مورد او انجام یافته بود. ١٧ آن جماعت که به هنگام فراخواندن ایلعازر از قبر و برخیزانیدنش از مردگان با او بودند، به شهادت ادامه دادند. ١٨ علت اینکه آن جماعت به پیشواز او رفتند، آن بود که شنیده بودند این نشانه را او به انجام رسانیده است. ١٩ پس فریسیان به یکدیگر گفتند: «می‌بینید که چیزی حاصلتان نمی‌شود. ببینید، دنیا از پی او رفته است.»

## بعضی از یونانیان به جستجوی عیسی می‌آیند

٢٠ حال، در میان آنها که برای پرستش در عید به اورشلیم رفتند، چند یونانی بودند. ٢١ آنها نزد فیلیپُس که اهل بیت‌صیدای جلیل بود، آمدند و از او خواستند: «آقا، می‌خواهیم عیسی را ببینیم.» ٢٢ فیلیپُس رفت و به آندریاس گفت. آندریاس و فیلیپُس رفتند و به عیسی گفتند. ٢٣ عیسی در جواب به آنها گفت: «ساعت آن فرا رسیده است که پسر انسان جلال یابد. ٢٤ حقیقتا، حقیقتا، به شما می‌گویم، تا زمانی که دانه گندم به زمین نیافتد و نمیرد، تنها می‌ماند؛ لیکن اگر بمیرد، ثمر بسیار می‌آورد. ٢٥ هر که جان خود را دوست بدارد،

**۵.۱۲** هر دینار معادل دستمزد روزانه یک کارگر است **۱۳.۱۲** در عبری یعنی "نجات بده" **۱۵.۱۲** منظور قوم اسرائیل است **۱۵.۱۲** زکریا ۹:۹ **۱٦.۱۲** منظور "وقتی که عیسی از مرگ زنده شد

آن را از دست خواهد داد، و هر که در این جهان از جان خود نفرت کند، آن را برای حیات جاودان حفظ خواهد کرد. ۲۶ اگر کسی مرا خدمت می‌کند، باید از من پیروی نماید، و هر جا که من هستم، خادم من نیز آنجا خواهد بود. اگر کسی مرا خدمت می‌کند، پدر او را حرمت خواهد کرد.

### پسر انسان باید بلند کرده شود

۲۷ حال، جان من مضطرب است. و چه بگویم؟ "پدر، مرا از این ساعت نجات بده"؟ امّا من به همین مقصود به این ساعت رسیده‌ام. ۲۸ پدر نام خود را جلال ده.» آنگاه صدایی از آسمان در رسید: «آن را جلال داده‌ام، و آن را باز جلال خواهم داد.» ۲۹ جماعتی که آنجا ایستاده بودند و آن صدا را شنیدند، گفتند که رعد بود. دیگران گفتند: «فرشته‌ای از آسمان با او صحبت کرد.» ۳۰ عیسی در جواب گفت: «این صدا به خاطر شما آمد، نه من. ۳۱ اکنون داوری این دنیاست، اکنون حاکم این جهان بیرون انداخته می‌شود. ۳۲ و من، زمانی که از زمین برافراشته شوم، همه مردم را به جانب خود خواهم کشید.» ۳۳ این را گفت تا نشان دهد که با چگونه مرگی قرار است بمیرد. ۳۴ پس آن جماعت پاسخ دادند: «ما از تورات شنیده‌ایم که مسیح تا به ابد خواهد ماند. چگونه می‌توانی بگویی که پسر انسان باید برافراشته شود؟ این پسر انسان کیست؟» ۳۵ آنگاه عیسی به آنها گفت: «نور تا اندک زمانی دیگر در میان شماست. در حینی که هنوز نور را دارید، راه روید، مبادا تاریکی شما را فرو گیرد. آن که در تاریکی راه می‌رود، نمی‌داند که به کجا می‌رود. ۳۶ تا نور را دارید، به نور ایمان آورید تا فرزندان نور شوید.»

### بی‌ایمانی مردم

عیسی بعد از گفتن این چیزها، از آنجا رفت و خود را از آنها پنهان نمود. ۳۷ با اینکه نشانه‌های بسیار زیادی در مقابل آنها به انجام رسانیده بود، آنها هنوز هم به او ایمان نداشتند. ۳۸ تا کلامی که توسط اشعیای نبی گفته شده بود، به حقیقت بپیوندد:

«ای خداوند، چه کسی آنچه را که از
ما شنید،
باور کرده،
و به کِه بازوی خداوند
مکشوف شده است؟»

۳۹ از این رو آنها نتوانستند ایمان آورند. زیرا باز اشعیا گفت:

۴۰ او چشمانشان را کور کرده است
و قلبشان را سخت،
مبادا با چشمان خود ببینند،
با قلب خود بفهمند و برگردند،
و من آنها را شفا دهم»

۴۱ اشعیا این چیزها را گفت، زیرا جلال او را دید و درباره او صحبت کرد. ۴۲ با این همه، بسیاری حتی از مقامات به او ایمان آوردند، ولی از ترس فریسیان آن را اقرار نکردند تا از کنیسه اخراجشان نکنند؛ ۴۳ زیرا جلالی را که از انسان می‌آید، بیشتر دوست داشتند تا جلالی را که از خدا می‌آید.

### عیسی آمد تا جهان را نجات دهد

۴۴ عیسی ندا در داد و گفت: «هر که به من ایمان آوَرَد، نه به من، بلکه به او که مرا

**۳۸.۱۲** اشعیا ۵۳: ۱ **۴۰.۱۲** اشعیا ٦: ۱۰

فرستاده است، ایمان می‌آورد. ۴۵ و هر که مرا
می‌بیند، او را که مرا فرستاده است، می‌بیند.
۴۶ من همچون نور به این جهان آمده‌ام تا
هر که به من ایمان می‌آورد، در تاریکی نماند.
۴۷ اگر کسی سخنان مرا می‌شنود و آنها را به
جا نمی‌آورد، من بر او داوری نخواهم کرد؛ زیرا
نیامدم تا جهان را داوری کنم، بلکه جهان را
نجات دهم. ۴۸ آن که مرا رد می‌کند و سخنان
مرا نمی‌پذیرد، کسی هست که بر او داور
باشد؛ کلامی که گفته‌ام، در روز آخرت او
را داوری خواهد کرد. ۴۹ زیرا که من از خود
صحبت نکرده‌ام، بلکه آن پدر که مرا فرستاد،
خود به من فرمان داده که چه بگویم و چه
صحبت کنم. ۵۰ و می‌دانم که فرمان او حیات
جاودان است. پس هر آنچه می‌گویم، همان
گونه که پدر به من گفته است، می‌گویم.»

### عیسی پاهای شاگردان را می‌شوید

۱۳ حال، پیش از عید پِسَخ، چون عیسی
دانست که ساعت او رسیده است
تا از این جهان به نزد پدر رود، کسان خود
را که در این جهان دوست می‌داشت، تا به
آخر محبت کرد. ۲ شام می‌خوردند و ابلیس
پیشتر از آن در دل یهودای اِسخَریوطی، پسر
شمعون انداخته بود که به عیسی خیانت کند.
۳ عیسی با آگاهی از اینکه پدر همه چیزها را به
دست او سپرده و از نزد خدا آمده، به جانب
او برمی‌گردد، ۴ از شام برخاست. لباس روی
خود را درآورد و حوله‌ای برداشت و آن را به
کمر خود بست. ۵ سپس آب در لگن ریخت
و شروع به شستن پاهای شاگردان نمود و با
حوله‌ای که به کمر بسته بود، آنها را خشک
کرد. ۶ به نزد شمعون پطرس رسید. او به
عیسی گفت: «آقا، تو پاهای مرا می‌شویی؟»
۷ عیسی جواب داد: «آنچه را که می‌کنم، تو
اکنون درک نمی‌کنی، لیکن بعدها درک خواهی
کرد.» ۸ پطرس به او گفت: «پاهای مرا هرگز
نخواهی شست.» عیسی در جواب به او
گفت: «اگر تو را نشویم، با من سهمی نداری.»
۹ شمعون پطرس به او گفت: «آقا، نه فقط
پاهایم، بلکه دستها و سرم را هم بشوی!»
۱۰ عیسی به او گفت: «کسی که استحمام
کرده، نیازی به شستشو ندارد، مگر پاهایش،
و گرنه کاملا پاک است. و شما پاک هستید،
لیکن نه همه شما.» ۱۱ زیرا می‌دانست که چه
کسی به او خیانت خواهد کرد؛ از این رو هم
گفت: «همه شما پاک نیستید.»
۱۲ بعد از آنکه پاهایشان را شست و لباس
روی خود را پوشید و به جای خود برگشت،
به آنها گفت: «آیا آنچه را که به شما کردم،
فهمیدید؟ ۱۳ شما مرا استاد و آقا می‌خوانید،
و حق با شماست، چونکه هستم. ۱۴ پس اگر
من، آقا و استاد شما، پاهای شما را شسته‌ام،
شما نیز باید پایهای یکدیگر را بشویید. ۱۵ زیرا
به شما نمونه‌ای داده‌ام که شما هم باید همان
گونه بکنید که من به شما کرده‌ام. ۱۶ حقیقتا،
حقیقتا، به شما می‌گویم، غلام از ارباب خود
بالاتر نیست، و نه قاصد از آن کسی او را
فرستاده است. ۱۷ اگر این چیزها را می‌دانید،
خوشا به حالتان اگر به آنها عمل کنید. ۱۸ من
درباره همه شما صحبت نمی‌کنم؛ من آنهایی
را که انتخاب کرده‌ام، می‌شناسم. لیکن کتب
مقدس باید جامه عمل بپوشد، "آنکه نان مرا
خورد، پاشنه خود را به ضدّ من بلند کرده
است." ۱۹ این را اکنون پیش از آنکه اتفاق

**۱۸.۱۳** مزمور ۴۱: ۹

افتد، به شما می‌گویم تا وقتی که واقع شد، شما ایمان آورید که من همان او هستم. ۲۰ حقیقتا، حقیقتا، به شما می‌گویم، هر کس که فرستاده مرا می‌پذیرد، مرا می‌پذیرد، و هر کس مرا می‌پذیرد، او را که مرا فرستاده، می‌پذیرد.»

### یکی از شما به من خیانت خواهد کرد

۲۱ بعد از گفتن این چیزها، عیسی در روح خود مضطرب شد و شهادت داد: «حقیقتا، حقیقتا، به شما می‌گویم، یکی از شما به من خیانت خواهد کرد.» ۲۲ شاگردان به یکدیگر نگاه کردند و مطمئن نبودند که درباره که گفت. ۲۳ یکی از شاگردانش که عیسی او را دوست می‌داشت، سر سفره به جانب عیسی تکیه زده بود. ۲٤ پس شمعون پطرس به او اشاره کرد که از عیسی بپرسد درباره چه کسی صحبت می‌کند. ۲۵ آن شاگرد نیز کمی به عقب متمایل شده به او گفت: «آقا، او کیست؟» ۲٦ عیسی جواب داد: «او همان کسی است که این تکه نان را پس از فرو بردن در کاسه به اوخواهم داد.» از این رو بعد از فرو بردن تکه نان در کاسه، آن را به یهودا پسر شمعون اِسخَریوطی داد. ۲۷ بعد از گرفتن لقمه، شیطان وارد یهودا گشت. عیسی به او گفت: «آنچه را که می‌خواهی انجام دهی، زودتر انجام بده.» ۲۸ هیچ کدام از آنها که بر سر سفره بودند، ندانستند چرا عیسی این حرف را به او زد. ۲۹ بعضی فکر کردند از آنجا که کیسه پول نزد یهودا بود، عیسی به او می‌گفت: «آنچه را که برای عید احتیاج داریم، بخر.» و یا اینکه باید چیزی به فقرا دهد. ۳۰ پس، بعد از گرفتن لقمه نان، یهودا فورا بیرون رفت. و شب بود.

### فرمانی تازه

۳۱ بعد از رفتن او، عیسی گفت: «اینک پسر انسان جلال می‌یابد و خدا در او جلال می‌یابد. ۳۲ اگر خدا در او جلال می‌یابد، خدا نیز او را در خود جلال خواهد داد و او را فورا جلال خواهد داد. ۳۳ فرزندان کوچک، کمی دیگر با شما هستم. مرا جستجو خواهید کرد و همانطور که به یهودیان گفتم، اکنون به شما نیز می‌گویم: "جایی که می‌روم، شما نمی‌توانید بیایید." ۳٤ فرمانی تازه به شما می‌دهم، اینکه یکدیگر را دوست بدارید؛ همانگونه که من شما را دوست داشتم، شما نیز باید یکدیگر را دوست بدارید. ۳۵ از این، همه مردم خواهند دانست که شما شاگردان من هستید، اگر نسبت به هم محبت داشته باشید.»

### عیسی انکار پطرس را پیشگویی می‌کند

۳٦ شمعون پطرس به او گفت: «آقا، کجا می‌روی؟» عیسی در جواب به او گفت: «جایی که می‌روم، تو اکنون نمی‌توانی از عقب من بیایی، لیکن بعدها خواهی آمد.» ۳۷ پطرس به او گفت: «آقا، چرا نمی‌توانم از عقب تو بیایم؟ من جانم را در راه تو خواهم گذاشت.» ۳۸ عیسی جواب داد: «تو جانت را در راه من خواهی گذاشت؟ حقیقتا، حقیقتا، به تو می‌گویم، تا سه مرتبه مرا انکار نکرده باشی، خروس نخواهد خواند.»

### من هستم راه، من هستم حقیقت، من هستم حیات

۱٤ «نگذارید دلتان مضطرب شود. به خدا ایمان داشته باشید؛ به من نیز ایمان داشته باشید. ۲ در خانه پدر من اتاقهای زیادی هست. اگر چنین نبود، آیا به شما

می‌گفتم که می‌روم تا جایی برایتان آماده کنم؟
۳ و اگر بروم و جایی برایتان آماده کنم، دوباره
خواهم آمد و شما را به نزد خود خواهم برد
تا در جایی که من هستم، شما نیز باشید. ٤ و
شما راهِ جایی را که می‌روم، می‌دانید.» ٥ توما به
او گفت: «آقا، جایی را که می‌روی، نمی‌دانیم.
چگونه می‌توانیم راه را بدانیم؟» ٦ عیسی به او
گفت: «من هستم، راه و حقیقت و حیات.
هیچ کس نزد پدر نمی‌آید، مگر از طریق
من. ۷ اگر مرا شناخته بودید، پدر مرا نیز
می‌شناختید. از این به بعد شما او را می‌شناسید
و او را دیده‌اید.»
۸ فیلیپُس به او گفت: «آقا، پدر را به ما
نشان بده و همین برای ما کافی است.» ۹ عیسی
به او گفت: «مدتی چنین زیاد با شما بوده‌ام،
و هنوز مرا نمی‌شناسی، فیلیپُس؟ هر که مرا
دیده، پدر را دیده است. چطور می‌توانی بگویی
"پدر را به ما نشان بده"؟ ۱۰ آیا باور نداری
که من در پدر هستم و پدر در من است؟
سخنانی که به شما می‌گویم از خود نمی‌گویم،
بلکه پدری که در من ساکن است، کارهای
خود را به انجام می‌رساند. ۱۱ مرا باور کنید که
من در پدر هستم و پدر در من است، و گرنه
به سبب خود آن کارها باور کنید.
۱۲ حقیقتا، حقیقتا، به شما می‌گویم، هر که
به من ایمان داشته باشد، او نیز کارهایی را
که من می‌کنم، خواهد کرد؛ و کارهای بزرگتر
از اینها نیز خواهد کرد، زیرا که من نزد پدر
می‌روم. ۱۳ هر چه در نام من بخواهید، این را
به جا خواهم آورد تا پدر در پسر جلال پیدا
کند. ۱٤ اگر در نام من چیزی از من بخواهید،
آن را انجام خواهم داد.

### عیسی روح‌القدس را وعده می‌دهد

۱٥ اگر مرا دوست دارید، فرامین مرا نگاه
خواهید داشت. ۱٦ و من از پدر خواهم
خواست و او به شما یک یاور دیگر خواهد
داد که تا به ابد با شما باشد؛ ۱۷ همان روح
حقیقت که جهان نمی‌تواند او را بپذیرد، زیرا
که نه او را می‌بیند و نه او را می‌شناسد. شما او
را می‌شناسید، زیرا با شما مسکن می‌گزیند و در
شما خواهد بود.
۱۸ شما را یتیم نمی‌گذارم؛ نزد شما خواهم
آمد. ۱۹ بعد از زمانی اندک جهان دیگر مرا
نخواهد دید، ولی شما مرا خواهید دید. چون
من زنده‌ام، شما نیز خواهید زیست. ۲۰ در آن
روز خواهید دانست که من در پدرم هستم و
شما در من و من در شما. ۲۱ هر که فرامین مرا
دارد و آنها را به جا می‌آورد، او همانی است که
مرا دوست می‌دارد و آن که مرا دوست می‌دارد،
پدرم او را دوست خواهد داشت و من او را
دوست خواهم داشت و خود را به او ظاهر
خواهم ساخت.» ۲۲ یهودا (نه اِسخَریوطی) به
او گفت: «آقا، چگونه است که خود را به ما
ظاهر خواهی ساخت و نه جهان؟» ۲۳ عیسی
در جواب به او گفت: «اگر کسی مرا دوست
دارد، کلام مرا نگاه خواهد داشت و پدرم او را
دوست خواهد داشت و ما نزد او آمده، با او
مسکن خواهیم گرفت. ۲٤ هر که مرا دوست
نمی‌دارد، سخنان مرا نگاه نمی‌دارد. و کلامی که
می‌شنوید، از من نیست بلکه از پدر که مرا
فرستاده است.
۲٥ این چیزها را زمانی به شما گفته‌ام
که هنوز با شما هستم. ۲٦ ولی آن یاور،
روح‌القدس، که پدر در نام من خواهد فرستاد،

**۱٦.۱٤** یا، مدافع، یا مشاور

او همه چیز را به شما تعلیم خواهد داد و تمامی آنچه را که من به شما گفته‌ام، به یاد شما خواهد آورد. ۲۷ برایتان صلح و آرامی به جا می‌گذارم؛ صلح و آرامی خود را به شما می‌دهم. نه آنگونه که جهان می‌دهد، من به شما می‌دهم. نگذارید دلتان مضطرب شود، نگذارید هم که ترسان باشد. ۲۸ شنیدید که به شما گفتم "می‌روم، و نزد شما باز خواهم آمد." اگر مرا دوست می‌داشتید، شادمان می‌شدید، زیرا که نزد پدر می‌روم، چون پدر از من بزرگتر است. ۲۹ و حال قبل از آنکه اتفاق افتد، به شما گفته‌ام تا زمانی که اتفاق می‌افتد، ایمان آورید. ۳۰ دیگر با شما زیاد صحبت نخواهم کرد، زیرا فرمانروای این جهان می‌آید. او بر من هیچ ادعا ندارد، ۳۱ لیکن من همان گونه عمل می‌کنم که که پدر مرا امر کرده است، تا جهان بداند که من پدر را دوست دارم. برخیزید، از اینجا برویم.»

### من هستم تاک حقیقی

۱۵ «من هستم تاک حقیقی و پدرم باغبان است. ۲ هر شاخه‌ای در من که میوه نیاورد، او آن را دور می‌سازد و هر شاخه که میوه می‌آورد، او آن را هَرَس می‌کند تا بیشتر میوه آورد. ۳ شما همین الآن هم به سبب کلامی که به شما گفته‌ام، پاک هستید. ۴ در من بمانید، و من در شما. همان گونه که شاخه نمی‌تواند از خود میوه آورد، مگر آنکه در تاک بماند، شما نیز نمی‌توانید، مگر آنکه در من بمانید. ۵ من هستم تاک؛ شما شاخه‌ها هستید. هر که در من می‌ماند و من در او، همان اوست که میوه بسیار می‌آورد، زیرا جدا از من چیزی نمی‌توانید بکنید. ۶ اگر کسی در من نماند، همانند شاخه‌ای به دور انداخته می‌شود و می‌خشکد و شاخه‌ها جمع می‌گردند و به آتش انداخته و سوخته می‌شوند. ۷ اگر در من بمانید و سخنان من در شما بماند، هر آنچه می‌خواهید، درخواست کنید و آن برایتان کرده خواهد شد. ۸ پدر من از این جلال می‌یابد که شما میوه بسیار آورید و به این ترتیب ثابت کنید که شاگردان من هستید. ۹ همانگونه که پدر مرا دوست داشته، من نیز شما را دوست داشته‌ام. در محبت من بمانید. ۱۰ اگر فرامین مرا نگاه دارید، در محبت من خواهید ماند، همان گونه که من فرامین پدرم را نگاه داشته‌ام و در محبت او می‌مانم. ۱۱ این چیزها را به شما گفته‌ام تا شادی من در شما باشد و شادی‌تان کامل گردد.

۱۲ این است فرمان من، که یکدیگر را دوست بدارید همان گونه که من شما را دوست داشته‌ام. ۱۳ کسی محبت بزرگتر از این ندارد که جان خود را در راه دوستان خود بدهد. ۱۴ شما دوستان من هستید اگر آنچه را که به شما امر می‌کنم، انجام دهید. ۱۵ دیگر شما را غلامان نمی‌خوانم، زیرا که غلام آنچه را که اربابش می‌کند، نمی‌داند؛ ولی من شما را دوستان خود خوانده‌ام، زیرا هر آنچه که از پدرم شنیده‌ام، شما را از آن آگاه ساخته‌ام. ۱۶ شما مرا انتخاب نکردید، بلکه من شما را انتخاب کردم و شما را تعیین کردم تا بروید و میوه آورید و اینکه، میوه شما بماند تا هر چه در نام من از پدر بخواهید، او آن را به شما عطا کند. ۱۷ این چیزها را به شما فرمان می‌دهم تا یکدیگر را دوست بدارید.

### نفرت جهان

۱۸ اگر جهان از شما نفرت کند، بدانید که پیش از شما از من نفرت داشته است. ۱۹ اگر

شما به جهان تعلق می‌داشتید، جهان شما را همانند متعلقان خود دوست می‌داشت؛ ولی از آنجا که به جهان تعلق ندارید، بلکه من شما را از جهان برگزیدم، جهان از شما نفرت دارد. ۲۰ سخنی را که به شما گفتم، به یاد آورید: "غلام از ارباب خود بزرگتر نیست." اگر آنها مرا عذاب دادند، شما را نیز عذاب خواهند داد. اگر سخن مرا نگاه داشتند، سخنان شما را نیز نگاه خواهند داشت. ۲۱ لیکن همه این چیزها را به خاطر نام من بر شما خواهند کرد، زیرا او را که مرا فرستاد، نمی‌شناسند. ۲۲ اگر نیامده بودم و با آنها سخن نگفته بودم، گناه نمی‌داشتند، ولی اکنون برای گناهانشان عذری ندارند. ۲۳ هر که از من نفرت دارد، از پدرم نیز نفرت دارد. ۲۴ اگر میان آنها کارهایی را که هیچ کس دیگر نکرد، انجام نداده بودم، گناه نمی‌داشتند. اما اکنون آنها دیده‌اند و هم از من و هم از پدرم نفرت کردند. ۲۵ لیکن کلامی که در شریعت آنان نوشته است، باید به انجام رسد: "آنها از من بی‌سبب نفرت کردند."

۲۶ اما زمانی که آن یاور آید، همان که من او را از پدر خواهم فرستاد، یعنی روح حقیقت که از پدر صادر می‌شود، او درباره من شهادت خواهد داد. ۲۷ و شما نیز شهادت خواهید داد، زیرا که از همان اول با من بوده‌اید.»

۱۶ «همه این چیزها را به شما گفتم تا شما را از لغزش حفظ کنم. ۲ شما را از کنیسه‌ها اخراج خواهند کرد. حقیقتا هم که ساعتی می‌آید که هر که شما را بکشد، فکر خواهد کرد که خدا را خدمت می‌کند. ۳ اینکارها را خواهند کرد، زیرا نه پدر را شناخته‌اند و نه مرا. ۴ ولی این چیزها را به شما گفتم که وقتی ساعت آنها فرا می‌رسد، به خاطر آورید که آنها را به شما گفتم.

## کار روح‌القدس

این چیزها را از همان اول به شما نگفتم، زیرا که با شما بودم. ۵ اما اکنون به نزد او که مرا فرستاد، می‌روم و هیچ کدام از شما از من نمی‌پرسد: "به کجا می‌روی؟" ۶ لیکن به خاطر این چیزهایی که به شما گفتم، دلتان از غم پر شده است. ۷ با این حال، حقیقت را می‌گویم، به نفع شماست که من بروم، زیرا اگر نروم، آن یاور نزد شما نخواهد آمد. ولی اگر بروم، او را نزد شما خواهم فرستاد. ۸ و زمانی که او آید، جهان را به لحاظ گناه و صالح بودن و داوری محکوم خواهد کرد؛ ۹ به لحاظ گناه، زیرا که به من ایمان نمی‌آورند. ۱۰ به لحاظ صالح بودن، زیرا که من نزد پدر می‌روم و مرا دیگر نخواهید دید. ۱۱ به لحاظ داوری، زیرا که بر فرمانروای این جهان داوری شده است.

۱۲ هنوز چیزهای زیادی دارم که به شما بگویم، ولی اکنون آنها را نمی‌توانید تحمل کنید. ۱۳ زمانی که روح حقیقت بیاید، او شما را به همه حقیقت هدایت خواهد کرد. زیرا که از خود صحبت نخواهد کرد، بلکه هر چه می‌شنود، خواهد گفت و به شما چیزهایی را که قرار است بیایند، اعلان خواهد کرد. ۱۴ او مرا جلال خواهد داد، زیرا از آنچه که به من تعلق دارد، خواهد گرفت و آن را به شما اعلان خواهد کرد. ۱۵ هر آنچه که پدر دارد، متعلق به من می‌باشد؛ از این رو گفتم که آنچه را که به من تعلق دارد، خواهد گرفت و به شما اعلان خواهد کرد.

---

**۲۵.۱۵** مزمور ۳۵: ۱۹ و ۶۹: ۴

### غم شما به شادی تبدیل خواهد شد

۱۶ پس از زمانی کوتاه، دیگر مرا نخواهید
دید؛ و باز پس از زمانی کوتاه، مرا خواهید
دید.» ۱۷ پس برخی از شاگردانش به یکدیگر
گفتند: «این چیست که به ما می‌گوید؛
"پس از زمانی کوتاه مرا نخواهید دید و
باز پس از زمانی کوتاه مرا خواهید دید"
و "زیرا که نزد پدر می‌روم"؟» ۱۸ پس به
یکدیگر می‌گفتند: «منظور او از این "زمانی
کوتاه" چیست؟ نمی‌دانیم که درباره چه چیزی
صحبت می‌کند؟» ۱۹ عیسی می‌دانست که
می‌خواهند از او سوآل کنند، از این رو به آنها
گفت: «آیا این است آنچه که در میان خود
سوآل می‌کنید که منظورم از گفتن این حرف
چه بود: "پس از زمانی کوتاه مرا نخواهید دید
و باز پس از زمانی کوتاه مرا خواهید دید"؟
۲۰ حقیقتا، حقیقتا، به شما می‌گویم، شما گریه
و ماتم خواهید کرد، ولی جهان شادی خواهد
نمود. شما غمگین خواهید بود، ولی غم شما
به شادی تبدیل خواهد شد. ۲۱ زمانی که زنی
وضع حمل می‌کند، از آنجا که ساعتش فرا
رسیده است، غم دارد، لیکن زمانی که بچه را
به دنیا آورده است، اندوه خود را دیگر به یاد
نمی‌آورد، زیرا از اینکه انسانی به این دنیا آورده،
شاد می‌باشد. ۲۲ به همان گونه شما نیز غمگین
هستید، ولی باز شما را خواهم دید و دلتان
شادمان خواهد شد و هیچ کس شادی شما
را از شما نخواهد گرفت. ۲۳ در آن روز چیزی
از من نخواهید خواست. حقیقتا، حقیقتا، به
شما می‌گویم، هر چه که از پدر به نام من
بخواهید، آن را به شما خواهد داد. ۲۴ تا به
حال چیزی در نام من نخواسته‌اید. بخواهید و
دریافت خواهید کرد تا شادی شما کامل شود.

### من بر دنیا غالب شده‌ام

۲۵ این چیزها را به تمثیل به شما گفته‌ام.
ساعتی می‌آید که دیگر با شما به تمثیل
صحبت نخواهم کرد، بلکه درباره پدر آشکارا
به شما خواهم گفت. ۲۶ در آن روز در نام
من خواهید خواست و به شما نمی‌گویم که
به جهت شما از پدر خواهم خواست؛ ۲۷ زیرا
خود پدر شما را دوست می‌دارد، چونکه مرا
دوست داشته‌اید و ایمان آورده‌اید که از نزد
خدا آمدم. ۲۸ من از نزد پدر آمدم و به این
جهان آمده‌ام، و اکنون جهان را ترک می‌کنم و
به نزد پدر می‌روم.»
۲۹ شاگردانش گفتند: «آه، حال آشکارا
صحبت می‌کنی و از تمثیل استفاده نمی‌نمایی!
۳۰ اکنون می‌دانیم که تو از همه چیز آگاهی و
نیازی نیست که کسی از تو سوآل کند؛ به
همین دلیل است که باور داریم تو از نزد خدا
آمدی.» ۳۱ عیسی در جواب به آنها گفت:
«اکنون باور می‌کنید؟ ۳۲ اینک ساعتی می‌آید و
حقیقتا هم که آمده است، ساعتی که پراکنده
خواهید شد، هر یک به خانه خود خواهید
رفت و مرا تنها خواهید گذاشت. با این حال
من تنها نیستم، زیرا که پدر با من است.
۳۳ همه این چیزها را به شما گفته‌ام تا در من
صلح و آرامی داشته باشید. در جهان زحمات
خواهید داشت. لیکن دل قوی دارید؛ من بر
جهان غالب آمده‌ام.»

### دعای عیسی در مقام کاهن اعظم

۱۷ عیسی، بعد از گفتن این سخنان،
چشمان خود را به طرف آسمان بلند
کرد و گفت: «پدر، ساعت رسیده است؛ پسر
خود را جلال ده تا پسر نیز تو را جلال دهد،
۲ زیرا که او را بر هر بشر اقتدار داده‌ای تا

به همه آنان که به او عطا کرده‌ای، حیات
جاودان بخشد. ۳ و حیات جاودان این است
که تو را، یگانه خدای حقیقی، و عیسی مسیح
را که فرستاده‌ای، بشناسند. ٤ من تو را در زمین
با انجام کاری که جهت انجام به من سپردی،
جلال دادم. ٥ و اکنون، پدر، مرا در حضور
شخص خود جلال ده، با همان جلالی که پیش
از به وجود آمدن جهان نزد تو داشتم.
٦ من نام تو را به مردمی که از این جهان به
من دادی، ظاهر ساخته‌ام. آنها از آنِ تو بودند
و تو آنها را به من دادی و آنها کلام تو را نگاه
داشته‌اند. ۷ حال می‌دانند که هر آنچه به من
داده‌ای، از جانب توست. ۸ زیرا سخنانی را که
به من بخشیدی، به آنها داده‌ام و ایشان آنها را
پذیرفته‌اند و به یقین دانسته‌اند که من از نزد
تو آمدم و ایمان آورده‌اند که تو مرا فرستادی.
۹ من برای آنها دعا می‌کنم. برای جهان دعا
نمی‌کنم، بلکه برای آنها که تو به من داده‌ای،
زیرا به تو تعلق دارند. ۱۰ هر آنچه که دارم،
از آنِ توست و هر آنچه تو داری، از آنِ من.
و من در آنها جلال می‌یابم. ۱۱ من دیگر در
جهان نیستم، ولی آنها در جهان هستند، و
من نزد تو می‌آیم. پدر مقدس، در نام خود که
به من بخشیده‌ای، آنها را حفظ کن تا آنها
نیز یک باشند، حتی به آن گونه که ما یک
هستیم. ۱۲ تا زمانی که با آنها بودم، آنها را در
نام تو که به من بخشیده‌ای، حفظ کردم. آنها
را محافظت کردم و هیچ یک از آنها هلاک
نشده، به جز فرزند هلاکت تا کتب مقدس به
انجام رسد. ۱۳ لیکن حال به نزد تو می‌آیم و این
چیزها را در جهان می‌گویم تا شادی مرا در خود
به کمال داشته باشند. ١٤ من کلام تو را به آنها
داده‌ام و جهان از آنها نفرت کرده است، زیرا
که به جهان تعلق ندارند، چنانکه من به جهان
تعلق ندارم. ۱۵ نمی‌طلبم که آنها را از جهان
ببری، بلکه آنها را از آن شریر محافظت کنی.
۱٦ آنها به جهان تعلق ندارند، درست به همان
گونه که من به جهان تعلق ندارم. ۱۷ آنها را در
حقیقت تقدیس نما؛ کلام تو حقیقت است.
۱۸ همانطور که تو مرا به جهان فرستادی، من
نیز آنها را به جهان فرستاده‌ام. ۱۹ و به خاطر
ایشان خود را تقدیس می‌کنم تا آنها نیز در
حقیقت تقدیس شوند.
۲۰ درخواست من فقط برای اینها نیست،
بلکه برای آنها هم که از طریق کلام ایشان به
من ایمان خواهند آورد. ۲۱ تا همه یک باشند،
به همانگونه که تو، ای پدر، در من هستی و
من در تو، که آنها نیز در ما باشند تا جهان
باور کند که تو مرا فرستاده‌ای. ۲۲ جلالی را
که به من بخشیده‌ای، به آنها داده‌ام تا آنها
یک گردند، حتی به آنگونه که ما یک هستیم.
۲۳ من در آنها و تو در من که آنها کاملا یک
گردند تا جهان بداند که تو مرا فرستادی و من
آنها را دوست داشتم، حتی به آنگونه که تو
مرا دوست داشتی. ۲٤ پدر، مشتاق آن هستم
که آنها نیز که تو به من داده‌ای، در جایی که
من هستم، با من باشند تا جلالی را که تو به
من داده‌ای، ببینند. زیرا که تو مرا پیش از بنیاد
جهان دوست داشتی. ۲۵ ای پدر عادل، با اینکه
جهان تو را نمی‌شناسد، من تو را می‌شناسم،
و اینها می‌دانند که تو مرا فرستاده‌ای. ۲٦ من
نام تو را به آنها شناساندم و به شناسانیدن آن
ادامه خواهم داد تا محبتی که تو به من داشتی،
در آنها باشد و من در آنها باشم.»

### خیانت به عیسی و دستگیر شدن او

۱۸ بعد از گفتن این سخنان، عیسی با
شاگردان خود به آن سوی دره قِدرون

رفت. در آنجا باغی بود. او و شاگردانش به آن وارد شدند. ۲ حال، یهودا هم که به او خیانت کرد، آن محل را می‌شناخت، زیرا عیسی با شاگردان خود اغلب در آنجا گرد می‌آمد. ۳ پس یهودا در حالی که دسته‌ای از سربازان و چند مأمور از کاهنان ارشد و فریسیان را با خود داشت، با چراغها و مشعلها و اسلحه‌ها به آنجا رفت. ٤ آنگاه عیسی، آگاه از تمامی آنچه که قرار بود بر وی اتفاق افتد، جلو آمد و به آنها گفت: «که را می‌جویید؟» ۵ آنها به او جواب دادند: «عیسای ناصری را.» عیسی به آنها گفت: «او، من هستم.» یهودا که به او خیانت کرد، با آنها ایستاده بود. ٦ وقتی عیسی به آنها گفت: «او، من هستم»، آنها به عقب کشیده، به زمین افتادند. ۷ پس دوباره از آنها پرسید: «که را می‌جویید؟» و آنها گفتند: «عیسای ناصری را.» ۸ عیسی جواب داد: «به شما گفتم که او من هستم. پس اگر مرا می‌جویید، بگذارید این مردان بروند.» ۹ این به آن جهت بود که سخنی که گفته بود، به انجام رسد: «هیچ کدام از آنها را که به من دادی، از دست ندادم.» ۱۰ آنگاه شمعون پطرس شمشیری را که داشت کشید و خادم کاهن اعظم را زد و گوش راست او را برید. نام آن خادم مالخوس بود. ۱۱ عیسی به پطرس گفت: «شمشیر خود را در نیامش بگذار؛ آیا نباید جامی را که پدر به من داده، بنوشم؟»

### عیسی در مقابل حنا و قیافا

**متّی ۲٦، مَرقُس ۱٤، لوقا ۲۲**

۱۲ پس آن دسته سرباز و فرمانده‌شان همراه با مأموران یهودیان، عیسی را دستگیر کردند و او را بستند. ۱۳ اول او را نزد حنا پدر زن قیافا که کاهن اعظم آن سال بود، بردند. ۱٤ قیافا همان بود که به یهودیان توصیه کرد مصلحت در این است که یک نفر در راه قوم بمیرد.

### پطرس عیسی را انکار می‌کند

۱۵ شمعون پطرس از پی عیسی رفت، شاگردی دیگر نیز چنین کرد، چون آن شاگرد از آشنایان کاهن اعظم بود، با عیسی به صحن کاهن اعظم داخل شد، ۱٦ ولی پطرس بیرون دم در ایستاد. آنگاه آن شاگرد دیگر که از آشنایان کاهن اعظم بود، بیرون رفت و با کنیزی که دم در دربانی می‌کرد، صحبت نمود و پطرس را به داخل آورد. ۱۷ کنیزی که دربانی می‌کرد، به پطرس گفت: «مگر تو هم یکی از شاگردان این مرد نیستی؟» او گفت: «نیستم.» ۱۸ حال خادمان و مأموران آتشی با زغال افروخته بودند، زیرا که هوا سرد بود و ایستاده بودند و خود را گرم می‌کردند. پطرس نیز با آنها ایستاده بود و خود را گرم می‌کرد.

### کاهن اعظم عیسی را به زیر سوآل می‌کشد

۱۹ پس کاهن اعظم از عیسی درباره شاگردان و تعلیمش پرسید. ۲۰ عیسی در جواب به او گفت: «من به جهان آشکارا سخن گفته‌ام. همیشه در کنیسه‌ها و در معبد که همه یهودیان در آنجا گرد می‌آیند، تعلیم داده‌ام. چیزی در خفا نگفته‌ام. ۲۱ چرا از من می‌پرسید؟ از آنها که مرا شنیده‌اند، بپرسید که به آنها چه گفتم؛ آنها آنچه را که گفتم، می‌دانند.» ۲۲ زمانی که این چیزها را گفت، یکی از مأمورانی که ایستاده بود، با دست خود عیسی را زد و گفت: «اینگونه به کاهن اعظم جواب

می‌دهی؟» ۲۳ عیسی در جواب به او گفت: «اگر آنچه که گفتم، خطاست، بر خطایم شهادت بده؛ ولی اگر آنچه که گفتم، راست است، چرا مرا می‌زنی؟» ۲۴ آنگاه حنا او را دست‌بسته به نزد کاهن اعظم قیافا فرستاد.

### پطرس باز عیسی را انکار می‌کند

۲۵ حال شمعون پطرس ایستاده و خود را گرم می‌کرد. پس به او گفتند: «مگر تو هم یکی از شاگردان او نیستی؟» او آن را انکار کرد و گفت: «نیستم.» ۲۶ یکی از خادمان کاهن اعظم که از اقوام آن مرد بود که پطرس گوشش را بریده بود، پرسید: «مگر من تو را در باغ با او ندیدم؟» ۲۷ پطرس باز آن را انکار کرد و در همان دم خروس خواند.

### عیسی در مقابل پیلاطس

**مَتّی ۲۷:۱۱–۱۸ و ۲۰–۲۳؛ مَرقُس ۱۵:۲–۱۵؛ لوقا ۲۳:۲ و ۳ و ۱۸–۲۵**

۲۸ آنگاه عیسی را از خانه قیافا به قرارگاه والی بردند. صبح زود بود. آنها خود به قرارگاه والی وارد نشدند تا نجس نشوند و بتوانند پِسَح را بخورند. ۲۹ پس پیلاطس به نزد آنها بیرون رفت و گفت: «بر علیه این مرد چه اتهامی دارید؟» ۳۰ آنها در جواب به او گفتند: «اگر این مرد به بدکاری مشغول نبود، او را به تو تسلیم نمی‌کردیم.» ۳۱ پیلاطس به آنها گفت: «خودتان او را ببرید و بر اساس شریعت خود او را داوری کنید.» یهودیان به او گفتند: «قانون به ما این اجازه را نمی‌دهد که کسی را اعدام کنیم.» ۳۲ این از آن جهت بود که سخنی که عیسی گفته بود، به انجام رسد که به چه نوع مرگی قرار است بمیرد.

### پادشاهی من از این جهان نیست

۳۳ پس پیلاطس دوباره وارد قرارگاه خود شد و عیسی را فراخواند و به او گفت: «آیا تو پادشاه یهودیان هستی؟» ۳۴ عیسی پاسخ داد: «آیا این را از خود می‌گویی، یا اینکه دیگران آن را در مورد من به تو گفتند؟» ۳۵ پیلاطس جواب داد: «مگر من یهودی‌ام؟ قوم خودت و کاهنان ارشد، تو را به من تسلیم کرده‌اند. چه کرده‌ای؟» ۳۶ عیسی پاسخ داد: «پادشاهی من از این جهان نیست. اگر پادشاهی من از این جهان می‌بود، خادمانم می‌جنگیدند تا به دست یهودیان تسلیم نکنند. ولی پادشاهی من از این جهان نیست.» ۳۷ آنگاه پیلاطس به او گفت: «پس تو پادشاه هستی؟» عیسی پاسخ داد: «تو می‌گویی که من پادشاهم. من به این هدف زاده شدم و به این مقصود به این دنیا آمده‌ام تا بر حقیقت شهادت دهم. هر که به حقیقت تعلق دارد، به صدای من گوش می‌کند.» ۳۸ پیلاطس به او گفت: «حقیقت چیست؟»

و بعد از گفتن این به بیرون، به نزد یهودیان برگشت و به آنها گفت: «من در او هیچ خطا نمی‌یابم. ۳۹ لیکن شما رسمی دارید که من باید در پِسَح مردی را برایتان آزاد کنم. حال آیا می‌خواهید که پادشاه یهودیان را برایتان آزاد سازم؟» ۴۰ آنها باز فریاد برآوردند: «این مرد را نه، بلکه باراباس را!» و باراباس یک راهزن بود.

### عیسی را تحویل می‌دهند تا مصلوب شود

۱۹ آنگاه پیلاطس عیسی را گرفته، تازیانه‌اش زد. ۲ و سربازان تاجی از خار بافتند و بر سرش گذاشتند و او را به شنلی ارغوانی آراستند. ۳ نزد او آمده، می‌گفتند:

«درود بر پادشاه یهودیان!» و او را با دستان خود می‌زدند. ۴ پیلاطس باز بیرون رفت و به آنها گفت: «ببینید، من او را به نزد شما بیرون می‌آورم تا بدانید که من در او هیچ خطا نمی‌یابم.» ۵ پس عیسی بیرون آمد، با تاجی از خار به سر و شنلی ارغوانی. پیلاطس به آنها گفت: «اینک آن مرد!» ۶ زمانی که کاهنان ارشد و مأموران او را دیدند، فریاد برآوردند: «مصلوبش کن! مصلوبش کن!» پیلاطس به آنها گفت: «خودتان او را بردارید و مصلوبش کنید، زیرا من در او هیچ خطا نمی‌یابم.» ۷ یهودیان او را جواب دادند: «ما شریعتی داریم که بر اساس آن شریعت او باید بمیرد، زیرا که خود را پسر خدا کرده است.» ۸ وقتی پیلاطس این گفته را شنید، بیشتر ترسید. ۹ دوباره وارد قرارگاه خود شد و به عیسی گفت: «از کجا هستی؟» ولی عیسی به او جوابی نداد. ۱۰ پس پیلاطس به او گفت: «با من صحبت نخواهی کرد؟ مگر نمی‌دانی که قدرت دارم آزادت کنم و قدرت دارم مصلوبت نمایم؟» ۱۱ عیسی در جواب به او گفت: «تو هیچ قدرت بر من نمی‌داشتی اگر از بالا به تو داده نشده بود، از این رو آن که مرا به تو تسلیم کرد، گناه بزرگتر دارد.»

۱۲ از آن به بعد پیلاطس به دنبال آن بود که او را آزاد کند، ولی یهودیان فریاد برآوردند: «اگر این مرد را آزاد کنی، دوست قیصر نیستی. هر که خود را پادشاه می‌نماید، با قیصر مخالف است.» ۱۳ آنگاه که پیلاطس این سخنان را شنید، عیسی را بیرون آورد و در مسند داوری در محلی به نام "سنگفرش" که به زبان آرامی "گبّاتا" گفته می‌شد، نشست. ۱۴ حال، آن روز، روز "آماده شدن برای پِسَح" بود، نزدیک به ساعت ششم. او به یهودیان گفت: «اینک، پادشاه شما!» ۱۵ آنها فریاد زدند: «از میانش بردار، از میانش بردار، مصلوبش کن!» پیلاطس به آنها گفت: «آیا پادشاهتان را مصلوب کنم؟» کاهنان ارشد جواب دادند: «پادشاهی جز قیصر نداریم.» ۱۶ پس او را به آنها تسلیم کرد تا مصلوب شود.

## مصلوب شدن عیسی

**مَتّی ۲۷:۳۳-۴۴؛ مَرقُس ۱۵:۲۲-۳۲؛ لوقا ۲۳:۳۳-۴۳**

آنها عیسی را گرفتند، ۱۷ و او در حالی که صلیب خود را به دوش می‌کشید، بیرون رفت، به جایی که به محل جمجمه موسوم بود و به آرامی جُلجُتا خوانده می‌شد. ۱۸ او را در آنجا مصلوب کردند، و با او دو نفر دیگر را در دو جانبش و عیسی در میان آنها. ۱۹ پیلاطس کتیبه‌ای هم نوشت و آن را بر صلیب گذاشت. و چنین خوانده می‌شد: «عیسی ناصری، پادشاه یهودیان.» ۲۰ بسیاری از یهودیان این کتیبه را خواندند، زیرا محلی که عیسی به صلیب کشیده شد، نزدیک شهر بود و کتیبه به آرامی، لاتین، و یونانی نوشته شده بود. ۲۱ پس کاهنان ارشد یهودیان به پیلاطس گفتند: «ننویس "پادشاه یهودیان"، بلکه به جای آن "این مرد گفت من پادشاه یهودیان هستم."» ۲۲ پیلاطس جواب داد: «هر چه نوشته‌ام، نوشته‌ام.»

۲۳ بعد از آنکه سربازان عیسی را مصلوب کردند، لباسهای او را برداشتند و آنها را بین

**۱۴.۱۹** منظور، ساعت ۱۲ ظهر است

خود به چهار قسمت تقسیم نمودند، به هر سرباز یک سهم. لباس زیر او را نیز. ولی این لباس درز نداشت و از بالا به پایین یک‌تکه بافته شده بود. ۲۴ پس به یکدیگر گفتند: «بگذارید پاره‌اش نکنیم، بلکه برایش قرعه بیندازیم تا ببینیم به چه کسی باید برسد.» این از آن جهت بود که کتب مقدس به انجام خود رسد که می‌گوید:

آنها لباسهای مرا بین خود تقسیم کردند،
و برای پوشاکم قرعه انداختند.»

پس سربازان چنین کردند. ۲۵ لیکن کنار صلیب عیسی، مادر و خواهر مادرش، مریم زن کلوپاس، و مریم مجدلیه ایستاده بودند. ۲۶ وقتی عیسی دید که مادرش و شاگردی که او دوست می‌داشت، در آن نزدیکی ایستاده، به مادرش گفت: «ای زن، اینک، پسر تو!» ۲۷ سپس به آن شاگرد گفت: «اینک، مادر تو!» و از آن ساعت آن شاگرد او را به خانه خود برد.

## مرگ عیسی

**متّی ۴۸:۲۷ و ۵۰؛ مَرقُس ۳۶:۱۵ و ۳۷؛ لوقا ۳۶:۲۳**

۲۸ بعد از این، عیسی، آگاه از اینکه اکنون همه چیز به انجام رسیده است، گفت (تا کتب مقدس تحقق یابد): «تشنه‌ام.» ۲۹ ظرفی پر از شراب ترش آنجا بود، پس اسفنجی پر از شراب ترش را بر شاخه‌ای از زوفا گذاشته نزدیک دهان او نگاهداشتند. ۳۰ وقتی که عیسی شراب ترش را چشید، گفت: «تمام شد.» و سر خود را خم کرد و روح خود را تسلیم نمود.

## پهلوی عیسی دریده می‌شود

۳۱ از آنجا که روز آماده شدن بود، و در روز سبت اجساد بر صلیب نمی‌ماند، زیرا که سبت روز بزرگی بود، یهودیان از پیلاطس خواستند تا ساق پاهایشان شکسته شود و پایینشان بیاورند. ۳۲ پس سربازان آمدند و ساقهای اولی و آن شخص دیگر را که با او مصلوب شده بود، شکستند. ۳۳ اما زمانی که به نزد عیسی آمدند و دیدند که مرده است، ساق پاهای او را نشکستند. ۳۴ لیکن یکی از سربازان با نیزه‌ای پهلوی او را درید و در دم خون و آب بیرون آمد. ۳۵ او که آن را دید، شهادت داده است - شهادت او راست است، و او می‌داند که حقیقت را می‌گوید - تا شما نیز ایمان آورید. ۳۶ زیرا این چیزها به وقوع پیوست تا کتب مقدس به انجام رسد: «هیچ یک از استخوانهایش شکسته نخواهد شد.» ۳۷ و باز در جای دیگر کتب مقدس می‌گوید: «بر آن کس که نیزه‌اش زده‌اند، خواهند نگریست.»

## عیسی دفن می‌شود.

**متّی ۵۷:۲۷–۶۱؛ مَرقُس ۴۲:۱۵–۴۷؛ لوقا ۵۰:۲۳–۵۶**

۳۸ بعد از این چیزها، یوسف از اهالی رامه که یکی از شاگردان عیسی بود، ولی در نهان، زیرا که از یهودیان ترس داشت، از پیلاطس خواست که جسد عیسی را بردارد. و پیلاطس به او اجازه داد. پس یوسف آمد و جسد او را برداشت. ۳۹ نیقودیموس هم که قبلا در شب نزد عیسی آمده بود، آمده با خود به اندازه

---

**۲۳.۱۹** در متن یونانی، منظور لباس بلندی بود که در زیر عبا پوشیده می‌شد که مستقیما با بدن تماس داشت **۲۴.۱۹** مزمور ۲۲: ۱۸ **۲۸.۱۹** مزمور ۶۹: ۲۱ **۳۶.۱۹** خروج ۱۲: ۴۶ و مزمور ۳۴: ۲۰ **۳۷.۱۹** زکریا ۱۲: ۱۰

سی‌وپنج کیلو مُر و عود آورد. ۴۰ آنگاه جسد عیسی را برداشتند و آن را به رسم تدفین یهود با عطریات در کفن پیچیدند. ۴۱ اینک، در جایی که او در آنجا مصلوب شده بود، باغی بود و در آن مقبره‌ای تازه که هنوز در آن کسی گذاشته نشده بود. ۴۲ پس به خاطر روز آماده شدن یهود، عیسی را در آنجا گذاردند، از آنجا که آن مقبره نزدیک بود.

### رستاخیز

۲۰ در روز اول هفته مریم مجدلیه صبح زود در حالی که هوا هنوز تاریک بود، به نزد مقبره آمد و دید که سنگ از برابر مقبره برداشته شده است. ۲ پس دوید و پیش شمعون پطرس و آن شاگرد دیگر که عیسی او را دوست می‌داشت، رفت و به آنها گفت: «آقایمان را از مقبره برداشته‌اند و نمی‌دانیم که کجا گذاشته‌اند.» ۳ پس پطرس با آن شاگرد دیگر بیرون آمد و به جانب مقبره می‌رفتند. ۴ هر دو با هم می‌دویدند، ولی آن شاگرد دیگر از پطرس پیش افتاد و اول به مقبره رسید. ۵ و خم شده به درون نگاه کرد. کفن را در آنجا گذاشته دید، لیکن به درون مقبره نرفت. ۶ سپس شمعون پطرس به دنبال او آمد و به مقبره داخل شد. کفن را در آنجا گذاشته دید ۷ و پارچه صورت که با آن سر عیسی را پیچیده بودند، با کفن در یکجا نبود و در محلی جداگانه گذاشته شده بود. ۸ آنگاه آن شاگرد دیگر که اول به مقبره رسیده بود، نیز به درون رفت. او دید و ایمان آورد؛ ۹ زیرا که هنوز کتب مقدس را درک نکرده بودند که او باید از مردگان زنده شود. ۱۰ پس از آن، شاگردان به خانه‌های خود برگشتند.

### عیسی به مریم مجدلیه ظاهر می‌شود

مَرقُس ۱۶:۹-۱۱

۱۱ ولی مریم در بیرون مقبره ایستاده بود و می‌گریست. همانطور که گریه می‌کرد، خم شد تا به درون مقبره نگاه کند. ۱۲ دو فرشته سفیدپوش دید که در جایی که جسد عیسی گذاشته شده بود نشسته‌اند، یکی در جای سر و دیگری در جای پاها. ۱۳ آنها به او گفتند: «ای زن، چرا گریه می‌کنی؟» او به آنها گفت: «آقای مرا برده‌اند و نمی‌دانم او را کجا گذاشته‌اند.» ۱۴ چون این را گفت، برگشت و عیسی را دید که ایستاده است، لیکن نمی‌دانست که او عیسی است. ۱۵ عیسی به او گفت: «ای زن، چرا گریه می‌کنی؟ که را می‌جویی؟» مریم به گمان اینکه باغبان است، به او گفت: «آقا، اگر او را تو برداشته‌ای، به من بگو که کجا او را گذاشته‌ای، و من او را برخواهم داشت.» ۱۶ عیسی به او گفت: «مریم.» مریم برگشت و به زبان آرامی به او گفت: «ربّونی» یعنی استاد. ۱۷ عیسی به او گفت: «به من نچسب، زیرا هنوز نزد پدر بالا نرفته‌ام؛ ولی به نزد برادرانم برو و به آنها بگو: به نزد پدر خود و پدر شما، خدای خود و خدای شما بالا می‌روم.» ۱۸ مریم مجدلیه رفت و به شاگردان اعلان کرد: «من خداوند را دیده‌ام!» - و این چیزها را به او گفته است.

### عیسی به شاگردان ظاهر می‌شود

لوقا ۲۴:۳۶-۴۳

۱۹ در شب همان روز، اولین روز هفته، آنگاه که درهای جایی که شاگردان از ترس یهودیان در آنجا بودند، قفل بود، عیسی آمد و در میان

**۳۹.۱۹** معادل ۷۵ پوند رومی. در متن یونانی، صد "لیترا" آمده که هر لیترا معادل نیم لیتر بود. **۱۶.۲۰** یا، عبرانی

آنها ایستاد و به آنها گفت: «سلام بر شما بادا!» ۲۰ بعد از گفتن این، دستها و پهلوی خود را به آنها نشان داد. شاگردان زمانی که خداوند را دیدند، شادمان گشتند. ۲۱ عیسی باز به آنها گفت: «سلام بر شما باد. همانطور که پدر مرا فرستاده است، من نیز شما را می‌فرستم.» ۲۲ و وقتی که این را گفت، بر آنها دمید و به آنها گفت: «روح‌القدس را بگیرید. ۲۳ گناهان هر که را ببخشید، بخشیده می‌شوند؛ اگر بخشش را از کسی بازدارید، بازداشته می‌شود.»

### عیسی و توما

مَرقُس ۱۴:۱۶

۲۴ حال، توما یکی از آن دوازده، که به دوقلو موسوم بود، زمانی که عیسی آمد، با آنها نبود. ۲۵ پس شاگردان دیگر به او گفتند: «ما خداوند را دیده‌ایم.» ولی او به آنها گفت: «تا زمانی که اثر میخها را در دستهایش نبینم و انگشتم را بر جای میخها نگذارم و دستم را بر پهلویش قرار ندهم، باور نخواهم کرد.»

۲۶ هشت روز بعد، شاگردانش باز در درون بودند و توما با آنها بود. با اینکه درها قفل بودند، عیسی آمد و در میان آنها ایستاد و گفت: «سلام بر شما باد.» ۲۷ سپس به توما گفت: «انگشتت را اینجا بگذار و دستهای مرا ببین؛ و دست خود را دراز کن و بر پهلویم بگذار. ناباور نباش، بلکه باور کن.» ۲۸ توما به او پاسخ داد: «خداوند من و خدای من!» ۲۹ عیسی به او گفت: «آیا از آن جهت باور کرده‌ای، زیرا که مرا دیده‌ای؟ خوشا به حال آنهایی که مرا ندیده‌اند و با اینحال باور کرده‌اند.»

### هدف این کتاب

۳۰ عیسی در حضور شاگردان نشانه‌های دیگر بسیار به انجام رسانید که در این کتاب نوشته نشده‌اند؛ ۳۱ لیکن اینها نوشته شده‌اند تا شما ایمان آورید که عیسی همان مسیح است، پسر خدا، و تا با این ایمان در نام او حیات داشته باشید.

### عیسی بر هفت شاگرد ظاهر می‌شود

۲۱ پس از این عیسی باز خود را به شاگردان در کنار دریای تیبریه ظاهر کرد و خود را به این طریق ظاهر کرد. ۲ شمعون پطرس، توما معروف به دوقلو، نَتَنائیل از قانای جلیل، پسران زِبِدی، و دو تن از شاگردان دیگر با هم بودند. ۳ شمعون پطرس به آنها گفت: «من به صید ماهی می‌روم.» آنها به او گفتند: «ما هم با تو خواهیم رفت.» آنها بیرون رفته، به قایق سوار شدند، لیکن آن شب چیزی نگرفتند.

۴ در هنگام سپیده صبح، عیسی در کنار ساحل ایستاد؛ با این حال شاگردان ندانستند که او عیسی است. ۵ عیسی به آنها گفت: «فرزندان، آیا ماهی دارید؟» در جواب به او گفتند: «نه.» ۶ عیسی به آنها گفت: «تور را در طرف راست قایق بیاندازید و مقداری خواهید یافت.» پس تور را انداختند و از فراوانی ماهی قادر نبودند آن را به درون قایق بکشند. ۷ پس شاگردی که عیسی دوستش می‌داشت، به پطرس گفت: «خداوند است!» وقتی که پطرس شنید که خداوند است، لباس روی خود را پوشید، زیرا که برای کار درآورده بود، و خود را به دریا انداخت. ۸ دیگر

**۱.۲۱** همان دریاچه جلیل است

شاگردان با قایق در حالی که تور پر از ماهی را می‌کشیدند، آمدند، زیرا که از خشکی بیش از حدود هشتاد متر دور نبودند.
۹ وقتی که به خشکی آمدند، آتشی افروخته با زغال دیدند، با ماهی بر آن گذارده، و نان. ۱۰ عیسی به آنها گفت: «مقداری از آن ماهی‌هایی را که الآن گرفتید، بیاورید.» ۱۱ پس شمعون پطرس به درون قایق رفت و تور را به ساحل کشید، پر از ماهی‌های بزرگ، به تعداد ۱۵۳ ماهی. و با اینکه زیاد بودند، تور پاره نشده بود. ۱۲ عیسی به آنها گفت: «بیایید و صبحانه بخورید.» هیچ یک از شاگردان جرأت نکرد از او بپرسد: «تو که هستی؟» آنها می‌دانستند که خداوند است. ۱۳ عیسی آمد و نان را برداشت و به آنها داد و ماهی را هم همنیطور. ۱٤ این سومین بار بود که عیسی بعد از برخاستن از مردگان خود را به شاگردان ظاهر کرد.

## عیسی و پطرس

۱۵ بعد از آنکه صبحانه را تمام کردند، عیسی به شمعون پطرس گفت: «شمعون، پسر یونا، آیا مرا بیشتر از اینها دوست داری؟» شمعون به او گفت: «بله، آقا؛ می‌دانی که من تو را دوست دارم.» عیسی به او گفت: «بره‌های مرا خوراک ده.» ۱٦ عیسی برای بار دوم به او گفت: «شمعون، پسر یونا، آیا مرا دوست داری؟» پطرس به او گفت: «بله، آقا؛ می‌دانی که من تو را دوست دارم.» عیسی به او گفت: «گوسفندان مرا شبانی کن.» ۱۷ عیسی برای بار سوم به پطرس گفت: «شمعون، پسر یونا، آیا مرا دوست داری؟» پطرس غمگین شد، زیرا بار سوم به او گفت «آیا مرا دوست می‌داری؟» پس به او گفت: «آقا، تو خود همه چیز را می‌دانی؛ می‌دانی که تو را دوست دارم.» عیسی به او گفت: «گوسفندان مرا خوراک ده. ۱۸ حقیقتا، حقیقتا، به تو می‌گویم، زمانی که جوان بودی، تو خود لباس به تن می‌کردی و هر جا می‌خواستی، می‌رفتی. ولی زمانی که پیر هستی، دستهای خود را باز خواهی کرد و دیگری تو را لباس خواهد پوشاند و تو را جایی خواهند برد که نمی‌خواهی بروی.» ۱۹ این را از آن سبب گفت که نشان دهد به چه نوع مرگی او خدا را جلال خواهد داد. و بعد از گفتن این، به او گفت: «مرا متابعت کن.»

## عیسی و رسول محبوب

۲۰ پطرس برگشت و دید که آن شاگردی که عیسی او را دوست می‌داشت، از عقبشان می‌آید، همان که بر سر سفره به جانب او خم و نزدیکتر شده بود و به او گفته بود «آقا، کیست آنکه به تو خیانت می‌کند؟» ۲۱ وقتی پطرس او را دید، به عیسی گفت: «آقا، در مورد این مرد چه؟» ۲۲ عیسی به او گفت: «اگر اراده من آن است که او تا زمانی که آیم، باقی بماند، تو را چه؟ تو مرا متابعت کن!» ۲۳ پس این سخن در میان برادران شایع شد که این شاگرد نخواهد مرد. حال آنکه عیسی به پطرس نگفت که او نخواهد مرد، بلکه «اگر اراده من آن است که او تا زمانی که آیم، باقی بماند، تو را چه؟»
۲٤ این است آن شاگردی که درباره این چیزها شهادت می‌دهد و این چیزها را نوشته است و ما می‌دانیم که شهادت او راست است.
۲۵ حال چیزهای بسیار زیاد دیگر وجود دارند که عیسی انجام داد. اگر قرار بود که یک

**۸.۲۱** در برخی ترجمه‌ها، دویست ذراع. در متن یونانی، دویست پیکوس که تقریبا ٤۵ سانتیمتر بود

به یک آنها نوشته شوند، به گمان من خود جهان گنجایش کتابهایی را که نوشته می‌شد، نمی‌داشت.

# اعمال رسولان

## نکاتی چند درباره کتاب اعمال رسولان

کتاب اعمال رسولان به نوعی جلد دوّم کتاب انجیل لوقا به شمار می‌رود. در جلد اوّل شاهد نهضتی هستیم که عیسی آن را شروع نمود و بعد از مرگ و قیام خود ادامه آن را به شاگردان خود سپرده به آسمان صعود فرمود. در کتاب اعمال شاهد آن هستیم که چگونه پیروان نخستین عیسی، تحت هدایت روح‌القدس، کاری را که مسیح به آنها سپرده بود، به انجام می‌رسانند؛ یعنی بشارت انجیل از اورشلیم به تمام یهودیه و سامره و دنیای امپراطوری روم. با توجه به اسم کتاب خواننده انتظار دارد که با خدمات شاگردان مختلف روبرو شود، ولی چنین نیست. در این کتاب ما با دو شخصیت اصلی و اعمال این دو شخصیت روبرو هستیم؛ در بخش اوّل کتاب (فصل‌های۱-۱۲) پطرس، و در بخش دوّم کتاب (فصل‌های۱۳-۲۸) پولس. در بخش نخست شاهد گسترش مسیحیت در یهودیه و سامره و سایر نقاط ایالت رومی سوریه می‌باشیم، حال آنکه بخش دوّم بیشتر به شرح گسترش مسیحیت در آسیای صغیر و یونان می‌پردازد. با توجه به مقدمه‌ای که در انجیل لوقا آمد، جای تعجب ندارد که لوقا در بخش دوّم مطالب خود جای مهمی را به دستگیری، اتهام و زندانی شدن پولُس اختصاص دهد. در هر حال یکی از اهداف مهم او ارائه دفاعیه‌ای قوی در رابطه با عدم صحت اتهام پولُس بود. این دو کتاب گرچه حاوی مطالب دقیق تاریخی است و عیسی تاریخی را با شواهدی غیرقابل انکار در مقابل چشم قرار می‌دهد، لیکن شیوه نگارش آن و غنایی که از لحاظ به کار گیری لغات در آنها وجود دارد، این دو کتاب را از نظر تاریخی به دو اثر گرانبها تبدیل می‌کند. یکی از نقاط برجسته کتاب اعمال در همان بخش آغازین کتاب است که چگونه روح‌القدس بر مؤمنین نازل می‌شود و آنها را پر کرده مکان پرستش جدید را که جمع مؤمنین و در عین حال وجود هر کدام از آنهاست، تقدیس می‌کند. و از آن به بعد به راستی هم که بیشتر با اعمال روح‌القدس روبرو هستیم تا اعمال رسولان!

### تقسیم‌بندی کلّی

۱- انتشار انجیل در سرزمین فلسطین و مناطق اطراف (فصل‌های ۱ تا ۱۲)
الف) در اورشلیم (فصل‌های ۱ تا ۷)
ب) در سامره و سایر نقاط ایالت سوریه (۱:۸ تا ۲۵:۱۲)
۲- انتشار انجیل در قپرس و آسیای صغیر و یونان (۱:۱۳ تا ۱۶:۱۲)
الف) سفر اوّل بشارتی (فصل‌های ۱۳و ۱۴)
ب) شورای اورشلیم (۱:۱۵-۳۵)
ج) سفر دوّم بشارتی (۳۶:۱۵ تا ۲۲:۱۸)
د) سفر سوّم بشارتی (۲۳:۱۸ تا ۱۶:۲۱)
۳- بازداشت پولُس در اورشلیم، محاکمهٔ او و عزیمتش به روم (۱۷:۲۱ تا ۳۱:۲۸)

### وعده روح القدس

۱ در کتاب اوّل خود، ای تِئوفیلوس، درباره
همه اموری پرداختم که عیسی به عمل
نمودن و تعلیم دادن آنها آغاز کرد، ۲ تا آن
روزی که از طریق روح‌القدس به رسولان
برگزیده خود حکمها داد و به بالا برده شد.
۳ او خویشتن را پس از رنج‌های خود، با دلایل
بسیار، بر آنان زنده نشان داده، به مدت چهل
روز بر ایشان ظاهر می‌شد و درباره پادشاهی
خدا با آنها سخن می‌گفت. ۴ و هنگامی‌که با
آنها می‌بود، به ایشان امر فرمود که از اورشلیم
جدا نشوند، بلکه منتظر آن وعده پدر باشند،
که گفت: «از من شنیده‌اید. ۵ زیرا یحیا با آب
تعمید می‌داد، امّا بعد از روزهایی کوتاه، شما با
روح‌القدس تعمید خواهید یافت.»

### صعود عیسی

۶ پس وقتی با هم گرد آمده بودند، از او
پرسیدند: «ای خداوند، آیا در این زمان است
که پادشاهی را به اسرائیل باز برقرار خواهی
کرد؟»
۷ او به ایشان گفت: «بر شما نیست که
زمانها یا فصولی را که پدر به اختیار خود مقرر
کرده است، بدانید. ۸ امّا وقتی روح‌القدس بر
شما آید، قدرت خواهید یافت و شاهدان من
خواهید بود، در اورشلیم و تمامی یهودیه و
سامِرِه و تا به انتهای زمین.»
۹ و چون این‌ها را گفت، در حالی که ایشان
نگاه می‌کردند، به بالا برده شد و ابری او را
از مقابل چشمان آنها برگرفت. ۱۰ و چون
به آسمان چشم دوخته بودند، هنگامی که
می‌رفت، ناگاه دو مردِ سفیدپوش در کنارشان
ایستادند، ۱۱ و گفتند: «ای مردان جلیلی، چرا
ایستاده به آسمان نگاه می‌کنید؟ همین عیسی
که از میان شما به آسمان بالا برده شد، باز
خواهد آمد، به همین‌گونه که دیدید به آسمان
رفت.»

### متیاس به جای یهودا انتخاب می‌شود

۱۲ آنگاه ایشان از کوه موسوم به زیتون که
نزدیک به اورشلیم و به مسافت یک روز
سبّت است، مراجعت کردند. ۱۳ و چون داخل
شدند، به بالاخانه‌ای رفتند که در آنجا پطرس
و یوحنا و یعقوب و آندریاس و فیلیپُس و
توما و بَرتولما و مَتّی و یعقوب پسر حَلفای و
شَمعون غیور و یهودا پسر یعقوب می‌ماندند.
۱۴ همه ایشان به همراه زنان و مریم مادر
عیسی و برادران او، یکدل تمامی وقت خود را
وقف دعا می‌کردند.
۱۵ در آن روزها، پطرس در میان برادران
که حدود صد و بیست نفر بودند، ایستاد و
گفت: ۱۶ «ای برادران، آن نوشته کتب مقدّس
باید انجام شود که در آن روح‌القدس به زبان
داوود درباره یهودا، که برای گرفتارکنندگانِ
عیسی راهنما شد، پیشگویی کرد. ۱۷ زیرا او یکی
از ما محسوب می‌شد و سهمی در این خدمت
داشت.»
۱۸ اینک، این مرد با پاداشِ شرارت خود
زمینی خرید و به روی درافتاد و از میان پاره شد
و همه احشایش بیرون ریخت. ۱۹ و بر همه
ساکنان اورشلیم معلوم گردید چنانکه به زبان
خود آن را 'حَقِل‌دَما'، یعنی زمین خون نامیدند.
۲۰ «زیرا در کتاب مزامیر نوشته شده است:
«"خیمه‌اش متروک گردد
و کسی در آن ساکن نشود؛"

**۱۲.۱** یهودیان مجاز بودند مسافتی حدود یک کیلومتر در روز سبّت راه بروند **۲۰.۱** مزمور ۶۹: ۲۵

و نیز:
«”منصب او را دیگری بگیرد.“
۲۱ پس می‌بایست از میان کسانی که در تمام
مدتِ آمد و رفت عیسای خداوند در میان ما،
با ما بوده‌اند، ۲۲ از زمان تعمید یحیا تا روزی
که از نزد ما بالا برده شد، یکی از این مردان با
ما شاهد رستاخیز او گردد.»
۲۳ و دو نفر را پیشنهاد کردند: یوسف را
که بَرسابا خوانده می‌شد و او را یوستوس هم
می‌نامیدند، و مَتّیاس را. ۲۴ و دعا کردند و
گفتند: «تو ای خداوند، که از قلوب همه
آگاهی. نشان بده که کدام یک از این دو را
برگزیده‌ای ۲۵ تا این خدمت و رسالت را بر
عهده گیرد، که یهودا از آن روی گردانیده، به
مکان خود رفت.» ۲۶ آنگاه قرعه انداختند و
قرعه به نام مَتّیاس افتاد، و او جزو آن یازده
رسول شد.

### آمدن روح‌القدس

۲ وقتی روز پِنتیکاست رسید، همه با هم
در یک جا جمع بودند ۲ که ناگاه صدایی
چون صدای وزش بادی شدید از آسمان آمد
و تمام خانه‌ای را که در آن نشسته بودند، پر
کرد. ۳ آنگاه، زبانه‌های منقسم چون زبانه‌های
آتش بر آنها ظاهر شد و بر هر یک از ایشان
قرار گرفت. ۴ و آنها همه از روح‌القدس پُر
گشتند و به زبانهای دیگر سخن گفتن آغاز
نمودند، به آن‌گونه که روح به ایشان قدرت
تکلّم بخشید.
۵ اینک، در آن روزها، یهودیانِ سرسپرده،
از هر ملت در زیر آسمان، در اورشلیم
ساکن می‌بودند. ۶ به سببِ این صدا، جماعتی
گرد آمدند و متحیّر بودند، زیرا هر کس،
زبان خویش را از ایشان می‌شنید. ۷ پس
متحیّر و مبهوت، می‌گفتند: «مگر همه اینها
که سخن می‌گویند، جلیلی نیستند؟ ۸ پس
چگونه هر یک از ما زبان بومی خود را
می‌شنویم؟ ۹ پارتیان و مادها و عیلامیان،
ساکنان بین‌النهرین، یهودیه و کاپادوکیه،
پونتوس و آسیا، ۱۰ فریجیه و پامفیلیه، مصر
و نواحی لیبی متصل به قیرَوان، و زائران
رومی، ۱۱ هم یهودیان و هم گروندگان به
یهود، کرِیتیان و عرب‌ها - همه را می‌شنویم
که به زبان‌های ما اعمال عظیم خدا را ذکر
می‌کنند.» ۱۲ پس همگی متحیر و گیج به
یکدیگر می‌گفتند: «این به چه معناست؟»
۱۳ امّا برخی نیز استهزاکنان گفتند: «اینان از
شراب تازه مست شده‌اند.»

### پیام پطرس

۱۴ لیکن پطرس با آن یازده برخاسته، صدای
خود را بلند کرد و خطاب به ایشان گفت: «ای
مردان یهودیه و ای ساکنان اورشلیم، بگذارید
این بر شما معلوم باشد و به سخنانم گوش
دهید. ۱۵ زیرا این مردمان، چنانکه شما تصوّر
می‌کنید مست نیستند، آز آنجا که ساعت
سوّم از روز است. ۱۶ امّا این همان است که
یوئیل نبی درباره‌اش گفته بود:
۱۷ ”خدا می‌فرماید:
در روزهای آخر چنین خواهد بود
که از روح خود
بر تمامی بشر خواهم ریخت،
پسران و دختران شما نبوّت خواهند کرد،
جوانان شما رؤیاها خواهند دید،
و پیران شما خوابها. خواهند دید؛
۱۸ و در آن روزها،

**۲۰.۱** مزمور ۱۰۹: ۸ **۱.۲** پنجاه روز بعد از عید پِسَح **۱۵.۲** ساعت نُه صبح

حتی بر غلامان و کنیزانم،
از روح خود خواهم ریخت
و آنان نبوّت خواهند کرد.
۱۹ در آسمان بالای سر، عجایب نشان
خواهم داد
و بر زمین پایین، نشانه‌ها،
خون، و آتش، و بخار دود؛
۲۰ خورشید به تاریکی و ماه به خون
متبدل خواهد شد،
پیش از آمدن روز عظیم و
پرشکوه خداوند.
۲۱ و این‌چنین خواهد شد که
هر که نام خداوند را بخواند،
نجات خواهد یافت.“

۲۲ ای مردان اسرائیل، این سخنان را بشنوید: عیسای ناصری مردی بود که از جانب خدا با معجزات و عجایب و نشانه‌ها که خدا به دست او در میان شما به جا آورد، تصدیق کرده شد، چنانکه خود می‌دانید. ۲۳ این عیسی بنا به اراده مشخص و پیشدانی خدا به شما تسلیم کرده شد و شما او را به دست بی‌شریعتان به صلیب کشیدید و کشتید. ۲۴ خدا پنجه‌های مرگ را گسسته، او را برخیزانید، زیرا محال بود مرگ بتواند او را در خود نگاه دارد. ۲۵ زیرا داوود درباره او می‌گوید:

”خداوند را
همیشه پیش روی خود دیده‌ام،
زیرا او بر دست راست من است
تا به لرزه درنیایم.
۲۶ از این رو دلم شاد شد
و زبانم خوشی کرد؛
بدنم نیز در امید ساکن خواهد بود.
۲۷ زیرا جانم را در هاویه
ترک نخواهی کرد،
و یا نخواهی گذاشت قدوس تو
فساد را ببیند.
۲۸ تو راههای حیات را
بر من معلوم داشته‌ای؛
و با حضور خود
مرا از شادی لبریز خواهی کرد.“

۲۹ ای برادران، می‌توانم با اطمینان به شما درباره داوودِ پاتریارخ بگویم که او، هم وفات یافت و هم دفن شد و مقبره‌اش نیز تا به امروز در میان ماست. ۳۰ از آنجا که او یک نبی بود و می‌دانست خدا برایش سوگند خورده است که کسی را از نسل او بر تخت وی خواهد نشانید، ۳۱ از پیش دید و درباره رستاخیز مسیح گفت که او در هاویه ترک نشد و بدن او فساد را ندید. ۳۲ خدا همین عیسی را برخیزانید و ما همه شاهد آن هستیم. ۳۳ پس چون وی به دست راست خدا بالا برده شد و از پدر، وعده روح‌القدسِ را دریافت کرده، این را که اینک می‌بینید و می‌شنوید، فرو ریخته است. ۳۴ زیرا داوود به آسمان صعود نکرد، لیکن خود می‌گوید:

”خداوند به خداوند من گفت:
’به دست راست من بنشین
۳۵ تا دشمنانت را پای انداز تو سازم.“

۳۶ پس جمیع خاندان اسرائیل یقین بدانند که خدا این عیسی را که شما مصلوب کردید، هم خداوند و هم مسیح ساخته است.»

---

**۲۱.۲** یوئیل ۲: ۲۸-۳۲ **۲۷.۲** عالم اموات یا دنیای مردگان **۲۸.۲** مزمور ۱۶: ۸-۱۱ **۲۹.۲** به معنی "بنیانگذار" یا "جدّ بزرگ" **۳۵.۲** مزمور ۱۱۰: ۱ **۳۶.۲** پادشاه و نجات دهنده‌ای که یهودیان منتظر ظهورش بودند

۳۷ اینک، وقتی آنها این را شنیدند، دلریش
گشتند و به پطرس و سایر رسولان گفتند:
«ای برادران، چه باید کنیم؟»
۳۸ پطرس به ایشان گفت: «توبه کنید و هر
یک از شما برای آمرزش گناهان خود به نام
عیسی مسیح تعمید گیرید و عطای روح‌القدس
را دریافت خواهید کرد. ۳۹ زیرا این وعده برای
شما و فرزندان شما و همه کسانی است که
دورند، یعنی هر که خداوندْ خدای ما او را
بخوانَد.»
۴۰ و با سخنانِ بسیارِ دیگر شهادت داد و
ترغیبشان کرده، گفت: «خود را از این نسل
منحرف برهانید.» ۴۱ پس آنانی‌که کلام او را
پذیرفتند، تعمید گرفتند و در آن روز حدود
سه هزار نفر به ایشان پیوستند.

### مشارکت ایمانداران

۴۲ و آنان خود را وقف تعلیم رسولان و
مشارکت ایشان، و پاره کردن نان و دعاها
کردند. ۴۳ و ترس مملو از احترام بر هر کس
مستولی شد، و عجایب و نشانه‌های بسیار
از طریق رسولان انجام می‌شد. ۴۴ و همه
ایمانداران با هم به سر می‌بردند و در همه
چیز شریک بودند. ۴۵ و املاک و اموال خود را
می‌فروختند و آنها را بر حسب نیاز هر کس بین
همه تقسیم می‌کردند. ۴۶ و هر روزه با یکدیگر
در معبد حضور می‌یافتند و در خانه‌های خود
نان را پاره می‌کردند و با خوشی و سخاوت دل با
هم غذا می‌خوردند ۴۷ و خدا را حمد می‌گفتند و
تمامی خلق، ایشان را عزیز می‌داشتند و خداوند
هر روزه نجات‌یافتگان را به جمعشان می‌افزود.

### گدای لنگ شفا می‌یابد

۳ اینک، پطرس و یوحنا در نهمین ساعت
روز که وقت دعا بود، به معبد می‌رفتند.
۲ و مردی را که لنگ مادرزاد بود، می‌آوردند و
او را هر روزه کنار آن دروازه معبد که 'دروازه
زیبا' نام داشت، می‌گذاشتند تا از مردمی که
وارد معبد می‌شدند، صدقه بخواهد. ۳ چون او
پطرس و یوحنا را دید که به معبد می‌روند، از
آنان صدقه خواست. ۴ پطرس به او خیره شد،
و یوحنا نیز. و پطرس گفت: «به ما نگاه کن.»
۵ پس بر ایشان توجه کرده، منتظر بود چیزی
از ایشان دریافت کند.
۶ امّا پطرس گفت: «نقره و طلا ندارم، امّا
آنچه دارم به تو می‌دهم. به نام عیسی مسیحِ
ناصری برخیز و راه برو!» ۷ و دست راست
او را گرفت و او را برخیزانید، و فورا پاها
و ساقهای او قوّت گرفت. ۸ و از جا پریده،
بایستاد و شروع به راه رفتن کرد، روان و جست
و خیزکنان و خدا را حمدگویان، با ایشان وارد
معبد شد. ۹ و همه مردم او را در حال راه رفتن
و حمد گفتن خدا دیدند، ۱۰ آنگاه فهمیدند
که او همان است که برای گرفتن صدقه کنار
دروازهٔ زیبای معبد می‌نشست. پس، به سبب
آنچه بر او اتفاق افتاده بود، غرق در تعجب
و حیرت شدند.

### پطرس در ایوان سلیمان صحبت می‌کند

۱۱ در همان حال که آن مرد به پطرس
و یوحنا چسبیده بود، تمام مردم، کاملا
حیرت‌زده در ایوان سلیمان به سوی ایشان
دویدند. ۱۲ و چون پطرس این را دید، ایشان
را خطاب کرد: «ای مردان اسرائیلی، چرا از

**۱.۳** ساعت سه بعد از ظهر

این امر در تعجب هستید؟ و چرا به ما خیره شده‌اید، گویی که انگار به نیرو و تقوای خود، این مرد را شفا داده‌ایم؟ ۱۳ خدای ابراهیم، خدای اسحاق، و خدای یعقوب، خدای پدران ما، خادم خود عیسی را جلال داد که شما او را تسلیم کردید و در حضور پیلاتُس او را انکار نمودید، هنگامی‌که تصمیم گرفت او را آزاد کند. ۱٤ امّا شما آن قدّوس و صالح را انکار کردید و خواستید قاتلی به شما بخشیده شود. ۱۵ شما مؤلف حیات را کشتید که خدا او را از مردگان برخیزانید و ما شاهد بر این هستیم. ۱٦ و به سبب اسم او، و ایمان به اسم او، این مرد را که می‌بینید و می‌شناسید، قوّت بخشیده است، و ایمانی که به واسطه عیساست، به این مرد در حضور همه شما این تندرستی کامل را عطا کرده است.

۱۷ و حال ای برادران، می‌دانم که عمل شما و بزرگانتان از جهل بود. ۱۸ ولی خدا آنچه را که به زبان همه پیامبران پیشگویی کرده بود، که مسیحِ او عذاب خواهد کشید، به این طریق به انجام رسانید. ۱۹ پس توبه و بازگشت کنید تا گناهانتان پاک شود، ۲۰ تا ایام تازگی از حضور خداوند برسد، و تا خدا، عیسی مسیح را که از پیش برای شما مقرر شده بود، بفرستد، ۲۱ که می‌بایست آسمان او را بپذیرد تا هر آنچه که خدا از دیرباز به زبان پیامبرانِ مقدّس خود گفت، احیا گردد. ۲۲ موسی فرمود: "خداوندْ خدا، پیامبری چون من از برادرانتان، برای شما برخواهد انگیخت. به هرآنچه به شما می‌گوید گوش فرا دهید. ۲۳ و چنان خواهد شد که هر که آن پیامبر را نشنود، از قوم منهدم خواهد شد."

۲٤ و همه پیامبران، از سموئیل و کسانی که بعد از او سخن گفتند، این روزها را اعلان کرده‌اند. ۲۵ و شما فرزندان پیامبران و آن عهدی هستید که خدا با پدرانتان بست که به ابراهیم گفت: "از نسل تو همه طوایف زمین برکت خواهند یافت." ۲٦ خدا خادم خود را برخیزانیده، نخست او را نزد شما فرستاد تا هر یک از شما را با برگردانیدن از شرارتتان برکت دهد.»

## پطرس و یوحنا در حضور شورا

٤ و چون آنان با مردم سخن می‌گفتند، کاهنان و سرنگهبانِ معبد و صَدوقیان بر سرشان ریختند، ۲ زیرا بسیار خشمگین شده از اینکه آنان به مردم تعلیم می‌دادند و در عیسی به رستاخیز از مردگان، اعلان می‌کردند. ۳ و ایشان را دستگیر کردند و چون عصر بود، تا روز بعد در حبس نگاه داشتند. ٤ امّا بسیاری از آنها که کلام را شنیدند، ایمان آوردند و شمار ایشان حدود پنج هزار رسید.

۵ روز بعد، بزرگان و مشایخ و معلمین تورات در اورشلیم گرد هم آمدند، ٦ به همراه حَنّا کاهن اعظم و قیافا و یوحنا و اسکندر و همه کسانی‌که از خانواده کهانت‌اعظم بودند. ۷ و وقتی ایشان را در میان قرار دادند، پرسیدند: «به چه قدرت و به چه نامی این کار را کردید؟»

۸ آنگاه پطرس از روح‌القدس پر شده، به ایشان گفت: «ای بزرگانِ قوم و مشایخ، ۹ اگر امروز به‌خاطر عمل نیکی که در حق این مرد

**۲۳.۳** تثنیه ۱۸: ۱۵و۱۸و۱۹ **۲۵.۳** پیدایش ۲۲: ۱۸ و ۲٦: ٤ **۱.٤** صدوقیان فرقه‌ای یهودی بودند که در دوره‌ی معبد دوم (حدود قرن دوم قبل از میلاد تا قرن اول میلادی) بسیار فعال بودند و در کنار فرقه‌های دیگری مانند فریسیان، اسن‌ها، و قانویان (ملی‌گرایان) نقش مهمی در زندگی دینی، سیاسی و اجتماعی یهودیان داشتند.

علیل انجام شد، از ما بازخواست می‌شود که
او چگونه شفا یافته است، ۱۰ پس بر همه شما
و بر همه قوم اسرائیل معلوم باشد که به نام
عیسی مسیح ناصری که شما او را مصلوب
کردید و خدا او را از مردگان برخیزانید، توسط
او، این مرد در برابرتان تندرست ایستاده
است. ۱۱ این عیسی همان سنگ است که شما
معماران آن را ردّ کردید که اینک سنگِ زاویه
شده است. ۱۲ و در هیچ‌کس جز او نجات
نیست، زیرا در میان انسانها هیچ نام دیگری
در زیر آسمان داده نشده تا ما به آن می‌بایست
نجات یابیم.»
۱۳ وقتی آنها شهامت پطرس و یوحنا را
دیدند و دانستند که افرادی آموزش‌ندیده و
عامی هستند، در شگفت شدند و دریافتند که
از همراهان عیسی بوده‌اند. ۱۴ ولی با دیدنِ
مردِ شفا یافته که در کنار ایشان ایستاده
بود، نتوانستند چیزی به مخالفت بگویند.
۱۵ اما بعد از آنکه به آنها دستور دادند
که از شورا بیرون روند، با یکدیگر مشورت
کرده، ۱۶ گفتند: «با این مردان چه کنیم؟ زیرا
نشانه‌ای آشکار به دست ایشان انجام شده
که بر همه ساکنان اورشلیم عیان است و ما
نمی‌توانیم آن را انکار کنیم. ۱۷ ولی تا چون این
امر بیشتر در میان قوم شیوع نیابد، به ایشان
اخطار کنیم که دیگر با کسی در این نام سخن
نگویند.»
۱۸ پس ایشان را خواندند و حکم کردند که
هرگز در نام عیسی سخنی نگویند و تعلیمی
ندهند. ۱۹ امّا پطرس و یوحنا پاسخ دادند:
«شما باید حکم کنیدکه کدام در نظر خدا
درست است؛ اطاعت از شما یا اطاعت از
خدا؟ ۲۰ زیرا ما نمی‌توانیم از آنچه دیده و
شنیده‌ایم، سخن نگوییم.»
۲۱ پس آنها را پس از تهدیدهای بیشتر رها
کردند، زیرا راهی برای مجازاتشان نیافتند،
چون همه مردم خدا را به‌سبب آنچه رخ داده
بود، حمد می‌گفتند. ۲۲ زیرا مردی که معجزه
شفا در او انجام شده بود، بیش از چهل سال
سن داشت.

## ایمانداران به جهت
## کسب شجاعت دعا می‌کنند

۲۳ آنها وقتی آزاد شدند، نزد دوستان خود
رفتند و آنچه را که سران کاهنان و مشایخ
به آنها گفته بودند، به ایشان اطلاع دادند.
۲۴ پس چون این را شنیدند، با هم صدای خود
را به خدا بلند کردند و گفتند: «ای خداوندِ
حاکم، که آسمان و زمین و دریا و آنچه در
آنهاست، آفریدی ۲۵ که به واسطه روح‌القدس
از زبان پدر ما، خادمت داوود، فرمودی:

«"چرا ملّتها می‌خروشند
و مردمان به‌عبث توطئه می‌کنند؟
۲۶ پادشاهان زمین خود را آماده می‌کنند
و حاکمان با هم جمع می‌شوند،
بر ضدّ خداوند
و بر ضدّ مسیح او."

۲۷ زیرا به راستی در این شهر بر ضدّ خادم
قدوس تو عیسی که تو او را مسح کردی،
هیرودیس و پُنتیوس پیلاتُس با غیریهودیان
و قوم اسرائیل با یکدیگر جمع شده بودند،
۲۸ تا آنچه را که دست و نقشه تو از پیش
مقدّر کرده بود، انجام دهند. ۲۹ پس اکنون
ای خداوند، به تهدیدهای ایشان نظر کن
و خادمان خود را عطا فرما تا کلامت را با

**۱۱.٤** یا، سنگِ سرِ زاویه **۱۱.٤** مزمور ۱۱۸: ۲ **۲٦.٤** مزمور ۲: ۱ و ۲

شهامت تمام بیان کنند، ٣٠ حال دست خود را به شفا دراز کن که به نام خادم قدّوست عیسی، نشانه‌ها و معجزات جاری شوند.»
٣١ و چون ایشان دعا کرده بودند، مکانی که در آن جمع بودند، تکان خورد و همه از روح‌القدس پر شدند و کلام خدا را با شهامت بیان می‌کردند.

### آنها در همه چیز شریک بودند

٣٢ اینک، همه آنها که ایمان آورده بودند، یک دل و یک جان بودند، و هیچ‌کس آنچه را که داشت، از آنِ خود نمی‌دانست، بلکه در همه چیز با هم شریک بودند. ٣٣ و رسولان با قوّتی عظیم به رستاخیز خداوندْ عیسی شهادت می‌دادند و فیضی عظیم بر همه ایشان بود. ٣٤ هیچ‌کس در میان آنها محتاج نبود، بسیاری که زمین‌ها و خانه‌ها داشتند، آنها را فروخته، مبلغ فروش را آوردند ٣٥ و پیش پای رسولان گذاشتند تا بر حسب نیازِ هر کس تقسیم شود. ٣٦ از این رو یوسف که رسولان او را برنابا یعنی پسرِ تشویق نیز می‌خواندند، و یک لاوی و اهل قپرس بود، ٣٧ مزرعه‌ای را که داشت، فروخت و مبلغ آن را آورد و پیش پای رسولان گذاشت.

### حَنانیا و سَفیره

٥ امّا شخصی حَنانیا نام با همسرش سَفیره مِلکی را فروخت ٢ و با اطلاعِ زنش قدری از مبلغ آن را برای خود نگاه داشت و مابقی را آورده، پیش پای رسولان نهاد. ٣ لیکن پطرس گفت: «ای حَنانیا، چرا شیطان دلت را پر ساخت که به روح‌القدس دروغ بگویی و مقداری از مبلغ زمین را برای خود نگاه داری؟ ٤ مگر پیش از فروش از آنِ تو نبود؟ و پس از فروش نیز در اختیارت نبود؟ چرا این عمل را در دل خود تدبیر کردی؟ تو به انسان دروغ نگفتی، بلکه به خدا.»
٥ چون حَنانیا این سخنان را شنید، بر زمین افتاد و جان سپرد. پس ترسی عظیم بر همه آنان که این را شنیدند، مستولی شد. ٦ جوانان برخاستند و او را در کفن پیچیدند و بیرون بردند و دفنش کردند.
٧ نزدیک سه ساعت بعد، زنِ او بی‌خبر از ماجرا وارد شد. ٨ پطرس به او گفت: «مرا بگو که آیا زمین را به همین قیمت فروختید؟»
او گفت: «بله، به همین قیمت.»
٩ امّا پطرس به او گفت: «چرا با یکدیگر تبانی کردید تا روح خداوند را بیازمایید؟ اینک پاهای آنانی که شوهرت را دفن کردند بر در است و تو را نیز بیرون خواهند برد.»
١٠ بی‌درنگ، او پیش پاهای وی افتاد و جان سپرد. وقتی جوانان داخل شدند، او را مرده یافتند و او را بیرون برده، در کنار شوهرش دفن کردند. ١١ و ترسی عظیم بر تمامی کلیسا و همه آنان که این را شنیدند، مستولی شد.

### نشانه‌ها و معجزات بسیار

١٢ نشانه‌ها و معجزات بسیار به دست رسولان در میان قوم به ظهور می‌رسید و ایمانداران همه با هم به یکدل در ایوان سلیمان می‌بودند. ١٣ از دیگران کسی جرأت نمی‌کرد به آنها ملحق شود، لیکن مردم ایشان را بسیار محترم می‌داشتند. ١٤ و بیش از هر زمانی مؤمنان به خداوند اضافه می‌شدند، انبوه کثیری از مردان و زنان، ١٥ تا جایی که حتی بیماران را به کوچه‌ها بیرون می‌آوردند و بر تخت‌ها و تشک‌ها می‌خواباندند تا چون پطرس از آنجا می‌گذرد، لااقل سایه‌اش بر برخی

از آنان بیافتد. [۱۶] مردم نیز از شهرهای اطراف اورشلیم می‌آمدند و بیماران و آنهایی را که ارواح پلید ذلیلشان کرده بود، می‌آوردند، و همه شفا می‌یافتند.

## رسولان دستگیر می‌شوند و آزاد می‌گردند

[۱۷] امّا کاهن اعظم و همه همراهانش که از فرقه صَدوقی بودند، برخاستند و از حسادت پُر شده، [۱۸] رسولان را دستگیر کردند و به زندان عمومی انداختند. [۱۹] شب‌هنگام، فرشته خداوند درهای زندان را گشود و ایشان را بیرون آورد و گفت: [۲۰] «بروید و در معبد بایستید و کلماتِ این حیات را به مردم بگویید.»

[۲۱] پس چون این را شنیدند، سحرگاهان به معبد داخل شدند و به تعلیم مردم شروع کردند.

حال، وقتی کاهن اعظم و همراهانش آمدند، اهل شورا و تمامی مشایخ اسرائیل را خواندند و کسانی را به زندان فرستادند تا ایشان را بیاورند. [۲۲] امّا چون مأموران آمدند، ایشان را در زندان نیافتند. پس برگشتند و خبر دادند که [۲۳] «درهای زندان محکم بسته بود و نگهبانان نیز مقابل درها ایستاده بودند، ولی چون درها را باز کردیم، هیچ‌کس را در آن نیافتیم.» [۲٤] سرنگهبانِ معبد و سران کاهنان وقتی این سخنان را شنیدند، درباره ایشان شدیدا در حیرت افتادند و شگفت زده که «عاقبت این کار چه خواهد شد؟»

[۲۵] و کسی آمد و به آنها خبر داده، گفت: «مردانی را که در زندان انداختید، در معبد ایستاده‌اند و مردم را تعلیم می‌دهند.» [۲۶] آنگاه سرنگهبان با مأموران رفتند و ایشان را آوردند، لیکن نه به زور، زیرا می‌ترسیدند که مردم سنگسارشان کنند.

[۲۷] و چون ایشان را آورده، در برابر شورا به پا داشتند. آنگاه کاهن اعظم از ایشان پرسیده، [۲۸] گفت: «ما شما را اکیدا قدغن کردیم که دیگر به این نام تعلیم ندهید. با این حال، شما اورشلیم را با تعلیم خود پر ساخته‌اید و قصد دارید خون این مرد را به گردن ما بیندازید.»

[۲۹] امّا پطرس و رسولان پاسخ دادند: «باید خدا را بیش از انسانها اطاعت کنیم. [۳۰] خدای پدران ما، آن عیسی را که شما بر درخت آویخته کشتید، برخیزانید. [۳۱] خدا او را به دست راست خود بالا برده، سرور و نجات‌دهنده ساخت تا اسرائیل را توبه و آمرزش گناهان بخشد. [۳۲] و ما شاهدان این چیزها هستیم، چنانکه روح‌القدس نیز هست که خدا او را به مطیعان خود عطا کرده است.»

[۳۳] وقتی این سخنان را شنیدند غضبناک گشتند و خواستند ایشان را بکشند. [۳٤] امّا شخصی فَریسی در شورا، به نام گامالائیل، که معلّم شریعت بود و مورد احترام همه مردم، برخاست و دستور داد که رسولان را چند لحظه بیرون برند. [۳۵] آنگاه به ایشان گفت: «ای مردان اسرائیل، مواظب باشید که با این اشخاص چه می‌خواهید بکنید. [۳۶] زیرا قبل از این روزها، تِئوداس نامی برخاست که ادعا می‌کرد کسی باشد، و حدود چهارصد نفر به وی پیوستند. او کشته شد و همه پیروانش پراکنده گشتند و نیست شدند. [۳۷] پس از او، یهودای جلیلی در روزهای سرشماری قیام کرد و عده‌ای را به دنبال خود کشید. او نیز هلاک

**۳۰.۵** منظور "به صلیب کشیده کشتید"

شد و همه پیروانش پراکنده شدند. ۳۸ پس در این امر به شما می‌گویم که دست از این افراد بردارید و آنان را واگذارید، زیرا اگر رای و عملشان از انسان باشد، تباه خواهد شد. ۳۹ امّا اگر از خدا باشد، نمی‌توانید آنان را از میان بردارید. و حتی ممکن است که با خدا منازعه کرده باشید!» پس نصیحت او را پذیرفتند،

۴۰ و بعد از آنکه رسولان را خوانده، ایشان را تازیانه زدند و قدغن نمودند که دیگر به نام عیسی سخنی نگویند، گذاشتند که بروند.

۴۱ آنگاه ایشان از حضور اهل شورا شادی‌کنان بیرون رفتند، زیرا شایسته آن شمرده شدند که به‌خاطر آن نام بی‌حرمتی بینند. ۴۲ و هر روزه، در معبد و خانه به خانه، از تعلیم و بشارت اینکه عیسی، مسیح است، دست نکشیدند.

## هفت نفر برای خدمت

۶ حال در آن ایام که شمار شاگردان زیاد می‌شد، هلنیستیان از عبرانیان شکایت کردند که بیوه‌زنانِ ایشان از جیره روزانه بی‌بهره می‌مانند. ۲ و آن دوازده، جماعتِ شاگردان را خواندند و گفتند: «شایسته نیست که ما وعظ کلام خدا را ترک کرده، به خدمت غذا دادن بپردازیم. ۳ پس ای برادران، از میان خود هفت نفر نیک‌نام و پر از روح و حکمت را انتخاب کنید تا آنان را بر این کار بگماریم. ۴ امّا ما خود را وقف دعا و خدمت کلام خواهیم کرد.»

۵ پس همه جماعت به این سخن راضی شدند و استیفان، مردی پر از ایمان و روح‌القدس، و فیلیپُس و پروخُروس و نیکانور و تیمون و پَرمیناس و نیکولائوس را که از یهودی‌شدگان آنطاکیه بود، برگزیدند. ۶ ایشان را نزد رسولان بر پا داشتند و آنان دعا کردند و دست بر ایشان گذاشتند.

۷ و رشد کلام خدا ادامه یافت و شمار شاگردان در اورشلیم به‌سرعت فزونی گرفت و جمعی کثیر از کاهنان مطیع ایمان شدند.

## استیفان دستگیر می‌شود

۸ و استیفان پر از فیض و قدرت بود و معجزات و نشانه‌های عظیم در میان مردم به ظهور می‌آورد. ۹ آنگاه تنی چند از اعضای کنیسه‌ای موسوم به 'کنیسهٔ آزاد شدگان'، که از قیروان و اسکندریه و از اهالی کیلیکیه و آسیا بودند، با استیفان به مباحثه برخاستند. ۱۰ ولی در برابر حکمت و روحی که وی با آن سخن می‌گفت، یارای مقاومت نداشتند. ۱۱ پس تنی چند را مخفیانه برانگیختند تا بگویند: «ما شنیدیم که او به موسی و خدا سخنان کفرآمیز می‌گفت.»

۱۲ پس آنها مردم و مشایخ و معلمین تورات را شورانیدند و بر سر او ریختند و او را گرفتند و به حضور شورا بردند. ۱۳ و شهودی دروغین آوردند که می‌گفتند: «این شخص از سخن‌گفتن برضد این مکان مقدّس و شریعت هرگز بازنمی‌ایستد. ۱۴ زیرا شنیدیم که او می‌گفت این عیسای ناصری این مکان را ویران خواهد کرد و رسومی را که موسی به ما سپرده است، تغییر خواهد داد.» ۱۵ و همه حاضرانِ در شورا به استیفان چشم دوختند و چهره او را چون چهره یک فرشته دیدند.

**سخنرانی استیفان**

۷ کاهن اعظم گفت: «آیا اینها صحت دارد؟»
۲ و استیفان گفت: «ای برادران و ای پدران، مرا بشنوید. خدای جلال، زمانی که پدر ما ابراهیم در بین‌النهرین بود، قبل از سکونتش در حَران، بر او ظاهر شد، ۳ و به او گفت: "از سرزمین خود و از خویشان خود بیرون شو و به سرزمینی که به تو نشان خواهم داد، برو."
۴ «آنگاه، از سرزمین کلدانیان عزیمت کرد و در حَران ساکن شد. پس از مرگِ پدرش، خدا او را به این سرزمین که شما امروز در آن ساکن هستید، هدایت کرد. ۵ با این حال، او را در آن حتی وجبی به میراث نبخشید، ولی وعده داد که آن را به او و به نسل پس از او به ملکیت بدهد، گرچه هنوز فرزندی نداشت. ۶ و خدا بدین معنا گفت که نسل او در سرزمینی که به دیگران تعلق دارد، غریب خواهند بود و آنها، ایشان را به بندگی کشیده، چهارصد سال بر ایشان ظلم خواهند کرد." ۷ خدا گفت: "لیکن من بر آن قوم که ایشان بندگی آنها را می‌کنند، داوری خواهم کرد، و پس از آن، ایشان بیرون می‌آیند و مرا در این مکان عبادت خواهند کرد." ۸ و او عهد ختنه را به وی داد. پس ابراهیم پدر اسحاق شد و او را در روز هشتم ختنه کرد و اسحاق پدر یعقوب، و یعقوب پدر دوازده پاتریارخ.
۹ امّا پاتریارخها به یوسف حسادت کرده، او را به مصر فروختند. ولی خدا با او بود ۱۰ و او را از همه رنج‌هایش رهانید و در نزد فرعون پادشاه مصر، لطف و حکمت بخشید تا او را فرمانروا بر مصر و بر همه خاندان خود ساخت.
۱۱ حال، قحطی و مصیبتی عظیم بر سراسر مصر و کنعان عارض شد و پدران ما خوراک نیافتند. ۱۲ لیکن یعقوب چون شنید که در مصر غلّه یافت می‌شود، پدران ما را در اولّین سفرشان به آنجا فرستاد. ۱۳ و در دوّمین سفر، یوسف خود را به برادرانش شناسانید و خانواده یوسف بر فرعون معلوم شد. ۱۴ و یوسف فرستاد و پدر خود یعقوب و همه خانواده‌اش را که هفتاد و پنج نفر بودند، به آنجا فرا خواند. ۱۵ و یعقوب به مصر آمده، او و پدران ما وفات یافتند. ۱۶ و آنان را به شِکیم بردند و در مقبره‌ای که ابراهیم به بهای نقره از پسران حَمور در شِکیم خریده بود، به خاک سپردند.
۱۷ لیکن چون زمان وعده خدا به ابراهیم نزدیک می‌شد، شمار قوم در مصر رشد کردند و افزون گردیدند، ۱۸ تا اینکه پادشاهی دیگر در مصر برخاست که یوسف را نمی‌شناخت. ۱۹ او با نژاد ما به نیرنگ رفتار کرد و پدران ما را وا داشت که نوزادان خویش را بیرون اندازند تا زنده باقی نمانند.
۲۰ در این زمان موسی متولّد شد؛ او در نظر خدا طفلی بسیار زیبا بود. او سه ماه در خانه پدرش پرورش یافت، ۲۱ و وقتی بیرون انداخته شد، دختر فرعون او را برداشت و چون فرزند خود بزرگ کرد. ۲۲ و موسی به جمیع حکمت مصریان تربیت یافت و در گفتار و کردار توانا شد.
۲۳ وقتی چهل ساله شد، به فکرش رسید که برادران خود، فرزندان اسرائیل را ملاقات کند.

**۳.۷** پیدایش ۱۲: ۱ **۷.۷** پیدایش ۱۵: ۱۳ و ۱۴

۲۴ وقتی دید یکی از آنان تحت ظلم واقع شده،
به دفاع از مظلوم برخاست و با کشتن آن
مصری، انتقام او را کشید. ۲۵ او گمان کرد
برادرانش خواهند فهمید که خدا می‌خواهد
به دست او ایشان را نجات بخشد، امّا آنان
نفهمیدند. ۲۶ و روز بعد، به دو نفر برخورد که
نزاع می‌کردند، و به قصد آشتی‌دادنشان گفت:
"ای مردان، شما برادرید، چرا بر یکدیگر ظلم
می‌کنید؟"
۲۷ ولی آن که بر همسایه خویش ظلم
می‌کرد، او را کنار زده، گفت: "چه کسی
تو را بر ما حاکم و داور ساخته است؟
۲۸ آیا می‌خواهی مرا بکشی، چنان‌که دیروز آن
مصری را کشتی؟" ۲۹ چون موسی این را شنید،
گریخت و در سرزمین مِدیان غربت گزید و در
آنجا صاحب دو پسر شد.
۳۰ اینک، وقتی چهل سال گذشت، در بیابانِ
کوه سینا، فرشته‌ای در شعله آتش در بوته‌ای
به او ظاهر شد. ۳۱ وقتی موسی آن را دید،
از آن منظره حیرت کرد و چون نزدیک شد
تا ببیند، خطابی از خداوند به وی رسید که:
۳۲ "من هستم خدای پدرانت، خدای ابراهیم
و اسحاق و یعقوب." آنگاه موسی به لرزه افتاد
و جرأت نکرد که نگاه کند.
۳۳ سپس خداوند به او گفت: "کفش را
از پاهایت بیرون کن، زیرا جایی که بر آن
ایستاده‌ای، زمین مقدّس است. ۳۴ به یقین
مصیبت قومِ مرا در مصر دیده‌ام و ناله آنها
را شنیده‌ام، و نزول کرده‌ام تا ایشان را برهانم.
اکنون بیا تا تو را به مصر بفرستم."
۳۵ همین موسی را که آنها نپذیرفتند و
گفتند: "چه کسی تو را بر ما حاکم و داور
ساخته است؟"- این مرد را خدا فرستاد تا
به دست فرشته‌ای که در بوته بر وی ظاهر
شد، حاکم و رهاننده آنان باشد. ۳۶ این مرد با
انجام معجزات و نشانه‌ها به مدّت چهل سال
در مصر و دریای سرخ و در بیابان، ایشان را
هدایت کرده بیرون آورد.
۳۷ همین موسی است که به بنی‌اسرائیل
گفت: "خدا از میان برادران شما، پیامبری
چون من برای شما خواهد فرستاد." ۳۸ این
همان است که در جماعتِ در بیابان بود با
فرشته‌ای که در کوه سینا با او و با پدران ما
سخن گفت. او کلام زنده را دریافت کرد تا به
ما بدهد.
۳۹ پدران ما از اطاعت او سر باز زده،
ردّش کردند و در دلهای خود به سوی مصر
روی گرداندند. ۴۰ به هارون گفتند: "برای
ما خدایان بساز تا پیش روی ما بروند، زیرا
نمی‌دانیم این موسی که ما را از سرزمین مصر
بیرون آورد، او را چه شده است!" ۴۱ و در آن
روزها گوساله‌ای ساختند و به آن بُت، قربانی
تقدیم کردند و بر صنعت دست خویش شادی
می‌کردند. ۴۲ لیکن خدا رو گردانید و ایشان را
واگذاشت تا لشکر آسمان را بپرستند؛ چنانکه
در کتاب پیامبران نوشته شده است:

«"ای خاندان اسرائیل، مگر در آن چهل
سال در بیابان،
برای من قربانی‌ها و هدایا آوردید؟
۴۳ شما خیمه مُلوک و ستاره خدای خود،
رِفان را برداشتید،
و تمثالهایی را که برای پرستش ساختید؛
و من شما را به آن سوی بابِل تبعید
خواهم کرد."

**۲۸.۷** خروج ۲: ۱۴ **۳۰.۷** خروج ۳: ۲ **۳۲.۷** خروج ۳: ۶ **۳۴.۷** خروج ۳: ۵ و ۷ و ۸ و ۱۰ **۳۷.۷** تثنیه ۱۸: ۱۵ **۴۰.۷** خروج ۳۲: ۱ **۴۳.۷** عاموس ۵: ۲۵-۲۷

۴۴ پدران ما خیمه شهادت را در بیابان با
خود داشتند، چنانکه به موسی گفته، امر کرده
بود که خیمه‌ای مطابقِ نمونه‌ای که دیده بود،
بسازد. ۴۵ پدران ما آن را به همراه یوشَع با خود
آوردند هنگامی‌که ملتهایی را که خدا پیش روی
پدرانمان بیرون رانده بود، به تصرّف درآوردند و
تا زمان داوود در آنجا ماند. ۴۶ که داوود مورد
لطف خدا قرار گرفت و خواست که مسکنی
برای خدای یعقوب فراهم آورد. ۴۷ امّا سلیمان
بود که برای او خانه‌ای ساخت.
۴۸ با اینحال آن متعال در خانه‌های ساخته
به دست ساکن نمی‌شود، چنانکه نبی می‌گوید:
۴۹ "خداوند می‌فرماید:
'آسمان تخت من است و زمین پای
انداز من.
چه خانه‌ای برای من بنا می‌کنید،
و مکان آرمیدنم کجاست؟
۵۰ مگر دست من این همه را نساخته
است؟'"
۵۱ شما قوم گردنکش، نامختونانِ در دل و
گوشها، شما پیوسته با روح القدس مقاومت
می‌کنید. چنانکه پدرانتان کردند، شما نیز
می‌کنید. ۵۲ پدران شما کدام یک از پیامبران را
جفا نکردند؟ و آنها، آنانی را کشتند که آمدنِ
آن صالح را پیشگویی کرده بودند، که شما حال
او را تسلیم کرده و کشته‌اید، ۵۳ شمایی که
شریعت را به واسطه فرشتگان دریافت کردید
و آنرا حفظ نکردید.»

### سنگسار شدن استیفان

۵۴ حال، وقتی این سخنان را شنیدند،
غضبناک گشتند و بر او دندانهای خود را به
هم فشردند. ۵۵ امّا او، پر از روح‌القدس، به
آسمان چشم دوخت و جلال خدا را دید، و
عیسی را که بر دست راست خدا ایستاده. ۵۶ و
گفت: «اینک آسمان را گشوده و پسر انسان
را بر دست راست خدا ایستاده می‌بینم.»
۵۷ آنگاه به صدای بلند فریاد زدند و
گوشهای خود را گرفتند و همگی به او حمله
کردند. ۵۸ سپس او را از شهر بیرون بردند و
سنگسارش کردند. و شاهدان لباس‌های خود
را نزد پاهای جوانی سولُس نام گذاشتند.
۵۹ و چون استیفان را سنگسار می‌کردند، او
دعا کرده، گفت: «ای عیسای خداوند، روح
مرا بپذیر.» ۶۰ سپس به زانو افتاده، به صدای
بلند ندا در داد: «ای خداوند، این گناه را بر
ایشان نگیر.» و وقتی این را گفت، خوابید.

### سولس بر کلیسا جفا می‌رساند

۸ و سولُس به قتل او راضی بود.
و در آن زمان، جفایی عظیم بر کلیسای
اورشلیم عارض شد، و همه به جز رسولان، به
نواحی یهودیه و سامِرِه پراکنده شدند. ۲ مردان
متدیّن استیفان را به خاک سپردند و برای او
سوگواری عظیمی برپا داشتند. ۳ امّا سولُس بر
کلیسا جفا می‌رسانید و خانه به خانه رفته،
مردان و زنان را بیرون می‌کشید و به زندان
می‌انداخت.

### فیلیپُس در سامِرِه به مسیح بشارت می‌دهد

۴ اینک، آنانی که پراکنده شده بودند، هر
جا که می‌رسیدند، به کلام بشارت می‌دادند.
۵ فیلیپُس به شهر سامِرِه رفت و مسیح را به
ایشان موعظه کرد. ۶ و جماعات وقتی سخنان
فیلیپُس را شنیدند و نشانه‌هایی را که به انجام
می‌رسانید، دیدند، به یکدل به آنچه می‌گفت

**۵۰.۷** اشعیا ۶۶: ۱ و ۲

گوش فرا دادند. ۷ زیرا ارواح پلید نعره‌زنان از بسیاری که به آنها گرفتار بودند، بیرون آمدند و بسیاری از مفلوجان و لنگان شفا یافتند. ۸ پس شادی عظیمی در آن شهر رخ نمود.

## شَمعون سحرباز ایمان می‌آورد

۹ امّا در آنجا مردی بود به نام شَمعون که قبل از آن در شهر با سحربازی مردم سامره را شگفت زده می‌کرد و ادعا داشت که گویا کسی است. ۱۰ همه از خُرد و بزرگ، به او گوش داده، می‌گفتند: «این مرد آن قدرت عظیم خداست.» ۱۱ و آنها به او گوش می‌دادند، زیرا سالهای زیادی با جادوگری‌اش آنان را در شگفت نگه می‌داشت. ۱۲ امّا وقتی به بشارت فیلیپُس درباره پادشاهی خدا و نام عیسی مسیح ایمان آوردند، مردان و زنان تعمید یافتند. ۱۳ حتی خود شَمعون نیز ایمان آورد و پس از تعمید یافتن پیوسته با فیلیپُس می‌بود و از دیدن نشانه‌ها و معجزات عظیم که به ظهور می‌رسید، در حیرت بود.

۱۴ حال، چون رسولان در اورشلیم شنیدند که سامِریان کلام خدا را پذیرفته‌اند، پطرس و یوحنا را نزد آنان فرستادند. ۱۵ و آنها آمدند و برای ایشان دعا کردند تا روح‌القدس را بیابند، ۱۶ زیرا هنوز بر هیچ‌یک از ایشان نازل نشده بود، بلکه فقط به نام عیسای خداوند تعمید یافته بودند. ۱۷ آنگاه دستهای خود را بر آنها گذاشتند و ایشان روح‌القدس را یافتند.

۱۸ اینک، وقتی شَمعون دید که با دست گذاردن رسولان روح‌القدس عطا می‌شود، مبلغی پیش ایشان آورده، ۱۹ گفت: «به من نیز این قدرت را بدهید تا بر هر که دست بگذارم، روح‌القدس را بیابد.»

۲۰ امّا پطرس به او گفت: «زَرَت با تو هلاک باد، زیرا پنداشتی که عطای خدا را می‌توانی با پول به دست آوری! ۲۱ تو در این امر نه قسمتی داری و نه سهمی، زیرا دلت در حضور خدا راست نیست. ۲۲ پس، از این شرارتِ خود توبه کن و از خداوند بخواه که اگر ممکن است، نیّت دل تو بخشیده شود. ۲۳ زیرا می‌بینم که در زَهر تلخی اسیر و در قیدِ شرارت گرفتاری.»

۲۴ و شَمعون پاسخ داد: «شما برای من به خداوند دعا کنید تا آنچه گفتید بر سرم نیاید.»

۲۵ اینک، ایشان پس از شهادت دادن و اعلان کلام خداوند، به اورشلیم بازگشتند و در بسیاری از دهات سامِریان بشارت دادند.

## فیلیپُس و خواجه‌سرای حَبَشی

۲۶ حال فرشتهٔ خداوند به فیلیپُس گفت: «برخیز و به سمت جنوب به آن راهی که از اورشلیم به غزه می‌رود که راه بیابانی است، برو.» ۲۷ پس او برخاست و روانه شد، و در راه به خواجه‌سرایی حَبَشی برخورد که از بزرگان دربار ’کَنداکِه‘ ملکهٔ حَبَشه و خزانه‌دار او بود، و برای عبادت به اورشلیم آمده بود. ۲۸ و در بازگشت بر ارابه خویش نشسته بود و کتاب اِشعیای نبی را می‌خواند. ۲۹ و روح به فیلیپُس گفت: «نزدیک برو و با آن ارابه همراه شو.»

۳۰ پس فیلیپُس به سوی او دوید و شنید که کتاب اِشعیای نبی را می‌خواند و پرسید: «آیا می‌فهمی چه می‌خوانی؟»

۳۱ و او گفت: «چگونه می‌توانم؟ مگر کسی رهنمایی‌ام کند.» پس از فیلیپُس خواهش کرد سوار شود و با او بنشیند. ۳۲ و بخشی که از کتب مقدّس می‌خواند، این بود:

«همچون یک گوسفند برای ذبح
برده شد،
و همچون یک بره نزد پشم‌چینش
ساکت،
همچنان او دهان خود را نگشود.
۳۳ در حقارتش، انصاف از او
دریغ شد.
چه کسی نسل او را می‌تواند توصیف
کند؟
زیرا حیات او از روی زمین منقطع
گردید.»
۳۴ خواجه‌سرا به فیلیپُس گفت: «از تو
می‌پرسم، آیا نبی این را درباره خود می‌گوید، یا
درباره شخصی دیگر؟» ۳۵ آنگاه فیلیپُس دهان
خود را گشود و از همین بخش کتب مقدّس
شروع کرده، درباره عیسی به او بشارت داد.
۳۶ و چون در راه پیش می‌رفتند، به آبی
رسیدند، خواجه‌سرا گفت: «نگاه کن، اینک
آب اینجاست! چه چیز مانع تعمید گرفتنم
می‌باشد؟» ۳۷ [فیلیپُس گفت: «اگر با تمام
دل ایمان آورده‌ای، مانعی نیست.» خواجه‌سرا
گفت: «ایمان دارم که عیسی مسیح پسر
خداست.»]
۳۸ پس دستور داد ارابه را نگاه دارند، و
فیلیپُس و خواجه‌سرا، هر دو در آب رفتند
و او را تعمید داد. ۳۹ و چون از آب بیرون
آمدند، روحِ خداوند فیلیپُس را برداشت و برد
و خواجه‌سرا دیگر او را ندید، ولی شادی کنان
راه خود را در پیش گرفت. ۴۰ امّا فیلیپُس خود
را در آشدود یافت، و همانطور که در همه
شهرها می‌گشت و بشارت می‌داد، به قیصریه
رسید.

## ایمان آوردن سولُس

۹ امّا سولُس که همچنان به دمیدنِ تهدید
و قتل بر شاگردان خداوند ادامه می‌داد،
نزد کاهن اعظم رفت ۲ و از او نامه‌هایی خطاب
به کنیسه‌های دمشق خواست تا اگر کسی را
از اهل طریقت بیابد، از مردان و زنان، در بند
نهاده، به اورشلیم بیاورد.
۳ حال، چون به راه خود می‌رفت، به دمشق
نزدیک شد، که ناگاه نوری از آسمان دُورِ او
درخشید ۴ و او به زمین افتاده، صدایی شنید
که به وی می‌گفت: «ای شائول، ای شائول،
چرا بر من جفا می‌کنی؟»
۵ او گفت: «ای خداوند، تو کیستی؟»
گفت: «من آن عیسی هستم که تو به او
جفا می‌کنی. ۶ لیکن برخیز و به شهر داخل شو،
و به تو گفته خواهد شد که چه باید بکنی.»
۷ همسفران سولُس خاموش ایستاده بودند،
چونکه آن صدا را می‌شنیدند، ولی کسی را
نمی‌دیدند. ۸ سولُس از زمین برخاست، و گرچه
چشمانش باز بود ولی چیزی نمی‌دید. پس
دستش را گرفتند و او را به دمشق آوردند. ۹ او
سه روز نابینا بود، نه چیزی خورد و نه چیزی
آشامید.
۱۰ در دمشق شاگردی به نام حَنانیا بود.
خداوند در رؤیا به او گفت: «ای حَنانیا!»
عرض کرد: «گوش به فرمانم، ای خداوند.»
۱۱ و خداوند به او گفت: «برخیز و به
کوچه‌ای که 'مستقیم' نام دارد، برو و در خانه
یهودا مردی از ترسوس به نام سولُس را طلب
کن، زیرا اینک دعا می‌کند، ۱۲ و در رؤیا مردی
را دیده، حَنانیا نام، که می‌آید و بر او دست
می‌گذارد تا بینایی‌اش را بازیابد.»

**۳۳.۸** اشعیا ۵۳: ۷ و ۸ **۲.۹** منظور، پیروان مسیح است **۴.۹** نام سولُس به زبان آرامی

۱۳ امّا حَنانیا پاسخ داد: «ای خداوند، از
بسیاری درباره این مرد شنیده‌ام که چه بدی‌ها
بر مقدسین تو در اورشلیم رسانیده است. ۱۴ و
در اینجا نیز از جانب سران کاهنان اختیار دارد
تا هر که را که نام تو را می‌خواند، حبس کند.»
۱۵ خداوند به او گفت: «برو، زیرا که
او ظرف برگزیده من است تا نام مرا نزد
غیریهودیان و پادشاهان و قوم اسرائیل ببرد.
۱۶ زیرا من به او نشان خواهم داد که برای نام
من چه زحماتی باید ببیند.»
۱۷ پس حَنانیا رفت و به آن خانه وارد شد
و دستهای خود را بر او گذاشته، گفت:
«ای برادر شائول، خداوند عیسی که در راهی
که می‌آمدی بر تو ظاهر شد، مرا فرستاده
است تا بینایی خود را بازیابی و از روح‌القدس
پر شوی.» ۱۸ بلافاصله چیزی مانند فَلس از
چشمانش افتاد و او بینایی خود را بازیافت.
آنگاه برخاست و تعمید گرفت؛ ۱۹ و غذا
خورده، قوّت یافت.

## سولُس در کنیسه‌ها به عیسی بشارت می‌دهد

او چند روزی را با شاگردان در دمشق
ماند. ۲۰ و بی‌درنگ در کنیسه‌ها عیسی را
اعلان کرده، می‌گفت که «او پسر خداست.»
۲۱ و کسانی‌که او را شنیدند متعجب شدند
و گفتند: «مگر این همان مردی نیست که
در اورشلیم کسانی‌را که این نام را می‌خوانند،
پریشان نمود و مگر به این منظور به اینجا
نیامده تا ایشان را گرفته، نزد سران کاهنان
بَرَد؟» ۲۲ ولی سولُس در قوت بیش از پیش
قوی شد و یهودیان ساکن دمشق را با اثبات
اینکه عیسی همان مسیح است، متحیر می‌کرد.

## سولس از دمشق فرار می‌کند

۲۳ پس از گذشت روزهای بسیار، یهودیان
توطئه کردند که او را به قتل رسانند. ۲۴ امّا
توطئه ایشان بر سولُس آشکار شد. آنها شب
و روز بر دروازه‌ها نگهبانی می‌کردند تا او
را بکشند. ۲۵ ولی شاگردانش شبانه او را در
زنبیلی گذاشته، از شکافی در دیوار شهر پایین
فرستادند.

## سولس در اورشلیم

۲۶ و زمانی که به اورشلیم آمده بود،
خواست به شاگردان ملحق شود، امّا همه از
او ترسیدند، زیرا باور نداشتند که شاگرد شده
باشد. ۲۷ امّا برنابا او را برداشت و نزد رسولان
آورد و به آنان گفت که او چگونه در راه
خداوند را دیده که با وی سخن گفته و او
چگونه در دمشق دلیرانه به نام عیسی موعظه
کرده است. ۲۸ پس در نزد ایشان در اورشلیم
آمد و رفت می‌کرد و با شهامت به نام خداوند
موعظه می‌نمود. ۲۹ و او با هِلِنیستیان گفتگو
و مباحثه می‌کرد، ولی آنها در صدد کشتنش
بودند. ۳۰ و چون برادران از این امر آگاه شدند،
او را به قیصریه آوردند و از آنجا به ترسوس
فرستادند.
۳۱ پس کلیسا در سراسر یهودیه و جلیل و
سامِرِه آرامی یافت و استوار می‌شد و در ترس
خداوند به سر می‌بردند و به یاری روح‌القدس
بر شمار آن افزوده می‌گشت.

## شفای اینیاس

۳۲ حال، پطرس که در میان همه آنها
می‌گشت، به دیدار مقدسینی هم که در لِدّه

**۲۹.۹** با یهودیانِ یونانی‌زبان

زندگی می‌کردند، آمد. ۳۳ در آنجا شخصی را یافت اینیاس نام، که هشت سال بستری و مفلوج بود. ۳۴ و پطرس به او گفت: «ای اینیاس، عیسی مسیح تو را شفا می‌دهد؛ برخیز و بستر خود را جمع کن.» و او فورا برخاست. ۳۵ و همه اهل لِدّه و شارون او را دیدند و به خداوند روی آوردند.

### زنده شدن طابیتا

۳۶ اینک، در یافا شاگردی به نام طابیتا بود که ترجمه اسمش "دورکاس" می‌باشد. او بسیار نیکوکار و خیّر بود. ۳۷ او در آن روزها بیمار شد و مُرد، و وقتی جسدش را شستند او را در بالاخانه‌ای گذاشتند. ۳۸ چون لِدّه نزدیک یافا بود، وقتی شاگردان آگاه شدند که پطرس در لُدَّه است، دو نفر را نزد او فرستادند و خواهش کردند که «لطفاً بی‌درنگ نزد ما بیا.» ۳۹ پس پطرس برخاست و همراه آنان رفت، و وقتی رسید، او را به بالاخانه بردند. همه بیوه‌زنان، گریه کنان در کنارش ایستادند و پیراهنها و لباس‌هایی را که غزال زمان بودنش با ایشان، برایشان دوخته بود، به وی نشان می‌دادند.

۴۰ امّا پطرس همه را بیرون کرد و زانو زد و دعا نمود؛ و رو به جسد کرده، گفت: «ای طابیتا، برخیز.» او چشمانش را باز کرد و چون پطرس را دید، بنشست. ۴۱ پس پطرس دستش را گرفت و او را برخیزانید. سپس مقدسین و بیوه‌زنان را خوانده، او را زنده به ایشان سپرد. ۴۲ و این خبر در سراسر یافا پیچید و بسیاری به خداوند ایمان آوردند. ۴۳ و او روزهای بسیاری در یافا نزد یک دبّاغ به نام شَمعون اقامت نمود.

### پطرس و کُرنِلیوسِ

۱۰ در قیصریه مردی بود، کُرنِلیوس نام، از فرماندهان یگان رومی موسوم به 'یگان ایتالیایی' ۲ مردی متدین که خود و اهل خانه‌اش همه خداترس بودند. او سخاوتمندانه به مردم صدقه می‌داد و پیوسته به درگاه خدا دعا می‌کرد. ۳ روزی نزدیک به ساعت نهم از روز آشکارا در رؤیا دید که یک فرشته خدا نزدش می‌آید و به او می‌گوید: «ای کُرنِلیوس.»

۴ و او با وحشت به وی خیره شد و گفت: «چیست، ای خداوند؟»

به او گفت: «دعاها و صدقات تو چون یادگاری به نزد خدا بالا آمده است. ۵ اکنون کسانی به یافا بفرست تا شَمعونِ ملقب به پطرس را بیاورند. ۶ او نزد دَبّاغی به نام شَمعون اقامت دارد که خانه‌اش کنار دریاست.»

۷ وقتی فرشته‌ای که با او سخن می‌گفت عزیمت کرده بود، دو نفر از خادمان و یک سرباز متدین را که به او می‌رسید، خواند، ۸ و تمام ماجرا را به ایشان گفته، آنها را به یافا فرستاد.

۹ روز بعد، نزدیک ظهر، چون در راه بودند و به شهر نزدیک می‌شدند، پطرس نزدیک به ساعت ششم به بام خانه رفت تا دعا کند. ۱۰ و گرسنه شد و خواست چیزی بخورد. وقتی آن را آماده می‌کردند، به خَلسه افتاد ۱۱ و دید که آسمان باز شد و چیزی چون سفره‌ای بزرگ نازل شده، بر روی زمین از چهارگوشه‌اش پایین می‌آید. ۱۲ در آن انواع حیوانات و خزندگان و

**۳۶.۹** دورکاس نام یونانی طابیتا است که به معنی آهو یا غزال می‌باشد **۳.۱۰** ساعت سه بعد از ظهر **۹.۱۰** ساعت دوازده ظهر

پرندگان آسمان بودند. ۱۳ آنگاه صدایی به او
رسید که: «ای پطرس، برخیز، بکش و بخور.»
۱۴ پطرس گفت: «به هیچ وجه، ای
خداوند؛ زیرا هرگز چیزی حرام یا ناپاک
نخورده‌ام.»
۱۵ و بار دوّم باز همان صدا به وی رسید؛
«آنچه خدا پاک ساخته است، تو ناپاکش
مخوان!»
۱۶ این امر سه بار تکرار شد و آن سفره
بی‌درنگ به آسمان بالا برده شد.
۱۷ در همان حال که پطرس در خود متحیّر
بود که این رؤیا چه معنی داشته است،
اینک، فرستادگان کُرنِلیوس خانه شَمعون را
جُسته، دم در خانه ایستادند. ۱۸ و صدا زده،
می‌پرسیدند: «آیا شَمعونِ معروف به پطرس در
اینجا اقامت دارد؟»
۱۹ و چون پطرس به آن رؤیا می‌اندیشید،
روح به او گفت: «حال، سه نفر تو را
می‌جویند. ۲۰ برخیز و پایین برو و در رفتن با
ایشان تردید نکن، زیرا من آنها را فرستاده‌ام.»
۲۱ پس پطرس به نزد ایشان پایین رفته
و گفت: «من همانم که می‌جویید. سبب
آمدن‌تان چیست؟»
۲۲ ایشان گفتند: «کُرنِلیوسِ فرمانده، مردی
صالح و خداترس، که نزد همه ملت یهود
نیکنام است، از فرشته‌ای مقدّس هدایت
یافت تا به دنبال تو بفرستد که به خانه‌اش
بیایی تا آنچه را که باید به او بگویی، بشنود.»
۲۳ پس آنها را به خانه برد تا میهمان او باشند.
روز بعد برخاست و همراه آنان روانه شد و
برخی از برادرانِ یافا به همراه وی رفتند. ۲۴ و
فردای آن روز به قیصریه رسیدند. کُرنِلیوس
که خویشان و دوستان نزدیک خود را خوانده،
منتظر ایشان بود. ۲۵ چون پطرس داخل شد،
کُرنِلیوس به استقبال او رفت و به پاهایش
افتاد و او را پرستش کرد. ۲۶ امّا پطرس او
را بلند کرده، گفت: «برخیز؛ من نیز انسان
هستم.»
۲۷ و گفتگوکنان با وی به خانه داخل شد و
جمعی کثیر یافت. ۲۸ پس به آنان گفت: «شما
خود می‌دانید که برای یک یهودی معاشرت یا
رفتن به خانه کسی از ملتی دیگر حرام است،
امّا خدا به من نشان داد که نباید هیچ‌کس
را حرام یا ناپاک بخوانم. ۲۹ پس چون در پی
من فرستادید، بی‌درنگ آمدم. اکنون از شما
می‌پرسم که چرا مرا طلب کرده‌اید؟»
۳۰ آنگاه کُرنِلیوس گفت: «چهار روز پیش تا
همین ساعت، قریب ساعت نهم در خانه خود
دعا می‌کردم که ناگاه مردی در لباس نورانی در
مقابل من ایستاد ۳۱ و گفت: "ای کُرنِلیوس،
دعایت مستجاب گردیده و صدقاتت در
حضور خدا به یاد آورده شده است. ۳۲ پس
به یافا بفرست و شَمعونِ معروف به پطرس
را طلب کن. او در کنار دریا در خانه شَمعونِ
دَبّاغ اقامت دارد." ۳۳ پس بی‌درنگ در پی تو
فرستادم و تو نیز لطف کردی و آمدی. اینک
همه ما در حضور خدا حاضریم تا آنچه
خداوند به تو فرموده است، بشنویم.»

## غیریهودیان خبر خوش را می‌شنوند

۳۴ پس پطرس دهان خود را گشود و
گفت: «به راستی دریافته‌ام که خدا جانبداری
نمی‌کند؛ ۳۵ بلکه در هر ملت، هر که از او
بترسد و آنچه را که درست است، انجام دهد،

**۱۹.۱۰** منظور "روح‌القدس" است. مترجمین هر جا که با عنوان روح با حرف بزرگ برخورد می‌کنند، می‌توانند آن را "روح خدا" ترجمه کنند که موجب اغتشاش فکر نشود. **۳۰.۱۰** ساعت سه بعد از ظهر

مقبول او می‌گردد. ۳٦ کلامی را که به اسرائیل
فرستاد، مژده صلح و سلامتی را به واسطه
عیسی مسیح بشارت داد. که خداوند همه
است. ۳۷ شما خود می‌دانید که چگونه در
سراسر یهودیّه پخش شد که شروع آن از جلیل
بود بعد از آن تعمیدی که یحیا به آن موعظه
می‌نمود. ۳۸ که چگونه خدا عیسای ناصری را
با روح‌القدس و قدرت مسح کرد و او همه جا
می‌گشت و کارهای نیکو می‌کرد و همه آنان را
که زیر ستم ابلیس بودند، شفا می‌داد، زیرا خدا
با وی بود.
۳۹ و ما شاهدان تمامی کارهایی هستیم که او
در سرزمین یهودیان و در اورشلیم انجام داد.
آنها او را بر صلیب کشیده، کشتند. ٤۰ امّا خدا
او را در روز سوّم برخیزانید و ظاهر ساخت،
٤۱ امّا نه بر همه مردم، بلکه بر ما که شاهدانِ
برگزیده خدا بوده‌ایم، که پس از برخاستن او از
مردگان، با او خوردیم و نوشیدیم. ٤۲ و او ما
را فرمان داد تا به مردم اعلان کنیم و شهادت
دهیم که خدا او را مقرر فرموده تا داور زندگان
و مردگان باشد. ٤۳ جمیع انبیا بر او شهادت
می‌دهند که هر که به او ایمان آورد، به نام او
آمرزش گناهان را خواهد یافت.»

### روح القدس بر غیر یهودیان نازل می‌شود

٤٤ پطرس هنوز سخن می‌گفت که
روح‌القدس بر همه آنان که کلام را شنیدند،
نازل شد. ٤۵ و ایمانداران از اهلِ ختنه که
همراه پطرس آمده بودند، در حیرت شدند،
زیرا عطای روح‌القدس حتی بر غیریهودیان نیز
ریخته شده بود. ٤٦ زیرا می‌شنیدند که ایشان
به زبانها سخن می‌گویند و خدا را می‌ستایند.
آنگاه پطرس گفت: ٤۷ «آیا کسی برای تعمید
ایشان که روح‌القدس را نیز مانند ما یافته‌اند،
آب را منع کند؟» ٤۸ پس دستور داد ایشان را
در نام عیسی مسیح تعمید دهند. آنگاه از وی
خواستند چند روزی با ایشان بماند.

### پطرس به کلیسا گزارش می‌دهد

۱۱ اینک، رسولان و برادران که در
سراسر یهودیه بودند، شنیدند که
غیریهودیان نیز کلام خدا را پذیرفته‌اند. ۲ پس
وقتی پطرس به اورشلیم رفت، طرفدارانِ ختنه
از او انتقاد کرده، گفتند: ۳ «تو به نزد
نامختونان رفتی و با آنها غذا خوردی.»
٤ امّا پطرس شروع کرده ماجرا را به ترتیب
به ایشان توضیح داد: ۵ «من در شهر یافا
دعا می‌کردم و در عالم رؤیا دیدم چیزی چون
سفره‌ای بزرگ نازل می‌شود که از چهارگوشه
آسمان آویخته بود تا به من رسید. ٦ چون
بر آن نیک نگریستم، حیوانات و وحوش و
خزندگان و پرندگان هوا را دیدم. ۷ و صدایی
شنیدم که به من می‌گفت: "ای پطرس، برخیز،
ذبح کن و بخور."
۸ امّا گفتم: "به هیچ وجه، ای خداوند! زیرا
هرگز چیزی حرام یا ناپاک به دهانم وارد نشده
است."
۹ بار دوّم از آسمان صدا آمد که "آنچه خدا
پاک ساخته، تو حرامش مخوان." ۱۰ و این سه
بار اتفاق افتاد؛ و همه باز به آسمان بالا برده
شد.
۱۱ و اینک، در همان موقع، سه مرد که
از قیصریه نزد من فرستاده شده بودند، به
خانه‌ای که در آن بودیم، رسیدند. ۱۲ و روح به
من گفت که در رفتن با آنان تردید نکنم. این
شش برادر نیز با من آمدند، و ما به خانه آن

**٤٦.۱۰** منظور، زبانهایی را که نیاموخته و نمی‌دانستند **۱۲.۱۱** منظور "روح خدا"

مرد وارد شدیم. ۱۳ و او به ما گفت که چگونه
فرشته‌ای را دیده بوده که در خانه‌اش ایستاده
به او می‌گوید: "کسانی به یافا بفرست تا
شَمعونِ معروف به پطرس را به اینجا بیاورند.
۱۴ او پیامی را به تو اعلان خواهد کرد که به
واسطه آن تو و تمامی اهل خانه‌ات نجات
خواهید یافت."
۱۵ چون آغاز به سخن کردم، روح‌القدس بر
آنها نازل شد، درست همان‌گونه که نخست
بر ما. ۱۶ و سخن خداوند را به‌خاطر آوردم
که چطور گفته بود: "یحیا با آب تعمید داد،
ولی شما با روح‌القدس تعمید خواهید یافت."
۱۷ اگر خدا همان عطا را به آنها بخشید که
به ما با ایمان آوردن به عیسی مسیحِ خداوند،
عطا فرموده بود، پس من که باشم که بخواهم
مانع کار خدا شوم؟»
۱۸ آنها وقتی این سخنان را شنیدند، خاموش
شدند و خدا را ستایش کرده، گفتند: «به
راستی که خدا توبه‌ای را که به حیات رهنمون
می‌شود، به غیریهودیان نیز عطا فرموده
است.»

## کلیسا در اَنطاکیه

۱۹ حال، آنانی‌که به سبب آزاری که با
ماجرای استیفان برپا شد، پراکنده شده بودند،
تا نواحی فینیقیه و قپرس و اَنطاکیه سفر کرده،
کلام را فقط به یهودیان اعلان می‌کردند و
بس. ۲۰ امّا بعضی از ایشان که از اهالی قپرس
و قیرَوان بودند، چون به اَنطاکیه رسیدند، با
هلنیستیان نیز سخن گفتند و عیسای خداوند
را به آنان بشارت دادند. ۲۱ و دست خداوند
با ایشان بود و شماری بسیار ایمان آورده، به
خداوند گرویدند.
۲۲ این خبر به کلیسای اورشلیم رسید و آنها
برنابا را به اَنطاکیه فرستادند. ۲۳ وقتی او به
آنجا رسید و فیض خدا را دید، شادمان شد و
ایشان را ترغیب کرد تا با تمام دل به خداوند
وفادار بمانند، ۲۴ زیرا که او مردی نیک و پر
از روح‌القدس و ایمان بود و گروهی بسیار به
خداوند پیوستند.
۲۵ پس برنابا به ترسوس رفت تا سولُس
را بیابد، ۲۶ و وقتی او را یافت، وی را به
اَنطاکیه آورد. ایشان یک سالِ تمام با کلیسا
جمع می‌شدند و گروهی بسیار را تعلیم می‌دادند
و شاگردان، نخست در انطاکیه به 'مسیحی'
خوانده شدند.
۲۷ حال، در آن روزها انبیایی از اورشلیم به
اَنطاکیه آمدند. ۲۸ و یکی از آنها که آگابوس نام
داشت، برخاست و با الهامِ روح پیشگویی کرد
که قحطی سختی در سراسر دنیا خواهد آمد.
این قحطی در زمان کُلودیوس رخ داد. ۲۹ پس
شاگردان مصمّم شدند که هر یک در حد
توانِ خویش، کمکی برای برادران ساکن یهودیه
بفرستند. ۳۰ پس چنین کردند و آن را به دست
برنابا و سولُس نزد مشایخ فرستادند.

## یعقوب کشته و پطرس زندانی می‌شود

۱۲ در آن زمان، هیرودیسِ پادشاه به
ضدّ برخی از آنها که به کلیسا تعلق
داشتند، دست به خشونت برد. ۲ او یعقوب
برادر یوحنا را به شمشیر کشت، ۳ و چون دید
این کار یهودیان را خشنود ساخت، ادامه داده
پطرس را نیز دستگیر کرد. این امر در ایام نان

**۲۰.۱۱** یهودیان یونانی زبان

فَطیر رخ داد. ۴ و وقتی او را دستگیر نمود، به زندانش انداخت، و چهار دسته چهار نفری را به نگهبانی او گماشت، به قصد این‌که پس از پِسَخ، او را برای قوم بیرون آوَرَد.
۵ پس پطرس را در زندان نگاه می‌داشتند، امّا کلیسا با جدّیت نزد خدا برای او دعا می‌کرد.

## پطرس رهایی می‌یابد

۶ اینک، در شبی که هیرودیس قصد داشت او را بیرون آورد، پطرس به دو زنجیر بسته، میان دو سرباز خوابیده بود، و کشیکچیان مقابلِ در، زندان را نگهبانی می‌کردند. ۷ و اینک یک فرشته خداوند نزد او ایستاد و نوری در زندان درخشید. وی به پهلوی پطرس زد و او را بیدار کرده، گفت: «زود برخیز.» در دم زنجیرها از دستهایش فرو افتاد.
۸ و فرشته به او گفت: «کمرت را ببند و کفش‌هایت را به پا کن.» پس او چنین کرد، آنگاه به او گفت: «ردایت را بر خود بپیچ و به دنبال من بیا.» ۹ پس به دنبال او بیرون رفت. او نمی‌دانست که آنچه فرشته انجام می‌دهد، واقعی است، بلکه گمان می‌کرد رؤیا می‌بیند. ۱۰ وقتی آنها از نگهبانان اوّل و دوّم گذشتند، به دروازه آهنی که رو به شهر باز می‌شد، رسیدند. دروازه خود به خود مقابل ایشان باز شد، و آنها بیرون رفتند و چون به انتهای کوچه رسیدند، فرشته بی‌درنگ او را ترک کرد.
۱۱ وقتی پطرس به خود آمد، گفت: «اکنون یقین دارم که خداوند فرشته خود را فرستاده و مرا از دست هیرودیس و از تمامی آنچه قوم یهود در انتظارش بودند، رهانیده است.»
۱۲ چون این را دریافت، به خانه مریم مادر یوحنای معروف به مَرقُس رفت که در آنجا بسیاری گرد آمده بودند و دعا می‌کردند. ۱۳ و وقتی درِ خانه را کوبید، کنیزی به نام رودا آمد تا در را باز کند. ۱۴ امّا چون صدای پطرس را شناخت، از شادی، در را باز نکرد بلکه به درون شتافت و خبر داد که «پطرس بر در ایستاده است.»
۱۵ به او گفتند: «عقلت را از دست داده‌ای.» امّا چون اصرار می‌کرد که این‌چنین است، پس گفتند که: «فرشته اوست!»
۱۶ لیکن پطرس همچنان در را می‌کوبید. پس چون در را باز کردند، او را دیدند و در شگفت شدند. ۱۷ امّا او با دست اشاره کرد که ساکت شوند و شرح داد که چگونه خداوند او را از زندان رهانیده است. سپس گفت: «یعقوب و برادران را از این امور آگاه سازید.» آنگاه از ایشان جدا شد و به جایی دیگر رفت.
۱۸ حال، وقتی روز رسید، در میان سپاهیان آشوبی بر پا شد که پطرس را چه شده است. ۱۹ پس هیرودیس وقتی او را طلبید و نیافت، کشیکچیان را بازخواست کرد و حکم به قتل آنها داد. آنگاه پطرس از یهودیه به قیصریه رفت و در آنجا مدّتی ماند.

## مرگ هیرودیس

۲۰ حال، هیرودیس از دست مردمِ صور و صیدون خشمگین بود، و آنان به یکدل نزد او آمدند و بلاستوس، پیشکار خوابگاه پادشاه

**۳.۱۲** منظور عید نان فطیر است. در آیه بعد که اسم از عید پسخ می‌رود، ممکن است این تفکر را به وجود آورد که عید نان فطیر جلوتر از عید پسخ اتفاق می‌افاده است. حال آنکه عید پسخ در روز ۱۴ ماه نیسان بود (مارچ و آوریل) و عید نان فطیر از ۱۵ تا ۲۱ همان ماه.

را متقاعد کرده، در طلب آشتی شدند، زیرا سرزمین آنها برای خوراک از به سرزمین پادشاه متکی بود.
۲۱ در یک روز مقرر، هیرودیس ردای پادشاهی به تن کرده، بر تخت نشست و خطابه‌ای برای ایشان ایراد کرد. ۲۲ و مردم فریاد برمی‌آوردند: «صدای یک خداست، نه صدای آدمی!» ۲۳ در همان لحظه، یک فرشته خداوند او را زد، زیرا که جلال را به خدا نداد، و توسط کرمها خورده شد و نفس آخرش را کشید.
۲۴ امّا کلام خدا پیش می‌رفت و منتشر می‌شد.
۲۵ و برنابا و سولُس چون خدمت خود را به انجام رسانیدند، از اورشلیم بازگشتند و یوحنای معروف به مَرقُس را نیز همراه خود آوردند.

## برنابا و سولُس فرستاده می‌شوند

۱۳ اینک، در کلیسایی که در اَنطاکیه بود، انبیا و معلّمان بودند: برنابا، شَمعون معروف به نیجِر، لوکیوسِ قیرَوانی، مَنائِن که برادرخوانده هیرودیسِ تِترارخ بود و سولُس. ۲ هنگامی که ایشان مشغول عبادت خداوند و روزه می‌بودند، روح‌القدس گفت: «برنابا و سولُس را برای من جدا سازید، به جهت کاری که ایشان را به آن خوانده‌ام.» ۳ آنگاه، پس از روزه و دعا، دست بر آنها نهادند و ایشان را روانه کردند.

## برنابا و سولس در قپرس

۴ پس، ایشان از جانب روح‌القدس فرستاده شده، به سِلوکیه رفتند و از آنجا از راه دریا به قپرس رسیدند. ۵ چون وارد سَلامیس شدند، در کنیسه‌های یهود به کلام خدا موعظه کردند. یوحنا نیز در خدمت ایشان بود.
۶ وقتی آنان سراسر جزیره را تا به پافُس پیمودند، در آنجا به فردی یهودی به نام باریشوع برخوردند که سحرباز و نبی دروغین بود. ۷ او از دوستان 'سِرگیوس پولسِ' والی به حساب می‌آمد که مردی خردمند بود. او برنابا و سولُس را خواند زیرا می‌خواست که کلام خدا را بشنود. ۸ امّا عِلیمای سحرباز که ترجمه نامش چنین است، با ایشان مخالفت کرده، کوشید والی را از ایمان آوردن بازدارد. ۹ لیکن سولُس، که پولس نیز نامیده می‌شد، پر از روح‌القدس شده، بر او به دقّت نگریست ۱۰ و گفت: «ای پسر ابلیس، تو، ای دشمن تمامی آنچه که راست است، ای که پر از فریب و شرارتی، آیا از کج کردن راههای راست خداوند دست برنخواهی داشت؟ ۱۱ و اکنون بدان که دست خداوند بر توست و کور خواهی شد و تا مدتی قادر به دیدن آفتاب نخواهی بود.»
بی‌درنگ، مه و تاریکی او را فرو گرفت، و دور زده، کسی را می‌طلبید که دستش را بگیرد و راهنمایی‌اش کند. ۱۲ چون والی این واقعه را دید، ایمان آورد، زیرا که از تعلیم خداوند در شگفت شده بود.

---

**۱.۱۳** در لاتین بمعنی سیاهپوست **۵.۱۳** منظور همان یوحنای ملقّب به مرقس است. در آیه ۱۳ و ۱۵: ۳۷ نیز همین شخص است.

## پولس و برنابا در آنطاکیهٔ پیسیدیه

۱۳ حال، پولس و همراهانش از پافُس به
پِرجه پامفیلیه آمدند. امّا یوحنا از ایشان
جدا شد و به اورشلیم بازگشت. ۱٤ لیکن
آنها از پِرجه گذشتند و به آنطاکیه پیسیدیه
رسیدند. و در روز سبّت به کنیسه رفتند و
نشستند. ۱۵ پس از تلاوت تورات و کتب انبیا،
رهبران کنیسه نزد ایشان فرستاده، گفتند: «ای
برادران، اگر کلامی دلگرم کننده برای مردم
دارید، بگویید.»
۱٦ پس پولس ایستاد و با دست اشاره کرده،
گفت: «ای مردان اسرائیلی و ای خداترسان،
گوش دهید. ۱۷ خدای این قوم اسرائیل، پدران
ما را برگزید و قوم ما را در غربتشان در مصر
سرافراز ساخت و با بازویی برافراشته آنها را
از آنجا بیرون آورد، ۱۸ و قریب چهل سال
در بیابان متحمل ایشان می‌بود. ۱۹ و پس از
هلاک کردن هفت ملت در مملکت کنعان،
سرزمین‌شان را به ایشان به میراث داد. ۲۰ این
همه چهارصد و پنجاه سال به طول انجامید.
و پس از آن، به ایشان داوران داد تا زمان
سموئیل نبی. ۲۱ آنگاه یک پادشاه خواستند و
خدا شائول، پسر قِیس، از قبیله بِنیامین را
برای چهل سال به ایشان داد. ۲۲ و وقتی او را
برداشت، داوود را برانگیخت تا پادشاه ایشان
شود که بر او چنین گواهی داد و گفت: "در
داوود پسر یَسا، مرد دلخواه خود را یافتم که
تمامی اراده مرا به جا خواهد آورد."
۲۳ از نسل همین مرد، خدا طبق وعده
خود، نجات‌دهنده یعنی عیسی را برای اسرائیل
فرستاد. ۲٤ پیش از آمدن او، یحیا تعمیدِ توبه
را به همه مردم اسرائیل اعلان کرده بود. ۲۵ و
وقتی یحیا دورِ خود را به پایان می‌رسانید،
گفت: "مرا که می‌پندارید؟ من او نیستم؛ بلکه
بعد از من کسی می‌آید که من لیاقت بازکردن
بند کفشش را ندارم."
۲٦ ای برادران، ای فرزندان خاندان ابراهیم،
و ای خداترسان، این پیام نجات برای ما
فرستاده شده است. ۲۷ زیرا ساکنان اورشلیم
و حکّام ایشان چون نه او را شناختند و نه
گفته‌های پیامبران را فهمیدند که هر سبّت
تلاوت می‌شود، با محکومیت وی آنها را تحقق
بخشیدند. ۲۸ و با اینکه در او هیچ تقصیری
مستوجب مرگ نیافتند، از پیلاتُس خواستند
او را بکشد. ۲۹ و چون تمام آنچه را که
درباره‌اش نوشته شده بود، به انجام رسانیدند،
او را از صلیب پایین آوردند و به قبر سپردند.
۳۰ امّا خدا او را از مردگان برخیزانید. ۳۱ و
او روزهای بسیار بر آنانی که با او از جلیل
به اورشلیم آمده بودند، ظاهر شد که اینک
شاهدان او نزد قوم می‌باشند.
۳۲ پس ما به شما بشارت می‌دهیم که خدا به
وعده‌ای که به پدران ما داده بود، ۳۳ به ما که
فرزندان ایشان هستیم، با برخیزانیدن عیسی
وفا کرد، چنانکه در مزمور دوّم نوشته شده
است:

"تو پسر من هستی؛
امروز، من تو را مولود ساخته‌ام."

۳٤ و اینکه خدا او را از مردگان برخیزانید تا
هرگز فساد را نبیند، چنانکه آمده است:

"برکات مقدّس و یقین داوود را
به شما خواهم بخشید."

---

**۳٤.۱۳** اشعیا ۵۵: ۳

**۳۳:۱۳** مزمور ۷:۲.

۳۵ بنابراین در جای دیگر نیز می‌گوید:
"نخواهی گذاشت قدّوس تو
فساد را ببیند."
۳٦ زیرا داوود پس از آنکه اراده خدا را در
نسل خویش انجام داد، خوابید و با پدران خود
گذاشته شد و فساد را دید. ۳۷ ولی آن کس که
خدا او را برخیزانید، فساد را ندید.
۳۸ پس، ای برادران، بر شما معلوم باد که به
واسطه این مرد آمرزش گناهان به شما اعلان
می‌شود. ۳۹ و به وسیله او هر که ایمان بیاورد،
آزاد شمرده می‌شود از هر آنچه که به شریعت
موسی نمی‌توانستید آزاد شد. ٤۰ پس مراقب
باشید، مبادا این نوشته انبیا بر شما انجام شود
که:
٤۱ "بنگرید، ای استهزاکنندگان،
حیرت کنید و هلاک شوید،
زیرا در ایام شما کاری می‌کنم،
که گرچه آن را به شما بگویند
هرگز باور نخواهید کرد."»
٤۲ چون از کنیسه بیرون می‌رفتند، از آنها
استدعا کردند که سبّت آینده نیز در این باره
با ایشان سخن گویند. ٤۳ پس از اینکه مردم
کنیسه را ترک کردند، بسیاری از یهودیان و
اشخاص متدین که به یهودیت گرویده بودند،
از پی پولس و برنابا به راه افتادند و چون ایشان
با آنها سخن می‌گفتند، آنها را ترغیب کردند که
در فیض خدا ثابت بمانند.
٤٤ در سبّت بعد، قریب به تمامی شهر
گرد آمدند تا کلام خداوند را بشنوند. ٤۵ امّا
یهودیان چون ازدحام مردم را دیدند، از حسد
پر شدند و با دشنام به مخالفت با سخنان
پولس برخاستند.
٤٦ آنگاه پولس و برنابا دلیرانه صحبت کرده،
گفتند: «لازم بود کلام خدا نخست به شما
گفته شود. امّا چون آن را ردّ کردید و خود را
شایسته حیات جاودان ندانستید، پس اکنون
به سوی غیریهودیان می‌رویم. ٤۷ زیرا خداوند
به ما چنین امر فرموده، که:
"تو را نوری برای غیریهودیان ساختم،
تا نجات را به کران‌های زمین
برسانی."»
٤۸ و وقتی غیریهودیان این را شنیدند،
شادمان شدند و کلام خداوند را تمجید
نمودند؛ و آنانی که برای حیات جاودان تعیین
شده بودند، ایمان آوردند.
٤۹ و کلام خداوند در سراسر آن ناحیه
منتشر می‌شد. ۵۰ امّا یهودیان، زنان متدین
و متشخّص و نیز مردان سرشناسِ شهر را
شورانیدند و آنها را به آزار پولس و برنابا
برانگیختند، و ایشان را از آن ناحیه بیرون
کردند. ۵۱ امّا ایشان خاک پاهای خود را بر
آنان تکانیدند و به شهر ایقونیه رفتند. ۵۲ و
شاگردان پر از شادی و روح‌القدس بودند.

## پولس و برنابا در ایقونیه

۱٤ در ایقونیه ایشان با هم به کنیسه
یهود داخل شدند و چنان سخن
گفتند که جمعی بزرگ از یهودیان و یونانیان
ایمان آوردند. ۲ امّا یهودیان بی ایمان،
غیریهودیان را شورانیدند و افکار آنان را
نسبت به برادران، مسموم ساختند. ۳ پس
آنان مدتی طولانی در آنجا ماندند و دلیرانه

**۳۹.۱۳** در متن یونانی، صالح، این واژه، ۲ بار در این آیه بکار برده شده **٤۵.۱۳** منظور، سران مذهبی یهود
**۳۵:۱۳** مزمور ۱۶:۱۰. **٤۱:۱۳** حَبَقوق ۱:۵. **٤۷:۱۳** اِشعیا ۴۹:۶.

برای آن خداوند سخن گفتند که به کلام فیض خود شهادت می‌داد که به دست ایشان آیات و معجزات انجام شود. ٤ لیکن مردم شهر دو دسته شدند؛ برخی طرف یهودیان و برخی طرف رسولان. ٥ وقتی غیریهودیان و یهودیان با روسای خود کوشیدند که ایشان را آزار رسانند و سنگسار کنند، ٦ آنان خبردار شدند و به لِستره و دِربِه، از شهرهای لیکائونیه، و نواحی اطراف فرار کردند ٧ و در آنجا به موعظه کلام ادامه دادند.

## پولس و برنابا در لِستره

٨ اینک در لِستره مردی نشسته بود که نمی‌توانست پاهایش را حرکت دهد. او از بدو تولد لنگ بود و هرگز راه نرفته بود. ٩ او سخنان پولس را می‌شنید. آنگاه پولس به او به دقّت نگریست و دید که ایمان شفا یافتن دارد. ١٠ پس به صدای بلند گفت: «بر پاهای خود راست بایست.» آنگاه وی از جا جَست و به راه افتاد.

١١ وقتی جماعات دیدند که پولس چه انجام داده است، صدای خود را بلند کرده، به زبان لیکائونی می‌گفتند: «خدایان به صورت انسان نزد ما فرود آمده‌اند!» ١٢ آنان برنابا را 'زِئوس' و پولس را 'هِرمِس' نامیدند، زیرا او سخنگوی اصلی بود. ١٣ کاهنِ زئوس که معبدش نزدیک دروازه شهر بود، گاوها و تاجها از گُل به دروازه‌ها آورد؛ و خواست که با جماعات قربانی تقدیم کنند.

١٤ امّا وقتی آن دو رسول، برنابا و پولس، این را شنیدند، جامه‌های خود را دریدند و به میان جماعت شتافته، فریاد برآوردند: ١٥ «ای مردان، چرا چنین می‌کنید؟ ما نیز انسان و هم طبیعت با شما هستیم و به شما بشارت می‌دهیم که از این چیزهای پوچ برگشته، به خدای زنده روی آورید که آسمان و زمین و دریا و هرآنچه را که در آنهاست، آفرید. ١٦ در نسل‌های گذشته او همه ملت‌ها را واگذاشت که به راه‌های خود رفتار کنند، ١٧ با این حال خود را بدون شهادت نگذاشت؛ زیرا او با بارانیدن باران از آسمان و بخشیدن فصول پُر بار، بر شما نیکی کرده، دلهایتان را با خوراک و شادی سیر می‌کند.» ١٨ حتی با این سخنان، به‌دشواری توانستند مردم را از تقدیم قربانی برایشان بازدارند.

## پولس در لستره سنگسار شد

١٩ امّا یهودیان از آنطاکیه و ایقونیه آمدند و مردم را متقاعد کرده، پولس را سنگسار نمودند و او را از شهر بیرون کشیدند به این گمان که مرده است. ٢٠ امّا وقتی شاگردان گرد او جمع شدند، پولس برخاست و به شهر وارد شد، و روز بعد با برنابا به دِربِه رفت.

٢١ وقتی در آن شهر کلام را موعظه کردند و بسیاری را شاگرد ساختند، سپس به لِستره و ایقونیه و آنطاکیه مراجعت کردند. ٢٢ در آن شهرها شاگردان را تقویت کرده، آنان را در ایمان تشویق نمودند و گفتند که «با مصیبتهای بسیار می‌باید به پادشاهی خدا وارد شویم.» ٢٣ و وقتی در هر کلیسا برای ایشان مشایخ تعیین کرده بودند، آنها را با دعا و روزه به خداوندی که به وی ایمان آورده بودند، سپردند.

### پولس و برنابا به انطاکیه در سوریه برمی‌گردند

۲۴ سپس از پیسیدیه گذشتند و به پامفیلیه
آمدند. ۲۵ و وقتی در پرجه کلام را موعظه کرده
بودند، به آتالیه فرود آمدند.
۲۶ و از آنجا با کشتی به انطاکیه بازگشتند،
از همان جایی‌که ایشان را به فیض خدا سپرده
بودند برای انجام همان کار که اکنون به انجام
رسانیده بودند. ۲۷ وقتی به آنجا رسیدند،
کلیسا را جمع کرده، آنها را از آنچه خدا با
ایشان کرده بود و چگونه خدا درِ ایمان را
بر غیریهودیان باز کرده بود، مطلع ساختند.
۲۸ پس مدت زمانی در آنجا با شاگردان ماندند.

### شورای اورشلیم

۱۵ امّا چند نفر از یهودیه آمدند و به
برادران تعلیم می‌دادند که: «اگر طبق
آیین موسی ختنه نشوید، نمی‌توانید نجات
یابید.» ۲ پس از اینکه پولس و برنابا شدیدا با
ایشان به مخالفت و مباحثه پرداختند، پولس
و برنابا و چند نفر دیگر تعیین شدند که
در مورد این مسئله به اورشلیم نزد رسولان
و مشایخ روند. ۳ پس ایشان به وسیله کلیسا
فرستاده شدند و از فینیقیه و سامِرِه عبور
کرده، ایمان آوردن غیریهودیان را به جزییات
بیان کردند و شادی عظیم به همه برادران
آوردند. ۴ وقتی به اورشلیم آمدند، کلیسا و
رسولان و مشایخ از ایشان استقبال کردند و
آنها را از آنچه خدا با ایشان کرده بود، خبر
دادند. ۵ لیکن بعضی ایمانداران که از فرقه
فریسیان بودند، برخاستند و گفتند: «لازم
است که ایشان ختنه شوند و به آنها امر گردد
که شریعت موسی را نگاه دارند.»
۶ رسولان و مشایخ جمع شدند تا به این امر
رسیدگی کنند. ۷ پس از مباحثه بسیار، پطرس
برخاست و به ایشان گفت: «ای برادران، شما
آگاهید که در روزهای اول، خدا از میان شما
اراده کرد تا غیریهودیان از زبان من پیام انجیل
را بشنوند و ایمان آورند. ۸ و خدایی که از
دل آگاه است، با دادن روح‌القدس بر ایشان
گواهی داد، چنانکه به ما نیز. ۹ و در میان ما
و ایشان هیچ فرق نگذاشت، بلکه از طریق
ایمان، دلهایشان را طاهر ساخت. ۱۰ اینک،
پس چرا خدا را می‌آزمایید و یوغی بر گردن
شاگردان می‌نهید که نه پدران ما و نه ما قادر به
حملش بودیم؟ ۱۱ لیکن ما ایمان داریم که به
فیض خداوندْ عیسی است که نجات یافته‌ایم،
چنانکه ایشان نیز.»
۱۲ همه جماعت ساکت شدند و به برنابا
و پولس گوش گرفتند وقتی آنها نشانه‌ها
و معجزاتی را که خدا به دست ایشان
در میان غیریهودیان ظاهر کرده بود، بیان
می‌کردند. ۱۳ چون سخنان ایشان به پایان
رسید، یعقوب پاسخ داد: «ای برادران، مرا
بشنوید. ۱۴ شَمعون بیان کرد که چگونه خدا
ابتدا غیریهودیان را مورد لطف قرار داده، تا
از آنان قومی برای نام خود بگیرد. ۱۵ و این
با گفتار پیامبران مطابق است، چنانکه نوشته
شده:

۱۶ «”پس از این، باز خواهم گشت
و خیمه داوود را که افتاده،
باز بنا خواهم کرد؛
خرابی‌هایش را باز بنا خواهم کرد،

**۱۴:۱۵** ”شَمعون“ همان ”پطرس“ (آیهٔ ۷) است.

و آن را دوباره برقرار خواهم ساخت،
۱۷ تا بقیه بشر خداوند را بطلبند،
و همه ملتهایی که به نام من
خوانده شده‌اند.
این را می‌گوید خداوندی که این چیزها را
۱۸ از دیرباز معلوم کرده است.“
۱۹ پس رأی من این است که آنانی را که
از غیریهودیان به خدا روی می‌آورند، زحمت
نرسانیم. ۲۰ امّا باید به ایشان بنویسیم که از
چیزهای آلوده به بتها و از بی‌عفتی جنسی و
از حیوانات خفه شده و از خون دوری کنند.
۲۱ زیرا موسی از نسلهای پیشین در هر شهر
کسانی را داشته است که به او موعظه کنند،
چنانکه هر سبّت او را در کنیسه‌ها تلاوت
می‌کنند.»

## نامه شورا به ایمانداران غیریهودی

۲۲ آنگاه به نظر رسولان و مشایخ با تمامی
کلیسا پسند آمد که از میان خود مردانی
برگزینند و آنان را همراه پولس و برنابا به
اَنطاکیه بفرستند. یهودای معروف به بَرسابا و
سیلاس را فرستادند که رهبران در میان برادران
بودند. ۲۳ همراه با این نامه:
« از برادران، هم رسولان و هم
مشایخ،
به برادرانِ غیریهودی در اَنطاکیه،
سوریه و کیلیکیه،
سلام بر شما.
۲۴ از آنجا که شنیده‌ایم که
اشخاصی چند از میان ما بیرون
رفته‌اند و شما را با سخنانشان
مشوش ساخته، افکارتان را پریشان
کردند، گرچه دستوری از ما
نداشتند. ۲۵ پس ما به یکدل
مصلحت دیدیم که مردانی را
انتخاب کنیم و آنها را همراه عزیزان
خود، برنابا و پولس، نزد شما
بفرستیم، ۲۶ کسانی‌که جان‌های
خود را به‌خاطر نام خداوند ما
عیسی مسیح، به خطر انداخته‌اند.
۲۷ پس ما یهودا و سیلاس را
فرستاده‌ایم که شما را زبانی از این
امور آگاه سازند. ۲۸ زیرا روح‌القدس
و ما مصلحت دیدیم که باری
بر دوش شما نگذاریم، جز این
ضروریات ۲۹ که از قربانی بتها و از
خون و از حیوانات خفه شده و از
بی‌عفتی جنسی بپرهیزید. اگر خود را
از اینها نگاه دارید، نیکو خواهید
کرد. خدا نگهدار.»
۳۰ پس ایشان مرخص شده، به اَنطاکیه
رفتند و جماعت را گرد آورده، نامه را
رسانیدند. ۳۱ وقتی آنها نامه را خواندند، از
دلگرمی آن شادمان شدند. ۳۲ یهودا و سیلاس
که خودشان هم نبی بودند، با سخنان بسیار،
برادران را تشویق و تقویت کردند. ۳۳ پس از
مدتی که در آنجا ماندند، برادرانْ ایشان را
به سلامت به نزد فرستادگانشان روانه کردند.
۳۴ امّا پولس و برنابا در اَنطاکیه ماندند ۳۵ و
همراه بسیاری دیگر به تعلیم و بشارت کلام
خداوند مشغول شدند.

## پولس و برنابا جدا می‌شوند

۳۶ پس از چند روز پولس به برنابا گفت:
«برگردیم و برادران را در شهرهایی که کلام
خداوند را در آنها اعلان کردیم، دیدار کنیم و

**۱۷:۱۵** عاموس ۹:۱۱ و ۱۲.

ببینیم که چگونه هستند.» ۳۷ برنابا خواست
یوحنای معروف به مَرقُس را با خود بردارند،
۳۸ امّا پولس مصلحت ندید کسی را که در
پامفیلیه از ایشان جدا شد و در کار همراهی
نکرده بود، با خود ببرد. ۳۹ اختلاف چنان بالا
گرفت که از یکدیگر جدا شدند. برنابا، مَرقُس
را برداشت و از راه دریا به قپرس رفت؛ ۴۰ امّا
پولس، سیلاس را برگزید و توسط برادران به
فیض خداوند سپرده شده، عازم سفر گشت.
۴۱ و از سوریه و کیلیکیه عبور کرده، کلیساها
را تقویت می‌نمود.

### تیموتائوس به پولس و سیلاس می‌پیوندد

۱۶ پولس به دِربه و به لِستره نیز آمد. در
آنجا شاگردی بود به نام تیموتائوس
که پسر زنی یهودی و ایماندار، امّا پدرش
یونانی بود. ۲ برادران در لِستره و ایقونیه از او
به نیکی یاد می‌کردند. ۳ پولس چون می‌خواست
او همراهی‌اش کند، به سبب یهودیانی که
در آن ناحیه بودند، او را ختنه کرد، زیرا
که همه می‌دانستند پدرش یونانی است. ۴ و
همانطور که در مسیرشان از میان شهرها
می‌رفتند، قوانینی را که رسولان و مشایخ در
اورشلیم وضع کرده بودند، به مردم می‌سپردند
تا رعایت کنند. ۵ پس، کلیساها در ایمان
تقویت می‌شدند و هر روزه بر شمارشان افزوده
می‌شد.

### دعوت مرد مقدونی

۶ چون، از دیار فریجیه و غلاطیه عبور
کردند، روح‌القدس ایشان را از رسانیدن کلام
به آسیا منع کرد. ۷ وقتی به میسیه رسیدند،
سعی کردند به بیطینیا بروند، امّا روحِ عیسی
به ایشان اجازه نداد. ۸ پس، از میسیه گذشته،
به تروآس رفتند. ۹ شبی، پولس در رؤیا دید که
مردی مقدونی ایستاده، به او التماس کرده،
می‌گوید: «به مقدونیه بیا و کمکمان کن.»
۱۰ وقتی پولس این رؤیا را دید، بی‌درنگ عازم
مقدونیه شدیم، زیرا به یقین دانستیم که خدا
ما را خوانده است تا بدیشان بشارت دهیم.

### ایمان آوردن لیدیه

۱۱ بنابراین، از تروآس با کشتی مستقیما به
ساموتراکی رفتیم، و روز بعد به نیاپولیس. ۱۲ و
از آنجا به فیلیپی رفتیم که شهر عمده بخش
مقدونیه و مستعمره روم بود، و چند روز در
آن شهر ماندیم.
۱۳ و در روز سبّت از دروازه خارج شده،
به کنار رودخانه رفتیم، با این گمان که در
آنجا مکان دعا باشد، نشستیم و با زنانی که
جمع شده بودند، به گفتگو پرداختیم. ۱۴ یکی
از کسانی‌که سخنان ما را شنید زنی به نام
لیدیه بود از شهر تیاتیرا، که ارغوان فروش و
خداپرست بود. خداوند قلب او را گشود تا به
سخنان پولس توجه کند. ۱۵ پس از اینکه او و
اهل خانه‌اش تعمید گرفتند، اصرار کرده، به
ما گفت: «اگر یقین دارید که به خداوند ایمان
آورده‌ام، به خانه من بیایید و بمانید.» و حرف
او غالب شد.

### پولس و سیلاس در زندان

۱۶ و چون به مکان دعا می‌رفتیم، به کنیزی
برخوردیم که روح غیبگویی داشت و از
فالگیری سود زیادی عاید اربابان خود می‌کرد.
۱۷ او به دنبال پولس و ما افتاده، فریادکنان
می‌گفت: «این مردان، خادمین خدای متعالند

**۳۸:۱۵** نگاه کنید به اعمال ۵:۱۳ و ۱۳. **۱۰:۱۶** در اینجا نویسندهٔ کتاب با پولس همراه می‌شود.

که راه نجات را به شما اعلان می‌کنند.» ۱۸ و
او این کار را روزهای بسیار می‌کرد. پولس که
بسیار کلافه شده بود، برگشته به آن روح
گفت: «به نام عیسی مسیح تو را امر می‌کنم
که از این دختر بیرون بیایی.» همان لحظه،
روح از او بیرون آمد.
۱۹ لیکن وقتی اربابانِ او دیدند که امید
کسب‌شان از بین رفته، پولس و سیلاس را
گرفتند و آنها را به بازار نزد حاکمان کشیدند.
۲۰ وقتی ایشان را نزد والیان آوردند، گفتند:
«این مردان، یهودی هستند و شهر ما را به
آشوب می‌کشند. ۲۱ و رسومی را اعلان می‌کنند
که پذیرفتن و به جا آوردنشان بر ما رومیان
جایز نیست.»
۲۲ جمعیت در حمله به آنان پیوستند، و
والیان لباسهای ایشان را کَندند و دستور دادند
که ایشان را با چوب بزنند. ۲۳ و وقتی ایشان
را چوب بسیار زدند، به زندانشان انداختند و
به زندانبان دستور دادند که آنها را تحت نظر
بگیرد. ۲۴ او چون این دستور را یافت، آنان را
به زندان درونی انداخت و پاهایشان را در کُنده
بست.

## زندانبان اهل فیلیپی ایمان آورد

۲۵ نزدیک نیمه‌شب، پولس و سیلاس دعا
می‌کردند و به سرودها خدا را می‌ستاییدند و
دیگر زندانیان به ایشان گوش می‌دادند، ۲۶ و
ناگاه زلزله‌ای عظیم رخ داد، به حدّی که
بنیاد زندان لرزید و بی‌درنگ همه درها باز
شد و زنجیرهای همه فرو ریخت. ۲۷ وقتی
زندانبان بیدار شد و دید که درهای زندان
باز است، شمشیر خود را کشید و خواست
خود را بکشد، زیرا تصور کرد زندانیان فرار
کرده‌اند. ۲۸ امّا پولس با صدای بلند فریاد زده،
گفت: «به خود آسیب نرسان زیرا ما همه
اینجا هستیم.» ۲۹ زندانبان چراغ خواست و
سراسیمه به درون رفت و از ترس در حالی که
می‌لرزید، به پای پولس و سیلاس افتاد. ۳۰ آنگاه
ایشان را بیرون آورد و گفت: «ای آقایان، چه
کنم تا نجات یابم؟»
۳۱ ایشان گفتند: «به خداوند عیسی ایمان
آور که نجات خواهی یافت، تو و اهل
خانه‌ات.» ۳۲ و ایشان کلام خداوند را برای
او و همه اهل خانه‌اش بیان کردند. ۳۳ و
او در همان ساعت شب آنها را برداشته،
زخمهایشان را شست، و بی‌درنگ تعمید
گرفت، او و همه خانواده‌اش. ۳۴ سپس ایشان
را به خانه خود برد و غذا برایشان آورد. او
و همه اهل خانه‌اش از ایمان آوردن به خدا
شادی کردند.
۳۵ امّا وقتی روز شد، والیان مأمورانی
فرستاده، گفتند: «آن مردان را آزاد کن.»
۳۶ زندانبان پولس را از این سخنان آگاه کرده،
گفت: «والیان دستور داده‌اند که شما را آزاد
کنم. پس حال، بیرون آیید و به سلامت
بروید.»
۳۷ امّا پولس به آنان گفت: «ما را که
شهروندان رومی هستیم در ملاعام و بدون
محاکمه زده، به زندان انداخته‌اند. آیا الان در
خفا آزادمان می‌کنند؟ نه! بلکه خود بیایند و
ما را بیرون آورند.»
۳۸ مأموران این سخنان را به والیان گفتند،
و آنها چون شنیدند که ایشان شهروند رومی
هستند، ترسیدند. ۳۹ پس آمدند و از ایشان
پوزش خواستند و ایشان را بیرون آوردند و
خواهش کردند که شهر را ترک کنند. ۴۰ پس
ایشان از زندان بیرون آمدند و با لیدیه دیدار

کردند. و وقتی برادران را دیدند، ایشان را تشویق نمودند و روانه شدند.

### پولس و سیلاس در تسالونیکی

۱۷ حال، وقتی از آمفیپولیس و آپولونیا گذشته، به تسالونیکی آمدند که در آنجا کنیسه یهودیان بود. ۲ و پولس، همانطور که عادتش بود، به کنیسه رفت و در سه سبّت از کتب مقدّس با ایشان مباحثه می‌کرد ۳ و توضیح داده، ثابت می‌کرد که ضروری بود مسیح زحمت ببیند و از مردگان برخیزد و می‌گفت: «این عیسی که او را به شما اعلان می‌کنم، همان مسیح است.» ۴ برخی از ایشان متقاعد شدند و به پولس و سیلاس پیوستند و نیز گروه بسیاری از یونانیانِ خداترس و گروهی بزرگ از زنان سرشناس.

۵ امّا یهودیان حسد ورزیدند و چند اوباش را از بازار گرد آورده، دسته‌ای به راه انداختند و در شهر آشوب به پا کردند و به خانه یاسون هجوم بردند تا ایشان را به میان جماعت بیرون آورند. ۶ و وقتی ایشان را نیافتند، یاسون و چند برادر را نزد مقامات شهر کشانده، فریاد می‌زدند که «این مردان که دنیا را زیر و رو کرده‌اند، به اینجا نیز آمده‌اند، ۷ و یاسون ایشان را پذیرفته است و همه ایشان به ضدّ احکام قیصر عمل می‌کنند و می‌گویند که پادشاه دیگری هست به نام عیسی.» ۸ و وقتی مردم و مقامات شهر این را شنیدند، مضطرب شدند. ۹ و از یاسون و دیگران ضمانت گرفته، آزادشان کردند.

### پولس و سیلاس در بیریه

۱۰ برادران بی‌درنگ در شب، پولس و سیلاس را به بیریه روانه کردند و وقتی آنها به آنجا رسیدند، به کنیسه یهود رفتند. ۱۱ و این یهودیان از مردمان تسالونیکی نجیب‌تر بودند، زیرا کلام را با اشتیاق پذیرفته، هر روز کتب مقدّس را بررسی می‌کردند تا ببینند آیا اینچنین است. ۱۲ پس، بسیاری از ایشان ایمان آوردند و جمعی بزرگ از زنان و مردان سرشناسِ یونانی نیز.

۱۳ اما چون یهودیانِ تسالونیکی مطلع شدند که پولس در بیریه نیز کلام خدا را موعظه می‌کند، به آنجا هم رفته، جماعات را تحریک کردند و شورانیدند. ۱۴ آنگاه برادران بی‌درنگ پولس را به سوی دریا روانه کردند، امّا سیلاس و تیموتائوس در آنجا ماندند. ۱۵ راهنمایان پولس، او را تا آتن آوردند و پس از اینکه برای سیلاس و تیموتائوس دستور گرفتند که هر چه زودتر به پولس بپیوندند، آنجا را ترک گفتند.

### پولس در آتن

۱۶ امّا وقتی پولس در آتن منتظر ایشان بود، روح او در درونش به جوش آمد، زیرا دید که شهر پر از بتهاست. ۱۷ پس، در کنیسه با یهودیان و خداپرستان و هر روز در بازار شهر با حاضران مباحثه می‌کرد. ۱۸ بعضی از فیلسوفان اپیکوری و رواقی نیز با او بنای مباحثه گذاشتند. بعضی گفتند: «این یاوه‌گو چه می‌خواهد بگوید؟» دیگران گفتند: «به نظر می‌رسد که واعظِ خدایانِ بیگانه باشد.» زیرا که او عیسی و رستاخیز را وعظ می‌کرد.

**۵.۱۷** منظور رهبران مذهبی یهود است

[۱۹] آنگاه او را گرفتند و به مجمع ’آریوپاگوس‘ بردند و گفتند: «آیا می‌شود بدانیم این تعلیم جدید چیست که تو عرضه می‌کنی؟ [۲۰] زیرا تو چیزهای عجیب به گوشهایمان می‌رسانی. پس می‌خواهیم بدانیم که این چیزها چه معنی می‌دهند.» [۲۱] حال، تمامی اهالی آتن و غریبان ساکن در آنجا، وقتشان را صرف چیزی نمی‌کردند جز گفت و شنود درباره چیزهای جدید.

[۲۲] پس پولس در میان مجمع ’آریوپاگوس‘ ایستاده، گفت: «ای مردان آتن، من شما را از هر جهت بسیار دیندار یافته‌ام. [۲۳] زیرا همانطور که در شهر می‌گشتم و آنچه را که شما می‌پرستید، مشاهده کردم، و مذبحی یافتم که بر آن نوشته شده بود: ”به خدای ناشناخته“. پس، آنچه را که شما به عنوان ناشناخته می‌پرستید، من همین به شما اعلان می‌کنم.

[۲۴] خدایی که جهان و آنچه را که در آن است آفرید، مالکِ آسمان و زمین است و در معابد ساخته شده توسط انسان ساکن نمی‌شود. [۲۵] و نه از دستان انسان خدمت می‌شود، گویا به چیزی محتاج باشد، بلکه خودْ به جمیع آدمیان حیات و نَفَس و همه چیز می‌بخشد. [۲۶] و هر قوم بشر را از یک انسان ساخت تا بر تمامی روی زمین ساکن شده زمان‌های معین و حدود مسکن‌های ایشان را مقرر فرمود. [۲۷] تا خدا را بطلبند و شاید راه خود را به سوی او جستجو کنند و او را بیابند، با این حال او عملا از هیچ‌یک از ما دور نیست. [۲۸] زیرا

در اوست که زندگی و حرکت و هستی داریم.

چنانکه برخی از شاعران شما نیز گفته‌اند که

به راستی که از نسل او می‌باشیم.

[۲۹] پس چون نسل خدا هستیم، نباید گمان کنیم که الوهیت مانند طلا یا نقره یا سنگ است که با هنر و خلاقیت انسان، تمثالی تراشیده شده باشد. [۳۰] خدا زمان‌های جهالت را چشم پوشید، امّا اکنون به همه مردمان در هر جا حکم می‌کند که توبه کنند. [۳۱] زیرا خدا روزی را مقرر کرده که جهان را به انصاف داوری خواهد کرد به واسطه مردی که تعیین کرده و با برخیزانیدنش از مردگان، همه را از این امر مطمئن ساخته است.»

[۳۲] حال، آنها زمانی که درباره رستاخیز مردگان شنیدند، بعضی مسخره نمودند، امّا دیگران گفتند: «در این باره باز از تو خواهیم شنید.» [۳۳] پس پولس از میان ایشان بیرون رفت. [۳۴] امّا چند نفر به او ملحق شدند و ایمان آوردند که در میان ایشان از جمله دیونیسیوس، عضو مجمع ’آریوپاگوس‘، و زنی به نام داماریس، و نیز چند نفر دیگر بودند.

## پولس در قُرِنتُس

۱۸ پس از این، پولس آتن را ترک کرد و به قُرِنتُس رفت. [۲] و مردی یهودی، به نام آکیلا، از اهالی پونتوس را یافت که

**۱۹:۱۷** ”آریوپاگوس“ در لغت به معنی ”تپه آریس“ (یکی از خدایان یونان، معادل مریخ نزد رومی‌ها) است که تپه کوچکی بود در آتن. ”آریوپاگوس“ در کتاب اعمال رسولان به شورای معروف شهر آتن اشاره دارد که در آغاز بر تپه آریس تشکیل جلسه می‌داد و نام خود را از آن به عاریه گرفت. **۲۶:۱۷** در اصل یونانی: ”یک خون“.
**۲۸:۱۷** احتمالا اقتباس از اِپیمِنیدِس که شاعری از جزیره کریت بود **۲۸:۱۷** اقتباس از قطعه شعری به نام فِینومِنا از شاعری به نام آراتوس است

با همسرش پریسکیلا به‌تازگی از ایتالیا آمده بود، زیرا کلودیوس دستور داده بود که همه یهودیان روم را ترک کنند. پس پولس به دیدار آنها رفت، ۳ و از آنجا که با ایشان هم حِرفه بود، نزدشان ماند و به کار مشغول شد، زیرا آنان در کار خیمه دوزی بودند. ۴ و او هر سبّت در کنیسه مباحثه کرده، می‌کوشید تا یهودیان و یونانیان را مجاب سازد.

۵ وقتی سیلاس و تیموتائوس از مقدونیه رسیدند، پولس خود را وقف موعظه کلام کرده، به یهودیان شهادت می‌داد که عیسی، همان مسیح است. ۶ امّا چون ایشان با او مخالفت کردند و ناسزایش گفتند، او جامه‌اش را تکاند و به آنها گفت: «خونتان بر سر خودتان! من مبرّا هستم. از این به بعد، نزد غیریهودیان می‌روم.»

۷ و آنجا را ترک کرد و به خانه مردی خداپرست به نام تیتوس یوستوس، رفت که خانه‌اش در جوارِ کنیسه بود. ۸ کریسپوس، رئیس کنیسه، با تمام اهل خانه‌اش به خداوند ایمان آوردند. و بسیاری از اهالی قُرِنتُس با شنیدن پیام پولس، به ایمان آمدند و تعمید گرفتند.

۹ شبی خداوند در رؤیا به پولس گفت: «مترس، بلکه سخن بگو و ساکت مباش، ۱۰ زیرا من با تو هستم و هیچ‌کس تو را اذّیت نخواهد کرد و گزندی به تو نخواهد رساند، زیرا که در این شهر بسیاری را دارم که از آنِ من هستند» ۱۱ پس، پولس یک سال و شش ماه در آنجا ماند و کلام خدا را به آنها تعلیم می‌داد.

۱۲ امّا وقتی گالیو، والی آخائیه بود، یهودیان با هم متحد شدند و بر سر پولس تاختند و او را به نزد مسند والی آورده، ۱۳ گفتند: «این شخص مردم را مجاب می‌کند که خدا را برخلاف شریعت عبادت کنند.»

۱۴ امّا وقتی پولس خواست سخن بگوید، گالیو به یهودیان گفت: «ای یهودیان، اگر جرم یا جنایتی در میان بود، دلیلی برای قبول شکایت شما می‌داشتم، ۱۵ امّا از آنجا که مسئله بر سر سخنان و نامها و شریعت خودتان است، پس خودتان به آن رسیدگی کنید. من نمی‌خواهم داور چنین چیزها باشم.» ۱۶ و آنها را از مقابل مسند براند. ۱۷ آنگاه همه آنان سوستِنِس، رئیس کنیسه را گرفتند و او را در مقابل مسند والی زدند. امّا گالیو هیچ اعتنا نکرد.

## پولس به اَنطاکیه برمی‌گردد

۱۸ بعد از این، پولس روزهای بسیار در آنجا توقف کرد، و سپس برادران را وداع کرد و همراه با پریسکیلا و آکیلا از راه دریا عازم سوریه شد. او در کِنخْریه موی خود را تراشید، زیرا نذر کرده بود. ۱۹ وقتی به اَفِسُس رسیدند، آنان را در آنجا رها کرد و خود به کنیسه رفت و با یهودیان به مباحثه پرداخت. ۲۰ و چون از او خواستند که مدتی با ایشان بماند، پولس نپذیرفت ۲۱ بلکه ایشان را وداع کرده، گفت: «اگر خدا بخواهد باز به نزد شما خواهم آمد.» پس از اَفِسُس راهی دریا شد. ۲۲ وقتی

**۲.۱۸** امپراطور روم **۵.۱۸** منظور "مسیح موعود" **۶:۱۸** "تکاندن جامه" مانند "برافشاندن غبار پاها" (نگاه کنید به ۵۱:۱۳)، نشان از آمدن غضب خدا داشت که مسئولیت آن به گردن خود افراد بود. **۱۲.۱۸** منظور، رهبران مذهبی یهود است

به قیصریه فرود آمد، برآمده با کلیسا دیدار کرد و سپس راهی اَنطاکیه شد. ۲۳ بعد از سپری کردن مدتی چند در آنجا، راهی شد ودر نواحی غَلاطیه و فْریجیه مکان به مکان می‌گشت و همه شاگردان را تقویت می‌کرد.

### آپولس در اَفِسُس دلیرانه سخن می‌گوید

۲۴ در آن ایام، شخصی یهودی، به نام آپولس، از اهالی اسکندریه، به اَفِسُس آمد. او سخنوری ماهر بود و در کتب مقدّس مردی کارآمد؛ ۲۵ او در طریق خداوند تربیت یافته بود و در روح پر از شور، درباره عیسی سخن می‌گفت و به دقّت تعلیم می‌داد، گرچه فقط از تعمید یحیا آگاهی داشت. ۲۶ وی دلیرانه در کنیسه به سخن گفتن آغاز کرد، اما وقتی پریسکیلا و آکیلا او را شنیدند، او را به کناری بردند و طریق خدا را دقیقتر به وی آموختند.

۲۷ و وقتی قصد سفر به آخائیه کرد، برادران تشویقش کردند و به شاگردان نوشتند که او را استقبال کنند. وقتی به آنجا رسید، کسانی را که به واسطه فیض ایمان آورده بودند، کمک بسیار نمود. ۲۸ زیرا در جمع به قوّت با یهودیان مباحثه کرده، از کتب مقدّس ثابت می‌نمود که عیسی، همان مسیح است.

### پولس در اَفِسُس

۱۹ و وقتی آپولس در قُرِنتُس بود، پولس پس از گذر از مناطق میانی، به اَفِسُس رسید. در آنجا شاگردانی چند یافت ۲ و به ایشان گفت: «آیا هنگامی که ایمان آوردید، روح‌القدس را دریافت کردید؟»

گفتند: «نه، ما حتی نشنیده‌ایم که روح‌القدسی هست.»

۳ به ایشان گفت: «پس به چه تعمید یافتید؟»

گفتند: «به تعمید یحیی.»

۴ پولس گفت: «یحیی، البته به تعمیدِ توبه، تعمید داده، به قوم می‌گفت به آن که پس از او می‌آمد ایمان بیاورند، یعنی به عیسی.» ۵ چون این را شنیدند، در نام خداوندْ عیسی تعمید گرفتند. ۶ و وقتی پولس دست بر آنان نهاد، روح‌القدس بر ایشان آمد، و به زبانها سخن گفتند و نبوّت کردند. ۷ و همه آنها حدود دوازده نفر بودند.

۸ و وارد کنیسه شد و به مدّت سه ماه دلیرانه سخن می‌گفت و با آنان درباره پادشاهی خدا مباحثه می‌کرد و دلایل قاطع می‌آورد. ۹ امّا چون بعضی سرسخت شدند و ایمان نیاوردند و پیش روی جماعت، 'طریقت' را بد می‌گفتند، او از آنها کناره گرفت و شاگردان را با خود برداشته، هر روزه در تالار تیرانوس به مباحثه می‌پرداخت. ۱۰ دو سال به این منوال گذشت تا تمامی سکنه آسیا، چه یهود و چه یونانی، کلام خداوند را شنیدند.

### پسران اسکیوا

۱۱ و خدا به دست پولس معجزات خارق‌العاده ظاهر می‌ساخت، ۱۲ به طوری‌که

---

**۲۲.۱۸** فعل یونانی "برآمده" در عهد جدید اغلب برای رفتن به اورشلیم به کار گرفته شده است. اورشلیم در بالای بلندی قرار دارد و از هر جای اسرائیل که بخواهی به اورشلیم سفر کنی، جاده به شکل سربالایی است و از این جهت واژه برآمدن استفاده می‌شده است. مترجمین می‌توانند کلمه اورشلیم را به این جمله اضافه کنند، زیرا که منظور همان است. **۹.۱۹** نهضت مسیحی در میان مردم به نام طریقت معروف شده بود. **۱۰.۱۹** منظور مناطق آسیایی امپراطوری روم

مردم دستمالها و پیشبندهایی را که با بدن
او تماس یافته بود، برای بیماران می‌بردند و
بیماری از آنها می‌رفت و ارواح پلید از ایشان
بیرون می‌آمد.
۱۳ پس تنی چند از جن‌گیرانِ دوره‌گرد
یهودی نیز کوشیدند نام خداوند عیسی را
بر کسانی که ارواح پلید داشتند، بخوانند
و می‌گفتند: «به آن عیسی که پولس به
او موعظه می‌کند، شما را قسم می‌دهیم.»
۱۴ کسانی که چنین می‌کردند، هفت پسر
اِسکیوا، یکی از سران کاهنان یهود بودند. ۱۵ امّا
روح پلید در پاسخ آنها گفت: «عیسی را
می‌شناسم، پولس را هم می‌شناسم، امّا شما
کیستید؟» ۱۶ پس مردی که روح پلید داشت
بر آنها جَسته، بر ایشان زورآور شد و غلبه
یافت به حدّی که برهنه و زخمی از آن خانه
گریختند.
۱۷ و این امر بر همه ساکنان اَفِسُس، چه
یهود و چه یونانی معلوم شد. و ترس بر
همه آنان مستولی گشت و نام خداوندْ عیسی
محترم داشته شد. ۱۸ و بسیاری از آنان که
حال ایمان آورده بودند، آمده، اعتراف کردند
و اعمال خود را افشا می‌نمودند. ۱۹ بسیاری
از آنانی‌که سحربازی می‌کردند، کتابهای خود
را آوردند و در حضور همه سوزاندند. چون
قیمت کتابها را حساب کردند، پنجاه هزار
دِرْهَم بود. ۲۰ به اینطور، کلام خداوند منتشر
می‌شد و قوّت می‌گرفت.

## شورش در افسس

۲۱ پس از این وقایع، پولس در روح مصمّم
شد که از راه مقدونیه و آخائیه، به اورشلیم
برود و می‌گفت: «پس از رفتنم به آنجا، باید
روم را نیز ببینم.» ۲۲ و دو نفر از دستیارانش،
تیموتائوس و اِراستوس را به مقدونیه فرستاد
و خود مدتی در آسیا ماند.
۲۳ در این زمان، آشوبی بزرگ درباره
'طریقت' بر پا شد. ۲۴ زیرا مردی نقره ساز به
نام دیمیتریوس که تمثالهای نقره از آرتِمیس
می‌ساخت و از این راه درآمد هنگفتی عاید
صنعتگران کرده بود، ۲۵ ایشان و کسانی را که
در حرفه مشابه بودند، جمع کرد و گفت:
«ای مردان، می‌دانید که دارایی ما از این حرفه
است. ۲۶ همانطور که می‌بینید و می‌شنوید، که
نه تنها در اَفِسُس، بلکه تقریبا در همه آسیا،
این پولس بسیاری از مردم را متقاعد و گمراه
کرده، می‌گوید که خدایانی که به دست ساخته
می‌شوند، خدایان نیستند. ۲۷ و خطر هست
که نه تنها کسب ما بی‌اعتبار شود، بلکه معبد
الهه بزرگ آرتِمیس هم ناچیز شمرده شود و
عظمت او که در تمام آسیا و جهان پرستیده
می‌شود، از بین برود.»
۲۸ وقتی این را شنیدند، خشمگین شده،
فریاد زدند که: «بزرگ است آرتِمیسِ
اَفِسُسیان!» ۲۹ پس شهر از آشوب پر شد
و همه با هم به تماشاخانه هجوم بردند و
گایوس و آریستارخوس را که اهل مقدونیه و
از همراهان پولس بودند، با خود می‌کشیدند.
۳۰ اما وقتی پولس خواست که به میان
جماعت برود، شاگردان او را نگذاشتند.
۳۱ حتی بعضی از بزرگان آسیا که از دوستان
پولس بودند، نزد او فرستادند و اصرار کردند
که به تماشاخانه پا نگذارد.
۳۲ اینک، بعضی یک چیز می‌گفتند و بعضی
چیز دیگر، زیرا که جمع شدگان گیج بودند،

**۱۹:۱۹** "دِرْهَم" سکه‌ای نقره‌ای بود معادل دستمزد یک روز یک کارگر.

و بسیاری از آنها نمی‌دانستند برای چه با هم جمع شده‌اند. ۳۳ بعضی از میان جماعت اسکندر را کشیدند که یهودیان او را پیش انداخته بودند. و اسکندر به دست خود اشاره کرده، خواست دفاعی برای جماعت بیاورد. ۳۴ امّا چون دریافتند که او یک یهودی است، همه یکصدا، حدود دو ساعت فریاد می‌زدند: «بزرگ است آرتِمیسِ اَفِسُسیان!»

۳۵ و بعد از آنکه ناظر شهر جماعت را آرام کرده بود، گفت: «ای مردان اَفِسُس، کیست که نداند شهر اَفِسُس نگهبان معبد آرتِمیسِ بزرگ است و آن سنگ مقدس که از آسمان نازل شده است؟ ۳۶ پس چون این چیزها را نتوان انکار نمود، باید آرام باشید و به تعجیل کاری نکنید. ۳۷ زیرا این مردان را که به اینجا آورده‌اید، نه به معبد بی‌حرمتی کرده‌اند و نه به الهه ما کفر گفته‌اند. ۳۸ اگر دیمیتریوس و همکارانش از کسی شکایت دارند، محکمه‌ها باز و حاکمان حاضرند. می‌توانند برعلیه یکدیگر شکایات خود را به آنجا ببرند. ۳۹ امّا اگر به دنبال چیز دیگری هستید، باید در انجمن شهر حل و فصل شود. ۴۰ چون ما امروز در این خطر هستیم که اتهام شورش بر ما زنند، زیرا که هیچ علتی برای توجیه این آشوب نیست.» ۴۱ و وقتی اینها را گفت، جمع شدگان را متفرق ساخت.

### پولس در مقدونیه و یونان

۲۰ چون سروصدا آرام گرفت، پولس به دنبال شاگردان فرستاد و پس از تشویق ایشان، خداحافظی کرد و عازم مقدونیه شد. ۲ و از آن نواحی گذر کرد و آنها را تشویق بسیار کرده، به یونان آمد. ۳ پس سه ماه در آنجا ماند و چون در راه سفر به سوریه، یهودیان علیه او توطئه چیدند، تصمیم گرفت از راه مقدونیه بازگردد. ۴ همراهان او، سوپاتِر از بیریه، پسر پیرهوس، و آریستارخوس و سِکوندوس از مردمان تسالونیکی، و گایوس از دِربِه، و تیموتائوس، و از مردم آسیا تیخیکوس و تروفیموس بودند. ۵ آنان جلوتر رفتند و در تروآس منتظر ما شدند. ۶ ولی ما پس از روزهای عید فَطیر، با کشتی از فیلیپی روانه شدیم و پنج روز بعد، در تروآس به آنان پیوستیم و هفت روز در آنجا ماندیم.

### اِفتیخُس از مرگ زنده می‌شود

۷ در اولین روز هفته، وقتی برای شکستن نان جمع شده بودیم، پولس با ایشان سخن گفت، و چون روز بعد عازم سفر بود، سخنانش را تا نیمه شب طول داد. ۸ در بالاخانه‌ای که جمع شده بودیم، چراغ بسیار بود. ۹ و جوانی به نام اِفتیخوس که کنار پنجره نشسته بود، همینطور که پولس به سخنانش ادامه می‌داد، به خوابی عمیق فرو رفت و از طبقه سوّم به زیر افتاد و او را مرده برداشتند. ۱۰ امّا پولس پایین رفت و بر او خم شد و او را در آغوش خود گرفته، گفت: «نترسید، زیرا که حیاتش در اوست.» ۱۱ و وقتی که بالا رفته نان را شکست و خورد، تا سپیده‌دم به گفتگو با ایشان ادامه داد، و سپس آنجا را ترک کرد. ۱۲ و آن جوان را زنده به خانه بردند و تسلی عظیم یافتند.

۱۳ اما ما سوار کشتی شده، روانه آسوس شدیم تا در آنجا طبق قرار پولس، او را به کشتی بیاوریم، زیرا خواسته بود که خود از راه خشکی برود. ۱۴ پس چون او با ما در

**۲:۲۰** منظور ایمانداران **۳.۲۰** منظور رهبران مذهبی یهود است **۷.۲۰** منظور مراسم "شام خداوند است

آسوس ملاقات کرد، او را به کشتی آوردیم و به میتیلینی رفتیم. ۱۵ از آنجا با کشتی روانه شدیم و روز بعد به مقابل خیوس رسیدیم و فردای آن روز به ساموس رفتیم و روز بعد، به میلیتوس رسیدیم. ۱۶ زیرا پولس تصمیم داشت از راه دریا از کنار اَفِسُس بگذرد تا وقتی را در آسیا صرف نکند، زیرا عجله داشت که اگر ممکن شود، روز پِنتیکاست در اورشلیم باشد.

## پولس با مشایخ افسس صحبت می‌کند

۱۷ پس از میلیتوس به اَفِسُس فرستاد و مشایخ کلیسا را نزد خود خواند. ۱۸ و وقتی آنها به نزدش آمدند، به ایشان گفت: «شما خود می‌دانید که از روز اول که پا به آسیا گذاشتم، چگونه در همه اوقات با شما به سر برده‌ام، ۱۹ که در کمال فروتنی و با اشکها و سختی‌هایی که از توطئه یهودیان بر من واقع شده بود، خداوند را خدمت کرده‌ام. ۲۰ و چگونه از اعلان هرچیزی که برای شما مفید بود، دریغ نداشته‌ام، بلکه در جمع و خانه به خانه به شما تعلیم داده‌ام. ۲۱ و به یهودیان و یونانیان نیز از توبه به سوی خدا و ایمان به خداوند ما عیسی مسیح شهادت داده‌ام.

۲۲ و حال، به الزامِ روح به اورشلیم می‌روم و نمی‌دانم در آنجا برایم چه پیش خواهد آمد؛ ۲۳ جز آنکه روح‌القدس در هر شهر به من شهادت می‌دهد که حبس و عذاب در انتظار من است. ۲۴ امّا جان خود را بی‌ارزش و هیچ می‌شمارم، فقط اگر دور خود را به پایان رسانم و آن خدمتی را که از خداوندْ عیسی دریافت کرده‌ام، که به بشارت فیض خدا شهادت دهم.

۲۵ و حال، می‌دانم هیچ یک از شما که من در میانتان گشته و به پادشاهی خدا موعظه کرده‌ام، دیگر روی مرا نخواهد دید. ۲۶ پس امروز به شما شهادت می‌دهم که من از خون همه بی‌گناه هستم، ۲۷ زیرا در اعلان اراده کامل خدا به شما کوتاهی نکرده‌ام. ۲۸ پس مراقب خود و تمامی گله‌ای که روح‌القدس شما را به نظارتِ بر آن تعیین کرده است، باشید و کلیسای خدا را که آن را به خون خود خریده است، رسیدگی کنید. ۲۹ می‌دانم بعد از رفتنم، گرگهای درّنده به میان شما خواهند آمد که به گله رحم نخواهند کرد. ۳۰ و از میان خود شما کسانی خواهند برخاست که سخنان کج خواهند گفت تا شاگردان را به دنبال خود بکشند. ۳۱ پس هشیار باشید و به‌خاطر آورید که من سه سالِ تمام، شب و روز، از هشدار دادن به هر یک از شما با اشکها، باز نایستادم.

۳۲ اکنون شما را به خدا و به کلام فیض او می‌سپارم که قادر است شما را بنا کند و در میان جمیع کسانی که تقدیس شده‌اند، میراث بخشد. ۳۳ به نقره یا طلا یا لباس کسی طمع نورزیدم. ۳۴ شما خود می‌دانید که این دستها، در رفع نیازهای من و همراهانم خدمت کرده است. ۳۵ در همه چیزها به شما نشان داده‌ام که باید چنین سخت کار کنیم و ضعیفان را دستگیری نماییم، و سخنان خداوندْ عیسی را به یاد آوریم که چگونه خود فرمود: "دادن بیشتر از گرفتن مبارک است."»

۳۶ و وقتی این سخنان را گفت، زانو زد و با همه ایشان دعا کرد. ۳۷ و همه گریه بسیار کرده، پولس را در آغوش کشیدند و وی را بوسیدند. ۳۸ آنچه بیش از همه غمگینشان

---

**۱۶.۲۰** عید بزرگ یهودی **۲۲.۲۰** منظور روح خداست.

می‌ساخت، این سخن بود که گفت «دیگر روی مرا نخواهید دید.» پس تا کشتی او را همراهی کردند.

### پولس به اورشلیم می‌رود

۲۱ پس از جدا شدن از آنها، راهی سفر دریا شدیم و تا ’کوس‘ مستقیم پیش رفتیم و روز بعد، به رودِس و از آنجا به پاتارا رسیدیم. ۲ و کشتی‌ای یافتیم که عازم فینیقیه بود. بر آن سوار شدیم و حرکت کردیم. ۳ وقتی قپرس را در سمت چپ خود دیدیم، از آن گذشته، به سمت سوریه رفتیم و در صور پیاده شدیم، زیرا که در آنجا می‌بایست بار کشتی را تخلیه می‌کردند. ۴ و شاگردان را یافته، هفت روز در آنجا ماندیم. آنان به هدایت روح به پولس گفتند به اورشلیم نرود. ۵ وقتی در آنجا روزهای ما به پایان رسید، ایشان را ترک کردیم و عازم سفر شدیم، وهمه آنان با زنان و فرزندان ما را تا بیرون شهر همراهی کردند و در ساحل زانو زده، دعا کردیم. ۶ پس از خداحافظی از یکدیگر، سوار کشتی شدیم، و ایشان به خانه‌های خود برگشتند.

۷ وقتی سفر دریا را از صور به پایان رساندیم، به پتولامائیس رسیدیم و با برادران دیدار کردیم و یک روز با ایشان ماندیم. ۸ روز بعد، آنجا را ترک کردیم و به قیصریه آمدیم و به منزل فیلیپُسِ مبشر، یکی از آن هفت نفر، وارد شدیم و نزدش ماندیم. ۹ او چهار دختر مجرد داشت که نبوّت می‌کردند.

۱۰ و چون چند روز آنجا ماندیم، نبی‌ای به نام آگابوس از یهودیه رسید. ۱۱ او نزد ما آمد و کمربند پولس را گرفت و دستها و پاهای خود را با آن بست و گفت: «روح‌القدس می‌گوید: ”یهودیانِ اورشلیم صاحب این کمربند را به اینطور خواهند بست و به دست غیریهودیان خواهند سپرد.“»

۱۲ وقتی این را شنیدیم، ما و افراد آنجا به پولس التماس کردیم که به اورشلیم نرود. ۱۳ آنگاه پولس جواب داد: «چه می‌کنید که گریان شده، دل مرا می‌شکنید؟ زیرا که من حاضرم به‌خاطر نام خداوندْ عیسی نه تنها زندانی شوم، بلکه حتی در اورشلیم بمیرم.» ۱۴ و چون او متقاعد نمی‌شد، باز ایستادیم و گفتیم: «آنچه خواست خداوند است، بشود.»

۱۵ پس از آن روزها، آماده شدیم و به طرف اورشلیم رفتیم. ۱۶ و چند نفر شاگرد از قیصریه همراهمان آمده، ما را به خانه مِناسون از اهالی قپرس که یکی از شاگردان قدیمی بود، آوردند که میهمان او باشیم.

### پولس با یعقوب دیدار می‌کند

۱۷ وقتی به اورشلیم رسیدیم، برادران به شادی ما را پذیرفتند. ۱۸ در روز بعد با پولس به دیدار یعقوب رفتیم و همه مشایخ حضور داشتند. ۱۹ پس از سلام به آنها، پولس از آنچه خدا به وسیله خدمت او در میان غیر یهودیان انجام داده بود، یک به یک به تفصیل بیان کرد.

۲۰ و ایشان چون این را شنیدند، خدا را تمجید کردند. آنگاه به پولس گفتند: «ای برادر، می‌بینی که چندین هزار یهودی ایمان آورده‌اند و همه آنان در شریعت غیورند. ۲۱ و درباره‌ات شنیده‌اند که تو همه یهودیانی را که در میان غیریهودیان هستند، تعلیم می‌دهی که از موسی برگردند و می‌گویی که فرزندان خود

**۸:۲۱** منظور هفت نفری است که در باب ششم برای شمّاسی انتخاب شده بودند.

را ختنه نکنند و مطابق رسوم ما رفتار ننمایند.
۲۲ پس چه باید کرد؟ مسلما آنها خواهند
شنید که تو آمده‌ای. ۲۳ پس آنچه به تو
می‌گوییم، انجام بده. چهار مرد نزد ما هستند
که نذری دارند. ۲۴ این مردان را برداشته، خود
را با ایشان تطهیر نما و خرج ایشان را بده
تا سرهای خود را بتراشند. بدین‌ترتیب همه
خواهند دانست که آنچه درباره تو شنیده‌اند،
هیچ است، بلکه تو خود نیز شریعت را
رعایت کرده، در آن زندگی می‌کنی. ۲۵ امّا درباره
غیریهودیان که ایمان آورده‌اند، ما حکم خود را
در نامه‌ای فرستادیم که ایشان باید از قربانی
بتها، از خون، از حیوانات خفه شده و از
بی‌عفتی جنسی بپرهیزند.»
۲۶ پس پولس آن اشخاص را با خود برداشت
و روز بعد خود را با ایشان تطهیر کرد و به
معبد رفت تا تاریخ پایان روزهای تطهیر را
اعلان کند و برای هر یک از ایشان هدیه‌ای
تقدیم نماید.

## پولس در معبد دستگیر می‌شود

۲۷ وقتی پایان آن هفت روز نزدیک می‌شد
یهودیانی از آسیا، او را در معبد دیده، تمامی
جماعت را شوراندند و دست بر او انداخته،
۲۸ فریاد می‌زدند: «ای مردان اسرائیل، کمک
کنید! این همان مرد است که هر کس را در
هر جا بر ضدّ مردم و شریعت و این مکان تعلیم
می‌دهد. علاوه بر آن، حتی یونانیان را به معبد
آورده، این مکان مقدّس را نجس کرده است.»
۲۹ زیرا قبلا تروفیموسِ اَفِسُسی را در شهر با
پولس دیده بودند و می‌پنداشتند که پولس او
را به معبد آورده است.
۳۰ آنگاه در تمامی شهر آشوب شد، و مردم
با هم هجوم آوردند. آنها پولس را گرفتند و
از معبد بیرون کشیدند و بی‌درنگ درها بسته
شد. ۳۱ و چون سعی داشتند او را بکشند،
خبر به فرمانده سپاهیان رومی رسید که تمام
اورشلیم مغشوش شده است. ۳۲ او بی‌درنگ
سربازان و فرماندهان را برداشت و به سوی
آنها تاخت. و چون ایشان فرمانده و سربازان
را دیدند، از زدن پولس دست برداشتند.
۳۳ سپس فرمانده نزدیک آمد، پولس را
گرفت و دستور داد او را با دو زنجیر ببندند.
آنگاه پرسید که او کیست و چه کرده است.
۳۴ در جماعت بعضی‌ها یک چیزی فریاد
می‌زدند و بعضی‌ها چیزی دیگر. و چون فرمانده
به سبب سروصدا نتوانست حقیقت امر را
بفهمد، دستور داد تا او را به قلعه ببرند. ۳۵ و
وقتی به پله‌ها رسید، به خاطر خشونت آن
جماعت، پولس عملا توسط سربازان حمل
می‌شد. ۳۶ زیرا گروهی که به دنبال آنها می‌آمد،
فریاد می‌زدند: «او را بکشید!»

## پولس با مردم سخن می‌گوید

۳۷ در آن حینی که پولس عنقریب به قلعه
آورده می‌شد، به فرمانده گفت: «آیا اجازه
هست چیزی به شما بگویم؟»
فرمانده گفت: «تو یونانی می‌دانی؟ ۳۸ مگر
تو آن مصری نیستی که چندی پیش شورشی
بر پا کرد و چهار هزار آدمکش را با خود به
بیابان برد؟»
۳۹ پولس پاسخ داد: «من یهودی هستم از
ترسوسِ کیلیکیه، شهروند شهری که بی‌نام و
نشان نیست. تمنا دارم اجازه دهید با مردم
سخن بگویم.»
۴۰ و چون اجازه داد، پولس بر پله‌ها ایستاد
و با دست خود به مردم اشاره کرد. و وقتی

سکوت کامل برقرار شد، ایشان را به زبان عبرانی خطاب کرده، گفت:

۲۲ «ای برادران و ای پدران، دفاعیه مرا که اکنون به حضورتان می‌رسانم، بشنوید.»

۲ پس چون شنیدند که ایشان را به زبان عبرانی خطاب می‌کند، بیشتر ساکت شدند. پس او گفت: ۳ «من یک یهودی هستم، متولّد ترسوسِ کیلیکیه، امّا در این شهر بزرگ شده‌ام و در خدمت گامالائیل برطبق شریعت دقیق پدرانمان تعلیم یافته، برای خدا غیور بودم، چنانکه همگی شما امروز هستید. ٤ من این 'طریقت' را تا به مرگ جفا می‌رساندم، مردان و زنان را گرفتار کرده، به زندان می‌انداختم، ٥ چنانکه کاهن اعظم و همه مشایخ شورا می‌توانند بر من شهادت دهند. من از ایشان نامه‌ها برای برادران گرفتم و عازم دمشق شدم تا آنانی را نیز که در آنجا بودند، بگیرم و در بند به اورشلیم آورم تا مجازات شوند.

٦ چون در طی راه به دمشق نزدیک می‌شدم، حوالی ظهر، ناگاه نوری عظیم از آسمان گرد من تابید. ۷ بر زمین افتادم و صدایی شنیدم که به من می‌گفت: "ای شائول، ای شائول، چرا مرا عذاب می‌دهی؟"

۸ جواب دادم: "ای خداوند، تو کیستی؟"

و او مرا گفت: "من آن عیسای ناصری هستم که تو، او را عذاب می‌دهی." ۹ حال، آنها که با من بودند، نور را دیدند، امّا صدای آن کس را که با من سخن می‌گفت، متوجه نشدند.

۱۰ گفتم: "ای خداوند، چه کنم؟"

و خداوند به من گفت: "برخیز، و به دمشق برو و در آنجا به تو گفته خواهد شد که چه چیزی برایت مقرر است که انجام دهی." ۱۱ و از آنجا که از شدت درخشش آن نور قادر به دیدن نبودم، آنها که با من بودند، دستم را گرفتند و به دمشق آمدم.

۱۲ آنگاه مردی دیندار بر طبق شریعت که در دمشق می‌زیست، حَنانیا نام، که نزد همه یهودیان، نیکنام بود، ۱۳ به نزد من آمد و در کنار من ایستاده، گفت: "ای برادر شائول، بینا شو." در همان ساعت، بینایی خود را بازیافتم و او را دیدم.

۱٤ او گفت: "خدای پدران ما تو را برگزیده تا اراده او را بدانی و آن صالح را ببینی و از دهانش آوازی بشنوی. ۱٥ زیرا تو نزد جمیع مردم شاهدی برای او خواهی بود از آنچه که دیده و شنیده‌ای. ۱٦ و حال چرا منتظری؟ برخیز و تعمید بگیر و نام خداوند را خوانده، از گناهانت پاک شو."

۱۷ چون به اورشلیم بازگشتم و در معبد دعا می‌کردم که به خلسه رفتم ۱۸ و او را دیدم که به من می‌گفت: "بشتاب و هر چه زودتر از اورشلیم روانه شو، زیرا شهادت تو را درباره من نخواهند پذیرفت."

۱۹ و گفتم: "ای خداوند، ایشان می‌دانند که من در هر کنیسه آنانی را که به تو ایمان داشتند، به زندان می‌انداختم و می‌زدم. ۲۰ و چون خون شاهد تو استیفان را می‌ریختند، من نیز ایستادم و رضا به آن دادم و لباسهای قاتلان او را نگاه می‌داشتم."

۲۱ او به من گفت: "برو؛ زیرا من تو را به جاهای دور نزد غیریهودیان می‌فرستم."»

### پولس و فرمانده رومی

۲۲ آنها تا این سخن به پولس گوش دادند،آنگاه صدایشان را بلند کردند و فریاد

زدند: «چنین شخص را از روی زمین بردارید
که زنده ماندنش جایز نیست.»
۲۳ و چون فریاد می‌زدند و لباسهای خود
را می‌انداختند و خاک به هوا پرت می‌کردند،
۲۴ فرمانده دستور داد پولس را به قلعه برده،
او را به شلاّق بازخواست کنند تا بفهمد به
چه سبب این‌چنین علیه او فریاد می‌زنند. ۲۵ اما
وقتی که او را برای شلاّق زدن می‌بستند، پولس
به افسری که آنجا ایستاده بود، گفت: «آیا از
نظر قانون این اجازه را دارید که یک شهروند
رومی را بدون محاکمه شلاّق بزنید؟»
۲۶ افسر چون این را شنید، نزد فرمانده رفت
و به او گفت: «می‌دانی چه می‌کنی؟ زیرا که این
مرد شهروند رومی است.»
۲۷ پس فرمانده آمد و به او گفت: «به من
بگو، آیا تو شهروند رومی هستی؟»
گفت: «بله.»
۲۸ فرمانده جواب داد: «من این شهروندی
را به مبلغی گزاف خریده‌ام.»
پولس گفت: «امّا من یک شهروند به دنیا
آمده‌ام!»
۲۹ پس آنان که قرار بود از او بازخواست
کنند، بی‌درنگ خود را کنار کشیدند و فرمانده
نیز ترسان گشت زیرا فهمید که پولس یک
شهروند رومی است و او وی را بسته بوده.

## پولس در حضور شورا

۳۰ لیکن فردای آن روز، چون فرمانده
می‌خواست دلیل واقعی را بداند که او چرا
توسط یهودیان متهم شده است، وی را از بند
آزاد کرد و دستور داد سران کاهنان و همه
اعضای شورا حاضر شوند. و پولس را پایین
آورد و در مقابل ایشان برپا داشت.

۲۳ پس پولس بر اعضای شورا به دقّت
نگریسته، گفت: «ای برادران، من تا
به امروز با وجدانی پاک در حضور خدا زندگی
کرده‌ام.» ۲ کاهن اعظم، حَنانیا، به کسانی که
کنار پولس ایستاده بودند، دستور داد تا بر
دهانش بزنند. ۳ آنگاه پولس به او گفت: «خدا
تو را خواهد زد، ای دیوار سفید شده! تو
نشسته‌ای تا مطابق شریعت مرا داوری کنی،
امّا برخلاف شریعت، دستور می‌دهی که مرا
بزنند؟»
۴ کسانی که نزدیک ایستاده بودند، گفتند:
«به کاهن اعظمِ خدا اهانت می‌کنی؟»
۵ پولس گفت: «ای برادران، نمی‌دانستم که
کاهن اعظم است؛ زیرا نوشته شده: "پیشوای
قوم خود را بد مگو."»
۶ حال وقتی پولس فهمید که بعضی صَدوقی
و بعضی فَریسی هستند، با صدای بلند در شورا
گفت: «ای برادران، من فَریسی هستم، یک
فَریسی زاده. به سبب امید به رستاخیز مردگان
است که در محاکمه‌ام.» ۷ چون این را گفت،
میان فَریسیان و صَدوقیان اختلاف درگرفت
و جماعت دو دسته شد، ۸ زیرا که صَدوقیان
می‌گویند که نه قیامت هست، نه فرشته، و نه
روح. امّا فَریسیان به همه اینها معتقد هستند.
۹ آن موقع غوغایی عظیم بر پا شد و برخی
از معلمین شریعت از فرقه فَریسی برخاستند و
سخت مجادله کرده، گفتند: «در این مرد هیچ
خطا نیافته‌ایم. اگر یک روح و یا یک فرشته با
او سخن گفته باشد، چه؟» ۱۰ و چون غوغا
به خشونت کشیده شد، فرمانده از ترس اینکه
پولس را تکه - پاره کنند، به سربازان دستور داد

**۵:۲۳** خروج ۲۸:۲۲.

به پایین روند و پولس را از میان ایشان دور کنند و به درون قلعه آورند.
۱۱ در همان شب، خداوند کنارش ایستاد و گفت: «دل قوی دار، زیرا چنانکه در اورشلیم درباره من شهادت دادی، در روم نیز به این شکل باید شهادت دهی.»

## توطئهٔ قتل پولس

۱۲ وقتی روز شد، یهودیان توطئه چیدند و سوگند خورده، با هم متحد شدند که تا پولس را نکُشند، چیزی نخورند و ننوشند. ۱۳ آنانی که این‌باره با هم تبانی کردند، بیش از چهل نفر بودند. ۱۴ آنها نزد سران کاهنان و مشایخ رفتند و گفتند: «ما شدیدا سوگند خورده، با هم متحد شده‌ایم که تا پولس را نکشیم، چیزی نخوریم. ۱۵ پس حال شما و اعضای شورا به فرمانده اطلاع بدهید که او را نزد شما بیاورد، که گویا می‌خواهید دقیقتر درباره او تحقیق کنید. و ما آماده‌ایم قبل از رسیدنش او را بکشیم.»
۱۶ خواهرزاده پولس از کمین ایشان باخبر شد و به قلعه رفت و به پولس گفت.
۱۷ پولس یکی از افسران را خواند و گفت: «این جوان را نزد فرمانده ببر، زیرا چیزی برای گفتن به او دارد.» ۱۸ پس او را برداشته نزد فرمانده برد و گفت: «پولسِ زندانی مرا خواند و از من خواست که این جوان را نزد شما بیاورم؛ چرا که چیزی برای گفتن به شما دارد.»
۱۹ فرمانده دست مرد جوان را گرفت و او را به کناری کشیده، در خلوت از او پرسید: «چه چیز است که باید به من بگویی؟»
۲۰ او گفت: «یهودیان توافق کرده‌اند از شما بخواهند که فردا پولس را به حضور شورا بیاورید، که گویا می‌خواهند دقیقتر درباره او تحقیق کنند. ۲۱ از جانب آنها متقاعد نشوید، زیرا بیش از چهل نفر از ایشان در کمین او نشسته‌اند که سوگند خورده، با هم متحد هستند که تا او را نکُشند، چیزی نخورند و ننوشند، و اکنون آماده و منتظر اجازه شما هستند.»
۲۲ پس فرمانده، جوان را مرخص کرده، او را قدغن کرد که: «به هیچکس نگو که مرا از این چیزها مطلع کردی.»

## پولس به نزد فیلکس فرستاده شد

۲۳ آنگاه او دو نفر از افسران را خواند و گفت: «دویست سرباز، به همراه هفتاد سوار و دویست نیزه‌دار آماده کنید تا در ساعت سوّم از شب به قیصریه بروند. ۲۴ برای پولس نیز مَرْکبی فراهم کنید که سوار شود و او را سالم به فِلیکسِ والی تحویل دهید.»
۲۵ و نامه‌ای بدین مضمون نوشت:
۲۶ «از کْلودیوس لیسیاس،
به عالیجناب فِلیکْسِ والی:
سلامها،
۲۷ این مرد توسط یهودیان گرفته شده بود و نزدیک بود که توسط آنها کشته شود، که با سربازان رسیدم و نجاتش دادم، زیرا شنیده بودم که شهروند رومی است. ۲۸ و چون می‌خواستم بدانم که به چه جرمی او را متهم می‌کنند، به نزد شورایشان آوردم. ۲۹ و فهمیدم که اتهامش مربوط به شریعت خودشان است، لیکن جرمی مرتکب نشده که سزاوار مرگ یا حبس باشد. ۳۰ و

**۲۳.۲۳** منظور، ساعت ۹ شب

وقتی آگاه شدم که به ضدّ این
مرد توطئه‌ای در کار است، بی‌درنگ
او را نزد شما فرستادم و به اتهام
زنندگانش نیز دستور دادم تا شکایتی
را که برعلیه او دارند، در حضور شما
به عرض رسانند.»

۳۱ پس سربازان طبق دستوری که داشتند،
پولس را برداشته، شبانه او را به آنتیپاتریس
آوردند. ۳۲ و روز بعد خود به قلعه بازگشتند
تا سواران به همراه او بروند. ۳۳ وقتی ایشان به
قیصریه آمدند و نامه را به والی تحویل دادند،
پولس را نیز به حضور او آوردند. ۳٤ او پس
از خواندن نامه، پرسید که از کدام ولایت
است. و وقتی دانست که اهل کیلیکیه است،
۳۵ گفت: «زمانی که شاکیانت رسیدند، سخن
تو را خواهم شنید.» و دستور داد تا او را در
کاخ هیرودیس تحت مراقبت نگاه دارند.

## پولس در حضور فِلیکْس در قیصریه

۲٤ پنج روز بعد، کاهن اعظم، حَنانیا، با
چند نفر از مشایخ و وکیلی به نام
تِرتولُس، رسیدند. آنها شکایت خود را علیه
پولس به حضور والی عرضه داشتند. ۲ و وقتی
پولس را احضار کردند، تِرتولُس شکایت آغاز
کرده، گفت: «ای عالیجناب فیلکس، نظر به
اینکه، از وجودتان در آسایش کامل هستیم، و
دوراندیشی شما موجب بهبودی این ملت شده
است، ۳ در هر جا و در هر وقت، این را با
کمال قدردانی می‌پذیریم. ٤ لیکن تا زیاده مزاحم
اوقات شما نشویم، استدعا دارم محبت کرده،
عرض‌مان را مختصر بشنوید.

۵ زیرا که ما این مرد را فتنه‌انگیز یافته‌ایم
که در میان یهودیانِ سراسر جهان شورش به
پا می‌کند و سردسته فرقه ناصری می‌باشد.
۶ او حتی خواست که معبد را بی‌حرمت کند؛
لیکن ما دستگیرش کردیم. و خواستیم مطابق
شریعت خود محاکمه‌اش کنیم ۷ امّا لیسیاسِ
فرمانده آمد و او را به‌زور از دست ما بیرون
آورد، ۸ و به مدّعیان او دستور داد تا به حضور
شما بیایند. بعد از بازخواست او، شما خود،
حقیقتِ هرآنچه که او را به آن متهم می‌کنیم،
خواهید دانست.»

۹ یهودیان نیز در این اتهام متفق شده،
گفته‌های او را تأیید کردند.

۱۰ و وقتی والی به پولس اشاره کرد که سخن
بگوید، او پاسخ داد: «از آنجا که می‌دانم
سالیان بسیار است که بر این ملت قاضی
هستید، پس با کمال میل، دفاع خود را عرضه
می‌دارم. ۱۱ شما می‌توانید تحقیق کنید که بیش
از دوازده روز نیست که برای عبادت به
اورشلیم رفتم، ۱۲ و ایشان مرا در معبد در حال
منازعه با هیچ کس و شورانیدن هیچ جمع
نیافتند، چه در معبد و چه در کنیسه‌های
شهر. ۱۳ آنها نمی‌توانند اتهاماتی را که بر من
می‌زنند، ثابت کنند. ۱٤ امّا این را نزد شما
اعتراف می‌کنم که مطابق طریقتی که ایشان
آن را بدعت می‌خوانند، من خدای پدرانمان را
عبادت می‌کنم، به آنچه که در تورات و کتب
پیامبران نوشته شده، اعتقاد دارم، ۱۵ و همانند
ایشان امیدم بر خداست که قیامتی خواهد
بود، هم برای نیکان و هم برای بدان. ۱۶ از این
رو، همیشه سخت می‌کوشم تا نسبت به خدا
و مردم با وجدانی پاک زندگی کنم.

۱۷ حال پس از چندین سال آمده‌ام تا برای
ملت خود صدقات بیاورم و قربانی‌ها تقدیم
کنم. ۱۸ زمانی که این را به جای می‌آوردم،
ایشان مرا در حالی که تطهیر کرده بودم، در
معبد یافتند بدون هیچ جماعت و یا آشوبی -

فقط چند یهودی از آسیا. ۱۹ ایشان نیز باید در اینجا در نزد شما حاضر می‌شدند تا اگر اتهامی علیه من دارند، بگویند. ۲۰ یا این مردان خود بگویند که چه خطایی در من یافتند وقتی در حضور شورا ایستادم، ۲۱ جز اینکه در میان آنان با صدای بلند گفتم: "به خاطر قیامت مردگان است که امروز در حضور شما محاکمه می‌شوم."»

### پولس بازداشت باقی می‌ماند

۲۲ لیکن فِلیکس که به خوبی با طریقت آشنایی داشت، آنها را ساکت کرده، گفت: «وقتی لیسیاسِ فرمانده بیاید، در مورد شکایتتان تصمیم خواهم گرفت.» ۲۳ آنگاه به افسر دستور داد تا پولس به شکل بازداشت نگه داشته شود، لیکن کمی آزادی داشته باشد و دوستانش ممانعت نگردند تا نیازهای او را برطرف کنند.

۲۴ پس از چند روز فِلیکس با همسرش دروسیلا که یهودی بود، آمد و پولس را طلبید و سخن او را درباره ایمان به مسیح عیسی شنید. ۲۵ و چون او درباره عدالت و خویشتنداری و داوریِ آینده استدلال کرد، فِلیکس ترسان شد و گفت: «فعلا برو. وقتی فرصتی کنم، باز تو را احضار خواهم کرد.» ۲۶ در ضمن، امیدوار بود که پولس پولی به او بدهد. از این رو، بارها احضارش می‌کرد و با او سخن می‌گفت.

۲۷ پس از انقضای دو سال، پورکیوس فِستوس جانشین فِلیکْس شد. و فِلیکْس، چون خواست که بر یهودیان مِنّت گذارد، پولس را در زندان نگاه داشت.

### دادخواهی پولس به قیصر

۲۵ فستوس سه روز بعد از رسیدنش به آن ولایت، از قیصریه به اورشلیم رفت. ۲ و سران کاهنان و بزرگان قوم یهود در حضور او اتهامشان را برعلیه پولس ارائه دادند و اصرار ورزیده ۳ از او خواستند بر ایشان مِنّت نهاده، پولس را به اورشلیم بفرستد، زیرا در کمین بودند تا او را در راه بکشند. ۴ فِستوس پاسخ داد که پولس در قیصریه نگاه داشته شده و او خود نیز قصد دارد که به زودی به آنجا برود. ۵ و گفت: «پس، رهبرانتان همراه من بیایند، و اگر در این مرد خطایی باشد، شکایت خود را علیه او مطرح کنند.»

۶ فِستوس پس از حدود هشت تا ده روز که با آنها بود، به قیصریه رفت. و روز بعد، بر مسند محکمه نشست و امر کرد تا پولس را بیاورند. ۷ چون او وارد شد، یهودیانی که از اورشلیم آمده بودند، گِردش ایستاده، اتهاماتی زیاد و سنگین بر او وارد می‌کردند، امّا نتوانستند آنها را ثابت کنند.

۸ پولس در دفاع از خود گفت: «نه به شریعت یهود خطایی کرده‌ام، نه به معبد، و نه به قیصر.»

۹ لیکن فِستوس که می‌خواست مِنّتی بر یهودیان بگذارد، به پولس گفت: «آیا می‌خواهی به اورشلیم بروی تا در آنجا برای این اتهامات در حضور من محاکمه شوی؟»

۱۰ اما پولس گفت: «در محکمه قیصر ایستاده‌ام که در آن می‌باید محاکمه شوم. من نسبت به یهودیان هیچ خطایی مرتکب نشده‌ام، چنانکه شما خود به خوبی می‌دانید. ۱۱ پس اگر خطایی کرده‌ام یا عملی که مستوجب مرگ باشد، از مردن ابایی ندارم. امّا اگر اتهاماتی که اینان بر من می‌زنند، بنیادی

ندارد، هیچ کس نمی‌تواند مرا به ایشان تسلیم کند. از قیصر دادخواهی می‌کنم.»
۱۲ آنگاه فِستوس پس از مشورت با اعضای شورای خود پاسخ داد: «از قیصر دادخواهی می‌کنی؟ پس به حضور قیصر خواهی رفت.»

## پولس در حضور آگریپاس و برنیکی

۱۳ پس از گذشت چند روز، آگریپاسِ پادشاه و بِرنیکی برای خوشامدگویی فِستوس، به قیصریه آمدند. ۱۴ چون روزهایی بسیار در آنجا می‌ماندند، فِستوس قضیه پولس را با پادشاه در میان گذاشته، گفت: «مردی هست که فِلیکس او را در زندان نگاه داشته است. ۱۵ و وقتی من در اورشلیم بودم، سرانِ کاهنان و مشایخ یهود شکایتشان را بر علیه او آوردند و خواستار محکومیتش شدند.
۱۶ به آنها جواب دادم که رومیان را رسم نیست که کسی را تسلیم کنند، پیش از آنکه متهم با اتهام زنندگانش روبرو شود و فرصتی داشته باشد تا بتواند در مقابل اتهامات، از خود دفاع کند. ۱۷ پس وقتی که با هم در اینجا گرد آمدند، درنگ نکردم، بلکه روز بعد، بر مسندم نشستم و دستور دادم او را بیاورند.
۱۸ وقتی شاکیانش برخاستند، او را به هیچ یک از اتهاماتی که من انتظار داشتم، متهم نکردند.
۱۹ بلکه بر سر چند نکته در خصوص دین خود منازعه می‌کردند و در خصوص عیسی نامی که مرده بود، لیکن پولس اعلان می‌کرد که زنده است. ۲۰ چون من عاجز بودم از اینکه این‌گونه مسائل را چگونه بررسی کنم، از او پرسیدم آیا می‌خواهد به اورشلیم برود تا در آنجا برای آنها محاکمه شود. ۲۱ اما چون پولس از قیصر دادخواهی کرد و خواست تا صدور رأیِ او در حبس بماند، دستور دادم او را نگاه بدارند، تا بتوانم او را نزد قیصر بفرستم.»
۲۲ آگریپاس به فِستوس گفت: «مایلم خودم سخنانش را بشنوم.»
گفت: «فردا او را خواهید شنید.»
۲۳ پس روز بعد، آگریپاس و بِرنیکی با کبکبه‌ای بزرگ آمدند و همراه با فرماندهان نظامی و مردان سرشناسِ شهر وارد تالار عام شدند. آنگاه به دستور فِستوس، پولس را به داخل آوردند. ۲۴ فِستوس گفت: «ای آگریپاس پادشاه، و همه آنها که با ما هستید، این مرد را می‌بینید که تمامی جماعت یهود، چه در اورشلیم و چه در اینجا، نزد من شکایت کرده، فریاد می‌زنند که دیگر نباید زنده بماند. ۲۵ امّا من دریافتم که او کاری سزاوار مرگ نکرده است. و چون او خود از قیصر دادخواهی کرد، تصمیم گرفتم که او را بفرستم. ۲۶ امّا موردی مشخص ندارم که درباره او به سرورم بنویسم. از این جهت او را به حضور همه شما، بخصوص به حضور شما، ای آگریپاس پادشاه، آورده‌ام تا پس از بررسی، شاید چیزی برای نوشتن داشته باشم.
۲۷ زیرا به نظرم منطقی نمی‌رسد که زندانی را بدون ذکر اتهاماتی که بر علیه اوست، بفرستم.»

## دفاع پولس در حضور آگریپاس

۲۶ پس آگریپاس به پولس گفت: «اجازه داری در دفاع از خود صحبت کنی.»
آنگاه پولس دست خود را دراز کرد و دفاعیه خود را عرضه داشت: ۲ «ای آگریپاسِ پادشاه، خود را نیکبخت می‌شمارم که امروز در حضور شما، درباره همه اتهامات یهودیان از خود دفاع کنم، ۳ بخصوص اینکه می‌دانم شما با همه

رسوم و مباحثات یهودیان آشنا هستید. از این رو استدعا دارم صبورانه مرا بشنوید.
۴ شیوه زندگی من از جوانی، که از همان ابتدا در میان قوم خود و در اورشلیم به سر می‌بردم، بر تمامی یهودیان معلوم است. ۵ آنها از دیرباز می‌دانند، اگر بخواهند شهادت دهند که چون یک فریسی مطابق دقیقترین رسوم مذهب‌مان، زندگی کرده‌ام. ۶ و اینک به سبب امید من به وعده‌ای که خدا به پدرانمان داده، محاکمه می‌شوم. ۷ همانی که دوازده قبیله ما از صمیم قلب، شب و روز به امید دستیابی به آن عبادت می‌کنند. و ای پادشاه، به سبب همین امید است که یهودیان مرا متهم می‌کنند. ۸ چرا برای شما باور نکردنی است که خدا مردگان را برخیزانَد؟
۹ من خود نیز معتقد بودم که می‌بایست در ضدّیت با نام عیسی ناصری کارهای بسیار می‌کردم. ۱۰ و در اورشلیم هم چنین کردم. نه فقط بسیاری از مقدسین را با دریافت مجوز از روسای کاهنان در زندان حبس نمودم، بلکه چون به مرگ محکوم می‌شدند، علیه آنها رأی می‌دادم. ۱۱ و بارها ایشان را در همه کنیسه‌ها مجازات کردم و کوشیدم وادارشان کنم تا کفر بگویند و در شدت خشم خود نسبت به آنها، ایشان را حتی تا شهرهای دور آزار رسانیدم.

## پولس از ایمان خود می‌گوید

۱۲ در این میان، با اجازه و حکم سران کاهنان، به دمشق رفتم. ۱۳ هنگام نیمروز، ای پادشاه، در راه نوری از آسمان دیدم، درخشانتر از خورشید، که گِرد من و همراهانم تابید. ۱۴ و وقتی همه به زمین افتادیم، صدایی شنیدم که به زبان عبرانی به من می‌گفت: "ای شائول، ای شائول، چرا مرا آزار می‌رسانی؟ تو را لگد زدن بر میخها دشوار است!"
۱۵ من گفتم: "ای خداوند، تو کیستی؟"
و خداوند گفت: "من عیسی هستم، همان که تو او را آزار می‌رسانی. ۱۶ لیکن برخیز و بر پای خود بایست، زیرا به این سبب به تو ظاهر شده‌ام تا تو را خادم و شاهد گردانم بر آنچه در آن مرا دیده‌ای و بر آنچه در آنها به تو ظاهر خواهم شد. ۱۷ من تو را از قوم خود و از غیریهودیانی که تو را نزدشان می‌فرستم رهایی خواهم بخشید ۱۸ که چشمان ایشان را باز کنی، تا از تاریکی به نور، و از قدرت شیطان به سوی خدا بازگردند، تا آمرزش گناهان بیابند و در میان آنها که از طریق ایمان تقدیس شده‌اند، جایی داشته باشند."
۱۹ بنابراین، ای آگریپاس پادشاه، از رؤیای آسمانی نااطاعتی نکردم. ۲۰ بلکه نخست به ساکنان دمشق، سپس در اورشلیم و در تمامی منطقه یهودیه، و نیز به غیریهودیان اعلان کردم که باید توبه کنند و به سوی خدا بازگشت نمایند و اعمالی شایسته توبه به جا آورند. ۲۱ به همین سبب یهودیان مرا در معبد گرفتار کردند و کوشیدند مرا بکشند. ۲۲ تا به امروز، از کمک خدا برخوردار بوده‌ام و اینجا ایستاده‌ام تا به کوچک و بزرگ، شهادت دهم و چیزی نمی‌گویم جز آنچه پیامبران و موسی گفتند که می‌بایست واقع شود: ۲۳ که مسیح باید رنج ببیند و اینکه نخستین باشد که از میان مردگان برمی‌خیزد، تا روشنایی را به قوم ما و دیگر قومها اعلان کند.»
۲۴ و چون او با این سخنان از خود دفاع می‌کرد، فِستوس به صدای بلند گفت: «پولس، عقل خود را از دست داده‌ای! دانشِ بسیارت، تو را دیوانه کرده است.»

۲۵ اما پولس گفت: «من دیوانه نیستم،
عالیجناب فِستوس، بلکه حقیقت را می‌گویم،
سخنانم عاقلانه است. ۲۶ زیرا پادشاه از این
امور آگاه است و من دلیرانه با ایشان سخن
می‌گویم، چون یقین دارم هیچ یک از اینها از
توجه ایشان به دور نمانده، چرا که این چیز
در خلوت روی نداده است. ۲۷ ای آگریپاسِ
پادشاه، آیا به پیامبران ایمان دارید؟ می‌دانم که
دارید.»
۲۸ آگریپاس به پولس گفت: «به این زودی
متقاعدم می‌کنی که مسیحی شوم؟»
۲۹ پولس گفت: «از خدا می‌خواهم که دیر
یا زود، نه تنها شما، بلکه همه کسانی که
امروز مرا می‌شنوند، مثل من گردند، جز این
زنجیرها!»
۳۰ آنگاه پادشاه برخاست و والی و بِرنیکی و
آنهایی که با ایشان نشسته بودند، برخاستند.
۳۱ و وقتی بیرون می‌رفتند، به یکدیگر گفتند:
«این مرد عملی سزاوار مرگ یا زندان نکرده
است.»
۳۲ و آگریپاس به فِستوس گفت: «اگر این
مرد از قیصر دادخواهی نکرده بود، می‌شد او را
آزاد کرد.»

### پولس از راه دریا به سوی روم

۲۷ پس چون تصمیم گرفته شد که از
راه دریا به ایتالیا برویم، پولس و چند
زندانی دیگر را به افسری از سپاه اگوستوس
تحویل دادند که نامش یولیوس بود. ۲ و به
یک کشتی از آدرامیتیوم سوار شدیم که به
بندرهای ایالت آسیا می‌رفت. حرکت کردیم و
آریستارخوسِ مقدونی، از تسالونیکی، همراه ما
بود.
۳ روز بعد به صیدون رسیدیم و یولیوس به
پولس لطف کرد و اجازه داد نزد دوستان خود
برود تا نیازهایش را تأمین کنند. ۴ و از آنجا
روانه شده، از کناره بادپناه قپرس گذشتیم،
زیرا باد مخالف ما بود. ۵ و بعد از آنکه در
دریا در طول سواحل کیلیکیه و پامفیلیه پیش
رفتیم، به میرا، در لیکیه رسیدیم. ۶ در آنجا
افسر رومی یک کشتی از اسکندریه را یافت
که به ایتالیا می‌رفت و ما را سوار آن کرد.
۷ چند روزی در دریا به آهستگی پیش رفتیم
و به سختی به کنیدوس رسیدیم. و از آنجا
که باد نمی‌گذاشت که پیشتر برویم، در کناره
بادپناه کریت، تا به مقابل سالمونی راندیم. ۸ به
سختی از کنار ساحل گذشتیم و به جایی به
نام 'بنادر نیک' رسیدیم که در نزدیکی شهر
لاسائیه بود.
۹ چون زمان زیادی گذشته بود و سفر دریایی
حال در این وقت خطرناک می‌بود زیرا حتی
ایام روزه نیز سپری شده بود، پولس ایشان
را نصیحت کرده، ۱۰ گفت: «آقایان، می‌دانم
که این سفر پرخطر و پرضرر خواهد بود و
نه فقط برای بار و کشتی، بلکه برای جانهای
ما نیز.» ۱۱ امّا افسر رومی به ناخدا و صاحب
کشتی بیشتر توجه کرد تا به آنچه که پولس
می‌گفت. ۱۲ و چون آن بندر مناسب نبود که
زمستان را در آنجا سپری کنند، اکثریت تصمیم
گرفتند که به دریا بزنند و بخت یاری‌شان کند
و به نحوی به فینیکس برسند که بندری در
کریت و رو به جنوب غربی و نیز شمال غربی
بود. و زمستان را در آنجا بگذرانند.

**۹:۲۷** یا "کفّاره"؛ سفر دریایی در این فصل از سال که مصادف با ایام روزه یا کفّاره بود، خطرناک بود.

## توفان در دریا

۱۳ و چون باد جنوبی به ملایمت وزیدن
گرفت، گمان کردند که به هدف خود دست
یافته‌اند؛ پس لنگر را برداشتند و در امتداد
کریت نزدیک به ساحل به پیش راندند. ۱۴ امّا
طولی نکشید که بادی شدید، معروف به باد
شمال شرقی، از خشکی وزیدن گرفت. ۱۵ و
چون کشتی گرفتار شد و نتوانست رو به باد
پیش رود، خود را به باد سپردیم و با آن رانده
شدیم. ۱۶ و در زیر بادپناه جزیره‌ای کوچک به
نام کُودا پیش رفتیم و به سختی توانستیم قایق
کشتی را در جای خود محکم نگاهش داریم.
۱۷ پس ایشان به کمک طنابها، اطراف کشتی
را بستند. و از ترسِ به گِل نشستن در سیرتیس
لنگر کشتی را پایین فرستادند و در مسیر باد
رانده شدند. ۱۸ از آنجا که به شدت در تلاطم
توفان گرفتار شدیم، ایشان روز بعد محموله
کشتی را به دریا انداختند. ۱۹ و در روز سوّم،
با دست خود لوازم کشتی را به دریا انداختند.
۲۰ و چون روزهای بسیار نه آفتاب دیدیم و
نه ستارگان و توفانی شدید نیز بر ما حاکم بود،
همه ما امید نجات را از دست دادیم.
۲۱ و چون مدتها بدون غذا بودند، پولس
در میان ایشان ایستاد و گفت: «ای مردان،
شما می‌بایست حرف مرا گوش می‌کردید و از
کریت سفر نمی‌کردید و این آسیب و زیان
را نمی‌دیدید. ۲۲ با این حال نیز به شما اصرار
می‌کنم که دل قوی دارید، زیرا آسیبی به جان
هیچ یک از شما نخواهد رسید؛ فقط به
کشتی. ۲۳ زیرا دیشب فرشته خدایی که از آنِ
او هستم و او را می‌پرستم، در کنارم ایستاد
۲۴ و گفت: "ای پولس، نترس، تو باید در
حضور قیصر حاضر شوی، و اینک، خدا همه
همسفرانت را به تو بخشیده است." ۲۵ پس
ای مردان، دل قوی دارید، زیرا به خدا ایمان
دارم که همان‌طور که به من گفته است،
خواهد شد. ۲۶ امّا باید در جزیره‌ای به گِل
بنشینم.»
۲۷ و چون شب چهاردهم رسید، ما هنوز در
دریای آدریاتیک از این سو به آن سو رانده
می‌شدیم که نزدیک نیمه‌شب، ملاحان گمان
بردند به خشکی نزدیک می‌شوند. ۲۸ پس عمق
آب را اندازه گرفتند و دریافتند که بیست
قامت است. کمی جلوتر رفته، بار دیگر عمق
آب را اندازه گرفتند و دریافتند که پانزده قامت
است. ۲۹ و از ترس آنکه به صخره‌ها برخورد
کنیم، چهار لنگر از عقب کشتی انداختند، و
دعا می‌کردند که روز شود. ۳۰ و چون ملاحان
به قصد فرار از کشتی، قایق نجات را به
جانب آب پایین فرستاده بودند به این بهانه
که می‌خواهند لنگرها را از جلوی کشتی به دریا
بکشند، ۳۱ پولس به افسر و سربازان گفت:
«اگر این مردان در کشتی نمانند، نمی‌توانید
نجات پیدا کنید.» ۳۲ پس سربازان طنابهای
قایق نجات را بریدند و گذاشتند که بیفتد.
۳۳ چون روز می‌شد، پولس همه را اصرار
کرد که چیزی بخورند. و گفت: «امروز
چهاردهمین روز است که انتظار کشیده‌اید و
بی‌غذا مانده، چیزی نخورده‌اید. ۳۴ از این رو
اصرار می‌کنم کمی غذا بخورید، که به شما
قوت خواهد داد، زیرا مویی از سر هیچ یک از

**۱۴.۲۷** در برخی ترجمه‌ها، "اورکلیدون" **۱۶.۲۷** در برخی از نسخ، کلاودا **۱۷:۲۷** یا: «بادبان را پایین کشیدند».
**۲۷:۲۷** در آن زمان دریای آدریاتیک، آبهای بین یونان و ایتالیا و آفریقا را نیز شامل می‌شد. **۲۸:۲۷** هر "قامت" معادل درازای هر دو دست است؛ حدود ۲ متر.

شما کم نخواهد شد.» ۳۵ و چون این را گفت، نان را گرفت و در مقابل همه خدا را شکر کرده، نان را پاره نمود و مشغول خوردن شد. ۳۶ پس همه دلگرم شدند و غذا خوردند. ۳۷ و ما در کشتی، جمعا دویست و هفتاد و شش نفر بودیم. ۳۸ و چون به حد کافی خوردند، گندم را به دریا ریختند تا کشتی را سبک کنند.

### درهم شکستن کشتی

۳۹ حال وقتی که روز شد، خشکی را نشناختند، امّا متوجه خلیجی شدند که ساحلی شنی داشت. پس بر آن شدند که در صورت امکان کشتی را در آنجا به گِل بنشانند. ۴۰ پس طناب لنگرها را بریدند و آنها را در دریا رها کردند و طنابهای سکان را نیز باز کردند. سپس، بادبانِ کشتی را در مسیر باد بالا کشیده، به سوی ساحل پیش رفتند. ۴۱ امّا کشتی به یکی از صخره های زیر آب برخورده، به گِل نشست. و جلوی کشتی گیر کرد و بی‌حرکت ماند، و عقب کشتی در اثر ضربات امواج درهم شکست.

۴۲ سربازان در صدد کشتن زندانیان برآمدند مبادا کسی شناکنان بگریزد. ۴۳ امّا افسر رومی که می‌خواست پولس را نجات دهد، آنها را از این قصد بازداشت و دستور داد نخست کسانی که می‌توانند شنا کنند، خود را به دریا بیاندازند و به خشکی برسانند. ۴۴ و بقیه روی الوارها یا قطعات کشتی، خود را به خشکی رساندند. بدین‌گونه همه به‌سلامت به خشکی رسیدند.

### پولس در جزیره مالت

۲۸ چون به سلامت رسیدیم، دریافتیم که آن جزیره مالت نام دارد. ۲ و مردمان بومی به ما کمال مهربانی را نشان دادند. و چون باران می‌بارید و هوا سرد بود، برای ما آتش افروختند و ما را پذیرا شدند. ۳ وقتی پولس مقداری هیزم گرد آورد و آنها را روی آتش گذاشت، به علت حرارتِ آتش، ماری بیرون آمد و به دستش چسبید. ۴ بومیان چون دیدند که مار از دست او آویزان است، به یکدیگر گفتند: «بی‌شک این مرد قاتل است که گرچه از دریا نجات یافت، عدالت نمی‌گذارد زنده بماند.» ۵ امّا او مار را در آتش انداخت و هیچ آسیبی ندید. ۶ ایشان انتظار داشتند که او وَرَم کند یا اینکه ناگهان بیفتد و بمیرد. امّا پس از انتظار بسیار، چون دیدند هیچ آسیبی به او نرسید، فکرشان عوض شد و گفتند او از خدایان است.

۷ حال در آن نزدیکی زمینهایی بود که به رئیس جزیره تعلق داشت. نام او پوبلیوس بود و ما را به منزل خود دعوت کرد و سه روز به‌گرمی از ما پذیرایی نمود. ۸ از قضا، پدر پوبلیوس مریض افتاده بود و تب و اسهال داشت. پولس نزد او رفت و دعا کرد و دستها بر او گذاشته، شفایش داد. ۹ و چون این امر واقع شد، سایر بیماران جزیره نیز آمدند و شفا گرفتند. ۱۰ آنها ما را احترام بسیار کردند، و چون آماده رفتن می‌شدیم، هرآنچه نیاز داشتیم برایمان فراهم کردند.

## رسیدن پولس به روم

۱۱ پس از سه ماه، با کشتی‌ای که زمستان
را در جزیره مانده بود، راهی دریا شدیم. آن
کشتی از اسکندریه بود و علامت جوزا داشت.
۱۲ و به سیراکوز رسیده، در آنجا سه روز
توقف کردیم. ۱۳ سپس از آنجا دور زدیم و به
ریگیون رسیدیم. و بعد از یک روز باد جنوبی
برخاست، و روز دوم به پوتیولی رسیدیم.
۱٤ آنجا برادرانی را یافتیم که از ما دعوت
کردند هفت روز با ایشان بمانیم. و سرانجام به
روم رسیدیم. ۱۵ و برادرانِ آنجا وقتی درباره ما
شنیدند، تا بازار آپیوس و ’سه میخانه‘ آمدند
تا از ما استقبال کنند. پولس با دیدن ایشان
خدا را شکر کرد و قوّت‌قلب یافت. ۱٦ و چون
به روم رسیدیم، به پولس اجازه داده شد با یک
سربازِ محافظ در منزل خود بماند.

## پولس در روم

۱۷ بعد از سه روز، او بزرگان محلی یهود
را خواند و چون گرد آمدند، بدیشان گفت:
«ای برادران، گرچه من کاری بر ضدّ قوم خود
یا رسوم پدرانمان نکرده بودم، با این وجود
مرا چون یک زندانی از اورشلیم به دستهای
رومیان تحویل دادند. ۱۸ بعد از آنکه از من
بازخواست کرده بودند، بر آن شدند که آزادم
کنند، زیرا در من جرمی که سزاوار مرگ باشد،
نیافتند. ۱۹ امّا چون یهودیان اعتراض کردند،
ناچار شدم از قیصر دادخواهی کنم، گرچه
از قوم خود شکایت نداشتم. ۲۰ پس به همین
سبب خواسته‌ام شما را ببینم و با شما صحبت
کنم زیرا به‌خاطر امید اسرائیل است که به این
زنجیر بسته شده‌ام.»
۲۱ آنها به وی گفتند: «ما هیچ نامه‌ای از
یهودیه درباره تو دریافت نکرده‌ایم، و هیچ‌یک
از برادرانی که از آنجا آمده‌اند، خبری یا سخنی
بد درباره تو نگفته‌اند. ۲۲ ولی مایلیم از تو در
مورد نظراتت بشنویم، زیرا می‌دانیم که در هر
جا بر ضدّ این فرقه سخن می‌گویند.»
۲۳ وقتی روزی را برایش تعیین کردند،
بسیاری نزد او به محل اقامتش آمدند. و او
از صبح تا شب، به تفصیل درباره پادشاهی
خدا با آنان سخن گفت و کوشید از تورات
موسی و کتب پیامبران، آنها را درباره عیسی
مجاب کند. ۲٤ بعضی سخنان او را پذیرفتند،
امّا دیگران ایمان نیاوردند. ۲۵ و با یکدیگر جرّ
و بحث می‌کردند که با این سخن پولس از آنجا
رفتند: «روح‌القدس به واسطه اِشعیای نبی به
پدران شما نیکو گفت:

۲٦ ”نزد این قوم برو و بگو،
’به راستی خواهید شنید،
امّا هرگز نخواهید فهمید؛
به راستی خواهید دید،
امّا هرگز درک نخواهید کرد.‘
۲۷ زیرا دل این قوم سخت شده،
گوشهایشان سنگین گشته،
و چشمان خود را بسته‌اند،
مبادا با چشمانشان ببینند،
و با گوشهایشان بشنوند،
و در دلهای خود بفهمند
و بازگشت کنند

**۱۱:۲۸** ”جوزا“ یا ”دو پیکر“، نام برج سوّم از دوازده برج فلکی است. این برج، علامت خدایان دوقلوی یونان به نامهای ”کاستُر“ و ”پولوکُس“ بود که ملوانان آنها را خوش‌یُمن می‌دانستند و می‌پرستیدند.

تا من ایشان را شفا بخشم.“
۲۸ پس بر شما معلوم باد که این نجات
خدا نزد غیریهودیان فرستاده شده است و آنها
گوش خواهند داد.» ۲۹ پس از آنکه این را
گفت، یهودیان رفتند، و با یکدیگر جرّ و بحث
بسیار می‌کردند.
۳۰ پولس دو سال تمام در خانه اجاره‌ای
خود اقامت داشت و همه کسانی را که نزدش
می‌آمدند، می‌پذیرفت. ۳۱ او پادشاهی خدا را
اعلان می‌کرد و با تمامی جرئت و بی‌ممانعت
درباره عیسی مسیح خداوند تعلیم می‌داد.

**۲۷،۲٦:۲۸** اِشعیا ۹:۶ و ۱۰.

# نامهٔ پولُس رسول به رومیان

## نکاتی چند درباره نامه به رومیان

آن‌طور که از محتوای خود رساله برمی‌آید، پولُس می‌خواست پیش از دیدار خود از کلیسای شهر رُم، باور و اعتقادی را که موعظه می‌کرد، با آنها هم در میان گذارد. پولُس خود تا به حال در این کلیسا که بیشتر مجموعه‌ای از کلیساهای خانگی بود، خدمت نکرده بود و قصد داشت که در سر راه خود به اسپانیا مدّتی را در میان آنها بگذراند و به کمک آنها به سفر ادامه دهد.

رساله به رومیان در میان نامه‌های پولُس جایگاه ویژه‌ای دارد و به نوعی آن را می‌توان چارچوب الهیات مسیحی قلمداد کرد. پولُس در این نامه به شکلی بسیار نظام‌مند از وضعیت گناه انسان و نقشه نجات خدا سخن می‌راند و الهیات نظری مسیحیت را با الهیات عملی آن، به شکلی شیوا در مقابل چشم قرار می‌دهد. رساله به رومیان به نوعی خلاصه تمامی کتاب مقدس است.

### تقسیم‌بندی کلّی

- مقدمه (۱:۱-۱۵)
- طرح موضوع نامه (۱۶:۱ و ۱۷)
- نیاز تمامی بشر به نجات (۱۸:۱ تا ۲۰:۳)
- طریق خدا برای نجات بشر (۲۱:۳ تا ۲۵:۴)
- زندگی و حیات تازه در مسیح (فصل‌های ۵ تا ۸)
- قوم اسرائیل در نقشهٔ خدا (فصل‌های ۹ تا ۱۱)
- مَنِش و رفتار مسیحی (۱:۱۲ تا ۱۳:۱۵)
- بخش پایانی و سلامهای شخصی (۱۴:۱۵تا ۲۷:۱۶)

۱ پولس، خادم مسیح عیسی، رسول
خوانده شده و جدا شده برای انجیلِ
خدا، ۲ که خدا از پیش، به واسطه پیامبران
خود، وعده‌اش را در کتب مقدّس داده بود،
۳ درباره پسرش، که از نسل داوود بر حسب
جسم به دنیا آمد، ۴ و به عنوان پسر خدا در
قوت آشکار شد برحسب روح قدوسیت به
رستاخیزش از مردگان، یعنی خداوند ما عیسی
مسیح. ۵ که ما به واسطه او فیض و رسالت
را یافتیم تا اطاعت ایمان را به سبب نام او
در همه قومها بیاوریم، ۶ و از جمله شما که
خوانده شده‌اید تا از آنِ عیسی مسیح باشید؛
۷ به همه آنان که در روم، محبوب خدایند
و خوانده شده‌اند که مقدسین باشند:
فیض و سلامتی از جانب خدا، پدر ما، و
خداوندْ عیسی مسیح، بر شما باد.

---

**۱:۱** یا "غلام". **۷:۱** منظور قومِ مقدّسِ خدا یعنی مؤمنان به عیسی مسیح است؛ همچنین در بقیه عهدجدید.

## اشتیاق به رفتن به روم

۸ نخست، خدای خود را به واسطه عیسی
مسیح، به‌خاطر همه شما شکر می‌کنم، زیرا
ایمان شما در همه دنیا شهرت یافته است.
۹ زیرا خدایی که او را به روح خود در
انجیل پسرش خدمت می‌کنم، مرا شاهد است
که پیوسته شما را یاد می‌نمایم ۱۰ و دائم
در دعاهایم می‌طلبم که شاید به اراده خدا
سرانجام به دیدار شما موفق شوم. ۱۱ زیرا
مشتاق دیدارتان هستم که نعمتی روحانی به
شما برسانم تا شما استوار گردید؛ ۱۲ یعنی
تا من و شما هر دو از ایمان یکدیگر دلگرم
شویم. ۱۳ ای برادران، نمی‌خواهم بی‌خبر باشید
که بارها قصد آن داشته‌ام که نزد شما بیایم،
(امّا هر بار مانعی پیش آمده است.) تا بتوانم
در میان شما نیز محصولی برداشت کنم، چنان
که در میان سایر غیریهودیان.
۱۴ من خود را هم به یونانیان و هم به
بَربَرها، هم به حکیمان و هم به جاهلان مدیون
می‌دانم. ۱۵ از این رو، اشتیاق بسیار دارم که
شما را که در روم هستید، بشارت دهم.

## صالح به ایمان زیست می‌کند

۱۶ زیرا از انجیل شرمنده نیستم، چرا که
قدرت خداست برای نجات هر کس که ایمان
آوَرَد، نخست یهود و سپس یونانی. ۱۷ زیرا که
در آن عدالت خدا آشکار می‌شود از ایمان برای
ایمان چنانکه نوشته شده است: «صالح به
ایمان زیست خواهد کرد.»

## غضب خدا بر گناهکار

۱۸ زیرا غضب خدا از آسمان آشکار می‌شود
بر هر گونه بی‌دینی و شرارت انسانهایی که با
شرارت خود حقیقت را سرکوب می‌کنند. ۱۹ زیرا
آنچه از خدا می‌توان شناخت بر آنان آشکار
است، چون خدا آن را بر ایشان آشکار کرده
است. ۲۰ زیرا که صفات نادیدنیِ او را، یعنی
قدرت ابدی و طبیعت الهی او را می‌توان از
ابتدای آفرینش عالم به وسیله کارهایش به
روشنی فهمید. از این رو آنان را هیچ عذری
نیست.
۲۱ زیرا هرچند خدا را شناختند، امّا او را
چون خدا حرمت نداشتند و سپاس نگفتند،
بلکه در اندیشه خود باطل شدند و دلهای
بی‌فهم ایشان تاریک گشت. ۲۲ ادعای حکمت
می‌کردند و احمق گردیدند ۲۳ و جلال خدای
غیرفانی را با تمثالهایی شبیه انسان فانی و
پرندگان و حیوانات و خزندگان معاوضه
کردند.
۲۴ پس خدا نیز ایشان را در شهوات دلشان
به ناپاکی واگذاشت، تا در میان خود، بدنهای
خویش را بی‌حرمت سازند. ۲۵ زیرا که حقیقتِ
خدا را با دروغ معاوضه کردند و مخلوق را به
جای خالق پرستش و خدمت نمودند، خالقی
که تا به ابد متبارک است. آمین.
۲۶ از این سبب خدا ایشان را به شهواتی
شرم‌آور تسلیم نمود. حتی زنانشان، روابط
طبیعی را با روابط غیرطبیعی معاوضه کردند.
۲۷ و همچنین مردان نیز از روابط طبیعی با
زنان دست کشیده، در شهوت نسبت به

---

**۱۴:۱** مقصود از یونانیان، اقوام غیریهود است. **۱۴:۱** "بَربَرها" به مردمان غیریونانی اشاره دارد که زبان یونانی را نمی‌دانستند. **۱۷:۱** یا: "امانت خدا"، یا "عمل صالح شمارنده خدا". **۱۷.۱** یا، آغاز و پایان در ایمان **۱۷.۱** یا، آنکه به ایمان صالح است، خواهد زیست. حبقوق ۲: ٤

یکدیگر سوختند. مردان با مردان مرتکب اعمال شرم‌آور شده، و در خود مکافات سزاوار تقصیرشان را یافتند.
[۲۸] و شناخت خدا را برای خود مناسب ندیدند، خدا نیز آنان را به ذهنی فرومایه واگذاشت تا اعمال ناشایست به جا آورند.
[۲۹] ایشان از هر گونه نادرستی، شرارت، طمع و خباثت پُر بودند. از حسادت، قتل، جدال، فریب و بدخواهی پر هستند. شایعه‌سازند، [۳۰] تهمت‌زن، متنفر از خدا، گستاخ، متکبر، خودستا، مبتکران شرارت، نامطیع والدین، [۳۱] بی‌فهم، بی‌وفا، بی‌عاطفه و بی‌رحم. [۳۲] هرچند حکم صالحانه خدا را می‌دانند که ارتکاب چنین اعمالی مستوجب مرگ است، نه تنها خود، آنها را انجام می‌دهند، بلکه کسانی را نیز که مرتکب آنها می‌شوند، تأیید می‌کنند.

### داوری عادلانه خدا

۲ بنابراین ای آدمی، هر یک از شما که حکم می‌کنید، هیچ عذری ندارید. زیرا چون بر دیگری حکم می‌کنی، خویشتن را محکوم می‌نمایی، زیرا تو که حکم می‌کنی، خود، همان را انجام می‌دهی. [۲] ما می‌دانیم که حکم خدا بر کسانی که این اعمال را به جا می‌آورند، برحق است. [۳] پس تو ای آدمی، که بر دیگران حکم می‌کنی و خود، همان را انجام می‌دهی، آیا گمان می‌کنی که از حکم خدا خواهی رَست؟ [۴] یا اینکه دولت مهربانی، گذشت و صبر او را ناچیز می‌شماری و نمی‌دانی که مهربانی خداست که تو را به توبه می‌کشاند؟
[۵] لیکن به سبب سختدلی و دل ناتوبه‌کارت، غضب را برای خود ذخیره می‌کنی، روزی که در آن داوری عادلانه خدا ظاهر خواهد شد.
[۶] که «هر کس را بر حسب اعمالش جزا خواهد داد.» [۷] او به کسانی که با صبر در انجام اعمال نیکو، در پی جلال و حرمت و بقایند، حیات جاودان خواهد بخشید؛ [۸] امّا بر خودخواهان که حقیقت را اطاعت نمی‌کنند بلکه مطیع بی‌عدالتی هستند، خشم و غضب خود را خواهد ریخت. [۹] بر هر کس که مرتکب بدی می‌شود، عذاب و رنج خواهد بود، اول یهود و سپس یونانی. [۱۰] لیکن جلال و حرمت و سلامتی بر هر کس که نیکویی کند، اول یهود و سپس یونانی. [۱۱] زیرا خدا تبعیض قائل نمی‌شود.

### داوری خدا و شریعت

[۱۲] زیرا همه کسانی که بدون شریعت گناه کرده‌اند، بدون شریعت نیز هلاک خواهند شد؛ و همه کسانی که تحت شریعت گناه کرده‌اند، بر اساس شریعت داوری خواهند شد. [۱۳] زیرا شنوندگانِ شریعت نیستند که در نظر خدا صالح‌اند، بلکه کنندگان شریعت صالح خواهند شد. [۱۴] زیرا وقتی غیریهودیان که شریعت ندارند، اعمال شریعت را بنا به طبیعت به جا می‌آورند، آنان هرچند شریعت ندارند، لیکن برای خود شریعت هستند.
[۱۵] ایشان نشان می‌دهند که اعمال شریعت بر دلهایشان نوشته شده است، چنانکه وجدانشان نیز گواهی می‌دهد و افکار متضادی که دارند، یا آنان را متهم می‌کند و یا تبرئه می‌نماید [۱۶] در آن روز، زمانی که بنا بر بشارت

**۸.۲** یا، ستیزه جویان

**۶:۲** مزمور ۱۲:۶۲ و امثال ۱۲:۲۴.

من، خدا رازهای مردم را به وسیله مسیح عیسی به داوری کشد.
۱۷ لیکن اگر تو که خود را یهودی می‌خوانی
و به شریعت تکیه می‌کنی و در خدا فخر می‌نمایی، ۱۸ و اراده او را می‌دانی و از شریعت
تربیت یافته، بهترینها را برمی‌گزینی، ۱۹ و اگر
مطمئن هستی که تو راهنمای کوران و نور
ظلمت‌نشینان هستی، ۲۰ و مربی ابلهان، معلم
کودکان، و در شریعت کالبد معرفت و حقیقت
را داری، ۲۱ پس ای تو که دیگران را تعلیم
می‌دهی، آیا خود را تعلیم نمی‌دهی؟ تو که بر
ضد دزدی موعظه می‌کنی، آیا خود، دزدی
نمی‌کنی؟ ۲۲ تو که می‌گویی نباید زنا کرد، آیا
خود، زنا نمی‌کنی؟ تو که از بتها نفرت داری،
آیا خود، معابد را غارت نمی‌نمایی؟ ۲۳ تو که
به شریعت فخر می‌کنی، آیا با شکستن شریعت
به خدا بی‌حرمتی نمی‌کنی؟ ۲۴ چنانکه نوشته
شده است: «به سبب شما، نام خدا را در میان
قومها کفر می‌گویند.»
۲۵ زیرا ختنه به راستی هم ارزش دارد اگر
شریعت را اطاعت کنید، امّا اگر شریعت را
بشکنید، ختنه شما نامختونی خواهد شد.
۲۶ پس اگر مردی که نامختون است، اصول
شریعت را به جا آورد، آیا نامختونی او ختنه
شمرده نمی‌شود؟ ۲۷ پس آن که در جسم
نامختون است امّا شریعت را نگاه می‌دارد، تو
را محکوم خواهد کرد که کلام نوشته شده و
ختنه را داری، لیکن شریعت را می‌شکنی.
۲۸ زیرا یهودی آن نیست که به ظاهر یهودی
باشد، و ختنه امری ظاهری و جسمانی نیست.
۲۹ بلکه یهودی آن است که در باطن باشد و
ختنه نیز امری است قلبی به واسطه روح، نه
به واسطه حرف. تحسین چنین کسی از انسان
نیست، بلکه از خدا.

## عدالت خدا استواری می‌دهد

۳ پس یهودی چه مزیتی دارد؟ یا ارزش ختنه
چیست؟ ۲ بسیار از هر لحاظ. اول آنکه
کلام خدا به ایشان به امانت داده شده است.
۳ لیکن چه بگوییم اگر بعضی ایمان
نداشتند؟ آیا بی‌ایمانی ایشان، وفاداری خدا
را باطل می‌سازد؟ ٤ به هیچ وجه! بلکه خدا
راستگو است حتی اگر همه انسانها دروغگو
باشند، چنانکه نوشته شده است:
«تا اینکه، در سخنان خود، برحق شوی،
و چون داوری می‌شوی، غالب آیی.»
۵ امّا اگر نادرستی ما درستی خدا را آشکار
می‌کند، چه بگوییم؟ آیا خدا ناراست است
وقتی‌که بر ما غضب می‌کند؟ به شیوه انسان
سخن می‌گویم. ٦ به هیچ‌وجه! و گرنه خدا
چگونه می‌توانست دنیا را داوری کند؟ ۷ زیرا
اگر به دروغ من راستیِ خدا به جلال بیشتر
می‌انجامد، دیگر چرا بر من هنوز چون گناهکار
حکم می‌شود؟ ۸ و چرا نگوییم: «بدی کنیم
تا نیکویی حاصل شود؟»، چنانکه بعضی بر
ما افترا زده، ادعا می‌کنند که چنین می‌گوییم؟
محکومیت ایشان منصفانه است.

## کسی صالح نیست

۹ پس چه بگوییم؟ آیا ما یهودیان بهتر از
دیگران هستیم؟ نه به هیچ وجه. زیرا پیشتر
ادعا وارد آوردیم که یهود و یونانی هر دو به
گناه گرفتارند. ۱۰ چنانکه نوشته شده است:

**۲۹:۲** منظور نوشته شریعت است. **۹:۳** یا "بدتر".
**۲٤:۲** اِشعیا ۵:۵۲ و حِزقیال ۲۲:۳۶. **٤:۳** مزمور ۴:۵۱.

«صالحی نیست، یکی هم نه؛
۱۱ هیچ‌کس فهیم نیست،
هیچ‌کس جویای خدا نیست.
۱۲ همه رو گردانیده‌اند،
و با هم باطل گشته‌اند.
کسی نیکویی نمی‌کند،
نه حتی یکی.»
۱۳ «گلویشان گوری گشاده است
و زبانشان را برای فریب دادن
به کار می‌برند.»
«زهر مار زیر لبهایشان است؛»
۱۴ «دهانشان پر از
نفرین و تلخی است.»
۱۵ «پایهایشان برای ریختن خون
تند است؛
۱۶ در راههایشان
ویرانی و بدبختی است،
۱۷ و طریق سلامتی را ندانسته‌اند.»
۱۸ «ترس خدا
در چشمانشان نیست.»

۱۹ اکنون می‌دانیم که آنچه شریعت می‌گوید خطاب به کسانی است که زیر شریعتند، تا هر دهانی بسته شود و تمامی دنیا در پیشگاه خدا جوابگو باشد. ۲۰ زیرا هیچ بشری در نظر خدا به اعمال شریعت صالح شمرده نخواهد شد، زیرا شناخت گناه از شریعت حاصل می‌شود.

## عدالت خدا از طریق ایمان

۲۱ امّا اکنون جدا از شریعت، عدالت خدا آشکار شده است، چنانکه شریعت و پیامبران بر آن شهادت می‌دهند. ۲۲ یعنی عدالت خدا از طریق ایمان به عیسی مسیح به جهت همه کسانی‌که ایمان آورند. زیرا که هیچ تفاوت نیست: ۲۳ چون همه گناه کرده‌اند و از جلال خدا کم آورده‌اند، ۲۴ و به فیض او به رایگان صالح شمرده می‌شوند به واسطه آن بهای رهایی که در مسیحْ عیسی است. ۲۵ که خدا او را از پیش معین کرد به عنوان کفّاره گناهان به وسیله خون او که به ایمان حاصل می‌شود. تا عدالت خدا را نشان دهد، زیرا در تحمل الهی خویش، از گناهانی که پیشتر صورت گرفته بود، چشم پوشیده بود. ۲۶ چنین شد تا عدالت خود را در زمان حاضر ابراز کند، و تا او صالح شود و صالح شمارد هر کس را که به عیسی ایمان آورد.

۲۷ پس جای فخرمان کجاست؟ از میان برداشته شده است! توسط چه نوع شریعت؟ شریعت اعمال؟ نه، بلکه توسط شریعت ایمان. ۲۸ زیرا یقین می‌دانیم که انسان به وسیله ایمان و بدون اعمالِ شریعت، صالح شمرده می‌شود. ۲۹ آیا خدا فقط خدای یهودیان است؟ آیا او خدای غیریهودیان نیز نیست؟ البته که او خدای غیریهودیان نیز هست. ۳۰ زیرا خدا واحد است، خدایی که مختونان را به توسط ایمان و نامختونان را از طریق ایمان،

---

**۲۱:۳** یا: "امانت خدا"، یا "عمل صالح شمارندهٔ خدا". **۲۲:۳** یا: «این امانت خدا (عمل صالح شمارندهٔ خدا) از راه ایمانِ (امانتِ) عیسی مسیح است و معطوف به همه کسانی است که ایمان می‌آورند». **۲۴:۳** "بهای رهایی" یا "فدیه". **۲۵:۳** یا: "امانت"، یا "عمل صالح شمارندهٔ"؛ همچنین در آیهٔ ۲۶. **۲۶:۳** یا "امین".

**۱۲:۳** مزمور ۱۴:۱-۳؛ ۵۳:۱-۳؛ جامعه ۷:۲۰. **۱۳:۳** مزمور ۵:۹. **۱۳:۳** مزمور ۱۴۰:۳. **۱۴:۳** مزمور ۱۰:۷. **۱۷:۳** اِشعیا ۵۹:۷ و ۸. **۱۸:۳** مزمور ۳۶:۱.

صالح خواهد شمرد. ۳۱ پس آیا ما شریعت را با
این ایمان باطل می‌سازیم؟ به هیچوجه! بلکه
شریعت را استوار می‌گردانیم.

### ابراهیم به ایمان صالح شمرده شد

٤ پس چه بگوییم، که پدر ما ابراهیم به
حسب جسم، به دست آورد؟ ۲ چرا که
اگر ابراهیم به حسب اعمال صالح شمرده شد،
می‌توانست فخر کند؛ امّا نه در نزد خدا. ۳ زیرا
کتاب چه می‌گوید؟ «ابراهیم به خدا ایمان
آورد و آن برایش صالح بودن محسوب شد.»
٤ امّا کسی که کار می‌کند، مزدش هدیه
محسوب نمی‌شود، بلکه حق او. ۵ امّا کسی
که کار نمی‌کند، بلکه به خدایی ایمان دارد
که بی‌دینان را صالح می‌شمارد، ایمان او برایش
صالح بودن محسوب می‌شود. ٦ چنانکه داوود
نیز مبارک می‌خوانَد کسی را که خدا او را بدون
اعمال صالح می‌شمارد و می‌گوید:
۷ «خوشا به حال آنان که
خطایای ایشان آمرزیده شد
و گناهانشان پوشانیده گردید.
۸ خوشا به حال آن که خداوند
گناه وی را به حسابش نگذارد.»
۹ آیا این خوشا به حال، تنها برای مختونان
است یا برای نامختونان نیز؟ زیرا می‌گوییم
که ایمان ابراهیم برایش صالح بودن محسوب
شد. ۱۰ پس چگونه بر وی محسوب شد؟ آیا
پیش از ختنه شدنش یا بعد از آن؟ بعد از
ختنه شدن نبود، بلکه پیش از آن. ۱۱ او نشانه
ختنه را به عنوان مُهر صالح بودن یافت که وی
از طریق ایمان هنگامی‌که هنوز نامختون بود،
داشت. تا او را پدر همه کسانی سازد که بدون
ختنه ایمان می‌آورند، تا صالح بودن برای ایشان
نیز محسوب شود. ۱۲ و او را پدر مختونان
سازد، آنانی که نه فقط ختنه شدند، بلکه آنانی
هم که در طریق ایمان گام برمی‌دارند، در جای
پای پدرمان ابراهیم پیش از آنکه ختنه شود.

### وعده از طریق ایمان دریافت شد

۱۳ زیرا وعده‌ای که به ابراهیم و نسل او داده
شد که او وارث جهان خواهد بود، از طریق
شریعت حاصل نشد، بلکه از عدالت ایمان.
۱٤ زیرا اگر پیروان شریعت وارث باشند، ایمان
بی‌ارزش می‌شود و وعده باطل. ۱۵ زیرا شریعت
موجب غضب است، امّا جایی که شریعت
نیست، تجاوز از شریعت هم نیست.
۱٦ از این جهت، وعده بر ایمان متّکی است
تا محض فیض باشد و برای تمامی نسل
ابراهیم تضمین شود، نه تنها برای پیروان
شریعت، بلکه برای کسانی نیز که همان
ایمانِ ابراهیم را دارند، که پدر همه ماست.
۱۷ چنانکه نوشته شده است: «تو را پدر
قومهای بسیار ساخته‌ام.» در حضور خدایی
که به او ایمان آورد، که مردگان را حیات
می‌بخشد و ناموجودات را به وجود می‌خواند.
۱۸ او در ناامیدی به امید ایمان آورد تا پدر
قومهای بسیار شود، چنانکه به او گفته شده
بود که «نسل تو چنین خواهد بود.» ۱۹ او
چون بر بدن مرده خود نگاه کرد، در ایمان
خود سست نشد، زیرا حدود صد سال داشت
و نه به رَحِم مرده سارا. ۲۰ هیچ بی‌ایمانی باعث
نشد که او به وعده خدا شک کند، بلکه
در ایمان قوی گشته، خدا را تجلیل نمود.
۲۱ و یقین داشت که خدا قادر است به وعده

**۱۹:٤** یا: «او در ایمان خود سست نشد و بر بدن مردهٔ خویش نظر نکرد».

**۳:٤** پیدایش ۶:۱۵؛ همچنین در آیه ۲۲. **۸:٤** مزمور ۱:۳۲ و ۲. **۱۷:٤** پیدایش ۵:۱۷. **۱۸:٤** پیدایش ۵:۱۵.

خود وفا کند. ۲۲ از این سبب، «ایمان او
برای وی صالح بودن محسوب شد.» ۲۳ ولی
اینکه «برای وی محسوب شد»، تنها برای
او نوشته نشد، ۲٤ بلکه برای ما نیز، تا برای
ما نیز محسوب شود چون ایمان آوریم به او
که خداوندمان عیسی را از مردگان برخیزانید.
۲۵ که به خاطر گناهان ما تسلیم گردید و به
جهت صالح شدنِ ما، برخیزانیده شد.

### سلامتی با خدا از طریق ایمان

۵ پس چون به ایمان صالح شمرده شده‌ایم،
به واسطه خداوندمان عیسی مسیح با
خدا در صلح هستیم. ۲ ما توسط او، از
راه ایمان، به این فیض دسترسی داریم که
در آن استواریم، و به امید جلال خدا فخر
می‌کنیم. ۳ نه تنها این، بلکه در مصیبتها
نیز فخر می‌کنیم، زیرا می‌دانیم که مصیبتها
بردباری به بار می‌آورد ٤ و بردباری، شخصیت،
و شخصیت امید ۵ و امید ما را سرافکنده
نمی‌کند، زیرا محبت خدا توسط روح‌القدس
که به ما بخشیده شد، در دلهای ما ریخته شده
است.
٦ زیرا هنگامی که ما هنوز ضعیف بودیم،
مسیح در زمان مناسب برای بی‌دینان جان
داد. ۷ حال آنکه به‌ندرت کسی برای شخص
صالح بمیرد، هرچند ممکن است برای شخص
نیکو کسی جرات کند که بمیرد. ۸ امّا خدا
محبت خود را نسبت به در این نشان می‌دهد
که هنگامی‌که ما هنوز گناهکار بودیم، مسیح
در راه ما مرد. ۹ پس چقدر بیشتر، اکنون
که توسط خون او صالح شمرده شده‌ایم،
به واسطه او از غضب خدا نجات خواهیم
یافت. ۱۰ زیرا اگر هنگامی که دشمن بودیم، به
واسطه مرگ پسرش با خدا آشتی داده شدیم،
چقدر بیشتر اکنون که در آشتی هستیم، به
وسیله حیات او نجات خواهیم یافت. ۱۱ نه
تنها این، بلکه در خدا نیز فخر می‌کنیم به
واسطه خداوندمان عیسی مسیح که توسط او
آشتی را یافته‌ایم.

### مرگ به واسطه آدم، حیات به واسطه مسیح

۱۲ پس، همان‌گونه که گناه به واسطه یک
انسان وارد جهان شد، و به واسطه گناه مرگ،
پس بدین‌گونه مرگ بر همه مردم چیره گردید،
از آنجا که همه گناه کردند - ۱۳ زیرا پیش
از آنکه شریعت داده شود، گناه به راستی
در جهان بود، امّا گناه محسوب نمی‌شود در
جایی‌که شریعتی نباشد. ۱٤ با این حال از آدم
تا موسی، مرگ سلطنت کرد، حتی بر آنانی که
گناهانشان همانند سرپیچی آدم نبود، که آدم
خود نمونه همانی بود که می‌بایست بیاید.
۱۵ امّا هدیه رایگان همانند نافرمانی نیست.
زیرا اگر به نافرمانی یک انسان بسیاری مردند،
چقدر بیشتر فیض خدا و هدیه رایگان که به
واسطه فیض یک انسان، یعنی عیسی مسیح
فراهم آمد، برای بسیاری افزون گردید. ۱٦ و
هدیه رایگان همانند پیامد گناهِ یک انسان
نیست. زیرا داوری از پی یک نافرمانی، به
محکومیت منتهی شد، امّا هدیه رایگان از پی
نافرمانی‌های بسیار عدالت را آورد. ۱۷ زیرا اگر
به واسطه نافرمانی یک انسان، مرگ از طریق
آن انسان سلطنت کرد، چقدر بیشتر آنانی
که فزونی فیض خدا و هدیه رایگان عدالت
را دریافت کرده‌اند و به وسیله یک انسان

**۲۵:٤** یا: «صالح شدن». **۲:۵** یا "شادی"؛ همچنین در آیات ۳ و ۱۱.

یعنی عیسی مسیح، در حیات سلطنت خواهند نمود.
۱۸ پس همان‌طور که یک نافرمانی به محکومیت همه انسانها انجامید، یک عمل صالحانه نیز به صالح شمرده شدن و حیات همه انسانها منتهی می‌گردد. ۱۹ زیرا چنانکه به نااطاعتی یک انسان، بسیاری گناهکار شدند، پس به اطاعت یک انسان نیز بسیاری صالح خواهند گردید.
۲۰ حال، شریعت آمد تا نافرمانی افزون گردد؛ امّا جایی که گناه افزون شد، فیض بی‌نهایت افزون گردید. ۲۱ تا چنان‌که گناه در مرگ سلطنت کرد، فیض نیز در عدالت سلطنت کند و به واسطه خداوند ما عیسی مسیح، به حیات جاودان هدایت نماید.

### مرده نسبت به گناه و زنده نسبت به خدا

۶ پس چه بگوییم؟ آیا به گناه ادامه دهیم تا فیض افزون گردد؟ ۲ به هیچوجه! ما که نسبت به گناه مردیم، چگونه می‌توانیم در آن زندگی کنیم؟ ۳ آیا نمی‌دانید همه ما که در مسیحْ عیسی تعمید یافتیم، در مرگ او تعمید یافتیم؟ ۴ پس با تعمید یافتن در مرگ، با او دفن شدیم تا همان‌طور که مسیح به جلال پدر، از مردگان برخیزانیده شد، ما نیز در تازگی حیات رفتار کنیم.
۵ پس اگر در چنین مرگی، با وی متحد شده‌ایم، به‌یقین در چنین رستاخیزی نیز با او متحد خواهیم بود. ۶ زیرا می‌دانیم که انسانیت کهنه ما با او مصلوب شد تا جسد گناه معدوم گردد تا دیگر اسیر گناه نباشیم. ۷ زیرا کسی که مرده است، از گناه آزاد شده است.
۸ حال اگر با مسیح مرده‌ایم، ایمان داریم که با او زندگی نیز خواهیم کرد. ۹ زیرا می‌دانیم چون مسیح از مردگان برخیزانیده شده است، دیگر هرگز نخواهد مُرد و مرگ دیگر بر او تسلطی ندارد. ۱۰ زیرا به مرگی که مُرد، یک بار برای همیشه نسبت به گناه مُرد، لیکن حیاتی را که زندگی می‌کند، برای خدا زندگی می‌کند.
۱۱ پس شما نیز خود را نسبت به گناه مرده اِنگارید، امّا در مسیحْ عیسی نسبت به خدا، زنده. ۱۲ پس نگذارید گناه بر بدنهای فانی شما مسلط باشد تا امیال آن را اطاعت کنید. ۱۳ اعضای بدن خود را به گناه عرضه نکنید تا ابزار ناراستی باشند، بلکه خود را به خدا همچون کسانی عرضه کنید که از مرگ به حیات بازگشته‌اند، و اعضای بدن خود را به او بسپارید تا ابزار عدالت باشند. ۱۴ زیرا گناه بر شما تسلط نخواهد داشت، چون زیر شریعت نیستید بلکه زیر فیض.

### غلامان عدالت

۱۵ پس چه؟ آیا گناه کنیم چون زیر شریعت نیستیم، بلکه زیر فیض؟ به هیچوجه! ۱۶ آیا نمی‌دانید که اگر خود را چون بردگانی مطیع تسلیم کسی می‌کنید، بردگان آن کس می‌شوید که از او اطاعت می‌کنید، خواه برده گناه، که به مرگ می‌کشاند، خواه برده اطاعت، که به صالح بودن می‌انجامد؟ ۱۷ امّا خدا را شکر که هرچند بردگان گناه می‌بودید، لیکن به تمامی دل مطیع آن تعلیم گشته‌اید که بدان سپرده شده‌اید. ۱۸ و با آزاد شدن از گناه، بردگان عدالت گشته‌اید.
۱۹ به زبان بشری سخن می‌گویم به سبب محدودیتهای طبیعی که دارید.. زیرا همان‌طور

**۶:۶** واژه یونانی حاوی مفاهیم "زایل شدن"، "بی‌اثر گشتن" و "از قدرت ساقط شدن" نیز می‌باشد.

که اعضای خود را به بردگی ناپاکی و شرارتِ
می‌سپارید که خود به شرارت بیشتر می‌انجامد،
پس اکنون اعضای خود را به بردگی عدالت
بسپارید که به قدّوسیت منتهی می‌شود. ٢٠ زیرا
هنگامی که بردگان گناه بودید، از عدالت
آزاد بودید. ٢١ لیکن در آن زمان، از انجام
اعمالی که اکنون از آنها شرمسارید، چه ثمری
بردید؟ زیرا که نتیجه آن اعمال، مرگ است!
٢٢ امّا اکنون که از گناه آزاد گشته و بردگان
خدا گشته‌اید، ثمری که می‌برید به قدوسیت
می‌انجامد و نتیجه آن حیات جاودان است.
٢٣ زیرا مزد گناه مرگ است، امّا هدیه رایگان
خدا حیات جاودان در خداوند ما مسیحْ
عیساست.

### آزاد از شریعت

٧ ای برادران، آیا نمی‌دانید - زیرا با آنانی
سخن می‌گویم که از شریعت آگاهند - که
شریعت فقط تا زمانی که انسان زنده است
بر او حکم می‌راند؟ ٢ زیرا برحسب شریعت،
زن شوهردار تا زمان زنده بودن شوهرش، به
او بسته است. امّا اگر شوهرش بمیرد، از
شریعت ازدواج آزاد می‌شود. ٣ و بر این اساس
تا زمانی‌که شوهرش زنده است، اگر با مردی
دیگر زیست کند، زناکار خوانده می‌شود. امّا
اگر شوهرش بمیرد، از آن شریعت آزاد است و
اگر با مردی دیگر وصلت کند، زناکار نمی‌باشد.
٤ همچنین، ای برادران من، شما نیز به
واسطه جسد مسیح نسبت به شریعت مرده‌اید
تا از آنِ دیگری شوید، متعلق به او که
از مردگان برخیزانیده شد، تا که برای خدا
ثمر آوریم. ٥ زیرا زمانی که در جسم به سر
می‌بردیم، امیال گناه‌آلودمان که شریعت آنها
را برمی‌انگیخت، در اعضای ما عمل می‌کرد
تا برای مرگ ثمر آوریم. ٦ امّا اکنون با مردن
نسبت به آنچه که در آن اسیر بودیم، از
شریعت آزاد شده‌ایم تا در طریق تازگی روح
خدمت کنیم، نه در کهنه‌گی حروف نوشته
شده.

### شریعت و گناه

٧ پس چه گوییم؟ اینکه شریعت گناه است؟
به هیچوجه! با اینحال اگر به شریعت نبود،
نمی‌دانستم که گناه چیست. زیرا اگر شریعت
نگفته بود «طمع مورز»، نمی‌دانستم طمع
ورزیدن چیست. ٨ امّا گناه از این حکم،
فرصت یافت تا هر نوع طمع را در من پدید
آورد. زیرا جدا از شریعت، گناه مرده است.
٩ زمانی من جدا از شریعت، زنده بودم؛ امّا
چون حکم آمد، گناه زنده گشت و من مُردم.
١٠ همان حکم که حیات را وعده داد، در
مورد من به مرگ انجامید. ١١ زیرا گناه از حکم
فرصت یافته، مرا فریفت و به واسطه آن مرا
کشت. ١٢ بنابراین، شریعت، مقدّس است و
حکم نیز مقدّس، عادل و نیکو.
١٣ پس آیا آنچه نیکوست، برای من مرگ
شد؟ به هیچوجه! این گناه بود که از طریق
آنچه که نیکوست، مرگ را در من پدید آورد
تا گناه بودنش آشکار شود و نهایتش معلوم
گردد.
١٤ زیرا می‌دانیم که شریعت روحانی است،
لیکن من جسمانی و فروخته شده به گناه

---

**٢٣:٦** یا: "به واسطهٔ". **٢.٧** در متن یونانی، از شریعت شوهر **٤:٧** منظور از جسد مسیح، بدن به صلیب کشیده شده مسیح است. **٥:٧** یا: "در وضعیت انسان نفسانی". **٦:٧** منظور نوشته شریعت است.

**٧:٧** خروج ١٧:٢٠ و تثنیه ٢١:٥.

هستم. ۱۵ زیرا نمی‌دانم چه می‌کنم. چونکه آنچه می‌خواهم نمی‌کنم، لیکن آنچه را که از آن متنفرم، به جا می‌آورم. ۱۶ حال اگر آنچه را که نمی‌خواهم، انجام می‌دهم، تایید می‌کنم که شریعت نیکوست. ۱۷ پس حال دیگر من نیستم که آن را انجام می‌دهم، بلکه گناه ،که در من ساکن است. ۱۸ زیرا می‌دانم که در من، هیچ نیکویی ساکن نیست یعنی در نَفْس من. زیرا اشتیاق انجام آنچه که درست است، در من هست، امّا نه آن توان که آن را به جا آورم. ۱۹ زیرا آن عمل نیکو را که می‌خواهم، انجام نمی‌دهم، اما دائم آن عمل بدی را که نمی‌خواهم، به جا می‌آورم. ۲۰ حال اگر آنچه که نمی‌خواهم، به جا می‌آورم، پس دیگر من انجام‌دهنده آن نیستم، بلکه گناهی که در من ساکن است.

۲۱ پس این شریعت را می‌یابم که وقتی می‌خواهم نیکویی کنم، بدی نزد من حاضر است. ۲۲ من در باطن از شریعت خدا خشنودم، ۲۳ امّا شریعتی دیگر در اعضای خود می‌بینم که با شریعت ذهن من در جنگ است و مرا اسیر شریعت گناه می‌سازد که در اعضای من ساکن است. ۲۴ آه که چه مرد بدبختی هستم! کیست که مرا از این جسم مرگ رهایی بخشد؟ ۲۵ به واسطه خداوندمان عیسی مسیح، خدا را سپاس باد!

پس، من با ذهن خود شریعت خدا را بندگی می‌کنم، امّا با جسم خود شریعت گناه را.

## زندگی در روح

۸ پس اکنون برای آنان که در مسیحْ عیسی هستند، دیگر هیچ محکومیت نیست، ۲ زیرا در مسیحْ عیسی، شریعتِ روحِ حیاتْ مرا از شریعتِ گناه و مرگ آزاد کرد؛ ۳ چون آنچه شریعت قادر به انجامش نبود، از آن رو که به سبب جسم ضعیف بود، خدا به انجام رسانید. او پسر خود را به شباهت انسان گناهکار و برای گناه فرستاده، گناه را در جسم محکوم کرد، ۴ تا آنچه شریعت مطالبه می‌کند، در ما کامل گردد، که نه بر طبق جسم بلکه بر طبق روح رفتار می‌کنیم.

۵ زیرا آنانی که برحسب جسم هستند، به آنچه از جسم است می‌اندیشند، امّا آنان که برحسب روح هستند، به آنچه از روح است. ۶ از آنرو که تفکر جسم، مرگ است، امّا تفکر روح، حیات و سلامتی است. ۷ زیرا تفکر جسم دشمنی با خداست، چونکه مطیع شریعت خدا نیست و نمی‌تواند هم باشد، ۸ و کسانی که جسمانی هستند، نمی‌توانند خدا را خشنود سازند.

۹ امّا شما در جسم نیستید، بلکه در روح، البته اگر روح خدا در شما ساکن باشد. و اگر کسی روحِ مسیح را نداشته باشد، او از آنِ وی نیست. ۱۰ امّا اگر مسیح در شماست، هرچند جسم به سبب گناه مرده است، امّا روح برای شما حیات است به سبب عدالت. ۱۱ و اگر روح او که عیسی را از مردگان برخیزانید در شما ساکن باشد، او که مسیح عیسی را از مردگان برخیزانید، به بدنهای فانی شما نیز

**۱۸:۷** یا: «در آن انسانِ نفسانی که من هستم»؛ همچنین در آیه ۲۵. **۱.۸** در برخی از نسخ، اضافه شده: "که نه به حسب جسم، بلکه به حسب روح سلوک نمود." **۳.۸** یا، بعنوان قربانی گناه **۳:۸** یا: «در شباهت انسان گناهکار و برای گناه فرستاد». **۴:۸** یا: "بر طبق خواسته‌ها و معیارهای انسان نفسانی"؛ همچنین در آیهٔ ۱۳. **۸:۸** یا: «در وضع انسان نفسانی به سر می‌برند»؛ همچنین در آیهٔ ۹.

حیات خواهد بخشید به واسطهٔ روح خود که در شما ساکن است.

## هم ارث با مسیح

۱۲ پس ای برادران، مدیون جسم نیستیم، تا بر طبق جسم زندگی کنیم. ۱۳ زیرا اگر بر طبق جسم زندگی کنید، خواهید مرد؛ امّا اگر به وسیله روح، اعمال بدن را بکُشید، خواهید زیست. ۱۴ زیرا آنان که از روح خدا هدایت می‌شوند، پسران خدایند. ۱۵ زیرا که روح بندگی را نیافته‌اید تا باز ترسان باشید، بلکه روح پسرخواندگی را یافته‌اید که به وسیله آن ندا می‌کنیم: «آبّا، پدر.» ۱۶ و روحْ خود با روح ما شهادت می‌دهد که ما فرزندان خدا هستیم. ۱۷ و اگر فرزندانیم، پس وارثان نیز هستیم، یعنی وارثان خدا و هم‌ارث با مسیح. زیرا اگر در رنجهای مسیح شریک باشیم، در جلال او نیز شریک خواهیم بود.

## جلال آینده

۱۸ زیرا می‌دانم، رنجهای زمان حاضر در قیاس با جلالی که در ما آشکار خواهد شد، هیچ است. ۱۹ زیرا خلقت با اشتیاق در انتظار ظهور پسران خدا می‌باشد. ۲۰ زیرا خلقت مطیع بطالت شد، نه به خواست خود، بلکه به سبب او که آن را مطیع کرد، با این امید که ۲۱ خودِ خلقت نیز از بندگی فساد رهایی خواهد یافت تا در آزادی پرجلال فرزندان خدا سهیم شود.

۲۲ زیرا می‌دانیم که تمامی خلقت تا الان با هم در آه کشیدن و درد زایمان می‌باشند. ۲۳ و نه تنها خلقت، بلکه خود ما نیز که نوبر روح را داریم، در درون خویش می‌نالیم، و مشتاقانه در انتظار پسرخواندگی، یعنی رهایی بدنهای خویش هستیم. ۲۴ زیرا که در همین امید نجات یافته‌ایم. امّا امیدی که دیده شد، دیگر امید نیست. زیرا چگونه کسی به امید چیزی باشد که آن را می‌بیند؟ ۲۵ امّا اگر به چیزی امیدواریم که ندیده‌ایم، با صبر انتظارش را می‌کشیم.

۲۶ و همچنین روح نیز ضعف ما را کمک می‌کند. زیرا نمی‌دانیم چگونه باید دعا کنیم. امّا روح با ناله‌هایی بیان‌نشدنی، برای ما شفاعت می‌کند. ۲۷ و او که تفتیش کننده دلهاست، فکر روح را می‌داند، زیرا روح مطابق ارادهٔ خدا برای مقدسین شفاعت می‌کند.

۲۸ و می‌دانیم که برای آنانی که خدا را دوست دارند و بر طبق ارادهٔ او خوانده شده‌اند، همه چیزها با هم برای خیریت در کار است. ۲۹ زیرا آنانی را که از پیش شناخت، ایشان را همچنین از پیش معین فرمود تا به شباهت پسرش درآیند، تا او فرزند ارشد از برادران بسیار باشد. ۳۰ و آنانی را که از پیش معین فرمود، ایشان را نیز خواند؛ و آنانی را که خواند، نیز صالح شمرد، و آنانی را که صالح شمرد، همچنین جلال بخشید.

## محبت ابدی خدا

۳۱ پس به این چیزها چه بگوییم؟ اگر خدا با ماست، کیست بر ضد ما؟ ۳۲ او که پسر خود را دریغ نداشت، بلکه او را در راه همه ما تسلیم نمود، آیا همراه با او همه چیز را به ما نخواهد بخشید؟ ۳۳ کیست که بر برگزیدگان

---

**۱۵:۸** "آبّا" در زبان آرامی به معنی "بابا" است. **۱۶:۸** یا "به". **۲۳:۸** یا: "و نه تنها این". **۲۸:۸** یا: «می‌دانیم خدا در حق آنان که دوستش می‌دارند و بر طبق اراده‌اش فرا خوانده شده‌اند، همه چیز را با هم برای خیریت به کار می‌گیرد» و یا «می‌دانیم که در همه چیزها، خدا برای خیریت کسانی که او را دوست می‌دارند ... مشغول کار است».

خدا اتهام زند؟ خداست که آنها را صالح
می‌شمارد. ۳۴ کیست که محکومشان کند؟
مسیحْ عیسی اوست که مُرد، و نیز برخیزانیده
شد و به دست راست خداست، اوست که
برای ما شفاعت می‌کند! ۳۵ کیست که ما را از
محبت مسیح جدا سازد؟ آیا مصیبت یا رنج
یا جفا یا قحطی یا عریانی یا خطر یا شمشیر؟
۳۶ چنانکه نوشته شده است: «به‌خاطر تو
تمامی روز کشته و چون گوسفندان کُشتاری
شمرده می‌شویم.»
۳۷ بلکه در همه این امور بیش از فاتحان
هستیم، به واسطهٔ او که ما را محبت کرد.
۳۸ زیرا یقین دارم که نه مرگ و نه زندگی، نه
فرشتگان و نه ریاستها، نه چیزهای حال و نه
چیزهای آینده، نه هیچ قدرتی، ۳۹ و نه بلندی
و نه پستی، و نه هیچ چیز دیگر در تمامی
خلقت، قادر خواهد بود ما را از محبت خدا
که در خداوند ما مسیحْ عیسی است، جدا
سازد.

## انتخاب حاکم خدا

۹ در مسیح راست می‌گویم - دروغ
نمی‌گویم؛ و وجدانم در روح‌القدس
مرا شاهد است ۲ که در قلب خود غمی
عظیم و اندوهی پایان ناپذیر دارم. ۳ زیرا
آرزو می‌داشتم که خود در راه برادرانم، که
بر حسب جسم خویشان مَنَند، ملعون شوم
و از مسیح محروم گردم. ۴ آنها اسرائیلی‌اند
و فرزندخواندگی، جلال، عهدها، اعطای
شریعت، عبادت، و وعده‌ها، از آنِ ایشان
است. ۵ پاتریارخها به ایشان تعلق دارند، و
مسیح به حسب جسم از نسل آنان است،
که خدای مافوقِ همه است، متبارک تا به
ابد. آمین.
۶ ولی چنین نیست که گویا کلام خدا به
انجام نرسیده باشد، زیرا نه همه آنها که از
اسرائیل‌اند، به اسرائیل تعلق دارند؛ ۷ و نه
همه آنها که از نسل ابراهیم‌اند، فرزندان او
هستند. بلکه «نسل تو از اسحاق خوانده
خواهد شد.» ۸ یعنی فرزندان جسم نیستند که
فرزندان خدایند، بلکه فرزندان وعده از نسل
شمرده می‌شوند. ۹ زیرا این است آن وعده که
گفت: «سال بعد، در همین وقت مراجعت
خواهم کرد و سارا را پسری خواهد بود.»
۱۰ نه تنها این، بلکه فرزندان رِبِکا نیز از یک
پدر، یعنی از جَد ما اسحاق بودند. ۱۱ امّا پیش
از آنکه آنها به دنیا بیایند، و یا عملی خوب یا
بد انجام دهند - برای اینکه مقصود خدا در
گزینش استوار بماند، نه از راه اعمال، بلکه
به واسطه او که انسان را فرا می‌خواند - ۱۲ به
او گفته شد که «بزرگتر، کوچکتر را خدمت
خواهد کرد.» ۱۳ چنانکه نوشته شده است:
«یعقوب را دوست داشتم، امّا از عیسو نفرت
کردم.»
۱۴ پس چه گوییم؟ آیا نزد خدا بی‌انصافی
است؟ به هیچوجه! ۱۵ زیرا به موسی می‌گوید:

«رحم خواهم کرد
بر هر که رحیم هستم؛
و شفقت خواهم کرد
بر هر که شفقت دارم.»

۱۶ بنابراین، به خواست یا تلاش انسان
بستگی ندارد، بلکه به خدایی که رحم می‌کند.
۱۷ زیرا کتاب به فرعون می‌گوید: «تو را به

**۵.۹** اجداد بزرگ قوم یهود **۷.۹** پیدایش ۲۱: ۱۲ **۹.۹** پیدایش ۱۸: ۱۰ و ۱۴ **۱۲.۹** پیدایش ۲۳:۲۵
**۳۶:۸** مزمور ۲۲:۴۴. **۱۳:۹** مَلاکی ۱:۲ و ۳. **۱۵:۹** خروج ۱۹:۳۳.

همین منظور برانگیختم تا قدرت خود را در
تو آشکار سازم، و تا نام من در سراسر جهان
اعلان گردد.» [۱۸] پس بر هر که بخواهد، رحم
می‌کند و هر که را بخواهد، سختدل می‌سازد.
[۱۹] پس مرا خواهی گفت: «دیگر چرا ما را
سرزنش می‌کند؟ زیرا کیست که بتواند با اراده
او مقاومت کند؟» [۲۰] امّا ای انسان، تو کیستی
که با خدا جدل کنی؟ آیا مصنوع می‌تواند به
صانع خود بگوید «چرا مرا چنین ساختی؟»
[۲۱] آیا کوزه‌گر اختیار بر گِل ندارد که از یک
خمیر گِل، ظرفی برای مصرف مهم و ظرفی
دیگر برای مصرف معمولی بسازد؟
[۲۲] و چه می‌توان گفت اگر خدا که می‌خواهد
غضب خود را آشکار سازد و قدرت خویش را
بشناساند، ظروفِ غضب را که برای هلاکت
آماده شده بودند، با بردباری بسیار تحمل کند
[۲۳] تا بتواند عظمت جلال خود را بر ظروفِ
رحمت که از پیش برای جلال مهیا کرد، معلوم
گرداند. [۲۴] حتی ما را نیز که خوانده است،
نه تنها از یهودیان، بلکه از غیریهودیان نیز.
[۲۵] چنانکه در هوشع می‌گوید:

«آنانی را که قوم من نبودند،
’قوم خویش‘ خواهم خواند،
و او را که محبوب من نبود،
’محبوب خویش‘ خواهم خواند.»

[۲۶] و «در همان جایی که به ایشان گفته شده
بود:

”شما قوم من نیستید“،
در همان جا ’پسران خدای زنده‘
خوانده خواهند شد.»

[۲۷] و اشعیا درباره اسرائیل ندا می‌کند که:
«حتی اگر شمار بنی‌اسرائیل مانند شنهای
دریا باشد، فقط باقیماندگانی از ایشان نجات
خواهند یافت. [۲۸] زیرا خداوند حکم خود را
کامل و بی‌تأمل بر زمین اجرا خواهد کرد.» [۲۹] و
چنانکه اِشعیا پیشگویی کرده است:

«اگر خداوند لشکرها
نسلی برایمان باقی نمی‌گذاشت،
مانند سُدوم می‌شدیم
و همچون عَمورَه می‌گشتیم.»

## بی‌ایمانی قوم اسرائیل

[۳۰] پس چه گوییم؟ غیریهودیانی که در پی
صالح بودن نبودند، آن را به دست آوردند،
یعنی آن صالح بودنی که از ایمان است؛ [۳۱] امّا
اسرائیل که در پی شریعتِ صالح بودن بودند،
آن شریعت را به دست نیاوردند. [۳۲] چرا؟ زیرا
نه از راه ایمان، بلکه از طریق اعمال در پی آن
بودند. آنان به ’سنگ لغزش‘ لغزش خوردند.
[۳۳] چنانکه نوشته شده است:

«هان در صَهیون سنگ لغزش
و صخره رنجش می‌نهم،
و هر کس به او ایمان آورد،
شرمنده نخواهد گردید.»

۱۰ ای برادران، آرزوی قلبی و دعای
من نزد خدا برای ایشان این است
که نجات یابند. [۲] زیرا درباره ایشان شهادت
می‌دهم که برای خدا غیرت دارند، امّا نه از
روی معرفت. [۳] زیرا ناآگاه از عدالت خدا، بر
آن بودند که عدالت شخص خود را ثبات
بخشند و مطیع عدالت خدا نشدند. [۴] زیرا

**۱۷:۹** خروج ۱۶:۹. **۲۰:۹** اِشعیا ۱۶:۲۹ و ۹:۴۵. **۲۵:۹** هوشع ۲۳:۲. **۲۶:۹** هوشع ۱۰:۱. **۲۸:۹** اِشعیا ۲۲:۱۰ و ۲۳. **۲۹:۹** اِشعیا ۹:۱. **۳۳:۹** اِشعیا ۱۴:۸ و ۱۶:۲۸.

مسیح غایتِ شریعت است به جهت صالح شمرده شدن هر کس که ایمان آوَرَد.

### پیام نجات برای همه

۵ زیرا موسی درباره آن صالح بودن که بر اساس شریعت است می‌نویسد که: «هرکس که احکام را بجا آوَرَد، به واسطه آنها زیست خواهد کرد.» ۶ امّا آن صالح بودن که بر اساس ایمان است، می‌گوید: «در دل خود مگو "کیست که به آسمان صعود کند؟"» - یعنی تا مسیح را فرود آورد - ۷ یا «"کیست که به هاویه نزول کند؟"» - یعنی تا مسیح را از دنیای مردگان باز آورد. ۸ لیکن چه می‌گوید؟ «این کلام نزدیکِ تو، در دهان تو، و در دل توست.» یعنی این کلام ایمان است که اعلان می‌کنیم، ۹ زیرا اگر به زبان خود اعتراف کنی که عیسی خداوند است و در دل خود ایمان داشته باشی که خدا او را از مردگان برخیزانید، نجات خواهی یافت. ۱۰ زیرا که انسان به دل ایمان می‌آورد و صالح شمرده می‌شود، و به زبان اعتراف می‌کند و نجات می‌یابد. ۱۱ زیرا کتاب می‌گوید: «هر که به او ایمان آورد، شرمنده نخواهد شد.» ۱۲ زیرا که تفاوتی بین یهود و یونانی نیست، چونکه همان خداوند، خداوندِ همه است و برکات خود را بر همه کسانی که او را می‌خوانند، به‌فراوانی می‌ریزد. ۱۳ زیرا «هر که نام خداوند را بخواند، نجات خواهد یافت.»

۱۴ امّا چگونه کسی را بخوانند که به او ایمان نیاورده‌اند؟ و چگونه به کسی ایمان آورند که از او نشنیده‌اند؟ و چگونه بشنوند، اگر کسی به آنان موعظه نکند؟ ۱۵ و چگونه موعظه کنند، اگر فرستاده نشوند؟ چنانکه نوشته شده است: «چه زیباست پاهای آنانی که خبر خوش را بشارت می‌دهند.» ۱۶ امّا همه مطیع این بشارت نشدند. زیرا اِشعیا می‌گوید: «ای خداوند، چه کسی پیام ما را باور کرده است؟» ۱۷ پس ایمان از شنیدن حاصل می‌شود و شنیدن از طریق کلام مسیح.

۱۸ امّا می‌پرسم: آیا نشنیده‌اند؟ البته که شنیده‌اند، زیرا:

«صدایشان در سراسر زمین
منتشر گردید،
و کلامشان تا به اقصای جهان رسید.»

۱۹ اما می‌پرسم: آیا اسرائیل درک نکرد؟ ابتدا، موسی می‌گوید:

«من شما را به غیرت خواهم آورد
به واسطه آنانی‌که قومی نیستند،
و به واسطهٔ قومی نادان
شما را خشمگین خواهم ساخت.»

۲۰ سپس، اِشعیا به جرأت می‌گوید:

«آنان که مرا جستجو نکردند، مرا یافتند؛
و خود را بر کسانی که مرا نطلبیدند،
آشکار ساختم.»

۲۱ امّا دربارهٔ اسرائیل می‌گوید:

«تمامی روز دستهای خود را دراز کردم
به سوی قومی نامطیع و سرکش.»

### باقیماندگانِ اسرائیل

۱۱ پس می‌پرسم: آیا خدا قوم خود را رد کرده است؟ به هیچوجه! زیرا من

**۴:۱۰** یا "پایان".

**۵:۱۰** لاویان ۵:۱۸. **۶:۱۰** تثنیه ۱۲:۳۰. **۷:۱۰** تثنیه ۱۳:۳۰. **۸:۱۰** تثنیه ۱۴:۳۰. **۱۱:۱۰** اِشعیا ۱۶:۲۸. **۱۳:۱۰** یوئیل ۳۲:۲. **۱۵:۱۰** اِشعیا ۷:۵۲. **۱۶:۱۰** اِشعیا ۱:۵۳. **۱۸:۱۰** مزمور ۴:۱۹. **۱۹:۱۰** تثنیه ۲۱:۳۲. **۲۰:۱۰** اِشعیا ۱:۶۵. **۲۱:۱۰** اِشعیا ۲:۶۵.

خود اسرائیلی‌ام، از نسل ابراهیم و از قبیله بِنیامین. ۲ خدا قوم خود را که از قبل شناخت، رد نکرده است. مگر نمی‌دانید که کتاب درباره ایلیا چه می‌گوید؟ که چگونه او از دست قوم اسرائیل نزد خدا استغاثه می‌کند: ۳ «ای خداوند، انبیای تو را کشته، مذبح‌های تو را ویران کرده‌اند و تنها من باقی مانده‌ام و قصد جان مرا دارند.» ۴ امّا پاسخ خدا به او چه بود؟ اینکه «برای خود هفت هزار نفر نگاه داشته‌ام که به نزد بَعَل زانو نزده‌اند.» ۵ پس همچنین، در زمان حاضر نیز باقیماندگانی هستند که به حسب فیض انتخاب شده‌اند. ۶ امّا اگر از راه فیض است، دیگر بر پایه اعمال نیست؛ وگرنه فیض دیگر فیض نمی‌شد. [امّا اگر از راه اعمال باشد، دیگر بر پایه فیض نیست؛ وگرنه عمل دیگر عمل نیست.]

۷ پس مقصود چیست؟ اینکه اسرائیل آنچه را می‌طلبید، به دست نیاورد. امّا برگزیدگان به دست آوردند و بقیه سخت‌دل شدند. ۸ چنانکه نوشته شده است:

«خدا به ایشان روح رخوت داد،
چشمانی که نبینند
و گوشهایی که نشنوند، تا به امروز.»

۹ و داوود می‌گوید:

«سفره‌شان برای ایشان دام و تله باشد
و سنگ لغزش و مکافات.
۱۰ چشمانشان تار شود تا نتوانند ببینند
و پشت ایشان را تا به ابد
خمیده گردان.»

## پیوند شدن غیر یهودیان

۱۱ پس می‌پرسم: آیا لغزیدند تا بیفتند؟ به هیچوجه! بلکه از نافرمانی آنان، نجات به غیریهودیان رسیده است، تا اسرائیل را به غیرت آورد. ۱۲ حال اگر نافرمانی ایشان دولتمندی جهان گردید و شکست ایشان دولتمندی غیریهودیان، پس چقدر بیشتر پری ایشان همه را شامل خواهد بود!

۱۳ اینک با شما غیریهودیان سخن می‌گویم. از آنجا که من رسول غیریهودیانم، به خدمت خود افتخار می‌کنم، ۱۴ تا این که هم‌نژادان خود را به غیرت آورم و بعضی را نجات دهم. ۱۵ زیرا اگر رد شدنِ ایشان به معنی آشتیِ جهان است، پذیرفته‌شدن‌شان چه خواهد بود، جز حیات از مردگان؟ ۱۶ اگر خمیری که به عنوان نوبر تقدیم می‌شود، مقدّس است، پس تمامی آن خمیر مقدّس می‌باشد؛ و اگر ریشه مقدّس است، پس شاخه‌ها نیز.

۱۷ لیکن اگر بعضی از شاخه‌ها بریده شدند و تو که شاخه زیتون وحشی بودی، در میان شاخه‌های دیگر پیوند شدی و اکنون از شیره مقوّی ریشه درخت زیتون تغذیه می‌کنی، ۱۸ بر آن شاخه‌ها فخر مکن. اگر چنین کنی، به یاد داشته باش که تو حامل ریشه نیستی، بلکه ریشه حامل توست. ۱۹ پس خواهی گفت: «شاخه‌ها بریده شدند تا من پیوند شوم.»

---

**۴.۱۱** در عهد عتیق، بَعَل یکی از خدایان اصلی اقوام کنعانی بود و قوم اسرائیل بارها به پرستش او وسوسه شدند. واژه "بعل" به معنای "ارباب" یا "صاحب" است. مردم کنعان باور داشتند که بعل موجب بارش باران و رشد محصولات می‌شود، بنابراین برای جلب رضایت او، قربانی‌ها، جشن‌ها و حتی اعمال شنیعی مانند فحشای مذهبی انجام می‌دادند.

**۳:۱۱** ۱پادشاهان ۱۹:۱۰ و ۱۴. **۴:۱۱** ۱پادشاهان ۱۸:۱۹. **۸:۱۱** تثنیه ۴:۲۹ و اِشعیا ۱۰:۲۹. **۱۰:۱۱** مزمور ۲۲:۶۹ و ۲۳.

۲۰ درست می‌گویی. آنها به سبب بی‌ایمانی‌شان
بریده شدند و تو به سبب ایمان استوار هستی.
پس مغرور مشو، بلکه بترس. ۲۱ زیرا اگر خدا
بر شاخه‌های طبیعی رحم نکرد، بر تو نیز رحم
نخواهد کرد.
۲۲ پس مهربانی و سختگیری خدا را در نظر
داشته باش؛ سختگیری بر کسانی که افتاده‌اند،
امّا مهربانی خدا بر تو، البته اگر در مهربانی او
ثابت بمانی؛ و گرنه تو نیز بریده خواهی شد.
۲۳ و حتی ایشان، اگر در بی‌ایمانی ادامه ندهند،
باز پیوند خواهند شد، زیرا خدا قادر است
آنها را بار دیگر پیوند زند. ۲۴ زیرا اگر تو از
درختِ زیتونِ وحشی بریده شدی و برخلاف
طبیعت به درختِ زیتونِ آزاد پیوند شدی،
پس چقدر بیشتر شاخه‌های طبیعی به درخت
زیتون خویش پیوند خواهند شد.

### راز نجات اسرائیل

۲۵ ای برادران، نمی‌خواهم از این راز بی‌خبر
باشید، مبادا خود را دانا بپندارید؛ که سختدلی
بر بخشی از اسرائیل حکمفرما شده است، تا
زمانی‌که تعداد غیریهودیان کامل گردند. ۲۶ و
این‌چنین تمامی اسرائیل نجات خواهد یافت.
چنانکه نوشته شده است:

«رهاننده از صَهیون خواهد آمد
و بی‌دینی را از یعقوب
برخواهد داشت.
۲۷ و عهد من با ایشان همین خواهد بود
هنگامی که گناهانشان را بردارم.»

۲۸ به لحاظ انجیل، به‌خاطر شما،
دشمن‌اند. امّا به لحاظ گزینشِ الهی، به‌سبب
پدران‌شان، محبوبند. ۲۹ چرا که عطایا
و دعوت خدا را برگشت نیست. ۳۰ زیرا
همان‌گونه که شما زمانی نسبت به خدا
نافرمان بودید، امّا اکنون به سبب نافرمانی
ایشان رحمت یافته‌اید، ۳۱ ایشان نیز اکنون
نافرمان شده‌اند تا به سبب رحمت خدا بر
شما، اکنون آنها نیز رحمت یابند. ۳۲ زیرا خدا
همه را به نافرمانی سپرده است، تا بر همه
رحم کند.

۳۳ آه که چه عمیق است
دولت و حکمت و علم خدا!
تقدیرهای او کاوش‌ناپذیر است
و راه‌هایش درک‌نشدنی.
۳۴ «زیرا کیست که فکر خداوند را
دانسته
و یا مشاور او بوده باشد؟»
۳۵ «و چه کسی هدیه‌ای به خدا
تقدیم کرده که به او
بازپس داده شود؟»
۳۶ زیرا همه چیز از او،
و به واسطه او، و برای اوست.
او را تا ابد جلال باد. آمین.

### قربانی زنده

۱۲ پس ای برادران، به رحمتهای خدا، از
شما استدعا می‌کنم که بدن‌های خود
را چون قربانی زنده و مقدّس و پسندیده به
خدا تقدیم کنید که عبادت روحانی شما است.
۲ و همشکل این جهان مشوید، بلکه با تازه
شدن ذهن خود متبدل گردید. آنگاه تشخیص
خواهید داد که اراده خدا چیست؛ و چیست
نیکو، پسندیده و کامل.

**۲۷:۱۱** اِشعیا ۵۹:۲۰ و ۲۱؛ ۲۷:۹؛ اِرمیا ۳۱:۳۳ و ۳۴. **۳۴:۱۱** اِشعیا ۴۰:۱۳ و اِرمیا ۲۳:۱۸. **۳۵:۱۱** ایوب ۴۱:۱۱.

### عطایای فیض

۳ زیرا به آن فیضی که به من عطا شده
است، هر یک از شما را می‌گویم که خود
را بالاتر از آنچه می‌باید، مپندارید، بلکه هر
یک به میزان ایمانی که خدا بخشیده است،
با تشخیصی درست درباره خود قضاوت کنید.
۴ زیرا همان‌گونه که در یک بدن اعضای بسیار
داریم و همه همان عملکرد را ندارند، ۵ ما نیز
که بسیاریم، در مسیح یک بدن هستیم و هر
یک، اعضای یکدیگر. ۶ حال بر حسب فیضی
که به ما داده شده است، عطایای گوناگون
داریم، بیایید آنها را به کار گیریم؛ اگر نبوّت
است، موافق ایمان‌مان، ۷ اگر خدمت است،
در خدمت‌مان، اگر کسی تعلیم می‌دهد، در
تعلیمش. ۸ اگر تشویق می‌نماید، در تشویقش،
اگر کمک به نیازمندان می‌کند، با سخاوت. اگر
رهبری می‌کند، با غیرت. و اگر اعمال شفقت
را به جا می‌آورد، با روبی گشاده.

### نشانه‌های مسیحی حقیقی

۹ محبت باید بی‌ریا باشد. از بدی نفرت کنید
و به آنچه نیکوست، بچسبید. ۱۰ با محبتِ
برادرانه یکدیگر را دوست بدارید. در گذاشتن
احترام به هم، از یکدیگر سبقت گیرید. ۱۱ در
غیرت تنبلی نکنید، در روح پرحرارت باشید،
خداوند را خدمت کنید. ۱۲ در امید شادمان،
در سختی‌ها صبور و در دعا ثابت‌قدم باشید.
۱۳ در رفع احتیاجات مقدسین سهیم شوید و
میهمان‌نواز باشید.
۱۴ برای کسانی که به شما آزار می‌رسانند،
برکت بطلبید؛ برکت بطلبید و لعنت‌شان
نکنید. ۱۵ با کسانی که شادمانند، شادی کنید،
با کسانی که گریانند، بگریید. ۱۶ با یکدیگر در
هماهنگی زیست کنید. مغرور نباشید، بلکه
با حقیران، معاشرت کنید. خود را هرگز دانا
مپندارید.
۱۷ به هیچ‌کس به عوض بدی، بدی نکنید،
بلکه آنچه را که در نظر همه پسندیده است،
به جا آورید. ۱۸ اگر امکان دارد، تا آنجا که در
توانتان است، با همه در صلح زندگی کنید.
۱۹ ای عزیزان، انتقام مگیرید، بلکه آن را به
غضب خدا واگذارید. زیرا نوشته شده که
«خداوند می‌گوید: "انتقام از آن من است، من
جزا خواهم داد."» ۲۰ برعکس، «اگر دشمنت
گرسنه است، به او خوراک بده! و اگر تشنه
است، او را بنوشان؛ زیرا اگر چنین کنی،
اخگرهای سوزان بر سرش خواهی انباشت.»
۲۱ مغلوب بدی مشو، بلکه بدی را با نیکویی
مغلوب ساز.

### اطاعت از صاحبان قدرت

۱۳ هر کس باید مطیع قدرت‌های حاکم
باشد، زیرا هیچ قدرتی جز از سوی
خدا نیست، و آنهایی که وجود دارند، از
جانب خدا مقرر شده‌اند. ۲ پس هر که در
مقابل قدرتی عصیان کند، نسبت به آنچه
خدا مقرر کرده است، عصیان می‌کند و آنان
که عصیان می‌کنند، داوری بر خود می‌آورند.
۳ زیرا درستکاران را از حاکمان ترسی نیست،
بلکه بدکاران. آیا ترسی از او که بر مسند

**۲۰.۱۲** یک اصطلاح تصویری. منظور از این عبارت سوزانیدن فرد نیست، بلکه شرمنده کردن او به نحوی که به توبه‌اش منجر گردد.

**۱۹:۱۲** تثنیه ۳۵:۳۲.

قدرت نشسته است، نداری؟ پس آنچه را که درست است، انجام بده که تحسین او را خواهی یافت. ٤ زیرا خادم خداست برای نیکویی تو. امّا اگر بدی کنی، بترس، زیرا شمشیر را بیهوده به کمر نبسته است. زیرا او خادم خداست، دادخواهی که غضب خدا را بر خلافکاران جاری می‌سازد. ٥ پس می‌باید که مطیع او شوی، که نه تنها از غضب خدا بگریزی، بلکه به سبب وجدان خود نیز.

٦ زیرا به همین سبب نیز خراج می‌پردازید، چونکه صاحبان قدرت خادمین خدا هستند که به همین امر رسیدگی می‌کنند. ۷ پس حق همه را به آنان ادا کنید: خراج را به مستحق خراج، جزیه را به مستحق جزیه، احترام را به مستحق احترام، و عزّت را به مستحق عزّت.

### انجام شریعت از طریق محبت

۸ مدیون کسی نباشید، جز اینکه یکدیگر را محبت کنید، زیرا هر که به دیگری محبت کند، شریعت را به جا آورده است. ۹ زیرا احکامِ 'زنا مکن'، 'قتل مکن'، 'دزدی مکن'، 'طمع مورز'، و هر حکم دیگر، همه در این کلام خلاصه می‌شود که «همسایه خود را چون خود محبت کن.» ۱۰ محبت، به همسایه خود بدی نمی‌کند؛ پس محبت به انجام رسیدن شریعت است.

۱۱ علاوه بر این، زمان را می‌دانید، که ساعت برایتان رسیده است که از خواب بیدار شوید. زیرا الان نجات به ما نزدیکتر است از آن وقتی که ایمان آوردیم. ۱۲ شب رو به پایان است و روز نزدیک شده است. پس بیایید اعمال تاریکی را دور اندازیم و زره نور را بپوشیم. ۱۳ بیایید آن‌گونه رفتار کنیم که در روز، نه در عیاشی‌ها و میگساری، نه در هرزگی و شهوت پرستی، نه در نزاع و حسد. ۱٤ بلکه عیسی مسیحِ خداوند را بپوشید و برای جسم تدارک نبینید که امیال آن را ارضا کنید.

### یکدیگر را داوری نکنید

۱٤ کسی را که در ایمان ضعیف است، بپذیرید، لیکن مورد عقاید، نزاع نکنید. ۲ یکی ایمان دارد که مجاز است به خوردن هر چیز، در حینی که شخص ضعیف فقط سبزیجات می‌خورد. ۳ پس آن که همه چیز می‌خورد، آن که را که نمی‌خورد، تحقیر نکند. و آن که هر چیز نمی‌خورد، نباید آن کس را که همه چیز می‌خورد، محکوم کند. زیرا خدا او را پذیرفته است. ٤ تو کیستی که بر خادم کسی دیگر حکم می‌کنی؟ او در حضور آقای خود است که یا استوار می‌ایستد و یا سقوط می‌کند. و او استوار خواهد ماند، زیرا خداوند قادر است او را استوار گرداند.

٥ یکی یک روز را از دیگر روزها بیشتر ارج می‌نهد، و دیگری، همه روزها را یکسان میشمارد. هر کس باید در ذهن خود کاملاً قانع شده باشد. ٦ آن که آن روز را مهم می‌شمارد، برای خداوند چنین می‌کند. آن که می‌خورد، برای خداوند می‌خورد، زیرا خدا را شکر می‌گوید، و آن که از خوردن می‌پرهیزد، او نیز برای خداوند چنین می‌کند و خدا را شکر می‌گوید. ۷ زیرا هیچ‌یک از ما برای خود زندگی نمی‌کند و هیچ‌یک از ما برای خود نمی‌میرد. ۸ اگر زندگی می‌کنیم، برای خداوند زندگی می‌کنیم، و اگر می‌میریم، برای خداوند می‌میریم. پس خواه زندگی کنیم، خواه بمیریم، از

**۹:۱۳** خروج ۲۰:۱۳-۱۵ و ۱۷ و تثنیه ۵:۱۷-۱۹ و ۲۱. **۹:۱۳** لاویان ۱۹:۱۸.

آنِ خداوندیم. ۹ زیرا مسیح به همین سبب مرد
و زنده شد تا خداوندِ مردگان و زندگان باشد.
۱۰ پس تو چرا بر برادر خود حکم می‌کنی؟ یا
تو چرا برادر خود را تحقیر می‌نمایی؟ زیرا همه
ما در برابر تخت داوری خدا خواهیم ایستاد.
۱۱ زیرا نوشته شده است:
«خداوند می‌گوید: به حیات خود
قسم که
هر زانویی در برابر من خم خواهد شد
و هر زبانی به خدا اقرار خواهد کرد.»
۱۲ پس هر یک از ما حساب خود را به خدا
خواهد داد.

### سبب لغزش کسی مشو

۱۳ بنابراین، بیایید بر یکدیگر حکم نکنیم.
بلکه تصمیم بگیرید که هرگز سنگ لغزش یا
مانعی در راه برادر خود نگذارید. ۱۴ می‌دانم و
در عیسی خداوند یقین دارم که هیچ چیز به
خودی خود نجس نیست، جز برای کسی که
آن را نجس می‌شمارد؛ برای او نجس است.
۱۵ زیرا اگر برادرت به آنچه می‌خوری، آزرده
می‌شود، دیگر به محبت رفتار نمی‌کنی. با
خوراک خود، کسی را که مسیح برای او مرد،
هلاک مساز. ۱۶ پس مگذارید آنچه را که شما
نیکو می‌شمارید، بد گفته شود. ۱۷ زیرا پادشاهی
خدا خوردن و نوشیدن نیست، بلکه صالح
بودن و سلامتی و شادی در روح‌القدس است.
۱۸ هر که بدین طریق مسیح را خدمت کند،
نزد خدا پذیرفته است و نزد مردم مقبول.
۱۹ پس بیایید آنچه را که موجب صلح و
صفا و بنای یکدیگر می‌شود، دنبال کنیم.
۲۰ کار خدا را به خاطر خوراک خراب مکن. به
راستی هم که همه چیز پاک است، لیکن غلط
است که کسی با چیزی که می‌خورد، باعث
لغزش دیگری گردد. ۲۱ بهتر است که گوشت
نخوری، یا شراب ننوشی، یا هر کاری را که
باعث لغزش برادرت می‌شود، انجام ندهی.
۲۲ ایمانی را که داری، بین خود و خدا
نگاه دار. خوشا به حال کسی که به خاطر
آنچه نیکو می‌شمارد، خود را محکوم نمی‌کند.
۲۳ امّا کسی که شک دارد، اگر بخورد، محکوم
می‌شود. زیرا به ایمان نخورده است و آنچه از
ایمان نباشد، گناه است.

### نمونه مسیح

۱۵ ما که قوی هستیم، وظیفه داریم
که ناتوانی‌های ضعیفان را متحمل
شویم و در پی خشنودی خویش نباشیم.
۲ هر یک از ما باید همسایه خود را خشنود
سازد، در آنچه برای او نیکو باشد، تا بنایش
نماید. ۳ زیرا مسیح در پی خشنودی خود نبود،
بلکه چنانکه نوشته شده است: «ملامت‌های
ملامت‌کنندگانِ تو بر من افتاده است.» ۴ زیرا
آنچه در گذشته نوشته شد، برای تعلیم ما
بوده تا به صبر و دلگرمیِ کتب مقدّس امید
داشته باشیم.
۵ اینک خدای صبر و دلگرمی به شما عطا
کند که به پیروی از مسیح عیسی با یکدیگر
همفکر باشید، ۶ تا با هم یک‌صدا شده، خدا و
پدر خداوندمان عیسی مسیح را تمجید کنید.
۷ پس یکدیگر را بپذیرید همان‌گونه که
مسیح شما را پذیرفت، برای جلال خدا.

### مسیح امید یهود و غیر یهود

۸ زیرا به شما می‌گویم که مسیح به جهت
نشان دادن امانت خدا، خادم ختنه‌شدگان شد

**۱۱:۱۴** اِشعیا ۲۳:۴۵. **۳:۱۵** مزمور ۹:۶۹.

تا وعده‌هایی را که به پاتریارخها داده شده بود، تأیید کند، [۹] و تا غیریهودیان، خدا را به سبب رحمتش تمجید نمایند. چنانکه نوشته شده است:

«از این رو، تو را در میان قومها
تمجید خواهم کرد،
و به نام تو خواهم سرایید.»

[۱۰] و باز می‌گوید:

«ای قومها، با قوم او شادی کنید.»

[۱۱] و نیز:

«ای همه قومها، خداوند را حمد گویید،
و ای تمامی ملتها، او را بستایید.»

[۱۲] و اِشعیا نیز می‌گوید:

«ریشه یَسا خواهد آمد،
حتی او که به حکمرانی قومها
برخواهد خاست؛
به او قومها امید خواهند داشت.»

[۱۳] اینک خدای امید، شما را از کمال خوشی و آرامی در ایمان پُر سازد تا به قدرت روح‌القدس، سرشار از امید باشید.

## پولس خادم غیریهودیان

[۱۴] ای برادران، درباره شما یقین دارم که شما خود از نیکویی، مملو و از معرفت کامل، پُر هستید و قادر به تعلیم یکدیگر. [۱۵] لیکن در بعضی نکات، به سبب یادآوری، بسیار جسارت کرده به شما نوشتم، زیرا خدا این فیض را به من بخشیده است [۱۶] که خادم مسیح عیسی باشم برای غیریهودیان در خدمتِ کهانتِ انجیلِ خدا، تا هدیه غیریهودیان مقبول شود و تقدیس شده به روح‌القدس.

[۱۷] پس در مسیح عیسی به خدمت خود به خدا افتخار می‌کنم. [۱۸] زیرا جرات نمی‌کنم از چیزی سخن بگویم، جز آنچه مسیح از طریق من انجام داده تا غیریهودیان را مطیع گردانم در سخن و در عمل. [۱۹] به قوّت آیات و معجزات و به قوّت روح خدا از اورشلیم تا به ایلیریکوم دور زده، خدمت انجیل مسیح را به کمال، به انجام رسانده‌ام. [۲۰] لیکن اشتیاقم را بر این قرار داده‌ام که در جایی بشارت دهم که مسیح هنوز در آنجا شناخته نشده، مبادا بر بنیاد کسی دیگر بنا کنم. [۲۱] بلکه چنانکه نوشته شده است:

«آنانی که خبر او را نیافتند،
خواهند دید
و آنانی که هرگز نشنیده بودند،
خواهند فهمید.»

## نقشه پولس برای دیدار از روم

[۲۲] به همین سبب، بارها از آمدن نزد شما منع شده‌ام.

[۲۳] امّا اکنون در این مناطق، دیگر جایی برای کار باقی نیست و چون سالهاست مشتاق آمدن نزد شما بوده‌ام، [۲۴] امید دارم سر راهم به اسپانیا، به دیدار شما بیایم تا پس از آنکه از مصاحبت شما بهره‌مند شدم، مرا در سفر به آنجا یاری دهید. [۲۵] لیکن در حال حاضر عازم اورشلیم هستم تا به مقدسین در آنجا کمک رسانم، [۲۶] زیرا کلیساهای مقدونیه و آخائیه مصلحت دیدند که برای مستمندانی که در

---

**۹.۱۵** اجداد قوم یهود **۱۸:۱۵** منظور: «اطاعت غیریهودیان از خدا در ایمان آوردن به پیام انجیل است».

**۹:۱۵** ۲سموئیل ۵۰:۲۲ و مزمور ۴۹:۱۸. **۱۰:۱۵** تثنیه ۴۳:۳۲. **۱۱:۱۵** مزمور ۱:۱۱۷. **۱۲:۱۵** اِشعیا ۱۰:۱۱. **۲۱:۱۵** اِشعیا ۱۵:۵۲.

میان مقدسینِ اورشلیم هستند، کمک مالی بفرستند. ۲۷ آنها خود به انجام این کار رغبت داشتند و به راستی هم که مدیون آنها هستند، زیرا اگر غیریهودیان در برکات روحانی ایشان شریک شدند، آنها نیز می‌بایست که با برکات مادی خود، ایشان را خدمت کنند. ۲۸ بنابراین، چون این کار را به اتمام رسانم و مبالغی را که جمع‌آوری شده، به آنان تحویل دهم، از راه شما، راهی اسپانیا خواهم شد. ۲۹ می‌دانم که وقتی نزد شما بیایم، به پُری برکت مسیح خواهم آمد.

۳۰ ای برادران، به‌خاطر خداوند ما عیسی مسیح و به محبت روح، از شما استدعا دارم که با من در دعاهایتان نزد خدا جدّ و جهد کنید. ۳۱ که تا من از بی ایمانانِ یهودیه آزاد شوم و خدمتم در اورشلیم نزد مقدسین پذیرفته شود. ۳۲ تا به خواست خدا با خوشی نزد شما بیایم و در کنار شما استراحت یابم. ۳۳ خدای صلح و سلامتی همراه همه شما باشد. آمین.

### سلام‌های شخصی

۱۶ خواهرمان فیبی خادم کلیسای کنخریه را به شما می‌سپارم ۲ تا شما او را در خداوند، به طوری که شایسته مقدسین است، بپذیرید و در هر چیزی که از شما بخواهد، او را کمک کنید. زیرا او به بسیاری، از جمله خود من، کمک کرده است.

۳ به پریسکیلا و آکیلا، همکاران من در مسیح عیسی، سلام برسانید، ٤ که جان خود را به خاطر من به خطر انداختند، و نه تنها من، بلکه همه کلیساهای غیریهودیان نیز از آنان سپاسگزارند. ۵ همچنین به کلیسایی که در خانه آنها است، سلام رسانید. به دوست عزیزم اِپینِتوس سلام رسانید،که نوبرکسانی است که در آسیا به مسیح گرویده‌اند. ٦ به مریم که برای شما زحمت بسیار کشید، سلام رسانید. ۷ به خویشان من، آندرونیکوس و یونیاس که با من در زندان بودند، سلام رسانید. آنان در میان رسولان، شناخته شده‌اند و پیش از من در مسیح بوده‌اند. ۸ به آمپلیاتوس، دوست عزیز من در خداوند، سلام رسانید. ۹ به همکارمان در مسیح، اوربانوس، و دوست عزیزم، اِستاخیس، سلام رسانید. ۱۰ به آپِلیس که در مسیح آزموده شده است، سلام رسانید. به اهل خانه آریستوبولُس سلام گویید. ۱۱ به خویش من هیرودیون سلام گویید. به اهل خانه نارکیسوس که در خداوند هستند، سلام برسانید. ۱۲ به خادمین خداوند، تریفینا و تریفوسا سلام رسانید. و نیز به دوست عزیزم پِرسیس، که در خداوند بسیار زحمت کشیده است، سلام گویید. ۱۳ به روفُس برگزیده در خداوند، و نیز به مادر او که برای من نیز مادر بوده، سلام رسانید. ۱٤ به آسینکریتوس، فلِگون، هِرمس، پاتروباس و هِرماس و برادرانی را که با ایشان هستند، سلام گویید. ۱۵ به فیلولوگوس، یولیا، نیریاس و خواهرش، و به اولیمپاس و همه مقدسینی که با ایشانند، سلام رسانید. ۱٦ یکدیگر را به بوسه‌ای مقدّسانه سلام گویید. همه کلیساهای مسیح به شما سلام می‌فرستند.

---

**۳:۱٦** در اصل یونانی: "پُریسکا"، که شکل کوتاه شدهٔ "پریسکیلا" است. **۱۲:۱٦** "پِرسیس" یعنی "زن پارسی یا ایرانی".

## آخرین دستورات و سلام‌ها

۱۷ ای برادران، می‌خواهم از شما استدعا
کنم مراقب آن کسان باشید که عامل
جدایی‌اند و در راه شما مانع ایجاد می‌کنند و
با تعلیمی که شما یافته‌اید، مخالفت می‌ورزند؛
از آنان دوری کنید، ۱۸ زیرا چنین اشخاص
خداوند ما مسیح را خدمت نمی‌کنند، بلکه
شکم خود را، و با سخنانی زیبا و تملّق‌آمیز
ساده‌دلان را می‌فریبند. ۱۹ زیرا اطاعت شما در
بین همه مردم معروف است، پس، درباره شما
شادمانم. امّا می‌خواهم شما در امور نیک دانا
و در امور بد معصوم باشید.
۲۰ خدای سلامتی به‌زودی شیطان را زیر
پاهای شما لِه خواهد کرد.
فیض خداوند ما عیسی با شما باد.
۲۱ همکارم تیموتائوس به شما سلام
می‌رساند، همچنین خویشان من لوکیوس،
یاسون و سوسیپاتِروس برای شما سلام
می‌فرستند.
۲۲ من، تِرتیوس، کاتب این نامه، در خداوند
به شما سلام می‌گویم.
۲۳ گایوس که میزبان من و تمامی کلیسا
است، برای شما سلام می‌فرستد.
اِراستوس که خزانه‌دار شهر است، و برادر
ما کوآرتوس برای شما سلام دارند.
۲۴ فیض خداوند ما عیسی مسیح با همگی
شما باد. آمین».

## دعای شکرگزاری

۲۵ اکنون او را که قادر است شما را برحسب
انجیل من و موعظه عیسی مسیح استوار
گرداند - یعنی مطابق با مکاشفه رازی که از
ایام ازل مخفی داشته شده بود، ۲۶ امّا اکنون
از طریق نوشته‌های انبیا مکشوف گردیده و به
حکم خدای سرمدی، به جهت اطاعت ایمان،
به همه قومها شناسانیده شده است - ۲۷ هم
او را که تنها خدای حکیم است، به واسطه
عیسی مسیح تا به ابد جلال باد! آمین.

# نامهٔ پولُس رسول به اوّل قُرِنتیان

## نکاتی چند درباره نامه اوّل به قُرِنتیان

شهر قُرِنتُس (قُرینت فعلی) شهری بسیار مهم در امپراطوری روم و مرکز استان اخائیه (یونان) این امپراطوری به شمار می‌رفت. در این شهر افراد مختلفی از نژادهای مختلف زندگی می‌کردند و آن هم به علت اقتصاد بالایی بود که این شهر داشت. هر کس که به دنبال پول و رفاه بود، به این شهر سرازیر می‌شد و همین امر باعث گسترش بیش از حد فساد اخلاقی بود که در دنیای آن روز قُرِنتُس را زبانزد همه کرده بود. وجود گروههای مختلف مردمی در این شهر باعث بنیه گرفتن مذاهب، مکاتب و عقاید گوناگون می‌گشت.

این کلیسا توسط پولس در سفر بشارتی دوّم او به وجود آمد. لیکن بعد از عزیمتش از این شهر، نامه‌ای از یکی از اعضای آن کلیسا دریافت نمود که خبر از بروز مشکلات عدیده جدی می‌داد؛ مشکلاتی که کلیساهای امروز هم به نوعی با آنها دست به گریبانند. قصد پولس از نگارش این نامه، مقدمتا رسیدگی به مسائلی است که در آن نامه مطرح شده بود و ما آن را در قسمت اوّل نامه او (فصل‌های ۱-۶) می‌بینیم. لیکن در قسمت دوّم پولس بیشتر به سؤالاتی جواب می‌دهد که از جانب این کلیسا مطرح شده است (فصل‌های۷-۱۵)

از جمله مشکلات اصلی مطرح شده در این نامه، می‌توان به تفرقه، فساد اخلاقی در کلیسا، سؤالاتی پیرامون مسائل جنسی و ازدواج، موضوعات مربوط به وجدان، نظم و ترتیب در کلیسا، عطایای روح‌القدس و موضوع قیامت مردگان اشاره کرد. پولس با بصیرتی عمیق نشان می‌دهد که چگونه انجیل به این سوآلات پاسخ می‌گوید.

باب سیزدهم این رساله معروفترین متن این نامه است که در آن پولس به محبّت و خصوصیت آن می‌پردازد.

### تقسیم‌بندی کلّی

- مقدمه (۱:۱-۹)
- تفرقه در کلیسا (۱۰:۱ تا ۲۱:۴)
- گناهان جنسی و اختلافات اعضا (فصل‌های ۵ و ۶)
- مسئله تجرّد و ازدواج (فصل ۷)
- مسئله خوراک تقدیمی به بتها و اختیارات پولس در مقام رسول (۱:۸ تا ۱:۱۱)
- عبادات کلیسایی (۲:۱۱ تا ۴۰:۱۴)
- رستاخیز مسیح و ایمانداران (فصل ۱۵)
- هدیه برای مسیحیان ساکن یهودیه (۱:۱۶-۴)
- موضوعات شخصی و بخش پایانی (۵:۱۶-۲۴)

۱ از پولس، خوانده شده به اراده خدا
تا رسول عیسی مسیح باشد، و از برادرمان
سوستِنِس،
۲ به کلیسای خدا در قُرِنتُس، به آنانی‌که در
مسیح عیسی تقدیس شده و خوانده شده‌اند
با همه کسانی‌که در هر جا نام خداوندمان
عیسی مسیح را می‌خوانند، که خداوند ایشان
و خداوند ما است:
۳ فیض و سلامتی از جانب خدا، پدر ما، و
خداوند عیسی مسیح بر شما باد.

## شکرگزاری

۴ همواره خدای خود را به‌سبب شما شکر
می‌کنم به جهت فیض خدا که در مسیح عیسی
به شما عطا شده است. ۵ زیرا شما در او
از هر جهت غنی شده‌اید، در هر سخن و
در هر معرفت، ۶ چنانکه شهادت مسیح در
میان شما استوار گردید، ۷ به حدی که شما
در هیچ عطایی بی‌نصیب نیستید، و مکاشفه
خداوند ما عیسی مسیح را انتظار می‌کشید.
۸ که او شما را تا به آخر استوار نگاه خواهد
داشت، تا در روز خداوندمان عیسی مسیح
بی‌ملامت باشید. ۹ امین است خدایی که شما
را به شراکت پسرش، خداوند ما عیسی مسیح،
خوانده است.

## تفرقه‌ها در کلیسا

۱۰ ای برادران، به نام خداوند ما عیسی
مسیح از شما استدعا دارم که با هم توافق
داشته باشید و در میان شما تفرقه‌ها نباشد،
بلکه در فکر و رأی با هم متحد باشید.
۱۱ زیرا ای برادرانِ من، اهل خانه خْلوئه به من
خبر داده‌اند که در میان شما جدال‌هاست.
۱۲ مقصود اینکه یکی از شما می‌گوید، «من
پیرو پولس هستم»؛ دیگری می‌گوید، «من پیرو
آپولس»؛ یکی می‌گوید، «پیرو کیفا»؛ و دیگری،
که «پیرو مسیح هستم.»
۱۳ آیا مسیح تقسیم شده است؟ آیا پولس
برای شما مصلوب شد؟ و آیا به نام پولس
تعمید یافتید؟ ۱۴ خدا را شکر می‌کنم که به‌جز
کریسپوس و گایوس، هیچ‌یک از شما را تعمید
ندادم، ۱۵ تا کسی نگوید در نام من تعمید
یافته‌اید. ۱۶ و خانواده اِستِفاناس را نیز تعمید
دادم؛ ولی به یاد ندارم کسی دیگر را تعمید داده
باشم. ۱۷ زیرا مسیح مرا نفرستاد تا تعمید دهم
بلکه تا بشارت رسانم، ولی نه با حکمت کلام،
مبادا صلیب مسیح از قدرت خود تهی گردد.

## مسیح حکمت و قدرت خدا

۱۸ زیرا پیام صلیب برای آنان که هلاک
می‌شوند، جهالت است، لیکن برای ما که
نجات می‌یابیم قدرت خداست. ۱۹ زیرا نوشته
شده است:

«حکمت حکیمان را نابود خواهم ساخت
و فهم فهیمان را
باطل خواهم نمود.»

۲۰ کجاست حکیم؟ کجاست کاتب؟
کجاست مباحثه‌گر این این دنیا؟ مگر خدا
حکمت دنیا را جهالت نگردانیده است؟
۲۱ زیرا که چون در حکمت خدا، دنیا
نتوانست از طریق حکمت، خدا را بشناسد،
خدا مصلحت دید که از جهالت موعظه،
آنانی را که ایمان می‌آورند، نجات بخشد.
۲۲ زیرا یهودیان خواستار نشانه‌اند و یونانیان

**۷:۱** واژۀ "مکاشفه" در اینجا به بازگشت خداوند اشاره دارد. **۱۲:۱** منظور پطرس است؛ همچنین در بقیه کتاب.
**۱۹:۱** اِشعیا ۱۴:۲۹.

در پی حکمت، [۲۳] ولی ما مسیح مصلوب را
وعظ می‌کنیم که یهودیان را سنگ لغزش
است و غیریهودیان را جهالت، [۲۴] امّا دعوت
شدگان را - چه یهودی و چه یونانی - مسیح،
قدرت خدا و حکمت خداست. [۲۵] زیرا جهالت
خدا از انسان حکیمتر و ناتوانی خدا از انسان
تواناتر است.
[۲۶] زیرا ای برادران، دعوت خود را ملاحظه
کنید، که بسیاری از شما برحسب معیارهای
دنیا حکیم نبودید؛ و نه بسیاری از شما
قدرتمند، و نه بسیاری شریف. [۲۷] امّا خدا آنچه
را که در دنیا جهالت است، برگزید تا حکیمان
را خجل سازد؛ و آنچه را که در دنیا ضعیف
است، برگزید تا قدرتمندان را خجل سازد؛
[۲۸] خدا آنچه را که در دنیا پَست و حقیر
است، حتی نیستی‌ها را، برگزید تا هستی‌ها را
باطل سازد، [۲۹] تا هیچ بشری در حضور خدا
فخر نکند. [۳۰] و به سبب اوست که شما در
مسیح عیسی هستید، که از جانب خدا برای
ما حکمت شده است، یعنی عدالت، قدّوسیت
و رهایی. [۳۱] تا چنانکه نوشته شده است: «هر
که فخر می‌کند، به خداوند فخر کند.»

### اعلان مسیح مصلوب

۲ و من ای برادران، هنگامی که برای اعلان
اسرار الهی نزد شما آمدم، به فصاحت
کلام و حکمت نیامدم. [۲] زیرا قصد کردم در
میان شما چیزی ندانم جز عیسی مسیح، آن
هم او را مصلوب. [۳] و من در ضعف و ترس
و لرز بسیار نزد شما بودم، [۴] و پیام و وعظ
من به سخنان مجاب کننده حکمت نبود، بلکه
به تجلّی روح و قدرت، [۵] تا ایمان شما نه بر
حکمت انسان، بلکه بر قدرت خدا متکّی باشد.

### حکمت از روح خدا

[۶] لیکن در بین بالغان حکمت را بیان می‌کنیم،
اما حکمتی که نه از این عصر و نه از حکمرانان
این عصر می‌باشد که محکوم به زوالند. [۷] بلکه
از یک حکمت مخفی و پوشیده خدا صحبت
می‌کنیم که خدا آن را پیش از شروع اعصار
برای جلال ما مقرر فرمود. [۸] که هیچ‌یک از
حکمرانان عصر حاضر آن را درک نکردند،
زیرا اگر درک کرده بودند، خداوند جلال
را مصلوب نمی‌کردند. [۹] لیکن چنانکه نوشته
شده است:

«آنچه را که چشمی ندیده،
و گوشی نشنیده،
و به فکر انسانی نرسیده،
خدا برای دوستداران خود
مهیا کرده است.»

[۱۰] زیرا خدا آنها را توسط روحِ خود بر ما آشکار
نموده است، زیرا که روح، همه چیز حتی
اعماق خدا را جستجو می‌کند. [۱۱] زیرا کیست
که افکار آدمی را بداند، جز روح آن آدمی که
در وی است؟ پس همچنین، هیچکس افکار
خدا را نمی‌داند، جز روح خدا. [۱۲] لیکن ما
روح این دنیا را نیافته‌ایم، بلکه روحی را که از
خداست، تا آنچه را که خدا به رایگان به ما
عطا کرده است، بدانیم. [۱۳] و از همین سخن
می‌گوییم نه به کلمات آموخته شده از حکمت

---

**۲۶.۱** در متن یونانی، برحسب جسم **۳۰:۱** "فدیه". اصل یونانی این واژه در بسیاری مواقع حاوی مفهوم رهانیدن بردگانِ اسیر با پرداخت بها است. **۱.۲** در برخی از ترجمه‌ها، از "شهادت درباره خدا" استفاده شده **۱۰.۲** منظور "روح خدا"

**۳۱:۱** اِرمیا ۲۴:۹. **۹:۲** اِشعیا ۴:۶۴.

انسانی، بلکه به کلمات آموخته شده از روح، و حقایق روحانی را به اشخاص روحانی بیان می‌کنیم. ۱۴ امّا انسان نفسانی امور روح خدا را نمی‌پذیرد، زیرا نزد او جهالت است و قادر به درکشان نیست، زیرا که قضاوت در مورد آنها از طریق روحانی ممکن است. ۱۵ امّا شخص روحانی همه چیز را قضاوت می‌کند، ولی او خود توسط هیچ کس قضاوت نمی‌شود.

۱۶ «زیرا کیست که فکر خداوند را
دانسته باشد تا او را تعلیم دهد؟»

ولی ما فکر مسیح را داریم.

## نفاق‌ها در کلیسا

۳ امّا من، ای برادران، نتوانستم با شما چون اشخاص روحانی سخن گویم، بلکه همچون اشخاص نفسانی، و همچون شیرخوارگان در مسیح. ۲ من شما را به شیر خورانیدم نه به گوشت، زیرا آمادگی آن را نداشتید و هنوز هم ندارید، ۳ زیرا که هنوز جسمانی هستید. چونکه در میانتان حسد و نزاع هست. آیا جسمانی نیستید و به طریق انسان رفتار نمی‌کنید؟ ۴ زیرا وقتی یکی می‌گوید: «من پولس را پیروی می‌کنم،» و دیگری می‌گوید: «من آپولس را،» آیا مثل دیگر انسانها نیستید؟

۵ پس آپولس کیست؟ پولس کیست؟ جز خادمانی که به واسطه ایشان ایمان آوردید، به همان اندازه که خدا به هر کدام معین کرده. ۶ من کاشتم و آپولس آبیاری کرد، امّا خداست که نمو بخشید. ۷ پس نه کارنده چیزی است و نه آبیاری‌کننده، بلکه فقط خدا که رویاننده است. ۸ آن که می‌کارد و آن که آبیاری می‌کند، هر دو یک هستند و هر یک مطابق زحمتی که می‌کشند، اجرت خود را خواهند یافت. ۹ زیرا ما همکاران خدا هستیم. شما مزرعه خدا و عمارت خدا هستید.

۱۰ من بر حسب فیضی که خدا به من بخشیده، همچون معماری ماهر بنیاد نهادم و دیگری بر آن عمارت می‌سازد. امّا هر کس باید آگاه باشد که چگونه می‌سازد. ۱۱ زیرا هیچ کس نمی‌تواند بنیادی دیگر بگذارد جز آن بنیادی که نهاده شده است، که عیسی مسیح باشد. ۱۲ لیکن اگر کسی بر این بنیاد عمارتی از طلا یا نقره یا سنگهای گرانبها یا چوب یا علف یا کاه بسازد، ۱۳ کار هر کس آشکار خواهد شد، زیرا که آن 'روز' آن را ظاهر خواهد ساخت. زیرا به آتش آشکار خواهد شد، و آتش چگونگی عمل هر کس را به امتحان خواهد کشید. ۱۴ اگر کار هر کس که بر آن بنیاد بنا کرده است باقی بماند، پاداش خواهد یافت. ۱۵ امّا اگر کار کسی بسوزد، زیان خواهد دید، هرچند خود، نجات خواهد یافت، لیکن فقط چنانکه از میان آتش.

۱۶ آیا نمی‌دانید که شما معبد خدا هستید و روح خدا در شما ساکن است؟ ۱۷ اگر کسی معبد خدا را خراب کند، خدا او را هلاک خواهد کرد، زیرا معبد خدا مقدّس است و شما آن معبد هستید.

۱۸ کسی خود را فریب ندهد. اگر کسی از شما خود را در این دنیا حکیم می‌پندارد، باید جاهل گردد تا حکیم شود. ۱۹ زیرا حکمت این دنیا در نظر خدا جهالت است. چنانکه نوشته شده: «حکیمان را در مکر خودشان گرفتار می‌سازد.» ۲۰ و باز نوشته شده است: «خداوند افکار حکیمان را می‌داند که عبث

**۱۶:۲** اِشعیا ۱۳:۴۰. **۱۹:۳** ایوب ۱۳:۵.

است.» [۲۱] پس فخر هیچ کس به انسانها نباشد. زیرا همه چیز از آنِ شماست، [۲۲] خواه پولس، خواه آپولس، خواه کیفا، خواه دنیا، خواه زندگی، خواه مرگ، خواه زمان حال و خواه زمان آینده - همه از آنِ شماست [۲۳] و شما از آنِ مسیح هستید و مسیح از آنِ خداست.

## خدمت رسولان

٤ پس هر کس ما را همچون خادمان مسیح و مباشران اسرار خدا بنگرد. [۲] و البته که از مباشر انتظار می‌رود که امین باشد. [۳] امّا برای من چیز کم اهمیتی است که از جانب شما و یا از جانب هر دادگاه انسانی قضاوت شوم. در واقع، من حتی درباره خود نیز قضاوت نمی‌کنم. [٤] زیرا در خود عیبی نمی‌بینم. لیکن این مرا تبرئه نمی‌سازد. خداوند است که مرا قضاوت می‌کند. [٥] پس پیش از وقت قضاوت نکنید تا اینکه خداوند بیاید که آنچه را که اکنون در تاریکی نهان است، در روشنایی عیان خواهد کرد و نیّتهای دل را آشکار خواهد ساخت. آنگاه هر کس تحسین خود را از خدا خواهد یافت.

[٦] ای برادران، من این چیزها را به‌خاطر شما درباره خود و آپولس به کار بردم تا از ما یاد بگیرید که از آنچه نوشته شده است، فراتر نروید تا هیچ یک از شما بر دیگری تکبّر ننماید. [۷] زیرا چه کسی در تو چیزی متفاوت می‌بیند؟چه چیزی داری که دریافت نکرده باشی؟ پس اگر دریافت کردی، چرا چنان فخر می‌کنی که گویا دریافت نکردی؟

[۸] شما هر چه را که می‌خواهید، همین الآن هم دارید! حال دولتمند شده‌اید! بدون ما به سلطنت نشسته‌اید! و ایکاش که سلطنت می‌کردید تا ما هم با شما حکم می‌راندیم.! [۹] زیرا گمان می‌برم که خدا ما رسولان را آخر از همه، چون محکومین به مرگ، به نمایش گذاشته است، زیرا که ما برای دنیا و فرشتگان و مردم تماشاگاه شده‌ایم. [۱۰] ما به‌خاطر مسیح ابله هستیم، امّا شما در مسیح حکیم! ما ضعیف هستیم، امّا شما قوی! شما در عزّت، لیکن ما در ذلّت. [۱۱] تا به این ساعت گرسنه و تشنه‌ایم، ژنده‌پوش و کتک خورده و بی‌خانمان. [۱۲] و به دست‌های خود کار کرده، زحمت می‌کشیم. چون دشنامان دهند، برکت می‌دهیم؛ چون آزارمان دهند، تحمّل می‌کنیم؛ [۱۳] چون افترایمان زنند، به مهربانی رفتار می‌کنیم، همانند تُفاله دنیا و زباله همه چیز شده‌ایم، هنوز هم هستیم.

[۱٤] این را نمی‌نویسم تا شما را شرمنده سازم، بلکه تا همانند فرزندان محبوبم، نصیحتتان کنم. [۱٥] زیرا هرچند در مسیح معلمین بی‌شمار دارید، امّا پدرانِ بسیار ندارید، زیرا که من به واسطه انجیل در مسیح عیسی پدر شما شدم. [۱٦] پس از شما می‌خواهم که از من نمونه بردارید. [۱۷] از این سبب تیموتائوس را نزد شما فرستادم، که فرزند محبوب من و امین در خداوند است، تا او راههای مرا در مسیح به شما یادآور شود، چنانکه آنها را در هر جا و در هر کلیسا تعلیم می‌دهم.

[۱۸] بعضی به این گمان که نزدتان نخواهم آمد، متکبر شده‌اند. [۱۹] امّا اگر خدا بخواهد، به‌زودی نزدتان خواهم آمد و نه فقط از حرفهای این متکبّران، بلکه از قدرتشان نیز آگاه خواهم شد. [۲۰] زیرا پادشاهی خدا به

**۲۰:۳** مزمور ۱۱:۹۴.

حرف نیست، بلکه به قدرت است. [۲۱] چه می‌خواهید؟ آیا با چوب نزدتان بیایم، یا با محبتی که در روحی ملایم است؟

### بی‌عفتی جنسی کلیسا را آلوده می‌سازد

۵ در واقع خبر رسیده که در میان شما بی‌عفتی جنسی وجود دارد، چنان بی‌عفتی‌ای که حتی در میان بت‌پرستان هم نیست، زیرا که مردی زن پدر خود را دارد. [۲] و شما افتخار می‌کنید! آیا نمی‌بایست ماتم گیرید؟ کسی که چنین کرده، می‌بایست از میان شما رانده شود. [۳] زیرا که من هرچند در جسم غایبم، امّا در روح حاضرم، و اکنون، گویی حاضر، حکم خود را در خصوص کسی که به چنین کاری مبادرت ورزیده، اعلان کرده‌ام. [٤] وقتی شما در نام خداوند عیسی جمع می‌شوید و روح من با شما حاضر است، به قدرتِ خداوند ما عیسی، [٥] این مرد را به شیطان بسپارید برای نابودیِ جسم، تا روح او در روز خداوند عیسی نجات یابد.

[٦] فخر شما نیکو نیست. آیا نمی‌دانید که اندکی خمیرمایه تمامی خمیر را وَر می‌آورد؟ [۷] پس خود را از خمیرمایه کهنه پاک سازید تا فطیر تازه باشید، چنانکه درواقع بی‌خمیرمایه هستید. زیرا مسیح، بره پِسَح ما، قربانی شده است. [۸] پس بیایید عید را نه با خمیرمایه کهنه، و نه با خمیرمایه بدخواهی و شرارت، بلکه با نان فطیرِ صداقت و راستی برگزار کنیم.

[۹] در نامه خود، به شما نوشتم که با بی‌عفتان جنسی معاشرت نکنید. [۱۰] امّا مقصودم این نبود که با بی‌عفتان این دنیا یا با طمع‌کاران یا شیّادان یا بت‌پرستان معاشرت نکنید، که در آن صورت می‌بایست این دنیا را ترک کنید. [۱۱] امّا اکنون به شما می‌نویسم، اگر کسی که برادر خوانده می‌شود، لیکن بی‌عفت، یا طمّاع یا بت‌پرست یا فحاش یا میگسار و یا شیّاد است، با چنین کسی معاشرت نکنید و حتی همسفره مشوید.

[۱۲] زیرا مرا چه کار است که بر مردمان بیرون قضاوت کنم. آیا شما بر آنان که در کلیسا هستند، داوری نمی‌کنید؟ [۱۳] خدا خود بر مردمان بیرون داوری خواهد کرد. پس «آن بدکار را از میان خود برانید.»

### شکایت برعلیه مؤمنین

٦ وقتی کسی از شما شکایتی بر دیگری دارد، آیا اینقدر جرأت می‌کند که آن را نه به نزد مقدسین، بلکه به نزد ناصالحان ببرد؟ [۲] مگر نمی‌دانید که مقدسین دنیا را داوری خواهند کرد؟ و اگر دنیا قرار است توسط شما داوری شود، آیا عُرضه داوری در مسائل کوچکتر را ندارید؟ [۳] آیا نمی‌دانید که ما فرشتگان را داوری خواهیم کرد؟ پس چقدر بیشتر در مسائل این زندگی. [٤] پس اگر چنین شکایاتی دارید، چرا آنها را به نزد کسانی‌می‌برید که در کلیسا اعتباری ندارند؟ [٥] این را می‌گویم تا شرمنده شوید. آیا در میان شما کسی دانا نیست که بتواند به اختلافات برادران رسیدگی کند؟ [٦] حال آنکه، برادر علیه برادر به محکمه می‌رود، آن هم نزد بی‌ایمانان!

[۷] وجود چنین اختلافاتی در میان شما، در حال حاضر هم برایتان شکستی است. به جای آن چرا مظلوم نمی‌شوید؟ چرا حاضر نیستید

**۱۲:۵** در متن یونانی به جای "کلیسا" کلمهٔ "درون" به کار رفته است.

**۱۳:۵** تثنیه ۷:۱۷؛ ۱۹:۱۹؛ ۲۱:۲۱؛ ۲۱:۲۲ و ۲۴؛ ۷:۲۴.

زیان ببینید؟ ٨ لیکن شما خود ظلم می‌کنید و به دیگری زیان می‌رسانید، حتّی به برادران خود!
٩ آیا نمی‌دانید که ظالمان وارث پادشاهی خدا نخواهند شد؟ فریب نخورید: بی‌عفتان، بت‌پرستان، زناکاران، لواطان، ١٠ دزدان، طمع‌کاران، میگساران، فحاشان، و شیّادان وارث پادشاهی خدا نخواهند شد. ١١ و بعضی از شما چنین بودید، امّا در نام عیسی مسیحِ خداوند و توسط روح خدای ما شسته شده، تقدیس گشته و صالح شمرده شده‌اید.

### از بی‌عفتی جنسی بگریزید

١٢ «همه چیز برای من جایز است،» امّا همه چیز مفید نیست. «همه چیز بر من رواست،» امّا نمی‌گذارم چیزی بر من تسلط یابد. ١٣ «خوراک برای شکم است و شکم برای خوراک» - و خدا، هم این و هم آن را نابود خواهد ساخت. امّا بدن برای بی‌عفتی جنسی نیست، بلکه برای خداوند است و خداوند برای بدن. ١٤ و خدا، خداوند را برخیزانید و ما را نیز به قدرت خویش خواهد برخیزانید.
١٥ آیا نمی‌دانید که بدنهای شما اعضای مسیح است؟ آیا اعضای مسیح را برداشته و آنها را اعضای یک فاحشه گردانم؟ هرگز! ١٦ آیا نمی‌دانید کسی که با فاحشه‌ای بپیوندد، با او یک تن می‌شود؟ زیرا نوشته شده است: «آن دو یک تن خواهند شد.» ١٧ امّا آن که با خداوند می‌پیوندد، با او یک روح می‌گردد.
١٨ از بی‌عفتی جنسی بگریزید. هر گناه دیگر که انسان مرتکب شود، بیرون از بدن است. امّا کسی که مرتکب بی‌عفتی می‌شود، نسبت به بدن خود گناه می‌کند. ١٩ آیا نمی‌دانید که بدن شما معبد روح‌القدس است که در شماست و او را از خدا یافته‌اید؟ شما از آنِ خود نیستید، ٢٠ چرا که به بهایی خریده شده‌اید. پس خدا را در بدن خود جلال دهید.

### اصول به جهت ازدواج

٧ حال در خصوص مسائلی که نوشتید: «مرد را نیکوست که با زنی در روابط جنسی نباشد.» ٢ امّا به سبب وسوسه‌های جنسی، هر مرد باید زن خود را داشته باشد، و هر زن شوهر خود را. ٣ شوهر باید حق زناشویی خود را نسبت به زنش ادا کند و زن نیز به شوهرش. ٤ زیرا زن بر بدن خود اختیار ندارد بلکه شوهرش، و مرد نیز بر بدن خود اختیار ندارد، بلکه زنش. ٥ یکدیگر را محروم نکنید، مگر با رضایت یکدیگر برای مدتی محدود، تا خود را به دعا وقف کنید. لیکن باز به یکدیگر بپیوندید، تا شیطان شما را به سبب عدم خویشتنداری در وسوسه نیاندازد. ٦ لیکن این را همچون اجازه می‌گویم، نه چون حکم.
٧ ایکاش همه مثل من می‌بودند. ولی هر کس عطایی خاص خود از خدا دارد، یکی دارای یک عطاست و دیگری دارای عطایی دیگر.
٨ به مجردین و بیوه‌ها می‌گویم که نیکوست چون من مجرد بمانند. ٩ امّا اگر نمی‌توانند خویشتنداری کنند، باید ازدواج نمایند. زیرا ازدواج بهتر است از سوختن در آتش شهوت.
١٠ اما به متأهلان این حکم را می‌دهم (نه من، بلکه خداوند): که زن نباید از شوهر خود جدا شود. ١١ (امّا اگر چنین کند، باید مجرد بماند و یا اینکه با شوهر خود آشتی نماید.) و مرد نباید زن خود را طلاق دهد.
١٢ به بقیه می‌گویم (من، نه خداوند) که اگر برادری همسری بی‌ایمان دارد و آن زن حاضر

**١٦.٦** پیدایش ٢:٢٤ **٦:٧** منظور ترک رابطه زناشویی به طور موقّت است.

است با او زندگی کند، او نباید زن خود را طلاق دهد. ۱۳ و اگر زنی شوهری بی‌ایمان دارد و آن مرد حاضر است با او زندگی کند، او نباید شوهر خود را طلاق دهد. ۱۴ زیرا شوهر بی‌ایمان به سبب همسرش تقدیس می‌شود و زن بی‌ایمان به سبب شوهرش. در غیر این صورت، فرزندان شما ناپاک می‌بودند؛ امّا همانطور که می‌بینید، مقدّسند. ۱۵ امّا اگر همسر بی‌ایمان بخواهد جدا شود، بگذار چنین کند. در چنین وضعی برادر یا خواهر در بند نیست و خدا ما را به صلح خوانده است. ۱۶ زیرا ای زن، از کجا می‌دانی که شوهرت را نجات نخواهی داد؟ و ای مرد، از کجا می‌دانی که همسرت را نجات نخواهی داد؟

## مطابق خواندگی خود زندگی کنید

۱۷ پس هر کس آن‌طور زندگی کند که خداوند برای او معین کرده و خدا او را به آن خوانده است. این امر من است در همه کلیساها. ۱۸ اگر کسی به هنگام خوانده شدن مختون بوده، در همان حال باقی بماند؛ و اگر کسی به هنگام خوانده شدن مختون نبوده، دنبال ختنه شدن نباشد. ۱۹ زیرا نه ختنه چیزی هست و نه نامختونی، بلکه نگاه داشتن احکام خدا. ۲۰ هر کس در هر وضعی که در آن خوانده شده، باقی بماند. ۲۱ آیا زمانی که خوانده شدی، غلام بودی؟ تو را باکی نباشد. (امّا اگر می‌توانی آزادی خود را به دست آوری، فرصت را از دست مده.) ۲۲ زیرا آن غلامی که در خداوند خوانده شده است، مرد آزاد خداوند است، و نیز آن که در آزادی خوانده شده است، غلام مسیح می‌باشد. ۲۳ به بهایی خریده شده‌اید، غلام انسانها مشوید. ۲۴ پس، ای برادران، هر کس در هر وضعی که خوانده شده است، در آن نزد خدا باقی بماند.

## مجرّدین و بیوه‌ها

۲۵ و امّا در خصوص کسانی که نامزد کرده‌اند، حکمی از خداوند ندارم، ولی حکم خود را چون کسی که به واسطه رحمت خداوند در خور اعتماد است، ابراز می‌کنم. ۲۶ گمان می‌کنم که به سبب زحمات زمان حاضر، برای انسان نیکو باشد در همان وضعی که هست، باقی بماند. ۲۷ آیا به زنی بسته هستی؟ در پی جدایی نباش. آیا از زن آزادی؟ در پی زن گرفتن نباش. ۲۸ لیکن اگر ازدواج می‌کنی، گناه نکرده‌ای؛ و اگر باکره‌ای شوهر کند، گناه نکرده است. با این حال، آنان که ازدواج می‌کنند، در این زندگی سختی خواهند کشید و من می‌خواهم شما را از آن باز دارم.

۲۹ ای برادران، مقصود من این است: زمان مقرر بسیار کوتاه شده است. از این پس، آنانی که زن دارند، چنان زندگی کنند که گویی ندارند، ۳۰ و آنان که سوگوارند، چنانکه گویی سوگوار نبوده‌اند، و آنان که شادمانند، چنانکه گویی شادمان نبوده‌اند، و آنان که خرید می‌کنند، چنانکه گویی چیزی نداشته‌اند، ۳۱ و آنان که با این دنیا مراوده دارند، چنانکه گویی با آن مراوده‌ای نداشته‌اند. زیرا صورت کنونی این دنیا در گذر است.

۳۲ می‌خواهم که شما از هر نگرانی آزاد باشید. مرد مجرد نگران امور خداوند است که چگونه خداوند را خشنود سازد، ۳۳ لیکن مرد متأهل نگران چیزهای دنیوی است که چگونه زنش را خشنود سازد، ۳۴ و علائقش منقسم شده است. زن مجرد و یا باکره نگران امور

**۲۵:۷** در یونانی "دختر جوان باکره"

خداوند است که چگونه در جسم و در روح، مقدّس باشد، لیکن زن متأهل نگران چیزهای دنیوی است، که چگونه شوهرش را خشنود سازد. ۳۵ من این را برای منفعت شما می‌گویم، نه تا شما را مقیّد کنم، بلکه به شایستگی رفتار کنید و زندگی خود را به خداوند وقف نمایید.

۳۶ اگر کسی گمان می‌برد که نسبت به نامزد باکره‌اش به شایستگی عمل نمی‌کند، اگر شهوتش قوی است لازم است ازدواج کند، بگذار آنچه را که در نظر دارد، انجام دهد؛ بگذار ازدواج کند. این گناه نیست. ۳۷ امّا کسی که در دل خود مصمّم است و در فشار نیست، بلکه میال خود را تحت کنترل دارد و در دل خود عزم کرده که او را نامزد باکره خود را نگاه دارد، نیکو می‌کند. ۳۸ پس آن که با نامزد خود ازدواج می‌کند، عملی نیکو انجام می‌دهد؛ امّا آن که ازدواج نمی‌کند، عملی حتی بهتر انجام می‌دهد.

۳۹ زن تا زمانی که شوهرش زنده است، به او بسته است. امّا اگر شوهرش بمیرد، آزاد است با هر که بخواهد ازدواج کند، البته فقط در خداوند. ۴۰ با این حال، به نظر من خوشحالتر خواهد بود اگر همانطور که هست، بماند. و فکر می‌کنم که من نیز روح خدا را دارم.

## خوراک تقدیمی به بتها

۸ و امّا در خصوص خوراک تقدیمی به بتها: می‌دانیم که «همه ما صاحبان معرفت هستیم.» و چنین معرفت موجب تکبّر است، لیکن محبت، بنا می‌کند. ۲ اگر کسی گمان می‌کند که چیزی می‌داند، هنوز چنانکه باید، نمی‌داند. ۳ امّا اگر کسی خدا را دوست می‌دارد، نزد او شناخته شده است.

۴ پس در خصوص خوردن خوراک تقدیمی به بتها، می‌دانیم که "بت را موجودیتی واقعی نیست"، و خدایی نیست جز یک خدا. ۵ زیرا هرچند هستند که به خدایان خوانده می‌شوند، چه در زمین و چه در آسمان - چنانکه به‌واقع 'خدایانِ' بسیار و 'خداوندانِ' بسیار هست - ۶ امّا ما را یک خداست، یعنی پدر، که همه چیز از اوست و ما برای او هستیم؛ و یک خداوند یعنی عیسی مسیح، که همه چیز از اوست و ما برای او هستیم.

۷ امّا همه این معرفت را ندارند. زیرا بعضی بنا به مشارکت گذشته با بتها، خوراکی را که در واقع به بُتی تقدیم شده، می‌خورند و وجدانشان از آنجا که ضعیف است، نجس می‌گردد. ۸ خوراک، ما را به خدا نزدیکتر نمی‌کند؛ ما نه به خوردن بهتر می‌شویم، و نه به نخوردن بدتر. ۹ امّا مواظب باشید مبادا این اختیار شما باعث لغزش ضعیفان شود. ۱۰ زیرا اگر کسی تو را که صاحب معرفت هستی ببیند که در بتکده خوراک می‌خوری، و اگر او وجدانش ضعیف باشد، آیا ترغیب نمی‌شود که خوراک تقدیمی به بتها را بخورد؟ ۱۱ پس، به سبب علم تو آن برادر ضعیف هلاک می‌شود، برادری

**۳۸:۷** آیات ۳۶-۳۸ را چنین نیز می‌توان خواند: «اگر مردی بر این اندیشه است که نسبت به دختر باکره‌اش به ناشایستگی عمل می‌کند و اگر سن ازدواج آن دختر رسیده و آن مرد چنین می‌اندیشد که دخترش باید ازدواج کند، آنچه در نظر دارد انجام دهد. با این کار گناه نمی‌کند و باید بگذارد دخترش ازدواج کند. اما اگر مردی در تصمیم خود راسخ است و برای ازدواج دخترش در فشار نیست، بلکه بر اراده خود مختار است و عزم جزم کرده که دختر باکره خود را شوهر ندهد، آن مرد نیز عملی نیکو انجام می‌دهد. پس آن که دختر باکره خود را شوهر می‌دهد، عملی نیکو انجام می‌دهد؛ اما آن که شوهر نمی‌دهد، عملی حتی بهتر انجام می‌دهد».

که مسیح به‌خاطرش مرد. ۱۲ از این رو، زمانی که نسبت به برادران خود گناه می‌کنید و وجدان ضعیفشان را صدمه می‌رسانید، به مسیح گناه می‌کنید. ۱۳ پس، اگر خوراک سبب لغزش برادرم می‌شود، هرگز گوشت نخواهم خورد، مبادا باعث لغزش برادرم شوم.

## پولُس از حق خود می‌گذرد

۹ آیا آزاد نیستم؟ آیا رسول نیستم؟ آیا خداوندمان عیسی را ندیده‌ام؟ آیا شما ثمره کار من در خداوند نیستید؟ ۲ اگر برای دیگران رسول نباشم، دست‌کم برای شما هستم؛ زیرا شما مُهر رسالت من در خداوند هستید.

۳ این است دفاع من در برابر آنانی که قضاوتم می‌کنند. ٤ آیا حق نداریم بخوریم و بنوشیم؟ ٥ آیا حق نداریم که همسر ایماندار را به همراه داشته باشیم، چون سایر رسولان و برادرانِ خداوند و کیفا؟ ٦ و آیا تنها من و برنابا هستیم که باید برای امرار معاش خود کار کنیم؟

۷ کیست که با خرج خود سربازی کند؟ کیست که تاکستانی غَرْس کند و از میوه‌اش نخورد؟ کیست که گله‌ای را شبانی کند و از شیر آن نگیرد؟ ۸ آیا این سخنان را بر اساس اختیاراتی انسانی می‌گویم؟ آیا شریعت نیز چنین نمی‌گوید؟ ۹ زیرا در شریعت موسی نوشته شده «گاوی را که خرمن می‌کوبد، دهان مَبَند.» آیا خدا در فکر گاوهاست؟ ۱۰ آیا این را درباره ما نمی‌گوید؟ البته این کلام برای ما نوشته شده است، زیرا آن که شخم می‌زند، به امید شخم می‌زند، و آن که خرمن می‌کوبد، به امید خرمن می‌کوبد که در محصول سهیم گردد. ۱۱ اگر ما در میان شما چیزهای روحانی کاشتیم، آیا امر بزرگی است که از شما چیزهای مادی برداریم؟ ۱۲ اگر دیگران بر شما چنین حقی دارند، آیا ما نه بیشتر؟ لیکن ما از این حق استفاده نکردیم، بلکه متحمّل هرچیز شدیم تا مانعی بر سر راه انجیل مسیح ننهاده باشیم. ۱۳ آیا نمی‌دانید آنان که در معبد کار می‌کنند، خوراکشان را از معبد می‌گیرند و نیز آنان که خدمت مذبح می‌کنند از هدایای قربانی، نصیبی می‌یابند؟ ۱٤ به همین‌طریق، خداوند حکم کرده است آنانی‌که انجیل را اعلان می‌کنند، می‌باید روزی خود را از انجیل بیابند.

۱٥ امّا من از هیچ یک از این حقوق استفاده نکردم و این را نیز نمی‌نویسم تا در حقّم چنین کنید. مرگ را ترجیح می‌دهم به اینکه کسی مرا از این افتخار محروم کند. ۱٦ زیرا اگر بشارت دهم مرا فخری نیست، زیرا که ضرورت آن به گردنم گذاشته شده است. وای بر من اگر انجیل را بشارت ندهم! ۱۷ زیرا اگر این را به میل خود انجام دهم، پاداشی دارم، ولی اگر به میل خود نکنم، هنوز هم وظیفه‌ای به من سپرده شده است. ۱۸ پس مرا چه پاداشی است؟ اینکه انجیل را به‌رایگان بشارت دهم و از حق خود در آن استفاده نکنم.

۱۹ زیرا با اینکه از همه آزادم، خود را غلام همه ساختم تا بسیاری از آنها را به دست آورم. ۲۰ با یهودیان همچون یهودی شدم، تا یهودیان را به دست آورم. با اهل شریعت همچون اهل شریعت شدم تا اهل شریعت را به دست آورم - هرچند خود، زیر شریعت نیستم. ۲۱ با

**۵.۹** در متن یونانی، خواهری را به عنوان همسر. منظور خواهر دینی است

**۹:۹** تثنیه ۴:۲۵.

بی‌شریعتان چون بی‌شریعت شدم تا بی‌شریعتان را به دست آورم، هرچند خود، بدون شریعت خدا نیستم، بلکه تحت شریعت مسیح. ۲۲ با ضعیفان، ضعیف شدم تا ضعیفان را به دست آورم. همه کس را همه چیز شدم تا به هر نحو برخی را نجات بخشم. ۲۳ این همه را به‌خاطر انجیل می‌کنم، تا با آنان در برکاتش شریک گردم.

۲۴ آیا نمی‌دانید که در میدان مسابقه، همه می‌دوند، امّا تنها یکی جایزه را می‌برد؟ پس شما چنان بدوید که ببرید. ۲۵ هر ورزشکار، در هر چیز، متحمّل انضباطی سخت می‌شود. آنان چنین می‌کنند تا تاجی فانی را به دست آورند، ولی ما تاجی غیرفانی را. ۲۶ پس من بی‌هدف نمی‌دوم، و مشت نمی‌زنم، همچون کسی که هوا را بزند. ۲۷ بلکه تن خود را سختی می‌دهم و آنرا در تحت سلطه خود نگاه می‌دارم، مبادا پس از موعظه به دیگران، خود محروم گردم.

## هشدار برعلیه بت‌پرستی

۱۰ زیرا ای برادران، نمی‌خواهم بی‌خبر باشید که پدران ما همه زیر ابر بودند و همه از دریا عبور کردند. ۲ و همه در ابر و در دریا به موسی تعمید یافتند، ۳ و همه همان خوراک روحانی را خوردند ۴ و همان آب روحانی را نوشیدند، زیرا از آن صخره روحانی می‌نوشیدند که به دنبال ایشان می‌آمد و آن صخره مسیح بود. ۵ با این همه، خدا از بیشتر آنان خوشنود نبود، چرا که اجسادشان در بیابان پراکنده شد.

۶ حال، این چیزها به وقوع پیوست تا نمونه‌هایی برای ما باشد که ما مشتاق بدی نباشیم، چنانکه ایشان بودند. ۷ بت‌پرست مباشید، آن طور که بعضی از ایشان بودند؛ چنان‌که نوشته شده است: «قوم به خوردن و نوشیدن نشستند و به جهت لَهو و لَعِب به پا خاستند.» ۸ نباید خود را به گناهان جنسی بیالاییم، چنانکه بعضی از ایشان کردند و در یک روز بیست و سه هزار نفر به هلاکت رسیدند. ۹ نباید مسیح را به امتحان کشیم، چنانکه بعضی از آنان کردند و به وسیله مارها هلاک شدند. ۱۰ و نه شکایت کنیم، چنانکه بعضی از ایشان کردند و توسط هلاک‌کننده هلاک شدند.

۱۱ این امور همچون نمونه‌ای به سر آنان آمد، لیکن نوشته شد تا ما را تعلیم دهد، ماهایی که برایشان زمانهای آخر آمده است. ۱۲ پس آن که گمان می‌کند استوار است، بپاید که نیفتد. ۱۳ هیچ امتحانی بر شما نیامده که مناسب بشر نباشد. لیکن خدا امین است و اجازه نمی‌دهد بیش از توانتان امتحان گردید، بلکه با امتحان راه گریزی نیز فراهم می‌سازد تا یارای تحمل آن را داشته باشید.

۱۴ پس ای عزیزانم، از بت‌پرستی بگریزید. ۱۵ با عاقلان سخن می‌گویم؛ خود درباره آنچه می‌گویم قضاوت کنید. ۱۶ پیاله برکت که آن را مبارک می‌خوانیم، مگر مشارکت در خون مسیح نیست؟ و نانی را که پاره می‌کنیم، مگر مشارکت در بدن مسیح نیست؟ ۱۷ زیرا ما که بسیاریم، یک نان و یک بدن هستیم، زیرا همه از یک نان سهم می‌بریم. ۱۸ قوم اسرائیل را ملاحظه کنید: مگر آنان که از قربانی‌ها می‌خوردند، در مذبح شریک نمی‌شدند؟ ۱۹ پس

**۲۷.۹** در متن یونانی، بدن خود را می‌کوبم **۸.۱۰** اعداد ۲۵: ۹ **۹.۱۰** در برخی از نسخ، خداوند را **۷:۱۰** خروج ۶:۳۲.

مقصودم چیست؟ اینکه خوراکِ تقدیمی به
بت چیزی است، یا اینکه بت چیزی است؟
۲۰ نه، مقصودم این است که آنچه بت‌پرستان
قربانی می‌کنند، به دیوها تقدیم می‌کنند نه
به خدا. و من نمی‌خواهم شما شریک دیوها
باشید. ۲۱ شما نمی‌توانید هم از پیاله خداوند
بنوشید و هم از پیاله دیوها. شما نمی‌توانید
هم از سفره خداوند بخورید و هم از سفره
دیوها. ۲۲ آیا خداوند را به غیرت می‌آوریم؟ آیا
از او تواناتریم؟

### همه را برای جلال خدا بکنید

۲۳ "همه چیز جایز است" - امّا همه چیز
مفید نیست. "همه چیز رواست" - امّا همه
چیز بنا نمی‌کند. ۲۴ هیچ‌کس نفع خود را طالب
نباشد، بلکه نفع دیگری را. ۲۵ هر گوشتی را که
در بازار می‌فروشند، بخورید و به سبب وجدان
هیچ مپرسید. ۲۶ زیرا «زمین و هرآنچه در آن
است از آنِ خداوند است.» ۲۷ اگر کسی از
بی‌ایمانان شما را به صرف غذا دعوت می‌کند و
شما مایل به رفتن هستید، هرآنچه در پیشتان
می‌گذارد بخورید و به سبب به وجدان هیچ
مپرسید. ۲۸ اما اگر کسی به شما گوید: «این
گوشت قربانی است.» به‌خاطر کسی که این را
به شما گفت و به سبب وجدان، از آن مخورید
- ۲۹ البته مقصودم وجدان شما نیست، بلکه
وجدان آن شخص. زیرا چرا باید آزادی مرا
وجدان شخصی دیگر مشخص کند؟ ۳۰ اگر با
شکرگزاری می‌خورم، چرا به‌خاطر آنچه برای
آن شکر می‌گویم، محکومم کنند؟
۳۱ پس هر چه می‌خورید و یا می‌نوشید، و
یا هر چه می‌کنید، همه را برای جلال خدا
بکنید. ۳۲ یهودیان و یونانیان و کلیسای خدا
را، نرنجانید. ۳۳ همان گونه که تلاش می‌کنم تا
همه را در هر کاری که می‌کنم خشنود سازم
و طالب نفع خود نیستم، بلکه طالب نفع
بسیاری، که نجات یابند.

۱۱ حال، از من نمونه بگیرید، چنانکه من
از مسیح نمونه می‌گیرم.

### پوشش سر

۲ شما را تحسین می‌کنم که در همه چیز مرا
به یاد می‌آورید و سنّتها را به همان شکل که به
شما سپردم، حفظ می‌کنید.
۳ امّا می‌خواهم بدانید که سر هر مرد، مسیح
است، سر زن، شوهرش می‌باشد، و سر مسیح
خداست. ۴ هر مردی که سر پوشیده دعا یا
نبوّت کند، سر خود را رسوا می‌نماید. ۵ و هر
زنی که سر نپوشیده دعا یا نبوّت کند، سر
خود را رسوا می‌نماید؛ زیرا مثل این است که سر
خود را تراشیده باشد. ۶ زیرا اگر زنی سر خود
را نمی‌پوشاند، پس می‌بایست موهای خود را
کوتاه کند؛ لیکن چون برای زن شرم‌آور است
که موهایش را کوتاه کند یا بتراشد، پس باید
سر خود را بپوشاند. ۷ زیرا مرد نباید سر خود
را بپوشاند، چون او صورت و جلال خداست؛
امّا زن، جلالِ مرد است. ۸ زیرا مرد از زن پدید
نیامده، بلکه زن از مرد. ۹ و مرد برای زن آفریده
نشده، بلکه زن برای مرد. ۱۰ از این جهت زن
باید نشانی از اقتدار بر سر خود داشته باشد،
به‌خاطر فرشتگان. ۱۱ با این وجود، در خداوند

---

**۳:۱۱** یا "شوهر". **۳:۱۱** یا "همسر". **۵.۱۱** در قرن اول مسیحیت، پوشش سر، نشاندهنده این بود که زن در تعهد ازدواج است

**۲۶:۱۰** مزمور ۱:۲۴.

زن از مرد مستقل نیست و نه مرد از زن.
۱۲ زیرا چنانکه زن از مرد پدید آمد، مرد نیز
به واسطه زن پدید می‌آید، امّا همه چیز از
خداست. ۱۳ خودتان قضاوت کنید: آیا برای
زن شایسته است که سر نپوشیده نزد خدا دعا
کند؟ ۱۴ آیا خود طبیعت به شما نمی‌آموزد
که اگر مردی موی بلند داشته باشد، برای او
شرم‌آور است، ۱۵ امّا اگر زنی موی بلند دارد،
فخر اوست؟ زیرا که موی به جهت پوشش به
او داده شده است. ۱۶ اگر کسی بر آن است
که مجادله کند، ما و نیز کلیساهای خدا را
چنین رسمی نیست.

## شام خداوند

۱۷ امّا در آنچه به شما حکم می‌کنم، شما
را تحسین نمی‌کنم، زیرا وقتی با هم جمع
می‌شوید، به بهتر شدن اوضاع کمک نمی‌کند،
بلکه به بدتر شدنش. ۱۸ زیرا اولا زمانی که
در مقام کلیسا باهم جمع می‌شوید، می‌شنوم
که در میان شما جدایی‌ها روی می‌دهد، و
این را تا اندازه‌ای باور می‌کنم. ۱۹ زیرا که
تفرقه‌ها باید در میان شما باشد، تا آنانی که
اصیل هستند، در میان شما شناخته شوند.
۲۰ وقتی باهم جمع می‌شوید، شام خداوند
نیست که می‌خورید. ۲۱ زیرا هنگام خوردن، هر
کس بی‌تامل شام خود را می‌خورد. یکی گرسنه
می‌ماند و دیگری مست می‌شود. ۲۲ یعنی چه!
مگر خانه‌ها برای خوردن و نوشیدن ندارید؟
یا اینکه کلیسای خدا را خوار می‌شمارید و آنانی
را که بی‌چیز هستند شرمسار می‌سازید؟ به شما
چه بگویم؟ آیا در این کار تحسینتان کنم؟ نه،
نخواهم کرد.

۲۳ زیرا من از خداوند یافتم آنچه را به شما
نیز سپردم، که عیسای خداوند در شبی که او را
تسلیم کردند، نان را گرفت ۲۴ و شکر نموده،
پاره کرد و گفت: «این است بدن من برای
شما.. این را به یادگار از من به جای آورید.»
۲۵ و همچنین، پس از شام، پیاله را گرفته،
گفت: «این پیاله، عهد جدید است در خون
من. هر بار که از آن می‌نوشید، به یاد من چنین
کنید.» ۲۶ زیرا هرگاه این نان را بخورید و از این
پیاله بنوشید، مرگ خداوند را اعلان می‌کنید تا
زمانی که باز آید.
۲۷ پس هر که به طور ناشایسته نان را
بخورد و از پیاله خداوند بنوشد، نسبت
به بدن و خون خداوند مجرم خواهد بود.
۲۸ بگذار هر کس خود را امتحان کند و
سپس از نان بخورد و از پیاله بیاشامد. ۲۹ زیرا
هر که بدون آنکه بدن را تشخیصِ دهد، از
بدن بخورد و بنوشد، در واقع محکومیت
خود را می‌خورد و می‌نوشد. ۳۰ از این سبب
است که بسیاری از شما ضعیف و بیمارند و
بسیاری هم مرده‌اند. ۳۱ امّا اگر حقیقتا بر خود
حکم می‌کردیم، بر ما حکم نمی‌شد. ۳۲ لیکن
هنگامی‌که خداوند بر ما حکم می‌کند، تأدیب
می‌شویم تا با دنیا محکوم نگردیم.
۳۳ پس ای برادران من، زمانی که برای
خوردن جمع می‌شوید، منتظر یکدیگر باشید.
۳۴ اگر کسی گرسنه است، در خانه خود
بخورد تا وقتی جمع می‌شوید به جهت
محکومیت نباشد. در خصوص سایر چیزها
چون نزدتان آمدم، دستورات لازم را خواهم
داد.

**۲۴.۱۱** در برخی از ترجمه‌ها، این است بدن من که برای شما پاره شد **۳۰:۱۱** در متن یونانی، خوابیده‌اند،

### عطایای روحانی

۱۲ و امّا در خصوص عطایای روحانی، ای برادران، نمی‌خواهم بی‌خبر باشید.
۲ می‌دانید که وقتی بت‌پرست بودید، به هر
نحوی از راه به در شده، به سوی بتهای گنگ
برده می‌شدید. ۳ پس می‌خواهم بدانید که هر
که به واسطه روحِ خدا سخن گوید، عیسی
را لعنت نمی‌کند، و هیچ‌کس جز به واسطه
روح‌القدس نمی‌تواند بگوید «عیسی خداوند
است.»
۴ حال، عطایا گوناگونند، امّا روح، همان
است؛ ۵ خدمتها گوناگونند، امّا خداوند همان
است؛ ۶ عملها گوناگونند، امّا همان خداست
که همه را در همه به عمل می‌آورد.
۷ و تجلی روح به هر کس برای خیریت همه
داده می‌شود. ۸ به یکی به وسیله روح، کلام
حکمت داده می‌شود، به دیگری به واسطه
همان روح، کلام معرفت، ۹ و به کسی دیگر به
وسیله همان روح، ایمان و به دیگری توسط
همان روح، عطایای شفا دادن. ۱۰ به کسی
قدرت انجام معجزات، به دیگری نبوّت، و به
دیگری تشخیص ارواح، و به دیگری سخن
گفتن به انواع زبانها بخشیده می‌شود و به
دیگری ترجمه زبانها. ۱۱ امّا همه اینها را تک و
همان روح به عمل می‌آورد که آنها را مطابق
اراده خود به هر کس به شکل فردی عطا
می‌کند.

### یک بدن با اعضای متعدد

۱۲ زیرا چنانکه بدن یک است، و اعضای
بسیار دارد و همه اعضای بدن، اگرچه
بسیارند، امّا یک بدن هستند، در مورد مسیح
نیز چنین است. ۱۳ زیرا همه ما به یک روح در
یک بدن تعمید یافتیم، چه یهود و چه یونانی،
چه غلام و چه آزاد، و همه ما از یک روح
نوشانیده شدیم. ۱۴ زیرا بدن نه از یک عضو،
بلکه از اعضای بسیار تشکیل شده است.
۱۵ اگر پا گوید، «چون دست نیستم، به بدن
تعلق ندارم،» این سبب نمی‌شود که عضوی
از بدن نباشد. ۱۶ و اگر گوش گوید، «چون
چشم نیستم، به بدن تعلق ندارم،» این سبب
نمی‌شود که عضوی از بدن نباشد. ۱۷ اگر تمام
بدن چشم بود، شنیدن چگونه میسّر می‌شد؟
و اگر تمام بدن گوش بود، بوییدن چگونه
ممکن می‌شد؟ ۱۸ امّا چنانکه معلوم است، خدا
مطابق اراده خود، هر یک از اعضا را در بدن
قرار داد. ۱۹ اگر همه یک عضو بودند، بدن
کجا می‌بود؟ ۲۰ امّا اعضا بسیارند، در حالی که
بدن یکی است. ۲۱ چشم نمی‌تواند به دست
بگوید، «نیازی به تو ندارم!» یا سر نمی‌تواند به
پاها بگوید، «محتاجتان نیستم!» ۲۲ برعکس،
آن اعضای بدن که ضعیفتر می‌نمایند، بسیار
ضروریترند. ۲۳ و آن اعضای بدن را که پست‌تر
می‌پنداریم، بیشتر حرمت می‌داریم، و با اعضایی
که زیبا نیستند با احترام خاص رفتار می‌کنیم؛
۲۴ حال آنکه اعضای زیبای ما به چنین احترامی
نیاز ندارند. امّا خدا بدن را چنان مرتب ساخته
که حرمت بیشتر نصیب اعضایی شود که فاقد
آنند، ۲۵ تا جدایی در بدن نباشد، بلکه اعضای
آن به یک اندازه در فکر یکدیگر باشند. ۲۶ اگر
یک عضو دردمند گردد، همه اعضا با او
همدرد باشند؛ و اگر یک عضو سرافراز شود،
همه با او شادی کنند.

**۱۰:۱۲** در تمام این باب و همچنین در بابهای ۱۳ و ۱۴، اصطلاح "سخن گفتن به زبانهای غیر" یا "سخن گفتن به زبانی"، به زبان یا زبانهایی اشاره دارد که شخص آنها را نیاموخته و نمی‌داند.

۲۷ اینک شما بدن مسیح هستید و هر یک
عضوی از آن. ۲۸ و خدا قرار داده در کلیسا،
اوّل رسولان، دوّم انبیا، سوّم معلّمان؛ بعد
قدرت معجزات، سپس عطایای شفا دادن و
امداد و مدیریت و انواع زبانها. ۲۹ آیا همه
رسولند؟ آیا همه نبی‌اند؟ آیا همه معلّمند؟
آیا همه معجزه می‌کنند؟ ۳۰ آیا همه عطایای
شفا دادن را دارند؟ آیا همه به زبانها سخن
می‌گویند؟ آیا همه ترجمه می‌کنند؟
۳۱ لیکن عطایای برتر را به اشتیاق بطلبید.
و طریق والا را به شما نشان خواهم داد.

## طریق محبت

۱۳ اگر به زبانهای آدمیان و فرشتگان
سخن گویم، ولی محبت نداشته
باشم، ناقوسی پرصدا و سنجی پرهیاهو هستم.
۲ اگر قدرت نبوّت داشته باشم و تمامی اَسرار و
معارف را بدانم، و اگر ایمان کامل داشته باشم
تا حدّی که بتوانم کوهها را جابه‌جا کنم، امّا
محبت نداشته باشم، هیچ هستم. ۳ اگر همه
دارایی خود را صدقه دهم و بدن خود را به
سوختن تسلیم کنم، امّا محبت نداشته باشم،
هیچ سود نمی‌برم.
٤ محبت بردبار و مهربان است؛ محبت
حسد نمی‌برد؛ محبت فخر نمی‌فروشد و کبر
و غرور ندارد. ٥ رفتار ناشایست ندارد و نفع
خود را نمی‌جوید؛ تندخو نیست و کینه به
دل نمی‌گیرد؛ ٦ از بدی مسرور نمی‌شود، امّا با
حقیقت شادی می‌کند. ۷ محبت در همه چیز
صبر می‌کند و همه چیز را باور می‌نماید، در
همه چیز امیدوار است و همه چیز را تحمّل
می‌کند.
۸ محبت هرگز پایان نمی‌پذیرد. امّا نبوّتها
از میان خواهد رفت و زبانها پایان خواهد
پذیرفت و معرفت زایل خواهد شد. ۹ زیرا
جزئی می‌دانیم و جزئی نبوّت می‌کنیم، ۱۰ امّا
چون کامل آید، جزئی از میان خواهد رفت.
۱۱ زمانی‌که کودک بودم، چون کودک سخن
می‌گفتم و چون کودک فکر می‌کردم و چون
کودک استدلال می‌کردم. امّا چون مرد شدم،
طریقهای کودکانه را ترک کردم. ۱۲ زیرا اکنون
در آینه تار می‌بینیم، ولی آن موقع روبه‌رو.
اکنون جزئی می‌دانم؛ امّا آن موقع به طور کامل
خواهم شناخت، چنانکه به طور کامل نیز
شناخته شده‌ام.
۱۳ پس حال، این سه چیز باقی است، ایمان،
امید و محبت. امّا بزرگترین اینها محبت است.

## عطایای نبوّت و زبانها

۱٤ در پی محبت بکوشید و با اشتیاق
عطایای روح را بطلبید، بخصوص
اینکه نبوّت کنید. ۲ زیرا آن که به زبانی
سخن می‌گوید، نه با انسانها، بلکه با خدا
سخن می‌گوید. زیرا هیچ کس سخنش را درک
نمی‌کند؛ لیکن اسرار را به واسطه روح بیان
می‌کند. ۳ و لیکن، آن که نبوّت می‌کند، با مردم
برای بنا، تشویق و تسلی‌شان سخن می‌گوید.
٤ آن که به زبانی سخن می‌گوید، خود را بنا
می‌کند، امّا آن که نبوّت می‌کند، کلیسا را بنا
می‌کند. ٥ و خواهش دارم که همه شما به زبانها
سخن گویید، امّا بیشتر آن که نبوّت کنید. آن
که نبوّت می‌کند، بزرگتر است از آن که به
زبانها سخن می‌گوید، مگر اینکه کسی ترجمه
کند تا کلیسا بنا شود.

---

**۱۲:۱۳** آینه‌ها در آن زمان فقط تصویری محو به دست می‌داد. **۳:۱٤** یا "نصیحت".

۶ حال ای برادران، اگر نزد شما آمده به
زبانها سخن گویم، چه نفعی به شما خواهم
رساند، مگر اینکه مکاشفه یا معرفت یا نبوّت
یا تعلیمی برایتان داشته باشم؟ ۷ حتی سازهای
بی‌جانی چون نی و چنگ اگر صداهای مشخص
ندهند، چگونه می‌توان دانست چه نواخته
می‌شود؟ ۸ و اگر شیپور آوای مشخص ندهد،
چه کسی آماده جنگ می‌شود؟ ۹ همچنین شما
نیز اگر به زبان خود کلماتی مفهوم نگویید،
چگونه می‌توان دانست که چه گفته شد؟
زیرا که سخنانتان باد هوا سخن خواهد بود.
۱۰ بی‌شک در جهان انواع زبانها وجود دارد،
امّا هیچ یک بی‌معنی نیست. ۱۱ پس اگر معنی
زبان را ندانم، نزد گوینده بیگانه خواهم بود
و گوینده نزد من بیگانه. ۱۲ همچنین شما نیز
چون مشتاق تجلیات روح هستید، بکوشید که
در بنای کلیسا ترقّی کنید.
۱۳ بنابراین، آن که به زبانی سخن می‌گوید،
باید دعا کند تا ترجمه نماید. ۱٤ زیرا اگر من
به زبانی دعا کنم، روحم دعا می‌کند، امّا عقلم
در آن سهیم نیست. ۱۵ پس چه باید بکنم؟
به روح خود دعا خواهم کرد و به عقل خود
نیز دعا خواهم کرد؛ به روح خود سرود خواهم
خواند و به عقل خود نیز خواهم خواند. ۱۶ در
غیر این صورت، اگر تو در روح شکرگزاری
می‌کنی، چگونه کسی که زبانت را نمی‌فهمد،
به شکرگزاری تو آمین بگوید وقتی‌که نمی‌داند
تو چه می‌گویی؟ ۱۷ زیرا تو البته نیکو شکر
می‌کنی، امّا آن دیگری بنا نمی‌شود. ۱۸ خدا را
شکر می‌کنم که بیشتر از همه شما به زبانها
سخن می‌گویم؛ ۱۹ امّا در کلیسا ترجیح می‌دهم
پنج کلمه با عقل خود سخن گویم که دیگران
را تعلیم داده باشم، تا اینکه هزاران کلمه به
زبانی بگویم.
۲۰ ای برادران، در فهم کودک نباشید، بلکه
در بدی کردن کودک باشید و در فهم بالغ.
۲۱ در شریعت نوشته شده است:

«خداوند می‌گوید،
"به زبانهای غریب
و با لبهای بیگانگان
با این قوم سخن خواهم گفت.
با این همه مرا نخواهند شنید."»

۲۲ پس زبانها، نشانه‌ای است نه برای
ایمانداران، بلکه برای بی‌ایمانان، امّا نبوّت
نشانه‌ای برای بی‌ایمانان نیست، بلکه برای
ایمانداران. ۲۳ از این رو، اگر همه کلیسا با
هم جمع شوند و همه به زبانها سخن گویند،
و اشخاص غیر یا بی‌ایمان وارد شوند، آیا
نخواهند گفت که شما دیوانه‌اید؟ ۲٤ امّا اگر
همه نبوّت کنند و شخصی بی‌ایمان یا غیر
وارد شود، از جانب همه محکوم خواهد شد،
و توسط همه جوابگو به شما خواهد آمد
۲۵ و خفایای دلش آشکار خواهد شد و نیز به
روی در افتاده، خدا را پرستش خواهد کرد و
اعلان خواهد نمود که: «به راستی خدا در
میان شماست.»

## نظم و ترتیب در عبادت

۲۶ پس، چه ای برادران؟ وقتی که
جمع می‌شوید، هر کس سرودی، تعلیمی،
مکاشفه‌ای، زبانی و یا ترجمه‌ای دارد. همه
باید برای بنای کلیسا به کار رود. ۲۷ اگر کسی
به زبانی سخن گوید، دو یا حداکثر سه، و هر
یک به نوبت سخن گویند و کسی ترجمه

**۲۱:۱٤** اِشعیا ۱۱:۲۸ و ۱۲.

کند. ۲۸ امّا اگر مترجمی نباشد، در کلیسا
خاموش بمانند و با خود و خدا سخن گویند.
۲۹ و از انبیا، دو یا سه سخن گویند و
دیگران گفتار آنها را بسنجند. ۳۰ و اگر چیزی
به شخصی دیگر که آنجا نشسته است،
مکاشفه شود، آن فرد اول ساکت بماند. ۳۱ زیرا
همه می‌توانید یک به یک نبوّت کنید تا همه
تعلیم یابند و همه تشویق شوند. ۳۲ و ارواحِ
انبیا مطیع انبیا می‌باشند. ۳۳ زیرا خدا، خدای
بی‌نظمی نیست، بلکه خدای صلح و آرامی،
چنانکه در همه کلیساهای مقدسین مرسوم
است،
۳۴ زنان باید در کلیساها خاموش بمانند. زیرا
آنان اجازه ندارند سخن گویند، بلکه چنانکه
شریعت می‌گوید، باید مطیع باشند. ۳۵ اگر
می‌خواهند چیزی بیاموزند، از شوهر خود در
خانه بپرسند؛ زیرا برای زن شرم آورست که در
کلیسا سخن بگوید.
۳۶ آیا کلام خدا از شما صادر شد؟ یا تنها به
شما رسیده است؟ ۳۷ اگر کسی خود را نبی یا
روحانی می‌پندارد، تصدیق کند که آنچه به شما
می‌نویسم فرمانی از خداوند است. ۳۸ اگر کسی
این را تصدیق نمی‌کند، تصدیق نخواهد شد.
۳۹ پس ای برادرانِ من، مشتاق آن باشید
که نبوت کنید و سخن گفتن به زبانها را منع
منمایید. ۴۰ امّا همه چیز باید به شایستگی و با
نظم و ترتیب صورت گیرد.

### رستاخیز مسیح

۱۵ اکنون، ای برادران، می‌خواهم انجیلی
را که به شما بشارت دادم، به یادتان
آورم که آن را پذیرفتید و در آن استوارید ۲ و به
وسیله آن نجات می‌یابید، به شرط آنکه کلامی
را که به شما بشارت دادم، استوار نگاه دارید.
و گرنه بیهوده ایمان آوردید.
۳ زیرا من آنچه را که به من رسید، نخست
چون مهمترین مطلب به شما سپردم: اینکه
مسیح مطابق با کتب مقدّس در راه گناهان ما
مرد، ۴ و اینکه دفن شد و مطابق کتب در روز
سوّم از مردگان برخاست، ۵ و اینکه بر کیفا
ظاهر شد و سپس بر آن دوازده. ۶ پس از آن،
یک بار به بیش از پانصد تن از برادران ظاهر
شد که بسیاری از ایشان هنوز زنده‌اند، هرچند
بعضی خوابیده‌اند. ۷ سپس بر یعقوب ظاهر
شد و بعد بر همه رسولان، ۸ و آخر از همه
بر من نیز، که همچون طفلی سَقَط شده.
۹ زیرا من در میان رسولان کمترینم، و لایق
نیستم رسول خوانده شوم، چونکه کلیسای
خدا را آزار می‌رسانیدم. ۱۰ امّا به فیض خدا
آنچه هستم، هستم و فیض او نسبت به
من بیهوده نبود. برعکس، من از همه آنها
سخت‌تر کار کردم، امّا نه من، بلکه آن فیض
خدا که با من است. ۱۱ به هر حال، خواه من
خواه آنان، این چنین وعظ می‌کنیم و این چنین
شما ایمان آوردید.

### رستاخیز مردگان

۱۲ حال اگر اعلان می‌کنیم که مسیح از
مردگان برخاست، چگونه است که بعضی
از شما می‌گویند رستاخیز مردگان نیست؟
۱۳ لیکن اگر مردگان را رستاخیز نیست، پس
حتی مسیح نیز برنخاسته است. ۱۴ و اگر

**۳۳:۱۴** در برخی از ترجمه‌ها، قسمت آخر آیهٔ ۳۳ را در شروع پاراگراف بعدی قرار می‌دهند: «همان‌گونه که در همه کلیساهای مقدسین چنین است، زنان باید ...». **۳۵:۱۴** در برخی از نسخه‌ها آیات ۳۴-۳۵ بعد از آیه ۴۰ آمده است.

مسیح برنخاسته، هم وعظ ما باطل است، هم ایمان شما. ۱۵ و برای خدا شاهدان دروغین می‌شویم، زیرا درباره خدا شهادت دادیم که مسیح را از مردگان برخیزانید، حال آنکه اگر درست باشد که مردگان برنمی‌خیزند، ۱۶ پس خدا او را برنخیزانیده است. زیرا اگر مردگان برنمی‌خیزند، حتی مسیح نیز برنخاسته است. ۱۷ و اگر مسیح برنخاسته است، ایمان شما باطل است و شما هنوز در گناهان خود هستید. ۱۸ بلکه آنان نیز که در مسیح خوابیده‌اند، هلاک شده‌اند. ۱۹ اگر فقط در این زندگی به مسیح امیدواریم، از همه مردم بدبخت‌تریم.

۲۰ امّا مسیح در واقع از مردگان برخاسته و نوبر خوابیدگان شده است. ۲۱ زیرا چنانکه مرگ به واسطه یک انسان آمد، رستاخیز مردگان نیز به واسطه یک انسان آمد. ۲۲ زیرا چنانکه در آدم همه می‌میرند، در مسیح نیز همه زنده خواهند شد. ۲۳ امّا هر کس به نوبه خود: اول مسیح که نوبر بود؛ و بعد، به هنگام آمدن او، آنان که متعلق به مسیح‌اند. ۲۴ سپس پایان فرا خواهد رسید، آنگاه که پس از برانداختن هر ریاست و قدرت و قوت، پادشاهی را به خدای پدر بسپارد. ۲۵ زیرا او باید سلطنت کند تا زمانی که همه دشمنانش را زیر پاهایش بگذارد. ۲۶ دشمن آخر که باید نابود شود، مرگ است. ۲۷ زیرا خدا «همه چیز را زیر پاهای او نهاد.» امّا وقتی گفته می‌شود 'همه چیز' را زیر پایهای او نهاد، آشکار است که او که همه چیز را زیر پاهای مسیح نهاد، مستثنی است. ۲۸ هنگامی که همه چیز مطیع او گردید، آنگاه خودِ پسر نیز مطیع آن کس خواهد شد که همه چیز را زیر پاهای او نهاد، تا خدا کل در کل باشد.

۲۹ و گرنه، آنان که به نیابت از مردگان تعمید می‌گیرند، چه کنند؟ اگر مردگان به هیچوجه برنمی‌خیزند، چرا به نیابت از ایشان تعمید می‌گیرند؟ ۳۰ و چرا ما هر لحظه در خطر هستیم؟ ۳۱ ای برادران، به فخری که در خداوندمان مسیح عیسی در مورد شما دارم قَسَم که من هر روز با مرگ روبرو می‌شوم. ۳۲ اگر جنگ من با وحوش در اَفِسُس تنها به دلایل بشری بوده، چه سودی از آن برده‌ام؟ اگر مردگان برنمی‌خیزند،

«بیایید بخوریم و بنوشیم
زیرا فردا می‌میریم.»

۳۳ فریب مخورید: «معاشِرت بد، اخلاق خوب را فاسد می‌سازد.» ۳۴ از رخوت خود بیدار شوید که درستش هم همین است و دیگر در گناه ادامه ندهید. چرا که در بعضی معرفت خدا نیست. این را می‌گویم تا شرمنده شوید.

## رستاخیز بدن

۳۵ امّا شاید کسی بپرسد: «مردگان چگونه برمی‌خیزند و با چه نوع بدنی می‌آیند؟» ۳۶ ای احمق! آنچه می‌کاری، تا نمیرد زنده نمی‌شود. ۳۷ و آنچه می‌کاری، نه آن جسمی را که خواهد شد می‌کاری، بلکه دانه‌ای را، خواه گندم و خواه دانه‌های دیگر. ۳۸ امّا خدا جسمی را که خود تعیین کرده است، بدان می‌بخشد و هر نوع دانه را جسمی مخصوص عطا می‌کند.

---

**۱۸:۱۵** منظور ایماندارانِ وفات یافته است. **۳۳.۱۵** اقتباس از نمایشنامه کمدی "تایس" که "مِنانْدِر" آنرا در قرن ٤ - ۳ قبل از میلاد نوشته. این نقل قول در زمان پولس گفته‌ای رایج بود

**۲۷:۱۵** مزمور ۶:۸. **۳۲:۱۵** اِشعیا ۱۳:۲۲.

۳۹ چرا که همه جسمها یک نیستند. برای
آدمیان یک نوع، برای حیوانات نوعی دیگر،
برای پرندگان نوعی دیگر؛ و ماهیان را نیز نوعی
دیگر. ۴۰ و جسمهای آسمانی و جسمهای
زمینی هستند. امّا جلال جسمهای آسمانی از
یک نوع است و جلال جسمهای زمینی از نوعی
دیگر. ۴۱ برای خورشید جلالی هست، و برای
ماه جلالی دیگر، و ستارگان نیز جلالی دیگر؛
زیرا ستاره نیز از ستاره دیگر در جلال متفاوت
است.
۴۲ در مورد رستاخیز مردگان نیز چنین است.
آنچه کاشته می‌شود، فسادپذیر است؛ آنچه
برمی‌خیزد، فسادناپذیر. ۴۳ در ذلّت کاشته
می‌شود، در جلال برمی‌خیزد. در ضعف کاشته
می‌شود، در قدرت برمی‌خیزد. ۴۴ بدنِ طبیعی
کاشته می‌شود، بدنِ روحانی برمی‌خیزد. اگر بدن
طبیعی وجود دارد، بدن روحانی نیز وجود
دارد. ۴۵ چنانکه نوشته شده است: «انسانِ
اوّل، یعنی آدم، موجود زنده گشت»؛ آدمِ
آخر، روحِ حیات‌بخش شد. ۴۶ لیکن روحانی
اوّل نبود بلکه طبیعی، و پس از آن روحانی.
۴۷ انسانِ اوّل از زمین است و خاکی؛ انسانِ دوّم
از آسمان است. ۴۸ چنانکه انسان خاکی بود،
خاکیان نیز چنان هستند؛ و چنانچه انسان
آسمانی است، آسمانی‌ها نیز چنان هستند.
۴۹ و چنانکه صورت انسان خاکی را به خود
گرفتیم، صورت انسان آسمانی را نیز به خود
خواهیم گرفت.

### راز و پیروزی

۵۰ ای برادران، این را به شما می‌گویم
که جسم و خون نمی‌تواند وارث پادشاهی
خدا شود و فسادپذیر، وارث فسادناپذیری
نمی‌گردد. ۵۱ حال، رازی را با شما در میان
می‌گذارم: ما همه نخواهیم خوابید، بلکه همه
متبدّل خواهیم شد. ۵۲ در یک لحظه و در یک
چشم به هم زدن، به نواختن شیپور آخر، زیرا
شیپور به صدا در خواهد آمد و مردگان در
فسادناپذیری برخواهند خاست و ما دگرگون
خواهیم شد. ۵۳ زیرا این بدنِ فسادپذیر باید
فسادناپذیری را بپوشد و این بدن فانی باید
به بقا آراسته شود. ۵۴ چون این فسادپذیر،
فسادناپذیری را پوشید و این فانی به بقا آراسته
شد، آنگاه آن کلامِ مکتوب به انجام خواهد
رسید که می‌گوید: «مرگ در پیروزی بلعیده
شده است.»

۵۵ «ای مرگ، پیروزی تو کجاست؟
و ای موت، نیش تو کجاست؟»

۵۶ نیش مرگْ گناه است و قدرت گناه،
شریعت. ۵۷ امّا شکر خدا را که به واسطه
خداوند ما عیسی مسیح به ما پیروزی
می‌بخشد.
۵۸ پس، ای برادران محبوبم، ثابت و استوار
بوده، همواره به کار خداوند مشغول باشید،
زیرا می‌دانید زحمت شما در خداوند بیهوده
نیست.

### جمع‌آوری هدایا برای مقدسین

۱۶ و امّا درباره جمع‌آوری هدایا برای
مقدسین: شما نیز آنچه را که به
کلیساهای غَلاطیه گفته‌ام، انجام دهید. ۲ روز
اوّل هر هفته، هر یک از شما، به نسبت درآمد
خود، پولی کنار گذاشته، پس‌انداز کند، تا به
وقت آمدنم، لزومی به جمع‌آوری هدایا نباشد.

**۵۱:۱۵** در اینجا منظور از خوابیدن، مرگ است.

**۴۵:۱۵** پیدایش ۷:۲. **۵۴:۱۵** اِشعیا ۸:۲۵. **۵۵:۱۵** هوشع ۱۴:۱۳.

۳ و چون بیایم، آنانی را که شما تایید می‌کنید،
با نامه‌ها خواهم فرستاد تا هدایای شما را به
اورشلیم ببرند. ٤ و اگر صلاح باشد که من نیز
بروم، آنان مرا همراهی خواهند کرد.

## برنامه های سفر

۵ پس از گذر از مقدونیه نزد شما خواهم
آمد، زیرا از مقدونیه خواهم گذشت. ٦ و شاید
نزدتان بمانم، و یا حتی زمستان را با شما
بگذرانم، تا بتوانید مرا در سفرم به هر کجا
که بروم، یاری کنید. ۷ زیرا الان نمی‌خواهم
در بین راه به دیدارتان بیایم، بلکه امید دارم،
اگر خداوند اجازه دهد، مدتی را با شما به سر
برم. ۸ امّا تا پِنتیکاست در اَفِسُس می‌مانم ۹ زیرا
دری بزرگ برای خدمت مؤثر برایم باز شده،
و مخالفان بسیارند.
۱۰ هرگاه تیموتائوس آمد، آگاه باشید که
در میان شما راحت باشد، زیرا که او به کار
خداوند مشغول است، چنانکه من نیز هستم.
۱۱ پس کسی او را حقیر نشمارد. او را به‌سلامتی
روانه کنید تا نزد من بازگردد؛ زیرا که او را با
برادران انتظار می‌کشم.

## دستورهای نهایی

۱۲ و امّا در مورد برادر ما آپولس، او را بسیار
اصرار کردم که با سایر برادران نزد شما بیاید،
امّا به هیچوجه راضی نشد که اکنون بیاید.
لیکن هر وقت فرصت داشت، خواهد آمد.
۱۳ هوشیار باشید؛ در ایمان استوار بمانید؛
مردانه رفتار کنید و قوی باشید. ۱٤ همه
کارهای شما با محبت باشد.
۱۵ حال ای برادران، از شما استدعا دارم -
می‌دانید که خانواده اِستِفاناس اولین کسانی
بودند که در آخائیه ایمان آوردند، و ایشان
خود را وقف خدمت به مقدسین کرده‌اند.
۱٦ مطیع چنین کسان باشید و مطیع هر
کس دیگر که در این خدمت همکاری می‌کند
و زحمت می‌کشد. ۱۷ از آمدن اِستِفاناس،
فورتوناتوس و آخائیکوس شادمانم، زیرا غیبت
شما را جبران کرده‌اند. ۱۸ چونکه آنان روح مرا
و نیز روح شما را تازه ساختند. چنین کسان را
قدر بدارید.

## سلامها

۱۹ کلیساهای آسیا برایتان سلام می‌فرستند.
آکیلا و پریسکیلا به همراه کلیسایی که در
خانه‌شان است، به شما در خداوند سلامهای
گرم می‌فرستند. ۲۰ همه برادران برای شما سلام
می‌فرستند. با بوسه مقدّس یکدیگر را سلام
گویید.
۲۱ من، پولس، به دست خود این سلام را به
شما می‌نویسم.
۲۲ اگر کسی خداوند را دوست ندارد، ملعون
باد. خداوند ما، بیا!
۲۳ فیض خداوند عیسی با شما باد.
۲٤ محبت من در مسیح عیسی همراه همه
شما باشد. آمین.

---

**۱۹:۱٦** در اصل یونانی: "پُریسکا"، که شکل کوتاه شده" پریسکیلا" است. **۲۲:۱٦** در اصل یونانی: «مارانا، تَه»، که عبارتی است آرامی و عیناً به یونانی برگردانده شده است. عبارت آرامی را می‌توان «ماران آتَه» نیز خواند که در این صورت معنی آن «خداوند ما آمده است» خواهد بود.

# نامه پولُس رسول به دوّم قُرِنتیان

## نکاتی چند درباره نامه دوّم به قُرِنتیان

از مفاد این نامه معلوم است که معلّمان و واعظانی دروغین به کلیسای قُرِنتُس رسوخ کرده بودند و در ذهن مردم در رابطه با صداقت پولس و اقتدار رسالت او سؤال ایجاد کرده، اتهاماتی به او وارد می‌نمودند. پولس در این رساله از خود و از رسالت خود دفاع می‌کند.

این رساله از جنبه شخصی بیشتری برخوردار است و در آن درد دل پولُس را به روشنی می‌بینیم. این نامه بیش از هر چیز شخصیت صادق و قلب پر محبّت او را در مقابل چشم می‌گذارد.

### تقسیم‌بندی کلّی

- مقدمه (۱:۱-۱۱)
- پولس و کلیسای قُرِنتُس (۱۲:۱ تا ۱۶:۷)
- هدیه برای مسیحیانِ یهودیه (فصل‌های ۸ و ۹)
- دفاع پولس از اقتدارش به عنوان رسول (۱:۱۰ تا ۱۰:۱۳)
- بخش پایانی (۱۱:۱۳-۱۳)

۱ از پولس، به اراده خدا رسول عیسی مسیح، و برادر ما تیموتائوس،
به کلیسای خدا که در قُرِنتُس است، با همه مقدسین که در تمامی آخائیه می‌باشند:
۲ فیض و سلامتی از جانب خدا پدر ما، و خداوندْ عیسی مسیح، بر شما باد!

### خدای جمیع تسلیّات

۳ متبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح، پدر رحمتها و خدای همه تسلیّات،
۴ که ما را در همه سختیهایمان تسلّی می‌دهد تا ما نیز بتوانیم دیگران را در هر سختی به آن تسلّی که خود از او یافته‌ایم، تسلّی دهیم. ۵ زیرا همان‌گونه که به‌فراوانی شریک در رنجهای مسیح می‌باشیم، به همان قسم نیز به واسطه مسیح در تسلّی فراوان شریک هستیم. ۶ اگر در سختی هستیم، برای تسلّی و نجات شماست، و اگر تسلّی داریم، باز برای تسلّی شماست، که زمانی تجربه‌اش می‌کنید که همان رنجهایی را که ما می‌کشیم، با بردباری تحمل می‌کنید. ۷ امیدی که به شما داریم، تزلزل نمی‌پذیرد، زیرا می‌دانیم همان‌گونه که شریک در رنجهای ما هستید، در تسلّی ما نیز شریک خواهید بود.

۸ چرا که ای برادران، نمی‌خواهیم از سختیهایی که در آسیا بر ما سر ما آمد، بی‌خبر باشید زیرا بی‌نهایت و فوق از طاقت‌مان زحمت دیدیم به حدی که از زنده ماندن هم مایوس شدیم. ۹ درواقع احساس می‌کردیم حکم مرگمان صادر شده است. امّا اینها اتفاق افتاد تا نه بر خود، بلکه بر خدایی توکل کنیم که مردگان را برمی‌خیزاند. ۱۰ او ما را از چنین خطر مهلکی رهانید و باز خواهد رهانید. بر

اوست که ما امید بسته‌ایم که همچنان ما را خواهد رهانید. ۱۱ و شما نیز باید با دعای خود یاری‌مان دهید و به این ترتیب بسیاری برای برکتی که از طریق دعاها به ما بخشیده شده، به خاطر ما شکرگزار خواهند بود.

## تغییر برنامه پولس

۱۲ زیرا فخر ما این است، یعنی شهادت وجدان ما، که به اخلاص و صداقت الهی در دنیا رفتار کردیم، نه به حکمت بشری، بلکه به فیض الهی، بخصوص نسبت به شما. ۱۳ زیرا چیزی به شما نمی‌نویسیم مگر آنچه که می‌خوانید و می‌فهمید و امید دارم که کاملا می‌فهمید- ۱۴ چنانکه ما را تا حدی شناخته‌اید، بدانید که در روز خداوندمان عیسی، به ما فخر خواهید کرد، چنانکه ما به شما فخر خواهیم کرد.

۱۵ با این اطمینان، خواستم اول به دیدار شما بیایم تا دو چندان فیض بیابید. ۱۶ خواستم که بر سر راهم به مقدونیه از شما دیدار کنم و از مقدونیه دوباره نزدتان بازگردم تا مرا به سفر یهودیه راهی کنید. ۱۷ آیا وقتی این را خواستم، دودل بودم؟ و آیا تصمیماتم بر اساس جسم می‌گیرم و آماده که همزمان هم "بله، بله" بگویم و هم "نه، نه"؟ ۱۸ به امانت قسم که سخن ما با شما 'بلی' و 'نه' نبوده است. ۱۹ زیرا پسر خدا، عیسی مسیح، که من و سیلوانُس و تیموتائوس او را در میان شما اعلان کردیم، 'بلی' و 'نه' نبود، بلکه در او همیشه 'بلی' است. ۲۰ زیرا همه وعده‌های خدا در مسیح 'بلی' است و به همین جهت در اوست که ما 'آمین' را بر زبان می‌آوریم، تا خدا جلال یابد. ۲۱ امّا خداست که ما را با شما در مسیح استوار می‌سازد و ما را مسح نموده است، ۲۲ و مُهر مالکیت خویش را بر ما زده و روح خود را چون بیعانه در دلهای ما عطا کرده است.

۲۳ لیکن خدا را شاهد می‌گیرم که من از آمدن به قرنتُس به این دلیل خودداری کردم که شما را آزرده خاطر نسازم. ۲۴ نه اینکه بر ایمان شما سَروری کنیم، بلکه برای شادی شما می‌کوشیم، زیرا که در ایمان استوارید.

۲ زیرا در دل خود مصمم بودم که باز دیداری دردناک با شما نداشته باشم. ۲ زیرا اگر شما را برنجانم، آیا کسی خواهد بود که موجب شادی من می‌گردد مگر همانهایی که رنجانیدم؟ ۳ و چنین به شما نوشتم تا وقتی که بیایم، از آنانی که می‌باید مرا شادمان سازند، رنجیده‌خاطر نباشم، زیرا از همه شما مطمئن بودم که شادی من شادی همه خواهد بود. ۴ زیرا که از اندوهی سنگین و دلی دردمند و اشکهای بسیار به شما نوشتم، نه اینکه برنجانمتان، بلکه از عمق محبتی که به شما دارم، آگاه شوید.

## خطاکار را ببخشید

۵ امّا اگر کسی باعث رنجش شده، نه تنها باعث رنجش من، بلکه - اگر اغراق نکنم - باعث رنجش همه شما! ۶ برای چنین کس، تنبیهی که از سوی بیشتر شما بر او اِعمال شده، کافی است. ۷ پس اکنون دیگر او را باید ببخشید و دلداری‌اش دهید، مبادا اندوه بیش از حد، او را از پا درآورد. ۸ بنابراین، از شما استدعا دارم که او را از محبت خود مطمئن سازید. ۹ زیرا که برای همین نوشتم که شما را به امتحان کشم و بدانم که در هر امری مطیع

**۱۲.۱** در برخی ترجمه‌ها، قدوسیّت **۱۹:۱** همان"سیلاس" است. **۲۲.۱** یا، پیش پرداخت

هستید. ۱۰ لیکن هر که را شما ببخشید، من نیز او را می‌بخشم. درواقع آنچه را بخشیده‌ام - البته اگر چیزی را بخشیده‌ام - به‌خاطر شما در حضور مسیح کرده‌ام، ۱۱ تا شیطان بر ما برتری نیابد، زیرا که از ترفندهای او بی‌خبر نیستیم.

## پیروزی در مسیح

۱۲ هنگامی که برای بشارتِ انجیلِ مسیح به تروآس آمدم، هرچند که در آنجا دری برای من در خداوند باز شده بود، ۱۳ امّا روح من آرامی نداشت، زیرا برادر خود تیتوس را در آنجا نیافتم. پس ایشان را وداع کرده، به مقدونیه رفتم.

۱۴ امّا خدا را سپاس که همواره ما را در مسیح، در موکب پیروزی خود می‌بَرَد و رایحه خوش شناخت او را به وسیله ما در همه جا می‌پراکَنَد. ۱۵ زیرا ما برای خدا رایحه خوش مسیح هستیم، چه در میان نجات‌یافتگان و چه در میان هلاک‌شوندگان. ۱۶ امّا برای یکی بوی مرگ تا مرگ و برای دیگری عطر حیات تا حیات. و کیست که برای این امور کافی باشد؟ ۱۷ چرا که ما همانند بسیاری نیستیم که کلام خدا را دستفروشی کنیم، بلکه در مسیح با خلوص‌نیّت سخن می‌گوییم، همچون کسانی که از جانب خدا مامور شده‌اند و در حضور او می‌ایستند.

## خادمین عهد جدید

۳ آیا باز به خودستایی از خود می‌پردازیم؟ یا مانند بعضی، نیاز به توصیه‌نامه به شما یا از شما داریم؟ ۲ شما خود، توصیه‌نامه ما هستید، نوشته شده بر دلهای ما که بر همه معلوم باشد و از جانب همه خوانده شود. ۳ و شما نشان می‌دهید که نامه مسیح هستید که توسط ما تحویل داده شده، که نه با مرکّب، بلکه با روح خدای زنده نوشته شده است ، و نه بر لوحهای سنگی، بلکه بر لوحهای گوشتی دل.

۴ چنین است اطمینانی که از طریق مسیح نسبت به خدا داریم. ۵ نه آنکه در خود کفایت داشته باشیم تا چیزی را به حساب خود بگذاریم، بلکه کفایت ما از خداست. ۶ او ما را کفایت بخشیده که خادمین عهد جدید باشیم - نه حرف را بلکه روح را، زیرا حرف می‌کُشد، لیکن روح، حیات می‌بخشد.

۷ حال، اگر خدمت مرگ که بر حروفِ حک شده بر سنگ استوار بود، با چنان جلالی آمد که بنی‌اسرائیل نمی‌توانستند بر چهره موسی چشم بدوزند، هر چند که رو به زوال بود، ۸ آیا خدمت روح با جلال بیشتر نخواهد بود. ۹ زیرا اگر در خدمت محکومیت، جلال بود، چقدر بیشتر خدمت صالح شمرده شدن در جلال خواهد افزود. ۱۰ به راستی هم که در این امر، آنچه زمانی جلال داشت، اکنون دیگر به جهت جلالی که از آن برتر است، هیچ جلالی ندارد. ۱۱ زیرا اگر آنچه فانی بود، با جلال آمد، چقدر بیشتر آنچه دائمی‌است، جلال خواهد داشت.

۱۲ پس چون چنین امیدی داریم، با شهامتِ کامل سخن می‌گوییم؛ ۱۳ نه مانند موسی که نقابی بر چهره خود می‌کشید تا بنی‌اسرائیل تمام شدن آنچه را که رو به زوال بود، نبینند. ۱۴ امّا ذهنهای ایشان تاریک شد زیرا

**۱۶.۲** می‌توان چنین نیز ترجمه کرد: "بوی مرگ که تا به مرگ می‌برد... بوی حیات که تا به حیات. **۶:۳** منظور نوشته شریعت است که سند عهد قدیم بود.

تا به امروز هنگام خواندن عهد عتیق همان نقاب باقی است و برداشته نشده، زیرا تنها در مسیح برداشته می‌شود. ۱۵ آری، تا به امروز، هرگاه موسی را می‌خوانند، نقابی بر دل آنها برقرار می‌ماند؛ ۱٦ امّا هرگاه کسی به سوی خداوند بازگشت می‌کند، نقاب برداشته می‌شود. ۱۷ حال، خداوند، روح است و هر جا روحِ خداوند باشد، آنجا آزادی است. ۱۸ و همه ما که با چهره بی‌نقاب، جلال خداوند را، منعکس می‌کنیم، به صورت همان تصویر، از جلال به جلالی فزونتر متبدّل می‌شویم؛ و این از خداوند سرچشمه می‌گیرد که روح است.

## نور انجیل

٤ پس چون در نتیجه رحمت خدا چنین خدمتی را داریم، دلسرد نمی‌شویم. ۲ بلکه طریقهای پنهانی و شرم‌آور را ترک کرده، امتناع می‌کنیم از اینکه به حیله متوسل شویم و یا کلام خدا را تحریف کنیم. بلکه با بیانِ آشکار حقیقت، می‌کوشیم در حضور خدا مورد تأیید وجدان همه باشیم. ۳ و حتی اگر انجیل ما پوشیده است، بر آنانی پوشیده است که در طریق هلاکتند. ٤ که در رَابطه با آنها خدای این جهان ذهنهای بی‌ایمانان را کور کرده تا نورِ انجیلِ جلالِ مسیح را که صورت خداست، نبینند. ۵ زیرا ما خود را موعظه نمی‌کنیم، بلکه عیسی مسیح خداوند را، امّا خود را چون خادم شما، به‌خاطر عیسی. ٦ زیرا خدایی که گفت: «نور از تاریکی بدرخشد،» در دلهای ما نیز درخشیده است تا نور معرفت جلال خدا در چهره عیسی مسیح، از ما بدرخشد.

## گنجینه در ظروف خاکی

۷ امّا این گنجینه را در ظروفی خاکی داریم، تا معلوم گردد که این قدرت خارق‌العاده از خداست نه از ما. ۸ ما از هر سو در فشاریم، لیکن خُرد نشده‌ایم؛ متحیّریم، لیکن نومید نیستیم؛ ۹ آزار دیده‌ایم، لیکن ترکمان نکرده‌اند؛ ضربه خورده‌ایم، لیکن از پا درنیامده‌ایم. ۱۰ همواره مرگ عیسی را در بدن خود حمل می‌کنیم تا حیات عیسی نیز در بدن‌های ما ظاهر شود. ۱۱ زیرا ما که زنده‌ایم، همواره به‌خاطر عیسی به مرگ سپرده می‌شویم تا حیات عیسی در بدن فانی ما ظاهر شود. ۱۲ پس مرگ در ما عمل می‌کند، امّا حیات در شما.

۱۳ و چون همان روح ایمان را داریم، مطابق آنچه در کتب مقدّس آمده که «ایمان آوردم، پس سخن گفتم.» ما نیز ایمان داریم و سخن می‌گوییم. ۱٤ زیرا می‌دانیم او که عیسای خداوند را از مردگان برخیزانید، ما را نیز با عیسی برخیزانیده، با شما به حضور او خواهد آورد. ۱۵ زیرا که همه چیز به‌خاطر شماست، تا همانطور که فیض شامل حال مردم بیشتر و بیشتری می‌گردد، شکرگزاری را برای جلال خدا بیفزاید.

۱٦ پس دلسرد نمی‌شویم. هرچند انسانیت ظاهری ما فرسوده می‌شود، انسانیت باطنی ما روزبه‌روز تازه‌تر می‌گردد. ۱۷ زیرا رنجهای جزئی و موقتی ما جلالی ابدی برایمان مهیا می‌سازد که با آن رنجها قابل قیاس نیست، ۱۸ در آن حینی که چشم می‌دوزیم نه بر آنچه دیدنی است، بلکه بر آنچه نادیدنی است. زیرا

**۱۵.۳** منظور "تورات" است.

**٦:٤** پیدایش ۱:۳. **۱۳:٤** مزمور ۱۱٦:۱۰.

چیزهای دیدنی گذرا، امّا چیزهای نادیدنی ابدی است.

## مسکن آسمانی ما

۵ زیرا می‌دانیم که هرگاه این خیمه زمینی که در آن سکونت داریم، فرو ریزد، عمارتی از خدا داریم، خانه‌ای ناساخته به دست و جاودانی در آسمانها. ۲ زیرا که در این خیمه آه می‌کشیم، و مشتاق هستیم که مسکن آسمانی خود را بپوشیم، ۳ اگر به راستی آن را بپوشیم، دیگر عریان یافت نمی‌شویم. ۴ زیرا تا زمانی که هنوز در این خیمه هستیم، با گرانباری آه می‌کشیم، چون نمی‌خواهیم بدون پوشش باشیم، بلکه پوششی دیگر به تن کنیم، تا فانی در حیات بلعیده شود. ۵ اما او که ما را برای این مقصود آماده ساخت، خداست که روح را چون بیعانه به ما داده است.

۶ پس دائما دلگرمیم، و می‌دانیم که تا زمانی که در این بدن ساکن هستیم، از خداوند دور هستیم، ۷ چرا که به ایمان زندگی می‌کنیم، نه به دیدار. ۸ آری، ما دلگرمیم و ترجیح می‌دهیم ترک این کنیم و نزد خداوند منزل گیریم. ۹ پس خواه در منزل داشته باشیم و خواه در دور از آن، هدف ما این است که او را خشنود سازیم. ۱۰ زیرا همه ما باید در برابر تخت داوری مسیح حاضر شویم، تا هر کس مطابق آنچه در بدن انجام داده، چه خوب و چه بد، سزا یابد.

## خدمت آشتی

۱۱ پس چون ترس خداوند را می‌دانیم، دیگران را مُجاب می‌کنیم. لیکن آنچه هستیم بر خدا آشکار است و امیدوارم بر وجدان شما نیز آشکار باشد. ۱۲ نمی‌خواهیم باز خود را به شما توصیه کنیم، بلکه می‌خواهیم دلیلی به شما دهیم که به ما فخر کنید، تا بتوانید پاسخ کسانی را بدهید که به ظاهر فخر می‌کنند، نه به آنچه در قلب است. ۱۳ زیرا اگر عقل‌مان را از دست داده‌ایم، برای خداست؛ و اگر عاقل هستیم، برای شماست. ۱۴ زیرا محبت مسیح بر ما حاکم است، چرا که این را دریافتیم: که یک نفر برای همه مرده است، پس همه مرده‌اند. ۱۵ و او برای همه مرد تا آنانی‌که زنده‌اند، دیگر نه برای خود، بلکه برای او زیست کنند که به خاطرشان مرد و برخاست.

۱۶ بنابراین، از این پس هیچ‌کس را به حسب جسم قضاوت نمی‌کنیم. هرچند پیشتر مسیح را نیز به حسب جسم قضاوت می‌کردیم، اکنون دیگر چنین نمی‌کنیم. ۱۷ از این رو، اگر کسی در مسیح باشد، او خلقتی تازه است. چیزهای کهنه درگذشت؛ اینک، همه چیز تازه شده است! ۱۸ و این همه از خداست که به واسطه مسیح ما را با خود آشتی داده و خدمت آشتی را به ما سپرده است. ۱۹ یعنی، خدا در مسیح جهان را با خود آشتی می‌داد و گناهان ایشان را به حسابشان نمی‌گذاشت، و پیام آشتی را به ما سپرد. ۲۰ پس، ما سفیران مسیح هستیم، که خدا از طریق ما شما را به آشتی می‌خوانَد. ما از جانب مسیح از شما استدعا می‌کنیم که با خدا آشتی کنید. ۲۱ او کسی را که گناه را نشناخت، در راه ما گناه ساخت، تا ما در وی عدالت خدا شویم.

۶ پس چون همکاران خدا، از شما استدعا داریم که فیض خدا را بیهوده نیافته باشید. ۲ زیرا می‌گوید:

«در زمان لطف خود، تو را اجابت کردم

**۱۶:۵** یا: "معیارهای این دنیا". **۲۱:۵** یا: «قربانی گناه ساخت».

و در روز نجات، تو را یاری نمودم.»
هان، اکنون زمان لطف خداست؛ اینک، اکنون
روز نجات است.
۳ ما در راه هیچ کس هیچ مانعی نمی‌گذاریم،
تا خدمتمان ایرادی یافت نشود. ۴ بلکه چون
خادمان خدا، در هر چیز شایستگی خود را
ثابت می‌کنیم: با بردباریِ بسیار، در زحمات،
در سختیها، در تنگیها، ۵ در تازیانه‌ها، در
زندانها، در آشوبها، در کار سخت، در
بی‌خوابیها، و در گرسنگی؛ ۶ با پاکی، با معرفت،
با صبر، با مهربانی، با روح‌القدس، با محبت
بی‌ریا، ۷ با راستگویی، و با قدرت خدا؛ با سلاح
صالح بودن به دست راست و چپ؛ ۸ از طریق
عزّت و ذلّت، از طریق بدنامی و نیکنامی. با
ما همچون افرادی شیاد رفتار می‌شود، حال
آنکه حقیقت را می‌گوییم؛ ۹ همچون گمنام، با
این وجود، معروف؛ گویی در حال مرگ، امّا
هنوز زنده‌ایم؛ گویی مجازات شده، امّا هنوز
کشته نشده‌ایم؛ ۱۰ گویی غمگین، امّا همواره
شادمانیم؛ گویی فقیر، حال آنکه بسیاری را
دولتمند می‌سازیم؛ گویی بی‌چیز، حال آنکه
صاحب همه چیزیم.
۱۱ ای قرنتیان، با شما بی‌پرده سخن گفته‌ایم
و دل ما برای شما گشوده است. ۱۲ ما محبت
خود را از شما دریغ نمی‌داریم، لیکن شما
هستید که محبت خود را از ما دریغ می‌کنید.
۱۳ در عوض، (با شما چون فرزندان سخن
می‌گویم) شما نیز دلهای خود را بر ما بگشایید.

### معبد خدای زنده

۱۴ با بی‌ایمانان زیر یک یوغ نروید. زیرا چه
شراکتی است بین صالح بودن و شرارت؟ چه
مشارکتی است بین نور و ظلمت؟ ۱۵ چه
توافقی است بین مسیح و بِلیعال؟ چه نصیبی
است بین ایماندار و بی‌ایمان؟ ۱۶ چه سازگاری
است بین معبد خدا را با بتها؟ زیرا ما معبد
خدای زنده هستیم. چنانکه خدا گفت:

«بین آنها سکونت خواهم کرد
در میانشان راه خواهم رفت،
و من خدای ایشان خواهم بود
و آنان قوم من خواهند بود.»

۱۷ پس، خداوند می‌گوید:
«از میان ایشان بیرون آیید و
جدا شوید.
هیچ چیز نجس را لمس مکنید
آنگاه من شما را قبول خواهم کرد.»
۱۸ «و شما را پدر خواهم بود
و شما مرا پسران و دختران
خواهید بود،
خداوندِ قادر مطلق می‌گوید.»

۷ پس ای عزیزان، چون این وعده‌ها را
داریم، بیایید خود را از هر چیز که جسم
و روح ناپاک می‌سازد، دور سازیم و تقدس را
در ترس خدا به کمال رسانیم.

### شادی پولس

۲ ما را در دل خود جای دهید. در حق کسی
بدی نکرده‌ایم، کسی را به فساد نکشیده‌ایم،

---

**۱۵:۶** "بِلیعال" یکی از نامهای شیطان است.

**۲:۶** اِشعیا ۸:۴۹. **۱۶:۶** لاویان ۱۲:۲۶؛ اِرمیا ۳۸:۳۲؛ حِزقیال ۲۷:۳۷. **۱۷:۶** اِشعیا ۱۱:۵۲ و حِزقیال ۳۴:۲۰ و ۴۱. **۱۸:۶** ۲سموئیل ۱۴:۷.

و از هیچ کس بهره‌جویی نکرده‌ایم. [۳] این را نمی‌گویم تا محکومتان کنم. زیرا پیشتر به شما گفتم که در دل ما هستید و آماده‌ایم با شما بمیریم و با شما زیست کنیم. [٤] نسبت به شما اعتماد کامل دارم و درباره شما فخر می‌کنم. از تسلّی پر گشته‌ام و در همه سختی‌ها از شادی لبریزم.

[٥] زیرا حتی هنگامی که به مقدونیه رسیدیم، جسم ما آسایش نیافت، بلکه از هر جهت در زحمت بودیم - از بیرون، نزاعها و از درون، ترسها. [٦] امّا خدایی که افتادگان را تسلّی می‌بخشد، با آمدن تیتوس ما را تسلّی بخشید. [۷] و نه تنها از آمدن او، بلکه به واسطه آن تسلّی نیز که از شما یافته بود، چون از اشتیاق شما و اندوه عمیقتان و غیرتی که نسبت به من دارید، خبر آورد، که این بیشتر مرا شادمان ساخت.

[۸] زیرا هرچند شما را با نامه خود غمگین کردم، پشیمان نیستم. گرچه تا حدی پشیمان بودم - چون می‌بینم که آن نامه هرچند برای اندکی کوتاه، شما را غمگین ساخت. [۹] امّا اکنون شادمانم، نه از آنکه غمگین شدید، بلکه غمتان به توبه انجامید. زیرا غم شما برای خدا بود، تا هیچ زیانی از ما به شما نرسد. [۱۰] زیرا غمی که برای خدا باشد، موجب توبه می‌شود که به نجات می‌انجامد و پشیمانی ندارد. امّا غمی که برای دنیاست، مرگ به بار می‌آورد. [۱۱] پس ببینید غمی که برای خدا بود، چه ثمراتی در شما پدید آورده است، و چه اشتیاق برای اثبات بی‌گناهیتان، چه حرارتی، چه ترسی، چه دلتنگی‌ای، چه غیرتی، چه تنبیهی! شما در هر مورد ثابت کرده‌اید که در آن قضیه بی‌تقصیر بوده‌اید. [۱۲] پس گرچه به شما نوشتم، لیکن به‌خاطر آن کس که بدی کرد و یا آن که نسبت به او بدی شد، نبود، بلکه تا در حضور خدا ارادت شما نسبت به ما، بر خودتان آشکار شود. [۱۳] از این رو ما دلگرم هستیم.

و علاوه بر تسلّی خودِ ما، دیدن شادی تیتوس نیز موجب شادی هر چه بیشتر ما شد، زیرا روح او از همه شما قوت تازه گرفته بود. [۱٤] زیرا اگر نزد او نسبت به شما فخر کردم، خجل نشدم، بلکه همانطور که هرآنچه به شما گفتیم درست بود، همچنین فخر ما نزد تیتوس نیز درست بوده است. [۱٥] و محبت او نسبت به شما زیادتر است چون که اطاعت همه شما را به یاد می‌آوَرَد که چگونه با ترس و لرز او را پذیرفتید. [۱٦] شادمانم که در هر چیز به شما اطمینان دارم.

## تشویق به سخاوتمندی

۸ لیکن ای برادران، می‌خواهیم شما را از فیضی که خدا به کلیساهای مقدونیه عطا کرده است، آگاه سازیم. [۲] زیرا که در بطن زحماتی شدید، شادی بی‌حد و شدّت فقر آنها، سخاوتمندی بی‌اندازه ایشان را جاری ساخت. [۳] زیرا که در حد توان خویش - و من شاهدم که حتی بیش از آن - به رضامندی خود، [٤] با اصرار زیاد از ما خواهش کردند که در این خدمتِ به مقدسین سهیم باشند. [٥] و در این، فراتر از انتظار ما عمل کردند، زیرا نخست خود را به خداوند تقدیم نمودند، و سپس به ما نیز، بر طبق اراده خدا. [٦] به همین جهت، از تیتوس خواستیم همان‌گونه که خود این عمل

**٤.۸** در متن یونانی، واژه "خاریس" بکار برده شده که به معنی لطف یا فیض یا سپاس نیز می‌باشد و بنا به متن می‌تواند معانی مختلف بدهد.

سخاوتمندی را در میان شما شروع کرد، آن را به کمال نیز برساند. ۷ اما چنانکه در هر چیز ممتازید - در ایمان، در بیان، در معرفت، در غیرت بسیار، و در محبت ما نسبت به شما - پس در این عمل فیض نیز ممتاز باشید.
۸ این را به شما حکم نمی‌کنم، بلکه می‌خواهم خلوص محبتتان را در قیاس با غیرت دیگران بیازمایم. ۹ زیرا شما از فیض خداوند ما عیسی مسیح آگاهید که هرچند دولتمند بود، به‌خاطر شما فقیر شد، تا شما از فقر او دولتمند شوید.
۱۰ پس نظر خود را در این باره بیان می‌کنم، زیرا به نفع شماست، شما در سال گذشته، نه تنها در انجام این کار، بلکه در اشتیاق به انجام آن نیز پیشقدم بودید. ۱۱ پس اکنون کار خود را به کمال رسانید، تا اشتیاقتان به این کار، انجام کامل آن را نیز، به فراخور آنچه که دارید، در پی داشته باشد. ۱۲ زیرا اگر اشتیاق باشد، مقبول می‌افتد، بر حسب آنچه کسی دارد، نه برحسب آنچه ندارد.
۱۳ زیرا مقصودم این نیست که دیگران در رفاه باشند و شما در زحمت، بلکه به طریق مساوات، ۱۴ تا فراوانی شما در حال حاضر، نیاز آنان را برطرف کند، و فراوانی آنها نیز نیاز شما را، که مساوات برقرار شود. ۱۵ چنانکه نوشته شده است: «آن که زیاد جمع کرد، اضافه نداشت، و آن که کم جمع کرد، کم نداشت.»

### تایید تیتوس

۱۶ لیکن خدا را شکر که در دل تیتوس نهاد که همچون من، خالصانه به فکر شما باشد. ۱۷ زیرا او نه تنها تقاضای ما را پذیرفت، بلکه خود با اشتیاقِ بسیار، برای آمدن نزد شما پیشقدم شد. ۱۸ همراه او برادری را می‌فرستیم که در همه کلیساها به‌سبب موعظه انجیل معروف است. ۱۹ و نه همین فقط، بلکه او از جانب کلیساها انتخاب شده تا در انجام این کار خیر که خدمت آن را برعهده داریم، برای جلال خدا و نشان دادن خیرخواهی‌مان، همسفر ما باشد. ۲۰ ما چنین عمل می‌کنیم تا کسی خدمت ما را درباره این هدیه سخاوتمندانه ملامت نکند. ۲۱ زیرا می‌کوشیم آنچه را که شایسته است انجام دهیم، نه تنها در نظر خداوند، بلکه در نظر مردم نیز.
۲۲ همراه ایشان، برادرمان را نیز می‌فرستیم که بارها امتحانش کرده‌ایم و در بسیاری از موارد اشتیاق او را دیدیم. لیکن اکنون بیش از هر زمان دیگر به خاطر اطمینانی که به شما دارد، مشتاق است. ۲۳ درباره تیتوس، باید بگویم که در خدمت به شما او شریک و همکار من است؛ و درباره برادرانمان، باید بگویم که فرستادگان کلیساها و جلال مسیح‌اند. ۲۴ پس محبت خود را به آنها ثابت کنید و در حضور کلیساها نشان دهید که فخر ما را نسبت به شما بی‌اساس نیست.

### جمع‌آوری پول برای مسیحیان اورشلیم

۹ حال نیازی نیست که درباره خدمتِ به مقدسین به شما بنویسم، ۲ زیرا از آمادگی شما خبر دارم و درباره شما نزد ایمانداران مقدونیه فخر می‌کنم و گفته‌ام که اهل آخائیه از سال گذشته حاضر بوده‌اند و غیرت شما

**۷.۸** در برخی ترجمه‌ها، در محبتتان برای ما **۱۸.۸** یا، فرستادیم **۲۳.۸** در متن یونانی، رسولان
**۱۵:۸** خروج ۱۸:۱۶.

بسیاری از آنان را به عمل برانگیخته است.
۳ امّا این برادران را می‌فرستم، تا فخر ما به شما
در این خصوص باطل نباشد، مطابق آنچه
که گفتم، حاضر باشید. ٤ وگرنه، اگر بعضی
از اهل مقدونیه همراهم بیایند و بدانند که
آماده نیستید، ما - و چقدر بیشتر خودتان -
از اطمینانی که به شما داشته‌ایم، سرافکنده
خواهیم شد. ٥ پس ضروری دانستم از برادران
بخواهم که قبل از ما به دیدارتان بیایند و
تدارک هدیه‌ای را که وعده داده بودید، به
اتمام رسانند، که از راه میل باشد و نه به
اجبار.

### بخشنده شاد

٦ به یاد داشته باشید که هر که اندک بکارد،
اندک هم درو خواهد کرد، و هر که به فراوانی
بکارد، به فراوانی هم درو خواهد کرد. ۷ هر
کس همان قدر بدهد که در دل قصد کرده
است، نه به اکراه و اجبار، زیرا خدا بخشنده
شاد را دوست می‌دارد. ۸ و خدا قادر است هر
نوع نعمت را برای شما بیفزاید تا همواره در
همه چیز به کفایت داشته باشید و به فراوانی
برای هر کارِ نیکو. ۹ چنانکه نوشته شده:

«با سخاوتمندی به فقرا بخشید،
و نیکوکاری‌اش تا به ابد باقی می‌ماند.»

۱۰ و او که بذر را برای کشاورز و نان را
برای خوراک فراهم می‌سازد، بذرتان را مهیا
ساخته، خواهد افزود حاصل صالح بودن
شما را خواهد افزود. ۱۱ در هر چیز دولتمند
خواهید شد که در هر چیز سخاوتمند باشید،
که به واسطه ما به شکرگزاری خدا خواهد
انجامید.
۱۲ زیرا انجام این خدمت، نه فقط نیازهای
مقدسین را رفع می‌کند، بلکه شکرگزاری‌های
بسیار را نسبت به خدا سَرریز می‌کند. ۱۳ با
تأیید این خدمت، مردم خدا را برای اطاعتی که
با اعتراف شما به انجیل مسیح همراه است،
تمجید خواهند کرد، و نیز برای سخاوتمندی
شما در کمک به آنها و به همه. ۱٤ آنان
به‌خاطر فیض فراوان خدا که بر شماست،
مشتاق شما هستند و برایتان دعا می‌کنند.
۱٥ سپاس بر خدا برای عطای وصف‌ناپذیرش!

### دفاع پولس از خدمتش

۱۰ اما من، به تواضع و ملایمت مسیح
از شما استدعا دارم، آری من که
در حضور شما 'فروتن'، لیکن دور از شما
'جسور' هستم، ۲ التماس می‌کنم که چون
حاضر شوم ناگزیر نباشم با کسانی که
می‌پندارند ما بر حسب جسم رفتار می‌کنیم،
با جسارت عمل کنم. ۳ زیرا هرچند در جسم
رفتار می‌کنیم، امّا بر طبق جسم نمی‌جنگیم.
٤ زیرا اسلحه جنگ ما جسمانی نیست، بلکه
نزد خدا قدرت دارد برای انهدام قلعه‌ها. ٥ ما
استدلالها و هر ادعای تکبّرآمیز را که در برابر
شناخت خدا خود را برمی‌افرازد، ویران می‌کنیم
و هر فکری را به اطاعت مسیح اسیر می‌سازیم.
٦ و آماده هستیم، تا زمانی‌که اطاعت شما
کامل شود، هر نااطاعتی را مجازات کنیم
۷ به آنچه در جلوی چشمتان هست،
بنگرید. اگر کسی اطمینان دارد که از آنِ مسیح

**۵.۹** در متن یونانی، برکات **۲:۱۰** در متن یونانی، طمع یا "بشری". **۳:۱۰** یا: «هرچند بشریم». **۳:۱۰** یا "بشری"؛ همچنین در آیهٔ ۴.

**۹:۹** مزمور ۹:۱۱۲.

است، باید در نظر داشته باشد که چنانکه او از آنِ مسیح است، ما نیز به همان اندازه از آنِ مسیح هستیم. ۸ زیرا حتی اگر درباره اقتدار خود اندکی بیشتر فخر کنم که خداوند برای بنا و نه برای ویرانی شما داده است، خجل نخواهم شد. ۹ نمی‌خواهم چنین به نظر آید که با نامه‌های خود شما را می‌ترسانم، ۱۰ زیرا می‌گویند: «نامه‌های او وزین و قوی است، امّا حضورش ضعیف و سخنش بی‌پایه.» ۱۱ چنین شخص بداند که آنچه در غیاب خود در نامه‌ها می‌گوییم، همان را به هنگام حضور، به عمل می‌آوریم.

۱۲ ما جرأت نمی‌کنیم که خود را از جمله کسانی بشماریم یا با کسانی قیاس کنیم که خودستایند. لیکن زمانی که ایشان خویشتن را با یکدیگر را می‌سنجند و خویشتن را با یکدیگر مقایسه می‌کنند، بی‌فهم هستند. ۱۳ لیکن ما بیش از اندازه فخر نمی‌کنیم، بلکه در حدودی فخر می‌کنیم که خدا برایمان معین کرده است، حدودی که شما را نیز شامل می‌شود. ۱۴ زیرا ما از حدود خود فراتر نرفته‌ایم، چنانکه گویی به شما نرسیده باشیم. چون ما اولین کسانی بودیم که انجیل مسیح را به شما رساندیم. ۱۵ و از حد خود نگذشته در زحمت‌های دیگران فخر نمی‌کنیم. بلکه امید ما این است که هر چه ایمان شما بیشتر رشد می‌کند، دامنه فعالیت ما در میان شما نیز گسترده‌تر شود، ۱۶ تا بتوانیم انجیل را در سرزمینهایی فراتر از شما بشارت دهیم، و نه فخر کنیم به کاری که پیشتر در قلمرو شخصی دیگر انجام شده است. ۱۷ پس «هر که فخر می‌کند، به خداوند فخر کند.» ۱۸ زیرا نه آن که خودستایی کند، پذیرفته می‌شود، بلکه آن که خدا او را بستاید.

## پولس و رسولان دروغین

۱۱ امیدوارم اندک حماقتی را در من تحمل کنید. تحملم کنید! ۲ زیرا غیرتی الهی نسبت به شما دارم، چون شما را به یک شوهر نامزد ساختم، تا به عنوان باکره‌ای پاک شما را به مسیح تقدیم کنم. ۳ امّا می‌ترسم همان‌گونه که مار به حیله خود حوا را فریب داد، افکار شما نیز از سرسپردگی صادقانه و خالصی که به مسیح دارید، منحرف شود. ۴ زیرا اگر کسی بیاید و عیسای دیگری را غیر از آن که ما موعظه کردیم، موعظه کند، یا اگر روحی متفاوت با آن روح که دریافت کردید یا اگر انجیلی غیر از آن انجیل که دریافت کرده‌اید به شما عرضه دارد، به آسانی تحملش می‌کنید. ۵ در واقع، گمان نمی‌کنم که از آن 'بزرگترین رسولان' کمتر باشم. ۶ حتی اگر در سخنوری ماهر نباشم، در معرفت چیزی کم ندارم؛ به راستی هم که این را در هر چیز به شما ثابت کرده‌ایم.

۷ آیا گناه کردم که با بشارت رایگان انجیل خدا به شما، خود را پست ساختم تا شما سرافراز شوید؟ ۸ با پذیرفتن کمک مالی، کلیساهای دیگر را غارت کردم، تا بتوانم شما را خدمت کنم. ۹ و وقتی که با شما بودم و در احتیاج، باری بر دوش کسی نگذاشتم. زیرا برادرانی که از مقدونیه آمدند، احتیاجات مرا رفع کردند. پس از هر جهت از بار نهادن بر شما پرهیز کردم و پرهیز نیز خواهم کرد. ۱۰ به آن راستی مسیح که در من است قسم، که فخرِ من در نواحی آخائیه از من گرفته نخواهد

**۱۷:۱۰** اِرمیا ۹:۲۴.

شد. ۱۱ از چه سبب؟ آیا از این سبب که دوستتان ندارم؟ خدا می‌داند که دوستتان دارم! ۱۲ و آنچه می‌کنم، همان را ادامه خواهم داد تا فرصت را از فرصت‌طلبان باز گیرم، از آنان که در صدد هستند تا در کار خدمتشان، خود را در آنچه بدان فخر می‌کنند، با ما برابر سازند. ۱۳ زیرا چنین کسان، رسولان دروغین و کارگران فریبکارند که خود را به رسولان مسیح مشابه می‌سازند. ۱۴ و عجیب نیست، زیرا شیطان هم خود را به فرشته نور مشابه می‌سازد. ۱۵ پس تعجبی ندارد که خادمانش نیز خود را به خادمان عدالت مشابه سازند. سرانجامِ ایشان مطابق اعمالشان خواهد بود.

### زحمات پولس به عنوان یک رسول

۱۶ باز می‌گویم: کسی مرا نادان نپندارد. امّا حتی اگر چنین می‌کنید، مرا چون نادان بپذیرید، تا بتوانم اندکی فخر کنم. ۱۷ وقتی این چنین با اطمینان از فخر خود می‌گویم، از جانب خداوند نمی‌گویم، بلکه چون یک نادان. ۱۸ از آنجا که بسیاری به حسب جسم فخر می‌کنند، من نیز فخر خواهم کرد. ۱۹ زیرا شما نادانان را به خوشی تحمل می‌کنید، چونکه خود فهیم هستید! ۲۰ چرا که اگر کسی شما را برده سازد، یا از شما بهره کشد، یا از شما سوءاستفاده کند، یا بر شما ریاست نماید، و یا به صورتتان سیلی زند، متحمّلش می‌شوید. ۲۱ با شرمندگی باید بگویم که ما برای چنین کارهایی ضعیف بوده‌ایم!

لیکن اگر کسی جرئت دارد به چیزی فخر کند - چون نادان سخن می‌گویم - من نیز جرئت دارم که به آن فخر کنم. ۲۲ آیا عبرانی هستند؟ من نیز هستم! آیا اسرائیلی هستند؟ من نیز هستم. آیا از نسل ابراهیم هستند؟ من نیز هستم. ۲۳ آیا خادم مسیح هستند؟ چون دیوانه سخن می‌گویم - من بیشتر هستم! از همه سخت‌تر کار کرده‌ام، به دفعات بیشتر به زندان افتاده‌ام، بیش از همه تازیانه خورده‌ام، بارها با مرگ روبه‌رو شده‌ام. ۲۴ پنج بار از یهودیان، سی و نه ضربه شلاق خوردم. ۲۵ سه بار مرا چوب زدند، یک بار سنگسار شدم، سه بار شکسته کشتی شدم، یک شبانه‌روز را در دریا سپری کردم. ۲۶ همواره در سفرها، در خطر از رودخانه‌ها، خطرِ راهزنان، خطر از قوم خود، خطر از اجنبیان، خطر در شهر، خطر در بیابان، خطر در دریا، خطر از برادران دروغین. ۲۷ در محنت و سختی، در بی‌خوابی بسیار، در گرسنگی و تشنگی، بارها بدون غذ، در سرما و عریانی. ۲۸ علاوه بر همه اینها، هر روزه بار نگرانی بر من است، باری که برای همه کلیساها دارم. ۲۹ کیست ضعیف که من ضعیف نشوم؟ کیست که بلغزد و من نسوزم؟

۳۰ اگر می‌باید فخر کنم، به چیزهایی فخر خواهم کرد که ضعف مرا نشان می‌دهد. ۳۱ خدا و پدر خداوندْ عیسی، که تا به ابد متبارک است، می‌داند که دروغ نمی‌گویم. ۳۲ در دمشق، حاکمِ منصوبِ شاه حارِث، نگهبانانی بر شهرِ دمشقیان گماشت تا گرفتارم کنند. ۳۳ امّا مرا در زنبیلی، از پنجره‌ای که بر حصار شهر بود، پایین فرستادند و از دستهایش گریختم.

### رؤیاهای پولس و خار جسم او

۱۲ می‌باید که به فخر کردن ادامه دهم! هرچند سودی از آن حاصل نمی‌شود، لیکن فخرم را در رؤیاها و مکاشفات خداوند ادامه می‌دهم. ۲ شخصی را در مسیح

می‌شناسم، که چهارده سالِ پیش به آسمان سوّم ربوده شد. آیا در جسم بود یا بیرون از جسم، نمی‌دانم، خدا می‌داند. ۳ و می‌دانم که این شخص به فردوس، بالا برده شد - در جسم یا بیرون از جسم، نمی‌دانم، خدا می‌داند - ۴ و چیزهایی ناگفتنی شنید که انسان را جایز نیست به آنها سخن گوید. ۵ درباره این شخص فخر خواهم کرد. امّا درباره خود، جز به ضعفهایم فخر نخواهم کرد. ۶ هرچند اگر بخواهم فخر کنم، نادان نخواهم بود، زیرا حقیقت را بیان می‌کنم؛ امّا از این کار می‌پرهیزم تا کسی مرا چیزی بیش از آنچه که در من می‌بیند و یا از من می‌شنود، نپندارد

۷ پس برای اینکه عظمت بی‌اندازه این مکاشفات مغرورم نسازد، خاری در جسم به من داده شد، یعنی قاصدی از شیطان، تا آزارم دهد و مرا از غرور بازدارد. ۸ سه بار از خداوند خواهش کردم که آن را از من بردارد، ۹ امّا مرا گفت: «فیض من تو را کافی است، زیرا قدرت من در ضعف کامل می‌شود.» پس با شادیِ بسیار به ضعفهایم فخر خواهم کرد تا قدرت مسیح بر من ساکن شود. ۱۰ بنابراین، در ضعفها، دشنامها، سختی‌ها، آزارها و مصیبتها، به‌خاطر مسیح شادمانم. زیرا وقتی ناتوانم، آنگاه توانا هستم.

## نگرانی برای کلیسای قرنتیان

۱۱ نادان شده‌ام! شما مجبورم کردید. زیرا می‌بایست شما مرا تعریف می‌کردید، از آن رو که من از 'بزرگترین رسولان' چیزی کم ندارم، هرچند هیچ هستم. ۱۲ نشانه‌های اینکه رسولی حقیقت هستم، در نهایتِ بردباری در میان شما به ظهور رسید، با علامات و عجایب و معجزات. ۱۳ در قیاس با سایر کلیساها، چه اجحافی در حق شما شد، جز اینکه من باری بر شما نگذاشتم؟ برای این کار غلط مرا ببخشید!

۱۴ اینک آماده‌ام برای بار سوّم به نزد شما بیایم، و باری بر شما نخواهم بود. زیرا نه اموال شما، بلکه خود شما را می‌خواهم. زیرا فرزندان نمی‌بایست برای والدین خود بیندوزند، بلکه والدین برای فرزندان خود. ۱۵ من نیز با شادی بسیار برای جانهای شما صرف خواهم کرد و جانم هم برایتان صرف خواهد شد. اگر شما را بیشتر دوست می‌دارم، آیا باید کمتر دوست داشته شوم؟

۱۶ امّا اگر قبول هم بکنید که بر شما باری نبوده‌ام، لابد می‌گویید: از آنجا که مکّار هستم. از شما به حیله بهره‌برداری کردم. ۱۷ مگر به واسطه آنان که نزد شما فرستادم، از شما سوءاستفاده نمودم؟ ۱۸ من از تیتوس خواهش کردم که بیاید و آن برادر را همراهش فرستادم. آیا تیتوس از شما سوءاستفاده کرد؟ آیا ما به یک روح رفتار نکردیم؟ آیا همان رویه را در پیش نگرفتیم؟

۱۹ آیا تا اینجا بر این گمان بوده‌اید که در برابر شما از خود دفاع می‌کنیم؟ به حضور خدا و در مسیح سخن می‌گوییم، و همه چیز، ای عزیزان، برای بنای شماست. ۲۰ زیرا بیم آن دارم که چون بیایم، شما را آن‌گونه که انتظار دارم، نیابم، و شما نیز مرا چنانکه انتظار دارید، نیابید. بیم آن دارم که در میان شما جدال، حسد، خشم، خصومت، افترا، غیبت، غرور و بی‌نظمی ببینم. ۲۱ و بیم آن دارم که چون نزد شما آیم، خدای من مرا بار دیگر در حضور شما فروتن سازد و من برای بسیاری از آنانی که در گذشته گناه کردند و از ناپاکی، بی‌عفتی و عیاشی خود توبه نکرده‌اند، غمگین شوم.

### آخرین هشدارها

۱۳ این سوّمین بار است که به دیدارتان
می‌آیم. «به گواهیِ دو یا سه شاهد،
هر سخنی ثابت خواهد شد.» ۲ در دیدار دوّم
خود، کسانی را که در گذشته گناه کرده‌اند،
و نیز هر کس دیگر را هشدار دادم و اکنون
نیز در غیاب خود هشدار می‌دهم که وقتی
نزدتان آیم، کسی را از قلم نخواهم انداخت!
۳ حال که دلیل می‌خواهید بر اینکه مسیح در
من سخن می‌گوید. او در قبال شما ضعیف
نیست، بلکه در میان شما تواناست. ٤ زیرا
هرچند در ضعف مصلوب شد، امّا به قدرت
خدا زیست می‌کند. چونکه ما نیز در او ضعیف
هستیم، امّا با او در قبال شما به قدرت خدا
زیست خواهیم کرد.
۵ خود را امتحان کنید تا ببینید آیا در ایمان
هستید یا نه. خود را امتحان کنید. آیا این را
در خود درک نمی‌کنید که عیسی مسیح در
شماست؟ مگر آنکه به راستی در این امتحان
مردود شوید! ٦ امیدوارم پی ببرید که ما مردود
نشده‌ایم. ۷ لیکن به درگاه خدا دعا می‌کنیم که
مرتکب خطایی نشوید، نه تا معلوم شود که ما
از امتحان سرافراز بیرون آمده‌ایم، بلکه تا شما
آنچه را که درست است، انجام دهید، حتی
اگر به نظر آید که ما مردود شده‌ایم. ۸ زیرا
نمی‌توانیم عملی برخلاف حقیقت انجام دهیم،
بلکه فقط برای حقیقت. ۹ زیرا هر گاه ما
ضعیف باشیم و شما قوی، موجب شادیمان
خواهد بود، و آنچه که برایش دعا می‌کنیم
احیای شماست. ۱۰ به همین خاطر، در غیابم
این مطالب را به شما می‌نویسم تا وقتی نزدتان
آمدم، مجبور نباشم از اقتدار خود به شدتِ
عمل استفاده کنم، اقتداری که خداوند برای
بنا به من داده است، نه خراب کردن.

### سلامهای پایانی

۱۱ در خاتمه، ای برادران، شاد باشید؛ احیا
شوید؛ هدفتان بر این باشد که احیا شوید.
یکدیگر را تسلّی دهید؛ همرأی باشید؛ در صلح
زندگی کنید، و خدای محبت و صلح با شما
خواهد بود.
۱۲ یکدیگر را به بوسه‌ای مقدّس سلام
گویید. ۱۳ همه مقدسین، به شما سلام
می‌رسانند.
۱٤ فیض خداوندْ عیسی مسیح، محبت خدا
و مشارکت روح‌القدس با همه شما باد.

**۱:۱۳** تثنیه ۱۵:۱۹.

# نامهٔ پولُس رسول به غَلاطیان

## نکاتی چند درباره نامه به غَلاطیان

آیا برای اینکه شخص واقعاً مسیحی باشد، لازم است که شریعت موسی را نیز انجام دهد؟ این سؤالی بود که با شیوع پیام نجات بخش انجیل در میان اقوام غیر یهودی در ذهن آنها قوت می‌گرفت. پولُس در این رساله به این سؤال مهم پاسخ می‌دهد و تأکید بر آن دارد که 'عادل فقط و فقط به ایمان زیست می‌کند.' پولُس به قوت تمام صحه بر آن می‌گذارد که ایمان، تنها بنیاد نجات و زندگی مسیحی است و به غیر از آن انسان نمی‌تواند خود را مقبول خدا کند.

لیکن در مقابل این پیام معلّمین دروغین هم بودند که سایه به سایه پولُس رفته کلیساها را با پیام خود از این باور منحرف می‌کردند. از متن این رساله معلوم می‌گردد که سر و کله این معلمین در کلیساهای غَلاطیه (یکی از ایالتهای امپراتوری روم در آسیای صغیر) پیدا شده بود و تعلیم به حفظ و رعایت شریعت موسی هم می‌دادند.

پولُس در این رساله سعی دارد که مخاطبین خود را باز به ایمان اصیل مسیحی برگرداند و در این امر به قوت از رسالت خود به عنوان رسول عیسی مسیح دفاع می‌کند.

### تقسیم‌بندی کلّی

- مقدمه (۱:۱-۱۰)
- اقتدار پولس در مقام رسول (۱:۱۱ تا ۲:۲۱)
- نجات تنها بر پایه ایمان به مسیح (فصل‌های ۳ و ۴)
- آزادی و مسئولیت مسیحی (۵:۱ تا ۶:۱۰)
- بخش پایانی (۶:۱۱-۱۸)

۱ از پولس، یک رسول، نه از جانب انسانها
و نه به واسطه انسان، بلکه به واسطه
عیسی مسیح و خدای پدر که او را از مردگان
برخیزانید،
۲ و همه برادرانی که با من هستند،
به کلیساهای غَلاطیه:
۳ فیض و سلامتی بر شما باد، از جانب خدا،
پدر ما، و خداوندْ عیسی مسیح ٤ که خود را در
راه گناهان ما داد تا ما را به اراده خدا و پدر
ما، از زمانه شریرِ حاضر رهایی بخشد. ٥ او را
تا به ابد جلال باد. آمین.

### انجیلی دیگر نیست

٦ در تعجبم که شما به این زودی از آن
کس که شما را در فیض مسیح فرا خوانده
است، رویگردان شده، به سوی انجیلی دیگر
می‌روید. ۷ البته انجیلی دیگر وجود ندارد، امّا
بعضی هستند که شما را مشوّش می‌سازند و
می‌خواهند که انجیل مسیح را تحریف کنند.
۸ امّا حتی اگر ما یا فرشته‌ای از آسمان، انجیلی

غیر از آنچه ما به شما بشارت دادیم موعظه کند، لعنت بر او باد! ۹ چنانکه پیشتر گفتیم، اکنون باز می‌گویم: اگر کسی انجیلی غیر از آنچه پذیرفتید به شما موعظه کند، لعنت بر او باد!

۱۰ حال آیا تأیید مردم را می‌طلبم، یا خدا را؟ آیا می‌کوشم مردم را خشنود سازم؟ اگر تا به حال در پی خشنودی مردم بودم، خادم مسیح نمی‌بودم.

### پولس منتخب خدا

۱۱ ای برادران، می‌خواهم بدانید انجیلی که من بدان بشارت دادم، انجیلی بشری نیست، ۱۲ زیرا من آن را از انسان نیافتم، و کسی آن را به من نیاموخت؛ بلکه آن را از طریق مکاشفه عیسی مسیح دریافت کردم.

۱۳ زیرا شما درباره زندگی گذشته من در دین یهود شنیده‌اید، که چگونه کلیسای خدا را به شدّت آزار می‌رسانیدم و می‌کوشیدم که آن را ویران کنم. ۱۴ و در یهودیّت از بسیاری از هَمسالانِ قوم خود پیشی گرفته، در سنّتهای پدران خویش بی‌نهایت غیور بودم. ۱۵ امّا چون او که مرا پیش از تولّد برگزید و به فیض خود مرا خواند، ۱۶ راضی شد که پسر خود را بر من آشکار سازد تا او را در میان غیریهودیان بشارت دهم، در آن زمان با جسم و خون مشورت نکردم، ۱۷ و به اورشلیم نیز، نزد آنان که پیش از من رسول بودند، نرفتم، بلکه راهی عربستان شدم و باز به دمشق مراجعت کردم.

۱۸ آنگاه پس از سه سال، به اورشلیم رفتم تا پطرس را دیدار کنم، و پانزده روز نزد او ماندم. ۱۹ امّا از سایر رسولان، جز یعقوب، برادر خداوند، کسی دیگر را ندیدم. ۲۰ (در حضور خدا در آنچه به شما می‌نویسم، دروغ نمی‌گویم.) ۲۱ پس از آن، به نواحی سوریه و کیلیکیه رفتم. ۲۲ در آن زمان هنوز کلیساهای یهودیه که در مسیح هستند، مرا به چهره نمی‌شناختند. ۲۳ آنها فقط شنیده بودند که: «آن کسی‌که پیشتر بر ما آزار می‌رسانید، اکنون به همان ایمان بشارت می‌دهد که در گذشته تلاش به نابودی‌اش داشت.» ۲۴ و آنان به‌خاطر من خدا را تمجید کردند.

### پذیرفته شدن پولس از جانب سایر رسولان

۲ آنگاه پس از چهارده سال، بار دیگر همراه برنابا به اورشلیم رفتم و تیتوس را با خود بردم. ۲ به سبب مکاشفه‌ای به آنجا رفتم و انجیلی را که در میان غیریهودیان موعظه می‌کنم، به ایشان عرضه داشتم؛ (البته در خلوت به افرادی که به نظر با نفوذ می‌آمدند) تا مطمئن گردم که که بیهوده نمی‌دویدم و ندویده‌ام. ۳ امّا حتی تیتوس که همراه من بود، مجبور نشد که ختنه شود، گرچه یونانی بود. ۴ با این حال عده از برادرانِ دروغین در خفا به درون آورده شدند تا آزادی ما را که در مسیحْ عیسی داریم، جاسوسی کنند و تا ما را به بندگی بکشانند. ۵ ولی ما یک آن هم به اطاعت آنها تسلیم نشدیم تا حقیقت انجیل برای شما محفوظ بماند.

۶ امّا از آن افراد که به نظر با نفوذ می‌آمدند، (آنان هر که بودند، مرا تفاوتی نمی‌کند، خدا بین انسانها فرق نمی‌گذارد) آنان که به نظر با نفوذ می‌آمدند، چیزی بر من نیفزودند، ۷ بلکه برعکس، ایشان چون دیدند که وظیفه

**۱۵.۱** در متن یونانی، مرا از رَحِمِ مادرم **۱۶:۱** منظور، "انسان" است. **۱۸:۱** در متن یونانی "کیفا" آمده است. "کیفا" واژه‌ای آرامی بود به معنی "سنگ" که معادل یونانی آن همان "پطرس" است؛ همچنین در بقیهٔ کتاب.

رسانیدن انجیل به ختنه‌ناشدگان به من سپرده شده است، چنانکه وظیفه رسانیدن انجیل به ختنه شدگان به پطرس سپرده شده بود. ۸ (زیرا او که از طریق پطرس چون رسولِ یهودیان عمل کرد، از طریق من نیز چون رسولِ غیریهودیان عمل نمود.) ۹ و وقتی یعقوب و پطرس و یوحنا که مشهور به ارکان بودند، فیضی را که به من عطا شده بود مشاهده کردند، به من و برنابا دست رفاقت دادند تا ما نزد غیریهودیان برویم و آنان نزد یهودیان. ۱۰ فقط خواستند که فقرا را به یاد داشته باشیم، که من خود نیز مشتاق انجامش بودم.

### مخالفت پولس با پطرس

۱۱ امّا چون پطرس به اَنطاکیه آمد، با او روبرو مخالفت کردم، زیرا در واقع مقصر بود. ۱۲ چونکه پیش از آمدن کسانی از جانب یعقوب، با غیریهودیان غذا می‌خورد، امّا چون آنها آمدند، او کنار کشید و خود را جدا کرد، زیرا که از اهل ختنه می‌ترسید. ۱۳ و سایر یهودیان با او در این ریاکاری همراهی کردند، چنانکه حتی برنابا نیز در ریاکاری آنان از راه به در شد.

۱۴ امّا من چون دیدم آنان در مسیر حقیقتِ انجیل، به استواری رفتار نمی‌کنند، در حضور همه پطرس را گفتم: «اگر تو، با اینکه یهود هستی، چون غیریهودیان زندگی می‌کنی و نه چون یهود، چگونه است که غیریهودیان را وامی‌داری که به رسم یهودیان رفتار کنند؟»

### صالح شمرده شدن به ایمان

۱۵ ما خود یهودی‌زاده‌ایم و نه غیریهودی گناهکار، ۱۶ با این حال می‌دانیم که انسان نه با اعمال شریعت، بلکه از طریق ایمان به عیسی مسیح صالح شمرده می‌شود. پس ما نیز به مسیحْ عیسی ایمان آورده‌ایم تا به ایمان به مسیح صالح شمرده شویم و نه به اعمال شریعت، زیرا هیچ کس از اعمال شریعت صالح شمرده نمی‌شود.

۱۷ امّا اگر در طلب صالح شمرده شدن در مسیح باشیم، ما نیز گناهکار یافت شویم، پس آیا مسیح خادم گناه است؟ مسلما نه! ۱۸ زیرا اگر آنچه را که ویران کردم از نو بنا کنم، در آن صورت ثابت می‌کنم که خود نافرمانم. ۱۹ زیرا من به واسطه شریعت نسبت به شریعت مُردم، تا برای خدا زیست کنم. ۲۰ با مسیح مصلوب شده‌ام، و دیگر من نیستم که زندگی می‌کنم، بلکه مسیح که در من زندگی می‌کند. و این زندگی که اکنون در جسم می‌کنم، به ایمان در پسر خداست که مرا محبت کرد و خود را برای من داد. ۲۱ فیض خدا را باطل نمی‌سازم، زیرا اگر صالح شمرده شدن از راه شریعت می‌بود، پس مسیح بیهوده مرد.

### به ایمان یا به اعمال شریعت؟

۳ ای غَلاطیان نادان، چه کسی شما را افسون کرده است؟ در برابر چشمان شما بود که عیسی مسیح به وضوح چون کسی که بر صلیب مصلوب شد، ترسیم گردید. ۲ می‌خواهم فقط این را از شما بپرسم: آیا روح را از طریق اعمال شریعت یافتید یا از طریق ایمان به آنچه شنیدید؟ ۳ آیا تا این حد نادانید که از طریق روح شروع کردید و اکنون می‌خواهید از طریق جسم کامل شوید؟ ۴ آیا همه آن زحمات را بیهوده متحمل شدید، اگر براستی بیهوده بود؟ ۵ او که روح را به شما عطا می‌کند و معجزات در میان شما ظاهر می‌سازد، آیا آن را از طریق اعمال شریعت انجام

می‌دهد یا از طریق ایمان به آنچه شنیدید؟
٦ چنانکه ابراهیم «به خدا ایمان آورد و این
برای او صالح بودن به حساب آمد.»
٧ پس بدانید که اهل ایمان فرزندان ابراهیم
هستند. ٨ و کتاب چون پیش دید که خدا
غیریهودیان را به ایمان صالح خواهد شمرد،
از پیش به ابراهیم بشارت داد که «در تو
همه قومها برکت خواهند یافت.» ٩ پس اهل
ایمان، با ابراهیمِ ایماندار برکت می‌یابند.

## صالح به ایمان خواهد زیست

١٠ زیرا همه آنان که بر اعمال شریعت تکیه
دارند، زیر لعنت هستند، زیرا نوشته شده
است: «ملعون باد هر که در به جا آوردن
تمام آنچه در کتاب شریعت نوشته شده، ثابت
نماند.» ١١ اکنون واضح است که هیچ‌کس
به واسطه شریعت نزد خدا صالح شمرده
نمی‌شود، زیرا «صالح به ایمان زیست خواهد
کرد.» ١٢ امّا شریعت از ایمان نیست، بلکه
«کسی که آنها را به جا می‌آورد، به آنها خواهد
زیست.» ١٣ مسیح در راه ما لعنت شد و ما
را از لعنت شریعت بازخرید کرد، زیرا نوشته
شده که «ملعون است هر که بر دار آویخته
شود.» ١٤ تا برکت ابراهیم در مسیحْ عیسی به
غیریهودیان برسد، و تا ما وعده روح را از طریق
ایمان دریافت کنیم.

## شریعت و وعده خدا

١٥ ای برادران، بگذارید مثلی انسانی بیاورم.
هیچ‌کس نمی‌تواند حتی عهدی بشری را که
رسمیت یافته باشد، لغو کند یا چیزی بدان
بیفزاید. ١٦ حال، وعده‌ها به ابراهیم و به نسل
او داده شد. نمی‌گوید «و به نسلها،» چنانکه
گویی درباره بسیاری باشد، بلکه می‌گوید «به
نسل تو،» که اشاره یک یک یعنی مسیح
است. ١٧ مقصود من این است: شریعتی که
چهارصد و سی سال بعد آمد، عهدی را که
خدا پیشتر بسته بود، لغو نمی‌کند، به گونه‌ای
که وعده باطل گردد. ١٨ زیرا اگر میراث از
طریق شریعت آید، دیگر از طریق وعده
نمی‌آید؛ امّا خدا آن را به ابراهیم از طریق وعده
داد.
١٩ پس چرا شریعت؟ شریعت به سبب
نافرمانیها افزوده شد، تا زمانی که آن 'نسل'
که وعده به او داده شده بود، بیاید. و از
طریق فرشتگان و به دست واسطه‌ای مقرر
گردید. ٢٠ حال واسطه نماینده بیش از یک
طرف است، لیکن خدا یکی است.
٢١ پس آیا شریعت برخلاف وعده‌های
خداست؟ به هیچ وجه! زیرا اگر شریعتی داده
شده بود که می‌توانست حیات بخشد، در آن
صورت به راستی صالح شمرده شدن از طریق
شریعت می‌بود. ٢٢ امّا کتاب همه چیز را زیر
گناه در بند نهاد، تا وعده‌ای که از ایمان به
عیسی مسیح است، به ایمانداران عطا شود.
٢٣ اما پیش از آمدن ایمان، تحت شریعت
به سر می‌بردیم و تا ظهور ایمان در بند نگاه
داشته می‌شدیم. ٢٤ پس شریعت قیّم ما شد تا
زمانی که مسیح بیاید که به وسیلهٔ ایمان صالح
شمرده شویم. ٢٥ امّا اکنون که ایمان آمده،
دیگر زیر دستِ قیّم نیستیم.

---

**١١:٣** حَبَقوق ٤:٢. **١٣:٣** یا: «و این‌گونه بهای آزادی ما را از لعنت شریعت پرداخت». **١٥:٣** یا "وصیتی".
**٦:٣** پیدایش ٦:١٥. **٨:٣** پیدایش ٣:١٢؛ ١٨:١٨؛ ١٨:٢٢. **١٠:٣** تثنیه ٢٦:٢٧. **١٢:٣** لاویان ٥:١٨.
**١٣:٣** تثنیه ٢٣:٢١. **١٦:٣** پیدایش ٧:١٢؛ ١٥:١٣؛ ٧:٢٤.

[۲۶] زیرا در مسیحْ عیسی، شما همه به واسطه ایمان، پسران خدا هستید. [۲۷] زیرا همه شما که در مسیح تعمید یافتید، مسیح را در بر کرده‌اید. [۲۸] دیگر نه یهودی معنی دارد و نه یونانی، نه غلام و نه آزاد، نه مرد و نه زن، زیرا همه شما در مسیحْ عیسی یک هستید. [۲۹] و اگر شما از آنِ مسیح هستید، پس نسل ابراهیم هستید و بنا بر وعده، وارثان می‌باشید.

## فرزندان و وارثان

٤ مقصودم این است که تا زمانی که وارث صغیر است، با غلام فرقی ندارد، هرچند مالک همه چیز می‌باشد. [۲] و تا زمانی که پدرش تعیین کرده است، زیر دست قیّمان و وکلاست. [۳] همچنین ما نیز تا زمانی که صغیر بودیم، غلام اصول ابتدایی دنیا می‌بودیم. [٤] امّا چون زمان مقرر به کمال رسید، خدا پسر خود را فرستاد که از زن زاده شد و زیر شریعت به دنیا آمد، [۵] تا آنانی را که زیر شریعت بودند بازخرید کند، تا ما مقام پسرخواندگی را دریافت کنیم. [٦] پس چون پسران هستید، خدا روح پسر خود را در دلهای ما فرستاده است که ندا می‌کند «آبّا! ای پدر!» [۷] پس دیگر غلام نیستی، بلکه پسر، و اگر پسر هستی، توسط خدا وارث هم هستی.

## نگرانی پولس برای غَلاطیان

[۸] پیش از این، زمانی که خدا را نمی‌شناختید، آنانی را که در حقیقت خدا نیستند، بندگی می‌کردید . [۹] امّا اکنون که خدا را می‌شناسید، یا بهتر بگویم، خدا شما را می‌شناسد، چگونه است که باز به سوی آن اصول ابتدایی سست و بی‌ارزش بازمی‌گردید؟ آیا می‌خواهید آنها را از سر نو بندگی کنید؟ [۱۰] روزها و ماهها و فصل‌ها و سالها را نگاه می‌دارید! [۱۱] می‌ترسم از آنکه بیهوده برایتان زحمت کشیده باشم.

[۱۲] ای برادران، از شما تمنا دارم که چون من بشوید، زیرا من نیز چون شما شده‌ام. شما در حقّ من هیچ بدی نکردید. [۱۳] می‌دانید که به سبب بیماری جسمی‌ام بود که بشارت انجیل را به اول به شما رساندم. [۱٤] و هرچند وضعیت جسمی من برای شما امتحانی بود، شما مرا به دیده تحقیر یا با کراهت نگاه نکردید. بلکه مرا چون فرشته خدا و مثل مسیح عیسی پذیرفتید. [۱۵] پس کجاست آن مبارک‌بادی شما؟ زیرا به شما شهادت می‌دهم که اگر ممکن می‌بود، چشمان خود را بیرون آورده به من می‌دادید. [۱٦] آیا اکنون چون حقیقت را به شما می‌گویم، دشمنتان شده‌ام؟

[۱۷] آن اشخاص برای شما آستیاق زیاد نشان می‌دهند، امّا نه به قصد نیکو. آنان می‌خواهند شما را جدا سازند تا اشتیاقتان برای ایشان باشد. [۱۸] اشتیاق برای امری نیکو، همواره پسندیده است، نه فقط زمانی که من با شما هستم. [۱۹] ای فرزندان من، که برایتان باز دردِ زایمان دارم تا مسیح در شما شکل گیرد، [۲۰] کاش الان نزد شما حاضر می‌بودم تا لحن خود را تغییر می‌دادم، زیرا دربارهٔ شما در حیرتم.

## نمونه هاجر و سارا

[۲۱] شما که می‌خواهید زیر شریعت باشید، مرا بگویید، آیا شریعت را نمی‌شنوید؟ [۲۲] زیرا نوشته شده که ابراهیم دو پسر داشت، یکی از کنیز و دیگری از زن آزاد. [۲۳] لیکن پسر کنیز

**۵:٤** یا "فدیه". **٦:٤** "آبّا" در زبان آرامی به معنی "بابا" است. **۱۳:٤** یا: "ضعف جسمی‌ام".

به حسب جسم تولد یافت؛ و پسرِ زنِ آزاد، بر حسب وعده.
٢٤ و این امور تمثیل‌وار تعبیر شد: این دو زن، دو عهد می‌باشند. یکی از کوه سیناست، که فرزندانی برای بندگی می‌زاید: او هاجَر است.
٢٥ اینک هاجَر کوه سیناست، در عربستان، و با اورشلیم کنونی مطابقت دارد، زیرا با فرزندانش در بندگی می‌باشد. ٢٦ امّا اورشلیمِ بالا آزاد است، که مادرِ همه ماست. ٢٧ زیرا نوشته شده:

«ای نازا ، که نزاییده‌ای،
شادمان باش!
بانگ شادی سر ده و فریاد بلند برآور!
ای تو ، که درد زایمان نکشیده‌ای.
زیرا فرزندان زن بی‌کس
از فرزندان زن شوهردار زیادتر خواهند بود.»

٢٨ امّا شما، ای برادران، چون اسحاق فرزندان وعده هستید. ٢٩ اما در آن زمان، پسری که به حسب جسم زاده شد، او را که به حسب روح زاده شد، آزار می‌داد، امروز نیز چنین است. ٣٠ امّا کتاب چه می‌گوید؟ «کنیز و پسرش را بیرون کن، زیرا پسر کنیز با پسر زن آزاد میراث نخواهد یافت.» ٣١ پس ای برادران، ما فرزندان کنیز نیستیم، بلکه از زن آزادیم.

### مسیح ما را آزاد کرده است

٥ پس به آن آزادی که مسیح ما را آزاد کرد، استوار بایستید و بار دیگر گرفتار یوغ بندگی مشوید.

٢ دقّت کنید! من، پولس، به شما می‌گویم که اگر ختنه شوید، مسیح برایتان هیچ سودی نخواهد داشت. ٣ بار دیگر به هر کسی که ختنه شود، شهادت می‌دهم که مجبور است به نگاه داشتن تمام شریعت. ٤ شما که می‌کوشید به شریعت صالح شمرده شوید، از مسیح بریده شده‌اید، از فیض افتاده‌اید. ٥ زیرا توسط روح و از طریق ایمان است که ما خود مشتاقانه آن صالح شمرده شدن را انتظار می‌کشیم که امیدش را داریم. ٦ زیرا در مسیحْ عیسی نه ختنه چیزی محسوب می‌شود و نه ختنه ناشدگی، بلکه ایمانی که به وسیله محبت عمل می‌کند.
٧ خوب می‌دویدید. چه کسی شما را از اطاعت حقیقت باز داشت؟ ٨ این اقناع، از او که شما را خوانده است، نیست. ٩ «اندکی خمیرمایه، تمام خمیر را وَر می‌آورد.» ١٠ در خداوند یقین دارم که عقیده دیگری نخواهید داشت، امّا آن که شما را مشوش می‌سازد، هر که باشد، مجازات خود را خواهد یافت.
١١ امّا ای برادران، اگر من هنوز ختنه را موعظه می‌کنم، پس چرا هنوز آزار می‌بینم؟ زیرا در آن صورت، ناخوشایندی صلیب از میان می‌رفت.
١٢ کاش آنان که شما را مشوش می‌سازند، خود را از مردی می‌انداختند!
١٣ زیرا شما ای برادران، به آزادی خوانده شده‌اید، امّا آزادی خود را چون فرصتی برای جسم بکار مبرید، بلکه با محبت، یکدیگر را خدمت کنید. ١٤ زیرا تمام شریعت در یک حکم کامل می‌شود و آن اینکه «همسایه‌ات را چون خود محبت کن.» ١٥ ولی اگر یکدیگر را بگزید

**١١.٥** یا، اعلان می‌کردم **١٣:٥** یا: "انسان نفسانی"؛ همچنین در آیات ١۶، ١٧، ١٩ و ٢۴.
**٢٧:٤** اِشعیا ١:٥۴. **٣٠:٤** پیدایش ١٠:٢١. **١٤:٥** لاویان ١٨:١٩.

و ببلعید، مواظب باشید که از یکدیگر هلاک نشوید.

## زندگی در روح

۱۶ امّا می‌گویم به روح رفتار کنید که
تمایلات جسم را به جا نخواهید آورد. ۱۷ زیرا
تمایلات جسم برخلاف روح است و تمایلات
روح برخلاف جسم؛ و این دو به ضدّ هم
هستند، تا شما را باز دارند از انجام هرآنچه
که می‌خواهید به جا آورید. ۱۸ امّا اگر از روح
هدایت شوید، زیر شریعت نیستید.
۱۹ اعمال جسم آشکار است: بی‌عفتی،
ناپاکی، هرزگی، ۲۰ بت‌پرستی، جادوگری،
دشمنی، ستیزه‌جویی، حسادت، خشم،
جاه‌طلبی، نفاق، دسته‌بندی، ۲۱ حسد،
مستی، عیاشی و مانند اینها. به شما هشدار
می‌دهم چنانکه پیشتر به شما هشدار دادم،
که کنندگان چنین کارها وارث پادشاهی خدا
نخواهند شد.
۲۲ امّا ثمره روح، محبت، خوشی، آرامش،
صبر، مهربانی، نیکویی، وفاداری، ۲۳ فروتنی و
خویشتنداری است، که هیچ شریعت مخالف
اینها نیست. ۲۴ و آنانی که به مسیحْ عیسی
تعلّق دارند، جسم را با همه هوسها و تمایلاتش
مصلوب کرده‌اند. ۲۵ اگر به روح زیست
می‌کنیم، به روح نیز رفتار کنیم. ۲۶ خودپسند
نباشیم، یکدیگر را به خشم نیاوریم، و بر
یکدیگر حسد نورزیم.

## بارهای یکدیگر را متحمّل شوید

۶ ای برادران، اگر کسی به گناهی گرفتار
شود، شما که روحانی هستید او را به روح
ملایمت بازگردانید. مراقب باشید که مبادا
خود نیز در وسوسه بیفتید. ۲ بارهای سنگین
یکدیگر را متحمل شوید و به این‌گونه شریعت
مسیح را به جا آورید. ۳ زیرا اگر کسی خود را
چیزی پندارد، در حالی‌که چیزی نیست، خود
را فریب می‌دهد. ۴ امّا هر کس عمل خود را به
امتحان کشد، آنگاه فقط در خود فخر خواهد
داشت، و نه در همسایه‌اش. ۵ زیرا هر کس بار
خود را متحمّل خواهد شد.
۶ هر که از کلام آموزش می‌بیند، معلّم خود
را در همه چیزهای نیکو سهیم سازد.
۷ فریب نخورید: خدا را استهزا نتوان کرد.
زیرا انسان هر چه بکارد، همان را خواهد
دِرَوید. ۸ زیرا کسی که برای جسم خود می‌کارد،
از جسم فساد را درو خواهد کرد، امّا کسی که
برای روح می‌کارد، از روح، حیات جاویدان را
خواهد درو‌ید. ۹ و از نیکوکاری خسته نشویم،
زیرا در زمان مناسب محصول را درو خواهیم
کرد، اگر دست از کار نکشیم. ۱۰ پس تا
فرصت داریم به هرکس نیکویی کنیم، به‌ویژه
به اهل بیت ایمان.

## آخرین هشدارها و خاتمه

۱۱ ببینید با چه حروف درشتی به دست خود
برایتان می‌نویسم. ۱۲ آنانی که شما را مجبور
می‌کنند، همانهایی هستند که خود را به ظاهر
خوب نشان می‌دهند و تنها به این خاطر که
برای صلیب مسیح آزار نبینند. ۱۳ زیرا حتی
آنان که ختنه می‌شوند، خود شریعت را نگاه
نمی‌دارند، بلکه می‌خواهند شما ختنه شوید تا
در جسم شما فخر کنند. ۱۴ امّا مباد که من
فخر کنم جز به صلیب خداوندمان عیسی
مسیح، که به واسطه آن دنیا برای من مصلوب
شد و من برای دنیا. ۱۵ زیرا نه ختنه چیزی است
و نه ختنه‌ناشدگی، بلکه خلقت تازه. ۱۶ و همه

آنانی‌که به این قانون رفتار می‌کنند، سلامتی و رحمت بر ایشان باد و بر اسرائیلِ خدا.
۱۷ از این پس هیچ‌کس مرا زحمت نرساند، زیرا من در بدن خود داغهای عیسی را دارم.
۱۸ ای برادران، فیض خداوند ما عیسی مسیح با روح شما باد، آمین.

# نامهٔ پولُس رسول به اَفِسُسیان

## نکاتی چند درباره نامه به اَفِسُسیان

نامه‌هایی که در عهد جدید از رسولان وجود دارند، عموماً در جواب به مسائل و مشکلاتی که در کلیسای مختلف به وجود می‌آمد، نوشته شده‌اند. لیکن رساله به اَفِسُسیان در جواب به هیچ مشکلی نوشته نشده است، بلکه پولُس در این نامه خود می‌خواهد راز مهمی را که خدا بر او مکشوف کرده است، با این کلیسا و دیگر کلیساهایی که این نامه را از کلیسای اَفِسُس دریافت می‌کردند، در میان گذارد. این راز مخفی راز کلیساست که هم از یهود و هم از غیریهود متشکل است. پولُس در این نامه از نقشه ازلی و ابدی خدا صحبت می‌کند و در بخش نخست رساله (فصل‌های ۱-۳) موقعیت و جایگاه فرد مسیحی را مشخص می‌دارد، جایگاهی که صرفا به خاطر فیض خدا می‌باشد. و بر همین اساس در بخش دوّم رساله (فصل‌های۴-۶) مشخص می‌دارد که رفتار چنین فردی در کلیسا، خانواده، و دنیای بی‌ایمان بیرون چگونه باید باشد.

### تقسیم‌بندی کلّی

- مقدمه (۱:۱-۲)
- مسیح و کلیسا (۳:۱ تا ۲۱:۳)
- زندگی تازه در مسیح (۱:۴ تا ۲۰:۶)
- بخش پایانی (۲۱:۶-۲۴)

۱ پولس، به اراده خدا رسول مسیحْ عیسی،
به مقدسین در اَفِسُس، و به ایمانداران در
مسیح عیسی:
۲ فیض و سلامتی از جانب پدر ما خدا و
خداوندْ عیسی مسیح، بر شما باد.

### برکات روحانی در مسیح

۳ متبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی
مسیح، که ما را در مسیح به هر برکت
روحانی در جایهای آسمانی مبارک ساخته
است. ۴ چنانکه پیش از بنیاد جهان، ما را در
وی برگزید تا در حضورش در محبت مقدّس
و بی‌عیب باشیم، ۵ بنا بر قصد نیکوی اراده
خود، ما را از پیش تعیین کرد تا به واسطه
عیسی مسیح پسرخوانده وی شویم؛ ۶ برای
ستایش فیض پرجلال او، که در آن محبوب،
ما را مبارک گردانیده است. ۷ که در او، ما
به واسطه خون وی بازخرید شده‌ایم، یعنی
آمرزش گناهان ما، بر حسب دولت فیض او،
۸ که آن را به فراوانی، در حکمت و بصیرت
به ما بخشیده، ۹ و راز اراده خود را به ما
شناسانیده است، بر حسب قصد نیکوی خود
که در مسیح آشکار نموده بود، ۱۰ همچون
نقشه‌ای برای کمال دوران، تا همه چیزها را
در او متحد گرداند، خواه آنچه که در آسمان
است و خواه آنچه که بر زمین.

---

**۱.۱** در برخی از ترجمه‌ها، به مقدسینی که وفادارند

[۱۱] که ما در وی میراث او شده‌ایم، چنانکه
از پیش معین شده بودیم، مطابق قصد او
که همه چیزها را موافق رأی اراده خود انجام
می‌دهد. [۱۲] تا از ما جلال او ستوده شود،
ماهایی که اولین کسان بودیم که به مسیح
امیدوار شدیم. [۱۳] و شما نیز در او چون پیامِ
حقیقت، یعنی بشارتِ نجات خود را شنیدید؛
و در او چون ایمان آوردید، با روح‌القدسِ
موعود مُهر شدید، [۱۴] که بیعانه میراث ماست
تا زمانی که آن را برای ستایش جلالش، از آنِ
خود سازیم.

## شکرگزاری و دعا

[۱۵] از این رو من نیز چون خبر ایمان شما
را در عیسای خداوند و محبت شما را به
همه مقدسین شنیدم، [۱۶] باز نمی‌ایستم از
شکرگزاری برای شما و از یادآوردن شما در
دعاهای خود، [۱۷] تا خدای خداوند ما عیسی
مسیح، آن پدر جلال، روح حکمت و مکاشفه
را در شناخت خود به شما عطا فرماید،
[۱۸] تا چشمان دلتان روشن شده، بدانید که
چیست آن امیدی که او شما را به آن خوانده
است، و کدام است میراث غنی و پرجلال
او در مقدسین، [۱۹] و چه مقدار است قدرت
بی‌نهایت عظیم او نسبت به ما که ایمان داریم،
مطابق عملِ عظیم توانایی او [۲۰] که در مسیح
عمل کرد، زمانی‌که او را از مردگان برخیزانید
و در جایهای آسمانی، به دست راست خود
نشانید، [۲۱] بس فراتر از هر ریاست و قدرت و
قوّت و حاکمیت، و فراتر از هر نامی که ذکر
می‌شود، نه فقط در این عصر بلکه در عصر
آینده نیز. [۲۲] و همه چیز را زیر پاهای او نهاد،
و او را به کلیسا چون سَرِ همه چیز بخشید،
[۲۳] که بدن اوست، یعنی پُری او که همه را در
همه پر می‌سازد.

## توسط فیض از طریق ایمان

۲ و شما به سبب نافرمانی‌ها و گناهان
خود مرده بودید، [۲] که در آنها قبل،
رفتار می‌کردید مطابق اصول این جهان در
پیروی از رئیس قدرت هوا یعنی همان روحی
که اکنون در فرزندان نااطاعتی عمل می‌کند.
[۳] که در میان ایشان، همه ما نیز در امیال
جسمانی‌مان زندگی می‌کردیم، و خواسته‌ها و
افکار جسم را به جا می‌آوردیم؛ و مانند دیگران،
طبیعتا فرزندان غضب بودیم. [۴] امّا خدا که
در رحمانیت دولتمند است، به‌خاطر محبت
عظیم خود نسبت به ما، [۵] حتی زمانی که در
خطایای خود مرده بودیم، ما را با مسیح زنده
گردانید - زیرا محض فیض نجات یافته‌اید؛
[۶] و با وی برخیزانید و در جایهای آسمانی در
مسیح عیسی نشانید، [۷] تا در عصرهای آینده،
فیض بی‌حد و حصر خود را در مسیح عیسی،
به واسطه مهربانی خود نسبت به ما نشان
دهد. [۸] زیرا به توسط فیض، از طریق ایمان
نجات یافته‌اید - و این از شما نیست، بلکه
عطای خداست - [۹] و نه از اعمال، تا هیچ‌کس
فخر نکند. [۱۰] زیرا ساخته دست او هستیم،
و آفریده شده در مسیح عیسی برای کارهای
نیکو که خدا از پیش مهیا کرد تا در آنها رفتار
کنیم.

## یگانگی در مسیح

[۱۱] پس ای غیر یهودیانِ در جسم، به یاد
آورید که شما زمانی، از جانب آنها که خود
را ختنه شده می‌خوانند، ختنه‌ناشدگان خوانده

**۱۴.۱** یا، ضمانت

شده‌اید، که ختنه ایشان در جسم به دست انسان صورت گرفته است - ۱۲ به یاد آورید که شما زمانی از مسیح جدا، از تابعیت اسرائیل محروم، و نسبت به عهدهای وعده بیگانه بوده‌اید، و در این جهان بی‌امید و بی‌خدا. ۱۳ امّا اکنون در مسیح عیسی، شما که زمانی دور بودید، به وسیله خون مسیح نزدیک آورده شده‌اید.

۱۴ زیرا او خود، صلح و آشتی ماست، که هر دوی ما را یک گردانیده و دیوار جدایی را که باعث دشمنی بود، در بدن خود منهدم ساخته است، ۱۵ از طریق باطل کردن شریعت احکام که در قوانین و مقررات بود. تا که از آن دو، یک انسانِ جدید در خود بیافریند که صلح و آشتی را پدید آورد. ۱۶ و هر دو را در یک بدن با خدا آشتی دهد، به واسطه صلیب که بر آن دشمنی را کشت. ۱۷ و آمده بشارت آشتی را به شما که دور بودید و به آنانی که نزدیک بودند، رسانید. ۱۸ زیرا از طریق او، هر دو توسط یک روح به حضور پدر دسترسی داریم.

۱۹ پس شما دیگر بیگانه و اجنبی نیستید، بلکه هموطن مقدسین و عضو خانواده خدا؛ ۲۰ و بر بنیاد رسولان و انبیا بنا شده‌اید، که عیسی مسیح خود، سنگ زاویه است است. ۲۱ که در او تمامی این بنا به هم می‌پیوندد و به صورت معبدی مقدّس در خداوند برپا می‌شود. ۲۲ در او شما نیز با هم بنا می‌شوید تا به توسط روح روح مسکن خدا گردید.

### راز انجیل آشکار می‌گردد

**۳** از این سبب من، پولس، که به خاطر شما ای غیریهودیان، اسیر مسیح عیسی هستم، ۲ گمانم بر این است که شما درباره نظارت فیض خدا که برای شما به من بخشیده شده است، شنیده‌اید. ۳ که چگونه از راه مکاشفه بر من معلوم گردید، چنانکه مختصری به شما نوشته‌ام. ۴ زمانی که این را بخوانید، می‌توانید به درکی که من از راز مسیح دارم، پی ببرید، ۵ که در نسلهای گذشته بر آدمیان آشکار نشده بود، به آن شکل که اکنون به واسطه روح بر رسولان مقدّس او و بر انبیا آشکار شده است. ۶ این راز این است که غیریهودیان در مسیح عیسی، به واسطه انجیل، در میراث شریکند، اعضای یک بدن هستند، و شریک در وعده.

۷ من خادم این انجیل شده‌ام مطابق عطای فیض خدا که به وسیله عمل قدرت او به من عطا شده است. ۸ به من، هرچند که از همه مقدسین کمترم، این فیض عطا شد که بشارتِ دولتِ بی‌قیاسِ مسیح را به غیریهودیان برسانم، ۹ و همه را روشن سازم که چیست طرح آن رازی که طی اعصار گذشته در خدا نهان بود، خدایی که همه چیز را آفرید. ۱۰ تا اکنون از طریق کلیسا حکمت گوناگون خدا بر ریاستها و قدرتها در جایهای آسمانی آشکار شود، ۱۱ مطابق با آن قصد ازلی که در خداوند ما مسیح عیسی عمل نمود. ۱۲ که در او دلیری داریم و از طریق ایمانمان به او، با اطمینان نزدیک می‌شویم. ۱۳ پس استدعا دارم از رنجهایی که به خاطر شما می‌کشم، دلسرد نشوید، که آنها مایه فخر شماست.

### دعا برای قوّت روحانی

۱۴ از این رو، زانو می‌زنم در برابر آن پدر که ۱۵ از او هر خانواده‌ای در آسمان و بر زمین

**۲.۲۰** یا، سنگ اصلی که کل چارچوب را باهم نگه می‌دارد **۳.۹** یا، بوسیله

نام می‌گیرد، ۱٦ که بر حسب دولت جلال خود
به شما عطا فرماید که در انسانیت باطنیِ خود
از روح او به قوت نیرومند شوید، ۱۷ تا مسیح
به واسطه ایمان در دلهای شما ساکن گردد، و
در محبت ریشه دوانیده، استوار گردید، ۱۸ تا
توان آن بیابید که با همه مقدسین، به عرض
و طول و بلندی و عمق محبت مسیح پی
ببرید ۱۹ و محبت مسیح را که فراتر از معرفت
بشری است، بشناسید - تا از تمامی پُری خدا
پُر شوید.
۲۰ اکنون او را که قادر است به وسیله آن
قدرتی که در ما کار می‌کند، بی‌نهایت افزونتر
از هرآنچه بخواهیم یا تصور کنیم، عمل کند.
۲۱ بر او در کلیسا و در مسیح عیسی، در تمامی
نسلها، تا ابد جلال باد! آمین.

## یگانگی در بدن مسیح

٤ بنابراین من، در بند به خاطر خداوند،
از شما تمنا دارم به شایستگی دعوتی که
به آن خوانده شده‌اید، رفتار کنید، ۲ در کمال
فروتنی و ملایمت؛ و با بردباری، در محبت
متحمّل یکدیگر باشید. ۳ سعی کنید که یگانگی
روح را در رشته آشتی حفظ کنید. ٤ یک بدن
هست و یک روح، چنانکه خوانده شده‌اید به
یک امید که به دعوتتان متعلق است. ۵ یک
خداوند، یک ایمان، یک تعمید؛ ٦ یک خدا و
پدر همه که فوق همه، در میان همه، و در
همه است.
۷ امّا به هر یک از ما فیض بخشیده شده
مطابق اندازه عطای مسیح. ۸ بنابراین می‌گوید:

«هنگامی که به اوج آسمان صعود کرد،
اسیران را به اسیری برد
و عطایا به مردم داد.»

۹ (و امّا عبارت 'صعود کرد' چیست جز آن که
به جایهای پست‌تر زمین نیز نزول کرد؟ ۱۰ او
که نزول کرد، همان است که فراتر از همه
آسمانها نیز رفت، تا همه چیز را پر سازد.) ۱۱ و
او بخشید بعضی رسولان، بعضی انبیا، بعضی
مبشران، و بعضی شبانان و معلّمان، ۱۲ تا
مقدسین را برای کار خدمت تجهیز سازند،
برای بنای بدن مسیح، ۱۳ تا همه ما به یگانگی
ایمان و شناخت پسر خدا و به انسانیت بالغ،
به اندازه قامت پُری مسیح برسیم.
۱٤ تا دیگر همچون کودکان نباشیم که در
اثر امواج به هر سو پرتاب گردیم و باد تعالیم
گوناگون و مکر و حیله آدمیان در تدابیری
که برای گمراهی می‌کشند، رانده شویم. ۱۵ بلکه
با بیان حقیقت در محبت، از هرحیث رشد
نماییم در او که سر است، یعنی مسیح. ۱٦ که
از او تمامی بدن به هم متصل و نگاه داشته
شده، به کمک هر مفصل، و رشد می‌کند زمانی
که هر عضو به درستی عمل می‌نماید و باعث
می‌شود که بدن رشد کند تا خود را در محبت
بنا نماید.

## زندگی تازه

۱۷ پس این را می‌گویم و در خداوند شهادت
می‌دهم که رفتار شما دیگر مانند اقوام بی‌دین
نباشد که در بطالت ذهن خود رفتار می‌کنند.
۱۸ که در فهم خود تاریک شده‌اند و به سبب
جهالتی که از سختدلی‌شان در آنهاست، از
حیات خدا به دور افتاده‌اند. ۱۹ آنها عواطف
خود را از دست داده‌اند، خود را به شهوت
پرستی تسلیم کرده‌اند تا هر ناپاکی را حریصانه
به عمل آورند. ۲۰ امّا شما مسیح را به این‌گونه
نیاموختید! ۲۱ بی‌گمان درباره او شنیدید و
مطابق آن حقیقت که در عیسی است، تعلیم

یافتید. ۲۲ اینکه باید به لحاظ شیوه زندگی پیشین خود، آن انسانیت کهنه را که از امیالِ فریبنده فاسد می‌شود، از خود بیرون کنید. ۲۳ و در روحِ ذهنِ‌تان تازه شوید، ۲٤ و انسانیت تازه را بپوشید، که در عدالت و قدّوسیت حقیقی، به شبیه خدا آفریده شده است.

۲۵ پس، دروغ را کنار بگذارید.هر کس با همسایه خود به راستی سخن گوید، زیرا که ما اعضای یکدیگریم. ۲٦ خشمگین بشوید، اما گناه مکنید؛ مگذارید خورشید بر خشم شما غروب کند. ۲۷ و ابلیس را مجال ندهید. ۲۸ دزد دیگر دزدی نکند، بلکه با دستهای خود به درستی کار کرده، زحمت کشد تا بتواند با نیازمندی را چیزی را شریک گردد.

۲۹ هیچ سخن بد از دهانتان بیرون نیاید، بلکه آنچه که برای بنا نیکوست و مناسب به جهت وضعیت، تا شنوندگان را فیض رساند. ۳۰ روح قدّوس خدا را که توسط او برای روز رهایی مُهر شده‌اید، غمگین مسازید. ۳۱ هر گونه تلخی، خشم، عصبانیت، داد و فریاد، ناسزاگویی و هر نوع بدخواهی را از خود دور کنید. ۳۲ با یکدیگر مهربان و ملایم باشید و همدیگر را ببخشید چنانکه خدا شما را در مسیح بخشیده است.

### در محبت رفتار نمایید

۵ پس چون فرزندان عزیز، از خدا سرمشق گیرید. ۲ و با محبت رفتار کنید، چنانکه مسیح هم ما را محبت کرد و خود را برای ما چون هدیه‌ای عطرآگین و قربانی به خدا تقدیم نمود.

۳ باد که در میان شما از بی‌عفتی یا هر گونه ناپاکی یا طمع حتی سخن به میان آید، زیرا اینها شایسته مقدسین نیست. ٤ و نه گفتار زشت و بیهوده‌گویی و سخنان مبتذل که زیبنده نیست؛ بلکه به جای آن شکرگزاری باشد. ۵ زیرا این را یقین بدانید که هیچ بی‌عفت یا ناپاک یا طمعکار (یعنی بت‌پرست) در پادشاهی مسیح و خدا میراثی ندارد. ٦ مگذارید کسی شما را با سخنان پوچ فریب دهد، زیرا به سبب اینها غضب خدا بر پسران نااطاعتی نازل می‌شود. ۷ پس با آنها شریک مشوید.

۸ زیرا شما زمانی تاریکی بودید، امّا اکنون در خداوند، نور هستید. پس چون فرزندان نور رفتار کنید. ۹ زیرا میوه نور، در تمامی آنچه که نیکویی، عدالت و حقیقت است، یافت می‌شود. ۱۰ و تشخیص دهید که خوشنودی خداوند در چیست. ۱۱ در کارهای بی‌ثمر تاریکی شریک نشوید، بلکه آنها را افشا کنید. ۱۲ زیرا حتی بر زبان آوردن آنچه ایشان در خفا می‌کنند، شرم‌آور است. ۱۳ امّا هر چه که به وسیله نور افشا گردد، در مقابل دیدگان آشکار می‌شود. ۱٤ زیرا هر آنچه که در مقابل دیدگان آشکار می‌شود، نور است. بنابراین می‌گوید:

«ای خفته، بیدار شو،
از مردگان برخیز،
که مسیح بر تو خواهد درخشید.»

۱۵ پس، مراقب باشید که چگونه رفتار می‌کنید، نه چون نادانان بلکه چون دانایان. ۱٦ وقت را غنیمت شمارید، زیرا این روزها شریر است. ۱۷ پس نادان نباشید، بلکه دریابید که اراده خداوند چیست. ۱۸ و مست شراب مشوید، زیرا که هرزگی است؛ بلکه از روح پر شوید. ۱۹ و با یکدیگر به مزامیر، نغمه‌ها و سرودهای روحانی گفتگو کنید و در دل خود برای خداوند بسرایید و ترنم نمایید. ۲۰ همواره و برای هر چیز خدای پدر را در نام خداوند ما عیسی مسیح شکر گویید.

۲۱ به حرمت مسیح، مطیع یکدیگر باشید.

### روابط زنان و شوهران

۲۲ ای زنان، مطیع شوهران خود باشید،
همان‌گونه که خداوند را. ۲۳ زیرا شوهر، سَرِ
زن است، چنانکه مسیح نیز سَرِ کلیسا، بدن
خویش، و نجات‌دهنده آن است. ۲۴ پس
چنانکه که کلیسا مطیع مسیح است، زنان نیز
باید در هر امری مطیع شوهران خود باشند.
۲۵ ای شوهران، زنان خود را محبت کنید،
چنانکه مسیح نیز کلیسا را محبت کرد و
خویشتن را برای آن داد، ۲۶ تا آن را به
شستشوی آب به وسیله کلام طاهر ساخته،
تقدیس نماید، ۲۷ تا کلیسایی درخشان را نزد
خود حاضر سازد که هیچ لک و چین و هیچ
چیز دیگر نداشته، بلکه مقدّس و بی‌عیب
باشد. ۲۸ به همین‌طور، شوهران باید همسران
خود را چون بدن خود محبت کنند. آن که
زن خود را محبت می‌کند، خویشتن را محبت
می‌نماید. ۲۹ زیرا هرگز کسی از بدن خود نفرت
نکرده است، بلکه آن را می‌پروراند و از آن
نگاهداری می‌کند، چنانکه مسیح نیز کلیسا را؛
۳۰ زیرا اعضای بدن او هستیم. ۳۱ «از این
رو مرد، پدر و مادر خود را ترک کرده، به
زن خویش خواهد پیوست، و آن دو یک تن
خواهند شد.» ۳۲ این راز، عظیم است - امّا
من درباره مسیح و کلیسا سخن می‌گویم. ۳۳ به
هرحال، هر یک از شما زن خود را چون خود
محبت کند، و زن باید شوهر خویش را احترام
نماید.

### فرزندان و والدین

۶ ای فرزندان، از والدین خود در خداوند
اطاعت کنید، زیرا این درست است.
۲ «پدر و مادر خود را حرمت دار»، (که این
اولین فرمان با وعده است: ۳ «تا سعادتمند
باشی و بر زمین عمرِ طولانی کنی.»
۴ ای پدران، فرزندان خود را خشمگین
مسازید، بلکه آنها را با تعلیم و تربیت خداوند
بزرگ کنید.

### غلامان و اربابان

۵ ای غلامان، اربابان زمینی خود را با ترس
و لرز، و با دلی خالص، اطاعت کنید، چنانکه
گویی مسیح را اطاعت می‌کنید. ۶ نه هنگامی که
مراقب شما هستند، همچون کسانی که در
پی جلب رضایت انسانند، بلکه چون غلامان
مسیح، اراده خدا را از دل به جا آورید. ۷ با
نیّتی پاک خدمت کنید، چنانکه گویی خداوند
را خدمت می‌کنید، نه انسان را، ۸ زیرا می‌دانید
که هر که عمل نیکو انجام دهد، پاداش آن
را از خداوند خواهد یافت؛ خواه غلام، خواه
آزاد.
۹ و ای اربابان، با ایشان همین‌گونه رفتار
کنید، و از تهدید آنها دست بردارید. زیرا
می‌دانید او که هم ارباب ایشان است و
هم ارباب شما، در آسمان است، و نزد او
جانبداری نیست.

### اسلحه کامل خدا

۱۰ خلاصه، در خداوند، و در توانایی قدرت
او، نیرومند باشید. ۱۱ اسلحه کامل خدا را
بپوشید تا بتوانید در برابر حیله‌های ابلیس

**۳۱.۵** پیدایش ۲: ۲۴

بایستید. ۱۲ زیرا ما را کشتی گرفتن با جسم و
خون نیست، بلکه علیه ریاستها، علیه قدرتها،
علیه جهانداران این دنیای تاریک، و علیه
فوجهای روحانیِ شریر در جایهای آسمانی.
۱۳ پس اسلحه کامل خدا را بر تن کنید، تا
بتوانید در روز شریر ایستادگی نمایید، و همه
کار را انجام داده، بایستید. ۱٤ پس استوار
ایستاده، کمربند حقیقت را ببندید و زره صالح
شمردگی را بر تن کنید، ۱۵ کفشهای آمادگی
برای اعلان انجیلِ صلح و آشتی را به پا نمایید.
۱٦ در همه اوقات، سپر ایمان را برگیرید، تا
بتوانید با آن، همه تیرهای آتشین شریر را
خاموش کنید. ۱۷ و کلاهخود نجات و شمشیر
روح را که کلام خداست، بردارید. ۱۸ و در همه
اوقات، با دعا و التماس، در روح دعا کنید و
برای همین بیدار باشید و پیوسته با پایداری
برای همه مقدسین دعا کنید.

۱۹ برای من نیز، که چون دهان به سخن
باز کنم، کلام به من عطا شود تا راز انجیل
را دلیرانه اعلان نمایم، ۲۰ که سفیر آن هستم،
هرچند در زنجیرها! که آن را با شهامت اعلان
کنم، چنانکه شایسته است.

## سلامهای خاتمه

۲۱ برای آنکه از احوال من آگاه باشید و
بدانید چه می‌کنم، تیخیکوس، برادر عزیز و
خادم وفادار در خداوند، همه چیز را به شما
خواهد گفت. ۲۲ که من او را به همین منظور
نزدتان فرستادم تا از احوال ما آگاه شوید، و تا
او دلهای شما را تشویق کند.
۲۳ برادران را از جانب خدای پدر و عیسی
مسیح خداوند، سلامتی و محبتِ با ایمان باد.
۲٤ فیض بر همه کسانی باد که خداوند ما
عیسی مسیح را با محبتی فسادناپذیر دوست
می‌دارند.

# نامه پولُس رسول به فیلیپیان

## نکاتی چند درباره نامه به فیلیپیان

کلیسای فیلیپی نخستین کلیسایی بود که به دنبال بشارت و خدمت پولُس در خاک اروپا بنا شد. این کلیسا در ولایت مقدونیه قرار داشت که یکی از ایالتهای امپراتوری روم به شمار می‌رفت. پولس به هنگام نگارش این نامه، در روم به زندان بود.

پولُس در این نامه از مسیحیان فیلیپی به‌خاطر هدیه‌ای که برای رفع نیازهایش فرستاده بودند، تشکر می‌کند و از این فرصت بهره جُسته به آنها و به دیگر کلیساهایی که این نامه را می‌خواندند، یادآور می‌شود که به پایداری سختی‌ها را تحمّل کنند و اجازه ندهند که شادیشان در مسیح از بین برود. پولس در این نامه ایمانداران کلیسا را تشویق می‌کند که یگانگی و اتحاد بین خود را حفظ نمایند و با فروتنی زندگی کنند و از معلّمان دروغین هم خود را دور نگهدارند.

ویژگی بارز این نامه، تأکید آن بر شادی، اطمینان، اتحاد و پشتکار در ایمان و زندگی مسیحی است.

### تقسیم‌بندی کلّی

- مقدمه (۱:۱-۱۱)
- وضع و حال کنونی پولس (۱:۱۲-۲۶)
- دربارهٔ فروتنی و اتحاد (۱:۲۷ تا ۲:۱۸)
- برنامهٔ پولس برای تیموتائوس و اِپافْرودیتوس (۲:۱۹-۳۰)
- هشدار در مورد شریعت‌گرایان و معلّمان بی‌بندوبار (فصل ۳)
- پندهای گوناگون (۴:۱-۹)
- بخش پایانی (۴:۱۹-۲۳)۱

### سلامها

۱ از پولس و تیموتائوس، غلامان مسیح عیسی،
به همه مقدسین در مسیح عیسی که در فیلیپی می‌باشند، با ناظران و شماسان.
۲ فیض و سلامتی از جانب خدا، پدر ما، و خداوندْ عیسی مسیح، بر شما باد.

### دعا و شکرگزاری

۳ هر گاه شما را به یاد می‌آورم، خدای خود را شکر می‌گویم ۴ و همواره در همه دعاهایم برای همه شما با شادی دعا می‌کنم، ۵ به سبب مشارکت شما در کار انجیل از روز اول تا به حال. ۶ و یقین دارم او که کاری نیکو در شما آغاز کرد، آن را تا به روز عیسی مسیح به کمال خواهد رسانید. ۷ برایم بجاست که

---

**۱.۱** در یونانی " ἐπισκόποις "اسقفان"

درباره جمیع شما چنین بیندیشم، زیرا که شما را در دل خود می‌دارم چون شما همه با من در فیض شریک هستید، چه در زنجیرهای من و چه در دفاع و اثبات انجیل. ۸ زیرا خدا شاهد من است که چطور با مهربانیِ مسیحْ عیسی، مشتاق همه شما هستم.

۹ دعایم این است که محبت شما هر چه بیشتر فزونی یابد و با شناخت و بصیرت کامل همراه باشد، ۱۰ تا بتوانید بهترین را تشخیص دهید و در روز مسیح، پاک و بی‌عیب باشید ۱۱ و ازمیوه صالح شمردگی پرشوید که به واسطه عیسی مسیح به جلال و حمد خدا می‌انجامد.

## گسترش انجیل

۱۲ ای برادران، می‌خواهم بدانید که آنچه بر من گذشت، در واقع به پیشرفت انجیل انجامید، ۱۳ به حدّی که بر همه نگهبانان کاخ سلطنتی و سایرین معلوم شد که من به‌خاطر مسیح در زنجیرم. ۱۴ و زنجیرهایم سبب شد که بیشترِ برادران، در خداوند قوی‌دل شده با شهامتِ بسیار، کلام خدا را بی‌واهمه بیان کنند.

۱۵ امّا بعضی از حسد و حس رقابت مسیح را وعظ می‌کنند، لیکن بعضی دیگر با حسن‌نیّت. ۱۶ اینان از محبت چنین می‌کنند، زیرا می‌دانند که من برای دفاع از انجیل در اینجا گذاشته شده‌ام. ۱۷ امّا آنان از سَرِ جاه‌طلبی به مسیح وعظ می‌کنند، نه با خلوص‌نیّت، با این گمان که بر زحمت‌های من در زندان می‌افزایند. ۱۸ پس چه؟ جز اینکه به هر صورت، مسیح موعظه شود، چه به تظاهر و چه به درستی! و از این سبب شادی می‌کنم.

## مرا زیستن مسیح است

آری، و شادی هم خواهم کرد، ۱۹ زیرا می‌دانم که با دعاهای شما و یاری روحِ عیسی مسیح، اینها به رهایی من خواهد انجامید، ۲۰ چنانکه مشتاقانه انتظار می‌کشم و امید دارم که در هیچ چیز خجل نخواهم شد، بلکه با کمال دلیری، اکنون چون همیشه، مسیح در بدنم جلال خواهد یافت، خواه در حیات و خواه در مرگ. ۲۱ زیرا مرا زیستن مسیح است، و مردن، نفع. ۲۲ اگر می‌باید در این بدن زیست کنم، این برایم به منزله زحمتی پرثمر خواهد بود، با این وجود نمی‌دانم کدام را برگزینم! ۲۳ زیرا بین این دو سخت گرفتارم، چونکه آرزو دارم از این جهان بروم و با مسیح باشم، زیرا این بسیار بهتر است. ۲۴ امّا ماندنم در جسم برای شما ضروریتر می‌باشد. ۲۵ چون از این یقین دارم، و می‌دانم که خواهم ماند و با همه شما ادامه خواهم داد برای پیشرفت و شادی شما در ایمان، ۲۶ تا در من فخرتان در مسیح عیسی افزون گردد، به سبب دوباره آمدنم نزد شما.

۲۷ فقط به طور شایسته انجیل مسیح رفتار کنید، تا خواه بیایم و شما را ببینم و خواه در غیابم، از احوالتان بشنوم که در یک روح استوارید و به یک فکر، برای ایمان انجیل دوش به دوش مجاهده می‌کنید، ۲۸ و در هیچ چیز از دشمنان ترسی ندارید، که همین برای آنان نشان هلاکت است، امّا شما را نشان نجات و این از خداست. ۲۹ زیرا به شما عطا شده که نه فقط به مسیح ایمان آورید، بلکه به خاطر او رنج هم ببرید ۳۰ و در همان مجاهده درگیر هستید که درگیر بودن مرا شاهد شدید و حال نیز می‌شنوید که به با آن درگیرم.

### سرمشق گرفتن از فروتنی مسیح

۲ پس اگر در مسیح دلگرمی‌ای هست، تسلی‌ای که از محبت می‌آید، مشارکتی که
در روح است، و شفقت و رحمتی، ۲ شادی مرا
به این طریق کامل کنید که با یکدیگر همان
فکر و همان محبت را داشته، یکدل و یک‌رأی
باشید. ۳ هیچ چیز را از روی خودخواهی و
جاه‌طلبی انجام ندهید، بلکه با فروتنی دیگران
را از خود بهتر بدانید. ۴ و هر یک از شما
تنها به فکر خود نباشد، بلکه به دیگران نیز
بیندیشد. ۵ پس همین فکر در شما باشد که
در مسیح عیسی از آنِ شماست:
۶ که چون به صورت خدا بود،
به برابری با خدا دودستی نچسبید،
۷ بلکه خود را خالی کرد
و صورت غلام را پذیرفت،
و به شباهت آدمیان شد.
۸ و چون در صورت بشری یافت شد
خود را فروتن ساخت
و تا به مرگ،
حتی مرگ بر صلیب
مطیع گردید.
۹ پس خدا نیز او را به‌غایت سرافراز کرد
و نامی برتر از همه نامها به او بخشید،
۱۰ تا به نام عیسی هر زانویی ،
در آسمان، بر زمین و در زیر زمین
خم شود
۱۱ و هر زبانی اقرار کند که عیسی مسیح،
خداوند است،
برای جلال خدای پدر.

### نورها در جهان

۱۲ بنابراین ای عزیزان من، چنانکه همیشه
مطیع بوده‌اید، پس اکنون نجات خود را به
ترس و لرز به عمل آورید؛ نه تنها در حضور
من، بلکه به مراتب بیشتر در غیابم. ۱۳ زیرا
خداست که در شما هم اراده و هم عمل را
مطابق خشنودی خود پدید می‌آورد.
۱۴ هر کاری را بدون غرغر و مجادله انجام
دهید، ۱۵ تا بی‌ملامت و معصوم، و فرزندان
بی‌عیب خدا باشید، در بین نسلی کج‌رو و
منحرف که در میانشان چون ستارگان در
این جهان می‌درخشید، ۱۶ و کلام حیات را
محکم نگاه داشته‌اید، تا بتوانم در روز مسیح
مباهات کنم که بیهوده ندویده و عبث زحمت
نکشیده‌ام. ۱۷ امّا حتی اگر همچون هدیه‌ای
ریختنی، بر قربانی ایمانتان ریخته می‌شوم،
خوشحالم و با همه شما شادی می‌کنم. ۱۸ و
همچنین شما نیز باید خوشحال باشید و با من
شادی کنید.

### تیموتائوس و اِپافرودیتوس

۱۹ در خداوندْ عیسی امید دارم تیموتائوس
را به‌زودی نزد شما بفرستم تا از احوالتان آگاه
شده، مسرور گردم. ۲۰ زیرا کسی دیگر را مانند
او ندارم که خالصانه به فکرتان باشد. ۲۱ زیرا
که همه در پی نفع خویش هستند، نه امور
عیسی مسیح. ۲۲ امّا شما تیموتائوس را خوب
می‌شناسید، که همانند یک فرزند با پدر خود،
با من در کار انجیل خدمت کرده است. ۲۳ پس
امیدوارم به محض معلوم شدن وضع من، او
را نزد شما بفرستم؛ ۲۴ و در خداوند یقین دارم
که خود نیز به‌زودی خواهم آمد.

۲۵ ولی لازم می‌دانم اِپافرودیتوس را نزد شما
بفرستم، که برادر، همکار و همرزم من است،
و فرستاده شما و خادم نیاز من. ۲۶ زیرا مشتاق
دیدار همه شماست و از اینکه شنیدید بیمار
شده بود، غمگین است. ۲۷ به راستی که بیمار
و در آستانه مرگ بود. امّا خدا بر او رحم
کرد، و نه تنها بر او، بلکه بر من نیز، تا مرا
غمی بر غمی نباشد. ۲۸ پس می‌خواهم او را هر
چه زودتر بفرستم، تا با دیدنش شادمان شوید
و تا من نیز کمتر مضطرب باشم. ۲۹ پس در
خداوند، او را با شادی تمام بپذیرید و چنین
کسان را گرامی بدارید، ۳۰ زیرا در کار مسیح تا
به حدّ مرگ پیش رفت و برای جبران کاستی
خدمت شما به من، جان خود را به خطر
انداخت.

## صالح شمردگی از طریق ایمان به مسیح

۳ خلاصه ای برادران من، در خداوند شاد
باشید. نوشتن همان مطالب برایم زحمتی
نیست و نیز برایتان امنیت است. ۲ از آن سگها
برحذر باشید، مراقب آن شرارت پیشه‌گان، و
مراقب آنها که قطع کنندگان عضو هستند!
۳ زیرا ما ختنه‌شدگانی هستیم که به روحِ خدا
عبادت می‌کنیم و فخرمان به مسیح عیسی
است و بر جسم اعتماد نداریم - ٤ هرچند من
خود، دلیل دارم که بر جسم اعتماد کنم.
اگر کسی دیگر گمان می‌کند که برای اعتماد
به جسم دلیل دارد، من بیشتر: ۵ ختنه شده در
روز هشتم، از قوم اسرائیل، از قبیله بِنیامین،
عبرانی از عبرانیان، به لحاظ شریعت، فَریسی،
٦ به لحاظ غیرت، جفا کننده بر کلیسا؛ به
لحاظ صالح شمردگی شریعتی، بی‌عیب. ۷ امّا
آنچه مرا سود بود، آن را به‌خاطر مسیح زیان
شمردم. ۸ بلکه همه چیز را در قیاس با ارزش
برترِ شناخت خداوندم مسیح عیسی، زیان
می‌دانم که به‌خاطر او همه چیز را از دست
داده‌ام و همه را فضله شمردم تا مسیح را به
دست آورم ۹ و در او یافت شوم، نه به صالح
شمردگی از خویش که از شریعت ناشی می‌شود،
بلکه با آن که از راه ایمان به مسیح به دست
می‌آید، آن صالح‌شمردگی که از خداست و بر
پایه ایمان است. ۱۰ تا بتوانم او را و قوّت
رستاخیزش را بشناسم و در رنجهایش شریک
شده، با مرگش شبیه گردم، ۱۱ تا به هر طریق
به رستاخیز از مردگان نایل آیم.

## تلاش به سوی مقصد

۱۲ نه آنکه تا به حال به این دست یافته‌ام و
یا کامل شده‌ام، بلکه در پی آن می‌کوشم تا آن
را به دست آورم که مسیح عیسی برای آن مرا
به دست آورد. ۱۳ ای برادران، گمان نمی‌کنم
که آن را به دست آورده باشم؛ امّا یک چیز
می‌کنم که آنچه در عقب است، فراموش کرده
و به سوی آنچه در پیش است، خود را به جلو
می‌کشم. ۱٤ برای رسیدن به هدف، برای جایزه
دعوت برتر خدا در مسیح عیسی، می‌کوشم.
۱۵ پس همه ما که بالغیم، چنین فکر کنیم؛
و اگر در هر چیزی به گونه‌ای دیگر فکر
می‌کنید، خدا نیز این را بر شما آشکار خواهد
کرد. ۱٦ امّا مطابق به هر آنچه به دست
آورده‌ایم، رفتار کنیم.
۱۷ ای برادران، با هم از من نمونه بگیرید،
و توجه خود را بر آنانی بگذارید که مطابق
نمونه‌ای که در ما دارید، رفتار می‌کنند. ۱۸ زیرا
چنانکه بارها به شما گفته‌ام و حال نیز با
اشکها می‌گویم، بسیاری چون دشمنان صلیب
مسیح رفتار می‌کنند. ۱۹ عاقبتِ ایشان هلاکت
است و خدایشان شکم‌شان می‌باشد و به

ننگشان فخر می‌کنند و افکارشان بر امور زمینی است. ۲۰ لیکن شهروندی ما در آسمان است که از آنجا نجات‌دهنده، یعنی خداوند عیسی مسیح، را انتظار می‌کشیم. ۲۱ که بدن حقیر ما را به صورت بدن پرجلال خود تبدیل خواهد کرد به وسیله قدرتی که او را قادر می‌سازد تا همه چیز را مطیع خود بگرداند.

۴ بنابراین، ای برادرانم که دوستدار و مشتاق‌تان هستم، ای شما که شادی و تاجِ سر من هستید، عزیزانِ من، بدین‌گونه در خداوند استوار باشید.

## اندرز، تشویق، و دعا

۲ از اِفُودیه استدعا دارم و از سینتیخی تمنّا می‌کنم که در خداوند یک‌رأی باشند. ۳ و از تو نیز ای همکار خالص تقاضا دارم که این دو بانو را کمک کنی، زیرا دوش به دوش من برای کار انجیل مجاهده کرده‌اند، همراه با اکلیمِنتُس و دیگر همکارانم که نامشان در دفتر حیات است.

۴ همیشه در خداوند شاد باشید؛ باز هم می‌گویم: شاد باشید. ۵ بگذارید ملایمت شما بر همه آشکار باشد. خداوند نزدیک است. ۶ برای هیچ چیز نگران نباشید، بلکه در هر چیز با دعا و استغاثه، همراه با شکرگزاری، درخواستهای خود را به خدا ابراز کنید. ۷ و سلامتی خدا که فوق از تمامی عقل است، دلها و ذهنهایتان را در مسیح عیسی حفظ خواهد کرد.

۸ خلاصه، ای برادران، تفکر کنید در هر آنچه راست است، در هر آنچه مجید است، در هر آنچه درست است، در هر آنچه پاک است، در هر آنچه دوست‌داشتنی است، و در هر آنچه ستودنی، نیز اگر چیزی والا و شایسته تعریف است. ۹ آنچه از من آموخته و پذیرفته و شنیده و دیده‌اید، آنها را به عمل آورید، که خدای صلح و آشتی با شما خواهد بود.

## تشکر برای هدایا

۱۰ در خداوند بسیار شادمانم که اکنون بار دغدغه شما برای احتیاجات من شکوفه آورده است. البته شما به راستی به فکر من بوده‌اید، امّا فرصت نیافتید. ۱۱ نه آنکه از روی نیاز سخن می‌گویم، زیرا آموخته‌ام که در هر وضعیتی قانع باشم. ۱۲ فقر را می‌دانم، و دولتمندی را هم می‌دانم. در هر وضع و حالی، رمز زیستن در سیری و گرسنگی، و بی‌نیازی و نیازمندی را یاد گرفته‌ام. ۱۳ قدرت هر چیز را دارم در او که مرا قوّت می‌بخشد. ۱۴ با این حال، محبت کردید که در زحمات من شریک شدید.

۱۵ و شما ای فیلیپیان، خود می‌دانید که در شروع انجیل، هنگامی‌که مقدونیه را ترک کردم، هیچ کلیسایی جز شما در امر دادن و گرفتن با من شریک نشد. ۱۶ حتی در تسالونیکی یکی دو بار برای احتیاجاتم کمک فرستادید. ۱۷ نه آنکه در پی هدیه باشم، بلکه در پی ثمره‌ای هستم که بر حساب شما بیافزاید. ۱۸ وجه کامل را دریافت کرده‌ام و بیشتر نیز. با دریافت هدایای شما از اِپافرودیتوس به خوبی تامین شده‌ام، که عطر خوشبو و قربانی مقبول به خداست و او را خشنود می‌سازد. ۱۹ و خدای من، همه احتیاجات شما را بر حسب دولت خود در جلال در مسیح عیسی رفع خواهد کرد. ۲۰ خدا و پدر ما را تا ابد جلال باد. آمین.

**سلامهای پایانی**

۲۱ به همه مقدسین در مسیح عیسی سلام
برسانید. برادرانی که با من هستند، شما را
سلام می‌گویند. ۲۲ همه مقدسین شما را سلام
می‌فرستند، بخصوص آنانی که از دربار قیصر
هستند.
۲۳ فیض خداوند عیسی مسیح با روح شما
باد. آمین.

# نامهٔ پولُس رسول به کولُسیان

## نکاتی چند درباره نامه به کولُسیان

کولُسی یکی از شهرهای آسیای صغیر بود که در شرق شهر اَفِسُس قرار داشت. این کلیسا به احتمال زیاد توسط یکی از همکاران به نام اِپافْراس به وجود آمده بود (۷:۱). اِپافْراس از جانب پولس به کولُسی اعزام شده بود و به نمایندگی از او در آنجا خدمت می‌کرد. از همین رو، پولس نسبت به آن کلیسا احساس مسئولیت می‌نمود.

مشکل اساسی کلیسای کولُسی وجود تعالیم غلط به‌وسیلهٔ معلّمان دروغین بود. این معلّمان که مقام مسیح را به درستی درک نکرده بودند به سه دسته تقسیم می‌شدند: دسته اوّل تعلیمشان بر آن بود که برای شناخت خدا و دریافت نجات الهی، باید به راههایی غیر از ایمان به مسیح توسّل جست. تعلیم دستهٔ دوّم بر نجاتی بود که صرفا از راه و معرفتی رمزی به دست می‌آمد. لیکن دسته سوم آنهایی بودند که برای کسب نجات انجام فرایض شریعت را واجب می‌دانستند.

پولس در این نامه مقام واقعی عیسی مسیح را به درستی تشریح و به مخالفت با این معلّمان برمی‌خیزد. بر اساس پیام پولُس مسیح صورت خداست (۱۵:۱) و جهان به واسطهٔ او آفریده شده است (۱۵:۱و ۱۶). او از ازل بوده (۱۷:۱) و ضامن بقای جهان است (۱۷:۱) مسیح سَرِ کلیساست (۱۸:۱)؛ و نوبر مردگانی که قرار است زنده شوند. پولُس در این نامه به تأکید می‌گوید که الوهیت به تمام و کمال در عیسی مسیح ساکن است (۱۹:۱ و ۹:۲)؛ و همان اوست که ما را با خدا آشتی می‌دهد. (۲۰:۱)؛ از این رو نیز برای نجات دادن انسان کفایت کامل دارد (۲۲:۱).

حاملان این نامه پولُس، تیخیکوس و اونیسیموس بودند. اونیسیموس همان برده‌ای است که پولس به‌خاطر او به دوست خود فِلیمون نامه نوشت.

### تقسیم‌بندی کلّی

- مقدمه (۱:۱-۱۴)
- مقام والای مسیح (۱۵:۴۱-۲۳)
- زحمات پولس برای کلیسا (۲۴:۱ تا ۷:۲)
- آزادی از احکام بشری به واسطه حیات در مسیح (۸:۲-۲۳)
- حیات تازه در مسیح (۱:۳ تا ۶:۴)
- بخش پایانی (۷:۴-۱۸)

**سلامها**

۱ از پولس، به اراده خدا، رسول مسیح عیسی، و برادرمان، تیموتائوس،

۲ به مقدسین و برادران وفادار در مسیح که در کولُسی هستند:
فیض و سلامتی از جانب خدا، پدر ما، بر شما باد.

## شکرگزاری و دعا

۳ ما همواره به هنگام دعا برای شما،
خدا، پدر خداوندمان عیسی مسیح را شکر
می‌گزاریم، ٤ چون ایمان شما را در مسیح
عیسی و محبتی را که به همه مقدسین دارید،
شنیده‌ایم. ٥ اینها از امیدی ناشی می‌شود که
در آسمان برای شما نگاه داشته شده است
که پیشتر درباره پیام حقیقت یعنی انجیل
شنیده‌اید، ٦ که به شما رسیده است، چنانکه
در تمامی جهان ثمر می‌دهد و رشد می‌کند،
همان‌گونه که در میان شما نیز، از روزی که
آن را شنیدید و فیض خدا را در به راستی درک
کردید. ۷ چنانکه از همکار عزیز ما، اِپافراس
آموختید که خادم وفادار مسیح از جانب شما
است. ۸ و او ما را از محبت شما که در روح
است، آگاه ساخت.

۹ و از همین رو، از روزی که این را شنیدیم،
از دعا کردن و درخواست نمودن برای شما
باز نایستاده‌ایم، تا شما از شناخت اراده او
در هر حکمت و فهم روحانی پر شوید ۱۰ که
به شایستگی خداوند در کمال خشنودی رفتار
کنید و در هر کارِ نیکو ثمر آورید و در
شناخت خدا رشد نمایید ۱۱ و بر طبق توانایی
پرجلال او، با همه قوّت، نیرومند شوید تا
تحمّل و صبر کامل را با شادمانی داشته
باشید؛ ۱۲ و پدر را شکر گزارید که شما را
شایسته سهیم شدن در میراث مقدسین در
نور گردانیده است. ۱۳ او ما را از قدرت تاریکی
رهانیده و به پادشاهی پسر محبوبش منتقل
ساخته است، ١٤ که در او رهایی یعنی آمرزش
گناهان را یافته‌ایم.

## برتری مسیح

۱۵ او صورت خدای نادیده است و
نخست‌زاده تمامی آفرینش، ١٦ زیرا همه چیز
به واسطه او آفریده شد، هر آنچه در آسمان
و بر زمین است، دیدنی و نادیدنی، تختها و
حکومتها، ریاستها و قدرتها، همه به واسطه
او و برای او آفریده شد. ۱۷ او پیش از همه
چیز است، و همه چیز در او با هم قوام
دارد. ۱۸ و او بدن، یعنی کلیسا، را سَر است.
او ابتدا و نخست‌زاده از مردگان است، تا در
همه چیز، او برتر باشد. ۱۹ زیرا خشنودی خدا
در این بود که تمامی پری وی در او ساکن
شود، ۲۰ و به واسطه او همه چیز را با خود
آشتی دهد، خواه بر زمین و خواه بر آسمان،
و به وسیله خونِ صلیبِ او صلح و آشتی را
پدید آورد.

۲۱ و شما را که زمانی در افکار و در اعمال بد
خود بیگانه و دشمن بودید، ۲۲ اکنون در بدن
بشری خود به وسیله مرگ خویش آشتی داده
است، تا شما را مقدّس و بی‌عیب و بی‌ملامت
به حضور او حاضر سازد، ۲۳ به شرطی که در
ایمان ادامه داده، استوار و ثابت بمانید و از
امید انجیل که شنیدید، جنبش نخورید، که
به تمامی خلقتِ زیر آسمان اعلان شده است،
و من، پولس، خادم آن گشته‌ام.

## خدمات پولس برای کلیسا

۲٤ اکنون از رنجهایی که به‌خاطر شما
کشیدم شادمانم و کاستی رنجهای مسیح را در
بدن خود جبران می‌کنم، به‌خاطر بدن او که
کلیساست. ۲۵ که من خادم آن گشتم مطابق
مأموریتی که از خدا به من برای شما سپرده شد

**۱٦.۱** یا، "در او"

تا کلام خدا را به طور کامل بیان کنم، [۲٦] یعنی آن سرّی که طی اعصار و نسلها پنهان نگاه داشته شده بود، لیکن اکنون به مقدسین او آشکار شده است. [۲۷] که خدا اراده فرمود تا بر ایشان آشکار سازد که دولت جلال این سرّ در میان غیریهودیان چیست، که آن سرّ مسیح در شما است، آن امید جلال.

[۲۸] ما او را وعظ می‌کنیم، و هر کس را هشدار می‌دهیم و با کمال حکمت می‌آموزیم، تا هر کس را در مسیح، بالغ حاضر سازیم. [۲۹] و من برای این زحمت می‌کشم و مجاهده می‌کنم به نیروی او که در من به قوّت عمل می‌کند.

۲ زیرا می‌خواهم بدانید که برای شما و کسانی که در لائودیکیه هستند، و برای همه آنان که روی مرا ندیده‌اند، چه مجاهده‌ای دارم، [۲] تا دل‌های ایشان ترغیب شده، در محبت متحد گردند و به دولتِ یقینِ فهمِ تمام و به درکِ سرّ خدا یعنی مسیح برسند، [۳] که در او همه گنجهای حکمت و معرفت نهفته است. [٤] این را می‌گویم تا هیچ‌کس شما را با استدلالهای فریبنده گمراه نسازد. [٥] زیرا هرچند در جسم غایبم، لیکن در روح با شما هستم و از مشاهده نظم خوب و پایداری ایمان‌تان در مسیح شادی می‌کنم.

## در مسیح زنده

[٦] بنابراین چنانکه مسیح عیسای خداوند را پذیرفتید، پس در او نیز رفتار نمایید، [۷] و در وی ریشه کرده و بنا شوید، و همان‌گونه که تعلیم یافته‌اید، در ایمان استوار شده، سرشار از شکرگزاری باشید.

[۸] هشیار باشید کسی شما را از طریق فلسفه و حیله باطل اسیر نسازد، که بر سنّت مردم و بر اصول ابتدایی روح این دنیا استوار است، نه بر مسیح. [۹] زیرا تمامی پُری الوهیت از جهت جسمانی در مسیح ساکن است، [۱۰] و شما در او پُر گشته‌اید، که تمامی ریاست و قدرت را سر است. [۱۱] و در او نیز ختنه شده‌اید، به ختنه‌ای که به دست انجام نشده است یعنی بیرون کردنِ کالبد نفسانی به وسیله ختنه مسیح. [۱۲] و با او در تعمید مدفون گشتید که در آن شما نیز برخیزانیده شدید به وسیله ایمان بر عمل پرقدرت خدا که او را از مردگان برخیزانید.

[۱۳] و شما را که در خطایا و ختنه‌ناشدگی نفس خود مرده بودید، خدا شما را با او زنده گردانید و همه گناهان ما را آمرزید، [۱٤] و آن سندِ قرضها را که با قوانینش بر ضدّ ما بود، باطل کرد و آنرا بر صلیب میخکوب نموده، از میان برداشت. [۱٥] و ریاستها و قدرتها را خلع سلاح کرده، و در صلیب آنها را در نظر همه رسوا ساخت.

## هیچکس شما را محکوم نکند

[۱٦] پس مگذارید کسی شما را در خصوص خوردن و آشامیدن، یا در خصوص اعیاد و ماه نو و سبّت، محکوم کند. [۱۷] که اینها سایه چیزهای آینده است، امّا اصل، از آنِ مسیح است. [۱۸] مگذارید کسی شما را با تاکید بر ریاضت و عبادت فرشتگان مردود سازد و مدام رویاها قصه کند. چنین کس از فکر نفسانی بی‌پایه‌اش مغرور شده است [۱۹] و به سَر نچسبیده که از آن تمامی بدن به وسیله مفاصل و بندها نگاه داشته می‌شود =و به هم متصل گردیده، رشد می‌کند، به رشدی که از خداست.

**۱۵.۲** احتمالا، ریاستهای شرارت و قدرتها

۲۰ اگر با مسیح نسبت به اصول ابتدایی روحِ
این دنیا مُردید، چرا همچون کسانی که گویی
هنوز به دنیا تعلق دارند، از قواعد آن اطاعت
می‌کنید - ۲۱ «لمس مکن، مَچِش، دست نزن!»
۲۲ (که اشاره به چیزهایی دارند که با مصرف
از بین می‌روند) - و بر احکام و تعالیم بشری
بنا شده است. ۲۳ چنین چیزها در اعتلای
عبادت از خود درآورده و ریاضت و آزار بدن
واقعا هم که ظاهری حکیمانه دارند، امّا در
مهار تمایلات نفسانی از هیچ ارزش برخوردار
نیستند.

## انسانیّت تازه را بپوشید

۳ پس چون با مسیح برخیزانیده شده‌اید،
آنچه را که در بالاست بطلبید، آنجا که
مسیح به دست راست خدا نشسته است. ۲ به
آنچه در بالاست بیندیشید، نه به آنچه بر
زمین است. ۳ زیرا که مُرده‌اید و زندگی شما با
مسیح در خدا پنهان است. ۴ چون مسیح که
زندگی شماست، ظهور کند، آنگاه شما نیز با
او در جلال ظاهر خواهید شد.
۵ بنابراین، آنچه را که در شما زمینی است،
بکُشید، یعنی بی‌عفتی، ناپاکی، هوی و هوس،
امیال زشت و طمع را که بت‌پرستی است. ۶ به
سبب اینهاست که غضب خدا نازل می‌شود.
۷ زمانی که در آنها زندگی می‌کردید، شما نیز در
اینها رفتار می‌نمودید. ۸ امّا اکنون باید همه را
ترک کنید؛ خشم را، غضب را، بدخواهی را،
ناسزاگویی را، و سخنان زشت را از دهان خود.
۹ به یکدیگر دروغ مگویید، زیرا آن انسانیت
کهنه را با کارهایش از خود بیرون کرده‌اید ۱۰ و
انسانیت تازه را پوشیده‌اید، که در معرفت به
صورت خالق خویش تازه می‌شود. ۱۱ که در این
نه یونانی است نه یهودی، نه ختنه‌شده هست
نه ختنه‌ناشده، نه بَربَر، نه سَکِیتی، نه برده نه
آزاد، بلکه مسیح همه است و در همه.
۱۲ پس مانند برگزیدگان مقدّس و محبوب
خدا، دل‌رحمی، مهربانی، فروتنی، ملایمت و
صبر را بپوشید. ۱۳ و متحمّل یکدیگر شوید.
اگر کسی نسبت به دیگری کدورتی دارد،
یکدیگر را ببخشند. چنانکه خداوند شما را
بخشید، شما نیز یکدیگر را ببخشید. ۱۴ و بر
همه اینها محبت را بپوشید که همه چیز را به
کمال به هم متصل می‌گرداند.
۱۵ و صلح و آرامش مسیح بر دلهایتان
حکمفرما شود، که به راستی هم به آن در
یک بدن خوانده شده‌اید، و شکرگزار باشید.
۱۶ کلام مسیح به دولتمندی در شما ساکن
شود و با کمال حکمت یکدیگر را پند و تعلیم
دهید و با مزامیر، سرودها و نغمه‌های روحانی،
و با شکرگزاری در دلهای‌تان برای خدا بسرایید.
۱۷ و هرآنچه کنید، چه در گفتار و چه در
کردار، همه را به نام خداوندْ عیسی انجام
دهید، و به واسطه او خدای پدر را شکر کنید.

## اصول روابط مسیحی

۱۸ ای زنان، مطیع شوهران خود باشید،
چنانکه در خداوند شایسته است. ۱۹ ای
شوهران، زنان خود را محبت کنید و با آنان
تندی منمایید. ۲۰ ای فرزندان، والدین خود را
در هر امری اطاعت کنید، زیرا این خداوند
را خشنود می‌سازد. ۲۱ ای پدران، فرزندانتان را

**۵.۳** در متن یونانی، بنابراین، اعضای شما را که بر زمین است **۱۱.۳** مردمان غیریونانی که زبان یونانی را نمی‌دانستند. لقبی بود برای پست‌ترین قِشر از مردمان بَربَر، و بخصوص در اشاره به قبایلی در اطراف دریای سیاه به کار می‌رفت که از میانشان برده می‌گرفتند.

خشمگین مسازید، مبادا دلسرد شوند. ۲۲ ای غلامان، اربابان زمینی خویش را در هر امری اطاعت کنید، نه فقط زمانی که مراقب شما هستند، و نه برای رضایت مردم، بلکه با اخلاص قلبی و در ترس خداوند. ۲۳ هرچه کنید، از دل کنید که گویی برای خداوند، و نه انسان. ۲٤ زیرا می‌دانید میراثتان را چون پاداش از خداوند خواهید یافت، چونکه خداوندْ مسیح را خدمت می‌کنید. ۲۵ زیرا هر کس بدی کند، سزای عمل بد خویش را خواهد دید و تبعیضی نیست.

٤ ای اربابان، با غلامان خود به عدل و انصاف رفتار کنید، زیرا می‌دانید که شما را نیز اربابی است در آسمان.

## نصایح بیشتر

۲ با استقامت در دعا ادامه دهید و در آن با شکرگزاری بیدار باشید. ۳ و برای ما نیز دعا کنید که خدا درِ کلام را به روی ما بگشاید تا سرّ مسیح را اعلان کنیم، که به‌خاطر آن در زندان هستم. ٤ دعا کنید که آن را به‌روشنی بیان کنم، چنانکه شایسته است. ۵ با مردمانِ بیرون به حکمت رفتار کنید و وقت را دریابید. ٦ سخنان شما همیشه با فیض و نمکین باشد تا بدانید هر کس را چگونه جواب دهید.

## سلامهای آخر

۷ تیخیکوس همه شما را از احوال من آگاه خواهد ساخت. او برادری عزیز و خادمی امین و همکار من در خداوند است. ۸ او را به همین سبب نزدتان فرستاده‌ام تا از احوال ما آگاه شوید، که دلهای شما را تشویق کند. ۹ او همراه اونِسیموس، برادر امین و عزیز ما که از خود شماست، نزدتان می‌آید. ایشان شما را از هرآنچه در اینجا می‌گذرد، آگاه خواهند ساخت.

۱۰ آریستارخوس که با من در زندان است، شما را سلام می‌رساند؛ و مَرقُس، پسر عموی برنابا، برایتان سلام دارد. که به شما درباره او سفارش کرده‌ام که هر گاه نزدتان بیاید، او را بپذیرید. ۱۱ و عیسی که یوستوس خوانده می‌شود، برای شما سلام می‌فرستد. ایشان در میان همکارانم، برای پادشاهی خدا تنها مردان از اهل ختنه هستند که باعث تسلی من بوده‌اند. ۱۲ اِپافراس که یکی از شما و خادم مسیحْ عیسی است، برایتان سلام دارد و همواره در دعا برای شما مجاهده می‌کند، تا در تمامی اراده خدا کامل و استوار بایستید. ۱۳ من شاهدم که او برای شما و آنان که در لائودیکیه و هیراپولیس هستند، بسیار زحمت می‌کشد. ۱٤ لوقا پزشک محبوب و همچنین دیماس شما را سلام می‌رسانند. ۱۵ به برادران ما در لائودیکیه و همچنین به نیمفا و به کلیسایی که در خانه این بانوست، سلام برسانید.

۱٦ و چون این نامه برای شما خوانده شد، ترتیبی دهید که در کلیسای لائودیکیه نیز خوانده شود؛ و شما نیز نامه از لائودیکیه را بخوانید.

۱۷ و به آرخیپوس بگویید: «دقت کن تا خدمتی را که در خداوند یافته‌ای، به کمال رسانی.»

۱۸ من، پولس، این سلام را با دست خود می‌نویسم. زنجیرهای مرا به یاد داشته باشید. فیض با شما باد.

# نامه اوّل پولُس رسول به تِسالونیکیان

## نکاتی چند درباره نامه اوّل به تِسالونیکیان

شهر تِسالونیکی که سالونیک فعلی باشد (در یونان)، مرکز ایالت مقدونیه به شمار می‌رفت. پولُس در این شهر نتوانست به مدّتی زیاد خدمت کند، چرا که یهودیان به مخالفت شدید با او پرداختند. از این رو نیز او کلام را در میان غیر یهودیان بشارت داد و عدّهٔ زیادی از آنها به عیسی ایمان آوردند و همین هم ضدّیت یهودیان را به اوج خود رساند به گونه‌ای که پولُس را مجبور ساخت که از آنجا به بیریه رود. یهودیان بیریه نیز به تحریک یهودیان تِسالونیکی به مخالفت با پولُس پرداختند و پولُس ناگزیر آنجا را نیز ترک نمود و نهایت به قُرِنتُس رفت. در همین شهر بود که از طریق همکار خود تیموتائوس خبرهایی دربارهٔ مسیحیان تِسالونیکی دریافت کرد. بر اساس آنچه که تیموتائوس گزارش داده بود، مسیحیان تِسالونیکی در رابطه با بازگشت مسیح دچار سردرگمی شده بودند. و همین هم باعث شد که پولس این نامه را برایشان ارسال کند.

از محتوای نامه تشویق آمیز پولُس مشخص است که این کلیسا در مدّتی کوتاه رشد زیادی کرده بود و اعضای کلیسا در ایمان و در عمل زبانزد خاص و عام بوده‌اند. پولُس از آنها به خاطر چنین شیوه زندگی قدردانی می‌کند و اندرزشان می‌دهد که به زندگی مقدّس ادامه دهند.

سردرگمی کلیسای تسالونیکی در مواجهه با سؤالاتی بود که به بازگشت مسیح مربوط می‌شد. سؤالاتی چون: مؤمنینی که از این دنیا رفته‌اند، به هنگام بازگشت مسیح چه خواهند شد؟ زمان بازگشت مسیح کی خواهد بود؟ چگونه باید برای بازگشت مسیح آماده شد؟

### تقسیم‌بندی کلّی

۱- مقدمه و شکرگزاری (فصل ۱)
۲- پولس و مسیحیان تَسالونیکی (فصل‌های ۲ و ۳)
۳- اندرزهایی پیرامون رفتار و مَنِش مسیحی (۴:۱-۱۲)
٤- تعالیمی پیرامون بازگشت مسیح (۴:۱۳ تا ۵:۱۱)
۵- اندرزهای گوناگون (۵:۱۲-۲۲)
٦- بخش پایانی (۵:۲۳-۲۸)

### سلامها

۱ از پولس و سیلوانس و تیموتائوس،
به کلیسای تسالونیکیان که در خدای پدر
و خداوندْ عیسی مسیح می‌باشید:
فیض و سلامتی بر شما باد.

### ایمان و زندگی تسالونیکیان

۲ همواره خدا را درباره همه شما شکر
می‌گوییم و دائما از شما در دعاهای خود یاد
۳ می‌کنیم، و در حضور خدا و پدرمان، عمل
ایمانِ شما و زحمت محبت و پایداری امید

شما را در خداوندمان عیسی مسیح به یاد می‌آوریم.
۴ زیرا ای برادران که محبوب خدایید، از
برگزیدگی شما آگاهیم. ۵ زیرا که انجیل ما نه
تنها در کلام، بلکه در قدرت و در روح‌القدس
با یقین کامل به شما رسید، چنانکه می‌دانید
در میان شما به‌خاطر شما چگونه مردمان
شدیم. ۶ شما از ما و از خداوند سرمشق
گرفتید و در رنج بسیار، کلام را با شادی
روح‌القدس پذیرفتید. ۷ به حدّی که شما برای
همه ایمانداران مقدونیه و آخائیه نمونه شدید،
۸ زیرا که کلام خدا از شما نه تنها در مقدونیه و
آخائیه طنین انداخت، بلکه ایمان شما به خدا
در همه جا بر سر زبانهاست، آن‌گونه که دیگر
نیازی نیست ما چیزی بگوییم. ۹ زیرا خود آنان
از استقبال گرم شما از ما سخن می‌گویند، و
از اینکه چگونه از بتها به سوی خدا بازگشت
کردید تا خدای زنده و حقیقی را خدمت کنید
۱۰ و در انتظار آمدن پسر او از آسمان باشید،
که او را از مردگان برخیزانید، یعنی عیسی، که
ما را از غضب آینده می‌رهاند.

## خدمت پولس در تسالونیکی

۲ زیرا ای برادران، خود می‌دانید که آمدن
ما نزد شما بیهوده نبود، ۲ بلکه هرچند
پیشتر در شهر فیلیپی آزار و اهانت دیده
بودیم، چنانکه می‌دانید، امّا در خدای خود
دلیری یافتیم تا انجیل خدا را با وجود
مخالفتهای بسیار به شما اعلان کنیم. ۳ زیرا
که نصیحت ما از گمراهی یا انگیزه‌های ناپاک
نیست و قصد فریب نداریم، ۴ بلکه چون
کسانی سخن می‌گوییم که خدا ایشان را تأیید
کرده، انجیل را به یشانϕ به امانت سپرده
است و در پی خشنودی مردم نیستیم، بلکه
خشنودی خدایی که دلهای ما را به امتحان
می‌کشد. ۵ زیرا هرگز سخن از روی چاپلوسی
نگفتیم، چنانکه می‌دانید و نه تظاهر برای طمع
کردیم - خدا شاهد است. ۶ و نه جویای عزّت
از مردم بودیم، چه از شما و چه از دیگران.
هرچند چون رسولان مسیح می‌توانستیم از
شما چیزهایی را طلب کنیم. ۷ لیکن در میان
شما به نرمی رفتار کردیم، چون مادری شیرده
که از کودکان خود فرزندان می‌کند. ۸ و چنان
به شما دل بستیم که حاضر بودیم نه تنها
انجیل خدا را به شما برسانیم، بلکه جان خود
را نیز فدا کنیم، زیرا که عزیز ما شده بودید.
۹ زیرا ای برادران، محنت و مشقّت ما را به
یاد دارید، که شب و روز کار می‌کردیم تا وقتی
انجیلِ خدا را به شما اعلان می‌نمودیم، سربار
کسی نباشیم.
۱۰ شما شاهدید و خدا نیز، که با چه
قدوسیت و درستی و بی‌عیبی با شما ایمانداران
رفتار کردیم. ۱۱ چنانکه می‌دانید، رفتار ما با هر
یک از شما چون پدر با فرزندانش بود. ۱۲ شما
را تشویق کردیم و دلداری دادیم و سفارش
کردیم که رفتارتان شایسته خدایی باشد که
شما را به پادشاهی و جلال خود می‌خواند.
۱۳ و برای این نیز خدا را پیوسته شکر
می‌کنیم که وقتی کلام خدا را که از ما شنیدید،
پذیرفتید، آن را نه چون سخنان انسانی، بلکه
چون کلام خدا، چنانکه به راستی هم هست؛
که در شما ایمانداران عمل می‌کند. ۱۴ زیرا ای
برادران، شما از کلیساهای خدا در یهودیه که
در مسیحْ عیسی هستند، سرمشق گرفتید: زیرا
که شما نیز از هموطنان خود، همان آزارها را
دیدید که آنان از یهودیان دیدند، ۱۵ که هم
عیسای خداوند و هم پیامبران را کشتند و ما
را بیرون راندند. آنان خدا را خشنود نمی‌سازند

و مخالف همه مردم هستند [۱٦] و مانع می‌شوند
که ما با غیریهودیان سخن بگوییم تا نجات
یابند. بدین‌گونه همواره پیمانه گناهان خود
را لبریز می‌کنند. امّا غضب سرانجام بر ایشان
نازل شده است.

### اشتیاق پولس برای دیدار
### با ایمانداران تسالونیکی

[۱۷] و امّا ای برادران، چون مدّتی کوتاه از شما
دور شدیم، البته جسماً و نه قلباً، با اشتیاق
بسیار زیادتر کوشیدیم تا روی شما را ببینیم.
[۱۸] چرا که خواهان آمدن نزد شما بودیم - من،
پولس، بارها سعی کردم - ولی شیطان مانع
ما شد. [۱۹] زیرا چیست امید و شادی و تاج
افتخار ما در حضور خداوندمان عیسی به
هنگام ظهور او؟ مگر شما نیستید؟ [۲۰] زیرا که
شما جلال و شادی ما هستید.

۳ سرانجام چون دیگر طاقت نداشتیم، رضا
دادیم که ما را در آتن تنها واگذارند.
[۲] و تیموتائوس را که برادر ما و همکار خدا
در انجیل مسیح است، فرستادیم تا شما
را در ایمانتان تقویت و تشویق کند، [۳] تا
هیچ‌کس توسط این سختی‌ها نلرزد، زیرا خود
می‌دانید که ما برای اینها مقرر شده‌ایم. [٤] زیرا
وقتی که با شما بودیم، از پیش به شما
گفتیم که می‌بایست زحمات بکشیم، و چنانکه
می‌دانید، چنین واقع شده است. [٥] از این
جهت، چون دیگر طاقت نداشتم، فرستادم تا
از ایمانتان آگاه شوم، از ترس اینکه مبادا آن
وسوسه‌کننده شما را وسوسه کرده، و زحمات
ما به هدر رفته باشد.

### گزارش دلگرم‌کنندهٔ تیموتائوس

[٦] امّا اکنون که تیموتائوس از نزد شما
بازگشته، خبر خوشِ ایمان و محبت شما
را برایمان آورده است و خبر داده که شما
همیشه از ما به نیکی یاد می‌کنید و مشتاق
دیدارمان هستید، چنانکه ما نیز مشتاق دیدار
شما هستیم. [۷] از این جهت، ای برادران، در
همه فشارها و زحماتمان، از بابت شما و
ایمانتان تسلّی یافته‌ایم. [۸] زیرا حال دیگر حیات
در وجود ما هست، چرا که شما در خداوند
استوار هستید. [۹] به خاطر این همه شادی که
در حضور خدای‌مان درباره شما داریم، چه
شکرگزاری به خدا توانیم نمود ؟ [۱۰] چنانکه
شب و روز از دل و جان دعا می‌کنیم تا شما را
روبرو ملاقات کنیم و هر کاستی ایمان شما را
برطرف سازیم.

[۱۱] اکنون خودِ خدا، پدر ما، و خداوند ما
عیسی، راه ما را به سوی شما هدایت کند.
[۱۲] و خداوند شما را بیافزاید و در محبت به
یکدیگر و به همه پیوند دهد چنانکه ما شما
را محبت می‌کنیم. [۱۳] تا دلهای شما را استوار
سازد، تا آن زمان که خداوند ما عیسی با همه
مقدسان خود می‌آید، در حضور خدا، پدر ما،
بی‌عیب و مقدّس باشید.

### زندگی خداپسندانه

٤ خلاصه ای برادران، شما از ما آموختید
که چگونه باید رفتار کنید تا خدا
را خشنود سازید، همان‌گونه که چنین نیز
می‌کنید. اکنون به نام عیسای خداوند از شما
استدعا داریم و اندرزتان می‌دهیم که در این
باره هر چه بیشتر تلاش کنید. [۲] زیرا می‌دانید

**۱۳:۳** این اصطلاح در اینجا ممکن است به ایمانداران، و یا به فرشتگان و یا به هر دو اشاره داشته باشد.

که از جانب عیسای خداوند، چه احکامی به شما داده‌ایم.
۳ زیرا این است اراده خدا یعنی قدوسیّت شما، تا از زنا بپرهیزید. ٤ تا هریک از شما بداند چگونه بدن خود را در قدوسیّت و حرمت کنترل کند، ٥ نه در امیال شهوانی مانند قومهایی که خدا را نمی‌شناسند؛ ٦ تا هیچ‌کس در این امر دست تجاوز یا طمع بر برادر خود دراز نکند. زیرا خداوند در همه این کارها انتقام گیرنده است، چنانکه پیشتر به شما گفتیم و هشدار دادیم. ۷ زیرا خدا ما را به ناپاکی نخوانده است، بلکه به قدّوسیت. ۸ پس، هر که این را رد کند، نه انسان ، بلکه خدایی را رد کرده که روح قدّوس خود را به شما عطا می‌فرماید.
۹ و اما درباره محبت برادرانه نیازی نیست کسی چیزی به شما بنویسد، زیرا خود شما از خدا آموخته‌اید که یکدیگر را محبت کنید، ۱۰ و به راستی که به همه برادران در سراسر مقدونیه چنین می‌کنید. لیکن، ای برادران، از شما استدعا می‌کنیم که هر چه بیشتر چنین کنید.
۱۱ و صادقانه بخواهید که به آرامی زندگی کنید و به کار خویش مشغول باشید و با دستهای خود کار کنید، چنانکه شما را دستور دادیم. ۱۲ تا شما نزد مردمِ بیرون به شایستگی رفتار نمایید و محتاج کسی نباشید.

## بازگشت خداوند

۱۳ لیکن ای برادران، نمی‌خواهیم درباره آنانی که خوابیده‌اند بی‌خبر باشید، مبادا مثل دیگران که امیدی ندارند، ماتم کنید. ١٤ زیرا از آنجا که ایمان داریم که عیسی مرد و برخاست، پس به همین‌گونه از طریق عیسی، خدا آنانی را که خوابیده‌اند، با وی باز خواهد آورد. ۱۵ این را محض سخن خداوند به شما اعلان می‌کنیم که ما که زنده‌ایم، آنهایی که تا آمدن خداوند باقی باشیم، از خوابیدگان پیشی نخواهیم گرفت. ۱٦ زیرا خود خداوند، با فرمانی بلندآواز و با صدای رئیس فرشتگان و نفیر شیپور خدا، از آسمان فرود خواهد آمد و مردگانِ در مسیح، اوّل خواهند برخاست. ۱۷ پس از آن، ما که زنده و باقی باشیم، با آنها در ابرها ربوده خواهیم شد تا خداوند را در هوا ملاقات کنیم و بدین ترتیب همیشه با خداوند خواهیم بود. ۱۸ پس با این سخنان، یکدیگر را تشویق کنید.

## روز خداوند

۵ حال ای برادران، درباره وقتها و زمانها، نیازی نیست چیزی به شما بنویسم. ۲ زیرا خود شما کاملا آگاهید که روز خداوند مثل دزد در شب خواهد آمد. ۳ هنگامی‌که مردم می‌گویند: «صلح و امنیت است»، آنگاه هلاکتِ ناگهانی بر ایشان خواهد آمد، چنانکه دردِ زایمان بر زن حامله می‌آید، و از آن گریزی نخواهد بود.
٤ امّا شما ای برادران، در تاریکی نیستید تا آن روز چون دزد غافلگیرتان کند. ٥ زیرا شما همه فرزندانِ نور و فرزندان روز هستید؛ ما از شب و از تاریکی نیستیم. ٦ پس مانند دیگران به خواب نرویم، بلکه بیدار و هوشیار باشیم. ۷ زیرا آنان که می‌خوابند، در شب می‌خوابند، و آنان که مست می‌شوند، در شب مست می‌شوند. ۸ امّا ما چون به روز تعلّق داریم، باید هوشیار باشیم، و ایمان و محبت را چون زره به سینه ببندیم و امیدِ نجات را چون کلاهخود بر سر بگذاریم. ۹ زیرا خدا ما را برای

**٤.٤** در یونانی: "چگونه ظرف خویش را مالک گردد." **۱۳.٤** منظور ایماندارانی هستند که وفات یافته‌اند

غضب مقرر نکرد، بلکه برای کسب نجات به
واسطه خداوندمان عیسی مسیح، ۱۰ که برای
ما مرد، تا چه بیدار باشیم و چه خوابیده، با
او زندگی کنیم. ۱۱ پس یکدیگر را تشویق کنید
و همدیگر را بنا نمایید، چنانکه نیز می‌کنید.

## اندرزهای پایانی

۱۲ ای برادران، از شما تقاضا می‌کنیم آنانی را
که در میان شما زحمت می‌کشند و در خداوند
رهبران شما هستند و نصیحت می‌کنند، احترام
کنید، ۱۳ و ایشان را در کمال محبت، به سبب
عملشان، محترم بشمارید. و با یکدیگر در
صلح و صفا باشید.
۱۴ ای برادران، از شما استدعا می‌کنیم که
کاهلان را هشدار دهید، کم‌جرئتان را تشویق
کنید، ضعیفان را حمایت نمایید، و با همه
بردبار باشید. ۱۵ مراقب باشید، کسی بدی را
با بدی پاسخ نگوید، بلکه پیوسته در پی نیکی
کردن به یکدیگر و به همه مردم باشید.
۱۶ همیشه شاد باشید، ۱۷ پیوسته دعا کنید،
۱۸ در هر وضعی شکرگزار باشید، زیرا این است
اراده خدا برای شما در مسیحْ عیسی.
۱۹ روح را خاموش مکنید، ۲۰ نبوّتها را خوار
مشمارید. ۲۱ بلکه همه چیز را امتحان کنید،
به آنچه نیکوست، محکم بچسبید. ۲۲ از هر
گونه بدی دوری نمایید.
۲۳ اینک خدای سلامتی، خود، شما را کاملا
تقدیس کند و روح و جان و جسم شما تا
آمدن خداوندمان عیسی مسیح، تماما بی‌عیب
محفوظ بماند. ۲۴ او که شما را می‌خواند،
وفادار است و یقینا این را خواهد کرد.
۲۵ ای برادران، برای ما دعا کنید. ۲۶ با
بوسه‌ای مقدّس همه برادران را سلام گویید.
۲۷ در حضور خداوند، شما را قسم می‌دهم که
این نامه را برای همه برادران قرائت کنید.
۲۸ فیض خداوند ما عیسی مسیح با شما باد.
آمین.

**۱۰.۵** یا، مُرده

# نامه دوّم پولُس رسول به تِسالونیکیان

## نکاتی چند درباره نامه دوّم به تِسالونیکیان

از محتوای این نامه چنان برمی‌آید که گویی سؤالاتی که در رابطه با بازگشت مسیح در این کلیسا وجود داشت، باعث شده بود که مشکلاتی جدّی به وجود آید. پولُس در این نامه از وقایعی سخن می‌گوید که پیش از بازگشت مسیح صورت خواهد گرفت. در همین نامه است که پولُس از 'آن مرد بی‌دین' صحبت می‌کند که با ظهور خود ضدّیت با مسیح را به اوج خود خواهد رسانید. او به ضدیّت با مسیح بر خواهد خاست، امّا مسیح به هنگام بازگشت خود، با نفَس دهانش او را هلاک خواهد کرد.

پولُس در صحبت خود با این مؤمنین از آنها می‌خواهد که در مقابل مشکلات و سختیها استوار بایستند و در ایمان خود استوار باشند.

### تقسیم‌بندی کلّی

۱- مقدمه (فصل ۱)
۲- تعلیم دربارهٔ بازگشت مسیح (فصل ۲)
۳- اندرز دربارهٔ رفتار و مَنِش مسیحی (۳:۱-۱۵)
٤- بخش پایانی (۳:۱۶-۱۸)

### سلامها

۱ از پولس و سیلوانُس و تیموتائوس،
به کلیسای تسالونیکیان که در خدا، پدر
ما، و خداوندْ عیسی مسیح می‌باشید:
۲ فیض و سلامتی از جانب خدا، پدر ما، و
خداوندْ عیسی مسیح بر شما باد.

### شکرگزاری

۳ ای برادران، می‌باید پیوسته خدا را به‌خاطر
شما شکر کنیم، چنانکه شایسته است، زیرا
که ایمان شما بسیار رشد می‌کند و محبت هر
یک از شما به یکدیگر فزونی می‌یابد. ٤ از این
رو، ما در کلیساهای خدا به‌خاطر پایداری و
ایمانتان در تحمّل آزارها و سختیها، به شما
افتخار می‌کنیم.
۵ که این گواه داوری منصفانه خداست که
شما شایسته پادشاهی خدا شمرده شوید که
برای آن نیز رنج می‌برید. ٦ زیرا که این انصاف
است که خدا آنانی را که شما را آزار می‌رسانند،
به آزار عوض دهد، ۷ و شما را که آزار می‌بینید
با ما راحتی بخشد در زمانی که خداوندْ عیسی
همراه با فرشتگانِ نیرومند خویش ظهور نماید
۸ در آتش مشتعل، انتقام خواهد کشید از
آنانیکه خدا را نمی‌شناسند و انجیلِ خداوند
ما عیسی را اطاعت نمی‌کنند. ۹ که ایشان به
مجازاتِ هلاکتِ جاودانی از حضور خداوند و
از جلالِ قدرت او خواهند رسید، ۱۰ هنگامی که

---

**۱.۱** همان، سیلاس **۹.۱** یا، هلاکتی که از حضور خداوند می‌آید

وی در آن روز بیاید تا در مقدسین خود جلال یابد و همه ایمانداران از او در شگفت شوند. زیرا به شهادت ما ایمان آورده‌اید.

۱۱ از همین رو، پیوسته برای شما دعا می‌کنیم تا خدای ما شما را شایسته دعوت خود شمارد و به قوّت خود هر قصد نیکو و هر عمل ایمان را به انجام رساند، ۱۲ تا نام خداوند ما عیسی در شما جلال یابد، و شما نیز در وی، بر حسب فیض خدای ما و خداوندْ عیسی مسیح.

## آن مرد بی‌دین

۲ امّا ای برادران، درباره آمدن خداوند ما عیسی مسیح و گِرد آمدن ما به نزد او، از شما استدعا داریم ۲ فورا به هم نریزید و مشوش مشوید از یک روح، یا از یک کلام، و یا از نامه‌ای که گویا از ما باشد، به این مضمون که روز خداوند رسیده است، ۳ نگذارید کسی به هیچ طریقی شما را فریب دهد. زیرا تا آن عصیان، نخست واقع نگردد و آن مرد بی‌دین که فرزند هلاکت است، به ظهور نرسد، آن روز نخواهد آمد. ٤ که او با هرآنچه خدا خوانده می‌شود و مورد پرستش قرار می‌گیرد، مخالفت می‌ورزد و خود را بالاتر قرار می‌دهد، تا آنجا که در معبد خدا جلوس می‌کند و خود را خدا اعلان می‌نماید.

٥ آیا به یاد ندارید که زمانی که هنوز با شما بودم، اینها را به شما گفتم؟ ٦ و شما می‌دانید که اکنون چه چیزی مانع است تا او در زمان مناسب خود ظهور کند. ۷ زیرا سِرّ بی‌دینی هم‌اکنون کار می‌کند، فقط تا وقتی که آنکه تا به حال مانع است، از میان برداشته شود. ۸ و آنگاه آن بی‌دین ظاهر خواهد شد، که خداوندْ عیسی با نَفَس دهان خود او را هلاک خواهد کرد و با حشمت ظهور خویش او را نابود خواهد ساخت. ۹ ظهور آن بی‌دین به عمل شیطان و با همه قوّت و آیات و عجایبِ دروغین خواهد بود، ۱۰ و با هر گونه شرارت فریبنده برای آنانی‌که هلاک می‌شوند، زیرا ایشان نخواستند حقیقت را دوست بدارند تا نجات یابند. ۱۱ بنابراین خدا به ایشان توهّمی بزرگ می‌فرستد، تا دروغ را باور کنند، ۱۲ تا همه کسانی که حقیقت را باور نکرده و از ناراستی خشنود گشته‌اند، محکوم گردند.

## استوار بمانید

۱۳ امّا ای برادران که محبوب خداوند هستید، ما باید همواره خدا را به‌خاطر شما شکر کنیم، زیرا خدا شما را چون نوبر برگزید تا از طریق تقدیس روح و ایمان به حقیقت نجات یابید. ۱٤ و برای این شما را از طریق انجیل ما دعوت کرد تا شما از جلال خداوند ما عیسی مسیح برخوردار شوید. ۱٥ پس، ای برادران، استوار باشید و سنّتهایی را که چه با کلام و چه با نامه‌هایمان از ما تعلیم یافتید، نگاه دارید.

۱٦ اینک خودِ خداوند ما عیسی مسیح و پدر ما خدا که ما را محبت کرد و از طریق فیض به ما تسلّی جاودانی و امیدی نیکو بخشید، ۱۷ دلهای شما را تسلّی بخشد و در هر کردار و گفتار نیکو استوار گرداند.

## برای ما دعا کنید

۳ در خاتمه، ای برادران، برای ما دعا کنید تا کلام خداوند به‌سرعت پیش رود و عزّت یابد، همان‌گونه که در میان شما چنین

**۱.۳** یا، جلال

شد، [۲] و تا از افراد خبیث و شرور رهایی یابیم، زیرا همه ایمان ندارند. [۳] امّا خداوند وفادار است. او شما را استوار می‌سازد و از آن شریر حفظ می‌کند. [٤] ما در خداوند به شما اطمینان داریم که آنچه به شما حکم می‌کنیم به جا می‌آورید و خواهید آورد. [٥] باشد که خداوند دلهای شما را به محبت خدا و پایداری مسیح هدایت فرماید.

## هشدار برعلیه کاهلی

[٦] ای برادران، به نام خداوندْ عیسی مسیح به شما حکم می‌کنیم که دوری کنید از هر برادری که در کاهلی رفتار می‌کند، و نه مطابق تعلیمی که از ما یافته‌اید. [۷] زیرا خود می‌دانید که چگونه باید از ما سرمشق بگیرید. زیرا زمانی که ما با شما بودیم، کاهلی نکردیم [۸] و نان کسی را مفت نخوردیم. بلکه شب و روز کار کردیم و زحمت کشیدیم تا بر هیچ‌یک از شما باری نباشیم. [۹] نه اینکه چنین حقّی نداریم، بلکه به شما نمونه‌ای از خود بدهیم تا از ما سرمشق بگیرید. [۱۰] زیرا حتی زمانی که با شما بودیم این حکم را به شما می‌دادیم که «هر که نمی‌خواهد کار کند، نان هم نخورد.»

[۱۱] زیرا شنیده‌ایم که بعضی در میان شما به کاهلی رفتار می‌کنند و به کاری مشغول نیستند، جز فضولی. [۱۲] پس چنین کسان را به نام خداوندْ عیسی مسیح حکم می‌کنیم و پند می‌دهیم که در آرامش کار کنند و معاش خود را تأمین نمایند. [۱۳] و امّا شما ای برادران، از نیکوکاری هرگز خسته نشوید.

[۱٤] اگر کسی سخن ما را در این نامه اطاعت نکند، او را مشخص کنید و با وی معاشرت ننمایید تا شرمنده شود. [۱٥] ولی او را دشمن مشمارید، بلکه چون برادر به وی هشدار دهید.

## خاتمه

[۱٦] حال، خداوندِ سلامتی، خود همواره و از هر جهت به شما سلامتی عطا فرماید. خداوند با همگی شما باد.

[۱۷] من، پولس، به دست خود این سلام را می‌نویسم. این نشان خاص من در همه نامه‌هایم می‌باشد. من این‌چنین می‌نویسم.

[۱۸] فیض خداوند ما عیسی مسیح با همگی شما باد. آمین.

**۱۲.۳** در متن یونانی، نان خود را

# نامه اوّل پولُس رسول به تیموتائوس

## نکاتی چند درباره نامه اوّل به تیموتائوس

پولُس این نامه را به دوست و همکار جوان خود تیموتائوس می‌نویسد. تیموتائوس از مردمان آسیای صغیر، از مادری یهودی و پدری یونانی بود و در اغلب سفرهای بشارتی پولُس او را همراهی می‌کرد. تیموتائوس یکی از کسانی بود که پولُس اغلب او را به سرکشی به کلیساها می‌فرستاد و نهایت او را ناظر بر کلیسای اَفِسُس و کلیساهای تابع آن گذاشت. پولُس این نامه را به تیموتائوس می‌نویسد تا او را در خدمتش تشویق کند (۳:۱ و ۱۸)، تعالیم نادرست را اصلاح نماید (۱:۳-۷؛ ۱:۴-۸؛ ۶:۳-۵ و ۲۰-۲۱) و دربارهٔ برخی امور مربوط به ادارهٔ کلیسا همچون عبادت کلیسایی (۲:۱-۱۵) و انتصاب رهبران واجد شرایط (۳:۱-۳؛ ۵:۱۷-۲۵) رهنمودها بدهد.

یکی از مشکلات اساسی کلیسای اَفِسُس بدعتی بود که شامل تعالیم گِنوسی و یهودیت خُرافی (۱:۳-۷) و زهد دروغین می‌شد.

### تقسیم‌بندی کلّی

- مقدمه (۱:۱-۲)
- تعالیمی پیرامون کلیسا و رهبرانش (۱:۳ تا ۱۶:۳)
- رهنمودهایی به تیموتائوس درخصوص کار و خدمتش (۱:٤ تا ۲۱:٦)

### سلامها

۱ پولس، رسول مسیح عیسی به فرمان
نجات‌دهنده ما خدا و امیدمان مسیحْ
عیسی،
۲ به تیموتائوس، فرزند حقیقی‌ام در ایمان:
فیض و رحمت و سلامتی از جانب خدای
پدر و خداوندمان مسیحْ عیسی بر تو باد.

### هشدار درباره معلمان دروغین

۳ چنانکه هنگام عزیمتم به مقدونیه به تو
اصرار کردم، در اَفِسُس بمان تا بعضی را فرمان
دهی که تعلیمی دیگر ندهند ٤ و خویشتن را
به افسانه‌ها و تبارنامه‌های بی‌پایان نسپارند،
که اینها مباحثات را اعتلا می‌بخشند تا ترویج
کار خدا که از طریق ایمان است. ٥ هدف
از فرمان ما، محبت است، که از دلی پاک،
وجدانی صالح و ایمانی بی‌ریا حاصل می‌شود.
٦ که بعضی افراد از اینها منحرف شده، به
بیهوده‌گویی روی آورده‌اند، ۷ و می‌خواهند
معلّمان شریعت باشند، حال آنکه نه می‌فهمند
چه می‌گویند، و نه آنچه به تاکید اظهار
می‌کنند.
۸ حال ما می‌دانیم که شریعت نیکوست،
اگر کسی آن را به‌درستی به کار بَرَد. ۹ نیز
می‌دانیم که شریعت برای منصفان وضع نشده
است، بلکه برای قانون‌شکنان و سرکشان،
برای بی‌دینان و گناهکاران، برای ناپاکان و
کافران؛ برای قاتلان پدر و قاتلان مادر؛ برای

آدمکشان، ۱۰ زناکاران، لواط‌گران، آدم‌ربایان، دروغگویان و شهادت‌دهندگانِ به دروغ، و برای چیز دیگر که به خلاف تعلیم صحیح باشد، ۱۱ مطابق با انجیلِ جلالِ خدای متبارک که به من سپرده شده است.

### مسیح عیسی برای نجات گناهکاران آمد

۱۲ خداوندمان مسیحْ عیسی را شکر می‌کنم که مرا توانایی بخشید و امین شمرد و به خدمت خویش گمارد. ۱۳ گرچه در گذشته، کفرگو و ستمگر و زورگو بودم، لیکن بر من رحم شد، چرا که ازروی جهالت، در بی‌ایمانی عمل می‌کردم. ۱۴ امّا فیض خداوند ما بر من به‌فراوانی جاری گشت با ایمان و محبتی که در مسیح عیسی است.

۱۵ این سخن درخور اعتماد و پذیرش کامل است که مسیح عیسی به جهان آمد تا گناهکاران را نجات بخشد، که من بزرگترین آنها هستم. ۱۶ از همین رو، رحمت یافتم که در من، عیسی مسیح کمال صبر خود را نسبت به من که بزرگترینِ گناهکاران بودم، نشان دهد، تا نمونه‌ای باشم برای آنانی که برای حیات جاودانی به او ایمان خواهند آورد. ۱۷ جلال و حرمت باد تا ابدالآباد پادشاه سرمدی را ، جاودان، نادیدنی، خدای یکتا را، آمین!

۱۸ ای پسرم، تیموتائوس، این وظیفه را مطابق با نبوّتهایی که پیشتر بر تو شد، به تو می‌سپارم تا در آنها جنگ نیکو کنی، ۱۹ و ایمان و وجدان پاک را نگاه داری که بعضی با نپذیرفتن آن، در ایمانشان شکسته کشتی شده‌اند. ۲۰ در بین ایشان، هیمِنائوس و اسکندر می‌باشند که ایشان را به شیطان سپردم تا عبرت گرفته، دیگر کفر نگویند.

### برای همه مردم دعا کنید

۲ پس، قبل از هر چیز، سفارش می‌کنم که درخواستها، دعاها، شفاعتها و شکرگزاری‌ها برای همه مردم به جا آورده شود، ۲ برای پادشاهان و همه صاحبمنصبان، تا بتوانیم در دینداری و وقار زندگی آرام و آسوده‌ای را بگذرانیم. ۳ زیرا که این نیکو و پسندیده نجات‌دهنده ما خداست ۴ که می‌خواهد همه مردم نجات یابند و به معرفت حقیقت نائل گردند. ۵ زیرا یک خدا هست و یک واسطه بین خدا و انسانها وجود دارد، یعنی آن انسان که مسیح عیسی است؛ ۶ که خود را برای همه همچون بهای آزادی فدا کرد، که شهادتی است برای زمان معین. ۷ و برای این، من واعظ و رسول و معلّم غیر یهودیان در ایمان و حقیقت تعیین شدم - حقیقت را می‌گویم و دروغ نمی‌گویم.

۸ پس آرزو دارم که مردان در هر جا، دستهای مقدّس را بی‌خشم و جدال، برافراشته، دعا کنند. ۹ همچنین زنان پوششی شایسته بر تن کنند و خویشتن را به نجابت و متانت بیارایند، نه به گیسوانِ بافته، یا طلا و مروارید، یا جامه‌های فاخر، ۱۰ بلکه به اعمال نیکو آراسته باشند، چنانکه شایسته زنانی است که مدّعی خداپرستی‌اند

۱۱ زن باید به آرامی و تسلیم کامل، تعلیم گیرد. ۱۲ زن را اجازه نمی‌دهم که تعلیم دهد یا بر مرد مسلّط شود؛ بلکه باید ساکت باشد. ۱۳ زیرا آدم اوّل سرشته شد و بعد حوا. ۱۴ و آدم فریب نخورد، بلکه زن فریب خورد

**۱۰.۱** منظور، کسانیکه انسانی را برای فروش به بردگی، می‌ربایند **۱۲.۲** در برخی از ترجمه‌ها، شوهر

و خطاکار شد. ۱۵ لیکن به زاییدن، رستگار
خواهد شد، اگر در ایمان و محبت و تقدّس،
با خویشتنداری ثابت بمانند.

### مشخصات ناظران

۳ این سخن درخور اعتماد است که اگر
کسی مقام نظارت را آرزو می‌کند کاری
نیکو می‌طلبد. ۲ بنابراین ناظر باید به دور
از ملامت، شوهر یک زن، نیک هوشیار،
خویشتندار، آبرومند، میهمان‌نواز و قادر به
تعلیم باشد؛ ۳ نه میگسار، یا خشن، بلکه
ملایم؛ و نه ستیزه‌جو، و نه پولدوست. ٤ و باید
خانواده خود را نیکو اداره کند و فرزندانش
را در کمال وقار مطیع گرداند. ۵ زیرا اگر
کسی نداند چگونه خانواده خویش را اداره
کند، چطور می‌تواند کلیسای خدا را سرپرستی
نماید؟ ٦ و فردی جدید در ایمان نباشد، مبادا
مغرور گردد و به محکومیت ابلیس دچار
شود. ۷ علاوه بر این، باید در میان مردمانِ
بیرون نیکنام باشد تا به رسوایی و دام ابلیس
گرفتار نشود.

### مشخصات شمّاسان

۸ همچنین شمّاسان باید باوقار باشند؛ نه
دو رو، نه میخواره و نه طمّاع در منافع
نامشروع. ۹ ایشان باید سرّ ایمان را با وجدانی
پاک نگاه دارند. ۱۰ و باید اوّل آزموده شوند و
اگر بی‌ملامت یافت شدند، در مقام شمّاس
خدمت کنند. ۱۱ به همین‌گونه، زنان ایشان
باید باوقار باشند، و نه غیبت‌گو، هوشیار و
در هر چیز، امین. ۱۲ هر یک از شمّاسان باید
شوهر یک زن باشند و فرزندان و خانواده
خویش را به نیکویی اداره کنند. ۱۳ شمّاسانی که
نیکو خدمت کرده باشند، مرتبه‌ای والا برای
خود کسب می‌کنند و نیز در ایمان خود به
مسیح عیسی، اطمینانی عظیم خواهند یافت.

### سرّ دینداری

۱٤ امید آن دارم که به‌زودی نزدت بیایم، ولی
اینها را به تو می‌نویسم تا ۱۵ اگر تأخیر کنم،
بدانی که در خانه خدا که کلیسای خدای زنده
و ستون و بنیان حقیقت است، چگونه باید
رفتار کرد. ۱٦ به‌یقین که سرّ دینداری عظیم
است: که او در جسم ظاهر شد،
به واسطه روح تصدیق گردید،
فرشتگان، او را دیدند،
بر قومها موعظه شد،
و دنیا به او ایمان آورد،
و با جلال، بالا برده شد.

### بعضی از ایمان دور خواهند شد

٤ امّا روح، آشکارا می‌گوید که در زمانهای
آخر، برخی از ایمان دور شده، از ارواح
گمراه‌کننده و تعالیم دیوها پیروی خواهند
کرد، ۲ از طریق ریاکاری دروغگویانی که
وجدانشان با داغ سوخته است، ۳ که ازدواج
را منع می‌کنند و به پرهیز از خوراکهایی فرمان
می‌دهند که خدا آفریده تا مؤمنان و آنانی که
حقیقت را می‌شناسند، با شکرگزاری از آنها
بهره‌مند شوند. ٤ زیرا هر آنچه که خدا آفریده
است، نیکوست و هیچ چیز را نباید رد کرد،
۵ اگر با شکرگزاری پذیرفته شود، زیرا که به
کلام خدا و دعا تقدیس می‌گردد.

**۲.۳** یا، اسقف **۸.۳** یا، دودوزه‌باز

## خادم نیکوی مسیح عیسی

٦ اگر این امور را به برادران بسپاری، خادم
نیکوی مسیح عیسی خواهی بود، تربیت یافته
در کلامِ ایمان و تعلیم نیکو که پیروی آن را
کرده‌ای. ۷ تو را با افسانه‌های کفرآمیز پیرزنان
کاری نباشد، بلکه خود را در دینداری تربیت
کن. ۸ زیرا گرچه تربیت بدن را اندک فایده‌ای
است، امّا دینداری برای هر چیز مفید است؛
هم زندگی حال را وعده می‌دهد، و هم زندگی
آینده را.
۹ این سخن درخور اعتماد و پذیرش کامل
است ۱۰ زیرا که برای این زحمت می‌کشیم
و جدّ و جهد می‌کنیم چون امید خویش را
بر خدای زنده نهاده‌ایم که نجات‌دهنده همه
مردمان، بخصوص مؤمنان است.
۱۱ این امور را حکم فرما و تعلیم ده.
۱۲ مگذار هیچ‌کس تو را به سبب جوانی‌ات
حقیر شمارد، بلکه در گفتار و کردار و محبت
و ایمان و پاکی، همه مؤمنان را نمونه باش. ۱۳ تا
آمدنم، به قرائت کلام خدا و اندرز و تعلیم
مشغول باش. ١٤ به آن عطایی که در توست،
بی‌اعتنایی مکن که به وسیله نبوّت به تو داده
شد، آن زمان که هیئت مشایخ بر تو دست
گذاشتند.
١٥ در این امور بکوش و خود را وقف
آنها کن تا پیشرفت تو بر همه آشکار شود.
١٦ به‌دقّت، مراقب خود و این تعلیم باش. در
آنها پایداری کن، که اگر چنین کنی خویشتن و
شنوندگانت را نجات خواهی داد.

## اندرزهایی برای کلیسا

٥ مرد سالخورده را توبیخ مکن، بلکه او را
چون پدر خود نصیحت کن، و جوانان
را چون برادران خود، ۲ و زنان سالخورده را
چون مادران، و زنان جوانتر را مانند خواهران
خویش، در کمال پاکی.
۳ بیوه‌زنانی را که به راستی بیوه‌اند، احترام
کن. ٤ امّا اگر بیوه‌زنی فرزندان و نوه‌ها دارد،
نخست بیاموزند که با نگاهداری از خانواده
خویش، دینداری خود را نشان دهند و حق
اجداد خود را ادا کنند، زیرا که این در حضور
خدا پسندیده است. ٥ امّا آن که به راستی
بیوه است و بی‌کس، امیدش بر خداست و
شب و روز را به استغاثه و دعا می‌گذراند.
٦ لیکن بیوه‌زنی که عیاش است، در حالِ
حیات، نیز مرده است. ۷ به این امور نیز حکم
فرما تا بی‌ملامت باشند. ۸ اگر کسی در تامین
معاش برای خویشان و بخصوص خانواده
خود نیست، منکر ایمان و پست‌تر از بی‌ایمان
است.
۹ بیوه زنی را نامنویسی کن که کمتر از
شصت ساله نباشد و همسر یک شوهر
بوده باشد. ۱۰ که به نیکوکاری معروف باشد،
فرزندانی را تربیت کرده، مهمان‌نواز بوده
باشد، پاهای مقدسین را شسته، دردمندان را
مراقبت کرده، و خود را وقف هر نوع کار نیکو
کرده باشد.
۱۱ امّا بیوه‌زنان جوانتر را نامنویسی مکن،
زیرا که چون امیال شهوانی از مسیح دورشان
کند، خواهان ازدواج می‌شوند. ۱۲ و بدین‌گونه،
اچون ایمان نخستین خود را ترک می‌کنند،
محکومیت بر خود می‌آورند. ۱۳ علاوه بر
این، یاد می‌گیرند که تنبل بمانند و خانه
به خانه گردش کرده؛ و نه تنها تنبل، بلکه
سخن‌چین و فضول هم می‌شوند، و سخنان
ناشایسته می‌گویند. ١٤ پس رأی من این است
که بیوه‌های جوانتر شوهر کرده، فرزندان
بیاورند و کدبانو باشند و دشمن را مجال

بدگویی ندهند. ۱۵ چرا که بعضی نیز در پی
شیطان گمراه گشته‌اند.
۱۶ اگر زنی ایماندار، خویشاوندان بیوه
داشته باشد، باید ایشان را خود یاری کند و
باری بر کلیسا نگذارند تا کلیسا آنانی را که به
راستی بیوه می‌باشند، کمک کند.
۱۷ مشایخی که نیکو رهبری کرده‌اند،
شایسته حرمتی مضاعف می‌باشند، بخصوص
آنان که در موعظه و تعلیم زحمت می‌کشند.
۱۸ زیرا کتاب می‌گوید: «گاوی را که خرمن
می‌کوبد، دهان مَبَند» و «کارگر مستحق
دستمزد خویش است.» ۱۹ اتهامی بر یکی از
مشایخ مپذیر، مگر به گواهی دو یا سه شاهد.
۲۰ امّا آنان را که به گناه ادامه می‌دهند، در
حضور همه توبیخ کن تا دیگران بترسند.
۲۱ در حضور خدا و مسیح عیسی و
فرشتگان برگزیده، تو را سوگند می‌دهم که این
دستورها را بدون پیشداوری رعایت کنی و هیچ
کاری را از روی طرفداری انجام ندهی.
۲۲ در دست‌گذاشتن بر کسی عجول مباش
و در گناهان دیگران شریک مشو، بلکه خود را
پاک نگاه دار.
۲۳ دیگر فقط آب منوش، بلکه به جهت
معده خود و ناخوشی‌های مکرّرت، اندکی نیز
شراب بنوش.
۲۴ گناهان برخی آشکار است و پیشاپیش
آنها به داوری می‌شتابد، امّا گناهان برخی دیگر
بعدا ظاهر می‌شود. ۲۵ به همین سان، اعمال
نیکو آشکار است و حتی آنها را که آشکار
نیست، نتوان مخفی داشت.

۶ همه آنانی که زیر یوغ بندگی می‌باشند، باید
که اربابان خود را لایق کمال احترام بدانند
تا به نام خدا و تعلیم بد گفته نشود. ۲ آنانی
که اربابان مؤمن دارند، نباید به دلیل برادری،
ایشان را کمتر احترام کنند. بلکه باید آنان را
بهتر خدمت کنند، زیرا آنانی که از خدمت
نیکوی ایشان نفع می‌برند، ایماندار و عزیز
هستند.

## معلمین دروغین و قناعت راستین

اینها را تعلیم ده و به انجامشان ترغیب کن.
۳ اگر کسی به گونه‌ای دیگر تعلیم دهد و با
کلام صحیح خداوند ما عیسی مسیح و با تعلیم
دینداری موافق نباشد، ۴ او از غرور مست
شده است و هیچ نمی‌فهمد. او ولعی ناسالم
برای مباحثه و مجادله بر سر کلمات دارد که
از آنها حسد و نزاع و ناسزاگویی و بدگمانی،
تولید می‌شود ۵ و موجب کشمکش دائمی میان
مردمی که در عقل فاسد و از حقیقت گمراهند
و گمان می‌کنند دینداری وسیله‌ای است برای
سودجویی.
۶ امّا دینداری با قناعت، سودی عظیم
است. ۷ زیرا که به این جهان هیچ نیاوردیم
و از آن هیچ نتوانیم برد. ۸ لیکن اگر خوراک
و پوشاک داریم، با اینها قانع خواهیم بود.
۹ امّا آنانی که برای ثروت اندوختن حرص
می‌زنند، به وسوسه و به دام امیال پوچ و زیانبار
می‌افتند که مردم را در تباهی و نابودی غرق
می‌گرداند. ۱۰ زیرا پولدوستی ریشه همه بدی‌ها
است. به واسطه چنین ولعی است که بعضی از
ایمان منحرف گشته، خود را به دردهای بسیار
مجروح ساخته‌اند.

**۱۸.۵** تثنیه ۲۵: ۴ **۱۸.۵** لوقا ۱۰: ۷ **۱۹.۵** تثنیه ۱۹: ۱۵

## جنگ نیکوی ایمان را بکن

۱۱ امّا تو ای مرد خدا، از اینها بگریز، و
در پی عدالت و دینداری و ایمان و محبت
و پایداری و ملایمت باش. ۱۲ جنگ نیکوی
ایمان را بکن و آن حیات جاویدان را بدست
آور که به آن خوانده شدی و در برابر شهود
بسیار، اعتراف نیکو کردی. ۱۳ تو را در حضور
خدا سفارش می‌کنم، خدایی که همه چیز را
حیات می‌بخشد، و در حضور مسیح عیسی که
در شهادت خود نزد پُنتیوس پیلاتُس اعتراف
نیکو کرد، ۱۴ که این حکم را بی‌لکه و به دور از
ملامت نگاه داری، تا زمان ظهور خداوندمان
عیسی مسیح، ۱۵ که خدا آن را در وقت معین
به انجام خواهد رسانید، خدای متبارک که
حاکم یکتا و شاه شاهان و ربّ الارباب است.
۱۶ تنها او که ابدی است و در نوری ساکن
است که نتوان به آن نزدیک شد. او را که
هیچ‌کس ندیده و نتواند دید، تا ابد حرمت و
قدرت باد. آمین.
۱۷ ثروتمندانِ این دنیا را امر نما که متکبّر
نباشند و بر مال ناپایدار دنیا امید نبندند، بلکه
بر خدا که همه چیز را به‌فراوانی برای ما فراهم
می‌سازد تا لذت ببریم. ۱۸ آنان را امر کن که
نیکویی کنند و در کارهای خیر دولتمند بوده،
سخاوتمند و گشاده‌دست باشند. ۱۹ به این
طریق، گنجی برای خود خواهند اندوخت که
بنیادی نیکو برای آینده ایشان خواهد بود تا
حیات واقعی را به دست آورند.
۲۰ ای تیموتائوس، امانتی را که به تو سپرده
شده است، حفظ کن. از یاوه‌گویی‌ها و
عقاید مخالفی که به دروغ، معرفت نامیده
می‌شود، دوری نما، ۲۱ که برخی چون ادعای
آن کرده‌اند، از ایمان منحرف شده‌اند.
فیض با همه شما باد.

# نامه دوّم پولُس رسول به تیموتائوس

## نکاتی چند درباره نامه دوّم به تیموتائوس

نامهٔ دوّم تیموتائوس شخصی‌ترین نامه او به شمار می‌آید. در این نامه پولُس همانند پدری دل خود را به فرزند، همکار و دوست جوان خود تیموتائوس می‌گشاید و آخرین نصیحتهای لازم را به او می‌نماید، چرا که به خوبی می‌داند که عنقریب به کام مرگ خواهد افتاد. پولُس تیموتائوس را نصیحت و تشویق می‌کند که با وجود سختیها و مخالفتها، پایدار بایستد و با وفاداری به بشارت مسیح ادامه داده از بنیاد درست کتاب مقدس و تعلیم آن منحرف نشود. پولُس تیموتائوس را پند می‌دهد که در مباحثات بیهوده خود را درگیر ننماید که به جای نجات، بیشتر عامل هلاکت است.

در تمامی این نصیحتها، پولُس تیموتائوس را تشویق می‌کند که از شیوه زندگی و هدف او سرمشق گیرد. ایمان، تحمّل، پایداری، و رنجهایی که پولُس بر خود هموار می‌کرد، همه می‌توانست مشوّق تیموتائوس در انجام خدماتش باشد.

### تقسیم‌بندی کلّی

- مقدمه (۱:۱-٤)
- توجّه پولُس به وضعیت تیموتائوس (۱:۵-۱٤)
- وضعیت پولُس (۱:۱۵-۱۸)
- رهنمودهای خاص به تیموتائوس (فصل ۲)
- هشدار دربارهٔ روزهای آخر (فصل ۳)
- وداع پولُس (٤:۱-۸)
- آخرین درخواستها و تحیّت‌ها (٤:۹-۲۲)

### سلامها

۱ پولس، به اراده خدا رسول مسیح عیسی
بر طبق وعده حیاتی که در مسیح عیسی
است،
۲ به فرزند عزیزم، تیموتائوس:
فیض و رحمت و سلامتی از جانب خدای
پدر و خداوند ما مسیح عیسی بر تو باد.

### امانتی را که به تو سپرده شده، حفظ کن

۳ وقتی تو را شب و روز، پیوسته در دعاهایم
یاد می‌دارم، خدا را سپاس می‌گویم، ا وجدانی
پاک خدمتش می‌کنم، همچون پدرانم. ٤ زمانی
که اشکهای تو را به یاد می‌آورم، آرزوی دیدنت
به جانم می‌افتد تا تا از شادی لبریز شوم.
۵ ایمان بی‌ریای تو را به یاد می‌آورم که نخست
در مادربزرگت لوئیس و در مادرت یونیکی
ساکن بود، و یقین دارم که در تو نیز ساکن
است. ٦ از این جهت، به تو یادآوری می‌کنم که
آن عطای خدا را که به وسیله دست گذاشتنِ
من، بر تو است، شعله‌ور سازی. ۷ زیرا خدا به
ما روح ترس را نداده است، بلکه روح قوّت و
محبت و خویشتنداری را.

۸ پس، از شهادت خداوند ما عار مدار،
و نه از من که به سبب او زندانی می‌باشم،
بلکه در زحمات انجیل به قوّت خدا شریک
باش، ۹ که ما را نجات داد و به دعوت مقدّس
فراخواند، نه به سبب اعمال ما، بلکه به سبب
قصد و فیض شخص خود که در مسیح عیسی
از ایام ازل به ما عطا نمود، ۱۰ که اکنون
با ظهور نجات‌دهنده ما مسیح عیسی عیان
گشته است - که به واسطه انجیل، مرگ را
باطل کرد و حیات و فناناپذیری را آشکار
ساخت. ۱۱ که برای آن من واعظ و رسول و
معلّم منصوب شده‌ام. ۱۲ و از این جهت است
که این‌گونه رنج می‌کشم، امّا عار ندارم، زیرا که
می‌دانم به کِه ایمان آورده‌ام و یقین دارم که او
قادر است امانتم را تا به آن روز حفظ کند.
۱۳ در ایمان و محبتی که در مسیح عیسی
است، از آن سخنان صحیح که از من
شنیده‌ای، نمونه بگیر. ۱٤ آن امانت نیکو را که
به تو سپرده شده، به یاری روح‌القدس که در
ما ساکن است، حفظ کن.
۱۵ خبر داری که همه آنانی که در آسیا
هستند، از من روی برگردانیده‌اند، از آن
جمله، فیگِلوس و هِرموگِنِس.
۱٦ خداوند خانواده اونیسیفوروس را رحمت
عطا کند، زیرا که او بارها جان مرا تازه کرد و
از زنجیرهایم عار نداشت. ۱۷ بلکه وقتی به روم
رسید، مرا به کوشش بسیار جُست و پیدایم
کرد. ۱۸ خداوند به او عطا کند که رحمت از
خداوند بیابد در آن روز! و تو خود از خدمات
بسیار او در آفِسُس به خوبی خبر داری.

### سرباز نیکوی مسیح عیسی

۲ پس تو ای فرزندم، در فیضی که در مسیح
عیسی است قوی شو، ۲ و آنچه را که
در حضور شاهدان بسیار از من شنیدی، به
مردمان امین بسپار که قادر به تعلیم دیگران
نیز باشند. ۳ چون سربازِ نیکوی مسیح عیسی،
در تحمّل زحمات شریک باش. ٤ هیچ سربازی،
خود را گرفتار مشغولیتهای زندگی نمی‌سازد،
زیرا که در طلب خشنودی کسی است که او
را به سربازی گرفت. ۵ هیچ ورزشکار تا زمانی
که به قانون رقابت نکند، تاج پیروزی را به
دست نخواهد آورد. ٦ کسی که نصیب اول از
محصول را می‌برد، کشاورزی است که برایش
زحمت کشیده است. ۷ به آنچه می‌گویم، فکر
کن، زیرا خداوند تو را در هر چیز فهم خواهد
بخشید.
۸ عیسی مسیح را به خاطر دار که از نسل
داوود بود و از مردگان برخاست؛ چنانکه در
انجیل من موعظه می‌شود، ۹ که به‌خاطرش
در زحمتم، و چون مجرمان به زنجیر بسته
شده‌ام، امّا کلام خدا به زنجیر بسته نیست.
۱۰ پس همه چیز را به‌خاطر برگزیدگان تحمل
می‌کنم تا آنان نیز نجاتی را که در مسیح
عیساست، با جلال جاودانی به دست آورند.
۱۱ این سخن درخور اعتماد است که:

اگر با او مردیم،
با او زندگی هم خواهیم کرد.
۱۲ اگر تحمّل کنیم،
با او سلطنت هم خواهیم کرد.
اگر او را انکار کنیم،
او نیز ما را انکار خواهد کرد.
۱۳ اگر بی‌ایمان شویم،
او وفادار خواهد ماند،
زیرا که نمی‌تواند خود را انکار کند.

### خادم مقبول خدا

۱٤ اینها را به ایشان یادآور شو و در حضور
خدا هشدار ده که بر سر کلمات مجادله
نکنند، که جز تباهیِ شنوندگان ثمری ندارد.
۱۵ سخت بکوش که خود را مقبول خدا
سازی، چون خادمی که شرمسار نشود و کلام
حقیقت را به‌درستی انجام دهد. ۱٦ لیکن از
یاوه‌گویی‌های بی‌مورد بپرهیز، زیرا که شخص
را هر چه بیشتر به بی‌دینی سوق می‌دهد.
۱۷ کلام ایشان چون خوره پخش می‌شود.
هیمنائوس و فیلِتوس از آن جمله‌اند، ۱۸ که از
حقیقت منحرف گشته‌اند و می‌گویند رستاخیز
هم‌اکنون به وقوع پیوسته است و ایشان ایمان
بعضی را زیر و رو می‌کنند. ۱۹ لیکن ، بنیاد
مستحکم خدا پابرجاست و این مُهر بر آن
است که: «خداوند کسان خود را می‌شناسد،»
و «هر که نام خداوند را بخواند، از شرارت
کناره جوید.»
۲۰ در خانه‌ای بزرگ، نه تنها ظروف طلا
و نقره است، بلکه چوبی و گِلی هم؛ برخی
برای مصرف مهم، و برخی هم برای مصرف
معمولی. ۲۱ پس اگر کسی خود را از آنچه
ننگین است، پاک نگاه دارد، ظرفی خواهد بود
برای مصرف در کار مهم، ظرفی مقدّس و مفید
برای صاحبخانه و آماده برای هر کار نیکو.
۲۲ از امیال جوانی بگریز، و با آنانی که با
دلی پاک خداوند را می‌خوانند، در پی صالح
شمردگی و ایمان و محبت و سلامتی باش. ۲۳ از
مباحثات ابلهانه و جاهلانه دوری کن، چون
می‌دانی که نزاعها پدید می‌آورد. ۲٤ امّا خادم
خداوند نباید نزاع کند، بلکه با همه مهربان
باشد و قادر به تعلیم و صبور در زحمات. ۲۵ و
مخالفان خود را به‌نرمی ارشاد کند، که شاید
خدا به آنها توبه عطا فرماید تا به شناخت
حقیقت برسند ۲٦ که شاید به خود بیایند و
از دام ابلیس که ایشان را برای انجام خواسته
خود اسیر کرده است، بگریزند.

### بی‌خدایی در روزهای آخر

۳ امّا این را بدان که در روزهای آخر،
زمانهای سخت پیش خواهد آمد.
۲ زیرا که مردمان، خودپرست خواهند شد،
پولدوست، لاف‌زن، متکبر، ناسزاگو، نامطیع
والدین، ناسپاس، ناپاک، ۳ بی‌رحم، بی‌گذشت،
غیبت‌گو، بی‌بندوبار، وحشی، دشمن نیکویی،
٤ خیانتکار، بی‌مبالات و خودپسند که لذت را
بیش از خدا دوست خواهند داشت؛ ۵ که
ظاهرِ دینداری را دارند، لیکن منکر قدرت آن
می‌باشند. از چنین کسان دوری کن.
٦ زیرا از اینانند آنها که به خانه‌ها رخنه
می‌کنند و زنان ضعیف‌النفس را اسیر می‌سازند
که زیر بار گناهان خم شده‌اند و به هوسهای
گوناگون منحرف هستند، ۷ و همواره تعلیم
می‌گیرند، لیکن هرگز به شناخت حقیقت
نمی‌توانند برسند. ۸ همانطور که یَنّیس و
یَمْبْریس با موسی مخالفت کردند، این مردان
نیز که فکری فاسد و ایمانی مردود دارند، با
حقیقت مخالفت می‌کنند. ۹ امّا ایشان راه به
جایی نخواهند برد، زیرا که حماقتشان بر همه
مردم آشکار خواهد شد، چنانکه حماقت آن
دو نیز شد.

---

**۱٤.۲** در برخی از ترجمه‌ها، در حضور خداوند **۱۵.۲** منظور، کسی که بعد از امتحان، تایید می‌شود **۱۹.۲** اعداد ۵:۱٦

### تمامی کتب الهام خداست

۱۰ لیکن تو، از تعلیم و رفتار و هدف و ایمان
و صبر و محبت و تحمّل من پیروی کرده‌ای،
۱۱ و از آزارها و زحماتم، و از آنچه در آنطاکیه،
قونیه و لِستره بر من واقع شد، و آزارهایی را
که تحمّل کردم، امّا خداوند مرا از آن همه
رهانید. ۱۲ به راستی، همه کسانی که بخواهند
در مسیح عیسی به دینداری زیست کنند، آزار
خواهند دید؛ ۱۳ امّا مردمان شریر و شیّادان
در بدی پیش خواهند رفت؛ فریب خواهند
داد و فریب خواهند خورد. ۱٤ امّا تو در آنچه
آموخته و ایمان آورده‌ای، پایدار باش، زیرا که
می‌دانی آنها را از چه کسان آموخته‌ای، ۱۵ و
چگونه از کودکی کتب مقدّس را دانسته‌ای
که می‌تواند تو را حکمت آموزد برای نجات
از طریق ایمان که در مسیح عیسی است.
۱٦ تمامی کتب الهام خداست و برای تعلیم و
تأدیب و اصلاح و تربیت در صالح شمردگی
مفید است، ۱۷ تا مرد خدا کامل و برای هر
کار نیکو مجهز باشد.

### کلام را وعظ کن

٤ تو را در حضور خدا و مسیح عیسی که
بر زندگان و مردگان داوری خواهد کرد، و
به ظهور او و پادشاهی‌اش، قسم می‌دهم که:
۲ کلام را موعظه کنی و در هر فرصتی آماده
باشی و با صبر کامل و تعلیم، به اصلاح و
توبیخ و تشویق بپردازی. ۳ زیرا زمانی خواهد
آمد که مردم تعلیم صحیح را تحمّل نخواهند
کرد، بلکه خارش گوشها داشته، بنا به شهوات
خویش، معلّمان بسیار گِرد خود خواهند آورد،
٤ و از گوش دادن به حقیقت رویگردان شده،
به سوی افسانه‌ها خواهند گرایید. ۵ امّا تو در
همه حال هشیار باش؛ سختی‌ها را تحمّل کن؛
کار مبشّر را انجام ده و خدمت خود را به انجام
برسان.
٦ زیرا من، هم‌اکنون، چون هدیه‌ای ریختنی،
در حال ریخته شدنم و زمان رحلتم رسیده
است. ۷ جنگِ نیکو را جنگیده‌ام، مسابقه را به
پایان رسانده، ایمان را محفوظ داشته‌ام. ۸ از
این به بعد تاج عدالت برایم آماده است که
خداوند، آن داور عادل، در آن روز به من عطا
خواهد کرد - و نه تنها به من، بلکه به همه
آنانی هم که ظهور او را دوست داشته‌اند.

### سفارشهای شخصی

۹ سعی کن که زودتر نزد من بیایی. ۱۰ زیرا
دیماس به سبب محبت این دنیا مرا ترک
کرده و به تسالونیکی رفته است. کریسکیس به
غَلاطیه و تیتوس به دَلماتیه رفته. ۱۱ تنها لوقا
با من است. مَرقُس را بردار و با خود بیاور، زیرا
مرا برای خدمت مفید است. ۱۲ تیخیکوس را
به اَفِسُس فرستاده‌ام. ۱۳ هنگام آمدنت، ردایی
را که در تروآس نزد کارپوس گذاشتم، با خود
بیاور، و نیز کتب را و بخصوص نوشته‌های
پوستین را.
۱٤ اسکندر مِسگر، با من بسیار بدی‌ها کرد.
خداوند سزای کارهایش را به او خواهد داد.
۱۵ تو نیز از او برحذر باش، زیرا با پیام ما
سخت مخالفت کرد.
۱٦ در نخستین دفاع من، هیچ‌کس نیامد تا
از من پشتیبانی کند، بلکه همه مرا ترک کردند.
باشد که این بر علیه‌شان نوشته نشود. ۱۷ امّا
خداوند در کنار من ایستاد و مرا تقویت نمود
تا کلام به وسیله من کلام به شکل کامل اعلان
شود و همه غیریهودیان آن را بشنوند. پس، از
دهان شیر رهایی یافتم. ۱۸ خداوند مرا از هر
عمل شریرانه خواهد رهانید و مرا به پادشاهی

آسمانی خود به سلامت خواهد آورد. جلال بر
او باد تا ابدالآباد. آمین!

## درودهای نهایی

[19] سلام مرا به پریسکا و آکیلا و خانواده
اونیسیفوروس برسان. [20] اِراستوس در قُرِنتُس
ماند، و من تروفیموس را که بیمار بود، در
میلیتوس جا گذاشتم. [21] سعی کن که پیش
از زمستان بیایی. یوبولوس برای تو سلام
می‌فرستد، و نیز پودِنس، لینوس، کْلودیا و همه
برادران.
[22] خداوند با روح تو باشد. فیض با تو باد.

**١٩.٤** همان، پریسکیلا

# نامه پولُس رسول به تیتُس

## نکاتی چند درباره نامه به تیتُس

تیتُس از زمینهٔ غیریهودی به مسیح ایمان آورده بود و جزو همکاران بشارتی پولُس به شمار می‌رفت و از جانب او مسئولیت نظارت کلیسای جزیره کُرِت را بر عهده داشت.
پولُس در این نامه ابتدا به خصوصیات لازم برای رهبری در کلیسا اشاره می‌کند و پس از آن به تیتُس توصیه می‌کند که قشرهای مختلف کلیسا را چگونه تعلیم دهد. لزوم حفظ آرامش و روحیه همکاری و همچنین دوری از دشمنی و مجادله و چند دستگی از دیگر مطالبی است که پولُس در این رساله بر آن تأکید می‌ورزد.

### تقسیم‌بندی کلّی

- مقدمه (۱:۱-٤)
- رهبران و معلّمان کلیسا (۱:۵-۱٦)
- تعلیم به قشرهای مختلف در کلیسا (فصل ۲)
- راهنمایی‌های عمومی (۳:۱-۱۱)
- بخش پایانی (۳:۱۲-۱۵)

### سلامها

۱ پولس، غلام خدا و رسول عیسی
مسیح، به جهت ایمان برگزیدگان خدا
و شناختشان از آن حقیقت که منطبق بر
دینداری است، ۲ و به امید حیات جاودانی که
خدایی که هرگز دروغ نمی‌گوید، از ایام ازل
وعده آن را داد ۳ و در زمان مقرر، کلام خود
را آشکار ساخت، به واسطه موعظه‌ای که به
حکم نجات‌دهنده ما خدا به من سپرده شد،
٤ به تیتوس، فرزند حقیقی‌ام در ایمانی
مشترک:
فیض و سلامتی از جانب خدای پدر و
نجات‌دهنده ما عیسی مسیح بر تو باد.

### مشخصات مشایخ

۵ به این سبب تو را در کرِت واگذاشتم تا
آنچه را که باقیمانده، مرتّب کنی و چنانکه
تو را امر کردم، در هر شهر مشایخ بگماری
- ٦ اگر کسی بی‌ملامت است، شوهرِ یک زن،
و فرزندانش با ایمانند، و بر او اتهامِ عیاشی
و سرکشی نیست. ۷ زیرا که ناظر چون مباشر
خدا، باید بی‌ملامت باشد، نه خودرأی، یا
تندخو، یا میگسار، یا خشن، یا در پی منافع
نامشروع، ۸ بلکه میهمان‌نواز، و خیرخواه، و
خویشتندار، و صالح، و مقدّس، و منظبط؛
۹ و پایدار بر کلام امین که تعلیم داده شده
است تا بتواند به تعلیم صحیح نصیحت کند
و نیز مخالفان را توبیخ نماید.

---

**۷.۱** یا، اسقف

۱۰ زیرا گردنکشان و یاوه‌گویان و فریبکاران
بسیارند، بخصوص آنانی که از اهل ختنه
هستند، ۱۱ که دهانشان را باید بست، زیرا
خانواده‌ها را به کلی به تعلیم تباه می‌سازند و
برای کسب منافع نامشروع، تعالیم ناشایسته
می‌دهند. ۱۲ یکی از انبیای خودشان گفته
است: «کرِتیان همیشه دروغگو، وحوش
شریر، شکم‌پرستانِ تن‌پرورند.» ۱۳ این شهادت
راست است. پس آنان را سخت توبیخ
کن تا در ایمان، صحیح باشند ۱۴ و خود
را به افسانه‌های یهود و احکامِ مردمانی
که از حقیقت منحرف شده‌اند، نسپارند.
۱۵ برای پاکان، همه چیز پاک است، امّا برای
آلودگان و بی‌ایمانان، هیچ چیز پاک نیست،
بلکه هم فکرشان و هم وجدانشان آلوده
است. ۱۶ ادّعای خداشناسی می‌کنند، امّا با
اعمال‌شان او را انکار می‌نمایند. نفرت‌انگیزند
و نامطیع و نامناسب برای هر کار نیکو.

## تعلیم صحیح

۲ امّا تو آنچه را که مطابق تعلیم صحیح
است، یاد بده. ۲ مردان سالخورده باید
هوشیار باشند، با وقار، خویشتندار، و در
ایمان و محبت و پایداری، استوار.
۳ همچنین، زنان سالخورده باید رفتاری
محترمانه داشته باشند، نه غیبت‌گو یا بنده
شراب، بلکه باید آنچه را که نیکوست،
تعلیم دهند ۴ تا زنان جوانتر را تربیت کنند
که شوهردوست و فرزنددوست باشند ۵ و
خویشتندار و عفیف و خانه‌دار و مهربان و
تسلیمِ شوهران خود، تا کلام خدا بد گفته
نشود.
۶ مردان جوان را نیز نصیحت کن تا
خویشتندار باشند. ۷ خود در همه چیز نمونه
اعمال نیکو باش، و در تعلیم خود صداقت
و جدیّت را نشان ده ۸ و گفتار صحیح را
که نتوان مذمّت کرد، تا دشمن خجل شده
فرصت بد گفتن از ما نیابد.
۹ غلامان را بیاموز که در هر چیز تسلیم
اربابانشان باشند و آنها را خشنود سازند و
جرّ و بحث نکنند ۱۰ و دزدی ننمایند، بلکه
کمال ایمان را نشان دهند تا در هر چیز تعلیم
نجات‌دهنده ما خدا را زینت بخشند.
۱۱ زیرا فیض خدا ظاهر شده، نجات را برای
همه مردم آورده است ۱۲ و به ما می‌آموزد
که بی‌دینی و امیال دنیوی را ترک گفته،
با خویشتنداری و درستکاری و دینداری در
این دنیا زیست کنیم ۱۳ و منتظر آن امید
مبارک‌مان هستیم، یعنی ظهور جلال خدای
عظیم و نجات‌دهنده خویش عیسی مسیح،
۱۴ که خود را فدای ما ساخت تا از هر شرارت
رهایی‌مان بخشد و قومی برای خود طاهر سازد
که از آنِ او باشند و غیور برای کار نیکو.
۱۵ اینها را بگو، و با کمال اقتدار تشویق و
توبیخ کن، و مگذار کسی تو را حقیر شمارد.

## برای هر کار نیک آماده باش

۳ به ایشان یادآوری کن که تسلیم حکمرانان
و صاحبمنصبان باشند و اطاعت کنند،
و آماده برای هر کار نیک آماده؛ ۲ هیچ‌کس را
ناسزا نگویند و از نزاع دوری کنند، ملایم باشند
و با همه مردم به کمال ادب رفتار کنند.
۳ زیرا ما نیز زمانی نادان و نامطیع بودیم و
گمراه و بنده انواع امیال و لذتها؛ و روزهایمان
را در کینه و حسد می‌گذراندیم. منفور بودیم و

**۱۲.۱** احتمالا این گفته به نقل از اِپیمِنادوس از اهل کرِت می‌باشد.

متنفر از یکدیگر. ٤ امّا وقتی نیکویی و مهربانی
نجات‌دهنده ما خدا آشکار شد، ٥ ما را نه به
سبب کارهایی که در نیکویی انجام داده بودیم،
بلکه به سبب رحمت خویش نجات بخشید،
به غسل تولد تازه و تازگی‌ای که از روح‌القدس
است؛ ٦ که او را به‌فراوانی بر ما جاری کرد،
از طریق منجی ما عیسی مسیح، ۷ تا به فیض
او صالح شمرده شده، وارثان گردیم بر حسب
امید حیات جاودانی. ۸ این سخن قابل اعتماد
است. و از تو می‌خواهم که بر این امور تأکید
کنی، تا آنانی که به خدا ایمان آوردند، مراقب
باشند که خویشتن را به کارهای نیکو وقف
کنند، زیرا که اینها برای انسان نیکو و سودمند
است.
۹ امّا از مباحثات نابخردانه و تبارنامه‌ها و
مناقشات و نزاعهایی که در رابطه با شریعت
است، اجتناب کن، زیرا بی‌فایده و بی‌ارزشند.
۱۰ به کسی‌که عامل تفرقه است یک بار، و
سپس دوّمین بار هشدار ده، و پس از آن، از
او دوری کن . ۱۱ چون می‌دانی که چنین شخص
منحرف و گناهکار است و خود، خویشتن را
محکوم کرده است.

## نصایح پایانی

۱۲ وقتی آرتِماس یا تیخیکوس را نزد تو
بفرستم، سعی کن که نزد من به نیکوپولیس
بیایی، زیرا تصمیم گرفته‌ام که زمستان را در
آنجا به سر برم. ۱۳ به سعی تمام، زیناسِ وکیل
و آپولس را در سفرشان کمک کن تا محتاج
چیزی نباشند. ١٤ بگذار افراد ما بیاموزند که
خود را وقف کارهای نیکو کنند تا برای رفع
نیازهای ضروری یاری دهند و بی‌ثمر نباشند.
١٥ همه کسانی که با من هستند، تو را سلام
می‌رسانند. به آنانی که ما را در ایمان دوست
می‌دارند، سلام برسان.
فیض با همه شما باد.

# نامه پولُس رسول به فِلیمُون

## نکاتی چند درباره نامه به فِلیمُون

فِلیمُون مسیحی سرشناس در کلیسای شهر کولُسی بود. برده فراری او اونیسیموس با پولُس که در این زمان در روم به زندان بود، آشنا می‌گردد و به مسیح ایمان می‌آورد. پولُس اونیسیموس را با این نامه به نزد ارباب خود می‌فرستد و از او استدعا دارد که برده فراری خود را ببخشد و او را دیگر نه چون برده، بلکه چون برادر مسیحی بپذیرد.

### تقسیم‌بندی کلّی

- مقدمه (۱-۳)
- شکرگزاری برای فِلیمون (٤-۷)
- درخواست پولُس درخصوص اونیسیموس (۸-۲۱)
- بخش پایانی (۲۳-۲۵)

### سلامها

۱ پولس، زندانی مسیح عیسی، و
تیموتائوس، برادر ما،
به فیلیمون عزیز و همکار ما ۲ به خواهر ما
آپفیا و همرزم ما آرخیپوس، و به کلیسایی که
در خانه‌ات می‌باشد:
۳ فیض و سلامتی از جانب خدا، پدر ما، و
خداوندْ عیسی مسیح بر شما باد.

### محبت و ایمان فیلیمون

٤ خدای خود را شکر می‌کنم و همواره تو
را در دعاهایم به یاد می‌آورم، ٥ زیرا وصف
ایمانت را به خداوند عیسی و محبتی را که به
همه مقدسین داری، می‌شنوم. ٦ و دعا می‌کنم
که آنچه را که بر اساس ایمانت با دیگران
شریک می‌شوی مؤثر باشد در شناخت کامل
هر نیکویی که در ما به سبب مسیح است.
۷ زیرا محبت تو مرا بسیار شاد و دلگرم کرده
است، چرا که ای برادر، دلهای مقدسین از تو
طراوت و تازگی یافته است.

### استدعای پولس دربارهٔ اونیسیموس

۸ از این رو، هرچند در مسیح این جرئت را
دارم که تو را به انجام آنچه ضروری است،
حکم کنم، ۹ لیکن به سبب محبت ترجیح
می‌دهم که استدعا کنم. من، پولس، مردِ پیر
و اکنون به خاطر مسیح عیسی زندانی، ۱۰ از
تو استدعایی دارم درباره فرزندم اونِسیموس که
در زندان او را پدر شدم. ۱۱ او در گذشته برای
تو بی‌فایده بود، امّا اکنون به راستی که تو را و
مرا مفید است.
۱۲ او را که جانِ من است، نزد تو باز
می‌فرستم. ۱۳ شاد می‌شدم که او را نزد خود
نگاه می‌داشتم تا در مدتی که برای انجیل زندانی
هستم، مرا به عوض تو خدمت کند. ۱٤ امّا
نخواستم کاری بدون رضایت تو کرده باشم،

---

**۱۰.۱** اونِسیموس، یعنی مفید

تا نیکویی تو از روی اجبار نباشد، بلکه از روی
میل. ۱۵ زیرا که شاید به این دلیل مدّتی از تو
جدا شد تا برای همیشه نزدت برگردد. ۱۶ امّا
دیگر نه چون غلام، بلکه بالاتر از آن، چون
برادری عزیز، بخصوص مرا، امّا تو را به مراتب
بیشتر، هم در جسم و هم در خداوند.
۱۷ پس اگر مرا رفیق خود می‌دانی، او را
همان‌گونه بپذیر که مرا می‌پذیری. ۱۸ اگر
خطایی به تو کرده، یا چیزی به تو بدهکار
است، آن را به حساب من بگذار. ۱۹ من،
پولس، این را به دست خود می‌نویسم: من آن را
جبران خواهم کرد - نیازی به گفتن نیست که
تو جان خود را نیز به من مدیونی. ۲۰ آری ای
برادر، می‌خواهم در خداوند نفعی از تو به من
برسد؛ پس جان مرا در مسیح تازه ساز. ۲۱ این
را می‌نویسم چون از اطاعت تو اطمینان دارم
و می‌دانم حتی بیش از آنچه می‌گویم، خواهی
کرد.
۲۲ در ضمن، اتاقی برایم مهیا کن، زیرا امید
دارم به سبب دعاهایتان به شما بخشیده شوم.

## سلامهای پایانی

۲۳ اِپافراس، همزندانی من در مسیح عیسی،
تو را سلام می‌فرستد. ۲۴ همچنین همکارانم،
مَرقُس، آریستارخوس، دیماس و لوقا تو را
سلام می‌گویند.
۲۵ فیض خداوندْ عیسی مسیح با روح شما
باد.

# نامه به عبرانیان

## نکاتی چند درباره نامه به عبرانیان

نامه به عبرانیان خطاب به مسیحیانی بود که از زمینه یهودی به مسیح ایمان آورده بودند و به علّت نداشتن تعلیم کافی در مورد شخصیت، مقام و کار عیسی مسیح در این خطر بودند که به بدعتها کشیده شوند و یا باز به باورهای یهودی خود برگردند. به همین دلیل هم نویسنده در همان آغاز مشخص می‌کند که عیسی مکاشفهٔ حقیقی و نهایی خداست. و پس از آن است که برتری او را بر فرشتگان و موسی و کهانت یهود ثابت می‌نماید. نویسنده در این رساله به تأکید عیسی را پسر ازلی و ابدی معرفی می‌کند و همین مقام هم او را برتر از انبیای عهد عتیق و فرشتگان و موسی قرار می‌دهد. نویسنده عیسی را کاهنی ابدی اعلان می‌کند و از این رو نیز کهانت او را برتر از کهانت کاهنان عهد عتیق می‌شمارد. در این رساله نویسنده به قوت اظهار می‌کند که رهانندهٔ مؤمنین از گناه و ترس و مرگ همین عیسی است و در مقام کاهن اعظم ابدی، نجات و رستگاری حقیقی را برای آنان به ارمغان می‌آورد. نویسنده سیستم قربانی‌های عهد عتیق را دیگر بی‌اعتبار می‌خواند، چراکه نظام قربانیها و مراسم دینی یهود، تنها سایه‌ای از این نجات عظیم بوده است.

در فصل یازده این رساله با لیستی بلند از شخصیتهای تاریخ قوم اسرائیل هستیم که همگی صرفاً از طریق ایمان به عادل‌شمردگی دست یافته‌اند. از این رو، خواننده باید تشویق گردد که علیرغم هرگونه شرایط سخت در ایمان خود پایدار و استوار بماند.

### تقسیم‌بندی کلّی

- مقدمه: مسیح، مکاشفه کامل خدا (۱:۱-۳)
- برتری مسیح بر فرشتگان (۱:٤ تا ۲:۱۸)
- برتری مسیح بر موسی و یوشَع (۳:۱ تا ٤:۱۳)
- برتری کهانت مسیح (٤:١٤ تا ۷:۲۸)
- برتری عهد مسیح (۸:۱ تا ۹:۲۸)
- برتری قربانی مسیح (۱۰:۱-۳۹)
- اهمیّت ایمان (۱۱:۱ تا ۱۲:۲۹)
- نصایح و بخش پایانی (۱۳:۱-۲۵)

### برتری پسر خدا

۱ در گذشته، خدا بارها و از راههای گوناگون به واسطه پیامبران با پدران ما سخن گفت، [۲] امّا در این ایام آخر به واسطه پسر خود با ما سخن گفته است، که او را وارث همه چیز مقرر کرد و به واسطه او جهان را آفرید. [۳] او فروغِ جلالِ خدا و مظهر کامل ذات اوست، و کائنات را به واسطه کلمه قوّت خود نگاه می‌دارد و پس از اتمام پاکی گناهان، به دست راست کبریا در عرش برین بنشست.

۴ پس به همان اندازه که برتر از فرشتگان
گردیده، نامی والاتر از آنها را نیز به میراث یافته
است.
۵ زیرا خدا تا کنون به کدام‌یک از فرشتگان
گفته است:
«تو پسر من هستی؛
امروز من تو را مولود ساخته‌ام»؟
و یا:
«من او را پدر خواهم بود،
و او مرا پسر»؟
۶ و هنگامی که نخست‌زاده را باز به جهان
می‌آورَد، می‌فرماید:
«همه فرشتگان خدا او را بپرستند.»
۷ و درباره فرشتگان می‌گوید:
«فرشتگانش را بادها می‌سازد،
و خادمانش را شعله‌های آتش.»
۸ امّا درباره پسر می‌گوید:
«ای خدا، تخت تو تا ابدالآباد است؛
و عصای پادشاهی تو
عصای راستی است.
۹ تو عدالت را دوست می‌داری
و شرارت را نفرت؛
از این رو خدا، خدای تو،
تو را بیش از رفقایت
به روغن شادمانی مسح کرده است.»
۱۰ و نیز می‌فرماید:
«تو، ای خداوند، در آغاز،
بنیاد زمین را نهادی،
و آسمانها صنعت دستهای توست!
۱۱ آنها نابود می‌شوند، امّا تو برجا می‌مانی!
آنها همه چون جامه،
مندرس خواهند شد!
۱۲ و مانند ردایی آنها را خواهی پیچید،
و مثل جامه‌ای تغییر خواهند کرد.
امّا تو همان هستی،
و سالهای تو را انتها نیست!»
۱۳ و تا کنون به کدام‌یک از فرشتگان گفته
است:
«به دست راست من بنشین
تا آن هنگام که دشمنانت را
کرسی زیر پایت سازم»؟
۱۴ مگر همگی آنها روحهای خدمتگزار نیستند
که برای خدمت آنانی فرستاده می‌شوند که
وارث نجات خواهند شد؟

### هشدار برعلیه غافل شدن از نجات

۲ پس می‌بایست که به آنچه شنیده‌ایم با
دقتِ بیشتر توجه کنیم، مبادا از آن
منحرف شویم. ۲ زیرا از آنجا که پیامی که به
واسطه فرشتگان اعلان شد، اعتبارش ثابت
گردید و هر سرپیچی و نافرمانی جزایی برحق
یافت، ۳ پس ما چگونه بگریزیم اگر از چنین
نجاتی عظیم غفلت کنیم؟ که در آغاز به
واسطه خداوند اعلان شد و سپس توسط
آنانی که شنیدند بر ما ثابت گردید، ۴ در حالی
که خدا نیز بر آن گواهی می‌داد، با نشانه‌ها
و عجایب و معجزات گوناگون، و عطایای
روح‌القدس، که آنها را بنا به اراده خود تقسیم
می‌کرد.

### بنیانگزار نجات

۵ زیرا جهان آینده را که از آن سخن
می‌گوییم، مطیع فرشتگان قرار نداد. ۶ بلکه در
جایی شهادت داده، گفت:

**۵.۱** مزمور ۲: ۷ **۵.۱** ۲سموئیل ۷: ۱۴ و ۱تواریخ ۱۷: ۱۳ **۷.۱** مزمور ۱۰۴: ۴ **۹.۱** مزمور ۴۵: ۶ و ۷
**۱۲.۱** مزمور ۱۰۲: ۲۵-۲۷ **۱۳.۱** مزمور ۱۱۰: ۱

«انسان چیست که او را به یاد آوری،
و بنی‌آدم، که در اندیشه‌اش باشی؟
۷ برای اندک زمانی، او را کمتر از فرشتگان
ساختی،
و تاج جلال و اکرام را بر سرش نهادی
۸ و همه چیز را زیر پاهای او قرار دادی.»
پس با قرار دادن همه چیز در اطاعت او،
چیزی باقی نگذاشت که مطیع وی نباشد. امّا
در حال حاضر، هنوز نمی‌بینیم که همه چیز
تحت اطاعت او باشد. ۹ امّا او را می‌بینیم
که برای اندک‌زمانی، پایینتر از فرشتگان قرار
گرفت، یعنی عیسی را که به سبب عذابِ
مرگ، تاج جلال و اکرام بر سرش نهاده شد
تا به وسیله فیض خدا، طعم مرگ را برای همه
انسانها بچشد.
۱۰ زیرا به‌جا بود او که همه چیز برای او و به
واسطه او موجودیت دارد، برای اینکه پسران
بسیار را به جلال برساند، بنیانگزار نجات
ایشان را به دردها کامل گرداند. ۱۱ زیرا او که
مقدّس می‌سازد و آنانی که مقدّس می‌شوند،
همه از یک تبارند. از این جهت، او عار ندارد
ایشان را برادر بخواند. ۱۲ چنانکه می‌گوید:
«نام تو را به برادرانم اعلان خواهم کرد؛
و در میان جماعت،
حمد تو را خواهم سرایید.»
۱۳ و همچنین:
«من بر او توکل خواهم کرد.»
و باز:
«اینک من، و فرزندانی که
خدا به من داده است.»
۱۴ پس چون فرزندان در جسم و خون
شریک هستند، او خود نیز در اینها شریک شد
تا به واسطه مرگ، صاحب قدرت مرگ یعنی
ابلیس را نابود سازد، ۱۵ و همه آنانی را که به
جهت ترسِ از مرگ تمامی عمر خود را در بندگی
بودند، آزاد نماید. ۱۶ بی‌شک فرشتگان نیستند
که او کمکشان می‌کند، بلکه نسل ابراهیم را
یاری می‌دهد. ۱۷ از این جهت، لازم می‌بود از هر
حیث مشابه برادران خود شود، تا بتواند چون
کاهنِ اعظمِ رحیم و امین، در خدمت خدا
باشد و برای گناهان قوم کفّاره نماید. ۱۸ از
آنجا که او خود هنگامی که امتحان شد، رنج
کشید، قادر است آنان را که امتحان می‌شوند،
یاری نماید.

## برتری عیسی بر موسی

۳ بنابراین، ای برادران مقدّس که در دعوت
آسمانی شریک هستید، در رسول و
کاهنِ اعظمِ اعترافِ ما، یعنی عیسی به دقّت
بیندیشید. ۲ که به او که وی را معین کرد
امین بود، چنانکه موسی نیز در تمام خانه
خدا امین بود. ۳ زیرا که عیسی لایق حرمتی
بیشتر از موسی شمرده شد به آن اندازه‌ای که
حرمت سازنده خانه از خودِ خانه بیشتر است.
۴ زیرا هر خانه‌ای به دست کسی بنا می‌شود،
امّا سازنده همه چیز خداست. ۵ موسی مثل
خادم در تمام خانه خدا امین بود تا بر آنچه
می‌بایست در آینده گفته شود، شهادت دهد.
۶ امّا مسیح، امین است مثل پسر بر خانه خدا.
و خانه او ما هستیم، به شرطی که در اعتماد
و فخر امیدمان به راستی پایدار بمانیم.

---

**۷.۲** در برخی از نسخ، اضافه می‌کنند: "و او را بر کارهای دستهای خود گماشتی" **۸.۲** مزمور ۸: ٤-٦ **۱۲.۲** مزمور ۲۲:۲۲ **۱۳.۲** اشعیا ۸: ۱۷ **۱۳.۲** اشعیا ۸: ۱۸ **۲.۳** در متن یونانی، خانه او **٦.۳** در برخی از نسخ، اضافه می‌کنند: "تا به آخر"

## آرامی برای قوم خدا

۷ پس چنانکه روح‌القدس می‌فرماید:
«امروز، اگر صدای او را می‌شنوید،
۸ دل خود را سخت مسازید،
چنانکه در زمان سرکشی،
در روز امتحان در بیابان.
۹ جایی‌که پدران شما مرا امتحان کردند،
و به مدّت چهل سال
کارهای مرا دیدند.
۱۰ به همین سبب،
از آن نسل خشمگین بودم
و گفتم: "ایشان همواره در دل خود
به گمراهی می‌روند،
و راههای مرا نشناخته‌اند؛"
۱۱ چنانکه در خشم خود قسم خوردم
که به آرامی من داخل نخواهند شد.»

۱۲ ای برادران، هوشیار باشید مبادا در یکی از شما دل شریر و بی‌ایمان باشد که از خدای زنده رویگردان شود. ۱۳ بلکه هر روزه یکدیگر را پند دهید، تا آن زمان که "امروز" خوانده می‌شود، کسی از شما به وسیله فریب گناه، سختدل نشود. ۱٤ زیرا که در مسیح شریک شده‌ایم، به شرطی که اطمینانِ نخستین خود را تا به آخر محکم نگاه داریم. ۱٥ چنانکه گفته شد:

«امروز، اگر صدای او را می‌شنوید،
دل خود را سخت مسازید،
چنانکه در زمان سرکشی کردید.»

۱٦ پس آنان که شنیدند و با وجود آن سرپیچی کردند، چه کسانی بودند؟ مگر همه آنانی نبودند که موسی از مصر بیرون آورد؟ ۱۷ و از چه کسانی چهل سال خشمگین بود؟ مگر نه آنان که گناه کردند و اجسادشان در بیابان افتاد؟ ۱۸ و درباره چه کسانی قسم خورد که به آرامی او داخل نخواهند شد؟ مگر نه آنانی که نافرمانی کردند؟ ۱۹ پس می‌بینیم که به سبب بی‌ایمانی نتوانستند داخل شوند.

٤ پس بترسیم مبادا با اینکه وعده ورود به آرامی او هنوز باقیست، آشکار شود که احدی از شما، از دست یافتن به آن بازمانده است. ۲ زیرا به ما نیز چون ایشان بشارت داده شد. امّا پیامی که شنیدند، سودی برایشان نداشت، زیرا با آنانی که گوش دادند، به ایمان متحد نشدند. ۳ ولی ما که ایمان آورده‌ایم، به آن آرامی داخل می‌شویم. چنانکه گفته است:

«پس در خشم خود قسم خوردم
که به آرامی من داخل نخواهند شد،»

هرچند، کارهای او از آفرینش جهان به پایان رسیده بود؛ ٤ زیرا در جایی درباره روز هفتم گفته است که: «خدا در روز هفتم، از همه کارهای خویش آرامی گرفت.» ٥ و باز در این مورد گفت: «به آرامی من داخل نخواهند شد.»

٦ پس، چون هنوز این حقیقت به قوت خود باقی است که بعضی داخل می‌شوند، و آنانی‌که پیشتر بشارت یافتند، به سبب نافرمانی داخل نشدند، ۷ پس او بار دیگر روزی معین فرمود، چنانکه به زبان داوود، پس از گذشت سالهای بسیار، 'امروز' گفت به سخنانی که پیشتر بازگو شد، که:

«امروز، اگر صدای او را می‌شنوید،
دل خود را سخت مسازید.»

٨ زیرا اگر یوشع به آنها آرامی داده بود، خدا
بعدها، از روزی دیگر سخن نمی‌گفت. ٩ پس
برای قوم خدا هنوز آرامی سبّت باقی می‌ماند.
١٠ زیرا هر کس که به آرامی خدا داخل شده
است، نیز از کارهای خود آرامی می‌یابد، چنانکه
خدا از کارهای خود آرامی یافت. ١١ بنابراین، به
سعی تمام بکوشیم که به آن آرامی داخل شویم،
تا مباد کسی به سبب همان نوع نافرمانی،
نلغزد.
١٢ زیرا کلام خدا زنده و مؤثر است و بُرنده‌تر
از هر شمشیر دو دم و فرورونده که نَفْس
و روح و مفاصل و مغزِ استخوان را نیز جدا
می‌کند، و تشخیص دهنده افکار و نیّتهای دل
است. ١٣ هیچ مخلوق از نظر او نهان نیست،
بلکه همه چیز در برابر چشمان وی که باید به
او حساب دهیم، عریان و آشکار است.

## عیسی، رئیس کاهن اعظم

١٤ پس چون رئیس کاهن اعظمی داریم که
از آسمانها درگذشته است، یعنی عیسی پسر
خدا، بیایید اعتراف خود را محکم بداریم.
١٥ زیرا کاهن اعظمی نداریم که نتواند با
ضعفهای ما همدردی کند، بلکه کسی که
از هر جهت وسوسه شده همچون ما، لیکن
بدون گناه. ١٦ پس با اعتماد به تخت فیض
نزدیک شویم تا رحمت بیابیم و فیضی را
حاصل کنیم که به هنگام نیاز ما را یاری کند.

٥ زیرا هر کاهن اعظم از میان آدمیان
انتخاب می‌شود و به نمایندگیِ آدمیان در
امور الهی منصوب می‌گردد تا هدایا و قربانی‌ها
به جهت گناهان تقدیم کند. ٢ او می‌تواند با
جاهلان و سرکشان، به نرمی رفتار نماید، زیرا
خود نیز به ضعف دچار است. ٣ از همین رو،
او می‌بایست نه تنها برای گناهان مردم، بلکه
برای گناهان خود نیز قربانی تقدیم کند.
٤ هیچ‌کس خود، این افتخار را از آنِ
خویش نمی‌سازد، بلکه فقط آنانی که آنها را
خدا خوانده است، درست همانند هارون.
٥ همچنین مسیح نیز خود را جلال نداد که
کاهنی اعظم بشود، بلکه توسط همان کسی
منصوب شد که به او گفت:

«تو پسر من هستی؛
امروز، من تو را مولود ساخته‌ام.»

٦ و نیز در جای دیگر می‌گوید:

«تو تا به ابد کاهن هستی،
در رتبه مِلکیصِدِق.»

٧ عیسی در ایام بشریّت خود، با فریادهای
بلند و اشکها به درگاه او که به رهانیدنش از
مرگ قادر بود، دعا و استغاثه کرد و به‌سبب
حرمتش مستجاب شد. ٨ هرچند پسر بود،
با رنجی که کشید، اطاعت را آموخت. ٩ و
چون کامل شد، همه آنان را که از او اطاعت
می‌کنند، منشاء نجات ابدی گشت. ١٠ و از
جانب خدا تعیین شد تا کاهن اعظم باشد، به
مرتبه مِلکیصِدِق.

## هشدار درباره سقوط از ایمان

١١ در این باره، سخنان بسیار برای گفتن
داریم، که شرح آنها دشوار است، چون‌که
گوشهای شما سنگین شده است. ١٢ زیرا
هرچند که تا این وقت، شما می‌بایست معلّمان
باشید، لیکن هنوز نیاز دارید که کسی اصول
ابتدایی کلام خدا را باز به شما تعلیم دهد. شما
محتاج شیر هستید، نه غذای مقوّی! ١٣ زیرا
هر که شیرخواره است، در کلام صالح شمردگی
ناآزموده است، چونکه کودک است. ١٤ امّا

**٨.٤** در متن یونانی، او **٥.٥** مزمور ٢: ٧ **٦.٥** مزمور ١١٠:٤ **٧.٥** در متن یونانی، او

غذای مقوّی از آنِ بالغان است که با تمرین مداوم، خود را تربیت کرده‌اند که خوب را از بد تشخیص دهند.

٦ بنابراین، تعالیم ابتدایی مسیح را پشت سر گذاشته، به سوی کمال پیش رویم، و بار دیگر بنیاد توبه از اعمال مرده و ایمان به خدا، ٢ و تعلیم درباره تعمیدها، و دستگذاری‌ها، و رستاخیز مردگان و داوری ابدی را ننهیم. ٣ و چنین نیز خواهیم کرد، اگر خدا اجازه دهد.

٤ زیرا آنانی که یک بار منوّر گشتند و طعم آن موهبت آسمانی را چشیدند و در روح‌القدس سهیم شدند ٥ و طعم نیکوییِ کلام خدا و قوّات عالمِ آینده را چشیدند، ٦ اگر بیفتند، غیر ممکن است ایشان را بار دیگر به توبه بازگرداند، زیرا به زیان خویش، پسر خدا را باز مصلوب می‌کنند و او را در مقابل همه بی‌حرمت می‌سازند.

٧ زیرا زمین، بارانی را که اغلب بر آن می‌بارد، جذب می‌کند و محصول مفید برای کسانی که به خاطر آنها کِشت شده است، بار می‌آورَد، از خدا برکت می‌یابد. ٨ امّا اگر آن زمین خار و خس بار می‌آورد، بی‌ارزش و در خطر لعنت قرار دارد، و سرانجام سوزانده خواهد شد.

٩ هرچند این‌چنین سخن می‌گوییم، امّا در مورد شما ای عزیزان، چیزهای بهتر را یقین داریم، چیزهایی که به نجات متعلّق است. ١٠ زیرا خدا بی‌انصاف نیست که عمل شما و محبتی را که به نام او در خدمت به مقدسین نشان داده و می‌دهید، فراموش کند. ١١ امّا آرزوی ما این است که هریک از شما همین جدیّت را برای تحقق کامل امید تا به آخر نشان دهید، ١٢ تا کاهل نباشید، بلکه از کسانی سرمشق گیرید که به ایمان و صبر وارث وعده‌ها می‌شوند.

## قطعی بودن وعده خدا

١٣ زیرا هنگامی که خدا به ابراهیم وعده داد، چون بزرگتری از خودش نبود که به او سوگند خورَد، پس به خود سوگند خورده، ١٤ فرمود: «به‌یقین تو را برکت خواهم داد و تو را کثیر خواهم ساخت.» ١٥ و بدین‌گونه، ابراهیم صبورانه انتظار کشیده، وعده را یافت.

١٦ زیرا مردم به کسی بزرگتر از خود سوگند می‌خورند و در همه بحثهای ایشان، سوگند، اثباتِ نهایی است. ١٧ به همین‌سبب، چون خدا خواست تغییرناپذیر بودن قصد خود را بر وارثان وعده به تاکید نشان دهد، آن را با سوگند ضمانت کرد، ١٨ تا به واسطه دو امر تغییرناپذیر، که ممکن نیست خدا درباره آنها دروغ بگوید، ما از دلگرمی بسیار برخوردار شویم، ما که به جهت پناه فرار کرده‌ایم به امیدی که پیش روی ما قرار داده شده است، محکم بچسبیم. ١٩ این امید، به منزله لنگری محکم و ایمن برای جان ماست،، امیدی که به محرابِ پشتِ پرده داخل می‌شود، ٢٠ جایی که عیسی چون پیشرو ما، و به نمایندگی از ما، داخل شد، و تا به ابد کاهن اعظم شده است در رتبه مِلْکیصِدِق.

## کهانت مِلْکیصِدِق

٧ زیرا این مِلْکیصِدِق، پادشاه سالیم و کاهن خدای متعال، وقتی که ابراهیم پس از شکست دادنِ پادشاهان بازمی‌گشت، او را استقبال کرد و او را برکت داد. ٢ و ابراهیم به او از همه چیز ده‌یک داد. نام او اوّل به معنی

**١٤.٦** پیدایش ٢٢: ١٧ **١٥.٦** در متن یونانی، او

'پادشاه عدالت' و بعد 'پادشاه سالیم'، یعنی 'پادشاه صلح' نیز است. [۳] او بی‌پدر و بی‌مادر و بی‌تبارنامه می‌باشد و نه آغازِ ایام دارد و یا پایان زندگی، بلکه شبیه پسر خدا، تا به ابد کاهن باقی می‌ماند.

[٤] پس ببینید که او چه شخص بزرگی بود که حتی ابراهیمِ پاتْریارْک از غنایم به او ده‌یک داد! [٥] و امّا فرزندان لاوی که کهانت را می‌یابند، فرمانی از شریعت دارند که از قوم یعنی از برادران خویش ده‌یک گیرند، هرچند آنها نیز از نسل ابراهیم هستند. [٦] امّا این شخص که از نسل آنها نبود، از ابراهیم ده‌یک گرفت و او را که صاحب وعده‌ها بود، برکت داد. [۷] بدون شک، کوچکتر است که از بزرگتر برکت می‌یابد. [۸] در یکی، مردمان فانی ده‌یک می‌گیرند، امّا در دیگری، کسی که درباره‌اش شهادت داده شده که زنده است. [۹] حتی می‌توان گفت که خودِ لاوی که ده‌یک دریافت می‌کند، به واسطه ابراهیم ده‌یک داد. [۱۰] زیرا هنگامی که مِلْکیصِدِق او را استقبال کرد، لاوی هنوز در صُلبِ جدّش بود.

## مقایسه عیسی با مِلْکیصِدِق

[۱۱] حال اگر دستیابی به کمال، از طریق کهانتِ لاوی حاصل می‌شد - زیرا قوم شریعت را از آن یافتند - چه لزومی داشت کاهنی دیگر از رتبه مِلْکیصِدِق ظهور کند به جای کسی از رتبه هارون؟ [۱۲] زیرا هرگاه کهانت تغییر کند، ناگزیر شریعت نیز تغییر می‌یابد. [۱۳] زیرا کسی که این مطالب درباره او گفته شده، به قبیله‌ای دیگر تعلق دارد که از آن، کسی هرگز خدمت مذبح را نکرده است؛ [۱٤] زیرا روشن است که خداوندِ ما از نسل یهودا بود و موسی در مورد آن قبیله چیزی راجع به کهانت نگفت. [۱٥] و از این هم روشنتر آنکه هر گاه کاهنی دیگر همانند مِلْکیصِدِق ظهور کند، [۱٦] وی نه بر پایه حکم شرعیِ مربوط به تبار خود، بلکه بر پایه قوّت حیاتی غیرفانی کاهن شده است. [۱۷] زیرا درباره او شهادت داده شده که:

«تو تا به ابد کاهن هستی،
در رتبه مِلکیصِدِق.»

[۱۸] زیرا از طرفی حکم پیشین به سبب ضعف و بی‌فایده‌گی کنار گذاشته شد، [۱۹] چون شریعت هیچ چیز را کامل نکرد. لیکن از طرفی دیگر، امیدی بهتر عرضه شد که از طریق آن به خدا نزدیک می‌شویم.

[۲۰] و این بدون سوگند نبود! زیرا آنانی که در گذشته کاهن شدند، بدون سوگند معین شدند، [۲۱] امّا این شخص کاهن مقرر شد، با سوگند به کسی که به او گفت:

«خداوند سوگند خورده
و نظرش را تغییر نخواهد داد که:
"تو تا به ابد کاهن هستی".»

[۲۲] و این، عیسی را ضامن عهدی بهتر می‌گرداند.

[۲۳] شمار کاهنان پیشین زیاد بود، زیرا مرگ مانع از ادامه خدمت آنها می‌شد. [۲٤] حال آنکه وی چون تا ابد زنده است، کهانت دائمی دارد. [۲٥] بنابراین او قادر است آنان را که از طریق وی نزد خدا می‌آیند، به طور دائم نجات بخشد، زیرا همیشه زنده است تا برای ایشان شفاعت کند.

[۲٦] زیرا که به راستی ما را شایسته است که چنین کاهن اعظمی داشته باشیم، کاهنی

**٤.۷** یعنی، جدّ بزرگ **۱۷.۷** مزمور ۱۱۰: ٤ **۲۱.۷** مزمور ۱۱۰: ٤

قدّوس، معصوم، بی‌لکّه، جدا از گناهکاران، و فراتر از آسمانها. [۲۷] او همچون دیگر کاهنان اعظم، نیاز ندارد هر روز، اول برای گناهان خود و سپس برای گناهان قوم، قربانی بگذراند. بلکه آنگاه که خود را قربانی کرد، یک بار برای همیشه اینکار را انجام داد. [۲۸] زیرا شریعت، انسانهایی ضعیف را به کهانت اعظم می‌گمارد، امّا کلام سوگندی که پس از شریعت آمد، پسر را می‌گمارد، که تا به ابد کامل شده است.

## عیسی، کاهن اعظمِ عهدی بهتر

۸ پس نکته مهم در آنچه می‌گوییم، این است: ما چنین کاهن اعظمی داریم که به دست راست تختِ مقام کبریا در آسمان نشسته است، [۲] و خادم مکان اقدس در آن خیمه حقیقی است که خداوند بر پا کرده، نه انسان.

[۳] زیرا هر کاهن اعظم برای تقدیم هدایا و قربانی‌ها منصوب می‌شود. از این جهت برای این کاهن لازم است که چیزی برای تقدیم کردن نیز داشته باشد. [٤] حال اگر او بر زمین می‌بود، به هیچوجه کاهن نمی‌بود، زیرا کاهنانی دیگر هستند که بنا بر شریعت هدایا تقدیم می‌کنند. [٥] امّا آنها تنها شبیه و سایه چیزهای آسمانی را خدمت می‌کنند. به همین سبب، هنگامی که موسی می‌خواست خیمه را بسازد، توسط خدا به او دستور داده شده، گفت: «آگاه باش که همه چیز را مطابق نمونه‌ای بسازی که در کوه به تو نشان داده شد.» [٦] امّا خدمتی که مسیح یافته، به مراتب برتر از خدمت آنهاست، به همان میزان که او واسطه عهدی نیکوتر از عهد قدیم است که بر وعده‌های نیکوتر بنا شده است.

[۷] زیرا اگر عهدِ اوّل بی‌عیب می‌بود، نیازی به طلب عهدی دوّم نمی‌بود. [۸] امّا او در آنها نقص یافت آنگاه که فرمود:

«خداوند می‌گوید،
هان روزهایی فرا می‌رسد
که من با خاندان اسرائیل
و خاندان یهودا
عهدی تازه خواهم بست.
[۹] نه مثل آن عهدی که
با پدرانشان بستم،
آن روز که دست ایشان را گرفتم
و از سرزمین مصر بیرون آوردم؛
زیرا، خداوند می‌گوید،
آنان به عهد من وفادار نماندند.
پس، ایشان را واگذاشتم.
[۱۰] و خداوند چنین اعلان می‌کند:
این است عهدی که پس از آن ایام
با خاندان اسرائیل خواهم بست.
احکام خود را
در افکار ایشان خواهم نهاد،
و بر دلهای ایشان خواهم نوشت.
و من خدای ایشان خواهم بود،
و ایشان قوم من خواهند بود.
[۱۱] و دیگر کسی به همسایه خود
تعلیم نخواهد داد
و کسی به برادر خود نخواهد گفت،
"خداوند را بشناس!"
زیرا همه از کوچک و بزرگ،
مرا خواهند شناخت،
[۱۲] زیرا که بر خطایای ایشان

**۲.۸** یا، معبد **۵.۸** خروج ۲۵: ٤۰ **٦.۸** در متن یونانی، او

رحیم خواهم بود
و گناهانشان را دیگر
به یاد نخواهم آورد.»

۱۳ او با سخن‌گفتن از عهدی ’جدید‘، آن
عهد اوّل را کهنه می‌سازد؛ و آنچه کهنه و
قدیمی می‌شود، زود از بین می‌رود.

## مکانِ اقدسِ زمینی

۹ اینک عهد اوّل نیز، قوانینی برای عبادت و
مکانِ اقدسِ زمینی داشت. ۲ زیرا خیمه‌ای
برپا شده بود که در قسمت اوّل آن، چراغدان،
میز، و نان حضور قرار داشت؛ این مکان
’قُدس‘ خوانده می‌شد. ۳ پشت پرده دوّم
نیز قسمت دوّم بود که ’قُدس‌الاقداس‘ نام
داشت؛ ۴ در این قسمت، مذبح زرّینِ بخور و
صندوق عهد قرار داشت که از هر طرف با
طلا پوشانیده شده بود. که در آن ظرفِ زرّینِ
’مَنّا‘ و عصای هارون که شکوفه آورده بود و
الواح سنگی عهد قرار داده شده بود. ۵ و بر
بالای آن کروبیانِ جلال که بر تخت رحمت
سایه‌گستر بودند که اکنون جای شرح جزئیات
آنها نیست.

۶ پس از آنکه همه چیز به این صورت
آماده شد، کاهنان مرتب به قسمت اوّل داخل
می‌شدند تا وظائف عبادی خود را انجام دهند.
۷ امّا به قسمت دوّم فقط کاهن اعظم داخل
می‌شود، آن هم سالی یک بار، و نه بدون خون
قربانی، تا برای خود و برای گناهان غیرعمدی
قوم، تقدیم کند. ۸ روح‌القدس بدین‌گونه
نشان می‌دهد که تا زمانی که قسمت اوّل برپا
است، راه ورود به مکان اقدس هنوز گشوده
نشده است. ۹ این نِمادی است از زمان حاضر
که بر طبق آن، هدایا و قربانی‌هایی تقدیم
می‌شود که قادر نیست وجدان عبادت‌کننده
را کامل گرداند، ۱۰ بلکه تنها به کارِ خوردن
و نوشیدن و آداب غسل‌های مختلف می‌آید.
قوانین بدنی که تا فرا رسیدن زمان اصلاح معین
شده است.

## رهایی از طریق خون مسیح

۱۱ امّا چون مسیح در مقام کاهن اعظمِ آن
امورِ نیکو ظاهر گشت که هم‌اکنون واقع
شده‌اند، به خیمه‌ای بزرگتر و کاملتر داخل
شد که به دست انسان ساخته نشده است،
یعنی که از این خلقت نیست. ۱۲ و او، نه
به خون بزها و گوساله‌ها، بلکه یک بار برای
همیشه، به خون خود به قُدس‌الاقداس داخل
شد و رهایی ابدی را حاصل کرد. ۱۳ زیرا اگر
خون بزها و گاوها و پاشیدن خاکسترِ گوساله
بر ناپاکان، ایشان را برای پاکی جسم تقدیس
می‌کند، ۱۴ چقدر بیشتر، خون مسیح که به
واسطه روح جاودانی، خود را بی‌عیب به خدا
تقدیم کرد، وجدان ما را از اعمال مرده پاک
خواهد ساخت تا خدای زنده را خدمت کنیم!

۱۵ بنابراین، او واسطه عهدی تازه است، تا
خوانده‌شدگان بتوانند میراث جاودانی موعود
را دریافت کنند. زیرا مرگی واقع شده است که
ایشان را از گناهانی که در عهد اوّل ارتکاب
شد، رهایی می‌بخشد. ۱۶ زیرا در هر جایی که
وصیتی است، می‌بایست مرگِ وصیت کننده
اثبات گردد، ۱۷ زیرا که وصیت بر اساس مرگ
معتبر می‌شود؛ چون تا زمانی که وصیت کننده
زنده است، آن وصیت اعتباری ندارد. ۱۸ از
این رو، حتی عهد اوّل نیز بدون خون، قابل

**۱۲.۸** ارمیا ۳۱: ۳۱-۳۴ **۲.۹** یا، معبدی. همچنین در آیات ۱۱ و ۲۱ **۲.۹** در متن یونانی، نان تقدیم **۱۲.۹** یا، فدیه، که منظور بهایی است که برای رهایی بردگان اسیر پرداخت می‌شد. **۱۴.۹** در برخی از ترجمه‌ها، شما

اجرا نبود. [۱۹] زیرا هنگامی‌که موسی هر یک از احکام شریعت را به تمامی قوم اعلان کرد، خون گوساله‌ها و بزها را گرفته، با آب و پشم قرمز و شاخه‌های زوفا، بر طومار و بر همه قوم پاشیده، [۲۰] گفت: «این است خون عهدی که خدا برای شما حکم فرموده است.» [۲۱] و همچنین آن خون را بر خیمه و بر تمامی ظروفی که در عبادت به کار می‌رفت، پاشید. [۲۲] یقیناً، بنا بر شریعت، تقریباً همه چیز با خون پاک می‌شود و بدون ریختن خون، بخشش گناهان وجود ندارد.

[۲۳] به این ترتیب، ضروری بود که آنچه که شبیه چیزهای آسمانی بود، با این رسوم پاک شود، لیکن اصل چیزهای آسمانی با قربانی‌هایی بهتر از اینها. [۲۴] زیرا مسیح به مکان اقدسی داخل نشد که ساخته دست بشر و شبیه مکان حقیقی باشد، بلکه به خودِ آسمان داخل شد تا اکنون به نمایندگی از ما در حضور خدا ظاهر شود. [۲۵] و نیز به آنجا داخل نشد تا خود را بارها چون قربانی تقدیم کند، همچون کاهن اعظم که هر سال با خونی که خون خودش نیست، به قُدس‌الاقداس داخل می‌شود، [۲۶] زیرا در این صورت، او می‌بایست از بنیاد جهان، بارها رنج کشیده باشد. امّا او اکنون یک بار برای همیشه در انتهای تمامی اعصار ظاهر شد تا با قربانی خود، گناه را از میان بردارد. [۲۷] و چنانکه برای انسان یک بار مردن مقرر شده و پس از آن داوری معین شده است، [۲۸] همچنین مسیح نیز پس از آنکه یک بار قربانی شد تا گناهان بسیاری را بر دوش کشد، بار دیگر ظاهر خواهد شد، نه برای رفع گناه، بلکه تا آنانی را که مشتاقانه منتظر او می‌باشند، نجات بخشد.

## قربانی مسیح یکبار برای همیشه

۱۰ زیرا چون شریعت فقط سایه چیزهای نیکوی آینده است، نه صورت واقعی آنها، هرگز نمی‌تواند با همان قربانی‌هایی که هر سال تکرار می‌شوند، آنانی را که برای عبادت نزدیک می‌آیند، کامل سازد. [۲] وگرنه آیا تقدیم آنها متوقف نمی‌شد؟ زیرا عبادت‌کنندگان یک بار پاک می‌شدند و پس از آن دیگر حس گناهان را در ضمیر نمی‌داشتند. [۳] امّا در این قربانی‌ها هر سال، گناهان یادآور می‌شود، [۴] زیرا ممکن نیست خون گاوها و بزها گناهان را از میان بردارد.

[۵] از این جهت، هنگامی که مسیح به جهان آمد، فرمود:

«به قربانی‌ها و هدایا رغبت نداشتی،
امّا بدنی برای من مهیا ساختی؛
[۶] از قربانی‌های سوختنی
و قربانی‌های گناه خشنود نبودی.
[۷] آنگاه گفتم: "اینک آمده‌ام،
تا اراده تو را، ای خدا، به جا آورم؛
چنانکه در طومار کتاب
درباره‌ام نوشته شده است."»

[۸] چون نخست می‌گوید: «به قربانی‌ها و هدایا و قربانی‌های سوختنی و قربانی‌های گناه رغبت نداشتی و از آنها خشنود نبودی»، که آنها را برحسب شریعت تقدیم می‌کردند. [۹] بعد می‌فرماید: «اینک آمده‌ام تا اراده تو را به جا آورم.» پس اوّلی را باطل می‌کند تا دوّمی را برقرار سازد. [۱۰] و به واسطه همین اراده، ما یک

**۲۰.۹** خروج ۲۴: ۸ **۵.۱۰** در متن یونانی، او **۷.۱۰** مزمور ۴۰: ۶-۸

بار برای همیشه، از طریق قربانیِ بدن عیسی مسیح تقدیس شده‌ایم.
۱۱ هر کاهن، هر روز به خدمت می‌ایستد و همان قربانی‌ها را بارها تقدیم می‌کند که هرگز نمی‌توانند گناهان را از میان بردارند.
۱۲ لیکن وقتی مسیح یک قربانی به جهت گناهان برای همیشه تقدیم کرد، به دست راست خدا بنشست. ۱۳ از آن زمان، منتظر است تا دشمنانش کرسی زیر پایش گردند،
۱۴ زیرا با یک قربانی، تقدیس‌شدگان را تا به ابد کامل ساخته است.
۱۵ و روح‌القدس نیز برای ما گواهی می‌دهد، زیرا بعد از آنکه گفته بود:
۱۶ «خداوند اعلان می‌کند،
این است عهدی که پس از آن ایام
با ایشان خواهم بست.
احکام خود را در دلهای ایشان
خواهم نهاد،
و بر افکار ایشان خواهم نوشت.»
۱۷ آنگاه اضافه می‌کند:
«گناهان و نافرمانی‌های ایشان را
دیگر هرگز به یاد نخواهم آورد.»
۱۸ جایی که بخشش اینها هست، دیگر هیچ قربانی برای گناه نیاز نیست.

## یقین کامل ایمان

۱۹ پس ای برادران، با اعتماد به خون عیسی می‌توانیم به مکان اقدس داخل شویم، ۲۰ به واسطه راهی تازه و زنده که از میان آن پرده که بدن اوست، برای ما گشوده است، ۲۱ و چون کاهنی بزرگ بر خانه خدا داریم، ۲۲ بیایید با دلی حقیقی و اطمینانِ کاملِ ایمان نزدیک شویم، و دلهایمان را از وجدان شریر زدوده و بدنهایمان را با آبِ پاک شستشو دهیم. ۲۳ بیاییم بی‌تزلزل، اعتراف امیدمان را محکم نگاه داریم، زیرا که وعده‌دهنده وفادار است. ۲۴ و بیاییم به دقّت فکر کنیم که چگونه یکدیگر را به محبت و اعمال نیکو برانگیزانیم. ۲۵ و از گرد آمدن با یکدیگر غفلت نکنیم، چنانکه بعضی را عادت است، بلکه یکدیگر را تشویق کنیم - و زیادتر چنانکه می‌بینید آن روز نزدیکتر می‌شود.
۲۶ زیرا اگر پس از دریافت معرفت حقیقت، عمداً به گناه کردن ادامه دهیم، دیگر هیچ قربانی برای گناهان باقی نمی‌ماند؛ ۲۷ بلکه انتظار مجازاتی هولناک و آتشی مَهیب که دشمنان را خواهد بلعید. ۲۸ هر که شریعت موسی را رد می‌کرد، به گواهی دو یا سه شاهد، بدون ترحم کشته می‌شد. ۲۹ پس به گمان شما چقدر بیشتر کسی که پسر خدا را پایمال کرده باشد و خون عهدی را که به آن تقدیس شده بود، ناپاک سازد و روح فیض را بی‌حرمت کرده، سزاوار مجازاتی سخت‌تر خواهد بود؟ ۳۰ زیرا او را می‌شناسیم که گفته است: «انتقام از آن من است؛ من سزا خواهم داد،» و نیز: «خداوند قوم خود را داوری خواهد کرد.» ۳۱ افتادن به دستهای خدای زنده چیزی هولناک است.
۳۲ لیکن آن روزهای گذشته را به یاد آورید، بعد از آنکه منوّر شده بودید؛ در مبارزه‌ای سخت متحمل رنج و زحمت شدید. ۳۳ گاهی در برابر چشم مردم مورد اهانت و آزار قرار می‌گرفتید و گاهی شریک کسانی می‌گردید که با ایشان چنین رفتار می‌شد. ۳۴ زیرا با آنان که در زندان بودند، همدردی می‌کردید و تاراج اموال خود را با شادی می‌پذیرفتید، چون خود

**۱۶.۱۰** ارمیا ۳۱: ۳۳ **۱۷.۱۰** ارمیا ۳۱: ۳۴ **۳۰.۱۰** تثنیه ۳۲: ۳۵ **۳۰.۱۰** تثنیه ۳۲: ۳۶ و مزمور ۱۳۵: ۱۴

شما می‌دانستید که دارایی‌های بهتر و جاودانی را دارید.
۳۵ بنابراین اعتماد خود را ترک نکنید که
پاداشی عظیم دارد. ۳۶ زیرا شما پایداری را نیاز
دارید تا آنگاه که اراده خدا را به جا آوردید،
وعده را بیابید. ۳۷ زیرا پس از اندک زمانی
«او که باید بیاید، خواهد آمد
و تأخیر نخواهد کرد.
۳۸ امّا شخصِ صالحِ من
به ایمان زیست خواهد کرد.
و اگر عقب کشد،
جانم از او خشنود نخواهد شد.»
۳۹ لیکن ما از عقب کشندگان نیستیم که
هلاک شویم، بلکه از ایمانداران تا جان خود
را دریابیم.

## به ایمان

۱۱ پس ایمان، اطمینان بر چیزهایی است
که به آن امید داریم و یقین بر
چیزهایی که نمی‌بینیم. ۲ زیرا به سبب آن،
پیشینیان مورد تعریف و تمجید قرار گرفتند.
۳ به ایمان می‌فهمیم که کائنات به وسیله
کلام خدا شکل گرفت، به طوری که آنچه دیده
می‌شود، از چیزهای دیدنی پدید نیامد.
۴ به ایمان، هابیل قربانی‌ای نیکوتر از قربانی
قائن به خدا تقدیم کرد، که به سبب آن
شهادت داده شد که صالح است، و اینکه خدا
با قبول هدایایش او را تحسین نمود و از طریق
ایمانش هنوز سخن می‌گوید، هرچند که از این
دنیا رفته است.
۵ به ایمان، خَنوخ بالا برده شد تا مرگ را
نبیند و دیگر یافت نشد، چون خدا او را
برگرفت. زیرا پیش از برگرفته شدن، درباره او
شهادت داده شد که خدا را خشنود ساخته
است. ۶ و بدون ایمان غیر ممکن است که او
را خشنود ساخت، زیرا هر که به خدا نزدیک
می‌شود، باید ایمان داشته باشد که او هست
و جویندگان خود را پاداش می‌دهد.
۷ به ایمان، نوح هنگامی که از جانب خدا
درباره اموری که تا آن زمان دیده نشده
بود هشدار یافته، در خداترسی برای نجات
خانواده خویش کشتی بساخت. او به ایمانِ
خود دنیا را محکوم کرد و صالح شدنی را به
ارث برد که از ایمان حاصل می‌شود.
۸ به ایمان، ابراهیم هنگامی که خوانده
شد، اطاعت کرد و به سوی مکانی رفت
که بعدها به میراث می‌یافت؛ و روانه شد
هرچند نمی‌دانست کجا می‌رود. ۹ به ایمان، در
زمین وعده، چون بیگانه‌ای در دیار غریب،
در خیمه‌ها با اسحاق و یعقوب که با او
وارث همان وعده بودند، ساکن شد. ۱۰ زیرا
چشم‌انتظار شهری بود با بنیاد، که معمار و
سازنده‌اش خداست.
۱۱ به ایمان، سارا خود توانایی یافت که
نسلی داشته باشد، حتی وقتی سالخورده
بود چرا که وعده‌دهنده را وفادار شمرد.
۱۲ بنابراین، از یک مرد، آن هم از کسی تقریباً
مرده، نسلی کثیر همچون ستارگان آسمان، و
بی‌شمار مانند شنهای کنارهٔ دریا، زاییده شد.
۱۳ همه ایشان در ایمان مُردند، در حالی
که وعده‌ها را هنوز نیافته بودند، بلکه فقط
آنها را از دور دیده، استقبال کردند و تصدیق
نمودند که بر زمین، بیگانه و غریبند. ۱۴ زیرا
آنانی که چنین سخن می‌گویند، آشکارا نشان
می‌دهند که در جستجوی وطنی هستند.

**۳۸.۱۰** حبقوق ۲: ۳و۴

۱۵ اگر به سرزمینی می‌اندیشیدند که ترکش
کرده بودند، فرصت بازگشت می‌داشتند. ۱۶ امّا
اکنون مشتاق وطنی نیکوتر هستند، یعنی
وطنی آسمانی. از این رو، خدا عار ندارد خدای
ایشان خوانده شود، زیرا شهری برایشان مهیا
کرده است.
۱۷ به ایمان، ابراهیم هنگامی که آزموده شد،
اسحاق را تقدیم کرد؛ و او که وعده‌ها را
پذیرفته بود، حاضر شد پسر یگانه خود را
قربانی کند، ۱۸ کسی را که درباره‌اش گفته شده
بود: «نسل تو از اسحاق نامیده خواهد شد.»
۱۹ او یقین دانست که خدا قادر است حتی او
را از مردگان زنده کند، و می‌توان گفت که به
نوعی اسحاق را از مرگ بازیافت.
۲۰ به ایمان، اسحاق، یعقوب و عیسو را در
امور آینده برکت داد.
۲۱ به ایمان، یعقوب به هنگام مرگ، هر یک
از پسران یوسف را برکت داد و بر سر عصای
خود خم شده عبادت کرد.
۲۲ به ایمان، یوسف در پایان عمر خود،
از خروج بنی‌اسرائیل سخن گفت و درباره
استخوانهای خود دستورها داد.
۲۳ به ایمان، وقتی موسی به دنیا آمد،
والدینش او را به مدت سه ماه پنهان کردند،
زیرا دیدند که کودکی زیبا است و از حکم
پادشاه نترسیدند.
۲۴ به ایمان، وقتی موسی بزرگ شد، امتناع
نمود که پسر دختر فرعون خوانده شود. ۲۵ او
آزار دیدن با قوم خدا را بر لذتِ زودگذرِ
گناه ترجیح داد. ۲۶ و رسوایی به‌خاطر مسیح
را بزرگتر از گنج‌های مصر شمرد، زیرا که به
پاداش چشم دوخته بود. ۲۷ به ایمان، مصر را
ترک کرد بی‌آنکه از خشم پادشاه بترسد، زیرا
وقتی آن نادیدنی را بدید، پایداری نمود. ۲۸ به
ایمان، او پِسَح و پاشیدن خون را به جا آورد تا
هلاک‌کننده نخست‌زادگان، بر ایشان آسیب
نرساند.
۲۹ به ایمان، قوم از میان دریای سرخ مثل
زمینی خشک گذشتند؛ امّا وقتی مصریان
کوشیدند همان کار را انجام دهند، غرق
شدند.
۳۰ به ایمان، دیوارهای اَریحا پس از اینکه
قوم هفت روز آن را دور زده بودند، فرو
ریخت.
۳۱ به ایمان، راحابِ فاحشه همراه با
نامطیعان کشته نشد، زیرا جاسوسان را
به‌سلامت پذیرا گردید.
۳۲ دیگر چه گویم؟ زیرا وقت مرا مجال
نمی‌دهد که درباره جِدعون و باراق و شَمشون
و یَفتاح و داوود و سموئیل و انبیا سخن
گویم، ۳۳ که به ایمان، ممالک را فتح کردند،
عدالت را برقرار نمودند، و وعده‌ها را به
دست آوردند؛ دهان شیران را بستند، ۳۴ قوّت
آتش را خاموش کردند و از دَمِ شمشیر
رستند؛ و از ضعف قوّت یافتند، در جنگ
قدرتمند شدند و لشکریان بیگانه را تارومار
نمودند. ۳۵ زنان، مردگان خود را به قیامت
بازیافتند. امّا برخی شکنجه شدند و رهایی
را نپذیرفتند، تا به رستاخیزی نیکوتر برسند.
۳۶ دیگران استهزا شدند و تازیانه خوردند، و
حتی زنجیرها، و زندانی شدند. ۳۷ سنگسار
گردیدند، با ارّه دو پاره شدند و با شمشیر
هلاک گردیدند. در پوست گوسفندان و بزها
آواره شده، تنگدست، ستمدیده و مورد آزار

بودند. ۳۸ آنانی که جهان لایقشان نبود، در
بیابانها و کوهها، و غارها و شکافهای زمین،
آواره بودند.
۳۹ و همه ایشان با اینکه به سبب ایمانشان
به نیکویی یاد شدند. لیکن آنچه را که وعده
داده شده بود، نیافتند. ٤۰ زیرا خدا چیزی بهتر
برای ما فراهم کرده است تا ایشان بدون ما
کامل نشوند.

### عیسی بنیانگذار و کامل کننده ایمان ما

۱۲ پس چون چنین ابری عظیم از
شاهدان را گرداگرد خود داریم، بیاییم
هر بارِ سنگین و هر گناه را که چنین تنگ به
دست و پای ما می‌پیچد، از خود دور کنیم
و با استقامت در مسابقه‌ای که پیش روی
ما گذاشته شده است، بدویم. ۲ و چشمان
خود را بر بانی و کامل کننده ایمان ما یعنی
عیسی بدوزیم که به‌خاطر آن خوشی که پیشِ
رو داشت، صلیب را تحمل کرد و ننگ آن
را ناچیز شمرد و به دست راست تخت خدا
نشسته است.

### خسته نشوید

۳ پس به او بیندیشید که چنین مخالفتی را
از گناهکاران نسبت به خود تحمل کرد، تا شما
خسته و دلسرد نشوید.
٤ هنوز در نبرد خود با گناه تا پای
جان مقاومت نکرده‌اید ۵ و مگر آن سخن
تشویق‌آمیز را فراموش کرده‌اید که شما را
پسران خطاب کرده، می‌گوید:

«ای پسرم، تأدیب خداوند را
خوار مشمار،
و چون تو را سرزنش کند،
دلسرد مشو؟
٦ زیرا خداوند کسی را که دوست می‌دارد،
تأدیب می‌کند،
و هر فرزند خود را که می‌پذیرد،
تنبیه می‌نماید.»

۷ سختی‌ها را به منزله تأدیب تحمل کنید؛ خدا
با شما چون پسران رفتار می‌کند. زیرا کدام
پسر است که پدرش او را تأدیب نکند؟ ۸ اگر
شما تأدیب نشده‌اید، که همه از آن سهمی
داشته‌اند، پس حرامزاده‌اید، نه پسران. ۹ علاوه
بر این، ما پدران زمینی داشته‌ایم که تأدیب‌مان
می‌کردند، و آنها را احترام می‌گذاشتیم. آیا نباید
هرچه بیشتر پدر روحها را اطاعت کنیم تا
حیات داشته باشیم؟ ۱۰ زیرا ایشان زمانی کوتاه
بنا بر صلاحدید خود، ما را تأدیب کردند. امّا
او برای خیریت‌مان ما را تأدیب می‌کند تا شریک
قدّوسیت او شویم. ۱۱ زیرا هر تأدیبی در حین
انجام، دردناک می‌نماید نه خوشایند، امّا بعد
برای کسانی که به وسیله آن تربیت شده‌اند،
میوه آرامش و صالح بودن را به بار می‌آورد.
۱۲ پس دستهای سست و زانوان لرزان خود
را قوی سازید، ۱۳ و برای پاهای خود راههای
هموار بسازید، تا پای لنگ بیشتر صدمه نبیند،
بلکه شفا یابد.
۱٤ بکوشید که با همه مردم در صلح به سر
برید و مقدّس باشید، زیرا بدون آن هیچ‌کس
خداوند را نخواهد دید. ۱۵ مواظب باشید
کسی از فیض خدا محروم نشود، و هیچ ریشه
تلخی نمو نکند، مبادا موجب ناآرامی گردد
و بسیاری از آن آلوده شوند. ۱٦ مبادا که
هیچ‌یک از شما زناکار یا مانند عیسو دنیوی
شود که برای یک غذا، حقِ نخستزادگی خود را

فروخت. [۱۷] زیرا می‌دانید، که بعد از آن وقتی خواست وارث آن برکت شود، مردود شد. زیرا جای توبه پیدا نکرد هرچند با اشکها در پی آن شد.

### پادشاهی بی‌تزلزل

[۱۸] زیرا به کوهی نزدیک نیامده‌اید که بتوان لمس کرد، نه به آتشی مشتعل و نه به تاریکی و تیرگی و باد شدید؛ [۱۹] و نه به صدای شیپور و یا آواز کلام کسی‌که شنوندگان التماس کردند دیگر با ایشان سخن نگوید. [۲۰] زیرا تحمّل آن فرمان را نداشتند که می‌گفت، «حتی اگر حیوانی کوه را لمس کند، می‌باید سنگسار شود.» [۲۱] آن منظره چنان ترسناک بود که موسی گفت: «از ترس به خود می‌لرزم.»

[۲۲] بلکه به کوه صَهیون نزدیک آمده‌اید، به شهر خدای زنده، یعنی اورشلیم آسمانی و به جمعِ فرشتگانِ بی‌شمار در مجالس شادمانی، [۲۳] و به کلیسای نخست‌زادگانی که نامهایشان در آسمان نوشته شده است و به خدا که داور همه، و به روحهای صالحان که کامل شده‌اند، [۲٤] و به عیسی که واسطه عهدی جدید است، و به خونِ پاشیده‌ای که نیکوتر از خون هابیل سخن می‌گوید.

[۲٥] مراقب باشید از او که سخن می‌گوید، سرپیچی نکنید. زیرا اگر آنانی که از او که بر زمین به ایشان هشدار داد سرپیچی کردند، خلاصی نیافتند، پس ما چگونه خلاصی خواهیم یافت اگر از او که از آسمان به ما هشدار می‌دهد، سرپیچی کنیم. [۲٦] در آن زمان، صدای او زمین را لرزانید، امّا اکنون وعده داده است که «یک بار دیگر نه تنها زمین بلکه آسمان را نیز خواهم لرزانید.» [۲۷] عبارتِ 'یک بار دیگر' به از میان برداشته شدنِ چیزهایی اشاره دارد که لرزانیده می‌شوند - یعنی چیزهای ساخته شده - تا آنچه تزلزل‌ناپذیر است، باقی بماند.

[۲۸] پس چون پادشاهی‌ای را می‌یابیم که تزلزل‌ناپذیر است، بیاییم شکرگزار باشیم و عبادتی مقبول به خدا تقدیم کنیم، با ترس و حرمت، [۲۹] زیرا «خدای ما آتش سوزاننده است.»

### قربانی‌های مقبول خدا

۱۳ بگذارید محبت برادرانه برقرار باشد. [۲] از میهمان‌نوازی نسبت به غریبان غافل مباشید، زیرا که به این طریق بعضی نادانسته فرشتگان را پذیرایی کردند. [۳] آنانی را که در زندان هستند به یاد داشته باشید، چنانکه گویی خود نیز با ایشان در زندان هستید؛ و آنانی را که آزار می‌بینند، چون شما نیز جسماً آزار می‌بینید.

[٤] زناشویی باید در نظر همه محترم باشد و بسترش پاک نگاه داشته شود، زیرا خدا بی‌عفتان و زناکاران را داوری خواهد کرد. [٥] زندگی شما عاری از پولدوستی باشد و به آنچه دارید قانع باشید، زیرا او فرموده است:

«تو را هرگز رها نخواهم کرد،
و ترکت نخواهم نمود.»

[٦] پس با اطمینان می‌گوییم:

«خداوند مددکار من است،
پس نخواهم ترسید.
انسان به من چه تواند کرد؟»

**۲۰.۱۲** خروج ۱۹: ۱۲ و ۱۳ **۲۱.۱۲** تثنیه ۹: ۱۹ **۲٦.۱۲** حَجّی ۲: ٦ **۲۹.۱۲** تثنیه ٤: ۲٤ **٥.۱۳** تثنیه ۳۱: ٦ **٦.۱۳** مزمور ۱۱۸: ٦ و ۷

۷ رهبران خود را که کلام خدا را برای شما
بیان کردند، به یاد داشته باشید. به ثمره شیوه
زندگی آنها توجه کنید و از ایمانشان نمونه
گیرید. ۸ عیسی مسیح دیروز و امروز و تا ابد
همان است.
۹ با تعالیم مختلف و عجیب از راه به
در مشوید؛ زیرا نیکوست که دل انسان از
فیض تقویت شود، نه از خوراکهایی که برای
معتقدانِ به آنها نفعی ندارد. ۱۰ قربانگاهی
داریم که خدمتگزارانِ خیمه حق ندارند از آن
بخورند.
۱۱ زیرا لاشه‌های حیواناتی که کاهن اعظم
خون آنها را برای قربانیِ گناه به قُدس‌الاقداس
می‌برد، بیرون از اردوگاه سوزانیده می‌شوند.
۱۲ همچنین، عیسی نیز بیرون دروازه شهر
عذاب کشید تا به خون خود، قوم را تقدیس
کند. ۱۳ پس بیایید نزد او بیرون از اردوگاه برویم
و ننگ او را که متحمّل شد، بر خود بگیریم.
۱۴ زیرا در اینجا شهری ماندگار نداریم بلکه در
طلب آن شهر آینده هستیم.
۱۵ پس بیایید به واسطه وی قربانیِ سپاس را
پیوسته به خدا تقدیم کنیم، یعنی ثمره لبهایی
که به نام او معترفند. ۱۶ از نیکویی کردن و
سهیم نمودن دیگران در آنچه دارید غفلت
مورزید، زیرا چنین قربانی‌ها خدا را خشنود
می‌سازد.
۱۷ از رهبران خود اطاعت کنید و تسلیم آنها
باشید؛ زیرا ایشان بر جانهای شما دیده‌بانی
می‌کنند و حساب خواهند داد. پس بگذارید
این را به شادمانی انجام دهند نه به ناله، زیرا
این به نفع شما نخواهد بود.
۱۸ برای ما دعا کنید، زیرا مطمئن هستیم که
وجدانی خالص داریم و می‌خواهیم در همه چیز
شرافتمند زندگی کنیم. ۱۹ بخصوص از شما
استدعا دارم دعا کنید که بتوانم هرچه زودتر
نزدتان بازگردم.

## دعای خاتمه

۲۰ حال، خدای سلامتی که شبانِ اعظم
گوسفندان یعنی خداوند ما عیسی را به خون
آن عهد ابدی از مردگان برخیزانید، ۲۱ شما را
به هر چیز نیکو مجهز گرداند تا اراده او را
انجام دهید، و آنچه را که موجب خشنودی
اوست به واسطه عیسی مسیح در ما به عمل
آورد، که او را تا به ابد جلال باد. آمین.

## سلامهای پایانی

۲۲ ای برادران، از شما می‌خواهم این کلامِ
نصیحت‌آمیزِ مرا تحمّل کنید، زیرا به اختصار
به شما نوشته‌ام.
۲۳ بدانید که برادر ما تیموتائوس آزاد شده
است. اگر او زود بیاید، با او به دیدارتان
خواهم آمد.
۲۴ به همه رهبران خود و به تمام مقدسین
سلام برسانید. آنان که از ایتالیا هستند، به
شما سلام می‌گویند.
۲۵ فیض با همه شما باد.

---

**۱۰.۱۳** یا، معبد **۲۱.۱۳** در برخی از نسخ، شما

# نامه یعقوب

## نکاتی چند درباره نامه یعقوب

رساله یعقوب در ابتدا به مسیحیان یهودی نژاد نوشته شده است که در سرزمینهای اطراف فلسطین به شکل پراکنده ساکن بودند. در این رساله بر مسیحیّت عملی و ایمانی که اصالت خود را در اعمال فرد ایماندار نشان می‌دهد، تأکید می‌گردد.

### تقسیم‌بندی کلّی


- مقدمه (۱:۱)
- ایمان و حکمت (۲:۱-۸)
- فقر و ثروت (۹:۱-۱۱)
- آزمایش و وسوسه (۱۲:۱-۱۸)
- شنیدن و عمل کردن (۱۹:۱-۲۷)
- اخطار علیه تبعیض (۱:۲-۱۳)
- ایمان و اعمال (۱٤:۲-۲٦)
- مشکل زبان (۱:۳-۱۸)
- مسیحی و جهان (۱:٤ تا ٦:٥)
- تعالیم گوناگون (۷:٥-۲۰)


### سلامها

۱ یعقوب، غلام خدا و عیسی مسیح خداوند،
به دوازده قبیله که پراکنده‌اند.

### امتحان ایمان شما

۲ ای برادرانِ من، هر گاه با امتحانات
گوناگون روبه‌رو می‌شوید، آن را کمال شادی
بدانید! ۳ زیرا می‌دانید امتحان ایمان شما
پایداری را به بار می‌آورد. ٤ امّا بگذارید پایداری
کار خود را به کمال رساند تا بالغ و کامل
شده، چیزی کم نداشته باشید. ٥ اگر از شما
کسی فاقد حکمت باشد، از خدایی بخواهد
که سخاوتمندانه و بدون ملامت به همه عطا
می‌کند، و به وی داده خواهد شد. ٦ لیکن به
ایمان بخواهد و تردید نداشته باشد، زیرا کسی
که تردید دارد، چون موج دریاست که با وزش
باد به هر سو رانده می‌شود. ۷ زیرا چنین شخص
نباید گمان کند که از خداوند چیزی دریافت
خواهد کرد؛ ۸ او شخصی است دو دل و در
تمامی رفتار خویش ناپایدار.

۹ امّا برادرِ حقیر به سرافرازی خویش فخر
کند، ۱۰ و ثروتمند به فروتنی خود، زیرا
همچون گُل علف در گذر است. ۱۱ چنانکه
آفتاب با گرمای سوزان خود طلوع کرده، علف
را می‌خشکاند و گُلَش می‌ریزد و زیبایی‌اش از بین
می‌رود، همچنین شخص ثروتمند نیز در حین
کسب و کار، محو خواهد شد.

---

**۱۰.۱** یا، گل وحشی

۱۲ خوشا به حال آن کسی که در امتحانات
ثابت قدم می‌ماند، زیرا چون امتحان شد،
آن تاج حیات را خواهد یافت که خدا به
دوستداران خویش وعده فرموده است.
۱۳ هیچ‌کس چون وسوسه می‌شود، نگوید:
«خداست که مرا وسوسه می‌کند،» زیرا خدا
با بدی وسوسه نمی‌شود و کسی را وسوسه
نمی‌کند. ۱٤ هنگامی‌که کسی وسوسه می‌شود،
شهوتِ خود اوست که او را می‌فریبد و به دام
می‌افکند. ۱۵ آنگاه شهوت آبستن شده، گناه را
می‌زاید و گناه نیز چون به رشد کامل رسد، مرگ
به بار می‌آورد.
۱٦ ای برادران عزیز من، فریفته مشوید!
۱۷ هر بخشش نیکو و هر بخشش کامل از
بالاست، نازل شده از پدر نورها که در او
تغییری نیست و نه سایه ناشی از تبدیل. ۱۸ او
به حسبِ اراده خود ما را به کلام حق تولید
نمود تا ما همچون نوبرِ مخلوقات او باشیم.

### شنیدن و انجام دادن کلام خدا

۱۹ ای برادران عزیز من، این را بدانید: هر
کس در شنیدن تند، در گفتن کُند، و در
خشم آهسته باشد. ۲۰ زیرا خشمِ آدمی عدالت
خدا را به بار نمی‌آورد. ۲۱ پس هرگونه پلیدی
و هر فزونی شرارت را از خود دور کنید و
با فروتنی، کلام کاشته شده بپذیرید که قادر
است جانهای شما را نجات بخشد.
۲۲ لیکن کنندگان کلام باشید، نه فقط
شنوندگان که خود را فریب می‌دهند! ۲۳ زیرا
اگر کسی شنونده کلام باشد و نه کننده، به
کسی مانَد که در آینه به چهره طبیعی خود
می‌نگرد ۲٤ و خود را در آن می‌بیند، امّا تا
دور می‌شود، فوراً فراموش می‌کند که چهره‌اش
چگونه بود. ۲۵ امّا آن که به شریعتِ کامل
که شریعت آزادی است، چشم می‌دوزد و
استوار می‌ماند، شنونده فراموشکار نیست،
بلکه کننده‌ای که عمل می‌کند؛ او در عمل
خویش مبارک خواهد بود.
۲٦ اگر کسی خود را دیندار می‌داند و افسار
زبان خود را نمی‌کشد، بلکه دل خود را فریب
می‌دهد، دینداری چنین شخص باطل است.
۲۷ دینداریِ خالص و بی‌عیب در نظر خدای
پدر این است: دستگیری یتیمان و بیوه‌زنان
را در مصیبت‌شان و دور نگه‌داشتن خوداز
آلایِش این دنیا.

### گناه تبعیض

۲ ای برادران من، در مقام ایمانداران به به
عیسی مسیح، خداوند پرجلال‌مان، در
میان انسانها فرق نگذارید. ۲ زیرا اگر کسی با
انگشتری زرین و لباس فاخر به مجلس شما
داخل شود و فقیری نیز با جامه مندرس وارد
شود، ۳ و شما به آن که لباس فاخر به تن
دارد، توجه نشان دهید و بگویید: «در این
جای نیکو بنشین،» امّا فقیر را بگویید: «در
آنجا بایست!» و یا: « پیش پاهای من بر زمین
بنشین،» ٤ آیا در میان خود تبعیض قائل نشده
و با اندیشه‌های پلید قضاوت نکرده‌اید؟
۵ ای برادران عزیز من، گوش دهید! مگر
خدا فقیران این جهان را برنگزیده تا در ایمان
دولتمند باشند و وارثان آن پادشاهی‌ای بشوند
که او به دوستدارانِ خود وعده داده است؟
٦ امّا شما به فقیربی‌حرمتی کرده‌اید. مگر
دولتمندان نیستند که بر شما ستم می‌کنند
و شما را به محکمه می‌کشند؟ ۷ مگر ایشان
نیستند که به آن نام شریف که بر شما نهاده
شده، کفر می‌گویند؟

۸ اگر به راستی شریعت شاهانه را مطابق
کتاب به جا آورید که می‌فرماید: «همسایه‌ات
را چون خویشتن محبت کن،» نیکو می‌کنید.
۹ امّا اگر تبعیض قائل شوید، گناه می‌کنید و
شریعت، شما را چون خطاکار محکوم می‌کند.
۱۰ زیرا هر کس که تمام شریعت را نگاه دارد،
امّا در یک مورد بلغزد، مجرم به شکستن
تمامی آن می‌شود. ۱۱ زیرا او که گفت: «زنا
مکن، همچنین گفته است: «قتل مکن.» پس
هرچند زنا نکنی، امّا اگر قتل کنی، شریعت را
شکسته‌ای.
۱۲ پس همانند کسانی سخن گویید و عمل
کنید که بر اساس شریعت آزادی، بر آنها
داوری خواهد شد، ۱۳ زیرا داوری بر کسی که
رحم نکرده باشد، بی‌رحم خواهد بود. رحمت
بر داوری غلبه دارد!

### ایمان بدون اعمال مرده است

۱۴ ای برادرانِ من، چه سود دارد اگر کسی
بگوید که ایمان دارد، امّا اعمال نداشته باشد؟
آیا چنین ایمانی او را نجات می‌بخشد؟ ۱۵ اگر
برادر یا خواهری نیازمند پوشاک و خوراک
روزانه باشد ۱۶ و یکی از شما به آنها بگوید:
«به سلامت بروید، و گرم و سیر شوید،»
امّا نیازهای جسمی را به ایشان ندهد، چه
سود دارد؟ ۱۷ پس ایمان نیز به تنهایی و بدون
اعمال، مرده است.
۱۸ لیکن کسی خواهد گفت: «تو ایمان
داری و من هم اعمال دارم!» ایمانت را بدون
اعمال به من بنما و من ایمانم را با اعمالم به
تو نشان خواهم داد. ۱۹ تو ایمان داری که خدا
یکی است. نیکو می‌کنی! حتی دیوها نیز ایمان
دارند و از ترس می‌لرزند!
۲۰ ای نادان، می‌خواهی بدانی چرا ایمان بدون
اعمال بی‌ثمر است؟ ۲۱ مگر پدر ما ابراهیم
به اعمال صالح شمرده نشد، وقتی پسر خود
اسحاق را بر قربانگاه تقدیم نمود؟ ۲۲ می‌بینی
که ایمان و اعمال او با هم عمل می‌کردند،
و ایمان او با اعمالش کامل شد. ۲۳ و آن
نوشته تحقق یافت که می‌گوید: «ابراهیم به
خدا ایمان آورد و این برای او صالح بودن
به حساب آمد.» و او دوست خدا خوانده
شد. ۲۴ پس می‌بینید که انسان به اعمال صالح
شمرده می‌شود، نه با ایمانِ تنها.
۲۵ و همچنین مگر راحاب فاحشه نیز به
اعمال صالح شمرده نشد، وقتی که فرستادگان
را پذیرفت و ایشان را از راهی دیگر روانه کرد؟
۲۶ زیرا همان‌گونه که بدن بدون روح مرده
است، ایمان نیز بدون اعمال مرده است.

### رام کردن زبان

۳ ای برادران من، مباد که بسیاری از شما
معلّمان شوید، زیرا می‌دانید که بر ما
معلّمان، داوری سختتر خواهد شد. ۲ زیرا همه
ما به طرق بسیار می‌لغزیم. و اگر کسی در
گفتار خود نلغزد، او انسانی کامل است که
می‌تواند تمامی بدن خود را لگام کند.
۳ ما بر دهان اسبان لگام می‌گذاریم، تا از ما
اطاعت کنند، بدین وسیله تمامی بدنشان را
هدایت می‌کنیم. ۴ کشتی‌ها را بنگرید، گرچه
بزرگ هستند و به وسیله بادهای نیرومند رانده
می‌شوند، امّا ناخدا با سُکانی کوچک می‌تواند
آن را به هر سمتی که بخواهد، هدایت کند.
۵ همچنین، زبان نیز عضوی کوچک است، امّا
ادعاهای بزرگ دارد. جرقه‌ای کوچک می‌تواند
جنگلی بزرگ را به آتش بکشد. ۶ زبان نیز آتشی

**۸.۲** لاویان ۱۹: ۱۸ **۱۱.۲** خروج ۲۰: ۱۴ و تثنیه ۵: ۱۸ **۱۱.۲** خروج ۲۰: ۱۳ و تثنیه ۵: ۱۷

است؛ دنیایی است از ناراستی در میان اعضای بدن ما که همه وجود انسان را آلوده می‌کند و چرخه حیات را به آتش می‌کشد - و آتش آن از جهنم است!
۷ زیرا که انسان هر نوع حیوان و پرنده و خزنده و جاندار دریایی را رام می‌کند و کرده است، ۸ امّا هیچ انسانی قادر به رام کردن زبان نیست، زبان شرارتی است ناآرام و پر از زهر کشنده!
۹ با آن خداوند و پدرمان را متبارک می‌خوانیم و با همان نیز انسانهایی را که به شباهت خدا آفریده شده‌اند، لعنت می‌کنیم. ۱۰ از همان دهان، هم ستایش بیرون می‌آید، هم نفرین! ای برادران من، شایسته نیست چنین باشد. ۱۱ آیا چشمه‌ای از یک شکاف هم آب شیرین جاری می‌سازد و هم آب شور؟ ۱۲ ای برادران من، آیا درخت انجیر، می‌تواند زیتون بار آورد؟ یا درخت مو، انجیر بار آورد؟ همچنین چشمه شور نمی‌تواند آب شیرین تولید کند.

## حکمت از بالا

۱۳ کیست حکیم و فهیم در میان شما؟ پس بگذار اعمال خود را با رفتار نیکو در فروتنی حکمت نشان دهد. ۱٤ امّا اگر در دلهای خود حسد تلخ و جاه‌طلبی دارید، فخر مکنید و خلاف حقیقت سخن مگویید. ۱۵ چنین حکمتی از بالا نازل نمی‌شود، بلکه زمینی و نفسانی و شیطانی است. ۱٦ زیرا هر جا حسد و جاه‌طلبی باشد، در آنجا آشوب و هر گونه کردار زشت خواهد بود.
۱۷ امّا آن حکمت که از بالاست، نخست پاک است، سپس صلح‌آمیز و ملایم و نصیحت‌پذیر، و سرشار از رحمت و ثمرات نیکو، و بی‌طرف و بی‌ریا! ۱۸ و محصول صالح بودن، در صلح، و به دست صلح‌جویان کاشته می‌شود.

## هشدار علیه دنیاگرایی

٤ چه چیز باعث جنگ و جدال در میان شما می‌شود؟ مگر از این نیست که امیالتان در درون شما در جنگ هستند؟ ۲ می‌طلبید و ندارید، پس قتل می‌کنید. طمع می‌ورزید و نمی‌توانید به دست آورید، پس جنگ و جدال می‌کنید. ندارید، زیرا درخواست نمی‌کنید. ۳ درخواست می‌کنید و نمی‌یابید، زیرا به نیّت بد درخواست می‌کنید تا صرف امیال خود کنید.
٤ ای زناکاران، مگر نمی‌دانید دوستی با دنیا دشمنی با خداست؟ پس هر که در پی دوستی با دنیاست، خود را دشمن خدا می‌سازد. ۵ آیا گمان می‌برید کتاب بیهوده می‌گوید: «او نسبت به روحی که در ما ساکن کرده، غیرت بسیار دارد؟» ٦ لیکن او فیض زیاده می‌بخشد. بنابراین می‌گوید:

«خدا با متکبّران مخالفت می‌کند،
امّا فروتنان را فیض می‌بخشد.»

۷ پس خود را تسلیم خدا کنید. در برابر ابلیس مقاومت نمایید، که از شما خواهد گریخت. ۸ به خدا نزدیک شوید، که او نیز به شما نزدیک خواهد شد. ای گناهکاران، دستهای خود را پاک کنید، و ای دو دلان، دلهای خود را طاهر سازید. ۹ زبون شوید و ماتم و گریه کنید. خنده شما به ماتم، و شادی شما به اندوه تبدیل شود. ۱۰ در حضور

خداوند فروتن شوید و او شما را سرافراز خواهد نمود.

[۱۱] ای برادران، برعلیه یکدیگر سخن بد مگویید. کسی که برعلیه برادر خود بد گوید و یا او را داوری کند، برعلیه شریعت بد می‌گوید و شریعت را داوری می‌کند. امّا اگر شریعت را محکوم کنی، انجام دهنده شریعت نیستی بلکه داورِ آن. [۱۲] امّا تنها یک شریعتگذار و داور هست، او که قادر است برهاند و یا هلاک کند. پس تو کیستی که همسایه خود را داوری کنی!

## فخر کردن به فردا

[۱۳] و امّا شما که می‌گویید: «امروز یا فردا به این شهر یا آن شهر خواهیم رفت و سالی را در آنجا به سر خواهیم برد و تجارت خواهیم کرد و سود خواهیم کرد،» [۱٤] حال آنکه نمی‌دانید فردا چه خواهد شد. زندگی شما چیست؟ زیرا بُخاری هستید که کوتاه‌زمانی ظاهر می‌شود و بعد ناپدید می‌گردد. [۱۵] پس باید چنین بگویید: «اگر خداوند بخواهد، زنده می‌مانیم و چنین و چنان می‌کنیم.» [۱٦] چنان که معلوم است شما در تکبّرتان فخر می‌کنید. چنین فخری بد است! [۱۷] بنابراین، هر که بداند چه کاری درست است و آن را انجام ندهد، گناه مرتکب شده است.

## هشدار به ثروتمندان

**۵** و امّا شما ای ثروتمندان، به سبب مصیبتهایی که بر شما خواهد آمد، گریه و شیون کنید. [۲] ثروت شما فاسد و لباسهایتان بید خورده است! [۳] طلا و نقره‌تان زنگ زده‌اند، و زنگ آنها علیه شما گواه خواهد بود و مثل آتش، گوشت شما را خواهد خورد. شما در روزهای آخر ثروت اندوخته‌اید. [٤] اینک مزد کارگرانی که در مزارع شما درو کرده‌اند و شما به فریب آن را نگاه داشته‌اید، بر ضد شما فریاد برمی‌آورد و فریاد دروگران به گوش خداوند لشکرها رسیده است. [۵] شما در روی زمین در تجمّل و خوشگذرانی زندگی کرده‌اید. شما دلهای خود را برای روز کشتار پروار ساخته‌اید. [٦] مرد صالح را محکوم کرده به قتلش رسانیدید. او در مقابل شما مقاومت نمی‌کند.

## صبر در زحمات

[۷] پس ای برادران، تا آمدن خداوند صبر کنید. ببینید چگونه دهقان برای محصول پرارزش زمین انتظار می‌کشد و چگونه صبر می‌کند تا بارانهای پاییزی و بهاری بر زمین ببارد. [۸] پس شما نیز صبور باشید و دلهایتان را قوی سازید، زیرا آمدن خداوند نزدیک است! [۹] ای برادران، به ضدّ یکدیگر غرغر نکنید تا بر شما داوری نشود، اینک، 'داور' بر در ایستاده است.

[۱۰] ای برادران، از زحمت و صبر انبیایی که به نام خداوند سخن می‌گفتند، نمونه گیرید. [۱۱] اینک، ما صبوران را مبارک می‌خوانیم. شما درباره صبر ایوب شنیده‌اید، و می‌دانید که خداوند سرانجام با او چه کرد، زیرا خداوند به‌غایت مهربان و رحیم است.

[۱۲] امّا مهمتر از همه، ای برادران من، سوگند مخورید؛ نه به آسمان، نه به زمین و نه به هیچ سوگند دیگر. بگذارید 'بله' شما بله باشد و 'نه' شما نه، مبادا در محکومیت بیافتید.

**۵.۵** منظور، روز عید

**دعای ایمان**

۱۳ اگر کسی از شما در رنج است، دعا
کند، اگر کسی شاد است، سرود حمد بخواند.
۱۴ اگر کسی از شما بیمار است، مشایخ کلیسا
را بطلبد و آنها برایش دعا کنند و به نام
خداوند او را با روغن تدهین نمایند. ۱۵ دعای
ایمان، بیمار را شفا می‌بخشد و خداوند او را
برمی‌خیزاند، و اگر گناهی کرده باشد، آمرزیده
می‌شود. ۱۶ پس نزد یکدیگر به گناهانِ خود
اعتراف کنید و برای یکدیگر دعا کنید تا شفا
یابید. دعایِ شخص صالح، در عمل، قدرت
بسیار دارد.
۱۷ ایلیا مردی بود با طبیعتی مثل ما و با تمام
وجود دعا کرد که باران نبارد، و سه سال و نیم
باران بر زمین نبارید؛ ۱۸ و باز دعا کرد و آسمان
باران بارید و زمین ثمر خود را به بار آورد.
۱۹ ای برادرانِ من، اگر کسی از شما
از حقیقت منحرف شود، و کسی او را
بازگرداند، ۲۰ بداند که هر کس گناهکاری را از
گمراهی‌اش بازگرداند، جانِ او را از مرگ نجات
خواهد داد و گناهان بسیار را خواهد پوشانید.

# نامه اوّل پِطُرس رسول

## نکاتی چند درباره نامه اوّل پِطرُس

این رساله خطاب به مسیحیانی نوشته شده است که در بخش شمالی آسیای صغیر ساکن بودند. پِطرُس در این رساله سعی بر آن دارد تا آن دسته از ایماندارانی را که به‌خاطر ایمان خود آزار می‌دیدند، تشویق نماید و در این راستا به آنها یادآور می‌شود که آتش امید واقعی در اثر ایمان به مرگ و قیام و وعده بازگشت مسیح در دلها شعله‌ور می‌ماند. ایمانداران باید در پرتو این حقایق، صلیب خود را پذیرا شوند و درد و رنج را بر خود هموار سازند. آنان باید با اطمینان، رنج و سختی را همچون بوته تصفیه کننده تلقی کنند که ایمان آنها را خالص می‌کند و مسلم است که در روز بازگشت مسیح پاداش خود را خواهند یافت.

### تقسیم‌بندی کلّی

- مقدمه (۱:۱-۲)
- یادآوری نجات الهی (۱:۳-۱۲)
- نصایحی پیرامون زندگی مقدّس (۱:۱۳ تا ۲:۱۰)
- مسئولیت مسیحیان به‌هنگام رنج (۲:۱۱ تا ٤:۱۹)
- فروتنی و خدمت مسیحی (٥:۱-۱۱)
- بخش پایانی (٥:۱۲-۱٤)

۱ پطرس، رسول عیسی مسیح،
به غریبانِ پراکنده در پونتوس و غلاطیه
و کاپادوکیه و آسیا و بیطینیه؛ ۲ به آنان که بر
حسب پیشدانی خدای پدر، به تقدیس روح،
برای اطاعت از عیسی مسیح و پاشیدن خون
وی برگزیده شده‌اند:
فیض و سلامتی به‌فزونی بر شما باد.

### تولد دوباره برای امید زنده

۳ متبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی
مسیح که مطابق رحمت عظیم خود، ما را
به واسطه رستاخیز عیسی مسیح از مردگان،
تولّدی تازه بخشید، برای امیدی زنده، ٤ به
میراثی فسادناپذیر و بی‌آلایش و ناپژمردنی که
برای شما در آسمان نگاه داشته شده است؛
٥ که به واسطه قدرت خدا از طریق ایمان
محفوظ هستید برای نجاتی که آماده شده
است تا در زمان آخر آشکار شود. ٦ و در
این شادی می‌کنید، هرچند اکنون زمانی کوتاه،
بنا به ضرورت، در امتحانات گوناگون غمگین
شده‌اید، ۷ تا امتحان اصالت ایمانتان که از
طلای فانی با آزموده شدن در آتش، گرانبهاتر
است، به هنگام ظهور عیسی مسیح برای
تمجید و تجلیل و اکرام یافت شود. ۸ گرچه
او را ندیده‌اید، او را دوست می‌دارید. و گرچه
اکنون او را نمی‌بینید، به او ایمان دارید و
به شادمانی وصف‌ناپذیر و پرجلال شادی
می‌کنید، ۹ و حاصل ایمان خویش یعنی نجات
جانهایتان را می‌یابید.

۱۰ که درباره همین نجات، پیامبران به‌دقّت
گند و کاو می‌کردند، پیامبرانی که از فیض
مقرر برای شما سخن می‌گفتند. ۱۱ و دریافت
می‌نمودند که چه شخص و کدامین زمان
است که روحِ مسیح در ایشان نشان می‌داد،
هنگامی‌که درباره زحمات مسیح و جلالِ پس
از آن پیشگویی می‌کرد، ۱۲ بر ایشان آشکار شد
که نه خویشتن بلکه شما را خدمت می‌کردند،
زمانی که از اموری سخن می‌گفتند که اکنون
درباره‌اش از مبشّران انجیل می‌شنوید، از آنان
که به واسطه روح‌القدس که از آسمان
فرستاده شده، شما را بشارت می‌دهند. حتی
فرشتگان نیز مشتاق نظر کردن در این امورند.

## مقدّس باشید

۱۳ بنابراین، افکار خود را آماده عمل ساخته،
هشیار شوید و امید کامل خود را بر فیضی
بگذارید که به هنگام ظهور عیسی مسیح
به شما عطا خواهد شد. ۱٤ چون فرزندانی
مطیع، دیگر همشکل امیال جهالت سابق خود
مشوید. ۱۵ بلکه مثل آن قدّوس که شما را
خوانده است، شما نیز در همه رفتار خویش
مقدّس باشید، ۱٦ زیرا نوشته شده است:
«مقدّس باشید، زیرا که من قدّوسم.»
۱۷ و اگر او را پدر می‌خوانید که هر کس
را بی‌غرض بر حسب اعمالش داوری می‌کند،
پس دوران غربت خویش را با ترس بگذرانید،
۱۸ زیرا می‌دانید از شیوه زندگی باطلی که از
پدرانتان به ارث برده بودید، بازخرید شده‌اید
نه به چیزهای فانی چون نقره و طلا، ۱۹ بلکه
به خون گرانبهای مسیح، چون آن بره بی‌عیب
و بی‌لکّه. ۲۰ او پیش از بنیاد عالم مقرر شد، امّا
در زمانهای آخر به جهت شما آشکار گردید.
۲۱ که به واسطه او شما به خدایی که او را از
مردگان برخیزانید و او را جلال بخشید، ایمان
آورده‌اید تا ایمان و امیدتان بر خدا باشد.
۲۲ چون با اطاعت از حقیقت، جانهای
خویش را طاهر ساخته‌اید تا محبت برادرانه
بی‌ریا داشته باشید، پس یکدیگر را از دل به
شدّت محبت کنید. ۲۳ زیرا تولد تازه یافته‌اید،
نه از تخم فانی بلکه از غیرفانی، یعنی از کلام
خدا که زنده و باقی است. ۲٤ زیرا،

«هر انسانی چون علف است
و تمامی جلالش چون گُل گیاه.
علف می‌خشکد و گلها می‌ریزند،
۲۵ امّا کلام خداوند
تا به ابد باقی است.»

و این است آن کلامی که به شما بشارت داده
شده است.

## سنگ زنده و قوم مقدّس

۲ پس هر نوع کینه، و هر گونه مکر و ریا و
حسد، و هر قِسم بدگویی را ترک کنید،
۲ و چون کودکان نوزاد، مشتاق شیر خالصِ
روحانی باشید تا به وسیله آن برای نجات رشد
کنید، ۳ اگر به راستی چشیده‌اید که خداوند
نیکوست.
٤ و همانطور که به او نزدیک می‌شوید،
یعنی به آن سنگ زنده که توسط مردم ردّ
شده امّا نزد خدا برگزیده و گرانبها، ۵ شما نیز
مثل سنگهای زنده همانند عمارتی روحانی بنا
می‌شوید تا کهانت مقدّس باشید و به واسطه
عیسی مسیح، قربانی‌های روحانی مقبول به

**۱۳.۱** در متن یونانی، کمر دلهای خود را ببندید **۱٦.۱** لاویان ۱۱: ٤٤ و ٤۵؛ ۱۹: ۲؛ ۲۰: ۷ **۲۵.۱** اشعیا ٤۰: ٦-۸

خدا را تقدیم کنید. ۶ زیرا در کتب مقدّس آمده است که:

«اینک در صَهیون سنگی می‌نهم،
سنگ زاویه برگزیده و گرانبها؛
و هر که بر او توکّل کند
خجل نگردد.»

۷ پس برای شما که ایمان آورده‌اید، اکرام است؛ لیکن برای آنان که ایمان نیاورده‌اند،

«سنگی که معماران رد کردند
همان سنگ زاویه شده است،»

۸ و نیز،

«سنگی لغزش دهنده،
و صخره‌ای که موجب سقوط گردد.»

اینان می‌لغزند چون اطاعت کلام نکردند، چنانکه بر ایشان مقدّر گشته است.

۹ امّا شما ملتی برگزیده و کهانت شاهانه و امتی مقدّس و قومی که ملک خاص وی باشد، هستید، تا فضایل او را اعلان کنید که شما را از تاریکی به نور حیرت‌انگیز خود خوانده است. ۱۰ پیش از این قومی نبودید، لیکن اکنون قوم خدا هستید؛ زمانی از رحمت محروم بودید، امّا اکنون رحمت یافته‌اید.

۱۱ ای عزیزان، خواهش دارم که چون غریبان و بیگانگان از امیال جسمانی که با روح شما در ستیزند، بپرهیزید. ۱۲ رفتارتان در میان بی‌ایمانان پسندیده باشد تا هرگاه به ضدّ شما همانند بدکاران سخن گویند، با دیدن اعمال نیکویتان، خدا را در روز تفقّد، تمجید نمایند.

## اطاعت از صاحبان قدرت

۱۳ به‌خاطر خداوند، مطیع هر مقام بشری باشید، خواه امپراطور که مافوق همه است، ۱۴ و خواه حاکمین، که مأمور وی هستند تا بدکاران را کیفر دهند و نیکوکاران را تحسین کنند. ۱۵ زیرا این است اراده خدا که به نیکوکاری خود، جهالت مردم نادان را ساکت نمایید. ۱۶ چون آزادگان زندگی کنید، امّا آزادی خود را پوششی برای شرارت مسازید، بلکه چون خادمان خدا زندگی کنید. ۱۷ هر کس را احترام نمایید. برادران را محبت کنید. از خدا بترسید. پادشاه را حرمت دارید.

۱۸ ای غلامان، با کمال احترام مطیع اربابان خود باشید، نه فقط نیکان و مهربانان را، بلکه کج‌خُلقان را نیز. ۱۹ زیرا این پسندیده است که کسی به خدا را به فکر دارد، وقتی به ناحق رنج می‌کشد، دردها را تحمل کند. ۲۰ زیرا چه فخر دارد اگر وقتی به سبب گناه تنبیه شوید و تحمّل کنید؟ حال آنکه اگر نیکویی می‌کنید و زحمت ببینید و تحمّل کنید، این نزد خدا پسندیده است. ۲۱ زیرا برای همین خوانده شده‌اید، چونکه مسیح نیز برای شما رنج کشید و نمونه‌ای برای شما گذاشت تا در اثر قدمهای وی راه روید.

۲۲ «او هیچ گناه نکرد،
و فریبی در دهانش یافت نشد.»

۲۳ چون دشنامش دادند، دشنام پس نداد؛ و آنگاه که عذاب کشید، تهدید نکرد، بلکه خود را به دست داور عادل سپرد. ۲۴ او خود، گناهان ما را در بدن خویش بر دار تحمّل کرد، تا برای گناه بمیریم و برای عدالت زیست کنیم. به زخمهایش شفا یافته‌اید. ۲۵ زیرا چون گوسفندان، گمراه شده بودید، امّا اکنون به سوی شبان و ناظر جانهایتان بازگشته‌اید.

---

**۶.۲** اشعیا ۲۸: ۱۶ **۷.۲** مزمور ۱۱۸: ۲۲ **۸.۲** اشعیا ۸: ۱۴ **۲۲.۲** اشعیا ۵۳: ۹ **۲۴.۲** منظور، صلیب **۲۴.۲** اشعیا ۵۳: ۵

### زنان و شوهران

۳ همچنین، ای زنان، مطیع شوهران خود
باشید تا چنانچه برخی کلام را اطاعت
نکنند، بدون سخنی، در اثر رفتار همسرانشان
جذب شوند، ۲ آنگاه که زندگی پاک و
خداترسانه شما را ببینند. ۳ زینت شما ظاهری
نباشد، چون بافتن گیسوان و مزیّن شدن به
جواهرات طلا و پوشیدن لباس فاخر، ٤ بلکه
زینت شما در آن انسان باطنی قلبی باشد که
آراسته است به زیبایی ناپژمردنی روحی ملایم
و آرام، که در نظر خدا گرانبهاست. ٥ زیرا
در گذشته، زنان مقدّسی که بر خدا امید
داشتند، خود را به این گونه می‌آراستند و
تسلیم شوهران خود بودند، ٦ چنانکه سارا
مطیع ابراهیم بود و او را سرور خود می‌خواند.
و شما فرزندان او هستید، اگر نیکویی کنید و
از چیزی نترسید.
۷ به همین‌سان، ای شوهران، با همسرانتان
باملاحظه زیست کنید و زن را همچون ظرفی
ظریف حرمت دارید، از آنجا که ایشان با
شما وارث فیض حیات هستند، تا دعاهایتان
بازداشته نشود.

### رنج کشیدن به جهت صالح بودن

۸ خلاصه، همه شما همفکر و همدرد و
برادر دوست و دلسوز و فروتن باشید. ۹ بدی
را با بدی و دشنام را با دشنام پس ندهید، بلکه
برعکس، برکت بطلبید، زیرا برای همین خوانده
شده‌اید تا وارث برکتی شوید. ۱۰ زیرا،

«هر که حیات را دوست بدارد
و روزهای نیکو ببیند،
زبان خود را از بدی
و لبان خود را از فریب باز دارد.
۱۱ از بدی روی بگرداند و نیکویی کند؛
صلح را بجوید و در پی آن باشد.
۱۲ زیرا که چشمان خداوند
بر صالحان است
و گوشهایش به دعای ایشان،
امّا روی خداوند به ضد بدکاران است.»

۱۳ اگر برای نیکویی کردن غیور هستید،
کیست که به شما ضرر رساند؟ ۱٤ امّا حتی
اگر به جهت صالح بودن رنج دیدید، خوشا به
حالتان! «از آنچه آنان می‌ترسند، شما مترسید
و در هراس مباشید.» ۱۵ بلکه در دل خویش
مسیح خداوند را مقدس بشمارید و همواره
آماده باشید تا هر کس دلیل امیدی را که
در شماست بپرسد، او را پاسخ گویید، لیکن
به‌نرمی و با احترام. ۱٦ وجدانتان را پاک نگاه
دارید تا کسانی که رفتار نیک شما را در
مسیح بد می‌گویند، در همان چیز شرمسار
شوند. ۱۷ زیرا اگر اراده خدا چنین باشد، بهتر
است برای نیکوکاری رنج ببرید تا بدکرداری.
۱۸ زیرا مسیح نیز یک بار برای گناهان رنج
کشید، آن صالح برای ناصالحان، تا ما را
نزد خدا بیاورد. در حالی‌که به‌حسب جسم
مُرد، لیکن به‌حسب روح، زنده گشت ۱۹ و در
همان رفت و این را به ارواحی که در زندان
بودند اعلان کرد. ۲۰ زیرا که در سابق اطاعت
نکردند، آنگاه که حلم خدا در روزگار نوح که
کشتی ساخته می‌شد، انتظار می‌کشید. که در
آن شماری اندک، یعنی هشت نفر، از آب
نجات یافتند. ۲۱ و آن آب نمونه تعمیدی
است که اکنون شما را نجات می‌بخشد، نه دور
کردن آلودگی جسم، بلکه توسّل به خداست

**۱۲.۳** مزمور ۳٤: ۱۲-۱٦ **۱٤.۳** اشعیا ۸: ۱۲

به جهت وجدانی پاک ، به واسطه رستاخیز
عیسی مسیح، ۲۲ همان که به آسمان رفت و به
دست راست خدا است و فرشتگان و ریاستها
و قدرتها مطیعش گشته‌اند.

### مباشران فیض خدا

۴ از آنجا که مسیح در جسم عذاب کشید،
شما نیز خود را به همین نیّت مسلّح
سازید، زیرا آن کس که در جسم عذاب
کشیده، از گناه بازداشته شده است ۲ تا آنکه
باقی عمر را در جسم، نه برطبق امیال انسانی،
بلکه برطبق اراده خدا زندگی کند. ۳ زیرا که
در گذشته به قدر کافی عمر خود را برای
انجام آنچه که خدا نشناسان به انجامش
روان هستند، صرف کرده‌اید، به زندگی در
هرزگی و شهوات و میخوارگی و عیش و نوش
و بت‌پرستیِ شرم‌آور. ۴ از همین رو، تعجب
می‌کنند که شما در چنین بی‌بندوباری‌های
مفرط با ایشان شریک نمی‌شوید، و دشنامتان
می‌دهند. ۵ امّا ایشان به او که آماده است تا بر
زندگان و مردگان داوری کند، حساب خواهند
داد. ۶ از این سبب است که حتی به آنان که
مرده‌اند، بشارت داده شد تا هرچند در جسم
موافق مردم داوری شدند، امّا در روح موافق
خدا زیست کنند.

۷ پایان همه چیز نزدیک است؛ پس
خویشتندار باشید و هشیار در دعا. ۸ مهمتر
از همه، یکدیگر را به شدّت محبت کنید، زیرا
محبت، انبوه گناهان را می‌پوشاند. ۹ یکدیگر
را بدون غرغر میهمانی کنید. ۱۰ همانند
مباشران وفادار فیض گوناگون خدا، یکدیگر
را با هر عطایی که یافته‌اید، خدمت کنید.
۱۱ اگر کسی سخن می‌گوید، مانند سخنان
خدا سخن بگوید؛ و اگر کسی خدمت می‌کند،
با قوّتی که خدا می‌بخشد، خدمت کند، تا در
همه چیز، خدا به واسطه عیسی مسیح جلال
یابد. جلال و توانایی تا ابد بر او باد. آمین.

### رنج کشیدن چون یک مسیحی

۱۲ ای عزیزان، از این امتحان آتشین که
برای آزمودنتان در میان شما است، تعجّب
مکنید، که گویی چیزی غریب بر شما واقع
شده است. ۱۳ بلکه شاد باشید از اینکه شریک
رنجهای مسیح می‌شوید، تا همچنین به هنگام
ظهور جلال او شادی و وجد نمایید. ۱۴ اگر
به خاطر نام مسیح شما را ناسزا گویند، خوشا
به حالتان، زیرا روح جلال و روح خدا بر شما
آرام می‌گیرد. ۱۵ لیکن مباد که هیچیک از شما
به سبب قتل، دزدی، شرارت یا حتی فضولی
عذاب بکشد. ۱۶ امّا اگر چون یک مسیحی
عذاب می‌کشید، شرمسار مباشید، بلکه در این
نام خدا را تمجید کنید. ۱۷ زیرا زمان آن رسیده
که داوری از خانه خدا شروع شود؛ و اگر شروع
آن با ماست، پس سرانجامِ آنان که انجیل خدا
را اطاعت نمی‌کنند، چه خواهد بود؟ ۱۸ و

«اگر صالح به‌دشواری نجات یابد،
پس خدانشناسان و گناهکاران
چه خواهند کرد؟»

۱۹ پس کسانی که به حسب اراده خدا عذاب
می‌کشند، جانهای خویش را به خالق امین
بسپارند و به نیکوکاری ادامه دهند.

### گله خدا را شبانی کنید

۵ من که خود شیخ هستم و شاهد بر
رنجهای مسیح و شریکِ جلالی که آشکار
خواهد شد، مشایخ را در میان شما نصیحت
می‌دهم: ۲ گله خدا را که در میان شماست،
شبانی و نظارت کنید، نه به اجبار بلکه به

رضامندی، آن‌گونه که خدا می‌خواهد؛ و نه برای منافع نامشروع، بلکه با میل و رغبت.
۳ نه آنکه بر کسانی که به دست شما سپرده شده‌اند، سروری کنید، بلکه برای گله نمونه باشید، ٤ تا وقتی شبان اعظم ظاهر شود، تاج جلالِ ناپژمردنی را دریافت کنید.
۵ ای جوانان، شما نیز تسلیم مشایخ باشید. همگی در رفتارتان با یکدیگر لباس فروتنی به تن کنید، زیرا،

«خدا در مقابل متکبران می‌ایستد،
امّا فروتنان را فیض می‌بخشد.»

٦ پس خویشتن را زیرِ دست نیرومند خدا فروتن سازید تا در زمان مناسب سرافرازتان سازد.
۷ همه نگرانی‌های خود را به او بسپارید، زیرا او به فکر شما هست.
۸ هشیار و مراقب باشید، زیرا دشمن شما ابلیس همچون شیری غرّان در گردش است و کسی را می‌جوید تا ببلعد. ۹ پس در ایمان راسخ باشید و در برابر او بایستید، زیرا آگاهید که برادران شما در سراسر دنیا با همین زحمات روبه‌رو هستند. ۱۰ پس از اندک زمانی زحمت، خدای تمامی فیض که شما را به جلال ابدی خود در مسیح خوانده است، خود شما را احیا و استوار و نیرومند و پایدار خواهد ساخت.
۱۱ او را تا ابد قدرت باد. آمین.

## درودهای پایانی

۱۲ به توسط سِلوانُس که او را برادری امین می‌دانم، به اختصار به شما نوشتم تا تشویقتان کنم و شهادت دهم که همین است فیض حقیقی خدا. در آن استوار بمانید.
۱۳ خواهر برگزیده با شما که در بابِل است، و پسر من مَرقُس، به شما سلام دارند.
۱٤ یکدیگر را با بوسه محبت‌آمیز سلام گویید.
بر همه شما که در مسیح هستید، سلامتی باد.

# نامه دوّم پِطُرس رسول

## نکاتی چند درباره نامه دوّم پِطرُس

پِطرُس در نگارش این رساله که خطاب به مسیحیان اولیه است، بر آن است که با معلّمان دروغین مقابله کند که با تعالیم غلط خود باعث فساد اخلاق می‌شدند. پِطرُس در این آماج تعلیم صحیح را به خوانندگان خود عرضه می‌دارد و شناختی درست از خدا و عیسی مسیح خداوند عرضه می‌دارد. در میان تعالیم غلط تعلیمی هم بود که بازگشت مسیح را در آینده انکار می‌کرد. پِطرُس علت تأخیر در بازگشت مسیح را در آن می‌بیند که خدا نمی‌خواهد کسی هلاک شود، بلکه می‌خواهد همه توبه کنند و نجات یابند.

### تقسیم‌بندی کلّی

- مقدمه (۱:۱-۲)
- نصیحتها در خصوص رشد در شخصیت مسیحی (۱:۳-۱۱)
- استدلال بر اصالت پیام پِطرُس (۱:۱۲-۲۱)
- هشدار درباره معلّمان دروغین (فصل ۲)
- قطعیت بازگشت مسیح (۳:۱-۱۶)
- بخش پایانی (۳:۱۷-۱۸)

### سلامها

۱ شَمعون پطرس، غلام و رسول عیسی مسیح،
به آنانی که ایمانی همتراز با ایمان ما یافته‌اند
به توسط عدالت خدا و نجات‌دهنده ما عیسی مسیح.
۲ فیض و سلامتی در شناخت خدا و خداوند
ما عیسی، بر شما افزون باد.

### تثبیت خواندگی و برگزیدگی‌تان

۳ قدرت الهیِ او همه چیزهایی را که برای
حیات و دینداری نیاز داریم به ما ارزانی داشته
است، از طریق شناختِ او که ما را به جلال و
فضیلت خویش خوانده است. ۴ که به واسطه
آنها وعده‌های گرانبها و عظیم خود را به ما
بخشیده، تا از طریق آنها شریک طبیعت الهی
شوید و از فسادی که در نتیجه امیال نفسانی
در دنیا وجود دارد، رهایی یابید.
۵ از این سبب، به سعی تمام بکوشید
تا به واسطه ایمان خود نیکویی بار آورید
و به واسطه نیکویی، شناخت، ۶ و به
واسطه شناخت، خویشتنداری، و به واسطه
خویشتنداری، پایداری، و به واسطه پایداری،
دینداری، ۷ و به واسطه دینداری، محبتِ
برادرانه، و به واسطه محبتِ برادرانه، محبت.
۸ زیرا هرگاه اینها در شما باشد و فزونی یابد،
شما را نمی‌گذارد که در شناخت خداوند ما
عیسی مسیح، بی‌فایده و بی‌ثمر باشید. ۹ زیرا
هر که اینها را ندارد، کوته‌بین و کور است، و
فراموش کرده که از گناهان گذشته خویش

پاک شده است. ۱۰ پس ای برادران، هرچه
بیشتر بکوشید تا خواندگی و برگزیدگی خویش
را تثبیت نمایید، زیرا که اگر چنین کنید،
هرگز سقوط نخواهید کرد. ۱۱ زیرا به این
طریق، دخول به پادشاهیِ ابدی خداوند و
نجات‌دهنده ما عیسی مسیح، به‌فراوانی به
شما عطا خواهد شد.
۱۲ پس این امور را همواره به شما یادآوری
خواهم کرد، هرچند آنها را می‌دانید و در
آن حقیقت که یافته‌اید، استوارید. ۱۳ لیکن
مصلحت چنین می‌دانم تا وقتی‌که در این خیمه
ساکنم، شما را از طریق یادآوری برانگیزانم،
۱۴ زیرا می‌دانم به‌زودی این خیمه را ترک خواهم
گفت، چنانکه خداوندِ ما عیسی مسیح مرا
آگاهانید. ۱۵ و هر چه در توان دارم، خواهم
کرد تا بتوانید پس از رحلتم همواره این امور را
به یاد آورید.

## جلال مسیح و کلام نبوّت

۱۶ زیرا از پی افسانه‌هایی که زیرکانه ابداع
شده باشند، نرفتیم چون قدرت و آمدن
خداوندمان عیسی مسیح را به شما اعلان
کردیم، بلکه شاهدانِ عینیِ کبریایی وی بودیم.
۱۷ زیرا وقتی از خدای پدر، اکرام و جلال یافت
و صدایی از جلال کبریایی به او رسید که «این
است پسر محبوبم که از او خشنودم.» ۱۸ ما
خود این صدا را از آسمان شنیدیم، زیرا که با
او بر آن کوه مقدّس بودیم.
۱۹ و کلامِ بس مطمئن انبیا را داریم که
نیکوست بدان توجه کنید، که چون چراغی
در مکان تاریک می‌درخشد تا آنگاه که سپیده
بردَمد و ستاره صبح در دلهایتان طلوع کند.
۲۰ قبل از هر چیز، بدانید که هیچ نبوّت کتب
مقدّس از تفسیر خودِ نبی نمی‌آید. ۲۱ زیرا هیچ
نبوّت به اراده انسان آورده نشد، بلکه مردمان
تحت نفوذ روح‌القدس از جانب خدا سخن
گفتند.

## انبیا و معلّمان دروغین

۲ امّا در میان قوم، انبیای دروغین نیز
بودند، چنانکه در میان شما نیز معلّمان
دروغین خواهند بود که پنهانی بدعتهای
مهلک خواهند آورد و حتی آن سَروری را که
ایشان را خرید، انکار خواهند کرد و هلاکتی
سریع بر خود خواهند آورد. ۲ بسیاری به دنبال
هرزگی ایشان خواهند رفت و به سبب آنان
راه حقیقت مذمّت خواهد شد. ۳ و در طمع
خویش، به سخنان فریبنده، از شما بهره‌کشی
خواهند کرد. لیکن محکومیتشان که از دیرباز
مقرر شده، بیکار ننشسته و نابودی‌شان خفته
نیست.
۴ زیرا اگر خدا بر فرشتگانی که گناه ورزیدند،
رحم نکرد، بلکه ایشان را به جهنم افکند و در
سیاهچالهای تاریک به زنجیرها سپرد تا برای
داوری نگاه داشته شوند؛ ۵ و اگر بر دنیای
قدیم رحم نکرد، بلکه بر آن عالَمِ بی‌دینان
توفان فرستاد و تنها نوح، آن واعظِ صالح
بودن را، با هفت نفر دیگر محفوظ داشت؛
۶ و اگر شهرهای سُدوم و عَمورَه را خاکستر
نموده، به نابودی محکوم کرد و عبرتی ساخت
از سرانجام بی‌دینی، ۷ و لوطِ صالح را که از
هرزگی بی‌دینان آزرده بود، رهایی بخشید - ۸ زیرا
آن مرد صالح هر روزه در میان ایشان به
سر می‌برد و دل صالح وی از دیدن و شنیدن
اعمال قبیح ایشان آزرده بود - ۹ پس خداوند
می‌داند چگونه صالحان را از امتحانات برهاند

**۴.۲** در متن یونانی، تارتاروس

و گنهکاران را برای مکافاتِ روز داوری نگاه دارد. ۱۰ بخصوص آنان را که در پی شهوات نجاست نَفْس خویشند و هر اقتداری را خوار می‌شمارند.

اینان چنان گستاخند و متکبّر که از اهانت به بزرگان آسمانی پروایی ندارند؛ ۱۱ حال آنکه فرشتگانی که در قدرت و قوت برتر هستند، در اعلان داوری نزد خداوند بر ایشان اهانت نمی‌کنند. ۱۲ لیکن اینان همچون وحوش بی‌شعور که تابع غرایز خویشند و زاده شده‌اند تا به دام افتند و هلاک گردند، در اموری اهانت می‌ورزند که از آن هیچ شناختی ندارند و در هلاکت خود نیز نابود خواهند شد، ۱۳ و مزد ناراستی خود را خواهند یافت. تفریح اینان عیش و عشرت در روز روشن است. ایشان لکّه‌ها و عیبهایی هستند که در نیرنگهایشان عیش و عشرت می‌کنند وقتی با شما ضیافت دارند. ۱۴ چشمانی پر از زنا دارند که از گناه سیر نمی‌شود، و جانهای متزلزل را اغوا می‌کنند. فرزندان ملعون که قلب خود را در طمع‌ورزی تربیت کرده‌اند! ۱۵ راهِ راست را ترک کرده، گمراه شده‌اند و راه بَلعام بن بِعور را که مزد ناراستی را دوست می‌داشت، پیش گرفتند. ۱۶ امّا به سبب تقصیر خود توبیخ شد. الاغی بی‌زبان به صدای انسان سخن گفت و دیوانگی نبی را مهار کرد.

۱۷ اینان، چشمه‌هایی بی‌آب و بخارهایی رانده از تندباد هستند که تاریکی مطلق برایشان مقرّر شده است. ۱۸ زیرا سخنان تکبّرآمیز و باطل گفته، در دام تمایلات جسم، کسانی را که به‌تازگی از چنگ گمراهان رسته‌اند، اغوا می‌کنند. ۱۹ به ایشان وعده آزادی می‌دهند، لیکن خود بنده فساد هستند، زیرا هر چیزی که بر کسی غالب باشد، او بنده آن است. ۲۰ زیرا اگر با شناخت خداوند و نجات‌دهنده ما عیسی مسیح، از فساد دنیا رهایی یافتند، اگر باز بدان گرفتار و مغلوب آیند، عاقبت ایشان بدتر از آغاز خواهد بود. ۲۱ زیرا برای ایشان بهتر می‌بود که راه صالح بودن را نمی‌دانستند، تا اینکه پس از دانستن، از حکم مقدّسی که به ایشان سپرده شد، روی برگردانند. ۲۲ پس آنچه که مثل حقیقی می‌گوید، بر ایشان واقع شده است که:

«سگ به قی خود بازمی‌گردد»،

و

«خوک شسته شده، به غلتیدن در گِل.»

## روز خداوند خواهد آمد

۳ ای عزیزان، این نامه دوّم است که به شما می‌نویسم. هر دو نامه را به قصد یادآوری نوشتم تا شما را به تفکری سالم برانگیزانم، ۲ تا کلامی را که انبیای مقدّس پیش گفته‌اند، به یاد آورید و نیز حکم خداوند و نجات‌دهنده ما را که به واسطه رسولان شما بیان شد.

۳ قبل از هر چیز، بدانید که در ایام آخر استهزاکنندگان خواهند آمد که در پیروی امیال گناه آلود خود، استهزاکنان ۴ خواهند گفت: «پس چه شد وعده آمدن او؟ زیرا از زمانی که پدران ما به خواب رفتند، همه چیز همان‌گونه است که از بدو آفرینش بود!» ۵ زیرا آنان به عمد از این حقیقت غافل هستند که به کلام خدا آسمانها از قدیم بود و زمین از آب و به وسیله آب شکل گرفت؛ ۶ و به وسیله همین، دنیای آن زمان در آب غرق و نابود شد. ۷ لیکن به همان کلام، آسمانها و زمینِ کنونی برای آتش ذخیره شده و تا روز داوری و هلاکت بی‌دینان نگاه داشته شده‌اند.

۸ امّا ای عزیزان، از این نکته غافل مباشید
که نزد خداوند یک روز همچون هزار سال
است و هزار سال همچون یک روز. ۹ برخلاف
گمان برخی، خداوند در انجام وعده‌اش تأخیر
نمی‌ورزد، بلکه نسبت به شما بردبار است و
نمی‌خواهد کسی هلاک شود بلکه همه به توبه
گرایند.
۱۰ امّا روز خداوند چون دزد خواهد آمد، که
در آن آسمانها با غرشی عظیم از بین خواهد
رفت و اجرام آسمانی سوخته شده، از هم
خواهد پاشید و زمین و همه کارهایش سوخته
خواهد شد.
۱۱ از آنجا که همه اینها چنین از هم خواهد
پاشید، شما چگونه مردمان باید باشید؟ در
زندگیِ مقدّس و خداپسندانه، ۱۲ منتظر آمدن
روز خدا باشید و آن را بشتابانید زیرا که
در آن آسمانها به آتش کشیده شده، از هم
خواهند پاشید و اجرام آسمانی از حرارت ذوب
خواهند گردید. ۱۳ امّا ما، بنا بر وعده او، در
انتظار آسمانی جدید و زمینی جدید هستیم که
عدالت در آنها ساکن خواهد شد.

**سخنان پایانی**

۱۴ پس ای عزیزان، چون این امور را انتظار
می‌کشید، به سعی تمام بکوشید تا در حضور
او بی‌لکه و بی‌عیب و در صلح یافت شوید.
۱۵ و صبر خداوندِ ما را نجات بدانید، چنانکه
برادر عزیز ما پولس نیز مطابق حکمتی که
به او عطا شده است، به شما نوشت. ۱۶ او
در همه نامه‌های خود چنین می‌نویسد هرگاه
که از این امور سخن می‌گوید. در آنها بعضی
چیزهاست که درکش دشوار است و جاهلان
و سست‌مایگان آنها را مثل کتبِ دیگر تحریف
می‌کنند که هلاکت ایشان را موجب می‌شود.
۱۷ پس شما ای عزیزان، حال که این را از
پیش می‌دانید، مراقب باشید که مبادا به راه
نادرستِ بی‌دینان گمراه شوید و پایداری‌تان را
از دست بدهید، ۱۸ بلکه در فیض و شناخت
خداوند و نجات‌دهنده ما عیسی مسیح رشد
کنید، که او را از حال تا ابدالآباد جلال باد.
آمین.

# نامه اوّل یوحنا

## نکاتی چند درباره نامه اوّل یوحنا

یوحنا در این رسالهٔ خود سعی بر آن دارد که ایمانداران را در رابطه‌ای که با خدا و پسرش عیسی مسیح دارند، تشویق کند و در مورد هر گونه تعلیم نادرست که به این رابطه صدمه می‌زند، هشدار دهد.

تعالیم نادرست این زمان بر این اندیشه استوار بود که جهانِ مادی در نفس خود پلید است و تماس با آن باعث ناپاکی می‌شود. فقط روح است که پاک می‌باشد. لذا عیسی مسیح، پسر خدا، نمی‌توانسته جسم انسانی به خود گیرد، چرا که جسم ناپاک است و خدا پاک. در میان اینگونه تعالیم که بیشتر از فلسفه ریشه می‌گرفت، تعلیم دیگری هم تأکید بر آن داشت که برای رستگار شدن باید بدن را آزار داد و آن را زبون ساخت. بعضی از معلّمان تا به آنجا پیش می‌رفتند که ادعا می‌کردند چون نجات امری روحانی است و به روح انسان مربوط می‌شود، پس گناهانی که انسان با بدن خود می‌کند، تأثیری بر نجات او و سلامت روح او نمی‌گذارد؛ پس هر کاری که شخص بخواهد، می‌تواند بکند.

در این راستاست که یوحنّا به مقابله با این تعالیم و معلّمانش برمی‌خیزد و اعلان می‌دارد که عیسی مسیح به راستی انسان شد و جسم انسانی به خود گرفت و همه کسانی که به عیسی ایمان دارند و خدا را محبّت می‌کنند، باید از گناه و شرارت دوری جویند و محبّت خود را در عمل به همنوعان خویش نشان دهند.

### تقسیم‌بندی کلّی

- مقدمه (۱:۱-٤)
- نور و تاریکی (۱:٥ تا ۲:۲۹)
- فرزندان خدا و فرزندان شیطان (فصل ۳)
- راستی و ناراستی (٤:۱-٦)
- وظیفه ما در محبّت کردن (٤:۷-۲۱)
- ایمان پیروزمند (فصل ٥)

### کلام حیات

۱ آنچه از آغاز بود، آنچه شنیده و با چشمان خود دیده‌ایم، آنچه بر آن نگریستیم و با دستهای خود لمس کردیم، درباره کلمهٔ حیات. ۲ حیات ظاهر شد و ما آن را دیده‌ایم و بر آن شهادت می‌دهیم و حیات جاودانی را به شما اعلان می‌کنیم که با پدر بود و بر ما ظاهر شد. ۳ ما آنچه را دیده و شنیده‌ایم، به شما نیز اعلان می‌کنیم تا شما نیز با ما مشارکت داشته باشید؛ و مشارکت ما با پدر و با پسرش عیسی مسیح است. ٤ و این را به شما می‌نویسیم تا شادی‌مان کامل گردد.

## راه رفتن در نور

۵ این است پیامی که از او شنیده‌ایم و به
شما اعلان می‌کنیم، که خدا نور است و هیچ
تاریکی در او نیست. ٦ اگر بگوییم با او مشارکت
داریم، در حالی‌که در تاریکی راه می‌رویم، دروغ
می‌گوییم و به حقیقت عمل نمی‌کنیم. ۷ امّا اگر
در نور راه می‌رویم، چنانکه او در نور است، با
یکدیگر مشارکت داریم و خون پسر او عیسی
ما را از هر گناه پاک می‌سازد.
۸ اگر گوییم گناه نداریم، خود را فریب
داده‌ایم و حقیقت در ما نیست. ۹ اگر به
گناهان خود اعتراف کنیم، او وفادار و عادل
است تا گناهان ما را بیامرزد و ما را از
هر ناراستی پاک سازد. ۱۰ اگر گوییم گناه
نکرده‌ایم، او را دروغگو می‌شماریم و کلام او
در ما نیست.

## مسیح مدافع ما

۲ ای فرزندانم، اینها را به شما می‌نویسم
تا گناه نکنید. امّا اگر کسی گناهی کرد،
مدافعی نزد پدر داریم، یعنی عیسی مسیح
صالح. ۲ او کفّاره است برای گناهان ما، و نه
گناهان ما فقط، بلکه برای گناهان تمامی جهان
نیز.
۳ و از این می‌دانیم که او را می‌شناسیم اگر
احکامش را نگاه داریم. ٤ هر که گوید "او
را می‌شناسم" امّا احکامش را نگاه نمی‌دارد،
دروغگوست و حقیقت در او نیست. ۵ امّا هر
که کلام او را نگاه دارد، محبت خدا به راستی
در او کامل شده است. از این می‌دانیم که در
او هستیم: ٦ هر که می‌گوید که در او می‌ماند،
باید همان‌گونه رفتار کند که او رفتار می‌کرد.

## حکمی تازه

۷ ای عزیزان، حکمی تازه به شما نمی‌نویسم،
بلکه حکمی قدیمی که از ابتدا داشتید. این حکم
قدیمی، همان کلام است که شنیده‌اید. ۸ در
عین حال، حکمی تازه به شما می‌نویسم که در
او و در شما حقیقت است، زیرا تاریکی سپری
می‌شود و نور حقیقی هم‌اکنون می‌درخشد.
۹ هر کس گوید که در نور است و از برادر
خود نفرت دارد، هنوز در تاریکی است. ۱۰ هر
کس که برادر خود را محبت می‌کند، در نور
ساکن است و در او هیچ سبب لغزش نیست.
۱۱ امّا آن که از برادر خود نفرت دارد، در
تاریکی است و در تاریکی راه می‌رود و نمی‌داند
کجا می‌رود، زیرا تاریکی چشمانش را کور کرده
است.
۱۲ ای فرزندان، به شما می‌نویسم،
زیرا گناهانتان به‌خاطر نام او آمرزیده
شده است.
۱۳ ای پدران، به شما می‌نویسم،
زیرا او را که از ابتدا است، می‌شناسید.
ای جوانان، به شما می‌نویسم،
زیرا بر آن شریر غلبه یافته‌اید.
ای بچه‌ها، به شما می‌نویسم،
زیرا پدر را می‌شناسید.
۱٤ ای پدران، به شما می‌نویسم،
زیرا او را که از ابتدا است، می‌شناسید.
ای جوانان، به شما می‌نویسم،
زیرا توانا هستید و کلام خدا در شما
ساکن است،
و بر آن شریر غلبه یافته‌اید.

**۲.۲** یا، شفیعی

### دنیا را دوست مدارید

۱۵ دنیا و آنچه را در دنیا است، دوست
مدارید. اگر کسی دنیا را دوست بدارد، محبتِ
پدر در او نیست. ۱۶ زیرا هر چه در دنیاست،
یعنی امیال جسم و هوسهای چشم و غرور
زندگانی از پدر نیست بلکه از دنیاست. ۱۷ دنیا
و هوسهای آن می‌گذرد، امّا هر که اراده خدا
را به جا می‌آورد، تا ابد باقی می‌ماند.

### هشدار دربارهٔ 'ضدّمسیحان'

۱۸ ای بچه‌ها، این ساعتِ آخر است و
چنانکه شنیده‌اید 'ضدّمسیح' می‌آید، هم‌اکنون
نیز ضدّمسیحان بسیار ظهور کرده‌اند، و از
این می‌دانیم که ساعت آخر است. ۱۹ آنها از
میان ما بیرون رفتند، امّا از ما نبودند؛ زیرا
اگر از ما بودند، با ما می‌ماندند. لیکن بیرون
رفتند، که این آشکار شود که همه ایشان از
ما نیستند.
۲۰ امّا شما از آن قدّوس، مسح را یافته‌اید
و همه شما معرفت را دارید. ۲۱ اینها را به
شما می‌نویسم، نه از آن سبب که حقیقت را
نمی‌دانید، بلکه از آن رو که آن را می‌دانید، و از
این سبب که هیچ دروغی از حقیقت نیست.
۲۲ دروغگو کیست، جز آنکه مسیح بودنِ
عیسی را انکار می‌کند. این همان 'ضدّمسیح'
است که هم پدر و هم پسر را انکار می‌کند.
۲۳ هر که پسر را انکار کند، پدر را هم ندارد و
هر که پسر را اقرار کند، پدر را نیز دارد.
۲۴ بگذارید آنچه از ابتدا شنیده‌اید در شما
باقی بماند. اگر آنچه از ابتدا شنیده‌اید در شما
باقی بماند، آنگاه شما نیز در پسر و در پدر باقی
خواهید ماند. ۲۵ و این است آنچه او به ما
وعده داده است، یعنی حیات جاویدان.
۲۶ من اینها را به شما درباره کسانی نوشتم
که گمراهتان می‌کنند. ۲۷ امّا آن مسح که از او
یافته‌اید، در شما باقی می‌ماند و نیازی ندارید
کسی شما را تعلیم دهد، بلکه مسحِ او درباره
همه چیز به شما تعلیم می‌دهد و آن مسح،
حقیقی است، نه دروغین. پس همان‌گونه که
به شما تعلیم داده است، در او باقی بمانید.

### فرزندان خدا

۲۸ پس اکنون، ای فرزندان، در او باقی بمانید
تا آنگاه که او ظهور کند اطمینان داشته باشیم
و هنگام آمدنش از وی شرمنده نشویم. ۲۹ اگر
دریافته‌اید که او صالح است، پس می‌دانید آن
که عدالت را به عمل می‌آورد، از او مولود شده
است.
۳ ببینید پدر چه محبتی به ما عطا کرده
است تا فرزندان خدا خوانده شویم! و
چنین نیز هستیم! از این سبب است که دنیا
ما را نمی‌شناسد، زیرا که او را نشناخت. ۲ ای
عزیزان، اینک فرزندانِ خدا هستیم، و آنچه
خواهیم بود، هنوز آشکار نشده است. امّا
می‌دانیم آنگاه که او ظاهر شود، مانند او
خواهیم بود، زیرا او را چنانکه هست، خواهیم
دید. ۳ و هر که چنین امیدی بر وی دارد، خود
را پاک می‌سازد، چنانکه او پاک است.
۴ هر کس گناه را به عمل می‌آورد، برخلاف
شریعت عمل می‌کند؛ زیرا گناه مخالفت با
شریعت است. ۵ شما می‌دانید که او ظهور کرد
تا گناهان را از میان بردارد و در او هیچ گناهی
نیست. ۶ آن که در او می‌ماند، گناه نمی‌کند، و

**۱۶.۲** یا، غرورِ دارایی

هر که گناه می‌کند، او را نه دیده و نه شناخته است.
۷ ای فرزندان، کسی شما را گمراه نسازد. هر که صالحانه عمل می‌کند، صالح است، چنانکه او صالح است. ۸ آن که در گناه زندگی می‌کند، از ابلیس است، زیرا ابلیس از همان ابتدا گناه کرده است. پسر خدا از این جهت ظهور کرد تا کارهای ابلیس را باطل سازد. ۹ آن که از خدا مولود شده است، گناه نمی‌کند، زیرا بذر خدا در او می‌ماند؛ پس او نمی‌تواند در گناه زندگی کند، زیرا که از خدا مولود شده است. ۱۰ فرزندان خدا و فرزندان ابلیس این‌گونه آشکار می‌شوند: آن که صالحانه عمل نمی‌کند، از خدا نیست، و همچنین هر که برادر خود را محبت نمی‌کند.

## یکدیگر را محبت کنید

۱۱ زیرا این است پیامی که از ابتدا شنیده‌اید، که باید یکدیگر را محبت کنیم. ۱۲ نه چون قائن که از آن شریر بود و برادر خود را کشت. و چرا او را کشت؟ زیرا اعمال خودش بد بود و اعمال برادرش خوب. ۱۳ ای برادران، از اینکه دنیا از شما نفرت دارد، تعجب نکنید. ۱٤ ما می‌دانیم که از مرگ به زندگی منتقل شده‌ایم، زیرا برادران را محبت می‌کنیم. هر که محبت نمی‌کند، در مرگ ساکن است. ۱۵ کسی که از برادر خود نفرت دارد، قاتل است و شما می‌دانید که در هیچ قاتلی حیات جاودان سکونت ندارد.
۱٦ محبت را از این شناخته‌ایم که او جان خود را در راه ما نهاد و ما باید جان خود را در راه برادران بنهیم. ۱۷ لیکن اگر کسی از مال دنیا برخوردار باشد و برادر خود را محتاج ببیند، ولی شفقت خود را از او دریغ کند، چگونه محبت خدا در او ساکن است؟ ۱۸ ای فرزندان، بیایید محبت کنیم، نه به زبان و در گفتار، بلکه در عمل و در راستی.
۱۹ از این خواهیم دانست که از حقیقت هستیم و دل خود را در حضور او مطمئن خواهیم ساخت؛ ۲۰ زیرا هرگاه دلمان ما را محکوم کند، خدا بزرگتر از دلهای ما است و همه چیز را می‌داند. ۲۱ ای عزیزان، اگر دل ما، ما را محکوم نکند، در حضور خدا اطمینان داریم ۲۲ و هرآنچه از او درخواست کنیم، خواهیم یافت، زیرا احکام او را نگاه می‌داریم و آنچه وی را خشنود می‌سازد، انجام می‌دهیم. ۲۳ و این است حکم او که به نام پسرش عیسی مسیح ایمان بیاوریم و یکدیگر را محبت کنیم، چنانکه به ما امر فرمود. ۲٤ هر که احکام او را نگاه دارد، در خدا ساکن است و خدا در وی. و از این می‌دانیم که او در ما ساکن است، توسط آن روح که به ما عطا کرده است.

## روحها را بیازمایید

٤ ای عزیزان، هر روح را باور مکنید، بلکه روح‌ها را بیازمایید که آیا از خدا هستند یا نه. زیرا انبیای دروغین بسیار به دنیا بیرون رفته‌اند. ۲ به این، روح خدا را می‌شناسیم: هر روح که اقرار کند که عیسی مسیح در جسمِ بشری ظاهر شده، از خداست. ۳ و هر روح که عیسی را اقرار نمی‌کند، از خدا نیست. این همان روحِ 'ضدّمسیح' است که شنیده‌اید می‌آید و هم‌اکنون نیز در دنیا است.
٤ ای فرزندان، شما از خدا هستید و بر آنها غلبه یافته‌اید، زیرا آن که در شماست بزرگتر است از آن که در دنیاست. ۵ آنها از دنیا هستند، بنابراین آنچه می‌گویند از دنیاست و دنیا آنها را می‌شنود. ٦ ما از خدا هستیم و کسی

که خدا را می‌شناسد، ما را می‌شنود؛ ولی آن که از خدا نیست، ما را نمی‌شنود. و از این روحِ حقیقت و روحِ گمراهی را تشخیص می‌دهیم.

### خدا محبت است

۷ ای عزیزان، یکدیگر را محبت کنیم، زیرا محبت از خداست و هر که محبت می‌کند، از خدا مولود شده است و خدا را می‌شناسد. ۸ آن که محبت نمی‌کند، خدا را نمی‌شناسد، زیرا خدا محبت است. ۹ محبت خدا این‌چنین در میان ما آشکار شد که خدا پسر یگانه خود را به جهان فرستاد تا به واسطه او حیات داشته باشیم. ۱۰ محبت در همین است، نه آنکه ما خدا را محبت کردیم، بلکه او ما را محبت کرد و پسر خود را فرستاد تا کفّاره گناهان ما شود. ۱۱ ای عزیزان، اگر خدا ما را این‌چنین محبت کرد، ما نیز باید یکدیگر را محبت کنیم. ۱۲ هیچ‌کس هرگز خدا را ندیده است؛ اگر یکدیگر را محبت کنیم، خدا در ما ساکن است و محبت او در ما کامل شده است.

۱۳ از این می‌دانیم که در او ساکن هستیم و او در ما، زیرا که از روح خود به ما داده است. ۱٤ و ما دیده‌ایم و شهادت می‌دهیم که پدر، پسر خود را فرستاده است تا نجات‌دهنده جهان باشد. ۱۵ هر که اقرار می‌کند عیسی پسر خداست، خدا در او ساکن است و او در خدا. ۱٦ پس ما دانسته و باور کرده‌ایم محبتی را که خدا برای ما دارد.

خدا محبت است و کسی که در محبت ساکن است، در خدا ساکن است و خدا در او. ۱۷ محبت این‌چنین با ما کامل شده است تا در روز داوری اطمینان داشته باشیم، زیرا چنانکه او هست، همچنین ما نیز در این دنیا هستیم. ۱۸ در محبت ترس نیست، بلکه محبت کامل، ترس را بیرون می‌اندازد؛ زیرا ترس با مجازات مرتبط است و کسی که می‌ترسد، در محبت کامل نشده است.

۱۹ ما محبت می‌کنیم زیرا او اوّل ما را محبت کرد. ۲۰ اگر کسی گوید که: «خدا را محبت می‌نمایم» و از برادر خود نفرت داشته باشد، او دروغگو است. زیرا کسی که برادر خود را، که می‌بیند، محبت نکند، نمی‌تواند خدایی را که ندیده است، محبت نماید. ۲۱ و ما این حکم را از او یافته‌ایم که هر که خدا را محبت می‌کند، باید برادر خود را نیز محبت کند.

### غلبه بر دنیا

۵ هر که ایمان دارد عیسی همان مسیح است، از خدا مولود شده است؛ و هر که پدر را محبت می‌کند، فرزند او را نیز محبت می‌کند. ۲ از این می‌دانیم که فرزندان خدا را محبت می‌کنیم که خدا را محبت می‌کنیم و از احکام او اطاعت می‌نماییم. ۳ زیرا محبت خدا این است که احکام او را نگاه داریم و احکام او سنگین نیستند. ٤ زیرا هر که از خدا مولود شده است، بر دنیا غلبه می‌یابد و این است پیروزی‌ای که دنیا را مغلوب کرده است؛ یعنی ایمان ما. ۵ کیست آن که بر دنیا غلبه می‌یابد، جز آن که ایمان دارد عیسی پسر خداست؟

### شهادت درباره پسر خدا

٦ این است آن که با آب و خون آمد، یعنی عیسی مسیح. تنها نه به آب، بلکه با آب و خون. و روح است که شهادت می‌دهد، زیرا روح، حقیقت است. ۷ زیرا سه هستند که شهادت می‌دهند: ۸ روح و آب و خون؛ و این سه یک هستند. ۹ اگر ما شهادت انسان را بپذیریم، شهادت خدا بزرگتر است، زیرا

این است شهادت خدا که درباره پسرش داده
است. ۱۰ هر که به پسر خدا ایمان دارد، این
شهادت را در خود دارد. امّا آن که به خدا
ایمان ندارد، او را دروغگو شمرده است، زیرا
به شهادتی که خدا درباره پسر خود داده،
ایمان نیاورده است. ۱۱ و آن شهادت این است
که خدا به ما حیات جاودان بخشیده، و این
حیات در پسر اوست. ۱۲ آن که پسر را دارد،
حیات را دارد و آن که پسر خدا را ندارد، حیات
را ندارد.

### تا شما بدانید

۱۳ اینها را به شما نوشتم که به نام پسر
خدا ایمان دارید، تا بدانید که حیات جاودان
دارید. ۱۴ و این است اطمینانی که نسبت به
او داریم که اگر چیزی بر طبق اراده وی
درخواست کنیم، ما را می‌شنود. ۱۵ و اگر
می‌دانیم که هرآنچه از او درخواست کنیم
ما را می‌شنود، پس می‌دانیم که آنچه از او
خواسته‌ایم، دریافت کرده‌ایم.

۱۶ اگر کسی ببیند برادرش گناهی می‌کند که
به مرگ نمی‌انجامد، دعا کند و خدا به او
حیات خواهد بخشید - آن‌کس را که گناهش
به مرگ نمی‌انجامد. گناهی هست که به مرگ
می‌انجامد؛ درباره چنین گناه نمی‌گویم که باید
دعا کرد. ۱۷ هر عمل نادرست گناه است، ولی
گناهی هم هست که به مرگ نمی‌انجامد.
۱۸ ما می‌دانیم که هر که از خدا مولود
شده است، در گناه زندگی نمی‌کند، بلکه آن
'مولودِ خدا' او را حفظ می‌نماید و آن شریر
او را لمس نمی‌کند. ۱۹ ما می‌دانیم که از خدا
هستیم و تمامی دنیا در آن شریر خوابیده
است. ۲۰ همچنین می‌دانیم که پسر خدا آمده
است و به ما فهم بخشیده تا او را بشناسیم که
حق است، و ما در او هستیم که حق است،
یعنی در پسر او عیسی مسیح. اوست خدای
حق و حیات جاودان.
۲۱ ای فرزندان، خود را از بتها محفوظ نگاه
دارید.

# نامه دوّم یوحنا

## نکاتی چند درباره نامه دوّم یوحنا

یوحنا در نامه دوّم "بانوی برگزیده و فرزندانش" را مخاطب قرار می‌دهد که با توجّه به شرایط آزار و اذیّتی که کلیسا در آن بود، به احتمال زیاد مقصود از این بانو و فرزندانش، کلیسایی محلی و اعضای آن بوده باشند. در این نامه یوحنّا سعی دارد به کلیسا در رابطه با خطر معلّمان دروغین و تعالیم آنها هشدار دهد.

### تقسیم‌بندی کلّی

- مقدّمه (۱-۳)
- اهمیّت محبّت (٤-٦)
- هشدار در مورد تعالیم نادرست (۷-۱۱)
- بخش پایانی (۱۲-۱۳)

### سلامها

۱ از شیخ کلیسا، به بانوی برگزیده و
فرزندانش که ایشان را در 'حقیقت'
دوست می‌دارم - و نه تنها من، بلکه همه
آنان که حقیقت را می‌شناسند - ۲ به سبب آن
حقیقت که در ما ساکن است و تا ابد با ما
خواهد بود.
۳ فیض و رحمت و سلامتی از جانب خدای
پدر و از جانب عیسی مسیح، پسر آن پدر، در
حقیقت و محبت با ما خواهد بود.

### رفتار در حقیقت و محبت

٤ بسیار شادمان شدم که دریافتم برخی از
فرزندان تو در 'حقیقت' رفتار می‌کنند، چنانکه
از پدر این حکم را یافته‌ایم . ٥ و حال، ای بانوی
گرامی، از تو التماس دارم نه آنکه حکمی تازه به
تو بنویسم، بلکه همان که از ابتدا داشته‌ایم،
که یکدیگر را محبت کنیم. ٦ و محبت این
است که مطابق احکام او رفتار نماییم و حکم
همان است که از ابتدا شنیده‌اید تا در محبت
رفتار نمایید.
۷ زیرا که فریبکاران بسیار به دنیا بیرون
رفته‌اند، که آمدن عیسی مسیح در جسم را
اقرار نمی‌کنند. چنین کس، همان فریبکار و
ضدّمسیح است. ۸ مراقب خود باشید تا آنچه
را که ما عمل کردیم، شما بر باد ندهید، بلکه
پاداشی کامل دریافت کنید. ۹ هرکس که فراتر
می‌رود و در تعلیم مسیح پایدار نمی‌ماند، خدا
را ندارد. هرکس که در آن تعلیم پایدار بماند،
هم پدر و هم پسر را دارد. ۱۰ اگر کسی نزد
شما آید و این تعلیم را نیاورد، او را به خانه
خود مپذیرید و او را خوشامد مگویید؛ ۱۱ زیرا
هر که او را خوشامد گوید، در اعمال بدش
شریک می‌شود.

### سلامهای پایانی

۱۲ هرچند بسیار چیزها دارم که به شما
بنویسم، لیکن نمی‌خواهم با قلم و کاغذ باشد.

امّا امیدوارم نزدتان بیایم و رویاروی گفتگو کنیم تا شادی‌مان کامل شود.

۱۳ فرزندان خواهرِ برگزیده‌ات، به تو سلام می‌رسانند.

# نامه سوّم یوحنا

## نکاتی چند درباره نامه سوّم یوحنا

این نامه فردی به نام گایوس را مخاطب قرار می‌دهد که بسیاری از مسیحیان را کمک کرده است. یوحنّا در این نامه از فردی به نام دیوت‌رِفیس هشدار می‌دهد.

### تقسیم‌بندی کلّی

- مقدمه (۱-٤)
- تحسین گایوس (٥-۸)
- محکومیت دیوت‌رِفیس (۹-۱۰)
- تمجید دیمیتریوس (۱۱-۱۲)
- بخش پایانی (۱۳-۱۵)

### سلامها

۱ از شیخ کلیسا،
به گایوس عزیز که او را در ’حقیقت‘ دوست می‌دارم.
۲ ای عزیز، دعا می‌کنم که از هر جهت کامیاب و تندرست بوده باشی، چنانکه جانت کامیاب است. ۳ زیرا بسیار شادمان شدم وقتی برادران آمدند و بر راستی‌ات شهادت دادند چنانکه به راستی در حقیقت رفتار می‌کنی. ٤ شادی‌ای بیش از این ندارم که بشنوم فرزندانم در ’حقیقت‘ رفتار می‌نمایند.
٥ ای عزیز، تو در همه کارهایت برای این برادران، بخصوص که غریب هستند، وفاداری خود را نشان می‌دهی، ٦ که در حضور کلیسا بر محبت تو شهادت داده‌اند. پس کاری نیکو می‌کنی اگر ایشان را به طور شایسته خدا، روانه سفر کنی. ۷ زیرا که ایشان به خاطر آن نام بیرون رفته، از غیریهودیان چیزی دریافت نمی‌کنند. ۸ پس ما باید چنین کسان را حمایت کنیم تا با ایشان همکاران برای حقیقت باشیم.
۹ مطلبی به کلیسا نوشتم، امّا دیوتْرِفیس که دوست دارد خود را اوّل بگذارد، اقتدار ما را تصدیق نمی‌کند. ۱۰ پس چون بیایم، به آنچه می‌کند رسیدگی خواهم کرد، زیرا که ناروا به ضدّ ما یاوه‌گویی می‌کند، و به این قانع نشده، از پذیرش برادران سر باز می‌زند؛ و کسانی را نیز که می‌خواهند، مانع می‌شود و از کلیسا بیرون می‌کند.
۱۱ ای عزیز، از بدی سرمشق مگیر، بلکه از نیکویی سرمشق بگیر. هر که نیکویی کند، از خدا است و هر که بدی کند، خدا را ندیده است. ۱۲ همه و خودِ حقیقت نیز درباره دیمیتریوس نیکو شهادت می‌دهند. ما نیز شهادت می‌دهیم و می‌دانید که شهادت ما راست است.

### سلامهای پایانی

۱۳ بسیار چیزها داشتم به تو بنویسم، لیکن نمی‌خواهم با مرکّب و قلم باشد. ١٤ امیدوارم به زودی تو را ببینم و رویاروی گفتگو خواهیم کرد.

۱۵ سلامتی بر تو باد! دوستان برای تو سلام می‌رسانند. دوستان را
به نام سلام برسان.

# نامه یهودا

## نکاتی چند درباره نامه یهودا

این نامه نیز در مورد معلمّان دروغین هشدار می‌دهد و شباهت زیادی به نامه دوّم پِطرُس دارد. یهودا در این نامه مخاطبانش را تشویق می‌کند که برای حفظ ایمان و اعتقادی که یک بار برای همیشه به مؤمنان سپرده شده است، مجاهده کنند.

## تقسیم‌بندی کلّی

- مقدمه (۱-۲)
- شخصیت و تعلیم معلّمان دروغین و محکومیت آنان (۳-۱۶)
- دعوت به حفظ ایمان (۱۷-۲۳)
- دعای برکت و خاتمه (۲۴-۲۵)

### سلامها

۱ یهودا، غلام عیسی مسیح و برادر یعقوب،
به خوانده شدگانی که در خدای پدر، محبوبند، و برای عیسی مسیح محفوظ نگاه داشته شده‌اند:
۲ رحمت و سلامتی و محبت، به‌فزونی بر شما باد.

### داوری بر معلمان دروغین

۳ ای عزیزان، گرچه اشتیاق بسیار داشتم تا درباره نجاتی که در آن سهیم هستیم به شما بنویسم، امّا لازم دیدم به شما بنویسم تا شما را به مجاهده در ایمانی برانگیزانم که یک بار برای همیشه به مقدسین سپرده شده است. ۴ زیرا برخی اشخاص که محکومیتشان از دیرباز تعیین شده بود، مخفیانه رخنه کرده‌اند، مردمان خدانشناس که فیض خدای ما را به هرزگی تبدیل کرده و عیسی مسیح، تنها سرور و خداوند ما را انکار می‌نمایند.
۵ با آنکه خود یبه طور کامل آگاهی یافته‌اید، باز می‌خواهم یادآور شوم که عیسی قوم خود را از سرزمین مصر رهانید، سپس آنانی را که ایمان نداشتند، هلاک کرد. ۶ و فرشتگانی را که در مقام ریاست خود نماندند، بلکه مسکن مناسب خویش را ترک گفتند، در زنجیرهای ابدی برای داوریِ روز عظیم، در تاریکی مطلق نگاه داشته است. ۷ همچنین سُدوم و عَموره و شهرهای اطراف، که مثل آنان بی‌عفتی کردند و در پی شهوات غیرطبیعی رفتند، با تحمّل مجازاتِ آتش ابدی، همانند درس عبرت مقرر گشتند.
۸ لیکن با این وجود، این اشخاص نیز، با اتّکا بر خوابهایشان، بدنهای خود را نجس می‌سازند، هر اقتداری را ردّ می‌کنند و به بزرگان آسمانی تهمت می‌زنند. ۹ لیکن میکائیل، فرشته اعظم، آنگاه که با ابلیس درباره جسد موسی

---

**۷.۱** در متن یونانی، آرزومند بدن غریب شدند

مجادله می‌کرد، جرأت نکرد خود، او را به سبب اهانت محکوم کند، بلکه گفت: «خداوند، تو را توبیخ فرماید!» ۱۰ امّا این اشخاص به آنچه نمی‌فهمند، اهانت می‌ورزند و در آنچه مثل حیوانات بی‌شعور که از روی غریزه می‌فهمند، خود را فاسد می‌سازند.

۱۱ وای بر آنان، زیرا که به راه قائن رفته‌اند و در پی سود، به گمراهی بلعام گرفتار آمده‌اند و در طغیان قورح هلاک گشته‌اند.

۱۲ اینان در ضیافتهای محبت‌آمیز شما لکه‌ها هستند، چون با شما بی‌پروا به ضیافت می‌پردازند، شبانانی که خود را می‌پرورانند؛ ابرهای بی‌بارانِ رانده شده از بادها، درختان پاییزی بی‌میوه که دو بار مرده و از ریشه کنده شده‌اند. ۱۳ امواج خروشان دریا که عار خود را چون کف برمی‌آورند، ستارگانی سرگردان که تاریکی مطلقِ ابدی برایشان مقرر است.

۱٤ لیکن خَنوخ، که هفتم پس از آدم بود، درباره همینها پیشگویی کرده، می‌گوید: «اینک، خداوند با هزاران هزار از مقدّسین خود می‌آید ۱۵ تا داوری را بر همه به انجام رساند و همه بی‌دینان را به سبب تمامی اعمال خلاف دینداری که در بی‌دینی انجام داده‌اند، محکوم سازد و به سبب همه سخنان زشتی که گناهکاران بی‌دین بر ضدّ او گفته‌اند.» ۱٦ اینان غرغرکنندگانند، گله‌مندان که در پی شهوات خویشند؛ و لاف‌زنان پر هیاهو که به جهت سودجویی مردمان را تملّق می‌گویند.

## دعوت به استقامت

۱۷ امّا شما ای عزیزان، پیشگویی رسولان خداوند ما عیسی مسیح را به یاد داشته باشید. ۱۸ که به شما گفتند: «در زمانهای آخر، استهزاکنندگان خواهند آمد که بنا بر شهوات بی‌دینی خود رفتار خواهند کرد.» ۱۹ اینانند که مسبب جدایی‌ها هستند، مردمانی نفسانی و عاری از روح.

۲۰ امّا شما ای عزیزان، خویشتن را در ایمان بسیار مقدس خود بنا کنید و در روح‌القدس دعا نمایید ۲۱ و خود را در محبت خدا نگاه دارید، و منتظر رحمت خداوند ما عیسی مسیح باشید که به حیات جاودان هدایت می‌کند. ۲۲ نسبت به آنانی که شکّ می‌کنند، رحیم باشید؛ ۲۳ بعضی را از آتش بیرون کشیده، نجات دهید؛ و بر بعضی دیگر با ترس، رحمت نشان دهید و حتی از جامه‌های آلوده به جسم متنفر باشید.

## ستایش پایانی

۲٤ الان او را که قادر است شما را از لغزش محفوظ بدارد و در حضور پرجلال خویش بی‌عیب به شادی عظیم حاضر سازد، ۲۵ بر آن خدای یکتا و نجات‌دهنده ما، به واسطه عیسی مسیح، خداوند ما، از ازل، حال، و تا ابد، جلال و شکوه و توانایی و قدرت بادا! آمین.

**۹.۱** در اینجا معلوم نیست که یهودا از کدام منبع نقل قول می‌کند، لیکن در منبع مورد نظر یهودا، شیطان با بستن اتهام قتل، به موسی اهانت می‌کند و می‌خواهد بر این اساس از تدفین محترمانه جسد موسی به دست میکائیل جلوگیری نماید.

# مکاشفه یوحنا

## نکاتی چند درباره کتاب مکاشفه

یوحَنّای رسول این کتاب را از جزیره پَطمُس می‌نویسد که به خاطر ایمان خود به مسیح به آنجا تبعید شده است. در زمان نگارش این کتاب، مسیحیان تحت جفایی سنگین هستند و یوحنّا بر آن است که با کلمات این کتاب آنها را به پایداری تشویق نماید و امید را در دلشان زنده نگه دارد. در ابتدای کتاب از یوحنّا می‌خوانیم: «مکاشفه عیسی مسیح.» این عبارت را به دو شکل می‌شود درک کرد: مکاشفه‌ای است که عیسی مسیح عطا می‌کند، و یا اینکه مکاشفه خود عیسی مسیح است. در واقع منظور از این عبارت هر دو معنی آن است. مکاشفه‌ای است که خدا به عیسی مسیح داده است تا او هم به خادمانش بدهد. و این مکاشفه، مکاشفه خود اوست. در این کتاب چهار مکاشفه اصلی وجود دارد؛ از فصل ۱ تا ۳ عیسی در مقام خداوند کلیسا، از فصل ٤ تا ١٦ عیسی در مقام خداوند تاریخ، از فصل ۱۷ تا ۲۰ عیسی در مقام رب‌الارباب و پادشاه پادشاهان و در مکاشفهٔ چهارم عیسی در مقام خداوند و قادر مطلق. پس می‌بینید که هر چه در کتاب مکاشفه به پیش می‌رویم، خداوندی عیسی مسیح بیشتر و بیشتر در مقابل چشم قرار می‌گیرد. در این کتاب مکاشفات و رؤیاها در قالب زبانی نمادین بیان شده است. این زبان برای مسیحیان آن عصر قابل درک بود، امّا برای مسیحیان سایر اعصار آکنده از رمز و راز است. علیرغم تفاسیر گوناگونی که از این کتاب به عمل می‌آید، پیام و موضوع مرکزی کتاب کاملاً روشن است: سرانجام، خدا به واسطه مسیحِ خداوند، بر همه دشمنان، از جمله شیطان، پیروز خواهد شد و وفادارانِ خویش را پاداش خواهد داد و برکات آسمان جدید و زمین جدید را به‌هنگام پیروزی کامل به آنان خواهد بخشید.

### تقسیم‌بندی کلّی

- مقدمه (۱:۱-۸)
- رؤیای آغازین و نامه به هفت کلیسا (۱:۹ تا ۳:۲۲)
- کتابی با هفت مُهر (۱:٤ تا ۱:۸)
- هفت شیپور (۸:۲ تا ۱۱:۱۹)
- اژدها و دو وحش (۱۲:۱ تا ۱۳:۱۸)
- رؤیاهای گوناگون (۱٤:۱ تا ۱۵:۸)
- هفت جام غضب خدا (۱٦:۱-۲۱)
- نابودی بابِل و شکست وحش و نبی دروغین و ابلیس (۱۷:۱ تا۲۰:۱۰)
- داوری نهایی (۲۰:۱۱-۱۵)
- آسمان جدید، زمین جدید و اورشلیم جدید (۲۱:۱ تا ۲۲:۵)
- بخش پایانی (۲۲:٦-۲۱)

## مقدمه

۱ مکاشفه عیسی مسیح، که خدا به او
بخشید تا آنچه را می‌باید زود واقع شود،
به خادمان خود آشکار سازد. او آن را با
فرستادن فرشته خود بر خادمش یوحنا آشکار
نمود، ۲ که بر هر آنچه دید، یعنی بر کلام
خدا و شهادت عیسی مسیح گواهی می‌دهد.
۳ خوشا به حال کسی که این کلامِ نبوّت
را می‌خواند و خوشا به حال آنان که آن را
می‌شنوند و آنچه را در آن نوشته شده، نگاه
می‌دارند؛ زیرا وقت نزدیک است.

## سلامها به هفت کلیسا

۴ یوحنا، به هفت کلیسا که در آسیا هستند:
فیض و سلامتی بر شما باد از جانب او
که هست و بود و می‌آید و از هفت روح که
پیش تخت او هستند، ۵ و از عیسی مسیح،
آن شاهد امین، نخست‌زاده از مردگان، و
فرمانروای پادشاهان جهان.
بر او که ما را محبت می‌کند و با خون خود
ما را از گناهانمان رهانید، ۶ و ما را برای خدا و
پدر خود، یک پادشاهی ساخت و کاهنان، بر
او جلال و قدرت باد، تا ابد. آمین.
۷ اینک با ابرها می‌آید و هر چشمی او را
خواهد دید، حتی آنانی که او را نیزه زدند؛ و
همه طوایفِ زمین برای وی ناله و زاری خواهند
کرد. و چنین خواهد بود. آمین.
۸ «مَن هستم 'الف' و 'یا'، می‌گوید آن
خداوندْ خدا که هست و بود و می‌آید، آن قادر
مطلق.»

## رویای پسر انسان

۹ من یوحنا، برادر شما، که شریک در رنجها
و پادشاهی و استقامت در عیسی هستم،
به‌خاطر کلام خدا و شهادت عیسی در جزیره
پاتموس بودم. ۱۰ در روزِ خداوند، در روح
شدم و صدایی بلند چون صدای شیپور از
پشت سر خود شنیدم ۱۱ که می‌گفت: «آنچه
را که می‌بینی در کتابی بنویس و به هفت
کلیسای اَفِسُس، اِسمیرنا، پِرگاموم، تیاتیرا،
ساردِس، فیلادِلفیه و لائودیکیه بفرست.»
۱۲ آنگاه برگشتم تا آن صدایی را که با
من سخن می‌گوید؛ ببینم؛ و چون برگشتم،
هفت چراغدان طلا دیدم، ۱۳ و در میان آن
چراغدانها یکی را دیدم شبیه 'پسر انسان' که
ردایی بلند بر تن داشت و دور سینه‌اش شالی
زرّین بسته بود. ۱۴ مویهای سرش چون پشم
سفید بود، مثل برف، و چشمانش چون شعله
آتش. ۱۵ پاهایش چون برنجِ صیقل یافته که
در کوره تصفیه شده باشد، و صدایش مثل
غرّش آبهای بسیار بود. ۱۶ و در دست راستش
هفت ستاره داشت و از دهانش شمشیر دو
دمه‌ای تیز بیرون می‌آمد، و چهره‌اش چون
آفتاب در قوّت کاملش می‌درخشید.
۱۷ وقتی او را دیدم مثل مرده پیش پایهایش
افتادم. امّا او دست راستش را بر من گذاشته،
گفت: «مترس، من هستم اوّل و آخر، ۱۸ آن
که زنده است. مرده بودم، امّا اینک تا به ابد
زنده هستم و کلیدهای مرگ و جهانِ مردگان
را در دست دارم.
۱۹ پس بنویس آنچه را دیده‌ای، آنچه هست
و آنچه بعد از این خواهد شد. ۲۰ راز آن

---

**۱۰.۱** منظور آن روزی بود که در آن مردم امپراطوری هر سال در معبد امپراطور جمع می‌شدند و او را خدا اعلان می‌کردند. **۱۳.۱** دانیال ۷: ۱۳

هفت ستاره که در دست راست من دیدی و هفت چراغدان طلا این است: آن هفت ستاره، فرشتگان هفت کلیسا هستند، و آن هفت چراغدان، هفت کلیسا می‌باشند.

### به کلیسای اَفِسُس

۲ «به فرشته کلیسای در اَفِسُس بنویس:
کلام او را که هفت ستاره در دست راست خود دارد و در میان هفت چراغدان طلا راه می‌رود. ۲ اعمال و سختکوشی و پایداری تو را می‌دانم که چگونه شریران را تحمّل نمی‌توانی کرد، لیکن کسانی را که خود را رسول می‌خوانند و نیستند، آزموده‌ای و آنان را دروغگو یافته‌ای. ۳ می‌دانم که صبورانه استقامت کرده‌ای و به خاطر نام من سختی‌ها را تحمّل کرده‌ای و خسته نشده‌ای.
۴ امّا این ایراد را بر تو دارم که محبت نخستین خود را ترک کرده‌ای. ۵ پس به یاد آور که از کجا افتاده‌ای، توبه کن و اعمال نخستین را به جا آور. اگر توبه نکنی، نزد تو خواهم آمد و چراغدانت را از جایش برمی‌دارم. ۶ ولی این را داری که از کارهای نیکولاییان بیزاری، چنانکه من نیز بیزارم.
۷ آن که گوش دارد بشنود که روح به کلیساها چه می‌گوید. هر که غالب آید، به او عطا خواهم کرد که از درخت حیات که در فردوس خداست، بخورد.

### به کلیسای اِسمیرنا

۸ و به فرشته کلیسای در اِسمیرنا بنویس:
آن اوّل و آن آخر که مُرد و زنده شد، چنین می‌گوید: ۹ رنج و فقر تو را می‌دانم، لیکن ثروتمند هستی و با خبر هستم از تهمت‌های آنانی که خود را یهود می‌خوانند و نیستند، بلکه کنیسه شیطانند! ۱۰ از رنجی که خواهی کشید، مترس. اینک ابلیس برخی از شما را به زندان خواهد انداخت تا آزموده شوید و ده روز آزار خواهید دید. لیکن تا به مرگ وفادار بمان که من تاج حیات را به تو خواهم داد.
۱۱ آن که گوش دارد بشنود که روح به کلیساها چه می‌گوید. هر که غالب آید، از مرگ دوّم ضرر نخواهد دید.

### به کلیسای پِرگاموم

۱۲ و به فرشته کلیسای در پِرگاموم بنویس:
او که شمشیر دو دمه تیز دارد، چنین می‌گوید: ۱۳ می‌دانم کجا ساکن هستی، جایی‌که تخت شیطان است. با این وجود نام مرا محکم نگاه می‌داری، و ایمان مرا انکار نکردی، حتی در روزهای آنتیپاس، آن شاهدِ امینِ من که در میان شما، جایی‌که شیطان ساکن است، کشته شد.
۱۴ امّا، ایراداتی بر تو دارم. در آنجا کسانی را داری که از تعلیم بلعام پیروی می‌کنند، همان کسی که بالاق را آموخت که در راه

---

**۶.۲** برخی از پدران کلیسا مانند آیرنیوس و هیپولیتوس می‌گویند که نیکولاویان پیرو شخصی به نام «نیکولاس» بودند که ممکن است همان نیکولاس از انطاکیه باشد که در اعمال رسولان ۶:۵ به عنوان یکی از هفت شماس انتخاب شده بود. طبق برخی روایت‌ها، او از ایمان منحرف شد و تعالیمی نادرست را ترویج داد. البته صحت تاریخی این موضوع قطعی نیست. هرچند کتاب‌مقدس جزئیات زیادی درباره تعالیم این گروه نمی‌دهد، اما از متن و نوشته‌های پدران اولیه کلیسا می‌توان چنین فهمید که آنها با فساد اخلاق و بت‌پرستی سازش می‌کردند، خوردن گوشت‌های قربانی‌شده برای بت‌ها را مجاز می‌دانستند. فیض را بهانه قرار داده، به ارتکاب گناه ادامه می‌دادند و قداست زندگی مسیحی را زیر پا می‌گذاشتند. **۹.۲** در متن یونانی، کفرگویی

بنی‌اسرائیل سنگ لغزشی بگذارد، تا از خوراک تقدیمی به بتها بخورند و بی‌عفتی به جا آورند. ۱۵ و همچنین، کسانی را داری که از تعلیم نیکولاییان پیروی می‌کنند. ۱۶ پس توبه کن، وگرنه به‌زودی نزد تو خواهم آمد و با شمشیر دهانم با آنها خواهم جنگید.

۱۷ آن که گوش دارد بشنود که روح به کلیساها چه می‌گوید. هر که غالب آید، به او از آن 'مَنّای' مخفی خواهم داد و به او سنگی سفید خواهم بخشید که بر آن سنگ نام تازه‌ای نوشته شده است، که هیچ کس آن را نمی‌داند جز آن که آن را دریافت می‌کند.

### به کلیسای تیاتیرا

۱۸ و به فرشته کلیسای در تیاتیرا بنویس:

پسر خدا که چشمانی چون شعله آتش و پاهایی چون برنجِ صیقل یافته دارد، چنین می‌گوید: ۱۹ اعمال و محبت و ایمان و خدمت و پایداری تو را می‌دانم، و اینکه اعمال آخر تو بیش از اوّل است. ۲۰ امّا این ایراد را بر تو دارم که با آن زن ایزابل نام مدارا می‌کنی که خود را نبیه می‌خواند و با تعلیم خود خادمان مرا گمراه می‌کند تا مرتکب بی‌عفتی شوند و از خوراک قربانی بتها بخورند. ۲۱ به او مهلت داده‌ام تا توبه کند، امّا نمی‌خواهد که از بی‌عفتی خود توبه کند. ۲۲ اینک او را به بستر بیماری خواهم انداخت و آنانی را که با او زنا می‌کنند، در رنجی عظیم خواهم افکند، مگر اینکه از کارهای او توبه کنند. ۲۳ و فرزندان او را به قتل خواهم رسانید. آنگاه همه کلیساها خواهند دانست که من هستم کاوشگر دلها و افکار و به هر یک از شما مطابق اعمالش خواهم داد. ۲۴ امّا به بقیه شما در تیاتیرا، که این تعلیم را نگاه نمی‌دارید و 'چیزهای عمیق شیطان' را چنانکه بعضی می‌گویند، نیاموخته‌اید، به شما می‌گویم، که بر شما باری دیگر نمی‌گذارم. ۲۵ بلکه به آنچه دارید، محکم بچسبید تا من بیایم.

۲۶ هر که غالب آید و اعمال مرا تا به آخر نگاه دارد، او را بر ملتها اقتدار خواهم بخشید، ۲۷ و او با عصای آهنین بر آنان حکمرانی خواهد کرد؛ و آنان را چون کوزه گِلی خُرد خواهد نمود، همچنانکه من خود این اقتدار را از پدرم یافته‌ام. ۲۸ و به او ستاره صبح را خواهم بخشید. ۲۹ آن که گوش دارد بشنود که روح به کلیساها چه می‌گوید.

### به کلیسای ساردِس

**۳** و به فرشته کلیسای در ساردِس بنویس:

آن که هفت روح خدا و هفت ستاره را دارد، چنین می‌گوید: اعمال تو را می‌دانم. به این معروف هستی که زنده‌ای، امّا مرده‌ای. ۲ بیدار شو و آنچه را که باقی مانده و در حال مرگ است، استوار گردان! زیرا که اعمال تو را نزد خدایم کامل نیافتم. ۳ پس آنچه را یافته و شنیده‌ای، به یاد آور؛ آن را نگاه دار و توبه کن. اگر بیدار نشوی، چون دزد خواهم آمد و تو آن ساعت را که به سراغت می‌آیم، نخواهی دانست.

۴ امّا هنوز چند نفر در ساردِس داری که لباس خود را آلوده نکرده‌اند و در لباس سفید با من راه خواهند رفت، زیرا که لایق هستند. ۵ پس هر که غالب آید، به جامه سفید ملبّس خواهد شد و نام او را هرگز از دفتر حیات محو نخواهم نمود، بلکه نامش را در حضور پدرم و فرشتگانش اقرار خواهم کرد. ۶ آن که گوش دارد بشنود که روح به کلیساها چه می‌گوید.

**۱۵.۲** پاورق ۲: ۶ **۲۷.۲** در متن یونانی، شبانی

## به کلیسای فیلادِلفیه

۷ و به فرشته کلیسای فیلادِلفیه بنویس:
آن که قدّوس و حق است، آن که کلید داوود را دارد، آن که می‌گشاید و هیچ‌کس نخواهد بست، و می‌بندد و هیچ‌کس نخواهد گشود، چنین می‌گوید: ۸ اعمال تو را می‌دانم. اینک دری گشوده پیش روی تو گذاشته‌ام که هیچ‌کس قادر نیست آن را ببندد. می‌دانم که قدرت کمی داری، و تا کنون کلام مرا نگاه داشته‌ای و نام مرا انکار نکرده‌ای. ۹ اینک آنانی را که از کنیسه شیطانند و خود را یهود می‌خوانند و نیستند، بلکه دروغ می‌گویند، اینک، ایشان را وادار خواهم نمود که بیایند و پیش پایهای تو سجده کنند و ایشان خواهند دانست که من تو را دوست داشته‌ام. ۱۰ از آنجا که کلام مرا در پایداری حفظ کرده‌ای، من نیز تو را از ساعت امتحان که بر کل جهان خواهد آمد تا ساکنان زمین را بیازماید، محفوظ خواهم داشت.
۱۱ به‌زودی می‌آیم. به آنچه داری، محکم بچسب تا کسی تاج تو را نگیرد. ۱۲ هر که غالب آید، او را ستونی در معبد خدایم خواهم ساخت، و هرگز آنجا را ترک نخواهد کرد و من نام خدایم را و نام شهر خدایم اورشلیم جدید را که از جانب خدا از آسمان نازل می‌شود، و نام جدید خود را بر او خواهم نوشت. ۱۳ آن که گوش دارد بشنود که روح به کلیساها چه می‌گوید.

## به کلیسای لائودیکیه

۱٤ و به فرشته کلیسای لائودیکیه بنویس:
آن آمین، آن شاهد امین و حق، آن که ابتدای خلقت خداست، چنین می‌گوید: ۱۵ اعمال تو را می‌دانم؛ می‌دانم که نه سردی و نه گرم. ایکاش یا سرد بودی یا گرم. ۱٦ پس چون ولرمی، نه گرم و نه سرد، تو را از دهانم تف خواهم کرد. ۱۷ زیرا می‌گویی: "دولتمندم؛ مال اندوخته‌ام و به چیزی محتاج نیستم." و نمی‌دانی که بدبخت و اسف‌انگیز و تنگدست و کور و عریان هستی. ۱۸ تو را نصیحت می‌کنم که از من طلای تصفیه شده به آتش را بخری تا دولتمند شوی؛ و به لباس‌های سفید، ملبس گردی تا شرمِ عریانی‌ات دیده نشود؛ و مرهم، تا بر چشمان خود بگذاری و بینا شوی.
۱۹ من کسانی را که دوست می‌دارم، توبیخ و تأدیب می‌کنم. پس غیور شو و توبه کن. ۲۰ اینک بر در ایستاده می‌کوبم. اگر کسی صدای مرا بشنود و در را بگشاید، به درون خواهم آمد و با او غذا خواهم خورد و او با من.
۲۱ هر که غالب آید، او را خواهم بخشید تا با من بر تخت من بنشیند، چنانکه من غالب آمدم و با پدرم بر تخت وی نشستم. ۲۲ آن که گوش دارد بشنود که روح به کلیساها چه می‌گوید.»

## تختی در آسمان

٤ پس از آن نظر کردم و اینک دری گشوده در آسمان بود، و آن صدایِ اوّل را که چون بانگ شیپور با من سخن گفته بود، شنیدم که گفت: «به اینجا بالا بیا، تا از آنچه که بعد از این می‌باید واقع شود، تو را نشان دهم.» ۲ فورا در روح شدم و تختی در آسمان دیدم که کسی بر آن تخت نشسته بود. ۳ و آن تخت‌نشین، ظاهری چون سنگ یشم و عقیق داشت و دور تخت، رنگین‌کمان بود که ظاهری چون زمرّد داشت. ٤ گرداگرد تخت، بیست و چهار تخت بود و بر آنها بیست و

چهار پیر، ملبس به لباس سفید نشسته بودند و بر سر ایشان تاجهای طلا بود. ٥ و از تخت، درخشش صاعقه و غرّش و صداهای رعد برمی‌خاست و در جلوی تخت، هفت مشعل مشتعل بود که هفت روحِ خدا می‌باشند. ٦ و پیش تخت، چیزی چون دریایی از شیشه بود، مانند بلور.

و در اطراف تخت، در هر سمت آن، چهار موجود زنده می‌باشند که از پیش و پس به چشمان پُر هستند. ٧ موجود زنده اوّل، مانند شیر و موجود زنده دوّم مانند گوساله و موجود زنده سوّم صورتی چون انسان داشت و موجود زنده چهارم مانند عقابی در پرواز بود. ٨ و آن چهار موجود زنده، هریک از آنها شش بال داشت و دور تا دور و در درون، پُر از چشمان بودند، و شبانه‌روز باز نمی‌ایستند از گفتن:

«قدّوس، قدّوس، قدّوس است
خداوندْ خدای قادر مطلق،
که بود و هست و می‌آید.»

٩ هر زمان که آن موجودات زنده، جلال و عزّت و سپاس نثار آن تخت‌نشین می‌کنند که تا به ابد زنده است، ١٠ آن بیست و چهار پیر پیش روی آن تخت‌نشین می‌افتند و او را که تا به ابد زنده است، می‌پرستند و تاجهایشان را پیش تخت انداخته، می‌گویند:

١١ «ای خداوند و خدای ما،
تو سزاوار جلال و عزّت و قدرتی،
زیرا که تو همه چیز را آفریده‌ای
و به اراده تو آنها هستی یافتند
و آفریده شدند.»

## طومار و برّه

٥ آنگاه در دست راست آن تخت‌نشین طوماری دیدم با نوشته‌هایی بر پشت و روی آن و مُهر شده به هفت مُهر. ٢ و فرشته‌ای نیرومند دیدم که به صدای بلند ندا می‌کرد: «کیست که سزاوار گشودن طومار و شکستن مُهرهایش باشد؟» ٣ و هیچ‌کس، نه در آسمان، نه بر زمین، و نه در زیر زمین، قادر نبود که طومار را بگشاید یا در آن نظر کند. ٤ و من به صدای بلند می‌گریستم، زیرا هیچ‌کس یافت نشد که سزاوار گشودن طومار یا نظر کردن در آن باشد. ٥ و یکی از پیران به من گفت: «گریان مباش. اینک آن شیرِ قبیله یهودا، آن ریشه داوود، غالب آمده است، تا طومار و هفت مُهر آن را بگشاید.»

٦ و در میان تخت و آن چهار موجود زنده و در میان پیران، برّه‌ای ایستاده دیدم که گویی ذبح شده باشد و هفت شاخ و هفت چشم داشت که هفت روح خدا هستند که به تمام زمین فرستاده شده‌اند. ٧ و آمده، طومار را از دست راست آن تخت‌نشین گرفت. ٨ و چون طومار را گرفت، آن چهار موجود زنده و آن بیست و چهار پیر در حضور برّه افتادند و هر یک از آنها چنگی در دست و کاسه‌ای طلایی پُر از بخور داشتند که دعاهای مقدسین است. ٩ و سرودی تازه سرودند و می‌گفتند:

«تو سزاوار گرفتن طومار
و گشودن مُهرهای آن هستی،
زیرا که ذبح شدی،
و با خون خود مردم را
از هر قبیله و زبان و قوم و ملت،
برای خدا خریدی؛
١٠ و آنان را برای خدای ما
یک پادشاهی ساخته‌ای و کاهنان.

و ایشان بر زمین
سلطنت خواهند کرد.»
۱۱ آنگاه نظر کردم و صدای فرشتگان بسیار
را شنیدم که گرداگرد تخت و موجودات زنده و
پیران بودند و شمار آنها کُرورها کُرور و هزاران
هزار بود. ۱۲ که با صدای بلند می‌گفتند:
«سزاوار است آن بره ذبح شده
که قدرت و دولت و حکمت و توانایی،
و حرمت و جلال و برکت را بیابد.»
۱۳ و شنیدم که هر مخلوق در آسمان و بر
زمین و زیر زمین و در دریا، با هرآنچه که در
آنهاست، می‌گویند:
«تخت نشین و برّه را برکت و حرمت، و
جلال و قدرت باد
تا به ابد.»
۱۴ و آن چهار موجود زنده گفتند: «آمین»، و
آن پیران به روی افتادند و پرستش کردند.

## هفت مُهر

۶ و دیدم که برّه یکی از آن هفت مُهر را
گشود، و شنیدم یکی از آن چهار موجود
زنده با صدایی بلند چون رعد می‌گوید: «بیا!»
۲ و اینک اسبی سفید دیدم که سوارش کمانی
دارد، و به او تاجی داده شد، و او فاتحانه بیرون
آمد تا غلبه کند.
۳ و چون دوّمین مُهر را گشود، شنیدم که
دوّمین موجود زنده گفت: «بیا!» ۴ و اسبی
دیگر بیرون آمد که سرخ‌گون بود و به سوارش
قدرت داده شد تا صلح را از زمین بردارد
تا مردم یکدیگر را به قتل برسانند و به او
شمشیری بزرگ داده شد.
۵ و چون سوّمین مُهر را گشود، شنیدم که
سوّمین موجود زنده می‌گوید: «بیا!» و دیدم،
اینک، اسبی سیاه که سوارش ترازویی در دست
داشت. ۶ و از میان آن چهار موجود زنده
چیزی شبیه به صدایی شنیدم که می‌گوید:
«یک پیمانه گندم، به یک دینار، و سه پیمانه
جو، به یک دینار؛ و روغن و شراب را ضایع
مکن!»
۷ و هنگامی که چهارمین مُهر را گشود،
صدای چهارمین موجود زنده را شنیدم که
می‌گوید: «بیا!» ۸ و نگاه کردم، و اینک اسبی
پریده‌رنگ که سوارش مرگ نام داشت و جهان
مردگان از پی او می‌آمد. و به آنها بر یک‌ربع
زمین قدرت داده شد تا با شمشیر و قحطی و
بیماری مهلک و وحوش زمین را بکُشند.
۹ هنگامی که مُهر پنجم را گشود، در زیر
مذبح، نفوس کسانی را دیدم که برای کلام خدا
و برای شهادتی که داشتند، کشته شده بودند.
۱۰ ایشان به صدای بلند فریاد می‌زدند که: «ای
خداوند مقتدر، ای قدّوس، ای برحق، تا به کی
داوری نمی‌نمایی و انتقام خون ما را از ساکنان
زمین نمی‌کشی؟» ۱۱ آنگاه به هر یک از آنها،
ردایی سفید داده شد و به ایشان گفته شد
که کمی دیگر آرامی نمایند تا شمار همکاران و
برادرانشان که می‌باید چون آنان کشته شوند،
کامل گردد.
۱۲ و هنگامی که ششمین مُهر را گشود،
دیدم که اینک زلزله‌ای عظیم روی داد و
آفتاب چون پلاس پشمی، سیاه شد، و قرص
ماه، چون خون گشت. ۱۳ و ستارگان آسمان
بر زمین افتادند، مانند درخت انجیری که
میوه زمستانی‌اش به تکان تندبادی می‌ریزد.

**۶.۶** در متن یونانی، واژهٔ "خُوینیکس" به کار برده شده که تقریبا معادل یک لیتر است **۶.۶** سکه‌ای رومی که معادل یک روز دستمزد یک کارگر معمولی بود

١٤ و آسمان چون طوماری پیچیده شده، زایل
گردید و هر کوه و جزیره از جای خود برداشته
شد.
١٥ آنگاه پادشاهان زمین و بزرگان، و
سپهسالاران و دولتمندان و قدرتمندان، و
هر غلام و هر آزاد خود را در غارها و در
میان صخره‌های کوهها پنهان کردند. ١٦ و به
کوهها و صخره‌ها می‌گفتند: «بر ما بیفتید و
ما را از صورت آن تخت‌نشین و از غضب برّه
پنهان کنید. ١٧ زیرا که روز بزرگ غضب آنان
رسیده است و کیست که بتواند بایستد؟»

### مُهر شدن ١٤٤٠٠٠ اسرائیلی

٧ پس از آن، دیدم چهار فرشته در
چهارگوشه زمین ایستاده‌اند و چهار باد
زمین را بازمی‌دارند تا هیچ بادی بر خشکی و
دریا و هیچ درختی نوزد. ٢ آنگاه فرشته‌ای دیگر
دیدم که از محل طلوع آفتاب بالا می‌آمد و
مُهر خدای زنده با او بود. و به صدای بلند
به آن چهار فرشته که قدرت یافته بودند به
خشکی و دریا آسیب رسانند، ندا کرد که:
٣ «به خشکی و دریا و درختان آسیب نرسانید تا
بر پیشانی بندگان خدایمان مُهر زنیم.» ٤ آنگاه
شنیدم که شماره مُهرشدگان صد و چهل و
چهار هزار از تمامی قبایل بنی‌اسرائیل بود.
٥ از قبیله یهودا دوازده هزار مُهر شدند،
و از قبیله رِئوبین، دوازده هزار،
و از قبیله جاد، دوازده هزار،
٦ و از قبیله آشیر، دوازده هزار،
و از قبیله نَفتالی، دوازده هزار،
و از قبیله مَنَسی، دوازده هزار،
٧ و از قبیله شَمعون، دوازده هزار،
و از قبیله لاوی، دوازده هزار،
و از قبیله یِساکار، دوازده هزار،
٨ و از قبیله زِبولون، دوازده هزار،
و از قبیله یوسف، دوازده هزار،
و از قبیله بِنیامین دوازده هزار مُهر شدند.

### انبوهی عظیم از هر ملّت

٩ پس از آن دیدم که اینک انبوهی عظیم
که هیچ‌کس آنان را نمی‌توانست شمرد، از هر
ملّت و طایفه و قوم و زبان پیش تخت و در
پیشگاه برّه، ملبّس به ردای سفید و شاخه نخل
به دست، ایستاده بودند. ١٠ و به صدای بلند
فریاد می‌زدند که: «نجات از آن خدای ماست،
که بر تخت نشسته؛ و از آنِ بره است.»
١١ و همه فرشتگان، گرداگرد تخت و
گرداگرد پیران و چهار موجود زنده ایستاده
بودند؛ و در پیش تخت به روی افتادند و خدا
را پرستش کرده، ١٢ گفتند:
«آمین! برکت و جلال و حکمت و سپاس
و اکرام و قدرت و توانایی خدای ما را باد، تا
ابدالاباد. آمین!»
١٣ آنگاه یکی از آن پیران خطاب به من
پرسید: «اینان که ردای سفید به تن دارند،
کیستند و از کجا آمده‌اند؟» ١٤ به او گفتم:
«ای آقا، تو می‌دانی.» و او مرا گفت: «اینان
همان کسانند که از عذاب عظیم بیرون
آمده‌اند و رداهای خود را در خون برّه
شسته‌اند و سفید کرده‌اند. ١٥ از این رو در
پیشگاه تخت خدا هستند،
و شبانه‌روز او را در معبدش
خدمت می‌کنند؛
و آن تخت‌نشین، با حضور خود
ایشان را پناه می‌دهد.
١٦ و دیگر هرگز گرسنه نخواهند شد،
و هرگز تشنه نخواهند گردید،
و دیگر آفتاب و نه هیچ گرمای سوزان

ایشان را آسیب نخواهد رسانید.
۱۷ زیرا برّهٔ در مرکز تخت،
شبان آنان خواهد بود،
و آنان را به چشمه‌های آب حیات
راهنمایی خواهد کرد.
و خدا هر اشکی را از چشم آنان
پاک خواهد نمود.»

## مُهر هفتم و مجمر طلا

۸ هنگامی که برّه مُهر هفتم را گشود، حدود نیم‌ساعت سکوت بر آسمان ساکن شد.
۲ و آن هفت فرشته را دیدم که در پیشگاه خدا می‌ایستند، و به آنان هفت شیپور داده شد.
۳ و فرشته‌ای دیگر آمده با مجمری از طلا پیش مذبح ایستاد و به او بخور بسیار داده شد تا آن را با دعاهای همه مقدسین بر مذبح زرین پیش تخت تقدیم کند. ۴ و دود بخور با دعاهای مقدسین از دستهای آن فرشته به حضور خدا بالا رفت. ۵ آنگاه فرشته مجمر را گرفت و آن را از آتش مذبح پُر کرد و بر زمین انداخت، و غرّش رعد بود و صداها و برقها و یک زلزله.

## هفت شیپور

۶ و آن هفت فرشته که هفت شیپور را داشتند، آماده نواختن آنها شدند.
۷ فرشته اوّل شیپورش را نواخت، و در پی آن، تگرگ و آتش آمیخته با خون آمد و بر زمین ریخته شد و یک سوّم زمین سوخت و یک سوّم درختان سوختند و همه سبزه‌ها سوختند.
۸ فرشته دوّم شیپورش را نواخت، و چیزی مثل کوهی بزرگ، مشتعل به آتش، به دریا افکنده شد و یک سوّم دریا خون گردید. ۹ و یک سوّم موجودات زنده دریا مُردند و یک سوّم کشتی‌ها منهدم شدند.
۱۰ فرشته سوّم شیپورش را نواخت، و ستاره‌ای عظیم چون مشعلی سوزان از آسمان فرود آمد و بر روی یک سوّم از رودخانه‌ها و چشمه‌های آب افتاد. ۱۱ نام آن ستاره 'آفسَنتین می‌باشد، و یک سوّم آبها تلخ شد. و مردمان بسیار از آبها که تلخ شده بود، مُردند.
۱۲ فرشته چهارم شیپورش را نواخت، و یک سوّم آفتاب و یک سوّم ماه و یک سوّم ستارگان را ضربه زد، تا یک سوّم روشنایی‌شان تاریک شود و یک سوّم روز بی‌نور گردد و یک سوّم شب نیز.
۱۳ آنگاه نگاه کردم و شنیدم عقابی که در آسمان می‌پرید، به صدای بلند فریاد زد که: «وای، وای، وای بر ساکنان زمین، به سبب صدای شیپورهای آن سه فرشته دیگر که می‌باید بنوازند.»

۹ و فرشته پنجم شیپورش را نواخت، و من ستاره‌ای را دیدم که از آسمان به زمین افتاده بود و کلید چاه هاویه به او داده شده بود. ۲ او چاه هاویه را گشود، و از آن دودی چون دود کوره‌ای عظیم برخاست و آفتاب و هوا از دود چاه تاریک گشت. ۳ و از میان دود، ملخها به روی زمین آمدند و به آنها قدرتی چون قدرت عقربهای زمین داده شد، ۴ و به آنها گفته شد که به سبزه‌های زمین و نه به هیچ گیاه یا درختی، آسیب نرسانند، بلکه فقط به کسانی آسیب رسانند که مُهر خدا را بر پیشانی‌شان ندارند. ۵ و به آنها اجازه داده شد که آن کسان را برای پنج ماه شکنجه دهند، لیکن آنان را نکشند و شکنجه ایشان

**۸.۱۱** افسنتین گیاهی است که عصاره‌اش بسیار تلخ است **۹.۱** در متن یونانی، چاه بی‌انتها

به شکنجه نیش عقرب می‌مانست، هرگاه که انسان را بگزد. ٦ و در آن روزها مردم مرگ را طلب خواهند کرد، امّا آن را نخواهند یافت؛ آرزوی مرگ خواهند کرد، امّا مرگ از آنها خواهد گریخت.

٧ و آن ملخها به اسبهایی شباهت داشتند آماده به جنگ. بر سرشان چیزی بود شبیه تاجهای طلا و چهره‌هایشان به شباهت چهره انسان بود. ٨ موهایی چون موی زنان داشتند و دندانهایی چون دندان شیران. ٩ و سینه‌پوشها داشتند چون سینه پوشهای آهنین، و صدای بالهایشان چون غرّش ارابه‌های اسبهای بسیار بود که به جنگ بشتابند. ١٠ دُمها و نیشهایی داشتند چون عقرب، و در دُمهایشان قدرت آن بود که پنج ماه به مردم آزار رسانند. ١١ و پادشاهی داشتند که فرشته هاویه بود که نام وی در عبرانی 'اَبَدون' است، و در یونانی 'آپولیون' نامیده می‌شود.

١٢ 'وایِ' اوّل گذشته است. اینک دو 'وایِ' دیگر هنوز باقی است.

١٣ و فرشته ششم شیپورش را نواخت، و من صدایی از چهار شاخ مذبحِ زرین که در پیشگاه خداست، شنیدم؛ ١٤ که به آن فرشته ششم که شیپور داشت، می‌گوید: «آن چهار فرشته را که بر رود بزرگ فُرات بسته شده‌اند، آزاد کن.» ١٥ پس آن چهار فرشته که برای همین ساعت و همین روز و همین ماه و همین سال آماده شده بودند، آزاد شدند تا یک سوّم آدمیان را بکشند. ١٦ و شماره لشکرشان دویست میلیون بود. من شماره ایشان را شنیدم.

١٧ و این است آنچه درباره اسبان و سوارانشان که در رؤیای خود دیدم که: جوشنهایی به رنگ سرخ آتشی و آبی کبود و زرد گوگردی به تن داشتند و سرهای اسبان چون سرهای شیران بود و از دهانشان آتش و دود و گوگرد بیرون می‌آمد. ١٨ از این سه بلای آتش و دود و گوگرد که از دهانشان بیرون می‌آمد، یک سوّمِ آدمیان کشته شدند. ١٩ زیرا قدرت اسبان در دهانشان و در دُمشان است چون دُمشان شبیه مارها با سرهایی است که به آنها زخمی می‌کنند.

٢٠ بقیه کسانی‌که از این بلاها کشته نشدند، از اعمال دستهای خود توبه نکردند و از پرستش دیوها و بتهای طلا و نقره و برنجین و سنگی و چوبین که نه می‌بینند و نه می‌شنوند و نه راه می‌روند، دست نکشیدند. ٢١ و نیز از آدمکُشی‌ها و جادوگری‌ها و بی‌عفتی‌ها و دزدی‌های خود توبه نکردند.

## فرشته و طومار کوچک

١٠ آنگاه فرشته نیرومند دیگری را دیدم که از آسمان فرود می‌آمد که پوشیده در ابری بود، و رنگین‌کمانی بر فراز سرش، و چهره‌اش مانند آفتاب بود و پاهایش چون ستونهای آتش. ٢ او طوماری کوچک و گشوده در دست خود داشت و پای راستش را بر دریا و پای چپش را بر خشکی گذاشت. ٣ و به صدایی بلند چون غرّش شیر فریاد زد. و چون فریاد زد، هفت رعد به صدا درآمده سخن گفتند. ٤ و چون آن هفت رعد سخن گفتند، آماده به نوشتن شدم؛ امّا صدایی از آسمان شنیدم که می‌گوید: «آنچه را که هفت رعد گفته‌اند، مُهر کن و آنها را منویس.»

**١١.٩** یعنی نابودی **١١.٩** یعنی نابودکننده **١٦.٩** در متن یونانی، دوx ده هزار مرتبه ده هزار

۵ آنگاه آن فرشته که دیدم بر دریا و خشکی
ایستاده بود، دست راستش را به آسمان بلند
کرد ۶ و سوگند خورد به او که تا به ابد زنده
است که آسمان و هر چه در آن است و
زمین و هر چه در آن است و دریا و هر
چه در آن است، را آفرید که: «بیش از این
تأخیری نخواهد بود. ۷ بلکه در روزهایی که
چون شیپور فرشته هفتم نواخته شود، سرّ
خدا تحقق خواهد یافت، چنانکه به خادمان
خود، انبیا، خبر داده است.»
۸ آنگاه آن صدایی که از آسمان شنیده بودم،
بار دیگر به من گفت: «برو و آن طومارِ
گشوده در دست آن فرشته را که بر دریا
و خشکی ایستاده است، بگیر.» ۹ پس به نزد
آن فرشته رفتم و به او گفتم که آن طومار
کوچک را به من بدهد. و او مرا گفت: «این
را بگیر و بخور! درونت را تلخ خواهد کرد، امّا
در دهانت چون عسل شیرین خواهد بود.»
۱۰ پس آن طومار کوچک را از دست فرشته
گرفتم و خوردم. در دهانم چون عسل شیرین
بود، امّا چون آن را خوردم، درونم تلخ شد.
۱۱ و به من گفته شد: «تو باز باید درباره
مردمان و ملّتها و زبانها و پادشاهان بسیار
نبوّت کنی.»

### دو شاهد

۱۱ آنگاه به من یک چوب اندازه‌گیری
مثل عصا داده شد و به من گفته
شد: «برخیز و معبد خدا و مذبح و شماره
پرستندگان آنجا را اندازه بگیر، ۲ ولی صحن
بیرونی معبد را اندازه مگیر، آن را از قلم
بیانداز، زیرا که به ملّتها داده شده است و
ایشان شهر مقدّس را چهل و دو ماه پایمال
خواهند کرد. ۳ و من به دو شاهد خود اجازه
خواهم داد که پلاس در بَر کرده، هزار و
دویست و شصت روز نبوّت کنند.» ۴ این دو،
همان دو درخت زیتون و همان دو چراغدان
هستند که در حضور خداوند زمین می‌ایستند.
۵ و اگر کسی بخواهد آسیبی به آنها برساند،
آتش از دهانشان بیرون می‌ریزد و دشمنانشان
را می‌بلعد. اگر کسی قصد آزار آنان کند،
اینچنین محکوم به کشته شدن می‌باشد. ۶ آنان
قدرت دارند که آسمان را ببندند، تا در روزهای
نبوّتشان باران نبارد و قدرت بر آبها دارند که
آن را به خون تبدیل کنند و زمین را هر چند
بار که بخواهند، به هر نوع بلا مبتلا سازند.
۷ و چون شهادت خود را به اتمام رسانند،
آن وحش که از هاویه برمی‌خیزد، با آنان
خواهد جنگید و بر آنان غالب شده، آنان را
خواهد کشت. ۸ و بدن‌های مرده ایشان در
میدان آن شهر بزرگ که به کنایه سُدوم و
مصر خوانده می‌شود، بر زمین خواهد ماند؛
جایی که خداوندشان مصلوب شد. ۹ تا سه روز
و نیم، مردمان از هر قوم و هر طایفه و هر
زبان و هر ملّت اجساد آنان را تماشا خواهند
کرد و نمی‌گذارند که بدن‌های ایشان را به قبر
بسپارند. ۱۰ و ساکنان زمین بر آنان خوشی و
شادی خواهند نمود و برای یکدیگر هدیه‌ها
خواهند فرستاد؛ زیرا که آن دو نبی، ساکنان
زمین را معذب ساخته بودند.
۱۱ امّا پس از سه روز و نیم، دَمِ حیات از
خدا به آنان وارد شد و بر پایشان ایستادند
و ترسی عظیم بر کسانی که آنان را مشاهده
کردند، مستولی شد. ۱۲ آنگاه صدایی بلند از
آسمان شنیدند که به آنها می‌گوید: «به اینجا

**۸.۱۱** در متن یونانی، از نظر روحانی

بالا بیایید!» و آنان در میان یک ابر به آسمان بالا رفتند و دشمنانشان آنها را مشاهده کردند.
۱۳ و در همان ساعت، زمین‌لرزه‌ای عظیم رخ داد و یک‌دهم شهر فرو ریخت و هفت هزار نفر در آن زمین‌لرزه کشته شدند و بازماندگان ترسان گشته، خدای آسمانها را جلال دادند.
۱۴ 'وایِ' دوّم گذشته است. اینک 'وایِ' سوّم به‌زودی خواهد آمد.

### شیپور هفتم

۱۵ آنگاه فرشته هفتم شیپورش را نواخت؛ و صداهایی بلند در آسمان واقع شد که می‌گفت:

«سلطنت جهان، از آنِ خداوند ما
و مسیح او شده است.
و او تا به ابد سلطنت خواهد کرد.»

۱۶ و آن بیست و چهار پیر که در پیشگاه خدا بر تختهای خود می‌نشینند، به روی افتادند و خدا را پرستش کرده، ۱۷ گفتند:

«تو را سپاس می‌گوییم
ای خداوندْ خدای قادر مطلق،
که هستی و بودی.
زیرا که قدرت عظیم خود را
به دست گرفته‌ای
و سلطنت آغاز کرده‌ای.
۱۸ قومها خشمگین شدند،
و خشم تو فرا رسید،
و زمان برای مردگان رسیده که
داوری شوند،
و تا خادمان تو، انبیا و مقدسین
و آنانی که از نام تو می‌ترسند،
از خُرد و بزرگ، پاداش گیرند،
و نابود کنندگان زمین نابود گردند.»

۱۹ آنگاه معبد خدا در آسمان گشوده شد؛ و صندوق عهد او در درون معبد وی نمایان گردید و برقها و صداها و غرّشِ رعد و زمین‌لرزه و تگرگِ سنگین واقع شد.

### زن و اژدها

۱۲ آنگاه علامتی عظیم در آسمان ظاهر شد: زنی که آفتاب به تن داشت و ماه زیر پایهایش و تاجی از دوازده ستاره بر سرش. ۲ او آبستن بود و از درد زایمان و عذاب زاییدن فریاد می‌زد. ۳ و علامتی دیگر در آسمان ظاهر شد: اینک اژدهای عظیم سرخ‌گون که هفت سر داشت و ده شاخ، و هفت تاج بر سرهایش بود. ۴ دُمش یک سوّم ستارگان آسمان را به پایین کشید و بر زمین ریخت. و اژدها پیش روی آن زن که در آستانه زایمان بود، ایستاد تا چون بزاید، فرزندش را ببلعد. ۵ آن زن پسری به دنیا آورد، که با عصای آهنین بر همه قومها حکومت کند، لیکن فرزندش به نزد خدا و نزد تخت او ربوده شد. ۶ و زن به بیابان گریخت، جایی که خدا برای او مهیا کرده بود تا در آنجا از او به مدت هزار و دویست و شصت روز نگهداری شود.

### شیطان به زمین انداخته شد

۷ و جنگ در آسمان برپا شد. میکائیل و فرشتگانش با اژدها جنگیدند و اژدها و فرشتگانش متقابلا با آنان جنگیدند، ۸ امّا شکست خوردند و دیگر مکانی در آسمان برایشان یافت نشد. ۹ و اژدهای عظیم به زیر انداخته شد، همان مار قدیمی که ابلیس و شیطان نام دارد که فریب دهنده تمامی جهان

**۵.۱۲** در متن یونانی، شبانی کند

می‌باشد. او بر زمین انداخته شد و فرشتگانش نیز با وی انداخته شدند.
۱۰ و صدایی بلند در آسمان شنیدم که می‌گفت:
«اکنون نجات و قدرت و پادشاهی خدای ما، و اقتدار مسیح او فرارسیده است. زیرا که آن مدّعیِ برادران ما که شبانه‌روز در پیشگاه خدای ما بر آنان تهمت می‌زند، به زیر افکنده شد.
۱۱ و آنان به وساطت خون بره و به کلام شهادت خود بر او غالب آمده‌اند. زیرا که جان‌های خود را دوست نداشتند، حتی تا به مرگ.
۱۲ پس شادی کنید ای آسمانها و ای ساکنان آنها! امّا وای بر تو، ای زمین و دریا، چون ابلیس با خشم عظیم بر شما فرود آمده است، زیرا که می‌داند زمانش کوتاه می‌باشد.»
۱۳ و چون اژدها دید که به زمین افکنده شد، به تعقیب آن زن که فرزند ذکور زاییده بود، پرداخت. ۱۴ امّا دو بال آن عقاب بزرگ به زن داده شد تا به جایگاهی در بیابان که برای او مهیا شده بود، پرواز کند تا دور از دسترس آن مار، زمانی و زمانها و نیم‌زمانی از او نگهداری شود. ۱۵ و مار از دهان خود آبی چون رود در پی آن زن ریخت تا سیلاب او را با خود ببرد. ۱۶ امّا زمین به یاری زن آمد و دهان خود را گشود و رودی را که اژدها از دهان خود ریخته بود، بلعید. ۱۷ آنگاه اژدها بر زن خشمگین گردید و روانه شد تا با دیگر فرزندان او که احکام خدا را اطاعت می‌کنند و شهادت عیسی را نگاه می‌دارند، بجنگد. ۱۸ پس او بر ساحل دریا به انتظار ایستاد.

### وحش اول

۱۳ و دیدم وحشی از دریا بیرون می‌آید که ده شاخ داشت و هفت سر، با ده تاج بر شاخ‌هایش؛ و نامهای کفرآمیز بر سرهایش.
۲ و آن وحش را که دیدم مانند پلنگ بود و پاهایش مثل پای خرس و دهانش مانند دهان شیر. و اژدها قدرت خود را و تخت خود را به او داد و اقتداری عظیم به او بخشید. ۳ یکی از سرهای او گویی زخمی مهلک برداشته بود، امّا آن زخم مهلک بهبود یافته بود و تمامی زمین در حیرت افتادند و در پی آن وحش رفتند. ۴ و اژدها را پرستش کردند زیرا که اقتدارش را به آن وحش داده بود و ایشان وحش را پرستش کرده، می‌گفتند: «کیست مانند این وحش و کیست که بتواند با او بجنگد؟»
۵ و به وحش دهانی داده شد که سخنان کبرآمیز و کفرآمیز بگوید، و اجازه یافت تا اقتدار خود را چهل و دو ماه به کار برد. ۶ پس دهان خود را به کفرگویی بر خدا گشود تا بر نام او و بر مسکن او، یعنی بر ساکنان آسمان، کفر گوید. ۷ همچنین به او اجازه داده شد که با مقدسین بجنگد و بر آنها پیروز شود؛ و به او اقتدار بر هر طایفه و ملت و زبان و قوم داده شد. ۸ و همه ساکنان زمین او را خواهند پرستید، یعنی همه کسانی که نامشان در آن دفتر حیات برّه که از بدو آفرینش جهان ذبح شده بود، ثبت نشده است.
۹ اگر کسی گوش دارد بشنود:
۱۰ اگر کسی می‌باید به اسارت برود،
به اسارت خواهد رفت.
اگر کسی می‌باید به شمشیر کشته شود،
به شمشیر کشته خواهد شد.
اینجاست دعوت مقدسین به پایداری و ایمان.

### وحش دوّم

۱۱ آنگاه دیدم وحشی دیگر از زمین بیرون
می‌آید و دو شاخ مثل شاخ‌های برّه داشت و
مانند اژدها سخن می‌گفت. ۱۲ و با تمام اقتدار
وحش اوّل در حضورش عمل می‌کرد، و زمین
و ساکنانش را به پرستش وحش اوّل که از
زخم مهلکش بهبود یافته بود، وادار می‌ساخت.
۱۳ و معجزات عظیم به عمل می‌آورد، حتی
در حضور مردم آتش از آسمان بر زمین
فرود می‌آورد. ۱٤ و به سبب معجزاتی که اجازه
داشت در حضور آن وحش به عمل آورد،
ساکنان زمین را فریب می‌داد و به آنها می‌گفت
که تمثالی از آن وحش بسازند که به شمشیر
زخمی شده، لیکن هنوز زنده بود. ۱۵ و به او
اجازه داده شد که در تمثال آن وحش بدمد تا
تمثال وحش سخن گوید و باعث شود که همه
کسانی که تمثال وحش را پرستش نمی‌کردند،
به قتل برسند. ۱٦ همچنین، همه کسان، از
خُرد و بزرگ و ثروتمند و فقیر و آزاد و غلام
را وامی‌داشت تا بر دست راست خود یا بر
پیشانی خویش علامت گذارند. ۱۷ تا هیچ‌کس
نتواند بدون آن علامت بخرد یا بفروشد، و آن
علامت، نام آن وحش، یا عدد نام او می‌باشد.
۱۸ و این حکمت می‌طلبد. بگذار هر که فهم
دارد، عدد آن وحش را محاسبه کند، زیرا که
آن، عدد انسان است. و عدد او ششصد و
شصت و شش می‌باشد.

### بره و یکصد و چهل و چهار هزار نفر

۱٤ آنگاه نظر کردم و اینک برّه بر کوه
صهیون ایستاده بود و با وی یکصد
و چهل و چهار هزار نفر که نام او و نام پدر او
را بر پیشانی خود نوشته داشتند. ۲ و صدایی از
آسمان شنیدم چون غرّش آبهای بسیار و چون
صدای بلند رعد؛ و آن صدایی که شنیدم به
صدای چنگ‌نوازان می‌ماند که چنگهای خود
را بنوازند. ۳ و ایشان سرودی تازه در پیشگاه
آن تخت و در حضور آن چهار موجود زنده
و آن پیران می‌سراییدند و هیچ‌کس نتوانست
آن سرود را بیاموزد، به جز آن یکصد و چهل
و چهار هزار نفر که از زمین بازخرید شده
بودند. ٤ اینان همان کسانی هستند که خود
را با زنان آلوده نساخته‌اند، زیرا که باکره‌اند. و
اینان هستند که برّه را هر کجا که رود، دنبال
می‌کنند. اینان از میان مردم همچون نوبر برای
خدا و برّه بازخرید شده‌اند. ۵ و هیچ دروغی در
دهانشان یافت نشد، زیرا که بی‌عیب هستند.

### پیامهای سه فرشته

٦ آنگاه فرشته‌ای دیگر دیدم که با انجیلی
ابدی در وسط آسمان پرواز می‌کرد تا ساکنان
زمین را از هر قوم و طایفه و زبان و ملت
بشارت دهد. ۷ و او به صدای بلند گفت: «از
خدا بترسید و او را جلال دهید، زیرا که ساعت
داوری او رسیده است و او را بپرستید، او را
که آسمان و زمین و دریا و چشمه‌های آب را
آفرید.»
۸ و فرشته دوّمی از پی او آمده، می‌گفت:
«سقوط کرد، آن بابِل عظیم سقوط کرد،
او که همه ملتها را وادار ساخت تا از شراب
شهوت زنای وی بنوشند.»
۹ و فرشته سوّمی از پی آن دو آمد که به
صدای بلند می‌گفت: «اگر کسی آن وحش و
تمثال او را بپرستد و نشان او را بر پیشانی یا بر
دست خود بپذیرد، ۱۰ او نیز از شراب غضب
خدا که به قوّت بسیار در پیاله خشم او ریخته
شده، خواهد نوشید و در حضور فرشتگان
مقدّس و در حضور برّه با آتش و گوگرد در

عذاب خواهد شد. ۱۱ و دود عذاب آنان تا
ابد به بالا خواهد رفت و برای پرستندگان آن
وحش و تمثال او و هر کس که نشان نام او
را می‌پذیرد، شب و روز آرامی نخواهد بود.»
۱۲ اینجاست دعوت به پایداری مقدّسین که
احکام خدا و ایمانشان در عیسی را حفظ
می‌کنند.
۱۳ و صدایی از آسمان شنیدم که می‌گفت،
«این را بنویس: خوشا به حال آنان که از این
پس در خداوند می‌میرند.»
و روح گفت: «به راستی خوشابه حال ایشان
که از زحماتشان آرامی خواهند یافت، زیرا که
اعمالشان از پی آنها خواهد آمد!»

### برداشتِ محصول زمین

۱۴ آنگاه نگاه کردم، و اینک ابری سفید
پدیدار شد که بر آن ابر کسی چون پسر انسان
نشسته بود و تاجی از طلا بر سر و داسی
تیز در دستش داشت. ۱۵ و فرشته‌ای دیگر
از معبد بیرون آمد و به صدای بلند به او
که بر ابر نشسته بود، گفت: «داس خود را
بردار و درو کن، زیرا که زمانِ درو رسیده و
محصول زمین آماده برداشت است.» ۱۶ پس
آن ابرنشین داسِ خود را بر روی زمین گردانید
و زمین درو شد.
۱۷ سپس فرشته‌ای دیگر از معبدی که در
آسمان است، بیرون آمد و او نیز داسی تیز
داشت. ۱۸ و فرشته‌ای دیگر از مذبح بیرون
آمد که بر آتش اختیار داشت و به صدایی
بلند به آن که داس تیز داشت، گفت: «داس
خود را بردار و خوشه‌ها را از تاک زمین بچین،
زیرا که انگورهایش رسیده است.» ۱۹ پس
آن فرشته داسش را بر روی زمین گردانید و
انگورهای زمین را چیده و در چَرخُشت بزرگ
غضب خدا ریخت. ۲۰ و آن چَرخُشتْ بیرون
از شهر لگدکوب شد و خون از چَرخُشت تا
به بلندی افسار یک اسب به مسافت هزار و
ششصد پرتابِ تیر جاری شد.

### هفت فرشته با هفت بلا

۱۵ و نشانه‌ای دیگر، عظیم و
شگفت‌انگیز، در آسمان دیدم:
هفت فرشته با هفت بلا که آخرین هستند -
زیرا که با آنها غضب خدا به آخر می‌رسد.
۲ و چیزی دیدم مثل دریایی از شیشه که
با آتش آمیخته باشد، و کسانی را که بر
آن وحش و بر تمثال او و بر عدد نام او
پیروز شده بودند، که در کنار دریای شیشه
ایستاده و چنگهای خدا را در دست داشتند.
۳ و ایشان سرود موسی، خادم خدا و سرود برّه
را می‌خوانند و می‌گویند:

«عظیم و شگفت‌انگیز است کارهای تو،
ای خداوندْ خدای قادر مطلق.
عدل و حق است راههای تو،
ای پادشاه ملّتها.
۴ کیست که از تو نترسد، ای خداوند،
و نام تو را جلال ندهد؟
زیرا تنها تو قدّوسی.
همه قومها خواهند آمد
و تو را خواهند پرستید،
زیرا که کارهای عادلانه تو
آشکار شده است.»

۵ پس از آن دیدم که قدسِ خیمه شهادت
در آسمان گشوده شد، ۶ و از قدس هفت

**۱۲.۱۴** در متن یونانی، و ایمانِ عیسی **۲۰.۱۴** در یونانی، واژه "استادیا" به کار برده شده که هر استادیا معادل ۱۸۵ متر است **۵.۱۵** یا، معبد

فرشته با هفت بلا بیرون آمد که کتانی پاک و روشن به تن و شالی زرّین به دور سینه داشتند.
۷ و یکی از آن چهار موجود زنده، هفت پیاله زرّین به آن هفت فرشته داد، پُر از غضب خدایی که تا ابد زنده است. ۸ و قدس از جلال و قدرت خدا به دود پُر شد، و تا هفت بلای آن هفت فرشته به انجام نرسید، هیچ‌کس نتوانست به قدس وارد شود.

## هفت پیاله غضب خدا

۱۶ آنگاه صدایی بلند از معبد شنیدم که به آن هفت فرشته می‌گوید: «بروید و هفت پیاله غضب خدا را بر زمین بریزید.»
۲ پس فرشته اوّل رفت و پیاله خود را بر زمین ریخت، و زخمهای پرگزند و دردناک بر مردمی که علامت آن وحش را داشتند و تمثال او را می‌پرستیدند، پدیدار شد.
۳ و فرشته دوّم پیاله خود را به دریا ریخت، و دریا همانند خون یک لاشه گردید و همه جانداران دریا مُردند.
۴ و فرشته سوّم پیاله خود را بر رودخانه‌ها و چشمه‌های آب ریخت، و آنها به خون تبدیل شدند. ۵ و شنیدم فرشته‌ای که بر آبها گمارده شده بود، می‌گوید:

«تو عادل هستی، ای قدّوس،
تو که هستی و بودی،
زیرا که این داوریها را تو به جا آوردی،
۶ چونکه آنان
خون مقدسین و انبیا را ریختند،
و تو به آنان خون دادی تا بنوشند
که سزایشان همین است!»

۷ و شنیدم که مذبح می‌گوید:

«آری، ای خداوندْ خدای قادر مطلق،
حق و عدل است، داوری‌های تو.»

۸ و فرشته چهارم پیاله خود را بر آفتاب ریخت، و به آن اجازه داده شد تا مردم را به آتش بسوزاند. ۹ و ایشان از شدت گرما سوختند و نام خدا را که قدرت بر این بلاها دارد، ناسزا گفتند. آنها توبه نکردند و او را جلال ندادند.
۱۰ و فرشته پنجم پیاله خود را بر تخت آن وحش ریخت و قلمرو او در تاریکی فرو رفت. مردم از درد، زبانهای خود را گاز می‌گرفتند.
۱۱ و به سبب درد و جراحات خود، خدای آسمان را ناسزا می‌گفتند. آنها از اعمال خود توبه نکردند.
۱۲ و فرشته ششم پیاله خود را بر رود عظیم فرات ریخت و آب آن خشکید تا راه برای پادشاهان مشرق مهیا شود. ۱۳ و دیدم که سه روح خبیث مانند قورباغه‌ها از دهان اژدها و از دهان آن وحش و از دهان نبی دروغین بیرون می‌آیند. ۱۴ زیرا آنها ارواح دیوهایند که معجزات انجام می‌دهند و نزد پادشاهان تمام جهان می‌روند تا آنان را برای نبرد روز عظیم خدای قادر مطلق گرد هم آورند.
۱۵ «اینک چون دزد می‌آیم! خوشا به حال آن که بیدار مانده، لباس خود را بر تن می‌دارد، مبادا عریان راه رود و برهنه دیده شود.»
۱۶ و آنان، پادشاهان زمین را در جایی که به عبری 'حارمَگِدّون' خوانده می‌شود، گرد هم آوردند.

## پیاله هفتم

۱۷ و فرشته هفتم پیاله خود را در هوا ریخت و صدایی بلند از معبد آسمان و از تخت برآمد که می‌گفت: «تمام شده است!» ۱۸ و

**۹.۱۶** در متن یونانی، کفر، همچنین در آیات ۱۱ و ۲۱ **۱۶.۱۶** تپه‌های مجدّو در فلسطین شمالی

درخشش برقها و غرّش و صداهای رعد بود و زلزله‌ای عظیم، چنان زلزله‌ای عظیم که مانند آن از زمانی‌که انسان بر زمین بوده، هرگز واقع نشده است. [۱۹] و شهر بزرگ به سه قسمت تقسیم شد و شهرهای ملل سقوط کردند. و خدا بابِل عظیم را به یاد آورد و پیاله شرابِ غضبِ خروشان خود را به او نوشانید. [۲۰] و هر جزیره گریخت و کوهها یافت نشدند. [۲۱] و تگرگ‌های بزرگ از آسمان که هر یک تقریبا به وزن پنجاه کیلو بود، بر مردم بارید و ایشان خدا را به سبب این بلای تگرگ ناسزا گفتند، زیرا که بلایی بسیار سخت بود.

## فاحشه بزرگ و وحش

۱۷ آنگاه یکی از آن هفت فرشته که آن هفت پیاله‌ها را داشتند، آمد و به من گفت: «بیا تا مجازات آن فاحشه بزرگ را که بر آبهای بسیار نشسته است، به تو نشان دهم. [۲] او را که پادشاهان زمین با وی زنا کرده‌اند و از شراب زنای او ساکنان زمین مست شدند.»

[۳] پس او مرا در روح به بیابانی برد و زنی را دیدم که بر وحش سرخ‌رنگی نشسته که پُر از نامهای کفرآمیز بود، و هفت سر و ده شاخ داشت. [۴] و آن زن به لباس ارغوانی و سرخ آراسته و مزیّن به طلا و جواهرات و مرواریدها، پیاله‌ای زرّین به دست داشت که پُر از زشتی‌ها و ناپاکی‌های زنایش بود. [۵] و بر پیشانی او این نام مرموز نوشته شده بود: «بابِل عظیم، مادر فواحش و زشتی‌های زمین.» [۶] و دیدم که زن، مست از خون مقدسین و خون شهدای عیسی است.

چون او را دیدم، سخت متعجّب شدم. [۷] لیکن فرشته به من گفت: «چرا متعجّب شدی؟ به تو راز آن زن و آن وحش را که هفت سَر و ده شاخ دارد و زن را حمل می‌کند، خواهم گفت. [۸] آن وحش که دیدی، بود، و نیست، و به‌زودی از هاویه بر خواهد آمد و به هلاکت خواهد رفت. و ساکنان زمین، آنانی که نامشان از بنیاد عالم در دفتر حیات ثبت نشده است، از دیدن آن وحش در شگفت خواهند شد، زیرا که بود، نیست و خواهد آمد.

[۹] این ذهنی حکیم را می‌طلبد: آن هفت سَر، هفت کوه هستند که آن زن بر آنها نشسته است. [۱۰] و نیز ایشان هفت پادشاه هستند که پنج نفر سقوط کرده‌اند، یکی باقی است و آن دیگری هنوز نیامده است؛ و وقتی که بیاید، می‌باید اندک زمانی باقی بماند. [۱۱] و آن وحش که بود و نیست، هشتمین است لیکن به آن هفت تعلق دارد و به هلاکت می‌رود.

[۱۲] و آن ده شاخ که دیدی، ده پادشاه هستند که هنوز به پادشاهی نرسیده‌اند. امّا به مدّت یک ساعت به همراه آن وحش همانند پادشاهان قدرت خواهند یافت. [۱۳] آنان در فکر یکی هستند و قدرت و اقتدار خود را به وحش واگذار می‌کنند. [۱۴] ایشان با آن برّه جنگ خواهند نمود، و برّه بر آنان پیروز خواهد شد، زیرا او خداوندِ خداوندان و پادشاهِ پادشاهان است و آنانی که همراه وی هستند، خوانده‌شدگانند، برگزیده و وفادار.»

[۱۵] و فرشته مرا گفت: «آن آبها را که دیدی، جایی‌که فاحشه بر آنها نشسته است، ملتها و جماعتها و قومها و زبانها هستند. [۱۶] و آن ده شاخ که دیدی، ایشان و آن وحش، از فاحشه

**۶.۱۷** در متن یونانی، شاهدان برای عیسی

منزجر خواهند بود. ایشان او را متروکه و عریان
رها خواهند نمود و گوشت او را خواهند خورد
و او را به آتش خواهند سوزانید. ۱۷ زیرا خدا در
دلهای ایشان نهاده است که خواست او را به
عمل آورند و هم‌فکر شده، قدرت و حکومت
خود را به آن وحش بسپارند، تا آنگاه که کلام
خدا تحقق یابد. ۱۸ و آن زن که دیدی همان
شهر عظیم است که بر پادشاهان زمین تسلّط
دارد.»

## سقوط بابِل

۱۸ پس از آن، فرشته‌ای دیگر دیدم که
از آسمان فرود می‌آمد، و اقتداری
عظیم داشت و زمین از جلال او نورانی شد.
۲ و او به صدایی پُرقوّت فریاد برآورد که:
«سقوط کرد! بابِل عظیم سقوط کرد!
بابِل مسکن دیوها شده است،
میعادگاه هر روح ناپاک،
و جولانگاه هر پرنده ناپاک
و جانور منفور.
۳ زیرا که همه قومها
از شراب غضب‌آلود زنای وی
نوشیده‌اند.
و پادشاهان زمین با او زنا کرده‌اند،
و تاجران زمین از کثرت تجمّلات او
دولتمند شده‌اند.»
۴ آنگاه صدایی دیگر از آسمان شنیدم که
می‌گفت:
«ای قوم من، از این شهر بیرون آیید،
مبادا در گناهان او شریک شوید،
و مبادا در بلاهای او سهیم شوید،
۵ زیرا که گناهان وی تا به فلک رسیده،
و خدا شرارت او را به یاد آورده است.
۶ به او عوض دهید،
آنچه را او به دیگران عوض داده است.
و به سبب اعمالش
دوبرابر به او عوض دهید.
و در پیاله‌ای که آمیخته است،
دوبرابر بیامیزید.
۷ به همان اندازه که خود را جلال داد
و در تجمّل زندگی کرد،
او را همان اندازه عذاب و ماتم دهید،
زیرا که در دل خود می‌گوید،
”همچون ملکه می‌نشینم،
بیوه نیستم و هرگز ماتم را نخواهم دید.“
۸ از این سبب بلاهایش یک روزه
بر او خواهد شد،
بلای مرگ و ماتم و قحطی.
و به آتش خواهد سوخت.
زیرا قدرتمند است آن خداوندْ خدایی که
او را داوری کرده است.»
۹ و پادشاهان زمین که با او زنا کردند و
شریک تجمّل او شدند، چون دودِ سوختنِ او را
ببینند، بر او گریه و ماتم خواهند کرد. ۱۰ و از
ترسِ عذاب او، دور خواهند ایستاد و خواهند
گفت:
«افسوس، افسوس! تو، ای شهر عظیم،
ای بابِل، ای شهر قدرتمند!
که در یک ساعت مکافات تو رسید!»
۱۱ و بازرگانان زمین برای او گریه و ماتم
خواهند کرد، زیرا که دیگر کسی محموله آنان
را نمی‌خرد، ۱۲ محموله طلا و نقره و جواهرات
و مرواریدها و کتان نازک و پارچه ارغوان و
ابریشم و پارچه سرخ و انواع چوبهای معطر و
انواع ظروف عاج و انواع ظروف چوبی گرانبها
و مس و آهن و مرمرِ آنان را؛ ۱۳ و دارچین و
ادویه و بخورِ خوشبو و مُر و کندر و شراب
و روغن و آرد مرغوب و گندم و گاوان و

گوسفندان و اسبان و ارابه‌ها و غلامان، یعنی نفوس مردمان آنها را.
۱۴ و «حاصلی که جانت
اشتیاق آن داشت، از تو رفته است.
و همه دولت و شوکت تو
بر باد رفته است،
و هرگز باز نخواهد گشت.»
۱۵ و تاجرانِ این کالاها که از او دولتمند شدند، از ترس عذابی که او می‌کشد، دور خواهند ایستاد و گریه و ماتم خواهند کرد و خواهند گفت: ۱۶ «افسوس، افسوس! ای شهر عظیم،
که ملّبس به کتان نازک،
به ارغوان و سرخ،
و مزیّن به طلا و جواهرات
و مرواریدها بودی!
۱۷ زیرا که در یک ساعت
تمامی دولت تو تباه شده است.»
و همه ناخدایان کشتی و ملوانان و دریانوردان و همه آنانی که از دریا معاش می‌کنند، دور ایستادند. ۱۸ و چون دود سوختن او را دیدند، فریاد زدند که: «کدام شهر، همانند این شهر عظیم بوده است؟» ۱۹ و خاک بر سر خود ریخته، گریان و ماتم کنان فریاد برآوردند:
«افسوس، افسوس! ای شهر عظیم،
آن شهر که همه کشتی‌داران
از دولت او ثروت اندوختند،
در یک ساعت ویران شده است!
۲۰ ای آسمان بر او شادی کن!
شادی کنید،
ای مقدسین و رسولان و انبیا!
زیرا خدا دادِ شما را از او گرفته است.»
۲۱ آنگاه فرشته‌ای نیرومند، سنگی چون سنگ آسیابی بزرگ را گرفته، به دریا افکند و گفت:
«بابِل، شهر عظیم،
این چنین سخت افکنده خواهد شد
و دیگر هرگز یافت نخواهد گردید.
۲۲ و دیگر صدای چنگ‌نوازان و
سرایندگان،
نی‌زنان و شیپورنوازان
هرگز در تو شنیده نخواهد شد،
دیگر هیچ صنعتگری از هیچ صنعتی
در تو هرگز یافت نخواهد شد.
و دیگر صدای هیچ آسیابی
در تو هرگز شنیده نخواهد شد؛
۲۳ دیگر نور هیچ چراغی
در تو هرگز نخواهد تابید؛
و صدای هیچ عروس و داماد
در تو هرگز شنیده نخواهد شد.
زیرا تاجران تو بزرگان زمین بودند
و به جادوگری تو همه ملّتها گمراه شدند.
۲۴ و در او، خون انبیا و مقدسین،
و خون همه کسان که
بر زمین کشته شدند، یافت شد.»

### شادی در آسمان

۱۹ پس از آن، شنیدم صدایی را که به صدای بلند جماعتی عظیم مانند بود، که می‌گفتند:
«هَلِلویاه!
نجات و جلال و قدرت
از آنِ خدای ماست،
۲ زیرا که داوری‌های او حق و عدل است.

**۱.۱۹** به زبان عبری، یعنی: یهوه را بستایید یا ستایش بر خداوند

چرا که آن فاحشه بزرگ را
که زمین را با زنایش فاسد گردانید،
داوری کرده
و از او انتقام خون خادمان خود را
گرفته است.»
۳ و بار دیگر گفتند:
«هَلِلویاه!
دود از او تا به ابد برمی‌خیزد.»
٤ و آن بیست و چهار پیر و آن چهار موجود
زنده به روی درافتادند و خدا را که بر تخت
نشسته بود، پرستش کرده، گفتند:
«آمین. هَلِلویاه!»
٥ و صدایی از تخت برآمد که می‌گفت:
«سپاس گویید خدای ما را،
ای همه خادمان او،
و ای ترسندگان او،
خُرد و بزرگ!»

## جشن عروسی برّه

٦ آنگاه شنیدم که صدایی چون جماعتی
عظیم مثل غرّش آبهای بسیار و چون صدای
رعدهای شدید که می‌گفت:
«هَلِلویاه!
زیرا که خداوندْ خدای ما،
آن قادر مطلق، سلطنت می‌کند.
۷ پس شادی کنیم و به وجد آییم
و او را جلال دهیم،
زیرا عروسی آن برّه رسیده،
و عروس او خود را آماده ساخته است؛
۸ و کتان نفیس و درخشان و پاکیزه
به او بخشیده شد
تا خود را به آن بپوشاند.»
زیرا آن کتانِ پاک، اعمال صالحانه مقدسین
است.
۹ و فرشته مرا گفت: «این را بنویس: خوشا
به حال آنان که به جشن عروسی آن بَرّه دعوت
شده‌اند.» و مرا گفت: «اینها کلام راستین
خدا هستند!» ۱۰ آنگاه به پایش افتادم تا او را
بپرستم. امّا او مرا گفت: «چنین مکن! زیرا من
نیز خادم او هستم، چون تو و برادران تو که
شهادت عیسی را نگاه می‌دارند. خدا را بپرست!
زیرا شهادت عیسی، روح نبوّت است.»

## سوارکار اسب سفید

۱۱ آنگاه دیدم که آسمان گشوده شد و
اینک، اسبی سفید، که سوارش، امین و حق
خوانده می‌شود. او به عدالت حکم می‌کند
و می‌جنگد. ۱۲ و چشمانش چون شعله آتشِ
می‌ماند و بر سرش تاجهای بسیار است. و نامی
نوشته شده دارد که هیچ‌کس نمی‌داند، جز
خودش. ۱۳ و ردایی آغشته به خون به تن دارد
و نامی که به آن نام خوانده می‌شود، 'کلمهٔ
خدا' می‌باشد. ۱٤ و لشگرهای آسمان، آراسته
به کتان نازک و سفید و پاکیزه و سوار بر اسبان
سفید، از پی او می‌آمدند ۱٥ و شمشیری تیز از
دهانش بیرون می‌آید تا با آن قومها را بزند. و
بر آنان با عصای آهنین حکم خواهد راند. او
چَرخُشتِ شرابِ خشم و غضب خدای قادر
مطلق را پایمال خواهد کرد. ۱٦ و بر ردا و ران
وی نامی نوشته شده است: 'پادشاه پادشاهان
و خداوند خداوندان.'
۱۷ آنگاه فرشته‌ای دیدم که در آفتاب
ایستاده بود و به صدایی بلند همه پرندگانی را
که در آسمان پرواز می‌کردند، صدا زده، گفت:
«بیایید؛ برای جشن عظیم خدا گرد آیید، ۱۸ تا
از گوشت پادشاهان و سرداران و توانمندان
بخورید، و از گوشت اسبان و سوارانشان، و

از گوشت هر انسانی، از غلام و آزاد، و خُرد و بزرگ.»
۱۹ و وحش و پادشاهان زمین را با لشگرهایشان دیدم که گرد آمده بودند تا با آن سوار و لشگر او بجنگند. ۲۰ و آن وحش گرفتار شد و با وی آن نبی دروغین که در حضور او معجزات می‌کرد و با آنها کسانی را که علامت وحش را پذیرفته بودند و تمثال او را می‌پرستیدند، فریب داده بود. آنان هر دو، زنده به دریاچه آتش و گوگردِ مشتعل انداخته شدند. ۲۱ و باقی آنان به شمشیری که از دهان آن اسب‌سوار بیرون می‌آمد، کشته شدند و همه پرندگان از گوشت آنان سیر گشتند.

### هزار سال

۲۰ آنگاه دیدم که فرشته‌ای از آسمان فرود می‌آید، و کلید هاویه و زنجیری بزرگ به دست دارد. ۲ و او اژدها یعنی آن مار قدیمی را که ابلیس و شیطان است، گرفتار کرده، به مدّت هزار سال در بند گذاشت. ۳ و او را به هاویه انداخت و در را بر او بست و مُهر کرد تا قومها را دیگر فریب ندهد تا آن هزارسال به اتمام رسد و پس از آن به مدّت کوتاهی آزاد گردد.
٤ آنگاه تختهایی دیدم که بر آنها کسانی نشسته بودند که حق داوری به آنان سپرده شده بود. و نفوس کسانی را دیدم که به سبب شهادت عیسی و کلام خدا سرهایشان بریده شده بود و کسانی‌که وحش و تمثال او را نپرستیده، و علامت او را بر پیشانی و بر دست خود نپذیرفته بودند، زنده شدند و با مسیح هزار سال سلطنت کردند. ۵ و سایر مردگان زنده نشدند تا آن هزار سال به اتمام رسد. این است قیامت اوّل. ٦ مبارک و مقدّس است آنکه در قیامت اوّل سهمی دارد. بر آنان مرگ دوّم قدرتی ندارد، بلکه ایشان کاهنان خدا و مسیح خواهند بود و با او هزار سال سلطنت خواهند کرد.

### شکست شیطان

۷ و چون آن هزار سال به اتمام رسد، شیطان از زندان خود رهایی خواهد یافت ۸ و برای فریب قومها در چهارگوشه زمین، جوج و ماجوج را که شماره ایشان چون شنهای دریا است، برای جنگ گرد هم آورد. ۹ و ایشان بر پهنه زمین پیش رفتند و اردوگاه مقدسین و شهر محبوب را محاصره کردند. لیکن آتش از آسمان فرود آمد و ایشان را بلعید. ۱۰ و ابلیس، که آنان را فریب داده بود، به دریاچه آتش و گوگرد انداخته شد، جایی که وحش و نبی دروغین بودند. و ایشان روز و شب تا به ابد عذاب خواهند کشید.

### داوری در پیش تخت سفیدی بزرگ

۱۱ آنگاه تخت سفیدی بزرگ دیدم و کسی را که بر آن نشسته بود. و از حضور او آسمان و زمین گریختند و جایی برای آنها یافت نشد. ۱۲ و مردگان را دیدم، خُرد و بزرگ، که پیش تخت ایستاده بودند و دفترها گشوده شدند. سپس دفتری دیگر گشوده شد که دفتر حیات است و مردگان بر حسب اعمالشان، مطابق آنچه که در دفترها نوشته شده بود، داوری شدند. ۱۳ و دریا مردگانی را که در آن بودند، پس داد؛ مرگ و عالمِ اموات، مردگانی را که در

**۸.۲۰** این دو نام از حزقیال ۳۸ و ۳۹ می‌باشند که در آنجا جوج، فرمانروای اعظم سرزمین ماجوج است. در اینجا اشاره به موجودات اهریمنی می‌باشند

آنها بودند، پس دادند، و هر یک از آنان بر حسب اعمالی که انجام داده بود، داوری شد. ۱٤ آنگاه مرگ و عالم اموات به دریاچه آتش انداخته شدند. این است مرگ دوّم. ۱۵ و هر که نامش در دفتر حیات نوشته نشده بود، به دریاچه آتش انداخته شد.

### آسمان و زمین جدید

۲۱ آنگاه آسمانی جدید و زمینی جدید دیدم، زیرا آسمان اوّل و زمین اوّل درگذشته بود و دیگر دریا نبود. ۲ و شهر مقدّس، اورشلیم جدید را دیدم که از آسمان، از جانب خدا پایین می‌آمد، آماده شده همچون عروسی که برای شوهر خود آراسته شده باشد.

۳ و از تخت، صدایی بلند شنیدم که می‌گفت: «اینک، مسکن خدا با آدمیان است، و او با آنها ساکن خواهد شد؛ و ایشان قوم او خواهند بود، و خود خدا با ایشان چون خدای ایشان خواهد بود. ٤ او هر اشکی را از چشمان آنها پاک خواهد کرد. و دیگر مرگ نخواهد بود؛ و ماتم و گریه و درد وجود نخواهد داشت، زیرا چیزهای اوّل درگذشته است.»

۵ و آن تخت‌نشین گفت: «اینک همه چیز را نو می‌سازم.» و نیز گفت: «اینها را بنویس، زیرا این سخنان در خور اعتماد است و راست.» ٦ و مرا گفت: «انجام شد! من 'الف' و 'یا' و ابتدا و انتها هستم. به تشنه‌گان، از چشمه آب حیات به‌رایگان خواهم داد. ۷ هر که غالب آید، این میراث را خواهد داشت، و من خدای او خواهم بود و او پسر من خواهد بود. ۸ امّا نصیب ترسندگان و بی‌ایمانان و مفسدان و آدمکشان و بی‌عفتان و جادوگران و بت‌پرستان و همه دروغگویان، دریاچه مشتعل به آتش و گوگرد خواهد بود. این مرگ دوّم است.»

### اورشلیم جدید

۹ آنگاه یکی از آن هفت فرشته که هفت پیاله پر از هفت بلای آخر را داشتند، آمد و به من گفت: «بیا! من عروس، یعنی همسر بَرّه را به تو نشان خواهم داد.» ۱۰ و مرا در روح به فراز کوهی بزرگ و بلند برد و شهر مقدّس اورشلیم را به من نشان داد که از آسمان از جانب خدا فرود می‌آمد. ۱۱ و جلال خدا از آن می‌تابید و درخشندگیش مانند گوهری بسیار گرانبها، همچون یشم، و شفاف چون بلور بود. ۱۲ و دیواری بزرگ و بلند با دوازده دروازه داشت و دوازده فرشته نزد دروازه‌هایش بودند. و بر آن دروازه‌ها نامهای دوازده قبیله بنی‌اسرائیل نوشته شده بود. ۱۳ سه دروازه در سمت مشرق، سه دروازه در سمت شمال، سه دروازه در سمت جنوب و سه دروازه در سمت مغرب قرار داشت. ۱٤ و دیوار شهر دارای دوازده بنیاد بود که بر آنها نام دوازده رسول برّه نوشته شده بود.

۱۵ و آن که با من سخن می‌گفت، میله اندازه‌گیری از طلا داشت تا شهر و دروازه‌ها و دیوارهای آن را اندازه‌گیری کند. ۱٦ شهر به شکل مربع، و طول و عرض آن یکسان بود و او شهر را با آن میله اندازه گرفت. طول و عرض و ارتفاع شهر با هم مساوی و برابر با دوازده هزار پرتابِ تیر بود. ۱۷ و ضخامت دیوارش صد و چهل و چهار ذِراع اندازه‌گیری شد، یعنی به مقیاس انسان که

**۳.۲۱** یا، معبد **۱٦.۲۱** در یونانی، دوازده هزار استادیا به کار برده شده و هر استادیا معادل ۱۸۵ متر است. این مقیاس، تقریبا معادل ۲۲۰۰ کیلومتر است. **۱۷.۲۱** در یونانی، هر ذراع معادل ٤۵ سانتیمتر است

فرشته به کار می‌برد. ۱۸ دیوار شهر از یشم ساخته شده بود، و شهر از طلای خالص و مانند شیشه شفاف بود. ۱۹ بنیاد دیوار شهر به هر نوع جواهر گرانبها تزیین شده بود. بنیاد اوّل از یشم بود، دوّمین از لاجورد، سوّمین از عقیق سفید، چهارمین از زمرّد، ۲۰ پنجمین از عقیق سرخ، ششمین از عقیق ارغوانی، هفتمین از زِبَرجَد، هشتمین از یاقوت نیلی، نهمین از یاقوت زرد، دهمین از عقیق سبز، یازدهمین از یاقوت ارغوانی و دوازدهمین از یاقوت بنفش. ۲۱ و آن دوازده دروازه، دوازده مروارید بودند، هر یک از دروازه‌ها از یک مروارید ساخته شده بود. و میدان شهر از طلای خالص و مانند شیشه، شفاف بود.

۲۲ معبدی در شهر ندیدم، زیرا خداوندْ خدای قادر مطلق و بَرّه، معبد آن است. ۲۳ و شهر نیازی به آفتاب یا ماه ندارد که بر آن بتابند زیرا جلال خدا به آن نور می‌دهد و برّه چراغ آن است. ۲۴ و قومها در نور آن راه خواهند رفت و پادشاهان زمین، جلال خود را به آنجا خواهند آورد. ۲۵ و دروازه‌های آن هرگز در روز بسته نخواهد شد - در آنجا شب نخواهد بود. ۲۶ و جلال و عزّت قومها به آنجا آورده خواهد شد. ۲۷ لیکن هیچ چیزِ ناپاک و کسی که مرتکب اعمال قبیح و دروغ شود، هرگز وارد آن نخواهد شد، فقط آنانی که در دفتر حیاتِ برّه ثبت شده‌اند.

### نهر آب حیات

۲۲ آنگاه آن فرشته نهر آب حیات را به من نشان داد که همچون بلور، شفاف بود و از تخت خدا و برّه جاری می‌شد ۲ و از وسط میدان شهر می‌گذشت. در دو طرف نهر نیز درخت حیات بود که دوازده بار میوه می‌داد، یعنی هر ماه یک بار. و برگهای آن درخت برای شفای قومها بود. ۳ دیگر چیزی ملعون در آنجا نخواهد بود و تخت خدا و برّه در آن شهر خواهد بود و خادمانش او را خواهند پرستید. ۴ آنها روی او را خواهند دید و نام او بر پیشانی آنها خواهد بود. ۵ و دیگر شب نخواهد بود و به نور چراغ یا آفتاب نیاز نخواهند داشت، زیرا خداوندْ خدا نور آنها خواهد بود و آنها تا به ابد سلطنت خواهند کرد.

### عیسی می‌آید

۶ و او مرا گفت: «این سخنان امین و راست است و خداوند، خدای ارواح انبیا، فرشته خود را فرستاده تا آنچه را که می‌باید به زودی واقع شود، به خادمان خود نشان دهد.»

۷ «و اینک به‌زودی می‌آیم! خوشا به حال کسی که کلام نبوّت این کتاب را نگاه می‌دارد.»

۸ من، یوحنا، همان کسی هستم که این چیزها را شنیدم و دیدم. و چون آنها را شنیدم و دیدم، پیش پاهای آن فرشته که آنها را به من نشان داد، افتادم تا سجده کنم. ۹ امّا او به من گفت: «چنین نکن! من نیز با تو و برادران تو، انبیا، و آنان که کلام این کتاب را نگاه می‌دارند، هم خدمت هستم. خدا را بپرست.»

۱۰ و به من گفت: «کلام نبوّت این کتاب را مُهر نکن زیرا وقت، نزدیک است. ۱۱ بگذار شخص بدکار کماکان بدی کند و مفسد، کماکان فساد نماید؛ صالح، کماکان نیکویی کند و مقدّس، کماکان مقدّس بماند.»

۱۲ «اینک به‌زودی می‌آیم و پاداش من با من است تا هر کس را بر حسب اعمالش جزا دهم. ۱۳ من هستم 'الف' و 'یا'، اوّل و آخر، و ابتدا و انتها.»

۱۴ خوشا به حال آنانی که ردای خود را
می‌شویند تا حقِ دسترسی به درخت حیات را
بیابند و از دروازه‌ها به آن شهر داخل شوند.
۱۵ سگها و جادوگران و بی‌عفتان و آدمکشان
و بت‌پرستان و هر که دروغ را دوست می‌دارد
و آن را به عمل می‌آورد، بیرون می‌باشند.
۱۶ «من، عیسی، فرشته خود را نزد شما
فرستادم تا برای کلیساها، این چیزها را به شما
شهادت دهد. من ریشه و نسل داوود و ستاره
درخشان صبح هستم.»
۱۷ روح و عروس می‌گویند: «بیا!»
هر که می‌شنود، بگوید: «بیا!»
هر که تشنه است، بیاید؛
و هر که طالب است، از آب حیات به
رایگان بگیرد.
۱۸ من به هر کس که کلام نبوّت این کتاب
را می‌شنود، هشدار می‌دهم که اگر کسی چیزی
بدان بیفزاید، خدا بلاهای نوشته شده در این
کتاب را بر او خواهد افزود. ۱۹ و اگر کسی از
کلام نبوّت این کتاب چیزی کم کند، خدا او را
از درخت حیات و از شهر مقدّس، که در این
کتاب گفته شده است، بی‌نصیب خواهد کرد.
۲۰ او که بر این امور شهادت می‌دهد،
می‌گوید: «به یقین، به‌زودی می‌آیم.»
آمین. بیا، ای خداوند عیسی!
۲۱ فیض خداوند عیسی با همه شما باد.
آمین.